



اتشارات دانشگاه تهران

۱۰۶۹

جلد دوم

باستان‌شناسی ایران باستان

تألیف

لوئی و اندریک

استاد دانشگاهی گاذ و پروفسور

با مقدمهٔ دمن گیوشن

ترجمه

می‌عنی بنام

استاد دانشگاه تهران

(فهرست آثارین انتشارات دانشگاه تهران)

- ۱
- | | | |
|------|------|---|
| » | ۴۰ | ۱- روش آموزش و پژوهش : ترجمه متوجه انضل |
| » | ۵۰ | - حلوق ایالت متحده : ترجمه حسین صفائی |
| » | ۱۲۰ | - استاد سهیور اروپاییان از ایران (ج ۱) : شلامعلی همایون |
| » | ۱۷۰ | - چشم‌شناسی (مهرباداران) : طاهره مدرس زاده وحمنی |
| » | ۹۰ | - اکولوژی پوشش زنده خاک : محمد جواد بیمندی نژاد |
| ریال | ۱۰۰ | - شیوه ارای دانشگاه (ج ۲) : یحیی عبله - منصور عابدینی |
| » | ۲۰۰ | - چوب‌شناس و محتای چوب (ج ۱) : رضا حجاری |
| » | ۱۴۰ | - باشیانی ج ۱ (چاپ‌چهارم) : حسن شیبانی |
| » | ۱۲۰ | - مجموعه متنوی‌های حکیم سنائی : محمد تقی سدرس رضوی |
| » | ۱۲۰ | - پیماری خون : دکتر اسکندر اخوان ذاکری |
| » | ۱۰۰ | - تاریخ ادبیات انگلیس (چاپ چهارم) : لطفعلی صورتگر |
| » | ۹۰ | - من شناخت فلزات : علی نقی اخوان نیاکنی |
| » | ۱۲۰ | - مatar گان و میهربوردی : محمد تعلیمی |
| » | ۲۴۰ | - بررسی اقلایم حیاتی ایران : حبیب الله ثابتی |
| » | ۶۰ | - نظریه‌های اقتصادی در قرن پیشتم : متوجه زندی حقیقی |
| » | ۷۰ | - ویروس‌شناسی عمومی : دکتر حسین میرشمسی |
| » | ۱۰۰ | - سیر اندیشه اقتصادی : بالر تدبری اصلی |
| — | | - تاریخ حقوق : علی پاشا صالح |
| » | ۱۶۰ | - تاریخ گذرهای اسلامی (ج ۱) : احمد گنجین معانی |
| » | ۹۰ | - پیماری‌های متفاوت : دکتر محمد ولائی |
| | | - لیبرست نسخه‌های خطی و عکس کتاب‌علانه الهیات (جلد دوم) : بهکوشن |
| » | ۹۰ | سید محمد باقر حجتی |
| » | ۸۲ | - گنجینه سخن (ج ۱) ذیح الله صفا |
| » | ۶۰ | - » (ج ۲) » |
| » | ۷۰ | - » (ج ۲) » |
| » | ۱۰۰ | - زبان و ادبیات پهلوی تا وادیا : ترجمہ سیف الدین نجم‌آبادی |
| » | ۱۰۰ | - احوال و آثار خوشنی‌سان (ج ۲) : مهدی بیانی |
| » | ۱۰۰ | - فهرست مقالات فارسی (ج ۲) : ایرج اشار |
| » | ۹۰ | - کلیات مقدماتی حقوق : مهدی کنی‌لما |
| » | — | - مازمان و مدیریت (چاپ پنجم) : علی محمد انتداری ، (ش ۱۱۸۱) |
| » | ۲۴۰ | - یادنامه بینووسکی : تدوین مجتبی سیوی و ایرج اشار ، (ش ۱۲۴۱) |
| » | ۱۴۰ | - مقاومت مصالح عالی : خسرو کریم پناهی ، (ش ۱۲۴۲) |
| » | ۱۳۰ | - تجزیه مواد غذائی : قرمان شمس ، (۱۲۴۳) |
| » | ۱۴۰۸ | - لیزیک برشکی الکتریستیه : دکتر ذیح الله عزیزی ، (ش ۱۲۴۴) |
| » | ۱۰۰ | - الکتروکاردیوگرافی (چاپ دوم) : دکتر ابوالقاسم برشکیان ، (ش ۶۲۲) |
| » | ۱۲۰ | - معیط دروثی برای دانشجویان سال سوم برشکی و دندانپزشکی : |
| » | ۶۰ | دکتر رحیم طباطبائی ، (ش ۱۲۴۵) |
| » | ۸۰ | - چشم‌شناسی دوران اول (چاپ دوم) : تریدون فرشاد ، (ش ۵۲۰) |
| » | ۷۰ | - راهنمای پیماری‌های اطفال : تأثیف هسلم ، ترجمه دکتر فرزین انتخاری (ش ۱۲۴۶) |

آثار دانشگاه تهران

شماره ۱۰۶۹

گنجینه باستان‌شناسی ایران

شماره ۲



تهران ۱۳۴۸

باستان‌شناسی ایران باستان

تألیف

لوئی واندبرگ

استاد دانشگاه‌های گان و بروکسل

با مقدمه رمن گیرشمن

ترجمه

عیسی بنام

استاد دانشگاه تهران

چاپ اول

۱۳۴۰

شماره مسلسل ۱۴۲۶

چاپ دوم و صحافی این کتاب در یکهزار و پانصد نسخه در شهریور ماه ۱۳۴۸
در چاپخانه دانشگاه تهران خاتمه پذیرفت
حق طبع این کتاب کاسه سال در انجمن انتشار اندیشه
و مستویت صحت مطالب ترجیح شده آن با مترجم است
برها : ۳۷۰ ریال



پیشگفتار استاد گیرشن

در دورانی که جوانها به تحقیقات درباره علوم رغبت بیشتر نشان میدهند، و گاهی امور مادی را پیش از امور معنوی قرار میدهند، وظيفة ما است که کاری را که آقای لوئی واندنبرگ، استاد جوان دانشگاه گاند، با شدت و حرارت مخصوصی انجام داده، مورد تشویق قرار دهیم.

هنگامی که بعضی از دولتها فعالیت‌های باستان‌شناسی را در آسیای غربی، کاملاً رها کرده، و یا لاقل محدود نموده‌اند، جای خوشوقتی است که کشور کوچکی مانند بلژیک، باین قبیل تحقیقات علمی علاقه‌زیاد نشان میدهد. آقای «واندن برگ» با کمک بسیار ناچیزی تحقیقات علمی خود را، که مایه افتخار اوست، بپایان رسانیده. غالباً پیاده، یا با دوچرخه، راه پیموده، گاهی زیر آسمان پرستاره خوابیده، و زمانی از خیمه‌ای، یا از خانه دهاتی محقری استفاده کرده، و باین طریق دشت‌های وسیع «پازارگاد»، و تخت جمشید، و شیرواز را پیموده، و نقشه‌ای دقیق از آثار باستانی تهیه کرده، و در این نقشه صد ها تپه تاریخی را، که در بعضی از آنها خود او کاوش نموده، با کمال دقیق یادداشت کرده است. در ضمن تفحصات اخیر خود، در سال ۱۹۵۷، فعالیت خود را به نواحی فارس و لرستان اختصاص داده، و اولین کسی بوده است که اطلاعات دقیق از ایام کهن نواحی جنوب و جنوب غربی ایران بما داده است.

میدانیم که کاوش‌های باستان‌شناسی در بین النهرين در سال ۱۸۴۲ شروع شد، و یک قرن از آن تاریخ گذشت، تا نوبت به نخستین کاوش‌های ایران رسید. البته هیئت علمی فرانسوی از سال ۱۸۹۷ در شوش شروع بکار کرد، و هنوز در همان ناحیه مشغول کار است، و حتی اگر تفحصات «دیولافوآ»^۱ را نیز در نظر بگیریم، فعالیت فرانسویها در ایران از این تاریخ هم بالاتر می‌رسد.

کشور اسلامی‌ها وجود تمدنی را ظاهر ماخته است که خصوصیات مشخصی داشته، و از ابتدا از یک سو تحت تأثیر تمدن همسایگان غربی، و از سوی دیگر زیر نفوذ عادات و رسوم مردم کوهستانی که در مشرق آن است قرار گرفته است.

بنابراین کاوش‌های باستان‌شناسی در ایران، بصورت جدی، فقط از تاریخ ۱۹۳۱، با هیئت

۱- دیولافوآ (Dieulafoy) باستان‌شناس و مهندس فرانسوی است که با تفاق همسرش از سال ۱۸۸۴

تا ۱۸۸۶ کاخ آپادانای شوش را از زیر خاک بیرون آورد.

فرانسوی در تپه گیان، و هیئت امریکائی در تپه حصار، و در تورنگ تپه شروع شد، و همت و پشتکارچند هیئت علمی باستان‌شناسی، که تعدادشان بسیار کمتر از تعداد هیئت‌هایی بود که در زمان بین دو جنگ در بین النهرين کار میکردند، موجب شد، که در مدت یک ربع قرن، وسایلی بوجود آید، که واندنبرگ در کتاب خود شرح آنرا داده است، بدون اینکه سعی کند آنرا تجزیه و تحلیل نماید. آرزوی مؤلف از روی‌توضیح منحصر باین بوده است که آنچه را که از نظر باستان‌شناسی در این زمینه‌ها انجام گرفته عرضه دارد. نتايجی که از تحقیقات باستان‌شناسان در ایران بدست آمده، در قسمت دوم این کتاب، با نظر کلی مورد بررسی قرار گرفته، و برای اولین بار در ایران، تقسیم بندی از حیث زمان در نظر گرفته شده است.

مؤلف تا آن انداره در کارخود دقت بخرج داده، که حتی کاوش‌های تجارتی یا فاچاق رانیز مورد مطالعه قرارداده، و اشیاء یا آثار را که بحسب اتفاق بدست آمده فراموش نکرده است. بنظر اینجا نسب هیچ محل تاریخی، که حتی فقط اطلاع مختصری از گذشته بدست داده باشد، فراموش نشده، و ارزش واقعی این کتاب از همینجا معلوم میشود. بنابراین کتاب آقای واندنبرگ، مانند صفحه روش و دقیقی، حاوی اطلاعات محدودی است که تا این تاریخ راجع بایران در اختیار ما گذاشته شده. در واقع، روی نقشه باستان‌شناسی ایران، که در حدود پنج برابر کشور فرانسه است، نواحی وسیعی هنوز بصورت لکه‌های بزرگ سفیدی دیده میشود. ناحیه شمال غربی ایران که مهد تمدن ماد و پارس بوده، و همچنین ناحیه شمال شرقی، از نظر کاوش‌هایی که باید در آن انجام گیرد، نسبت به نقاط دیگر در درجه اول اهمیت قرار دارد. راههایی که از آن دستجات مختلف انسانی وارد فلات ایران شده‌اند در همین دو ناحیه قرارداد.

مطلوب قابل توجه این است که کاوش‌های پیش از تاریخی، بیشتر از کاوش‌های دوران تاریخی مورد توجه واقع شده است. مثلاً در مورد تمدن مادها، و کاوش در اکباتان، پایتخت آنها هنوز مطالعات جدی و دقیقی انجام نگرفته است، و خاک برداری از روی این شهر قدیمی، که در محل شهر جدید همدان واقع است، از واجبات بشمار می‌رود. بعلاوه گذشته از کاوش‌های شوش و تخت جمشید، آثار دیگری از دوران هخامنشی تحت بررسی واقع نشده، و تمدن دوران اشکانی خیلی کم شناخته شده است.

مطالعه کتاب آقای واندنبرگ از یک سو برای اداره کل باستان‌شناسی کمک فوق العاده‌ای خواهد بود، و از طرف دیگر هیئت‌های خارجی را برای کاوش در ایران راهنمائی خواهد نمود. خدمتی که در مورد اخیر انجام خواهد گرفت، مخصوصاً از این جهت قابل توجه خواهد بود، که در سالهای اخیر، کشور ایران از نظر کاوش‌های باستان‌شناسی، در میان کشورهای خاورمیانه، مقام ارجمندی را باز یافته است. در واقع پس از جنگ دوم جهانی در سال ۱۹۴۶، فرانسه تنها کشوری بود که کاوش‌های علمی خود را در ایران برابر سنت‌های کهن خود ادامه میداد. فقط ده سال بعد هیئت دیگری از طرف موزه دانشگاه فیلادلفی در این کار علمی شریک شد، و به نتایج بسیار قابل توجهی رسید.

متن کتاب «تفحص باستان‌شناسی در نواحی ایران»، که بطور خلاصه خصوصیات نقاط تاریخی مختلف ایران را از نظر خواننده می‌گذراند، بیشتر توجه خودرا به پیدائی‌های پیش از تاریخی معطوف داشته است. با این حال راجع به مطالعات آثار مهم ساسانی، و خصوصاً آتشکده‌های آن زمان، و یک نقش برجسته که تا این تاریخ ناشناخته مانده بود، مطالعات دقیقی کرده.

من در مورد بعضی تاریخ‌هایی که برای بعضی دورانهای تمدن ایران پیشنهاد کرده، خصوصاً در مورد لرستان، و زیویه، و خوروین، با او موافق نیستم، و تصور می‌کنم آنها را کمی بالا برده است. ولی این مطلب جزو قسمت مربوط به تجزیه و تحلیل دورانهای تاریخی است، که مورد نظر اصلی مؤلف نبوده. نظری که مؤلف این کتاب داشته بخوبی انجام گرفته، و کتاب او در تاریخ باستان‌شناسی ایران مقام ارجمندی را حائز شده است.

قابل توجه ترین خدمتی که آقای واندنبر گ انجام داده این است، که خودرا وقف باستان‌شناسی ایران نموده. و در میان باستان‌شناسان او تنها کسی است که چنین کاری کرده، و از آن مهمتر اینکه در شهر «گاند» به آموزش باستان‌شناسی ایران پرداخته، و این تنها دانشگاهی است که بصورت مستقل، آموزش باستان‌شناسی ایران را در برنامه خود گنجانیده است. کتابی که بما معرفی می‌نماید بهترین گواهی بر زمینه محکمی است که تاکنون در این راه کسب کرده، و با اجازه خواهد داد در آینده یکی از بهترین متخصصان این موضوع گردد.

شوش - نوامبر ۱۹۵۸

د. گرشنمن

پیش‌گفتار مؤلف

وقتی سالنامه انجمن «اکس اوریانته لوکس»^۱ را در سال ۱۹۵۴، بصورت یک برسی نسبی مربوط به تحقیقات باستان‌شناسی در ایران معرفی نمودیم، نظراین بود که خلاصه‌ای از کاربرایکه با وسعت بیشتری در نظر داشتیم دراین زمینه انجام دهیم عرضه داریم.

ما در این کار مورد تشویق شایان قرار گرفتیم، زیرا از یکسو نظرهای موافقی راجع به این موضوع داده شد، و از سوی دیگر هیچ کتابی تاکنون نوشته نشده بود که خواننده را از نظری که ما برای انجام این کار داشتیم قانع نماید.

برای تهیه کتابی که امروز در دسترس خوانندگان قرار می‌گیرد، از تفحصات و کاوش‌هایی که روی خاک ایران شخصاً انجام داده‌ام استفاده زیاد شده است. در واقع این موقعیت برای من پیش‌آمد، که بتوانم در تمام نقاط ایران مسافت نمایم، و از تعداد زیادی از این کشور عکسبرداری نموده آنها را از نزدیک مطالعه کنم. کتاب «باستان‌شناسی ایران کهن» بیشتر مورد استفاده اشخاصی قرار خواهد گرفت، که مایل باشند آثار قدیم ایران را بررسی نمایند. این اشخاص خواهند توانست در مرحله اول با تاریخ تحقیقاتی که از نیمة دوم قرن ۱، میلادی در ایران شده آشنائی پیدا کنند. در واقع فقط از آن تاریخ است، که کار باستان‌شناسی در ایران، با اصول علمی دقیق انجام گرفت. سپس خواهند توانست راجع بوضع کنوی تحقیقات مذبور در زمینه‌های مختلف، مانند کاوش‌ها و گمانهزنی‌های علمی، و تفحصات باستان‌شناسی، یا زبان‌شناسی، کاوشهای تجاری و قاچاق، پیدایش‌های اتفاقی اشیائی که محل کشف آنها معلوم است و کشف نقوش برجسته، و کتبیه‌های روی سنک، و آثار اینیه قدیم نظر جامعی پیدا کنند. در میان این موضوع‌های متعدد آنچه را که مهمتر و مشخص‌تر بود مورد توجه قراردادیم.

ما مطالعات خود را تا حدود کنوی ایران محدود نمودیم، و آنچه را که «ایران خارجی» نامیده‌اند کنار گذاشته‌ایم، از نظر قدمت، کار ما شامل قرن‌هایی است، که از آغاز ایجاد تمدن در ایران، تا هجوم عرب، واقع شده، و باین طریق از دورانهای پیش از تاریخی، و ایلامی، و پیش از هخامنشی، و سلوکی، و اشکانی، و سasanی، صحبت خواهیم کرد.

ما مطالعات خود را طبق تقسیمات جغرافیائی طبقه‌بندی کرده‌ایم، و اینطور بنظر ما میرسد، که این

روش پیش از همه به باستان‌شناسان اجازه خواهد داد، که تحقیقات خودرا با اطمینان بیشتری دنبال کنند.
بنا بر این، با در نظر گرفتن وضع جغرافیائی ایران، ما ایالات زیر را متناولباً تحت مطالعه قرار خواهیم داد:

- ۱- ایالات کنار دریای خزر: گیلان، مازندران، گرگان یا استرآباد.
- ۲- ایالات شرقی: خراسان و سیستان.
- ۳- ایالات جنوب شرقی: بلوچستان و کرمان.
- ۴- ایالات جنوبی: لارستان و خوزستان.
- ۵- ایالات غربی: لرستان و کردستان.
- ۶- ایالت شمال غربی: آذربایجان.
- ۷- ایالت مرکزی: عراق عجم.

این نواحی با تقسیمات سیاسی امروزی ایران کاملاً تطبیق نمیکند. در واقع در سالهای ۹۳۷، تا ۹۵۰ ایران را به ده استان تقسیم کرده‌اند، که حدود آن همیشه با ایالات طبیعی آن برابر نیست. علت اینکه تقسیمات طبیعی و قدیمی را انتخاب کرده‌ایم این است؛ که هر کدام از این نواحی از نظر تاریخی اهمیت مخصوصی داشته است. بعلاوه این روش، کار مطالعه ما را بسیار آسان میکند.
در مورد فهرست کتب نیز بهمین طریق عمل شده، و این فهرست در آخر کتاب عرضه خواهد شد و کار مطالعه آن کتب را بسیار آسان خواهد کرد.

در «فهرست کتب»، ما کوشش کردیم تصاویر یا عکس‌هایی را که از آثار برداشته شده‌نام ببریم، ولی البته تمام آن تصاویر یا عکس‌ها را در این کتاب ارائه نداده‌ایم.

تعیین تاریخ، «یاگاه شماری»، با در نظر گرفتن روش جغرافیائی، ممکن بود موجب اشکالاتی گردد. ما با تدوین متنی بنام «نظر اجمالی از راه تجزیه و تحلیل، و تعیین قدمت آثار باستانی ایران»، که در آخر کتاب اضافه کرده‌ایم، این اشکالات را مرتفع ساخته‌ایم. ما در این فصل اضافی صورت هایی را که مربوط به «یاگاه شماری» است ارائه داده‌ایم، و آنها را برابر دوران‌های مختلفی که تحقیقات ما در آن بعمل آمده است طبقه بندی کرده‌ایم.

برای دوران‌های بزرگ، خصوصیات کلی مربوط به شئون مختلف زندگی مادی را بیان نموده‌ایم، مانند ساختمان‌ها، و سنگ تراشیها، و فلز‌کاریها، و مهره‌ها، و استوانه‌ها، و سکه‌ها، و سفال‌ها، مسلم است که این تابلوئی که از خصوصیات هر دوران ارائه داده شده بعداً باید در نتیجه تفحصات و تجسسات تکمیل گردد.

در فهرست کتب کلی، نام کتابها یا مقالاتی را که نمیتوانسته است داخل تقسیمات جغرافیائی شود

ذکر کرده‌ایم، زیرا کتابهای وجود دارد که از ناحیه جغرافیائی بخصوصی صحبت نکرده است، ولی بطور کلی مورد بحث آنها هنر یک دوره تاریخی ایران است.

البته در درجه اول این کتاب مورد استفاده محققان قرار خواهد گرفت، ولی ما امیدواریم که مسافرانی که بکشورهای شرقی می‌آیند نیز از آن استفاده نمایند. تعداد این مسافران هر روز زیاد تر می‌شود. اطلاعات باستان‌شناسان می‌تواند آنها را در مسافت‌هایشان کمک نماید، و باعث روش‌شدن ذهن آنها راجع به بسیاری از مطالب گردد. مثلاً شرح و تفصیلی که در این کتاب از ابنيه و نقاط تاریخی داده شده، می‌تواند بآنها اجازه دهد ارزش واقعی آثاری را که یادگار ایام پرافتخار تاریخ ایران است درک نمایند.

وظیفه ما است که پیش از ختم این پیشگفتار از تمام اشخاصی که بما در پیشرفت این تحقیقات کمک کرده‌اند تشکر نمائیم:

تشکر بی‌پایان ما پیش از همه از آقای ویلمس^۱ رئیس «بنیاد ملی برای تحقیقات علمی» در بلژیک، و آقای ورکن^۲ مستشار و رئیس روابط فرهنگی وزارت تعلیمات عمومی آن‌کشور است. اینجانب قدرشناسی فراوان خود را نسبت باقایان فوق اظهار میدارم.

از آقای گدار، مدیر کل باستان‌شناسی، و آقای مصطفوی، رئیس اداره کل باستان‌شناسی، آقای صمیمی، معاون آن اداره، و آقای سامی، رئیس باستان‌شناسی فارس، و آقای هانری کرین، رئیس مؤسسه ایران و فرانسه، تشکر مینمایم. مهربانی‌های آقای گیرشمن، رئیس هیئت باستان‌شناسی فرانسوی، که در هر مورد از بذل کمک‌های ذی‌قيمت دریغ نکرده‌اند، فراموش نشده است. همچنین از استاد دکتر صفا، دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو، و استاد دکتر ملکی، و استاد مقدم، و خانم‌شان، تشکر مینمایم.

از آقای رستمی عکاس موزه ایران باستان، و ژاندارمری دولت ایران و آقای مراد، که ما را در کاوش‌ها راهنمائی کرد، تشکر مینمایم.

تشکرات صمیمانه ما حضور اعضای نمایندگی سیاسی بلژیک، آقای کنت دورسل^۳ و آقای گُفن^۴ و بیهین^۵ و ارنمان^۶ و لنگرستی^۷ برای کمک‌های قابل توجهی که مبذول داشته‌اند تقدیم می‌گردد، و نیز مهربانی‌های چاپخانه بربل^۸ در لیدن^۹ که برای چاپ این کتاب همراهی فراوان کرد فراموش نشده است.

گاند - ۲۴ دسامبر ۱۹۵۸

پادداشت‌های هربو ط به نقل نامهای جغرافیائی

نقل نامهای جغرافیائی ایران به چند طریق انجام می‌گیرد:

ممکن است کلمه‌ای را طبق تلفظ محلی یا تلفظ رسمی نقل کرد، و نیز ممکن است نقل کلمه فقط با صدای حروف نوشته شده تطبیق نماید. ما طریق اخیر را اتخاذ کرده‌ایم، ولی متوجه این مطلب هستیم، که باین طریق گاهی تلفظ حقیقی کلمه انتقال داده نمی‌شود. مثلاً کلمه طهران سابق، و تهران امروز، با تلفظ رسمی تطبیق می‌کنند، ولی بصورت معمول مردم آنرا «تهرون» تلفظ می‌کنند. بر عکس اگر بخواهیم تلفظ معمولی را که مردم با آن صحبت می‌کنند بصورت حروف در آوریم، املاء کلمه غلط می‌شود.

تصور می‌کنیم روشی را که انتخاب کرده‌ایم آنست که روش‌های مختلف را با هم آمیخته، و طریقه متحدد الشکلی بدهست داده‌ایم که بنظر اول در زبان فرانسه نامانوس بنظر می‌آید، و بنظر میرسد که بهترین طریقه همان است که کلمه نوشته نامهای جغرافیائی را، طبق اصول بین‌المللی، بحروف لاتین تبدیل نمائیم. فقط بعضی نامهای جغرافیائی را که از قدیم شهرت یافته‌اند، بهمان صورتی که بزبانهای لاتین نوشته می‌شود حفظ کرده‌ایم، مانند تهران 'شوشن' تخت جمشید، پازارگاد، و کلمه تپه. بنابراین خلاصه علام و قرارهای ما بشرح زیر است:

| | | | | | | |
|-----|---|---|-----|------------|---|-----|
| z | = | ژ | | (ا) یا (ا) | = | الف |
| z h | = | ژ | b | | = | ب |
| s | = | س | p | | = | پ |
| s h | = | ش | t | | = | ت |
| ş | = | ص | t h | | = | ث |
| đ | = | ض | d j | | = | ج |
| ť | = | ط | h | | = | ح |
| ż | = | ظ | k h | | = | خ |
| g h | = | غ | c h | | = | چ |
| f | = | ف | d | | = | د |
| q | = | ق | d h | | = | ذ |
| k | = | ك | r | | = | ر |

| | | | |
|---------------|-----|---|-----|
| <u>u</u> یا v | = و | g | = گ |
| h | = ه | l | = ل |
| <u>i</u> یا y | = ی | m | = م |
| | | n | = ن |

حروف صدادار عبارتست از: u و a . صدای (o) بوسیله (u) نمایانده شده و صدای (e) در فارسی بوسیله (a) یا (i) نشان داده شده است.

حروف صدادار طویل عبارتست از: ū و ū و حروف مرکب عبارتست از: au و a.

فهرست مطالب

| صفحه | موضوع | صفحه | موضوع |
|-------|--|-------|--|
| ۱۷ | ۴- بلوچستان و کرمان | الف | پیشگفتار استاد گیرشمن |
| ۱۷-۱۸ | تحقیقات استین. سکانهای پیش از تاریخی بمپور- خوراب تل ابلیس - تپه های باستانی جلگه جیرفت | د | پیشگفتار مؤلف |
| ۱۸ | کشفیات کرمان ویزد | ز | یادداشت های سربوط به نقل نام های جغرافیائی |
| ۱۹ | ۵- لارستان | ۳ | تحقیقات باستانشناسی در نواحی مختلف ایران |
| ۲۱-۲۰ | تفحصات علمی وان دن برگ. آتشگده های تنگ چک چک و فورگ | ۳ | ۱- گیلان و مازندران |
| ۲۰ | ۶- فارس | ۰ | تحقیقات پیش از تاریخ ژ. دمرگان |
| ۲۳-۲۴ | الف - تحقیقات و آثار در ناحیه پازارگاد تخت جمشید کاوشهای هرتسفلد و سامی در پازارگاد | ۳ | کاوشهای کارلتون کون در غار کمربند و غار هوتو |
| ۲۴ | آثار ساسانی در نقش رجب | ۰ | کاوشهای قلعه چاق در رستم قلعه |
| ۲۴-۲۶ | آرامگاه ناتمام تخت رستم آثار هخامنشی و ساسانی در نقش رستم | ۵ | کشفیات ساسانی در کلاردشت و چالوس و ساری |
| ۲۶ | کتیبه های حاجی آباد | ۷ | ۲- گرگان یا استرآباد |
| ۲۷ | ویرانه های ساسانی روی کوه استخر | ۷-۸ | تحقیقات پیش از تاریخی ژ. دمرگان |
| ۲۸ | پدیله های هخامنشی در ابرج | ۸ | گنجینه استرآباد |
| ۲۷-۳۷ | کاوشهای هرتسفلد و اشمیدت و سامی و گدار در تخت جمشید | ۱۰-۱۴ | کاوشهای ولسین روی مکان پیش از تاریخی تورنگ تپه |
| ۴۰-۴۱ | کاوشهای هرتسفلد و لانگسدرف در تل بکون | ۱۴ | کاوشهای اشمیدت روی مکانهای پیش از تاریخی و ساسانی تپه حصار |
| ۴۱-۴۰ | تحقیقات و تفحصات باستانشناسی وان دن برگ در ناحیه پازارگاد شیراز | ۱۴ | کاوشهای پیش از تاریخی پومپلی در آنو |
| ۴۷ | ب- تحقیقات و تفحصات در ناحیه فارس جنوبی | ۱۴ | ۳- خراسان و سیستان |
| ۴۱-۴۰ | مسافت های استین. گمانه ها در امکنه تاریخی پیکر تراشی های یونانی در تل ضحاک آثار ساسانی در دارابگرد و آتشکده و تنگ کرم و سروستان و فیروزآباد | ۱۵ | تحقیقات پیش از تاریخی کارلتون کون در غارهای خراسان (خونیک) |
| ۱۵-۱۷ | | ۱۵ | تفحصات علمی دیز و هرتسفلد و گدار |
| ۱۵ | | ۱۵ | ویرانه های ساسانی قلعه دختر باز هور |
| ۱۵-۱۷ | | ۱۷ | تفحصات استین و هرتسفلد در سیستان - مکانهای پیش از تاریخی و ویرانه های سلوکی و اشکانی در کوه خواجه- آثار ساسانی در رام شهرستان و کرکو |
| ۴۱-۴۰ | | ۱۷ | کاوشهای گیرشمن در نادعلی |

| صفحه | موضوع | صفحه | موضوع |
|---------|--|-------|---|
| ۶۶-۶۷ | کاوش‌های گیرشمن در غار تنک پیده تحقیقات پیش از تاریخی فیلدومک‌کون در بهارلو | ۵۲ | ج- تفحصات و آثار روی جاده شیراز به دریا |
| ۶۷ | نقوش بر جسته شیمبار آثار ساسانی در دزفول- جندی شاپور- شوستر- پای پل | ۵۱ | تحقيقات پیش از تاریخی فیلدومک‌کون در بهارلو |
| ۶۷ | ابوان کرخه | ۵۲ | کاوش‌های اوپتون در قصر ابونصر |
| ۶۸ | کاوش‌های مک‌کون در رام هرمز | ۵۲-۵۳ | نقوش بر جسته ساسانی در برم دلک |
| ۶۸-۷۲ | کاوش‌های گیرشمن در چغا زنبیل | ۵۳ | نقوش بر جسته ساسانی در سرمشهاد |
| ۸۴-۸۵ | کاوش‌های فرانسوی در شوش و تپه‌های اطراف آن | ۵۳ | آثار ساسانی در جره و کازرون |
| ۸۵-۸۷ | کاوش‌های گوتیه و لامپر در تپه موسیان و تپه‌های اطراف آن | ۵۳-۵۴ | کاوش‌های پزار در بندر بوشهر |
| ۸۷ | ۸- لرستان | ۵۴ | آوار جزیره خارک |
| ۸۷ | تحقیقات پیش از تاریخی دیرگان | ۴۰-۵۰ | د- تفحصات باستانشناسی و آثار میان راه بیشاپور به شوش |
| ۸۷ | تفحصات هرتسفلد در لرستان شرقی- ژیلویران | ۵۶-۵۷ | تحقیقات پیش از تاریخی کارلتون کون در غار کلارزاغی |
| ۸۷ | کاوش‌های کنتنو و گیرشمن در تپه گیان | ۵۷ | کاوش‌های گیرشمن و سال در بیشاپور |
| ۹۰ | کاوش‌های کنتنو و گیرشمن در تپه جمشیدی و تپه بدھوره | ۵۸ | نقوش بر جسته ساسانی در بیشاپور |
| ۹۱-۹۲ | کشفیات نهاآند | ۵۸ | نقوش بر جسته ساسانی در نقش بهرام و گویوم |
| ۹۱-۹۲ | برنزهای لرستان | ۵۸ | بنای نورآباد |
| ۹۲-۹۴ | کاوش‌های هیئت هولمس در لرستان- سرخ دم و غیره | ۵۸ | آثار هخامنشی در جین جین |
| ۹۴-۹۶ | کشفیات پشت کوه | ۵۸ | آثار ایلامی در توسپیله |
| ۹۶-۹۷ | مسافت‌های آقای اورال استین- گمانه زنی‌ها و بررسی ویرانه‌های ساسانی | ۵۸-۵۹ | تحقیقات استین در فارس غربی (اردکان) |
| ۹۷ | تفحصات باستان‌شناسی و سردم شناسی آقای فیلد در لرستان و خوزستان شمالی | ۵۹ | نقش بر جسته ایلامی در کورانکون |
| ۹۷ | کشفیات اشکانی در بروجرد | ۶۰ | بند ماسانی در پل بیشتر |
| ۹۷ | آثار ساسانی در هرسین | ۶۰ | تفحصات درباره سنگ نبشته‌های دکتر فرای وهنینگ در فارس |
| ۹۷ | ۹- کردستان | ۶۰ | ۷- خوزستان |
| ۹۸ | آثار روی جاده تهران- بغداد- ویرانه‌های قصر شیرین | ۶۰ | مسافت باستان‌شناسی اورل استین، آثار ساسانی چهارده و خیرآباد |
| ۹۸-۱۰۲ | نقوش بر جسته سرپل و هویرین شیخ خان | ۶۰ | گمانه زنی روی نقاط پیش از تاریخی در اطراف بهبهان |
| ۱۰۲-۱۰۳ | دخمه‌های دکان داود و اطاق فرهاد | ۶۰ | آثار ساسانی در کیکاووس |
| ۱۰۳ | آثار ساسانی طاق گرا | ۶۰ | نقوش بر جسته تنک سروک |
| ۱۰۳-۱۰۰ | نقوش بر جسته طاق بستان | ۶۱-۶۴ | نقوش بر جسته مال امیر |
| | | ۶۴-۶۵ | کشفیات شمی |
| | | ۶۵-۶۶ | آثار مسجد سلیمان و برد نشانده |
| | | ۶۶ | کشفیات لالی |

| صفحه | صفحه | موضوع |
|---------|---------|--|
| ۱۱۷-۱۱۸ | ۱۰۰ | آثار ساسانی قلعه کونار |
| ۱۱۸ | ۱۰۴-۱۰۰ | استودان سکاوند |
| ۱۱۸-۱۱۹ | ۱۰۰-۱۰۲ | آثار هخامنشی و اشکانی در بیستون |
| ۱۱۹ | ۱۰۷-۱۰۸ | آرامگاه صخره‌ای در صحنه |
| ۱۱۹-۱۲۰ | ۱۰۹ | آثار سلوکی در کنگاور |
| ۱۲۰ | ۱۰۸-۱۱۰ | کشفیات هخامنشی در همدان |
| | ۱۱۰ | سنگ نبشته‌های گنج نامه |
| | ۱۱۰ | کاوشهای تل ذهاب |
| ۱۲۰-۱۲۱ | ۱۱۰ | کاوشهای قاچاق زالواب |
| | ۱۱۰ | کشفیات دینور |
| ۱۲۱-۱۲۲ | ۱۱۱ | کشفیات پیراوند |
| ۱۲۲-۱۲۳ | ۱۱۱ | تحقیقات علمی استین - خارکرقو |
| ۱۲۳ | ۱۱۱ | تحقیقات کارلتون کون در غارهای کردستان |
| ۱۲۳ | ۱۱۰-۱۱۴ | کنجینه زیوبه |
| | ۱۱۶ | ۱۰ - آذربایجان |
| ۱۲۴ | ۱۱۴ | تحقیقات پیش از تاریخ دیرگان |
| ۱۲۴ | ۱۱۴ | تحقیقات اورل استین |
| ۱۲۴ | ۱۱۴ | کاوشهای حسنلو |
| | ۱۱۴-۱۱۵ | کاوشهای بورتون برون در گوی تپه |
| ۱۲۵ | ۱۱۵ | تحقیقات در غارهای تمتمه بومیله کارلتون کون |
| ۱۲۵ | ۱۱۷ | ویرانه‌های تخت سلیمان |
| ۱۳۵ | ۱۱۷ | دخمه فقره‌قا (یافخیریکا) در شمال مهاباد |
| ۱۳۶ | ۱۱۷ | |
| | | |

فهرست کتب

| صفحه | موضوع | صفحه | موضوع |
|------|---|-------|---------------------------|
| ۲۰۷ | الف - کلیات و نشانه های اختصاری | ۱۳۷ | فهرست کتب |
| ۲۱۲ | ب - فهرست کتب نسبت بناییه و مکان تاریخی | ۱۳۸ | ۴ - دوران سلوکی |
| ۲۱۱ | فهرست کاوشهای و گمانه ها و تفھصاب علمی نسبت | نقشه | |
| ۲۱۲ | به تاریخ انجام آن | تابلو | |
| ۲۱۴ | نظر اجمالی درباره باستان شناسی ایران | ۱۸۸ | ۵ - دوران پارت |
| ۲۱۵ | ۱ - دوران پیش از تاریخ | تابلو | |
| ۲۱۵ | نقشه | ۱۹۰ | تابلو |
| ۲۲۲ | تابلو | ۱۹۳ | ۶ - دوران ساسانی |
| ۲۲۱ | فهرست کتب | ۱۹۳ | نقشه |
| ۲۲۶ | ۲ - دوران ایلامی | ۱۹۹ | تابلو |
| ۲۲۹ | نقشه | ۱۹۸ | فهرست کتب |
| ۲۳۶ | تابلو | ۲۰۰ | فهرست تصاویر |
| ۲۴۰ | فهرست کتب | ۲۰۷ | فهرست عکس ها |
| ۲۶۳ | ۳ - دوران هخامنشی | ۲۰۳ | فهرست نام ها |
| | نقشه | ۲۰۲ | لوحه ها از شماره ۱ تا ۱۷۳ |
| | تابلو | ۲۰۶ | طرح از شماره ۱ تا ۳ |

تحقیقات باستان‌شناسی

در نواحی مختلف ایران

۱- گیلان و مازندران

دو استان گیلان و مازندران در ناحیه جنگل خیزی واقع شده است و از طرف شمال به دریای مازندران و از طرف جنوب به رشته کوههای البرز محدود میباشد.

در پایان قرن اخیر، ژ. دمرگان^۱ آثاری از دوران پیش از تاریخ مازندران در نقاط مختلف آن استان کشف کرد. مهمترین این نقاط در بستر رودخانه «آب پَرْدِمه»^۲ و دره «لار»، نزدیک محمدآباد است^۳ (فهرست کتب شماره^۱) ولی فقط در این اوخر چند نقطه‌ای که حاوی آثار پیش از تاریخ است تحت مطالعه دقیق قرار گرفته است.

در سالهای ۱۹۴۹ و ۱۹۵۱، آقای «کارلتون. س. کون»^۴ از دانشگاه فیلادلفیا، چند غار واقع در مازندران را بازدید نمود: (غار علی تپه و غار کمریند نزدیک به شهر، غار هوتو نزدیک تریجان، غار رستم قلعه، غار کله^۵ نزدیک رستم قلعه)، و تحقیقاتی درباره وضع دوران پیش از تاریخ در این نواحی بعمل آورد. مشارالیه دو غار از غارهای مذکور در بالارا برای مطالعه دقیقتر انتخاب کرد، یکی غار کمریند و دیگری غار هوتو (فهرست کتب شماره^۶).

الف - غار کمریند - در کاوش‌های سال ۱۹۴۹ در این غار شش طبقه تشخیص داده شد که روی هم قرار داشت و مجموع این شش طبقه به ۲۸ قشر ۰.۲ سانتیمتری تقسیم شد. این طبقات از نظر تاریخ میان دوران‌های مزولیتیک^۷ و نئولیتیک واقع شده بود.

۱- طبقه بالا شامل آثار دوران نئولیتیک (دوران سنگ جدید) تا عصر حاضر بود.

۲- طبقه زیرین شامل سفالهای دوران نئولیتیک قدیم بود.

۳- طبقه سوم هیچ شباهت به طبقه دوم از حیث آثار باستانی نداشت و در آن اثری از سفال بدست نیامد و نیز نشانه‌ای از کارهای زراعی در آن دیده نمیشد. این دوره در عصر «نئولیتیک پیش از سفال» قرار دارد.

۴- طبقه چهارم شامل آثار دوران پالئولیتیک^۸ جدید، یا دوران مزولیتیک بود، (مثلًاً چاقو های کوچک از سنگ چیخماق سیاه). ضمناً استخوان‌های شبیه به استخوان‌های غزال‌های پیش از تاریخی معروف

۱- J. De Morgan ۲- Ab-i-Parduma ۳- Mahmatâbâd ۴- Carleton S. Coon ۵- Kallarah

۶- Mésolithique ۷- Néolithique آخرین دوران «عصر سنگ»

8- Paléolithique.

به «لا گازلاسوب گوتروزا»^۱ در آن طبقه دیده میشد.

۵- در این طبقه، اشیائی شبیه به اشیاء طبقه چهارم پیدا شد، بعلاوه در آن تیغه‌هایی از سنگ چخماق و قطعاتی از استخوان سگ دریائی نیز دیده شد.

۶- طبقه آخر شامل خاک رس و شن و ماسه بود، که در روی قشرهای آب زیر زمینی قرارداشت. کاوش هایی که در سال ۱۹۵۱ در این ناحیه بعمل آمد، نتایج پیدایش‌های سال ۱۹۴۹ را تائید کرد. آزمایشها ای که با روش «کاربن ۱۴»^۲ بعمل آمد نشان داد که طبقات «نئولیتیک» یا «سنگ جدید»^۳ غار هوتو متعلق به حدود شش هزار سال پیش از میلاد بوده است، و آثار طبقات «مزولیتیک» در آن ناحیه میان ۶۰۰۰ و ۸۰۰۰ سال پیش از میلاد واقع شده است. باقیمانده‌های استخوانهای نیز بدست آمد، که یکی از آنها جمجمه یک دختر ۲ ساله از نوع انسان «نئاندرتال»^۴ بود. نمونه‌های از غلات و یک چنگال از جنس شاخ حیوان، که از عهد «نئولیتیک»^۳ قدیم بود، در این طبقه دیده شد.

آفای «کارلتون کون»، پس از اینکه تحقیقات متخصصان مختلف را دقیقاً بازرسی کرد باین نتیجه رسید که در دوره «مزولیتیک جدید» ساکنان غار کمربند زندگی خود را با شکار، خصوصاً با شکار آهو یا بز کوهی و گوسفند و بز وحشی میگذراندند. این دو حیوان اخیر را در همان زمان تدریجاً اهلی کردند و در خدمت خود قرار دادند. در دوره «نئولیتیک قدیم» ساکنان غار مزبور اوقات خود را مصروف تربیت حیوانات اهلی مینمودند و گله‌های بز و گوسفند خود را به چراگاه میبردند. در دوران «نئولیتیک جدید» غارنشینان مزبور به کار زراعت پرداختند. در همان زمان نیز مردم نامبرده با هنر بافتی و کوزه‌گری آشنا شدند. از آن پس پشم و شیر بز مورد استفاده آنها قرار گرفت. کمی بعد خوک و بز کوهی نیز اهلی شد. بنابراین زراعت و اهلی شدن حیوانات در این ناحیه را میتوان در آغاز هزاره چهارم پیش از میلاد قرارداد.

ب - غار همجوار غار هوتو - در سال ۱۹۵۱ در غار همجوار غار هوتو کاوش‌هایی بعمل آمد. ابتدا گودالی به عرض ۳ متر و طول ۵ متر و عمق ۷/۵ متر کنده شد. در عمیق‌ترین نقطه این گودال به سنگریزه‌های عهد یخچال‌ها برخوردنند. این گودال را (گودال A) نامیدند و در آن تعداد زیادی طبقات از «عهد آهن» تا دوران «نئولیتیک» دیده شد و در قسمت پائین آن آثار دوران «پالئولیتیک» نیز به چشم خورد. برای تحقیق بیشتر کاوش‌کنندگان یک گودال فرعی (گودال D) در میان طبقات دوران یخ‌بندان به عرض و طول ۲ متر در ۲ متر کنده شد و در آن چهار قشر متمايز را مشخص نمودند که شامل سنگ ریزه‌های سیاه بود و در فاصله هریک از این قشرها ماسه و لای قرارداشت. زیرا این طبقات که از دوران یخچال‌ها بود قشر

۱- دوران‌های پیش از تاریخ به عهد پالئولیتیک و مزولیتیک
۲- *La gazella subgutterosa* ۳- *Néanderthal* ۴- نئولیتیک تقسیم شده و دوران نئولیتیک همان است که ما عصر حجر یا دوران سنگ جدید مینامیم.

دیگری از ماسه دیده شد و بالاخره کمی پائین‌تر به قشری از سنگ ریزه قرمز رنگ مخلوط با ماسه و خاک رس برخورد کردند. در این قشرها اشیائی از سنگ چخماق بدست آمد که متعلق به دوران «پالثولیتیک» بود. در قشر چهارم در این طبقه و در زیر قشر سنگ‌ریزه‌ها سه اسکلت انسان پیدا شد که احتمالاً در حدود ۷۰۰۰ سال پیش از میلاد در این منطقه زندگی میکرده‌اند.

آثاری که از غارهای کمربند و «هوتو» پیدا شد همه مکمل یکدیگراند و بما اجازه می‌دهند که در ناحیه مازندران تحول وجود انسان را از دوران‌های یخ‌بندان تا عصر حاضر مشخص نماییم. در واقع در غار «هوتو» آثار تمدن «دوران آهن» و «برنز» و تمدن دو ران‌های «کالکولیتیک» و «نئولیتیک سفال» موجود است. در غار کمربند نیز آثار دوران «نئولیتیک سفال» بچشم می‌خورد ولی در یکی از طبقات زیرین آثار دوران «نئولیتیک پیش از سفال» و پیش از «دوران زراعت» نیز دیده می‌شود. در طبقه پائین‌تر دو مرحله از تمدنی که پایه آن روی شکار حیوانات قرار گرفته و متعلق به دوران «اورینیاسین»^۱ (یا پالثولیتیک نو) می‌باشد دیده می‌شود. سپس یک طبقه جدید پدیدار می‌شود که در آن اثری از انسان وجود ندارد و این طبقه در حدود دوران «پالثولیتیک میانه» واقع است. وجود چنین تمدنی در نتیجه پیدایش‌های دیگر که بوسیله آقای «کون» در ۹۴۱^۲ در غارهای بیستون و «تمتمه»^۳ و خونیک^۴ بعمل آمد تأیید گردید.

پس از این طبقه خالی، بعداً در غار هوتو پدیده‌های دوران «پالثولیتیک قدیم» نمایان می‌گردد و در آن طبقات استخوانهای انسانی متعلق به همان دوران ظاهر می‌شود. در واقع در هیچیک از نقاط ایران اطلاعات مبسوطی راجع به تمدن‌های گذشته مردم این سرزمین مانند اطلاعات بدست آمده در غارهای مذکور در فوق کشف نگردیده است.

اشیاء مکشوف در غارهای «رستم قلعه» و کلاردشت، نیز متعلق به دوران پیش از تاریخ ایران می‌باشد. در رستم قلعه نزدیک شهر ساری قاچاقچیان در ضمن کاوش‌هایشان یک مجموعه ظروف برنزی بدست آورده‌ند که بعداً وارد موزه ایران باستان گردید. بعلاوه با این ظروف برنزی کوزه‌های گلی خاکستری پر رنگ و ظرفی از سنگ مرمر نیز همراه بود. شباهت فوق العاده این اشیاء به آثار مکشوف در «تپه حصار» در دامغان (طبقه IIIc) نشان میدهد که «تمدن سوم تپه حصار» تا پشت دامنه‌های کوه البرز ادامه داشته است.

در ناحیه کلاردشت که در مغرب جاده کرج به چالوس قرار دارد (ف. ل. ۳) در ضمن انجام کارهای ساختمانی گورستانی پیدا شد که اشیاء ذی‌قیمتی از آن بیرون آمد. کشف این اشیاء نشان داد که صنعت و هنر ناحیه کلاردشت تحت نفوذ جریان‌های مختلف قرار داشته است. با این حال تمام آن اشیاء متعلق به یک قبرستان بوده است و همه آنها با هم همدوره می‌باشد و بیتوان آنها را میان سالهای هزار

تا هشتصد پیش از میلاد قرارداد. در میان آنها خنجری از طلا (لوحه ۱)، و جامهایی از همان فلز، (لوحه ۲ الف و ب) وجود دارد که بسیار قابل توجه است. نقش جام اخیر شباهت فوق العاده به هنر «هیتی‌ها» دارد و در سه طرف آن سه شیر بسبک هنر «هیتی‌ها» نقش شده، که سرهایشان بصورت برجسته از جدار خارجی ظرف یرون می‌آید. در همین قبرستان چند ریتون^۱ از جنس گل پخته پیدا شده که به منزله پیش قراول ریتون های زرین عهد هخامنشی است (لوحه ۳ - الف، ب، ج). ظروف گلی دیگری در این گورستان پیدا شده که بیشتر آنها بشکل کوزه های کوچک دسته دار و کوزه های کوچک نوک دار شبیه به قوری از گل پخته قرمز رنگ میباشد و به ظروف سفالین گورستان (B) تپه سیلک نزدیک کاشان شباهت دارد (لوحه ۴).

در گورستانی نزدیک شهر دماوند (ف. ل. ۴) دو جام بدون پایه، که قسمتی از آن بشکل سر گوزن است و از جنس گل قرمز میباشد پیدا شده (لوحه ۳ - د). همراه دو جام سکه هائی بوده که تاریخ گذاری آنها را آسان کرده و باین طریق توانسته اند تاریخ یکی از آن دو جام را از دوران پادشاهی فرhad دوم (۱۳۸ بعد از میلاد مسیح) و دیگری را از عهد مهرداد دوم (۱۲۳ - ۸۸ پیش از میلاد) تشخیص دهند. بنابراین جام های مزبور از دوران اشکانیان است، ولی با جام های نظریشان که در کلاردشت پیدا شده و با جام های بدون پایه طلای دوران هخامنشی شباهت زیاد دارد. اشیاء دیگری که در ناحیه کلاردشت و چالوس و ساری پیدا شده نشان داده است که در مازندران تعداد زیادی از ظروف نقره عهد ساسانی وجود داشته است.

باز در همین ناحیه کلاردشت جعبه‌ای فلزی (ف. ل. ۵) ^۲ پیدا شده که حاوی اشیاء نقره و زری از عهد ساسانی بود. روی دو جام زرین مکشوف در کلاردشت شاه «قباد اول» (۵۳۱ - ۴۸۸) سوار بر اسب نشان داده شده. شاه مشغول شکار گورخری است. روی دو جام دیگر شیری داخل دایره‌ای دیده میشود، و روی جام دیگری شیر بالداری مجسم گردیده و باز روی جام های دیگر یک عقاب در میان یک دایره نقش شده و در شش دایره دیگر که بر آن محیط است شش خروس قرار داده شده است. جام از نقره است ولی نقش آن با ورقی از طلا پوشیده شده است (لوحه ۵). دو تُنگ نقره در همین ناحیه کشف گردید که نقش قابل توجهی دارد. در روی جدار خارجی یکی از آنها نقش گل «لوتوس» ^۳ بصورت مصنوعی در میان دو تُرنج دیده میشود. در هر تُرنج خروسوی نقش شده (لوحه ۶ - الف، ب). زمینه تُنگ دیگر طلائی است و روی آن رقصه هایی که در زیر چهار «طاقدنا» قرار دارند بصورت برجسته نقش گردیده اند. از طاقه ها شاخه های درخت مو و خوشه های انگور آویزان است. در کنار رقصه ها نوازندگانی

۱ - Rhyton ساغرهایی که به صورت حیوانات شاخ دار یا فقط به صورت شاخ حیوانات است و در آن شراب مینوشیدند و چون پایه نداشت ناچار بودند محتوى آن را به صورت یک جرعه بنوشند.

۲ - فهرست کتب که در آخر این کتاب داده شد

۳ - گل «لوتوس» نوعی از نیلوفر است که جزئی از عالم پادشاهی در مصر بوده است.

در میان انواع حیوانات، مانند رویاه و کبک و بلدرچین و ببر دیده میشوند. قسمت زیرین **تنگ** که مانند عدس می‌جذب است، حیوان افسانه‌ای بالداری را که شباهت به طاووس و شیر و اژدها دارد نشان میدهد و در دو طرف آن حیوان دو سر شیر قرار گرفته و در میان دهان شیرها سوراخی است (لوحة ۶-ج، د) و وقتی **تنگ** زرین پراز شراب میشده از آن دو سوراخ مایع داخل در جام‌ها میگردیده است. روی دو قطعه زری ابریشمی، که در همین محل پیدا شده، شاه بهرام چهارم (۳۸۸-۳۹۹ میلاد) در حال شکار شیرها نشان داده شده است. ولیعهد همراه پادشاه و سوار بر اسب است و گاوی وحشی را مورد حمله خود قرار داده است. وقتی توجه شود که تا این تاریخ تقریباً تمام ظروف نقره مکشوف از عهد ساسانیان در جنوب کشور شوروی پیدا میشده، اهمیت این ظروف که برای اولین بار در ایران بدست آمده، نمایان میگردد و با پیدایش این جام‌های عهد ساسانی ما از این پس خواهیم توانست بعضی اشیاء دیگر را که جدا گانه کشف گردیده است بخوبی تاریخ گذاری کنیم.

هنگام جاده سازی در راه میان چالوس به کرج (ف-ک-۶) تصادفاً به آینه نقره‌ای از عهد ساسانی برخوردنند، که شیشه آن از بین رفته بود. تزیینات پشت این آینه سیمین مرکب از شاخ و برگ و گل‌های مختلف بود، که در اطراف دایره‌ای قرار داشت. در میان دایره یک مرغ آبی نقش شده بود و تمام این نقش بصورت برجسته بود و در صفحه داخلی آینه چیزی بخط پهلوی نوشته شده بود که هنوز خوانده نشده.

در ماه نوامبر سال ۱۹۵۱ کارگری در کارگاه آجر پزی در کنار خط راه آهن ساری به تهران سه‌طرف نقره ساسانی پیدا کرد (ف.ک-۷). روی زیباترین آن سه ظرف نقشی از منظره شکارگاه شاهنشاه ساسانی دیده میشود. احتمالاً این نقش از یکی از پسران شاپور دوم (شاپور سوم) بود که قصد شکار دو شیر را داشت (لوحة ۷-الف). دو ظرف دیگر عبارتست از یک بشقاب نقره و یک جام شراب که شکل مخصوصی دارد و از پنج قسمت تشکیل شده. در همین ناحیه اخیر اشیاء دیگری از عهد ساسانیان و خصوصاً از قرن پنجم و ششم میلادی پیدا کرده‌اند، مانند سه جام (لوحة ۷-ب، ج، د)، که روی یکی از آنها منظره‌ای از میهمانی دیده میشود و نیز دو چنگال نقره خالص در همین محل پیدا شده که روی آن نام «هرمز پسر نرکش» نقش شده است (ف.ک-۸).

۲ - گرگان یا استرآباد

گرگان یا استرآباد قسمت شرقی دشتی را تشکیل میدهد که در کنار دریای مازندران قرار دارد. در اوخر قرن اخیر (۹۹-۱۸۹۰) ژ. د. مرگان در بعضی از نقاط پیش از تاریخ ایالت گرگان و خصوصاً

در ناحیه استرآباد ، تفحصاتی نمود و در محلی موسوم به خرگوش تپه نزدیک شهر گرگان گمانه‌های زد (ف. ک - ۸) .

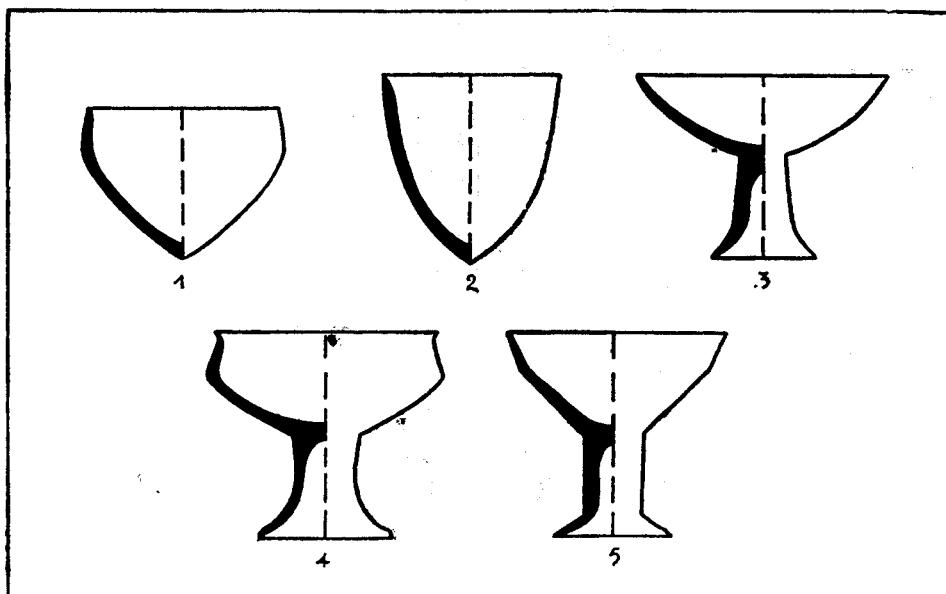
در حدود چهل یا پنجاه سال پیش از آن ، در سال ۱۸۴۱ ، در زیر تپه‌ای مصنوعی نزدیک شهر استرآباد خزانه معروف استرآباد کشف گردیده بود (ف. ک - ۱) . این خزانه تقدیم شاه ایران شده بود و بوسیله س. آ. دوبود^۱ و سالامن ریناک^۲ و رستوف^۳ مورد مطالعه واقع شده بود . خزانه مزبور شامل اشیائی از طلا مانند آب خوری و قوری با نقوش بر جسته یا کنده شده و یک جام دایره‌ای شکل و دو شیئی دیگر که معلوم نشد برای چه منظوري ساخته شده و دو مجسمه کوچک ، یکی از سنگ قرمز رنگ و دیگری از سنگ زرد رنگ بود . بعلاوه اشیاء دیگری مانند ظروف سنگی و سلاح‌های جنگی و تبر و دشنه از جنس سن در این مجموعه وجود داشت . بعضی از این اشیاء مانند مجسمه‌های کوچک زنان و کوزه‌های کوچک نوک دار شبیه به قوری و بعضی از خنجرها و تبرها از حیث سبک ساختشان شبیه به اشیاء مکشوف در «تپه حصار» دامغان بود و بنابراین احتمالاً متعلق به اوآخر هزاره سوم پیش از میلاد مسیح است .

مهمنترین کاوش‌هایی که در این نواحی برای بدست آوردن آثار پیش از تاریخی بعمل آمده کاوش‌های «تورنگ تپه» و «شاه تپه» و «تپه حصار» میباشد .

در سال ۱۹۳۱ ، یک هیئت علمی امریکائی از دانشگاه پنسیلوانیا تحت نظر آقای وولسین^۴ محل تاریخی «تورنگ تپه» را ، که ۹ کیلومتر از طرف مشرق با شهر استرآباد فاصله دارد ، معاينه کرد (ف. ک - ۱۱) . در این محل سه طبقه متمایز تشخیص داده شد . طبقه بالا شش متر عمق داشت : (تقسیم بندیهای ۱۰۲ تا ۱۰۱) با قیماندهای گورستانی از «دوران آهن» میان یک تا ۲ متر ضخامت قرار داشت . در پایین این طبقات با قیمانده دیوارهای دهکده‌ای است که آتش آن را از میان برده و در آن ۵ قبر بدست آمد . در قبرها ، همراه مردگان ، ظروف سفالین درخشانی برنگهای قرمز و خاکستری تیره و اشیائی از برنز ، شبیه اشیاء طبقه ۳ در تپه حصار بدست آورده‌اند . طبقه دوم در میان عمق ۶ تا ۸ متر واقع بود : (تقسیم بندی شماره ۱۰۱ تا ۱۰۰) و در آن چیز فوق العاده‌ای پیدا نشد . طبقه سوم در پای تپه قرار داشت ، و بین ۱۰ و ۱۱/۳ متر عمق قرار گرفته بود : (تقسیم بندیهای شماره ۹۸ تا ۹۶ ، ۷) . در این طبقه در میان خاکستر و آجرها دو قبر پیدا شد که در آن سفال خاکستری تیره رنگی وجود داشت و تزیینات آن بوسیله ابزاری شبیه به شانه انجام گرفته بود . در هر یک از این سه طبقه سفالهای قرمز با نقوش سیاه‌رنگ ، شبیه به سفالهای تپه مجاور یعنی شاه تپه ، پیدا شد . در این طبقه چند مجسمه کوچک بسیار زیبا از جنس گل پخته قرمزنگ نیز بدست آمد (لوحه ۸ - الف) .

دو سال بعد، در سال ۱۹۳۳، یک هیئت باستان‌شناسی سوئدی که با سر پرستی آرن^۱ اداره میشد، برای دیدن این ناحیه بایران آمد و سر زمین واقع میان شهر گرگان و رودخانه قرسو را مورد مطالعه خود قرار داد و در نقشه‌ای که از این سر زمین تهیه کرد وجود پیش از... تپه تاریخی را خاطر نشان نمود.

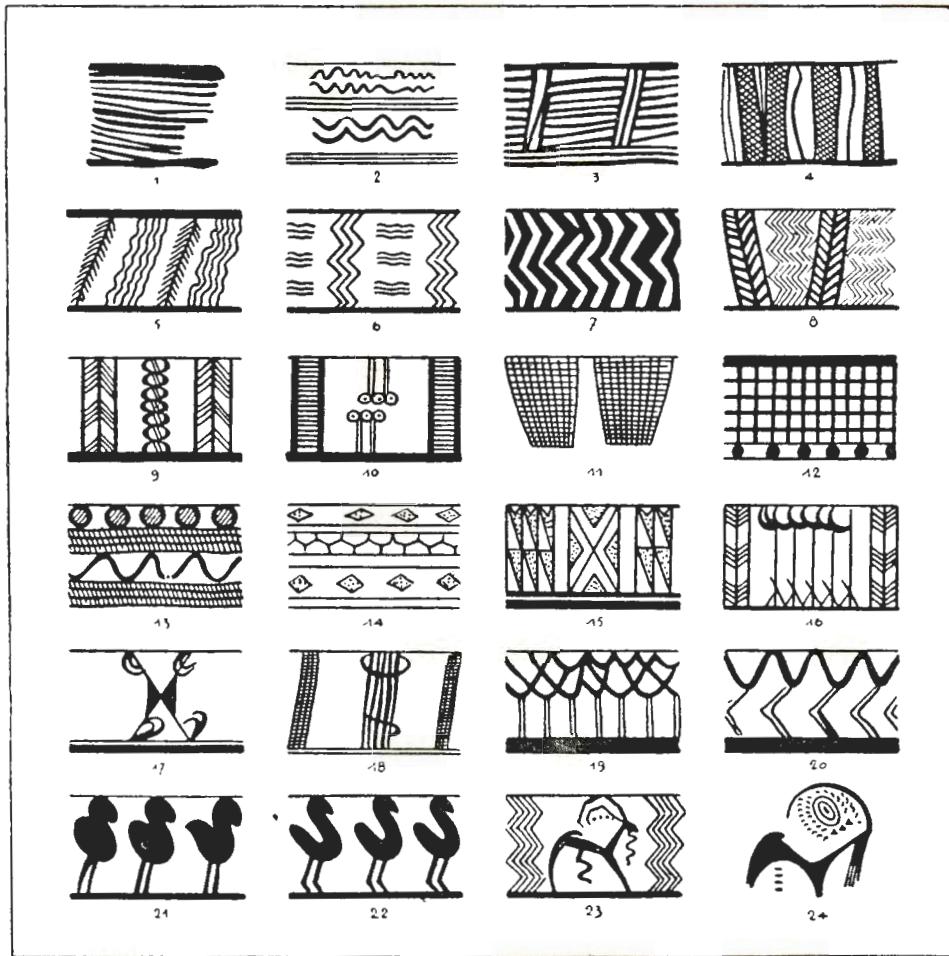
یکی از این تپه‌ها «شاه تپه بزرگ» نام دارد و در فاصله ۳ کیلومتر در شمال غرب استرآباد واقع است. این تپه مورد بررسی دقیق قرار گرفت: (ف. ک - ۱۲). تپه بطور متوسط ۷ تا ۸ متر ارتفاع داشت. کاوش در آن بطريق گمانه زنی انجام گرفت و گودال در آن حفر شد که عرض و طول هر کدام ۱۰ متر بود و تحت شماره‌های HtA ۱ نام گذاری شد. تمام این گمانه‌ها به خاک بکر رسید و در آن سه دوره بزرگ تشخیص داده شد. طبقه اول که بالاتر از همه قرار داشت شامل اشیاء دوران اسلامی بود. طبقه دوم و سوم متعلق به دوران پیش از تاریخی بود و اشیاء پیش از تاریخی بیشتر در قبرها پیدا شد.



شکل ۱

این قبر‌ها غالباً در زیر خانه‌ها بود ولی در خود خانه‌ها چیزی بدست نیامد. قسمت مهم اشیاء پیدا شده را ظروف سفالین تشکیل میداد. در طبقه دوم قشرهای متمایزی وجود داشت. در قشر شماره II A1 کاسه‌های آبخوری نوکدار و کوزه‌های شکم‌دار بدست آمد. در قشر A2 کوزه‌های نوکدار و جام‌های پایه دار زیاد بود. در قشر B II ماست خوری و آبخوری استوانه‌ای شکل و آبخوری‌های گود و کاسه‌های

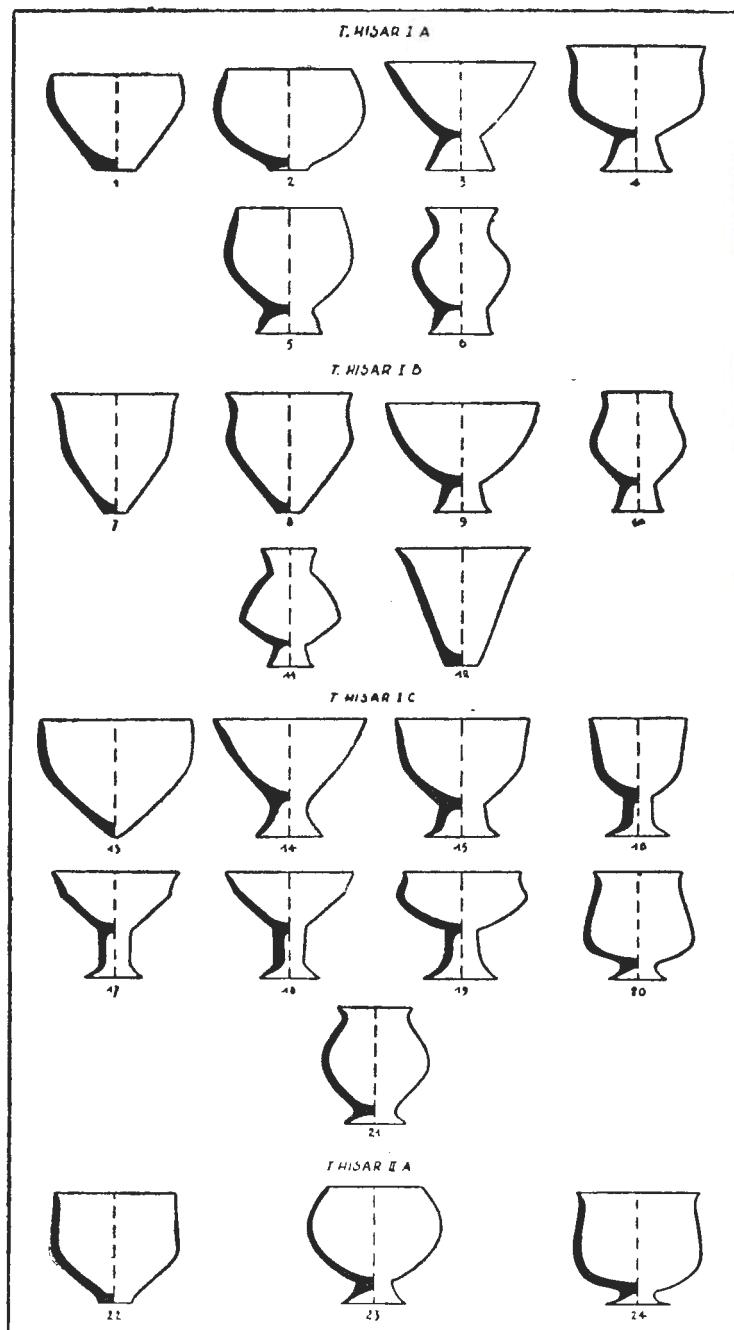
نوكدار فراوان بود. اين ظروف شباht زياد به طرف هاي طبقه سوم تپه حصار داشت و جنس آن از سفال خاکستری رنگ و يا سنگ مرمر بود. در اين ناحيه سفال هاي نقش دار نيز وجود داشت، معمولاً نقش اين سفال ها قهوهای پررنگ، يا سیاه روی زمینه قرمز، و بشکل نقوش هندسی بود، و روی تمام ظرف رامیپوشانید. چنین بنظر ميرسد که بيشتر موضوع نقوش اين ظروف شکل عمودی داشته است. (۸ - ب تا و).



شکل ۲

در سال ۱۸۸۰ در شهر دامغان، بطور اتفاق، سفالهای منقوشی پدیدار شد. قسمتی از این سفالها وارد موزه احمد شاه در تهران گردید و قسمت دیگر به موزه های «لور» و «کنسیونگتون موزیوم»^۱ و موزه بریتانیا رفت. آقای هرتسفلد مركز این کشفیات را تپه معروف به «تپه حصار» تشخیص داد ولی فقط چندین سال پس از این تشخیص یعنی در سالهای ۱۹۳۲-۱۹۴۱، هیئت امریکائی دانشگاه پنسیلوانی،

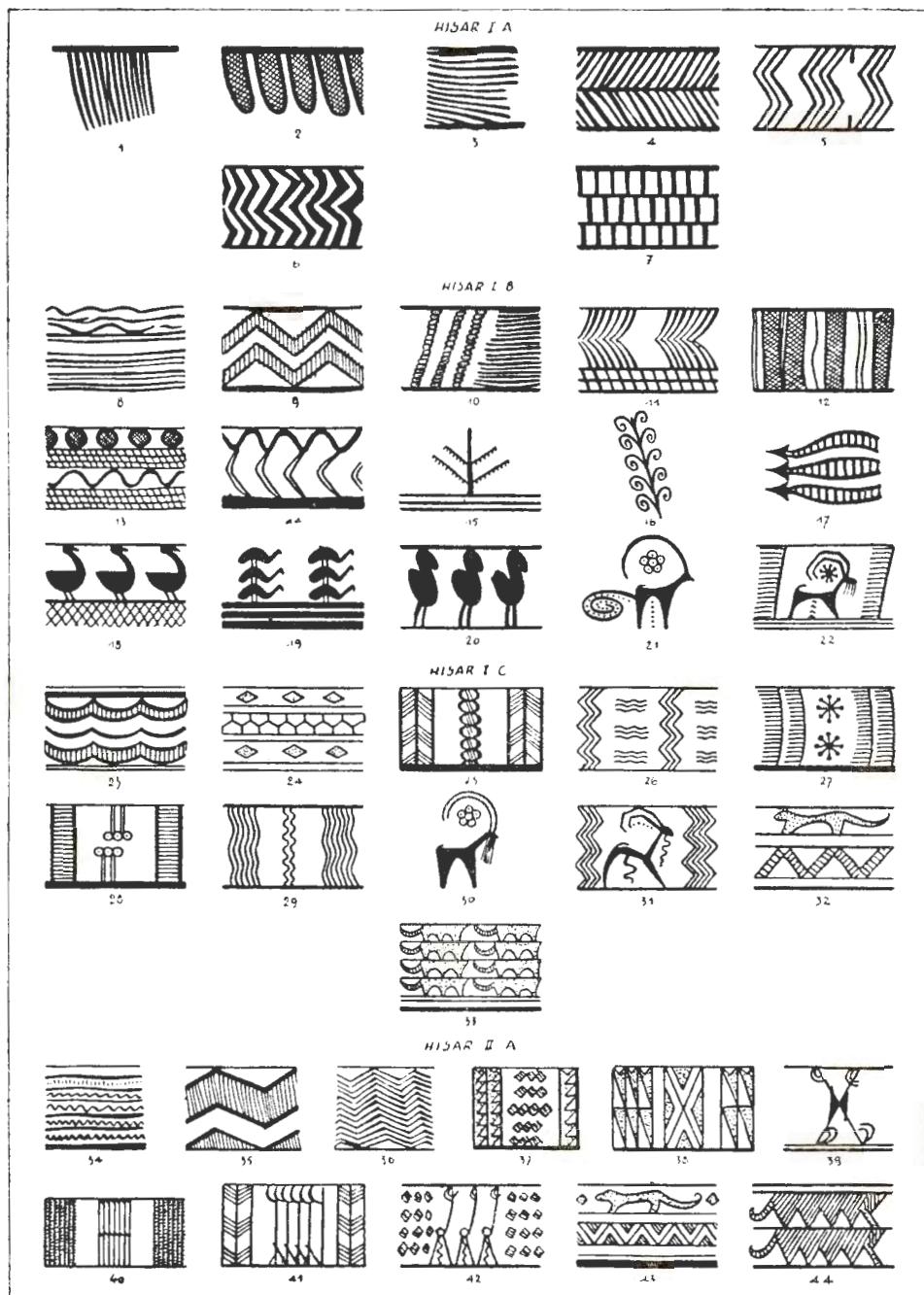
تحت سرپرستی آقای اریک اشمیدت (ف. ک - ۱۳) ، در این نقطه کاوش های علمی انجام داد . در آنجا نیز



شکل ۳

سه طبقه متمایز مربوط به دوران پیش از تاریخ تشخیص داده شد . در قدیمترین طبقه آن (طبقه C) IA, B, C خشت های خام پدیدار شد . سفال این طبقه (لوحة ۹ و ۱۰ و شکل ۱ تا ۴) با دست ساخته شده

و گاهی نیز از چرخ کوزه گردی استفاده شده است (از دوران IB به بعد). این دسته از ظروف بیشتر شامل ماست خوریها



شکل ۴

و جام‌های پایه دار میباشد. نقش آنها خاکستری تیره یا قهوه‌ای تیره است که روی زمینه قهوه‌ای مایل به قرمز (IA) و قهوه‌ای روشن (IB) یا خاکستری روشن قرار داده شده (IC). موضوع نقوش بقرار زیر است:

نقوش هندسی خالص: مارپیچ ، دندانه ، خطوط افقی موازی ، (طبقه IA) ، گل و برگ : (برگ خرما ، درخت هائی که شاخه هایش مرکب از مارپیچ هاست) ، (طبقه IB) ، حیوانات: (مار، سرگهای آبی، گوزن). در طبقه (IC) موضوع نقوش در میان قسمت بندیها یعنی گنجانده شده که بصورت عمودی رویهم قرار گرفته است. مهمترین این موضوع ها مرغ های آبی و بز های کوهی و بیرها هستند. در میان شاخ های بز کوهی یک «گل پنج پر» قرار دارد. طبقه بعد یعنی طبقه دوم به الف و ب تقسیم شده و شامل ساختمانهای آجری میباشد. در طبقه (IIA) همزمان با سفال قدیمی منقوش (که غالباً زمینه قهوه ای یا قرمز و نقوش خاکستری تیره داشت و موضوع آن بیر و بُز کوهی با گردن و شاخ های بلند و مصنوعی بود) (لوحة . ۱- ج تا و ، شکل ۳ و ۴) سفال خاکستری شفاف پدیدار میگردد. بعلاوه مجسمه های کوچک حیوانات از جنس گل پخته و مجسمه های کوچک انسان در این طبقه دیده میشود و نیز مُهر هایی از جنس مس و سنگ و گل پخته یا خمیر مخصوصی از ترکیبات قیر در همین طبقه پدیدار میگردد. در طبقه (IIB) سفال منقوش بكلی از سیان میرود و سفال خاکستری شفاف جای آنرا میگیرد. اشیاء فلزی مانند سنجاق و دست بند و انگشتی معمولاً از مس و بندرت از طلا یا نقره ، نیز در این طبقه موجود است.

طبقه بالا، یعنی طبقه سوم ، به (IIIA,B,C.) تقسیم شده و شامل دورانی طولانی است . در قسمت اول آن آثار زیادی بدست نیامده و به منزله دوران « بزرخ » محسوب میگردد. بر عکس در قسمت های IIIC و IIIB آثار زیادی کشف گردیده است. در آن قسمت نیز مانند طبقات دیگر همان سفال خاکستری تیره شفاف با نقش های کنده شده دیده میشود ولی شکل ظروف فرق میکند. ظرفهای این طبقه بیشتر نوک دراز دارد یا تنگ های گردن باریک است ، یا بشکل « شیرینی خوری » پایه بلند یا پایه کوتاه میباشد (لوحة ۱۱ - الف ، ب ، ج) و اشیائی از سنگ مرمر ، مخصوصاً در طبقه IIIC پیدا میشود (لوحة ۱۱ - د . ۱۲ - الف ، ب).

وجود ظروف فلزی از جنس مس و بُرنز و طلا و نقره و حتی سُرب ، بما نشان میدهد که فلز کاری در آن زمان در میان مردم این ناحیه معمول بوده. بعلاوه خنجرهای فلزی و گُرزهایی که به یک ستاره شش پر و یک بُز کوهی یا به یک گروه مجسمه ۳ نفری متشی میشود (لوحة ۱۳ - الف ، ب) و تبر های دوسر و سرنيزه ها و دیگهای فلزی و ملاقه و اشیاء زینتی ، مانند سنجاق های بلند و انگشت ها و دستبند ها و مجسمه های کوچک انسان از جنس بُرنز نیز در میان اشیاء مکشوف در این طبقه دیده میشود (لوحة ۱۲ - ج ، ۱۳ - ج).

دکتر « اریک اشمیدت » در محل « تپه حصار » به جستجوی شهر گمشده « صد دروازه » پایتخت اشکانیان پرداخت و نتیجه های بدست نیاورده ولی از زمان ساسانیان آتشگاهی در این محل پیدا شده که

از عهد قباد اول (۴۸۸-۵۳۱) بود و گچ بری‌های بسیار زیبائی روی دیوارهایش دیده میشد (لوحة ۱۴). آقای «اشمیدت» در «شیرشیان»^۱ (ف. ک - ۱۵) واقع در ۵ کیلومتری غرب دامغان، کاوشهای انجام داد و در آنجا نیز نطاير سفالهای طبقه اول «تبه حصار» را بدست آورد. محل تاریخی نریشان^۲ واقع در فاصله ۳ کیلومتر در شمال شرقی دامغان نیز مورد بررسی قرار گرفت و در آن آثار دوران اشکانی و ساسانی، نظیر آنچه که در تپه حصار دیده شده بود، پیدا شد.

در سال ۹۳۴، آقای دکتر «اشمیدت» بار دیگر دره گران را تحت مطالعه قرارداد (ف. ک - ۱۷) و با هواپیما از فراز آن عبور کرده، عکس‌هایی از نقاط تاریخی آن گرفت.

در اوایل قرن حاضر آقای «پمپلی»^۳، در محل تاریخی «آنو»^۴، (ف. ک - ۱۸) نزدیک عشق آباد، کاوشهایی بعمل آورد. سفال‌های منقوشی که از قدیمترین طبقه این تپه بدست آمد (طبقه IA-B)^۵ شبیه به سفالهای مکشوف در آخرین قسمت طبقه دوم سیلک بود، ولی سفالهای خاکستری تیره رنگ طبقات ۲ و ۳ شباهت به سفالهای طبقه ۲ و ۳ در تپه حصار داشت. سفالهای منقوش ساده یا هفت‌رنگ در آن ناحیه شبیه به سفالهای مشکوف در بلوچستان «کویته و رناغوندای»^۶ و سفالهای سیستان بود. آثار نفوذ هنر «آنو» در چند تپه دیگر ترکستان روس (مانند نمازگاه تپه و آق تپه) و در ایران، در محمدآباد (لوحة ۱۵ - الف و ف. ک ۹)، دیده میشود و از خصوصیات این سفالها نقوش دندانه دار آن است.

۴ - خراسان و سیستان

خراسان و سیستان مجموع ایالات شرقی ایران را تشکیل میدهد. شمال خراسان از ادامه سلسله جبال البرز تشکیل یافته. در این ناحیه سلسله جبال به تعداد زیادی از رشته‌کوهها تقسیم میشود، که در میان آنها دشت‌های مرتفعی قرار گرفته. قسمت جنوبی این ناحیه شامل مجموعه‌ای از فلاتها است. سیستان ناحیه پست وسیعی است که آب رودخانه هیرمند باعث حاصلخیز بودن آن گردیده خراسان و سیستان در قدیم بسیار حاصلخیزتر از امروز بوده، و تعداد شهرهایی که سابقاً در آن بصورت آبادیهای معتبری وجود داشته و امروز جز خرابه‌ای نیست بسیار زیاد میباشد، ولی این شهرها هنوز تحت بررسی علمی قرار نگرفته است.

در سال ۹۴۹، آقای «کارلتون کون» در این ناحیه چند غار قدیمی را تحت بازرسی قرارداد. یکی

از آنها غار اندرت زو^۱ نزدیک بیانجان^۲ ، در فاصله ۵۰ کیلومتری شمال شرق مشهد میباشد و دیگری غار لکی اسپور^۳، نزدیک دهکده خونیک^۴ ، در فاصله ۲۰ کیلومتری جنوب قاین ، کنار جاده بیرجند است. در نتیجه گمانه زنیهایی که بعمل آمد ، معلوم شد در اثر زلزله طبقات مختلف این نواحی زیر و روشه است، زیرا گاهی ابزاریکه از سنگ چخماق درست شده بود در بالای طبقات دوران اسلامی پیدا میشد . این ابزار سنگی از نوع ابزار دوران موستر^۵ میباشد و شباهت زیاد با اشیایی دارد که آقای کارلتون کون از غار بیستون بدست آورده .

بدون شک بررسیهای بیشتری در ناحیه خراسان ما را راجع به تمدن پارتها روشن تر خواهد نمود، ولی تا امروز هیچ بنائی از این دوره در آن ناحیه پیدا نشده، فقط چند نقش که روی سنگ تراشیده شده و مربوط به عهد اشکانیان است دیده میشود و در یکی از آنها مردی با شیری در نبرد است و در دیگری نیم تنہ انسانی دیده میشود که ریش دارد و از نیمرخ کشیده شده و «کلاه خودی » بر سردارد و در کنار او کتیبه ای به خط پهلوی اشکانی بچشم میخورد . این نقوش در سالهای اخیر در گردنه «کال جنگال » ، در جنوب غربی شهر بیرجند (ف. لک - ۲) کشف گردیده است. معهداً ممکن است که این نقوش متعلق به ابتدای دوران ساسانی باشد .

ناحیه خراسان در عهد ساسانیان و در آغاز دوران اسلامی بسیار آباد بود. آقای دیز^۶ و هرتسفلد و گدار در نتیجه تحقیقات عمیقی ثابت کردند که تمدن درخشانی در قرن دهم تا سیزدهم میلادی (سوم تاششم هجری) در این ناحیه پرتو افکنده بوده است (ف. لک - ۲۲) و این مطلب در نتیجه کاوشهای هیئت علمی امریکایی، که از ۹۳۷ تا ۹۴۱ در نیشابور مشغول کاوش بود، تأیید گردید (ف. لک - ۲۳). این شهر در زمان شاپور اول (۲۷۲ - ۲۴۱) بوجود آمد ، و یک بار ویران شد ، و مجددآ در زمان سلطنت شاپور دوم (۳۷۹ - ۳۷۰) برپا گردید ، و تدریجیاً اهمیت فوق العاده یافت . شهر نیشابور در حدود قرن دهم تا پانزدهم (سوم تا چهارم هجری) یکی از شهرهای بزرگ دوران اسلامی در خراسان بود .

روی جاده میان مشهد و تربت حیدری، نزدیک رباط سفید ، ویرانه های قلعه دختر باز هور (ف. لک - ۲۴) دیده میشود . روی تپه ای باقی مانده های تختی مشهود است و در پای تپه آثار یک چهار طاقی (لوحة ۱-ب) پدیدار میباشد . این طاق روی چهار جرز معمکم قرار گرفته، و پوشش آن عبارت از چهار «گوشوار» است، که در بالای آن گنبدی قرار داده اند و در زیر آن گنبد آتش مقدس را روشن میکرده اند .

آقایان اول استین^۷ و هرتسفلد ، اولی در سالهای ۱۹۱۵-۱۹۱۶ و دومی در ماه ژانویه ۱۹۲۵ در ناحیه سیستان مسافرتی بعمل آورده اند . این دو سافرت علمی نشان داد تا چه اندازه این ناحیه از حیث

۱ - Andarth Zü

2- Biandjân

3- Laki Aspur

4-Khunik

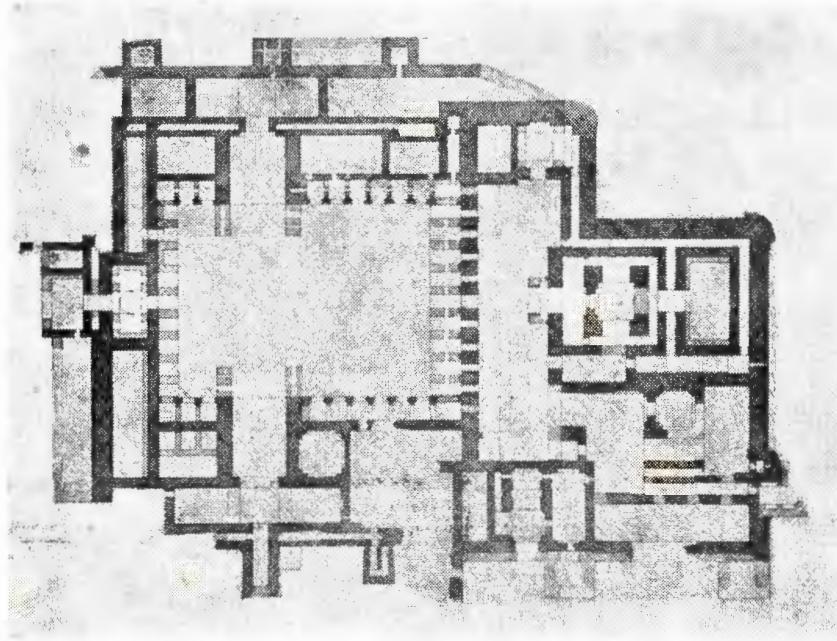
5- Mouster

6 - Diez

7-A. Stein

آثار پیش از تاریخ قابل توجه است. در مصیب «رود بیابان»، بین «شیلا» و «شاه محمد رضا» موفق به کشف نقاط پیش از تاریخی متعددی، مانند رامرود و شهر سوخته و «کلات گرد» و «مشی» گردیدند و در آنها سفال منقوش پیدا کردند. این سفال به سفال طبقه اول تپه حصار و طبقه دوم و سوم «آتو» و کویته و بمپور شباht زیاد دارد.

آقای اورل استین در کوه خواجه (ف. ل. ۲۶) موفق به کشفیات قابل توجهی شد. وی تصور می‌کند آثار کوه خواجه با قیمانده‌های پرستشگاهی مربوط به مذهب بود است، که در روی جزیره‌ای در میان دریاچه هامون ساخته شده است.



شکل ۰

آقای هرتسفلد پس از اینکه این آثار را معاینه کرد اظهار نمود که این خرابه‌ها با قیمانده‌کاخ فرمانداری از زمان اشکانیان است و در دو دوره متمایز ساخته شده است. کاخ اصلی عبارت است از یک حیاط بزرگ که در چهار طرف آن چهار رواق ستون‌دار و قوس‌دار وجود دارد. قوس‌های این رواق‌ها هلالی است. در کنار کاخ آتشگاهی است که معرا比 دارد (لوحة ۱ ج). آتشگاه مرکب از تالار چهارگوشی است که در هر گی دارد، و در اطراف تالار راهرویی است، که پوشش آن گهواره هلالی است. در این کاخ آثار زیاد از گچ بریهای قدیم، مانند تزیینات موسوم به «دندان اره»، و دایره‌های متقارع، خطوط شکسته متوازی^۱

و نقاشیهای دیواری روی گچ (لوحة ۶، الف و ب) ، با نقش برگهای «آکانت»^۱ و خدای یونانی اروس^۲ سوار بر اسب، یا یوزپلنگ و رامشگران و خدايان، کشف گردیده است.

آقای هرتسفلد در رام شهرستان^۳ (ف. ل - ۲۷) ، پایتخت سیستان در دوران ساسانی ، آثاری از خرابه های آن زمان بدست آورد که مهمترین آنها سه آتشکده بود. در «کرکو» (ف. ل - ۲۸) خرابه های آتشکده قدیمی که «مینیوکرکو»^۴ نام داشت و قبل از آقای هرتسفلد آنرا مشخص کرده بود ولی نتوانسته بود در محل آنرا ببیند ، هنوز بر پا است. در آنطرف دریاچه هامون ، در سیستان افغانستان ، آقای پرسور گیرشمن در روی «تپه سرخ داغ» ، نزدیک ناد علی (ف. ل - ۲۹) ، دو ساختمان قدیمی را کشف کرد که روی هم ساخته شده بود و متعلق به دو دوران مختلف بود. در طبقه اول که در حقیقت دوران جدیدتر است ، سفال ضخیم قهوه ای رنگ یا خاکستری رنگ و اشیاء برنزی ، مانند پیکان سه پره و نوک خنجر بدست آمد. اشیائی که متعلق به دوران دوم بود تنوع بیشتری داشت ، مانند سفال معمولی و سفال قرمز رنگ و خاکستری مایل به سیاه و سفال منقوش با زمینه زرد یا قرمز و نقوش هندسی قرمز مایل به سیاه. اشیاء برنز و طلا نیز در این طبقه دیده شده. در میان اشیاء برنزی پیکانهایی که بشکل برگ شمشاد است قابل توجه میباشد.

دوران دوم را همدوره گورستان (ب) تپه سیلک ، یا کمی جوانتر از آن دانسته اند ، و طبقه اول متعلق به دوران پیش از هخامنشی است.

۶- بلوچستان و کرمان

بلوچستان ایران ناحیه ایست کوهستانی واقع در جنوب شرقی ایران و حتی در حال حاضر به منزله ناحیه دورافتاده ای بحساب می آید. نخستین کاوش علمی که از نظر باستانشناسی در این ناحیه انجام گرفت ، بدست مرد با شهامتی بنام «اول استین» بود^۵. این دانشمند در ضمن سالهای ۱۹۳۲-۱۹۳۳ ، مطالعات باستانشناسی و جغرافیائی مفصلی در این ناحیه بعمل آورد (ف. ل - ۳۰).

آقای اول استین از چاه بهار حرکت کرد و از راه قصر کند^۶ ، و «تیز» (طبس) از بالای رشته جبال ، خود را به گاه^۷ رسانید و از آنجا بطرف مغرب متوجه شد و نواحی بینت^۸ و فنوش^۹ را تحت مطالعه

۱- آکانت گیاهی است که برگ آن مورد توجه سنگتراشان یونانی قرار گرفته و گچ بران ایرانی خصوصاً در دوران ساسانی آنرا روی دیوارها و نمای کاخ ها نقش مینمودند - م

2- Eros = خدای عشق =

3- Ram Shahristan

4- Mainyu Kärku

5- A. Stein

6- Qasrqand

7- Gah

8- Bint 9- Fanuch

قرارداد. در اطراف این سه محل آثار فراوانی پیدا کرد که قسمتی از آن متعلق به دوران اسلامی بود. سپس در کنار رود بمپور در دره هلیل رود^۱ آثار تمدن درخشانی از دوران پیش از تاریخ ایران را کشف نمود.

در نزدیکیهای بمپور و خوراب^۲ آثار منازل و گورستانهایی پیدا کرد (در بمپور، خوراب، دامین، کتوکان، ده قاضی^۳، مولا، پیرکنار، شهر دراز) و از این نقاط ظروف سفالین منقوش یااظروف سنگی با نقش کنده شده بدست آمد (ف. لک. ۳۱). مهمترین موضوعی که روی این ظروف نقش شده بود عبارتست از خطوط شکسته، مارپیچ، یا خطوط موازی موج دار در میان مثلثهای دندانه داری که در مقابل یکدیگر واقع شده است (لوحه ۱۷ و ۱۸)، یا ردیفهای بزرگوهی، یا شاخهای گاو و حشی که بصورت مصنوعی نقش شده. این نوع سفال معمولاً^۴ از زمان «برنز قدیم» است و در اینجا به منزله واسطه‌ای میان تمدن‌های غربی ایران (شوش، موسیان، بکون) و تمدن‌های بلوچستان پاکستان (کلیمه و شاه تump^۵) میباشد.

آقای اول استین در یک قبر در خوراب انگشت‌تری از مس پیدا کرد که یک طرف آن سر شتری را نشان میداد (ف. لک. ۳۲). ناحیه بمپور امروز در نتیجه خشک شدن تدریجی تقریباً لم بزرع است ولی سابقاً بسیار آباد بوده است.

آقای اول استین در کناره واقع میان هرمز و بندر بوشهر به تفحصات پرداخت، در آن نواحی به ویرانه‌های متعدد، که ساها بندرهای معتبر بوده است، برخورد کرد، و از اینرو فهمید که در ایام پیشین، در سواحل خلیج فارس، وهنده، و شرق دور، در آغاز اسلام، و حتی جلوتر از آن، روابط تجاری زیاد وجود داشته، زیرا در تمام این نواحی باقی مانده‌های ظروف سفالین ساخت چین زیاد دیده میشود. ولی در این حدود هیچ تپه پیش از تاریخی دیده نشده است. سپس دانشمند مزبور دامنه تفحصات خود را تا کرمان، و در شمال بلوچستان ایران، ادامه داد. در آنجا فقط مقدار بسیار کمی از آثار پیش از تاریخ بچشم میخورد. ولی در تل ابلیس (ف. لک. ۳۳)، واقع در شمال غربی شهر کرمان، ظروف سفالین منقوشی مربوط به دوران کالکولیتیک^۶ کشف گردید. این ظروف به سفالهای طبقه پنجم گیان شباht زیاد دارد.

آقای پ.م. سایکس^۷ در حدود سال ۹۰۰ در شمال غرب کرمان، در خینمان (ف. لک. ۴) قبر هائی پیدا کرد که شامل اشیاء برنزی و سفالهای قدیمی بود. همین دانشمند در جیرفت واقع در جنوب کرمان ظرفی از جنس مرمر متعلق به دوران اشکانیان کشف نمود (ف. لک. ۳۳). هیچ نوع کاوش دقیقی در ناحیه یزد، واقع در شمال غربی کرمان، بعمل نیامده، ولی نزدیک شهر یزد، برسیب اتفاق، نقش پرجسته‌ای از زمان هخامنشی پیدا شد (ف. لک. ۳۶).

۵ - لارستان

لارستان میان بلوچستان و فارس واقع شده، و از نظر باستان شناسان تا این تاریخ ناحیه اکتشاف نشده‌ای به شمار نمی‌رود. آقای «اول استین» در سالهای ۱۹۳۴ و ۱۹۳۳ خواست وارد این منطقه گردد ولی موفق نشد. اینجانب هنگامی که در ناحیه تخت جمشید و شیراز مشغول مطالعات باستان‌شناسی بودم، در سال ۱۹۵۷، به منظور کسب اطلاعات باستان‌شناسی، مسافتی به جنوب شرقی فارس و لارستان نمودم (ف. لک-۳۷). منظور از این مسافت دریافت این مطلب بود، که تمدن‌های پیش از تاریخ، که اثر آنها در دشت‌های اطراف تخت جمشید بمقدار زیاد دیده می‌شدند، تا چه اندازه در نواحی مجاور پیش روی کرده و ضمناً با این مسافت بآن نواحی، این امکان پیش می‌آمد که خرابه‌هایی که تا آن تاریخ ناشناخته باقی‌مانده بودند مشخص گردد. بنابراین از شهر شیراز عزیمت نموده، نواحی فیروزآباد و جهرم، کاریان^۱، فیشور^۲، جویم^۳، دارابگرد، رستاق، فرگ^۴ طارم، بندر عباس، بندر لنگه، بستک و لار را مطالعه نموده، به شیراز مراجعت نمودم. از ذکر جزئیات این مسافت در اینجا صرف‌نظر می‌شود و فقط نتایج عمده‌ای که از آن گرفته شده یاد آوری می‌گردد.

دشتی که میان فیروزآباد و جهرم است بلوک خفر و کواره را تشکیل میدهد، و در آن تپه‌های پیش از تاریخی زیاد بچشم می‌خورد. بعضی از این تپه‌ها مورد مطالعه آقای «اول استین» قرار گرفته ولی لازم است که بطور کلی تمام آن ناحیه مورد بررسی قرار گیرد.

در ناحیه جنوب شرقی فارس و در لارستان و در جنوب جهرم، تنها ییک تپه قدیمی متعلق به دوران پیش از ساسانی برخورده است. بنابراین چنین نتیجه گرفتیم که دنباله تمدن‌های را که در دشت تخت جمشید وجود داشته باید از طرف جنوب شرقی تحت بررسی قرارداد. این تحقیقات را باید به طرف ناحیه کرمان کشانید. در دشت فیشور تپه‌های قدیمی موجود است ولی هیچ‌کدام قدیمی‌تر از عهد ساسانی و اسلامی نیست. از قدان تپه‌های پیش از تاریخ شاید بتوان این نتیجه را گرفت که در دوران پیش از تاریخ این نواحی مسکون نبوده است. در حقیقت در این نواحی رودخانه یا چشمه و جویبار یا قنات دیده نمی‌شود. در حال حاضر مردم آن از آبی استفاده مینمایند که در رایم بارانی در آب‌انبارهای مخصوصی گردآوری می‌شود. اگر در دوران ساسانی مردمی توانسته‌اند در این نواحی سکونت اختیار کنند، احتمالاً برای این بوده که در آن زمان آب انبارهای بزرگی در دامنه کوهها حفر کرده بودند که آثارشان هنوز باقی است، مانند آب انبار شاهنشین، نزدیک خنج^۵. به رحال آثار دوران ساسانی در این

۱- Kāriyān

۲- Fishvar

۳- Djuvun (احتمالاً جویم . م)

۴- Furg

۵- Kafir و Kevar

6 - Khundj

ناحیه بسیار است و ما بذکر مهمترین آنان میپردازیم.

در کاریان^۱ ویرانه‌های یکی از سه آتشکده معروف ایران قدیم، یعنی آذر فرنیخ^۲ به چشم میخورد. متأسفانه در حال حاضر چیز زیادی از این آتشکده باقی نمانده است.

در محله چه^۳ (لوحة شماره ۲)، نزدیک «فیشور»، ویرانه‌های چهار طاقی مورد مطالعه قرار گرفت. این ویرانه‌هارا آفای اوین^۴ (ف. ک-۳۸) نشان داده بود. ارتفاع طاق شش متر است و سه پایه آن هنوز بر جاست و تا نزدیک گوشواره‌ای گنبد خوب حفظ شده است.

بین منصورآباد و «دو بوران»^۵ ویرانه‌های دیوارهای قلعه‌ای از زمان ساسانی بنام گردنه بزن^۶ دیده میشود.

ویرانه‌های قلعه‌های دیگری بنام «قلعه بهمن» در بالای کوه، در جنوب قلعه نو، در فاصله سه کیلومتری شرق فرگ^۷ مشهود است، ولی مهتر از تمام ویرانه‌هائی که روی سطح زمین دیده میشود، آثار آتشکده‌هایی، در محلی موسوم به تنگ چک چک میباشد (عکس پشت جلد) که در میان راه رستاق به فرگ قرارداد. یکی از این ابنيه «قصر دختر» نام دارد و عبارت از یک چهار طاقی است (لوحة ۹، الف) که عرض و طول آن ۱۲/۶۰ متر و ارتفاع آن ۵ متر تا رأس گوشواره میباشد. روی هم رفته این بنا خوب محفوظ مانده است. در فاصله ۷۴ متری شمال غربی این بنا ویرانه‌های بنای دیگری است که آتشکده نام دارد (لوحة ۹، ب) و مانند بنای اولی روی طرح مربع ساخته شده و هر طرف آن ۰/۳۰۰ متر طول دارد و ارتفاع آن تا گنبد ۵ متر است. این بنا لااقل یک در در طرف جنوب شرقی داشته و شاید در دیگری هم در طرف رودخانه داشته است. این دو ساختمان از عهد ساسانی است و از سنگ‌های نترانشیده ساخته شده و ملاط آن گچ و آهک است و بهر حال جنبه مذهبی داشته است. بنای اولی چهار طاقی است، یا به عبارت دیگر گنبدی است که در روی چهار قوس و چهار پایه گذاشته شده و در زیر آن آتش مقدس را قرار میداده‌اند و بنا بر این میتوان آنرا بمنزله محرابی^۸ به شمار آورد. بنای دوم ساختمان تاریک و بسته‌ای بوده است که در آنجا آتش را حفظ مینموده‌اند و فقط روحانیان بآن دسترسی داشته‌اند.

۶ - فارس

ناحیه فارس که میان رشته‌های جبال موازی قرار گرفته، منطقه نسبتاً خشکی است. معهذا درخشنان ترین تمدن‌های ایرانی، خصوصاً تمدن هخامنشی‌ها و ساسانیها، در این منطقه بوجود آمده است و بیشتر آثار

۱ - Kāriyān ۲ - Adhur Farnbag ۳ - Mahallachah ۴ - J. Aubin ۵ - Duburan

۶ - Cardanah Bizan ۷ - Furg

۸ - واژه محراب را دانشمندان زبان‌شناس ایرانی بصورت مهراب نوشتند و آنرا به مهر یا میترا نسبت داده‌اند.

مربوط باین دو دوران بزرگ در این ناحیه بدست آمده است. بنابراین جای تعجب نیست که مشاهده شود که بیشتر کاوش‌ها و تفحصات علمی باستان‌شناسی در این منطقه بعمل آمده باشد.

ما جزئیات این کاوش‌ها و این تفحصات علمی باستان‌شناسی را در چهار منطقه زیر توضیح خواهیم داد: منطقه پاسارگاد و تخت جمشید، منطقه جنوبی فارس، منطقه واقع در کنار جاده شیراز به خلیج فارس منطقه واقع در کنار جاده شاهنشاهی شوش.

الف - آثار و ابنیه پاسارگاد و تخت جمشید

پاسارگاد، جایگاه شاهنشاهان هخامنشی، بدست کوروش دوم، در سالهای ۵۰۰ تا ۵۰۵ پیش از میلاد بنا شده و پایتخت اولین و دومین شاهنشاهان هخامنشی، یعنی کوروش دوم (۵۰۹-۵۲۹ پیش از میلاد) و پسرش کمبوجیه دوم (۵۲۹-۴۹۰ پیش از میلاد) بوده است. نخستین مسافر اروپایی که از پاسارگاد گذشت و نشانه آنرا داد جیوزافات بار بارو^۱ (ف. لک - ۳۹) نام داشت، که در سال ۱۴۷۲ سفرنامه خود را برگشته تحریر درآورد. او آرامگاه کوروش را بجای آرامگاه مادر حضرت سلیمان گرفت. پس ازاو «پیترو دلاوال»^۲ ۱۶۲ و «یوهان البرخت فون ماندلسلو»^۳ (۱۶۳۸) باین سرزمین آمدند و از این آرامگاه نشانه‌های دقیق دادند. سپس آقایان «بروین» و «جانس استرویس» (۱۶۷۱)^۴ هلندی و «ژ. موریه» (۱۸۱۱)^۵ انگلیسی و «کرپتر»^۶ نخستین کسانی بودند که با دقت کافی آرامگاه‌مزبور رامطالعه کرده آنرا به کوروش نسبت دادند. آقایان «آندره آس»^۷ و «استولز»^۸ (۱۸۷۸) و «دیولافوآ» و همسرش (۱۸۸۱-۱۸۸۲)^۹ نیز از پاسارگاد دیدن کردند (ف. لک - ۴) و حتی از آن نقشه‌هایی تهیه نمودند. کاوش‌های باستان‌شناسی دقیقی برای نخستین بار بوسیله آقای «ارنست هرتسفلد»^{۱۰} شروع شد. مشارالیه در سال ۱۹۰۵ از پاسارگاد دیدن کرد (ف. لک - ۱۴) و از سال ۱۹۲۸ در آن ناحیه کاوش‌های مهمی بعمل آورد و ویرانه‌های تخت و آتشکده و آتشدانهای این محل و آرامگاه کوروش و خرابه‌های کاخ‌های «پاسارگاد» را معرفی نمود (ف. لک - ۲۴). از سال ۱۹۴۹ اداره کل باستان‌شناسی ایران، زیر نظر آقای سامی، کاوش‌های استاد هرتسفلد را ادامه داد و از روی سه کاخ خاک برداری کرد (نقشه شماره ۱).

ما در اینجا کامل^{۱۱} بصورت اختصار بناهای عمدۀ پاسارگاد را معرفی مینماییم. و برای این کار از آرامگاه کوروش شروع می‌کنیم (لوحة شماره ۲۱). بنای معروف آرامگاه کوروش در مغرب دهکده «مادر سلیمان»^{۱۲} واقع است. این آرامگاه بشکل منزلی است که پوشش آن از سنگ و بشکل «خرپشته» است.

۱- Giosafat Barbaro

۲- Pietro Della Valle

۳- Johann Albrecht von Mandelslo

۴- C. De Bruyn-Jans

J. Struys

۵- J. Morier

۶- Ker Porter

۷- Andreas

۸- F. Stolze

۹- Dieulafoy

۱۰- Ernest Herzfeld

برای ساختن آرامگاه قطعات بزرگ سنگ آهک را روی هم قرار داده‌اند، و قسمت پائین آن از شش ردیف پلکان تشکیل شده، بطوری که شکل هرم پیدا کرده است. سابقاً این آرامگاه در بزرگی از سنگ داشته، که امروز از میان رفته است. مسلمانان تصور میکنند که این آرامگاه از مادر حضرت سلیمان است، و بهمین مناسب در اطراف آن گورستانی بوجود آمده است. در قرن ۳ (۷ هجری) در کنار این آرامگاه مسجدی ساخته شد و برای ساختمان آن از مصالح کاخ‌های قدیم هخامنشی که بحال ویرانه‌هایی مانده بود استفاده کردند.

کمی در شمال این آرامگاه کاخ پذیرائی کوروش (روی نقشه پروفسور هرتسفلد کاخ S) دیده میشود. وسعت این کاخ ۵۰×۴۰ متر مربع است. در هر طرف «ایوان ستون‌دار» جنوبی یک راهرو و یک اطاق قرار دارد. تالار مرکزی مستطیل است و بام آن روی دو ردیف چهارستونی قرار گرفته و تنها یکی از آن ستونها اکنون بر جا است (لوحة ۲۲-ب). ساقه ستونها از سنگ سفید است ولی پایه آنها از سنگ سیاه است و از یک سکوی مربع و یک لبه ضخیم تشکیل شده و از این جهت به سر ستونها شباهت پیدا کرده است. ایوانها در قسمت شمال ۸×۴ ستون، و در قسمت جنوب ۸×۲ ستون و از طرف مغرب و مشرق هر کدام ۱×۱ ستون دارد و سر ستونهای آنها مرکب از نیم تنہ گاو یا شیر است. چهار در ورودی در چهار طرف تالار مرکزی قرار داشت که از سنگ سیاه صیقلی شده بود و در طرفین درها نقوش برجسته‌ای دیده می‌شد که جنگ میان حیوانات افسانه‌ای رانشان میداد. بعضی از این نقوش برجسته از زیر خاک بیرون آمده و در میان آنها قسمتی از نقوش برجسته مربوط به در شرقی است که روی آن انسانی را با دم ماهی موجود دیگری را که فقط قسمت پایین آن باقی مانده و بصورت پایین پیکر تنہ گاو است، در پهلوی یکدیگر نشان داده‌اند (لوحة ۲۲-الف). روی جرزی که در گوشة بنا واقع است کتیبه‌ای به خط فرس قدیم و ایلامی و بابلی دیده میشود.

نزدیک رود پلوار، کاخ دیگری کشف شده، (کاخ R در روی نقشه استاد هرتسفلد) که در حدود ۴×۸ متر مربع وسعت دارد (۵۰×۲۶) و در میان آن تالار مستطیل شکلی است، که بام آنرا روی چهار ردیف دوستونی قرار داده‌اند (لوحة ۲۳-الف، ج). روی نقوش برجسته‌ای که در کنار دری قرار داشته، یک فرشته بالدار دیده میشود. این فرشته قبای ایلامی بر تن دارد، و روی سرش تاجی است، که از نشانه‌های مصری ترکیب یافته است (لوحة ۲۳-ب).

سومین کاخ پازارگاد در شمال غربی این ناحیه واقع است (کاخ - P - در نقشه هرتسفلد) و کاخ اختصاصی و محل اقامت کوروش بوده است. مساحت این کاخ ۱×۳۴ متر است (۵×۴۰). این کاخ از یک تالار بزرگ مستطیل شکل و چند ایوان ستون‌دار ترکیب یافته. روی یکی از جرزهای گوشه کتیبه‌ای به سه خط میخی فرس قدیم و ایلامی و بابلی نوشته شده است.

در حدود ۵×۵ متر در شمال کاخ اخیر (P)، آثار بنائی دیده میشود که بزندان سلیمان

معروف شده است (لوحة ۴-الف). سابقاً تصور میکردند که این بنا برج آرامگاهی بوده است، ولی از نظر شباهت آن با برج‌های نقش رستم و نورآباد باید تصور کرد که آتشکده‌ای از زمان هخامنشی بوده است. از این برج فقط یک دیوار باقی است. طرح این بنا چهارگوش بوده و مصالح آن سنگ آهکی است که کاملاً صیقلی شده و بدون ملات روی هم قرارداده شده است و فقط در بعضی نقاط سنگها را بوسیله یک نوع چفت‌های آهنی بهم متصل کرده‌اند. باز درجهت شمال باقیمانده‌های تختگاهی^۱ وجود دارد، که بنام تخت سادرسلیمان شناخته شده است (لوحة ۴-ب،ج). ارتفاع این تخت ۲ متر است و به دامنه تپه‌ای تکیه دارد. تختگاه مذبور از سه جانب دیگر روی دیوارهایی مرکب از تخته سنگ‌های ضخیم قرارداده که بدون ملات روی هم قرارداده شده و سابقاً این تخته سنگ‌هارا بوسیله چفت و بستهای آهنین بیکدیگر متصل کرده بودند. قسمت داخلی تختگاه از قلوه سنگ‌هائی بدون ملات پوشیده است.

در فاصله یک کیلومتری غرب کاخ P عبادتگاهی بوده است که دو آتشدان آن هنوز بر جاست. این آتشدان‌ها روی پله‌هایی نظیر آتشدانهای نقش رستم قرار گرفته ولی آتشدانهای نقش رستم در میان سنگ کوه تراشیده شده است در حالی که این آتشدانها را با سنگ‌های تراشیده‌ای که روی هم قرار داده شده بنا کرده‌اند (لوحة ۴-د).

در دشت پاسارگاد آثار پیش از تاریخ بسیار موجود است. همزمان با گمانه‌هایی که در سال ۱۹۵۱ بوسیله اداره کل باستان‌شناسی ایران در آن محل، در روی تل خری^۲ نزدیک دهکده ابولوردی^۳ و روی تل نخودی نزدیک مبارک‌آباد زده شده، سفال‌هائی مانند سفالهای تل بکون کشف گردید (ف. ل. ۴۴).

در کنار جاده پاسارگاد به تخت جمشید، در فاصله ۵ کیلومتری جنوب پاسارگاد، و ۵ کیلومتری شمال تخت جمشید، ویرانه‌های پراکنده «استخر» دیده می‌شود. نام جدید «استخر» «تخت طاووس» است. در زمان سلوکیها «استخر» پایتخت فارس بوده و در عهد اشکانیان آتشکده معروفی منسوب به «آناهیت» داشته، و «ساسان» پدر بزرگ اردشیر اول مؤبد بزرگ آن آتشکده بوده است.

در زمان ساسانیان «استخر» فوق العاده آباد شد. در آن موقع شهر «استخر» پایتخت مذهبی فارس بود، و پادشاهان ساسانی در آنجا تاجگذاری میکردند. شهر «استخر» تا آغاز دوران اسلامی در اهمیت خود باقی بود. چند ستون و پایه، که آثار نخستین مساجد شهر بوده، هنوز پا بر جاست. احتمالاً مصالح آن مساجد از اینه مذهبی پیش از اسلام که در همان محل وجود داشته تهیه شده است (از دوران هخامنشی یاسلوکی). در استخر چند سرسخون کرنتی پیدا شده^۴ که احتمالاً متعلق به دوران پیش از اسلام است (ف. ل. ۴۵).

سرستون کرنتی Corinthisien در قرن پنجم^۵-۶ - ۷ - ۸ صنده یا تخت - I پیش از میلاد در یونان برای اولین بار بکار برده شد و بشکل گلدان گلی است که در بالای ستون قرارداده شده و بیکویند مخفرع آن یکی از سنگتراشان شهر «کرنت» بوده است. این سرسخون مورد علاقه معماران روسی واقع شد و در ایران نیز طرف توجه بوده است (متترجم)

آقای دکتر اشمیت^۱ در سال ۹۳۵ با قیمانده‌های خانه‌ها و مقدار زیادی آثار عتیق دیگر از زیر خاک استخر بیرون آورد و میان آن آثار تعداد زیادی سفال و سکه‌های عهد ساسانیان موجود بود. این اکتشافات به ما وسیله داد تا بتوانیم سفال‌سازی ایران را از عهد ساسانی تا دوران اسلامی بهتر بشناسیم (ف. ل. ۵۶).

ژ. موریه^۲ و و. اوزلی^۳ در سالهای ۱۸۱۱ و ۱۸۱۲ موفق به تشخیص سه نقش برجسته در دامنه کوه رحمت، در محل معروف به نقش رجب، در فاصله یک کیلومتر و نیمی جنوب استخر شده‌اند. فلاذن^۴ و کوست^۵، دیولاپوا^۶ و همسرش، زاره^۷ و هرتسفلد^۸ پس از آنان محل نقش رجب را بررسی کرده و تشخیص آنها را تأیید کرده‌اند (ف. ل. ۴۷).

اولین نقش برجسته «نقش رجب» تاجگذاری اردشیر اول (۲۴۱ - ۲۲۴) را نشان میدهد. در وسط نقش شاهنشاه از دست اهورامزدا تاجی را که بصورت حلقه‌ایست و از یک طرف آن نوارهای آویزان است میگیرد. در عقب پادشاه پسرش شاپور اول دست راست خودرا به علامت احترام بلند کرده است. در عقب این منظره یک پیشخدمت دیده میشود که بادبزنی در دست دارد. در سمت راست ملکه، و یک نزدیمه، در غرفه‌ای، نشان داده شده‌اند. در میان شاه و خدا دو بچه دیده میشوند (لوحة ۲۵ - ب). در سمت چپ این نقش برجسته شخص بدون ریشه دیده میشود که دست راست خودرا به علامت احترام بلند کرده و در کنار او کتیبه‌ای به خط پهلوی نقش شده است (لوحة ۲۶ - الف). نقش برجسته دیگری در کنار نقش اردشیر موجود است، که شاپور اول (۲۴۱-۲۷۲) را نشان میدهد. در عقب شاپور اعیان مملکت و سپس ملت‌زین رکاب، پیاده و با رعایت اصول پرسپکتیو، نشان داده شده‌اند (لوحة ۲۶ - ب). در ردیف اول چهار نفر قرار دارند، که ویعهد، هرمز اول، نیز در میان آنان است. در ردیف‌های عقب پنج نفر دیده میشوند که بترتیب آنها که عقب ترند کوچکتر نشان داده شده‌اند.

نقش سوم در این محل تاجگذاری شاپور اول را نشان میدهد (لوحة ۲۷). شاهنشاه نشانه پادشاهی را از دست اهورامزدا میگیرد. شاه و خدا هردو سوار بر اسب‌اند. روی سینه اسب کتیبه‌ای به خط پهلوی، و به خط یونانی، نوشته شده است.

آنطرف جاده اصفهان به شیراز، در فاصله ۶۰۰ متری نقش رجب، در محل معروف به تخت‌رستم، (ف. ل. ۴۸)، ویرانه‌های وجود دارد که بنا بر گفته هرتسفلد خرابه‌های آرامگاه ناتسام کمبوجیه است. در واقع این ویرانه‌ها شباهت زیاد به «کعبه زرتشت» در نقش رستم دارد (لوحة شماره ۲ الف).

نقش رستم به فاصله چند کیلومتر از نقش رجب واقع است. در نقش رستم نقوشی وجود دارد که بمنزله مدارک ذیقیمتی از تاریخ ایران در زمان هخامنشی و ساسانی است (لوحة ۲۸-الف). در قسمت بالای دامنه کوه حسین آرامگاههای پادشاهان هخامنشی در دل سنگ کنده شده: داریوش اول (۵۲۱-۴۸۵)، خشاپارشای اول (۴۸۵-۴۶۵)، اردشیر اول (۴۶۵-۴۲۴)، و داریوش دوم (۴۲۴-۴۰۵). تمام این دخمه‌ها از روی یک نمونه ساخته شده است (لوحة ۲۸-ب). نمای دخمه بشکل صلیب است و در میان آن دری است که در دو طرف آن دونیم ستون با سر ستونهایی شبیه سرگاو قرارداده شده. در قسمت فوقانی نمای دخمه نقش برجسته ایست که مللی را که تابع شاهنشاهی ایران بوده‌اند نشان میدهد. این ملت‌ها تخت شاهنشاهی را در بالای سر خود گرفته‌اند. شاهنشاه در روی تخت جلوس نموده و مقابل او آتشدانی است. خداوند، اهورمزدا، در بالای این منظره در حال پرواز است (ف. لک-۹۴). در زیر دخمه‌های اقل هشت نقش برجسته از دوره ساسانیان دیده می‌شود، بشرح زیر (ف. لک-۹۰): از چپ براست نقش برجسته شماره ۱، تاجگذاری اردشیر اول (۲۲۴-۲۴۱) (لوحة ۲۸-ب). شاه در طرف چپ قرار گرفته و از دست اهورمزدا نشانه پادشاهی را می‌گیرد. این نشانه عبارت از حلقة‌ایست که نوارهایی از اطراف آن آویزان است. شاه و خدا هردو سوار بر اسب‌اند و زیر پای اسبها یشان جسد دشمنان لگد کوب می‌شود. زیرپای اسب اردشیر اول نقش اردوان پنجم، آخرین پادشاه اشکانی و زیرپای اهورمزدا نقش اهریمن است. پشت سر پادشاه خدمتگزاری بادبزنی در دست دارد. روی سینه اسب اردشیر کتیبه‌ای بزبان پارسیک^۱ و پهلوی و یونانی نوشته شده و روی شانه اسب اهورمزدا نوشته‌ای بخط آرامی دیده می‌شود. در ترکیب این نقش قرینه سازی دقیقاً رعایت شده است.

نقش برجسته شماره ۲ شاه بهرام دوم (۲۷۶-۲۹۳) رانشان میدهد. وی ایستاده است و شمشیری در دست دارد. در اطراف او اعضاء خانواده‌اش دیده می‌شوند (لوحة ۹-الف) و سمت چپ، ملکه، با کلاهی شبیه به کاسک و در طرفین او دو شاهزاده جوان؛ دون ریش و در طرف راست شاهزادگانی با ریش دیده می‌شوند.

پادآور می‌شویم که این نقش برجسته بهرام دوم روی یک نقش برجسته قدیمی دیگر، از زمان ایلامیها، متعلق به اواخر هزاره سوم پیش از میلاد، نقش گردیده است. از نقش برجسته قدیمی نیز آثاری موجود است، مثلاً در دست چپ زنی تاجی برسر دارد و با قیمانده‌های لباس چین دار خدایی که روی تختی نشسته پیداست. تخت به شکل سر ماری است. در سمت راست خداوندی نشسته و پشت سرا و شخصی ایستاده است (ف. لک-۱۵). این نقش برجسته شباهت به نقش برجسته «کورانگون»^۲ دارد. در نقش کورانگون مانند نقش فوق یک رب‌النوع و یک رب‌النوع در میان پرستند گانشان دیده می‌شوند.

نقش برجسته شماره ۳ همان پادشاه را سوار بر اسب نشان میدهد. در این نقش بهرام دوم با دشمنش در حال جنگ است (لوحة ۹-۲-ب). در سمت چپ بیرق ساسانی دیده میشود.

نقش برجسته شماره ۴ خیلی آسیب دیده. با اینحال آثار یک پادشاه که نشسته است پیداست. این پادشاه از جلو نقشی شده و دست خود را به شمشیری که در میان دوپایش قراردارد تکیه داده. وی شاپور دوم پادشاه ساسانی است (۳۷۹-۹۰). در زیراين نقش برجسته نقش شماره ۵ مشاهده میشود. در اين نقش (لوحة شماره ۹-ج) هرمز دوم در طرف چپ صحنه قرار گرفته، و با نیزه بلندی دشمن خود را که در سمت راست قراردارد از روی اسب بزمین می اندازد. در پشت سر پادشاه سربازی بیرقی در دست دارد.

نقش شماره ۶ پیروزی شاپور اول (۲۷۲-۱۴) بر والرین امپراطور روم را نشان میدهد (لوحة شماره ۹-د). امپراطور در مقابل شاهنشاه که سوار بر اسب است زانو بزمین زده و دست خود را به نشانه تصرع بسوی او بلند کرده است. شاپور دست سیریادس^۱ رومی را گرفته و گویا به او مقام جانشینی والرین را تفویض میکند.

در نقش شماره ۷ دو منظره از جنگ تن به تن در میان اسب سواران دیده میشود (لوحة ۳-الف). این دو منظره بوسیله یک خط افقی از هم جدا شده. روی قسمت بالا بهرام دوم (۲۹۳-۲۷۶) نیزه خود را به شکم دشمنش فروبرده و دشمن با مرکب شدن بزمین در غلتیده است. در سمت چپ بیرق ساسانی دیده میشود. این منظره شباهت زیاد به منظره شماره ۳ دارد. در قسمت پائین باز صحنه جنگ ادامه دارد.

نقش برجسته شماره ۸ تاجگذاری نرسی (۲۰۲-۳۹۳) را نشان میدهد (لوحة ۳-بوج). پادشاه در حالیکه ایستاده است از دست ربه النوع «آناهیت» تاج پادشاهی را میگیرد. یک شاهزاده کوچک در میان او و الهه ایستاده است. در سمت چپ وزیری در حال احترام ایستاده و شخص دیگری که نقش او نیمه تمام مانده در کنارش دیده میشود.

در سمت چپ این دو نقش، در هوای آزاد، دو آتشدان هم شکل در کنار هم دیده میشود که متعلق به زمان ساسانیان است (لوحة ۳-الف). این دو آتشدان در سنگ کوهستان تراشیده شده و به خود کوه متصل است. اندازه آنها مختلف است و به شکل چهار پهلوی است که پایین آن پهن تراز بالاست. در چهار طرف هر یک از دو آتشدان قوسهای هلالی شکل کامل بصورت برجسته کنده شده و این قوسها روی ستونهای کوچکی قراردارند و روی مجموع آن صفحه چهار گوشی از سنگ گذاشته شده و لب صفحه مزبور دندانه دار است. در میان صفحه حفره ای وجود دارد که در آن آتش مقدس را مقابل پرستند کان قرار میدادند و تشریفات لازم بعمل میآوردند (ف. ل - ۲۰).

در کوه حسین ستونی است که بجای آتشدان بکار برده میشده و در میان آن ستون حفره‌ای وجود دارد (لوحة ۳-ب).

یک آتش دایمی در ساختمان در بسته‌ای وجود داشته که برای روش کردن آتشدانها بکار میرفته. این ساختمان را آتشگاه مینامیده‌اند و فقط روحانیان میتوانستند بآن دسترسی داشته باشند. یکی از این نوع ساختمان‌ها امروز پا بر جاست (ف. ل. ۵۰) و «کعبه زرتشت» نام دارد. کعبه زرتشت مقابل دخمه‌هایی است که از زبان هخامنشی در نقش رستم باقی مانده و ذکر آن گذشت (لوحة ۳۱-ج). این بنا که از عهد هخامنشی است روی سکوی سه درجه‌ای قراردارد و با قطعات بزرگ سنگ سفید ساخته شده و تنها یک پلکان دارد که منتهی به یک در و یک اطاق کوچک میگردد. این در را در موقع لازم می‌بستند. جای پاشنه‌های در هنوز معلوم است. در هریک از چهار دیوار این اطاق شش نمای پنجره دیده میشود. به عبارت دیگر پنجره‌ای وجود ندارد ولی از دور نمایش پنجره دارد. اطراف هر یک ازین «پنجره‌نما»‌ها تزییناتی که نمایش قاب پنجره را دارد دیده میشود. این بنا شباهت زیاد به آتشکده نورآباد و بنای مشهور به «زندان پاسارگاد» دارد. آقای هرتسفلد تصور کرده است که این یک آرامگاه بوده است. آقای دکتر اشمیدت در سال ۱۹۳۶ بنمایندگی مؤسسهٔ شرقی شیکاگو کاوش‌های در اطراف آن بعمل آورد و در قسمت خارجی بنا کتیبه‌هایی که به سه زبان پهلوی اشکانی و پهلوی سasanی، و یونانی نوشته شده بود پیدا کرد. این کتیبه مربوط به عملیات مهم سیاسی و مذهبی و نظامی آن زمان و در حقیقت به منزلهٔ گزارشی از کارهای مهم شاپور اول است (ف. ل. ۴۵). پیدا شدن این کتیبه تا اندازه‌ای این مطلب را که «کعبه زرتشت» یک بنای مذهبی است، تأیید میکند.

آقای دکتر اشمیدت در مقابل آرامگاه داریوش نیز گمانه‌هایی زد و چنین نتیجه گرفت که یک طبقه از آثار اوایل دوران اسلامی مقابل آن آرامگاه وجود دارد، که روی طبقات سasanی و هخامنشی قرار گرفته (ف. ل. ۵۰). اشیاء مختلفی نیز مانند یک انگشترا با مهر از دوران اسلامی و مُهرهای دیگر و سکه‌ها و یک چراغ برنزی از عهد سasanیان در آنجا پیدا شد. در همان «کوه حسین» در فاصله چند کیلومتری شمال نقش رستم، در محل موسوم به «شیخ علی»، یا تنگ‌شاه سروان^۱ مقابل دهکده حاجی‌آباد (ف. ل. ۶۰)، کتیبه‌هایی بخط پهلوی در پنج قسمت در دامنه کوه نقش شده. این نوشته‌ها از زمان شاپور اول است. کتیبه‌های مزبور برای اولین بار در ۱۸۱۱، بوسیلهٔ «موریه» مشخص گردید و سپس در فاصله بین سالهای ۱۹۰۰-۱۹۳۰، آقای مان^۲ از آنها رونوشت کرد و عکسی برداشت و بعداً استاد هرتسفلد آنها را ترجمه کرد.

در دشت مرودشت کوهی با اسم کوه استخر واقع است (ف. ل. ۵۷) و در قله این کوه ویرانه‌های

قلعه‌ای است که در زمان ساسانیان ساخته شده. این قلعه در زمان حمله اعراب بصورت پناهگاهی برای اهل محل درآمد ولی متأسفانه چون آب انبارهایی که در سنگ کنده شده بود در نتیجه زلزله شکستگی پیدا کرد و آب آنها خالی شد مردم ناچار شدند خودرا تسليم اعراب کنند.

کمی در شمال غرب، در سرچشمه رود کُر در ناحیه ابرج^۱ (ف. لک-۵۸)، در فاصله ۷ کیلومتری شمال غربی تخت جمشید، باقیمانده‌های سه ویرانه دیده می‌شود که هر سه متعلق به عهد هخامنشیان است. این ویرانه‌ها را برای نخستین بار در سال ۹۳۵^۲، آقای کارل برگر^۳ تشخیص داد. یکی از این ویرانه‌ها تختگاهی است که ۶۰ متر طول و ۲۰ متر عرض دارد و روی آن دو دیوار موازی از سنگ قرار داشته و ویرانه دیگر باقی مانده‌های یک بند قدیمی است.

بدون شک معتبر ترین بنای قدیمی ایران مجموع خرابه‌هایی است که در تخت جمشید قرارداد (لوحة ۳۲-الف). از قرون وسطی محل تاریخی پایتخت قدیم ایران مورد مطالعه چند مسافر اروپایی واقع شد (ف. لک-۵۹). معروف‌ترین این مسافران عبارتند از: او دوریک دوپوردنون^۴ (در حدود ۱۳۲) ژیوزافا باربارو^۵ (در حدود ۱۴۷۴) و ژوفری دو که انگلیسی^۶ (در حدود ۱۵۷۰). در زمانی که روابط میان پادشاهان ایران و مغرب زمین بسیار نزدیک بود آقای هنریش فون پوزر^۷، در حدود سال ۱۶۲، ناحیه تخت جمشید را مورد بررسی قرارداد. بعد از او پیترو دلاوال^۸ ایتالیایی در حدود سال ۱۶۲۳^۹ تشخیص داد که تخت جمشید همان «پرسپولیس» قدیم است و او نخستین کسی است که این ویرانه‌ها را دقیقاً مطالعه کد و معرفی نمود. سپس آقای دون گارسیا^{۱۰} اسپانیولی در حدود سال ۱۶۲۴ و «توماس هربرت» انگلیسی^{۱۱} در حدود ۱۶۲۸ و «نیلس ماتسون گیوپینگک» سوئدی^{۱۲} در حدود سال ۱۶۵۰ و «یوهان البرشت فون ماندلسلو^{۱۳} آلمانی در سال ۱۶۳۸ و ژان شاردن فرانسوی^{۱۴} (۱۶۷۵ - ۱۶۶۵) تخت جمشید را سورد بررسی قرار دادند. همراه شخص اخیر نقاشی بود به نام گرلو^{۱۵} که تصاویر بسیار خوبی از ویرانه‌های این محل برای ما بیان‌گذار گذاشته. ژان با تیست تاونریه^{۱۶}، مسافر فرانسوی دیگری است، که در فاصله بین سالهای ۱۶۳۱ و ۱۶۶۸ در تخت جمشید آقای فیلیپ آنژل هلندی^{۱۷} را ملاقات کرد. ژان تونو^{۱۸} (۱۶۶۷) و انگلبرت کمفر آلمانی^{۱۹} (۱۶۸۰) و ژان کونوس هلندی^{۲۰} و کرنلیس شپلمن هلندی^{۲۱} و ژان استرویس^{۲۲} (در حدود ۱۶۷۱) و کرنلیس دویروین^{۲۳} (در حدود ۱۷۰۴)، هر کدام

۱- Abradj

۲- Karl Bergner

۳- Odoric de Pordenone

۴- Giosafat Barbaro

۵- Geoffrey Ducket

۶- Heinrich von Poser

۷- Peitro della Valle

۸- Don Garcia

۹- Thomas Herbert

۱۰- Nils Matson Kioping

۱۱- Johann Albrecht von Mandelslo

۱۲- Jean Chardin

۱۳- Grélot

۱۴- Jean Baptiste Tavernier

۱۵- Filip Angel

۱۶- Jean Thevenot

۱۷- Engelbert Kaempfer

۱۸- Joan Cunneus

۱۹- Cornelis Speelman

۲۰- Jans J. Struys

۲۱- Cornelis de Bruyn

۲۲- Jean Thevenot

شرح مختصری از خرابه‌های تخت جمشید به طبع رسانیده‌اند. شخص اخیر نقاشی‌های بسیار خوبی از این ویرانه‌ها تهیه کرده است.

در حدود سال ۱۷۶۵، آقای کارستن نیبور^۱ شرح مفصلی همراه با نقشه‌های خوب از این ویرانه‌ها پچاپ رسانیده. آقای موریه^۲ در حدود سال ۱۸۱۱ تخت جمشید را تحت مطالعه قرارداده و چندین گمانه در آن محل زد. بعد از او آقای ویلیام اوزلی^۳ در حدود سال‌های ۱۸۱۱-۱۲ این خرابه‌ها را دقیقاً بررسی کرده و حتی چند نقش برجسته از آن محل به انگلستان برد. آقای کرپتر^۴ در حدود سال ۱۸۱۳ و بوکینگهام^۵ در سال ۱۸۱۵ تخت جمشید را تحت مطالعه قرار دادند. امروز نقاشی‌های آقایان تکسیه^۶ (۱۸۳۸) و فلاندن^۷ و کُست^۸ (در حدود سال ۱۸۴۱)، برای مورخان مدارک بسیار ذی‌یقینی راجع به تخت جمشید می‌باشد. در حدود سال ۱۸۷۸ آقای آندرآس^۹ و اشتولز^{۱۰} آلمانی در تخت جمشید به تفحصات باستان‌شناسی پرداختند (ف. ک. - ۶۱). دیولافوآ^{۱۱} و همسرش در سال ۱۸۸۵ از تخت جمشید دیدن نمودند و لوحة‌ها و نقشه‌ها و تصاویری از آن تهیه کردند (ف. ک. - ۶۲) و بعداً در محلی مشغول خاک برداری از روی ویرانه‌ها و تعمیر قسمت‌های خراب شده آن گردیدند و این کار هنوز ادامه دارد.

کاوش‌های تخت جمشید را به چهار دوره متمایز می‌توان تقسیم کرد:

الف - در ۱۸۸۷ معتمدالدوله حکمران ایالت فارس در تالار صد ستون خشاپارشا چند گمانه زد.
 ب - پروفسور هرتسلد در سال ۱۹۲۴-۲۴ وضع ویرانه‌ها را آنطوری که در آن بود یاد داشت کرد. در سال ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۴ از طرف مؤسسه شرقی شیکاگو (ف. ک. - ۶۳) مأمور کاوش در این محل گردید. وی در روی صفة تخت جمشید بنای معروف «سردر ورودی خشاپارشای اول» را از زیر خاک بیرون آورد و سپس از روی پله بزرگ شرقی آپادانا و پله جنوبی معروف به «سه دروازه» و خود بنای «مه دروازه» و حرم خشاپارشای اول خاکبرداری کرد. پروفسور هرتسلد در همان قسمت منزل کرد و موزه تخت جمشید نیز در همان بنای قدیمی واقع است. دانشمند مذبور یک قسمت از دیوار استحکامات شمال شرقی را از زیر خاک بیرون آورد و در همین محل بود که تعداد زیادی لوحة‌ها با خط میخی کشف گردید. در ضمن راهرو های غربی و جنوبی تالار صد ستون نیز بوسیله استاد مذبور خاکبرداری شد. در ضمن خاکبرداری در تالار امین‌دنه لوحة‌هایی از طلا و نقره بنام داریوش اول، در گوشه‌های شمالی آن تالار پیدا شد و در کاخ معروف به «تپرای داریوش» نقشی از عهد ساسانیان، که بوسیله نوک چاقو نقش شده بود، بدست آمد.

۱-Carsten Niebuhr

۲-J. Morier

۳-William Ouseley

۴-R. Ker Porter

۵-J. S. Buckingham

۶-Ch. Texier

۷-E. Flandin

۸-P. Coste

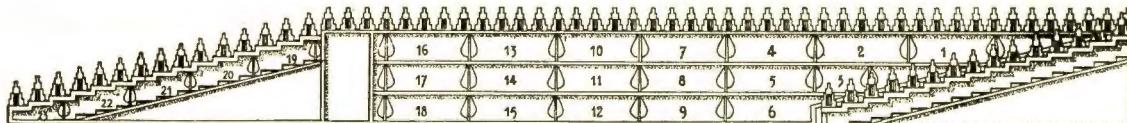
۹-F. C. Andreas

۱۰-F. Stolze

۱۱-Dieulafoy

ج - هرتسفلد در سال ۱۹۳۴، ایران را ترک کرد و اداره کاوش‌های تخت جمشید به آقای اریک اشمیدت^۱ واگذار شد. وی از سال ۱۹۳۵، تا سال ۱۹۳۹ در تخت جمشید مشغول کار بود (ف. ک. - ۶۴) و قسمت شمال آپادانا را خاک برداری کرد و پله شمالی و قسمت جنوب تالار آپادانا را که میان «سه دروازه» و قسمت معروف به «بخش ناشناخته» بود کاملاً از زیر خاک بیرون آورد و بهمین طریق عملیات خاک‌برداری را در جنوب کاخ معروف به «هدیش»، و متعلق به خشایارشای اول و قسمت شمال حرم (یا خواجه سرا) و کاخ خزانه و ایوان شمالی کاخ صد ستون خشایارشا و دالان‌های شرقی آن ادامه داد. استاد اشمیدت در محلی که موسوم به «هیلوك»^۲ یا تپه سنگ ریزه است گمانه‌هایی زد و چشم‌های در شمال شرقی برجی که جزوی از استحکامات تخت جمشید بود پیدا کرد. در محل پادگان تخت جمشید نیز کاوش‌هایی بعمل آمد و لوحه‌هایی مربوط به «سنگ اول» «ساختمان پیدا شد (لوحة ۴-ج)». این لوحه‌ها در چهار نسخه تنظیم شده بود، یکی بزبان بابلی و دلخواه بزبان فرس قدیم و یکی بزبان ایلامی. مشارالیه در کاخ «خزانه داریوش» دو نقش بر جسته بسیار مهم از زیر خاک بیرون آورد که مربوط به دوران هخامنشی بود و نیز در همان محل یک نیم تنه مرمر که زنی را نشان میداد و کار یونان و متعلق به حدود ۳۵ پیش از میلاد بود (لوحة ۳-ب) و یک پایه برنزی مرکب از سه شیر و مقدار زیادی ظروف سنگی دوران هخامنشی بدست آورد.

د - پس از عزیمت آقای اشمیدت در سال ۱۹۳۹، اداره باستان‌شناسی ایران ابتدا زیر نظر آقای گدار و سپس آقای محمد تقی مصطفوی، با همکاری آقای سامی، کاوش‌ها و تعمیر اینیه قدیم را ادامه داد (ف. ک. - ۶۵). اداره باستان‌شناسی بیشتر توجه خود را به قسمت شمال و شمال شرقی تخت متوجه کرد و موفق به کشف یک خیابان عریض از سر در خشایارشای اول تا حیاط تالار صد ستون گردید و این مطلب روشن شد، که هر کدام از تالارهای «آپادانا» و «صد ستون» راه ورود مخصوص بخود داشته است. در مشرق حیاط تالار صد ستون یک تالارسی و دو ستونی، با یک ایوان شانزده ستونی، از زیر خاک بیرون آمد و در همین تالار بود که سرکوچک و زیبای لاجوردی از عهد هخامنشی پیدا شد (لوحة ۳-الف). پشت این بنا اصطبل‌های شاهی قرار داشت. روی دامنه کوه رحمت برج و باروی تخت جمشید پدیدار شد. اداره کل باستان‌شناسی این ساختمانهای درهم را که در نقشه با حرف (G) و حرف (D) علامت گذاشته شده، مورد مطالعه قرار داد. معلوم شد در محل اولی که دکتر اشمیدت آنرا «ساختمان ناشناخته» معرفی کرده بود کاخ اردشیر سوم قرار داشته و محل دومی که تپه‌ای از خاک بود شامل دو طبقه بوده و دارای دالان‌های طویل و انبار‌هایی بوده که بالای آن طاق قوس دار زده بودند و سپس روی آن یک تالار



شکل ۶

پذیرائی ساخته بودند. اداره کل باستان‌شناسی در صدد برآمد تا دریاپد آبروهایی که ذر زیر تخت جمشید بوده به کجا متنه می‌شود. بعلاوه اداره کل باستان‌شناسی برای حفظ بنای تخت جمشید و خصوصاً نقوش برجسته فوق العاده‌ای که روی پله‌های آپادانا و بنای معروف به سه دروازه قرار داشت اقدامات کافی بعمل آورد و چون در مقابل اشعه مستقیم خورشید سنگ‌هایی که روی آن نقوش کنده شده بود منبسط می‌گردید و باعث خرابی نقوش می‌شد، برای جلوگیری از این امر، مقابل این نقوش سایه‌بانه‌ای ساختند تا از اشعه آفتاب محفوظ باشد.

ساختمان تخت جمشید در زمان داریوش اول، در حدود ۵۰۰ پیش از میلاد شروع شد. بدستور این شاهنشاه تختگاه آماده گردید و روی آن تختگاه تالار آپادانا و پله‌های اصلی و «تجرا» را ساختند و تالارهای حرم شاهنشاهی را پی‌ریزی نمودند. پسر داریوش، خشاپارشای اول، سردر ورودی تخت جمشید و تالار «هدیش» را بنا نمود و طرح بنای تالار صد ستون را ریخت. بعلاوه اینهایی را که داریوش بنای آنرا شروع کرده بود به پایان رسانید و طرح ساختمانی حرم را تغییر داد. جانشین خشاپارشا، اردشیر اول (۴۶۵-۴۲۴)، تالار صد ستون را تمام کرد. پس از وی در آن تالار فقط تغییر و تعمیر جزئی بعمل آمد. اردشیر سوم نیز ساختمان کاخی را شروع کرد که ناتمام ماند و در واقع ساختمان تخت جمشید هیچ وقت پایان نیافت.

ذیلاً باشرح مختصر، اینهایی را که روی صفة تخت جمشید قراردارند معرفی مینماییم (نقشه‌شماره ۲):

- تختگاه اصلی در سال ۵۰۰ پیش از میلاد بامر داریوش اول بر پا شده. این تختگاه در دامنه «کوه رحمت» قرار دارد و طول آن. ۵۴ متر و عرض آن. ۳۳ متر می‌باشد. ارتفاع آن در همه نقاط یکسان نیست و حداقل آن هشت متر است. بلند ترین قسمت آن با کف داشت ۸۱ متر اختلاف دارد. در اطراف تختگاه یکدیوار، با برج‌ها و باروها، کشیده شده بود و تمام آن از سنگ آهکی بود که با کمال دقیقت تراشیده و روی هم قرارداده بودند. در میان این تخته سنگ‌ها ملاط وجود نداشت، ولی بوسیله قطعاتی از آهن ییکدیگر متصل شده بود. روی دیوار جنوبی کتیبه‌ای بنام داریوش اول وجود داشت و در کناره‌های تختگاه دیوار کنگره داری از خشت خام قرارداده شده بود.

- پله اصلی - برای رفتن روی تختگاه از پله دو طرفه مجللی عبور می‌کنند. در میان این دو ردیف پله موازی یک دیوار قرار دارد. عرض پله‌ها ۷ متر و تعداد آنها ۱۰۶ می‌باشد که ۸ عدد آن در طبقه

پایین و ۸ عدد آن در طبقه بالا جای گرفته. این پله‌ها به قسمت مسطح تخت و مقابل «سردر ورودی خشایارشای اول» پایان می‌یابد.

۳ - «سردر ورودی خشایارشای اول» (لوحة ۳۲ - ب، ج) - این سردر مرکب از تالار مربعی است، که سقف آن روی چهارستون قرار داشته ولی اکنون فقط دوستون آن برجاست. این تالار مساحت بزرگ دارد که ارتفاع هر کدام یازده متر است و بطرف مشرق و مغرب و جنوب بازمی‌شود. در دو طرف در غربی نقش دو حیوان افسانه‌ای شبیه به گاو بالدار قرار دارد. این گاوها بر بالدار شباht زیاد به گاوها هم نوع خود در هنر آشوری دارند، جز اینکه گاوها تخت جمشید چهار پا دارند و گاوها آشوری پنج پا. در بالای سرمهی یک از این گاوها کتیبه‌ای به سه خط ایلامی جدید و با بلی و فارسی باستان دیده می‌شود. روی دیوار شمالی، در تالار مربع، نقش یک آتشدان مجسم شده. از مشرق اطاقی که در کنار سردر خشایارشاست خیابان عربی بطرف «صدستون» ساخته شده و از دروازه جنوبی آن اطاق خیابان دیگری کشیده شده که پس از عبور از حیاط بزرگی که در کنار آن حوض آبی وجود دارد به تالار آپادانا منتهی می‌شود. این حوض آب در سنگی یک پارچه تراشیده شده است.

۴ - آپادانا - این تالار مخصوص پذیرائی میهمانان شاهنشاه بوده است. الواح طلا و نقره‌ای که در گوشه‌های این تالار در زیر خاک نیدا شد نشان میدهد که سازنده آن بنا داریوش اول است و کتیبه‌هایی که در روی آجر پخته لعاب دار نوشته شده و از تالار آپادانا بدست آمده، حکایت می‌کند که خشایارشای اول ساختمانی را که پدرش شروع کرده بود پیاپیان رسانید. تالار «آپادانا» شامل اطاق مربعی است که هر طرف آن ۵ متر طول دارد و سقف آن روی ۳۶ ستون (۶ ردیف در ۶ ردیف) قرار گرفته و از این ستونها فقط سه عدد آن برجاست. ایوانهای ستون دار شمالی و غربی و شرقی که در سه طرف این تالار قرار گرفته هر کدام دو ردیف شش ستونی داشته است. از این ستونها ده عدد باقی است که عدد آن در ایوان ستون دار غربی و پنج عدد دیگر در ایوان ستون دار شمالی واقع است. هر ستون تقریباً ۱ متر ارتفاع دارد. در جنوب این تالار مرکزی تعدادی اطاق بزرگ و کوچک وجود دارد که تابع اطاق مرکزی بوده است. در گوشه‌های تالار اطاقهای کوچکی برای سربازان نگهبان شاهنشاه ساخته بودند. برای رفتن به تالار آپادانا باید از پله‌هایی بالا رفت.

آپادانا دو پلکان اصلی دارد، یکی در شمال و دیگری در مشرق. پلکان شرقی مقابل تالار «صدستون» واقع شده است (لوحة ۳۳-الف). دیواره این پله‌ها با نقوش بر جسته بسیار زیبا تزیین شده. در وسط، میان دو بازوی پلکان مضاعف نگهبانان شاهنشاه در دو ردیف نشان داده شده‌اند و در میان آن دو ردیف قسمتی از دیواره پلکان خالی و بدون نقش است و روی آن عباراتی به خط میخی نوشته شده (لوحة ۳۳-ب). در دو مشی که در دو طرف دیواره‌های پلکان بوجود آمده «جنگ شیر با گاو» دینده می‌شود و در طرفین این

دوحیوان درختان سرو نقش شده است. روی دیوارهای سکوی آپادانا، که در دو طرف این پلکان قرار دارد، مجالسی نمایان است. در سمت چپ ردیف‌های طویلی از سربازان نگهبان شاهنشاهی، اعم از پارسی یا مادی و شوشی، همراه با پیاده‌ها و سواره نظام و کمان‌دارها دیده می‌شوند (لوحة شماره ۴-الف). در طرف دیگر این اشخاص، و مقابل آنها، خراج آورندگان در ۲۳ مجلس نشان داده شده‌اند (شکل ۶). این اشخاص در ۳ ردیف روی هم نقش شده‌اند و خط فاصل میان آنها در جهت افقی، نوارهایی مرکب از گلبرگها، و از جهت عمودی درختان سرو است. هرسته از خراج آورندگان را یک نفر از درباریان، یا از اهل ماد و یا از اهل پارس، را همنامی مینماید. این اشخاص بهترین محصول ایالت خود را به عنوان هدیه برای شاهنشاه می‌آورند. شخصیت و هویت این نمایندگان ملل مختلف گاهی کاملاً روشن نیست:

- ۱- مادها آورنده یک کوزه و چند جام و یک دشنه و دست‌بندها و لباده‌ها و شلوارها می‌باشند.
- ۲- اهالی شوش کمان‌ها و خنجرها و یک شیر ماده و چند بچه شیر همراه دارند.
- ۳- همراه ارمنیها یک اسب و ظروف مختلف دیده می‌شود.
- ۴- آریایی‌ها - جام‌ها و یک اسب باختری و پوست حیوان‌ها.
- ۵- بابلیها - ظروف پر از سیم و زر و پارچه‌ها و یک گاو کوهان‌دار (لوحة ۴-ب).
- ۶- «لودیها»^۱ - ظروف و جامها و دست‌بندها و یک گردونه دو اسبه.
- ۷- آراخوزیها - جامها و یک شتر «باختری» و پوست‌ها.
- ۸- سُعدی‌ها، یا مردم کلیکیه^۲ - جام‌ها و پوست‌ها و پارچه‌ها و قوچ‌ها.
- ۹- مردم کاپادوکیه^۳ - یک اسب و لباده‌ها و شلوارها.
- ۱۰- مصریها - یک گاونر و پارچه‌ها.
- ۱۱- سکاهای «تیزخود»^۴ - یک اسب و دست‌بندها و لباده‌ها و شلوارها (لوحة ۴-ج).
- ۱۲- «ایونیها» - جامها و پارچه‌ها و قوچ‌ها (لوحة شماره ۵-الف).
- ۱۳- «پارت‌ها» - جامها و شترهای «باختری».
- ۱۴- قندهاریها - یک گاو کوهان‌دار، و نیزه‌ها و یک سپر.
- ۱۵- باختریها^۵ - ظروف و یک شتر باختری (لوحة ۵-ب).
- ۱۶- سگارتی‌ها^۶ - لباده‌ها و شلوارها و یک اسب.

^۱ مردم «لودی» در آسیای صغیر (Lydie)

^۲ آراخوزی: ایالت هخامنشی بین «درانزیان» در مغرب و هند در شرق. امروز جزوی از بلوچستان است. Arachosie

^۳ تیزخود = نوک کلاه خودشان تیزاست - ۵ - در آسیای صغیر Cappadoce - ۴ - کلیکیه در آسیای صغیر Cilicie

^۶ ۶ - جلکه شمالی افغانستان بین هندوکش در جنوب و جیهون در شمال Sagartiens

۱۷- خوارزمیها - یک دشنه و بازویندها و تیرها و یک اسب.

۱۸- هندیها - سبدهای پر از ظروف و یک خر و تبرها.

۱۹- اسکودریها^۱ یا مردم تراکیه^۲ - نیزه‌ها و یک سپر و یک اسب.

۲۰- اعراب - پارچه‌ها و شترهای دوکوهانه.

۲۱- مردم درانژیان^۳ - یک نیزه و یک سپر و یک گاونر با شاخهای بلند.

۲۲- مردم لیبی - یک گاوکوهی و یک گردونه دو اسبه.

۲۳- مردم حبشه - یک ظرف و یک عاج فیل و یک زرافه.

۵- «سه دروازه» یا اتاق شوری (بگفته آقای اشمیدت) - همان‌طوری‌که از مفهوم این کلمه پیدا می‌شود، این تالار سه در داشته است، دروازه ورود در شمال و دروازه خروج در جنوب تالار واقع بوده. دروازه سوم بطرف مشرق باز می‌شده و از آن به حرم که در سطح پایین تری ساخته شده بسود وارد می‌شدند. دروازه ورود این تالار از قسمتهای دیگر آن بهتر حفظ شده است (لوحة شماره ۳۶-ب). روی دیوار پلکان «سه دروازه» نقش یک شیر که به گاوی حمله کرده است (لوحة شماره ۳۶-الف) و یک حیوان انسانه‌ای^۴ دیده می‌شود (لوحة ۳۶-ب). روی دیوارهای طرفین پلکان، که به منزله نرده آن شمرده می‌شود، از طرف خارج یک ردیف سربازان نگهبان «مادی» و «پارسی» نقش شده و روی بدنه داخل آن درباریان و صاحب منصبان، که کل «لوتوس» دردست دارند، نشان داده شده‌اند (لوحة های ۳۶-ج، ۳۷، ۳۸). خود تالار عبارت از اتاق چهارگوشی است که سقف آن روی چهار ستون قرار داشته. دروازه شرقی تزییناتی بصورت نقش بر جسته دارد و خشا یارشا را بصورت ولی‌عهد نشان میدهد که پشت سر پدرش داریوش ایستاده و داریوش روی تختی نشسته و نماینده‌گان ۲۸ ملت تخت را روی سر و شانه‌هایشان نگاهداشته‌اند (لوحة ۹-الف). دروازه‌های شمالی و جنوبی تزییناتی شبیه بهم دارد. شاهنشاه وارد کاخ می‌شود یا از آن خارج می‌گردد، در حالی‌که دو نفر چتری را در بالای سر او نگاهداشته‌اند و یا عطردانی را همراه می‌برند. در بالای این مجلس «اهورمزدا» بصورت قرص خورشیدی که بال دارد در پرواز است (لوحة ۹-ب).

اگر از سمت جنوب از «سه دروازه» خارج شویم ناچاریم از حیاطی عبور کنیم و سپس از سمت راست از پله‌هایی گذشته وارد حیاط «هدیش» می‌گردم که بدستور خشا یارشا اول ساخته شده. در میان دو بازوی این پلکان دو طرفه و روی دیواره‌آن، نگهبانان شاهنشاهدیده می‌شوند، که در دو ردیف مقابل یکدیگر ایستاده‌اند و در میان آنها کتیبه‌ای است. در گوشه‌های مثلثی شکلی که در طرفین پلکان بوجود می‌آید باز نقش شیری که به گاوی حمله کرده نشان داده شده و دیواره‌های پلکان با نقش آورندگان خراج تزیین گردیده است. در شمال حیاط «هدیش» آنبه خاکی است که آنرا «بخش ناشناخته» نامیده‌اند.

۶- « بخش ناشناخته » (کاخ G روی نقشه اشمیدت). در زیر این تپه خاکپی ریزی‌های بنایی است که معلوم نیست برای چه مصرفی ساخته شده و طرح آن روشن نیست. بعضی‌ها تصور کرده‌اند که کاخی از اردشیر سوم است و بعضی دیگر گفته‌اند ویرانه آتشکده‌ای است که سه طبقه داشته است.

برای خروج از حیاط « هدیش » باید از پلکانی عبور کرد که مزین بنقوش برجسته‌ای شبیه به نقوش برجسته پلکان شرقی همین حیاط است. از آنجا وارد حیاط دیگری می‌شوند که در شمال آن ساختمان‌های زیر قرار دارد.

۷- تپه‌ای داریوش اول (لوحة . ۴-الف) : ساختمان این کاخ از زمان داریوش اول شروع شده و این مطلب از روی کتیبه‌ای که بسی زبان در داخل هریک از طاقچه‌های سنگی یک تخته نوشته شده و روی دیواره پنجه‌ها نیز تکرار شده فهمیده می‌شود. کتیبه دیگری که روی جرزهای جنوبی است نشان میدهد که این ساختمان در زمان خشاپارشای اول بیان رسیده. برخلاف ساختمان‌های دیگر تخت‌جمشید، کاخ « تپرا » رو به جنوب است. مجموع این کاخ مرکب از یک تالار مرکزی مربعی است که یک ایوان ستون دار در مقابل آن قرار دارد و سه اطاق کوچک در کنار آن واقع شده است. سقف تالار مرکزی روی سه ردیف چهارستونی قرار گرفته و خود تالار شش در دارد که دو عدد آن بطرف شمال، دو عدد بطرف غرب و یکی بطرف جنوب و یکی بطرف شرق باز می‌شود. دروازه‌های شمالی و جنوبی با نقوش برجسته‌ای تزیین شده است که شاه را در موقع ورود یا خروج از کاخ نشان میدهد، در حالیکه دو خادم پشت سر او هستند و در بعضی نقوش یک خادم چتری را در بالای سر شاه نگاه داشته است.

نقوش برجسته دیوارهای دروازه‌های غربی و شرقی شاه را در حال نزاع با شیر یا گاو وحشی، یا یک حیوان افسانه‌ای، نشان میدهد. سر و پای جلوی حیوان مانند سر و پای شیر امت و پاهای عقب شباهت به پنجه‌های عقاب دارد، در حالیکه دم آن شبیه به دم عقرب است. تالار مرکزی این کاخ را « آینه‌خانه » نام نهاده‌اند، زیرا سنگهای دیوارهای آن بقدرتی خوب صیقلی شده که مانند آینه عکس انسان را منعکسن بینماید. نقش بالای سر در نشان میدهد که هنرمندان مصری نیز در کار سنگتراشی این کاخ شرکت داشته‌اند. روی همین سردرها و کنار پنجه‌ها چند کتیبه کنده شده که یکی از آنها متعلق به شاپور دوم است.

ایوان ستون دار این کاخ دو ردیف چهارستونی و دو دروازه دارد. روی دروازه‌ها نقش برجسته‌ای خادمی را نشان میدهد که اشیاء مختلفی در دست دارد. دیوار ایوان در زیر ستونها نگهبانان شاهی را نشان میدهد که نیزه در دست دارند. دیوارهای دو پلکانی که در طرفین ایوان ستون دار واقع شده مزین به نقوش برجسته‌ای است که آورند گان خراج را معرفی مینماید که ظروف و کیسه‌ها و اسبها و میش‌ها همراه دارند (لوحة . ۴-ب).

در مغرب «تچرا» پلکان کوچکی است که مانند پلکانهای حیاط (هدیش) تزیین شده. وقتی از حیاط «تجرا» خارج میشویم به ساختمانهای زیر میرسیم:

- کاخ ناتمام اردشیر سوم: این کاخ (کاخ H در نقشه اشمیدت) طرح نامنظمی دارد و خیلی خراب شده.

- «هدیش» یا کاخ خشاپارشا، در قسمتی از تخت واقع شده که از قسمت های دیگر بلند تر است (لوحة ۱۴-الف). طرح آن تقریباً شبیه به طرح «تجرا» است با این طریق که یک تالار مرکزی مربع با ۳۶ ستون (ردیف در ۶ ردیف) دارد و یک ایوان ستون دار با دو ردیف شش ستونی در مقابل آن قرار گرفته. چند اطاق در طرف شرق و مغرب تالار واقع است. چون ساقه ستونها از چوب بوده از بین رفته، فقط ته ستونها باقی مانده است. تالار مرکزی پنج دروازه دارد (دو دروازه در طرف شمال، یکی در طرف مغرب، یکی در طرف مشرق و یکی در طرف جنوب). دو پنجره در طرف جنوب تالار باز میشود. تزیین تمام دروازه ها بهم شبیه است، یعنی پادشاه وارد کاخ میشود یا از آن خارج میگردد و دو خادم در پشت سر او هستند که چتر را در بالای سرشنگاه میدارند، یا مجمر عود یا عطردان در دست دارند. ایوان ستون دار شامل دو دروازه است و طرفین هر دروازه نیزه داران نگهبان شاه نشان داده شده اند. دروازه جنوبی به طرف یک پلکانه راه مییابد و از آن بالکانه میتوان منظرة بسیار زیبای جلگه مرودشت را دید. پلکانی کاخ «هدیش» را به حرم مربوط مینماید و بام حرم همسطح با کف «هدیش» است.

۱- تپه خاک: میان «هدیش» و ساختمان های حرم قرار دارد و در نقشه اشمیدت با علامت D تعیین شده. این بنا دو طبقه بوده و اطاقهای آن دراز و موازی با هم بوده است. در واقع انبارهایی بوده است که روی آن تالارهایی برای پذیرایی ساخته بودند و طاق انبارها مرکب از قوس ها بوده است.

۲- حرم قسمت های شرقی و جنوبی صفة تخت جمشید را اشغال میکرده. کوشاهایی که در این محل انجام گرفته نشان داده امت که ساختمان «حرم» در دو مرحله وقوع یافته: ابتدا داریوش ساختمان بنایی را شروع کرده بود که ناتمام ماند و بعد خشاپارشا آنرا تکمیل کرد و بصورت کنونی در آورد. «حرم سرا» شامل مجموعه های ساختمانی مرکب از یک تالار ستون دار و تعداد زیادی اطاقهای کوچکتر بوده است (لوحة شماره ۱۴-ب). قسمتی از «حرم» در حال حاضر بصورت موزه ای در آمده و در قسمت دیگر کارمندان باستانشناسی منزل اختیار کرده اند. طالار ستون دار عبارت از اطاق بزرگ مربعی است که سقف آن روی چهار ردیف سه ستونی قرار گرفته است. دروازه های اطاق مرکزی تزییناتی مانند تزیینات قسمتهای دیگر تخت جمشید دارد، باین معنی که پادشاه با دو خادم یا پادشاه در حال نزاع با شیر یا یک حیوان افسانه ای بالدار نشان داده شده. روی دروازه های «ایوان ستون دار» دو نیزه دار نقش شده. در دوران ساسانی نقش هایی با نوک

چاقو روی سنگهای دیواره های دروازه ها کنده شده و شاهزاده ایرا ، که شاید اردشیر باشد ، سوار بر اسب نشان داده است

۱۲ - در مشرق حرم کاخ «خزانه داریوش» است. این کاخ به شکل مربع مستطیل است و چند تالار ستون دارد و سقف آن روی ستونهای چوبی قرار داشته . امروز فقط پایه ستونها که از سنگ بوده هر جا مانده است . کنار دیوار شرقی این کاخ تخته سنگ بزرگی است (لوحة ۲۴ - د) که داریوش را نشان میدهد . در این نقش شاهنشاه به یک صاحب منصب عالی رتبه مادی بار میدهد . در کنار پادشاه خشاپارشا که در آن زمان وليعهد بوده ایستاده است و در پشتسر وليعهد دونفر قراردارند ، که يكی پارچه ای شبیه به دستمال یا حوله در دست دارد و دیگری ظاهرآ اسلحه دار باشی پادشاه است . سلاح هایی که در دست دارد عبارت است از یک کمان و یک زوین و یک دشنه . پشت سر این اشخاص دونفر از نگهبانان شاهی با دو دست نیزه خود را در دست گرفته اند . مقابل داریوش دو آتشدان قراردارد و روی آنها عودسوخته میشود . پشتسر صاحب منصب مادی دو نگهبان پارسی ایستاده اند . یکی از آنها نیزه ای بر دودست دارد و دیگری ظرفی را گرفته است . در شمال کاخ خزانه «تالار صد ستون» قرار دارد .

۱۳ - «تالار صد ستون» قسمت شمال شرق تخت جمشید را اشغال کرده (لوحة ۳۲ - الف) . خیابان عريضی که دیوار های آن از خشت خام است تالار صد ستون را به سر در بزرگ خشاپارشا وصل میکند . این خیابان به یک سردر یا «هشتی» ناتمام منتهی میگردد . این سردر شبیه به سردر بزرگ منصب به خشاپارشا است و تالار مربعی دارد و سقف آن روی چهارستون قرارداده شده بوده است . پایه های این ستون ها هنوز برجاست و سرستونهای بزرگ آن که به شکل گاو های نر بوده است روی زمین افتاده است (لوحة ۳۴ - ه) . اگر از دروازه جنوی این سر در بیرون برویم ، ابتدا از یک حیاط عبور میکنیم و سپس داخل در تالار صد ستون میگردیم . این تالار به دستور خشاپارشا اول ساخته شده و بدست اسکندر آتش زده شده است . این آتش سوزی پس از بازدید طبقه خاکستری که در روی زمین مشاهده میشود و قطر آن در حدود ۳ متر . ۴ سانتیمتر است تأیید میشود . این کاخ شامل یک تالار مرکزی مربع بوده است (۷۵ متر مربع) و سقف آن روی ده ردیف ده ستونی قرار گرفته بوده و پایه ستونها هنوز برجاست . مقابل تالار اصلی یک ایوان ستون دار ، با دو ردیف هشت ستون ، قرار داشته . در طرف شمال تالار اصلی دو دروازه و هفت پنجره وجود داشته و بالای دروازه ها و پنجره ها تزیین بخصوصی که «گلوبی مصری» نام دارد دیده میشود . دیوارهای دیگر این تالار هر کدام ۲ دروازه و ۹ پنجره داشته است . روی دیوارهای دروازه ها نقش بر جسته ای وجود دارد . نقش دروازه های مغرب و مشرق شاه را در حال نزاع با یک شیر یا یک گاونر (لوحة ۲۴ - الف) ، یا یک هیولای بالدار با سر و پای جلوی شیر و پای عقب عقاب و دم عقاب یا عقرب نشان میدهد . در روی دیوارهای دروازه های شمال و جنوب مجلس بار شاهنشاه نقش شده ، شاه روی صندلی سایه بان داری نشسته ، صاحب منصبان و

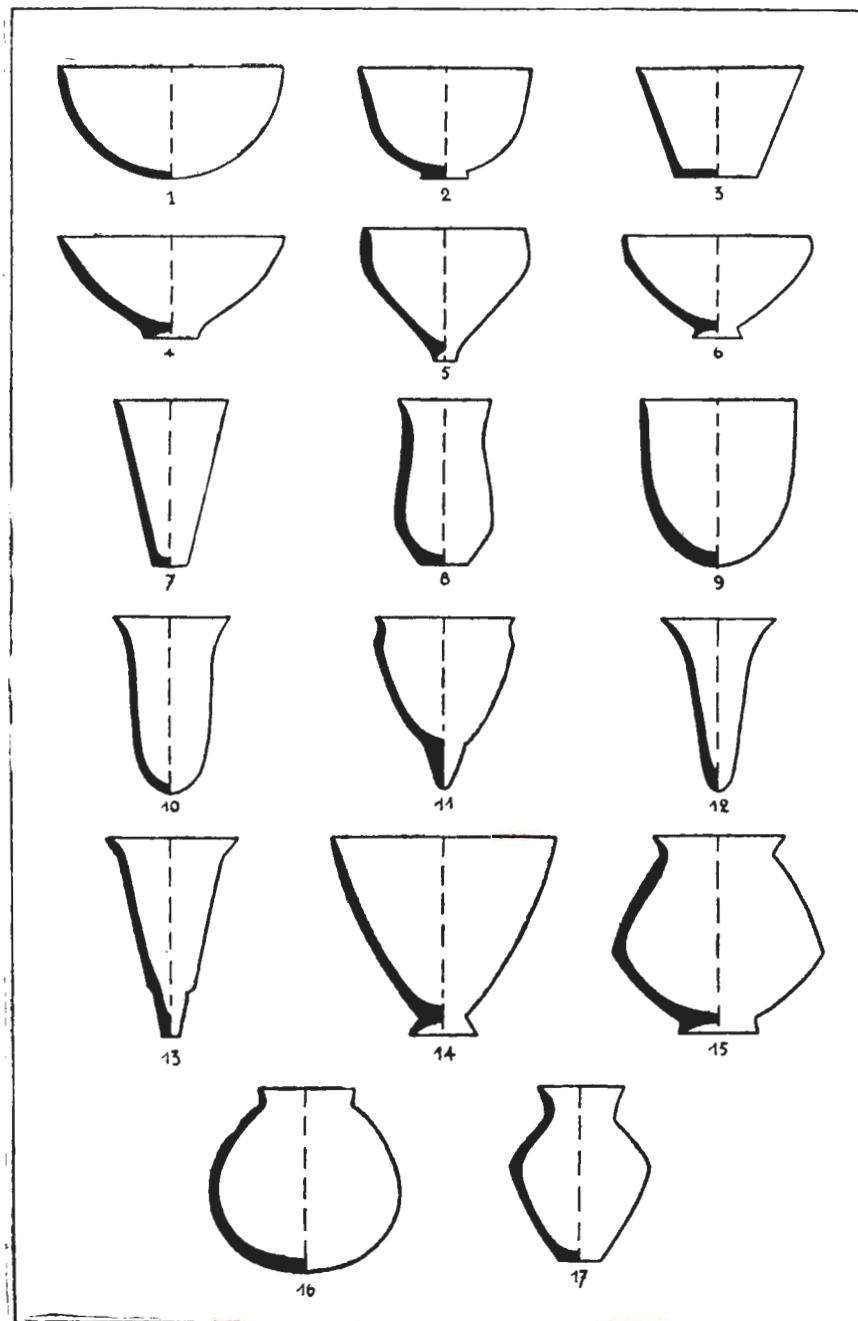
خدمتگزاران در کنارش ایستاده‌اند و یک صاحب منصب عالی‌رتبه «ماد» در مقابل او ایستاده بار می‌یابد. بالای تمام این مجلس اهورمزدا به صورت انسان بالداری در پرواز است (لوحة ۴۲-ب). روی دیواره‌های دروازه جنوی، تخت پادشاه در روی سکویی قرارداده شده و نمایندگان ۴ ملت تابع، که در سه ردیف قرار گرفته‌اند، آنرا روی شانه خود می‌برند (لوحة ۴۲-ج). دیوارهای دروازه‌های ایوان ستون دار با نگهبانان نیزه‌دار شاهنشاه تزیین شده. در مشرق «طalar صدستون» تالار دیگری است که ۳۲ ستون دارد و ایوان منضم بان نیز دارای ۱ ستون است. در جنوب این تالار چندین اطاق و انبار و صندوقخانه وجود دارد و اصطببل شاهی و «گردونه خانه» نیز بان ضمیمه است.

آرامگاه‌های اردشیر دوم (۴۰۵-۳۶۱) و اردشیر سوم (۳۳۸-۳۶۱) مانند دخمه‌هایی در بالای تخت در دامنه کوه رحمت کنده شده است (ف.ك - ۶۶). نمای این دخمه‌ها مانند نمای دخمه‌های نقش-رسمی صلیبی شکل است و در میان آن دری است که به اطاق آرامگاه راه می‌یابد. در اطاق آرامگاه اردشیر دوم دو قبر سنگی قرار داده شده، ولی در اطاق آرامگاه اردشیر سوم سه قبر سنگی یک تخته موجود است. روی پیشانی هر آرامگاه نمایندگان ملل تابع تخت شاهنشاهی را روی سر خود حمل می‌کنند (لوحة ۴-الف) و در بالای تخت، پادشاه مقابل آتشدان ایستاده اهورمزدا را ستایش مینماید. در جنوب تخت جمشید آرامگاه داریوش سوم است (۳۳۶-۳۳۱) که ناتمام مانده (لوحة ۵-الف) و فقط قسمت بالای آن نقش پادشاه را مقابل آتشدان نشان میدهد. بقیه آرامگاه با وضع نتراشیده باقی مانده است. احتمال دارد که مشغول ساختن آرامگاه بوده‌اند و آمدن اسکندر با ایران باعث توقف کار گردیده است (ف.ك - ۶۷).

از شهریکه در پایین تخت جمشید ساخته شده بود چیز زیادی باقی نمانده. در طرف شمال غرب هنوز معجزه و جای پاشنه یک پنجره سنگی باقی است و طرفین آن پنجره نقش برجسته‌ای دارد که بسیار خراب شده. با این حال در آن نقش برجسته می‌توان تصویر یک «فراته‌دار»^۱ فارس را که مشغول نیایش است تشخیص داد. همسر این شخص نیز در این نیایش شرکت دارد. «فراته‌دار» «برسمی» را که هنگام نیایش بکار می‌برند در دست دارد (لوحة ۴-ج، د). در اطراف این اثر مقداری قطعات ته ستون پخش است (ف.ك - ۶۸). اینطور بنظر میرسد که در این محل آتشکده‌ای از زمان سلوکیها بوده. در میان اشیائی که از زیر خاک در این محل بدست آمده بعضی کتیبه‌ها سربوط به تشریفات مذهبی که به خط یونانی در روی سنگ نوشته شده دیده شده‌است. در سمت شمال شرق دروازه‌ای با «گلوبی مصری» و نقش دونفر در روی دیواره داخلی دروازه دیده می‌شود (لوحة ۶-الف، ب)، (ف.ك - ۶۹).

آقای هرسفلد در جنوب «تخت» آثاری از اینه دوران هیخامنشی بدست آورد (لوحة ۵-ب) که در میان آنها ته ستونهایی وجود داشته، که روی خاک نمایان بود (ف.ك - ۷۰). در سالهای

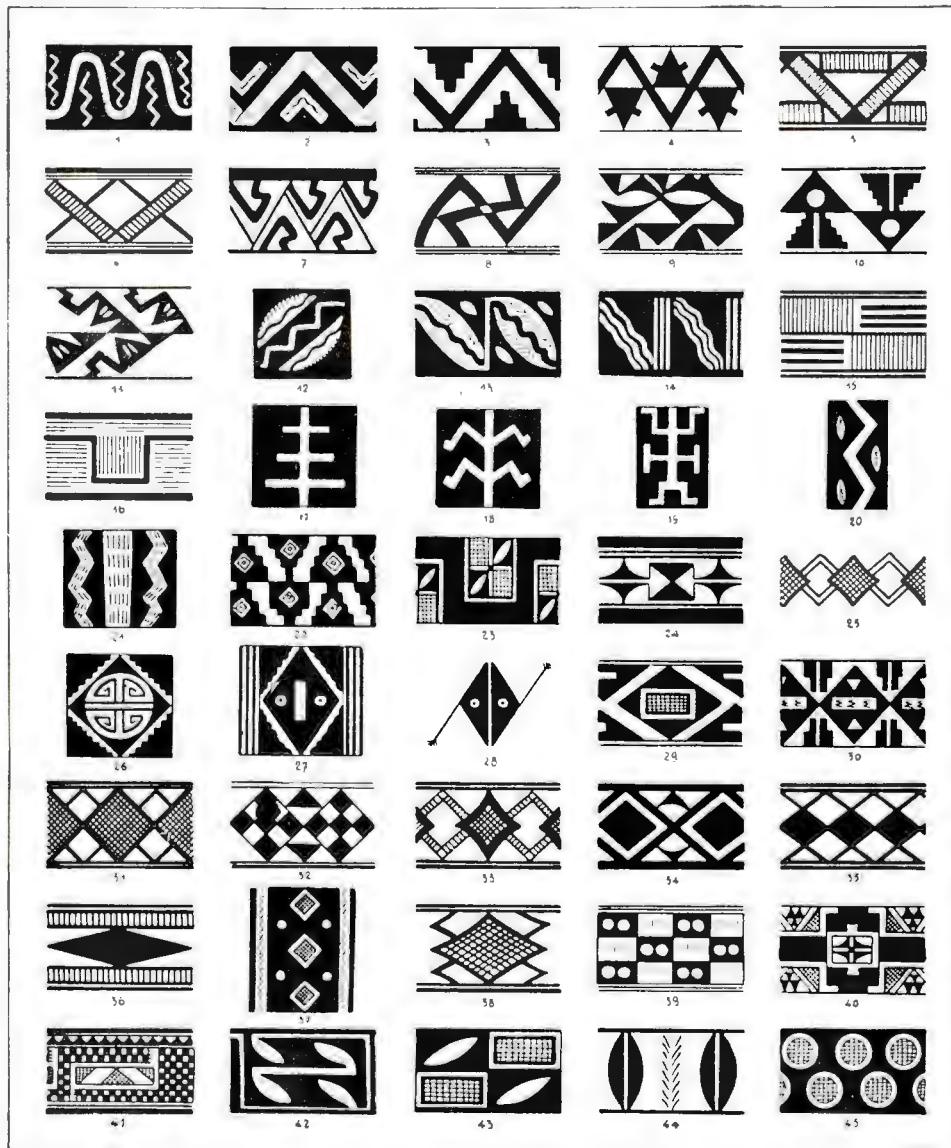
۱۹۵۱ - ۱۹۵۲، اداره کل باستان‌شناسی ایران در این محل یک انبار با حوض بزرگ و یک کاخ شامل تالار و ایوان سقون دار با سه ردیف چهارستونی پیدا کرد. کتیبه‌ای به سه زبان (فرس قدیم و



شکل ۷

بابلی و ایلامی) روی دو ته سقون تالار مرکزی این کاخ بنام خشاپارشای اول، سازنده این «تچرا» دیده شد (ف. ک. ۷۱).

در مرودشت بفاصله ۲ کیلومتر در جنوب غربی تخت جمشید دو تپه (A. B.) بنام «تل بکون» وجود دارد. استاد هرتسفلد در ۱۹۴۳ در این تپه‌ها کاوش‌هایی بعمل آورده است (ف. ک. ۷۲). در سال ۱۹۲۸ یک گمانه در روی تپه A، که در سمت مشرق بود، رزده شد و سفالهای رنگین بسیار زیاد بدست



شکل ۸ الف

آمد. در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۳۲، آقای لانگسدرف^۱ (ف. ک. ۷۳) از طرف مؤسسهٔ شرقی‌شیکاگو مأموریت پیدا کرد کاوش‌هایی در تپه‌های B-A تل بکون بعمل آورد. در تپه اول: در طبقه اول، سفال دوران سنگ جدید، برنگ زرد مایل به قهوه‌ای، بدون نقش و تا اندازه‌ای فاقد ظرافت پیدا شد.

در تپه (۲ - B) برعکس سفال رنگین فراوان بود. «تل بکون» A (طبقه ۱، تاب) نیز سفال رنگین شبیه به آنچه که هرتسفلد در ۹۲۸ پیدا کرده بود داشت. این سفال (لوحة ۶۴۷ و ۸۴ و شکل ۷۶ و ۸) خمیری ظرفی و بدون غل و غش داشت که با چرخ کوزه گری ساخته شده بود. رنگ خمیر غالباً درنتیجه یکنواخت نبودن آتش شدید و ضعیف شده است. شکل این ظروف بسیار متنوع است: کاسه‌های نوکدار، که لب آن صاف یا برگشته است، کاسه‌های آبخوری، کوزه‌آبخوری، کله قندی شکل، ته گرد، آبخوریهای پایه بلند. نقش این سفال مستقیماً روی زینه شیر و قهوه‌ای رنگ ظروف قرار داده شده و پس از اینکه بکوره رفته، رنگ آن کمی تغییر یافته و مبدل به قهوه‌ای تیره یا قرمز نزدیک بقهوهای گردیده است. نقش این سفال به سادگی نقش سفال منقوش نیست و غالباً وضع پیچیده‌ای دارد و پیچیدگی در نقش هندسی زیادتر می‌شود. با اینحال ممکن است نقش مزبور را به چندسته تقسیم بندی کرد. یک عده از نقش نماینده نباتات و حیوانات است (ماهی، مار، عقرب، مرغهای آبی، عقاب، آهو، گوزن با شاخهای خیلی بلند و پیچیده، که بصورت مصنوعی نقش شده، ببر، پلنگ)، شکل انسان کاملاً بصورت مصنوعی و بندرت نقش شده. این سفال منقوش منحصر به «تل بکون» نیست و در تمام ناحیه فارس پیدا می‌شود. سفال مکشوف در نقاط مختلف فارس بقدرتی با هم شباهت دارد که میتوان آنرا زیر نام «سفال تل بکون» طبقه بندی کرد. از نظر قدمت همدورة شوش اول و شاید متعلق به نیمه اول هزاره چهارم پیش از میلاد باشد. در طبقه «تل بکون ۵-A» فقط سفال قرمز رنگ بدون نقش پیدا شد.

در سال ۹۳۷، آفای اشمیدت با هواپیما از نواحی فوق عکسبرداری کرد و یک نقشه‌هایی از ناحیه واقع میان «پاسار گاد» تا شیراز ترتیب داد که در آن مناطق کاوش دقیقاً معین شده بود (مانند تخت جمشید، تل بکون، نقش رستم، فیروزآباد و سروستان) (ف. ک. ۷۴).

نویسنده این کتاب سه بار به ناحیه پاسار گاد و تخت جمشید، برای تفحصات باستانشناسی، مسافرت نمود و تقریباً ۳۶۰ کیلومتر مریع را تحت مطالعه قرارداد؛ مسافرت اول در تاریخ دوم ماه مه تا هیجدهم ماه ژوئیه ۱۹۵۱، صورت گرفت و دویی از پیست وسوم ماه مه تا سوم ماه اوت ۱۹۵۲، و آخرین آنها از ۲۶ دسامبر ۱۹۵۴ تا ۲۱ ژانویه ۱۹۵۵، انجام یافت (ف. ک. ۷۵).

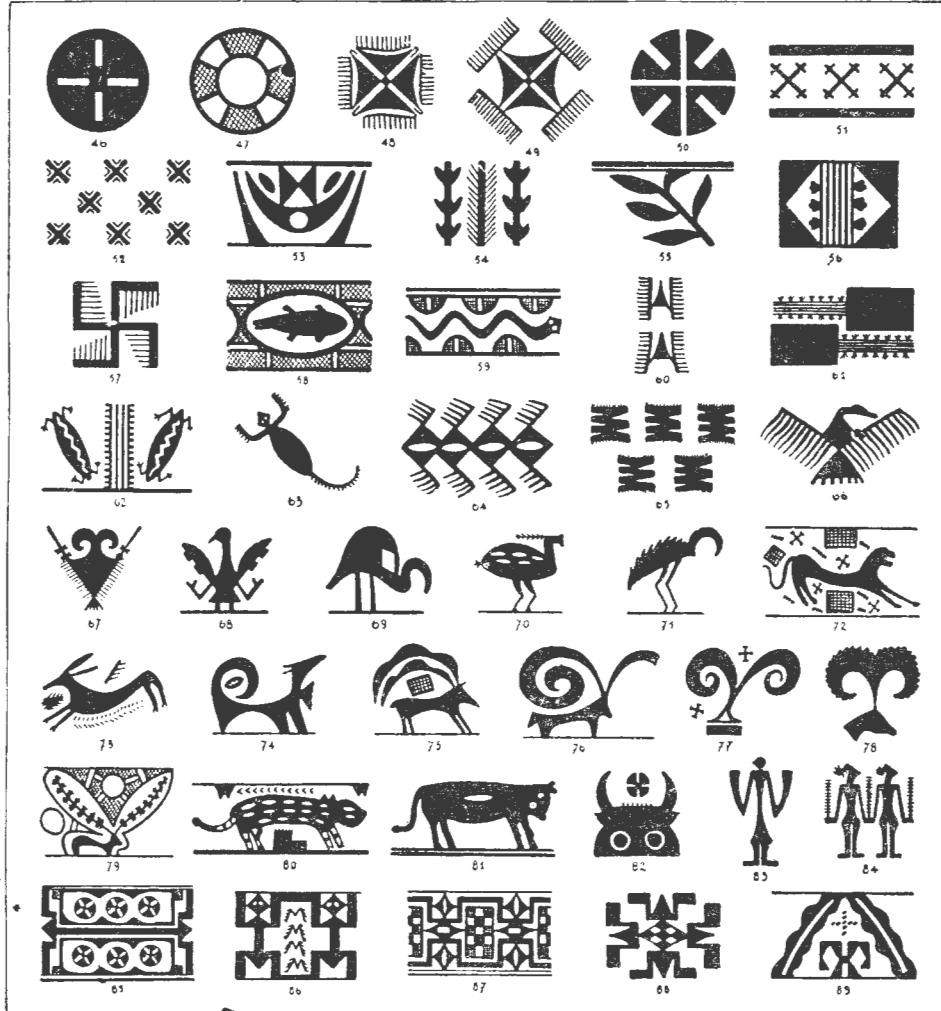
ناحیه‌ای که مورد مطالعه قرار گرفت از طرف شمال به «کوه حسین» و از مشرق به کوه بوانات و از جنوب به دریاچه نیزیز و از طرف مغرب به کوه‌های «زرگون» محدود می‌شود. در این ناحیه هفت جلگه بزرگ واقع است که هر کدام از آنها بوسیله رشته جبالی از یکدیگر جدا شده است: کوه فریدون، کوه قلعه، کوه استخر، کوه ایوب، کوه پل خان، و دو رودخانه در این ناحیه بزرگ جاری است، یکی رود پلوار، و دیگری رود کسر.

این هفت ناحیه که هفت بلوك را تشکیل میدهد بشرح زیر است: بلوك کمین، بلوك خفرک سفلی،

بلوک خفرک علیا ، بلوک رامجرد ، بلوک مرودشت ، بلوک کربال ، بلوک توابع ارسنجان .
منظور ما از این مطالعات روشن کردن نکات زیر بود :

الف - تهیه یک نقشه باستان‌شناسی از این هفت بلوک ، با ذکر نام تمام نقاط تاریخی و تعیین قدمت هر دوره از ادوار تاریخی آن نقاط با ذکر نام آن درآن دوره .

ب - گمانه زدن روی تپه های پیش از تاریخ مهم ، مانند تل شقا ، تل تیموران ، تل قلعه ،



شکل ۸ ب

تل کمین ، تل جری و تل موشکی . این گمانه ها برای این زده شد که ما را راجع به وضع تمدن هایی که در این ناحیه وجود داشته است وحدودی که هر یک از آن تمدن ها تحت نفوذ خود گرفته است آشنا کنند . سفال معمولاً وسیله خوبی برای تاریخ گذاری دوران های مختلف در یک طبقه حفاری میباشد و مابه هر کدام از این تمدن ها که در زیر طبقات مختلف تپه ها خواهد بود است نام تپه ای را دادیم که در آن از آن نوع سفال

زیادتر یافت میشده است یا بهترین نمونه های آن سفال را بیرون داده است. برای توضیح بیشتر از قدیم ترین این تمدن ها مطلب را شروع میکنیم.

۱ - تمدن تل جری B (لوحة ۹-ع-الف) - سفال منقوشی که در این ناحیه بیشتر پیدا میشود از حیث شکل و رموز فنی شباهت به سفال طبقه (یک) در «تپه سیلک»^۱ دارد ولی با این حال نقوش مخصوصی در این ناحیه پدیدار نمیشود. این نقوش عبارت است از خطوط هندسی خیلی ساده، خصوصاً خطوط موازی و افقی و عمودی، یا مایل، که بصورت نوار هایی مانند خطوط شکسته یا منحنی روی هم قرار گرفته است. این سفال در طبقات عمیق تپه ها است و در ده تپه در ناحیه ای که مورد مطالعه مابود پیدا شده است.

۲ - تمدن تل موشکی (لوحة ۹-ع-ب) - سفال این طبقه شباهت به سفال طبقه دوم «تپه سیلک» دارد، جز اینکه نقوش آن مرکب از نوارهای شکسته ایست که به دایره سیاه رنگی منتهی میشود. سفالها بی از این نوع درسه تپه کشف گردیده است.

۳ - تمدن «تل بکون»^۲ - سفال های این تمدن تقریباً در بیست تپه بچشم خورد (لوحة ۵-ه). تا ۵۰-الف). در بالا خصوصیات سفالهای مربوط باین تمدن را بیان نمودیم.

۴ - تمدن تل کفتری - خصوصیات سفال های این دوران بقرار زیر است :

الف - یک سفال قرمز رنگ بدون نقش مانند طبقه تل بکون (A.5).

ب - یک سفال قرمز رنگ با نقش سیاه (لوحة ۱-ه-ب).

ج - یک سفال سفید مایل بزرد، با نقش قهوه ای یا سیاه (لوحة ۱-ه-الف). در نمونه های (b-C) بیشتر نقوش مرکب از خطوط هندسی ساده است، مانند خطوط موازی، خطوط موج دار، خطوط شکسته، و نوارهای ساده یا متقطع. نظایر این سفال در شوش در طبقه موسوم به «برزخ» پیدا شده.

۵ - تمدن «تل قلعه» - سفال طبقه دوم از این تمدن (۵-ه-ب، ج) در طبقه دوم «تل شقا» (لوحة ۳-ه) و طبقه ۴ تل تیموران^۳ (لوحة ۵-ه) و در «تل کمین» نیز پیدا میشود. خمیر این نوع سفال خیلی پاک و کاملاً پخته، یا رنگ زرد یا آجری روش است و نقش آن قهوه ای یا سیاه است. شکل این ظروف مختلف است: (جام، ظروف دسته دار شکم دار با لبه پهن، کاسه ماست خوری و آبغوری). یکی از خصوصیات

۱- تپه سیلک نزدیک کاشان - آثاری که در این محل کشف شده از شش هزار و دویست سال پیش شروع میشود. (م)

۲- تل بکون با تخت جمشید دو کیلومتر فاصله دارد و از ۳۶۰۰ سال پیش از میلاد مسیح مورد مکونت قرار گرفته است. احتمالاً در اصل «تل بغان» یعنی تپه «خدایان» بوده است. (م)

۳- تل قلعه در جلگه سعادت آباد نزدیک تخت جمشید. (م)

۴- تل تیموران بناهای یک کیلومتر در غرب قصبه کوشک از توابع ارسنجان. (م)

این ظروف این است که نقوش آن بیشتر در روی لبه ظرف است. این نقوش عبارت است از زوارهای موج دار، نقش شطرنجی، خطوط دندان ارهای و عده زیادی از مرغان که شباهت به قو در حال شنا روی آب دارند. در تل شغا (یا چغا) ظرفی پیدا شد که بجای تُنگ آب مصرف می‌شد و بشکل مرغی است و روی آن نقش‌ماهی دیده می‌شود (لوحة ۳-ب). این تمدن به تمدن طبقه ۴ تپه گیان^۱ (قبر شماره ۲۰۲) و تمدن شمال غربی ایران (تمدن دینخا)^۲ و تمدن بلوقستان، (مانند سفال‌های شبکه‌دار بمپور «استوکگین دور»^۳ و سفال‌بانقوش کنده شده بمپور و کتوکان^۴ شباهت زیاد دارد.

۶- تمدن تل شغا (یا چغا) - تمدن «تل شغا» را باید بدنباشه تمدن «تل قلعه» قرارداد بدون اینکه با آن رابطه زیاد داشته باشد. تپه‌هایی که آثار این تمدن در آن پیدا شده عبارت است از «تل شغا» (طبقه‌اول)، (لوحة ۴ ه و ۵ ه)، و طبقه‌اول «تل قلعه» و طبقه سوم «تل تیموران» (لوحة ۵ ه) و «تل کمین» (لوحة ۵ ه) و «تل دروازه»، و هفت تپه دیگر. سفال مربوط به این تمدن مخصوص همین ناحیه است و در حال حاضر در ناحیه دیگری از ایران پیدا نشده. خمیر آن چندان ظریف نیست و در کوره خوب نیخته است. رنگ آن قرمز است ولی غالباً این رنگ فقط در قشر روی ظرف است و به علت حرارت آتش بوجود آمده ولی داخل ظرف همان رنگ خاکستری خودرا حفظ کرده است. گاهی سطح روی سفال که چندان خوب صیقلی نشده اثر بتونه قرمز رنگی را نشان میدهد. نقش این سفال قهوه‌ای مایل به قرمز یا قهوه‌ای مایل به سیاه است. شکل این سفال بسیار متنوع است (آبخوریهای قیفی شکل، جام، ماست خوری، ظروف شکم‌دار و ظروف سه‌پایه‌دار). نقش این ظروف بیشتر از عالم حیوانات و نباتات الهام گرفته و سعی شده است موضوع های مربوط را با حالت طبیعی خود نقش کنند (شکل ۹). نوارهایی که معمولاً روی لبه یا شکم ظرف نقش شده غالباً به خانه‌هایی تقسیم شده. نقوش هندسی تمام قسمت فوقانی ظروف را می‌پوشاند و در آبخوریها تمام سطح ظرف پوشیده از نقوش هندسی است^۵.

نقش موضوع های مربوط به نباتات و حیوانات (ماهی، عقرب، مار، حشرات، مرغ‌های آبی، مرغهای در حال پرواز) و نقش انسان نیز در روی این ظروف دیده می‌شود. تمدن «تل شغا» فقط همزمان با تمدن طبقه سوم تپه گیان، و دوران بزرخ بین طبقه ۳ و طبقه ۴ تپه گیان می‌باشد.

تمدن تل تیموران - این تمدن فقط در طبقه دوم این تپه موجود است و سه نوع سفال همراه دارد.
الف - یک سفال خاکستری مایل بقرمز خیلی صاف با یک بتونه صورتی و نقش سیاه مرکب از

۱- تپه گیان نزدیک شهر نهاوند

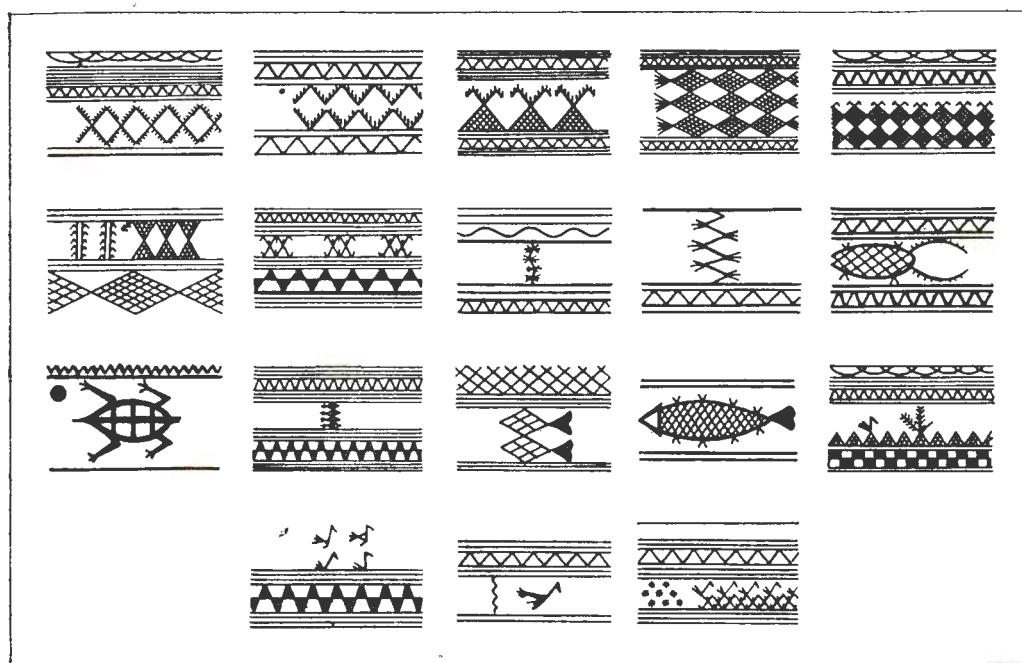
2-Dlnkhā 3-Stukagin-Dur 4-Katukān (ایرانشهر)

ه - مقصود از «نقوش هندسی» نقوشی است که با خطوط موازی یا متقارن یا شکسته یا موج دار یا چهارخانه یا مثلث وغیره تشکیل شده و این واژه برای این نوع نقوش مصطلح شده است.

خطوط موازی روی گردن ظرف و درخت‌هایی که کاملاً بصورت مصنوعی روی شکم ظرف نقش شده است (لوحة ۶-الف). این سفال بطرز خاصی ساخته شده و هیچ شباهت با سفال نواحی دیگر ندارد.

ب - یک سفال خاکستری مایل به قرمز که خوب پخته، ولی خوب صیقلی نشده، و نقش قهومایی یا قرمز یا سیاه دارد. از نظر شکل بیشتر این ظروف آبخوزی یا ظرف دسته دار و شکم دار و لب پهن میباشد. نقش این ظروف عبارت است از خطوط افقی موازی و گاهی نقطه چین، که گردن و شانه ظرف را میپوشاند (لوحة ۹۵). در طبقه دوم تپه گیان، و در بین النهرین، سفالی شبیه به سفال طبقه (II) تل تیموران پیدا میشود که به آن نام «سفال خابور» داده‌اند.

ج - نوع سوم از سفال‌های این تپه بدون نقش و برنگ خاکستری مایل به سیاه میباشد.



شکل ۹

۸ - تمدن تل تیموران B (طبقه اول تیموران).

امتیاز این سفال تمدن با سفال‌های دیگر این است که با سفال منقوش طبقه (۶-I) تپه گیان و سفال گورستان الف تپه سیلک شباهت فوق العاده دارد (لوحة ۶-و).

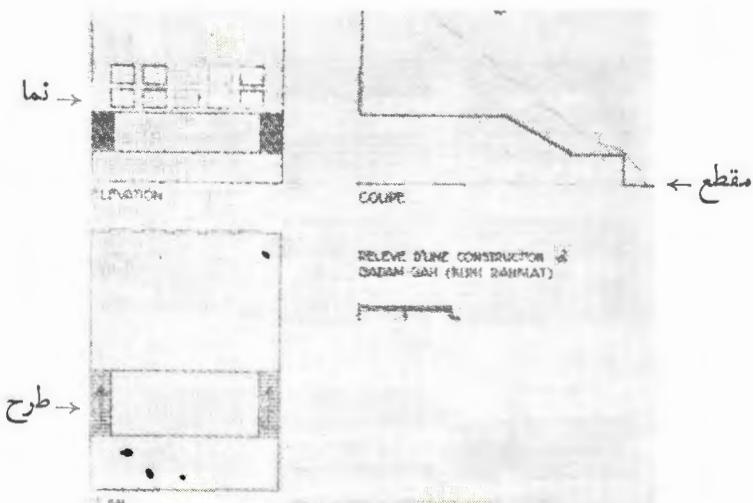
۹ - تمدن تل جلاباد^۱ - سفال این تپه معمولاً خاکستری نزدیک به سیاه یا قرمز است و نقشی ندارد. تنها یک کوزه کوچک شکم دار در این تپه پیدا شد که دهان آن پهن بود و یک نوک پهن بصورت مایل روی لبه آن قرار داشت (لوحة ۶-الف). رنگ زمینه این سفال زرد بود و نقشی برنگ قرمز جگری

داشت. این سفال با سفال مکشوف در گورستان B تپه سیلک بسیار قابل مقایسه میباشد. مطالعات باستان‌شناسی ما در دشتهای تخت جمشید به ما اجازه داد که تحول تمدن هایی را که در این سرزمین وجود آمده است از دوران «سنگ جدید» (در حدود... ع پیش از میلاد) تا هزاره اول پیش از میلاد، تقریباً بدون انقطاع پیدا کنیم.

ما در ضمن مسافرتها یمان توانستیم موفق به اکتشافات زیرگردیم (ف. ل. ۷۶) :

۱- دو خط پهلوی در کوه رحمت مقابل دهکده مقصود آباد که اخیراً بوسیله آقای مناشه^۱ بچاپ رسیده است.

۲- آتشکده‌هایی در هوای آزاد یکی در «باغ بدُره»^۲ (ی. ل. ۶۱-۶) در شمال دهکده اونار^۳ در بلوک خفرک سفلی و یکی در کوه ایوب در جنوب دهکده دولت آباد (لوحة ۶۲-۵)، در بلوک را مجرد و یکی دیگر در مشرق دهکده تالونک^۴ در همان بلوک.



شکل ۱۰- طرح یک ماختمان در قدسگاه کوه رحمت

۳- ابنيه مربوط به مردگان - چند گودال استخوان دان و چند طاقچه یا «استودان» که در آنج استخوان‌های مردگان را قرار میدادند و این «استودانها» در کوه رحمت (لوحة ۶۲-ج) و کوه زیدون و کوه سروی (لوحة ۶۲-الف، ب) و کوه ایوب (لوحة ۶۲-و) و کوه زاغه (لوحة ۶۲-د) واقع است. باین فهرست باید بعضی ابنيه زمان هخامنشی مانند آخرورستم (لوحة ۶۱-ب-د) را که سابقاً هرتسفلد نیز بآن اشاره کرده بود اضافه نمود.

۴- یک بنایی که معلوم نیست برای چه کار ساخته شده و در منتها ایه جنوبی «کوه رحمت»،

در شمال دهکدهٔ چاشت خوار^۱ قرار دارد و مردم بآن «قدمگاه» میگویند (لوحة ۶۳ و شکل ۱۰). احتمالاً^۲ این این بنا هم مربوط به مردگان بوده است.

ب - تحقیقات علمی و بنایی قدیمی در ناحیهٔ جنوبی فارس

آفای اول استین^۳ بدلبله مسافرت‌های پیشین خود در بلوچستان، با ارادهٔ خستگی ناپذیری از ماه نوامبر ۹۳۳، تاماه مه ۹۳۴، یک مسافرت سرتاسری در ناحیهٔ فارس انجام داد (ف. ک. ۷۷). وی از شهر شیراز عزیمت کرد و ابتدا از درهٔ فیروز آباد در جهت جهرم عبور نمود، ولی وارد ناحیهٔ لارستان نشد. سپس از درهٔ کفر^۴ گذشت، و بطرف فسا و سروستان و داراب رفت. پس از آن از رشته کوه‌های بوانات وازکنار دریاچهٔ «نیریز» عبور کرده وارد «ده بید» شد و از آنجا بشیراز برگشت. مشارالیه در نقاط متعدد به تپه‌های پیش از تاریخ برخورد و این مطلب را ثابت کرد که ناحیهٔ فارس در دوران پیش از تاریخ جمعیت بسیار داشته. بیشتر تپه‌ها متعلق به دوران «کالکولیتیک»^۵ بود. سفال‌های این تپه به سفال «تل بکون» شباهت زیاد داشت. این تپه‌ها بیشتر در ناحیهٔ سروستان بود، مانند تل سنگ سیاه (ف. ک. ۷۸)، تل گود رحیم (ف. ک. ۹۷) و تل دروازه (ف. ک. ۸). در ناحیهٔ فیروز آباد نیز تپه‌های «تل ریگ کمال آباد» مورد مطالعه قرار گرفت. تپه‌های پیش از تاریخ دیگر عبارت است از تل کنگان (ف. ک. ۸۲)، «تل سیاه فسا» (ف. ک. ۸۳)، در ناحیهٔ فسا، تل ریگ خُسو^۶ (ف. ک. ۸۴)، تل ریگ مادوان^۷ (ف. ک. ۸۵) تل سکومادوان^۸ (ف. ک. ۸۶)، تل سیاه مادوان^۹ (ف. ک. ۸۷)، در ناحیهٔ داراب، شیر^{۱۰} (ف. ک. ۸۸)، ده بید (ف. ک. ۸۹) و دوتُلان^{۱۱} (ف. ک. ۹) در پاسارگاد.

در بعضی از این تپه‌ها مانند وکیل آباد (ف. ک. ۱۹) سفال جدیدتر پیدا شد. روی «تل ضحاک» (ف. ک. ۹۲)، نزدیک فسا، یک سر «آفودیت»^{۱۲} از مرمر «پاروس»^{۱۳} پدست آمد، که در دوران بعد از اسکندر ساخته شده بود (لوحة ۶۴-د).

آفای پروفسور استین تعداد زیادی ابنیهٔ ساسانی را نیز تحت مطالعه قرارداد که قابل توجه میباشد. بیشتر این ابنیه را قبل^{۱۴} فلاندن و کُست^{۱۵} و دیولافوآ^{۱۶} و هرتسفلد مطالعه کرده بودند. مهمترین این ابنیه در داراب قرار دارد و ما شرح آنرا خواهیم داد و سپس به شرح اینیهٔ فسا و سروستان و فیروز آباد که مورد مطالعه آفای «استین» قرار گرفته است خواهیم پرداخت.

۱-Chast Khar ۲-Stein ۳-Kafr

۴-Chalcolithique ۵-Tell-i Kanakan

۶-Tall-i Rigi Khusū ۷-Mādavān ۸-Saku Mādavān ۹-Siyah Mādavān ۱۰-Chir

۱۱-Dütulân ۱۲-ونوس یا آفودیت ۱۳-مرمر پاروس از جزیره‌ای در یونان استخراج میشود

۱۴-Flandin-Coste ۱۵-Dieulafoy

داراب، داراب‌جرد قدیم است و در زمان ساسانیان شهرآبادی بوده. این شهر مانند فیروزآباد حصار دایره‌ای شکلی داشته که اثر آن امروز نیز پیداست (لوحة ۶۴ - الف). نزدیک داراب محلی است معروف به نقش رستم (ف. لک - ۹۴)، که نباید با نقش رستمی که نزدیک تخت جمشید است اشتباه شود. آقای «استین» برای اولین بار از نقوش بوجسته این محل عکس گرفت. این نقش را آقای اوزلی^۱ در سال ۱۸۱۱ نشان داده بود و فلاندن و کُسْت از روی آن نقاشی کرده بودند و در انتهای طاقی یا طاقچه‌ای در سنگ کوه تراشیده شده و پیروزی شاپور اول (۲۷۲ - ۲۴۱) را بر امپراتور روم «والرین» نشان میدهد (لوحة ۶۴ - ب، ج). پادشاه سوار بر اسب است و در میان نقش‌نشان داده شده و نعش دشمن در کنار او قاتده. امپراتور در مقابل او زانو بر زمین زده، دستها را بصورت استغاثه مقابل صورتش برده است و در عقب سراو ۵ نفر رومی و یک گردونه نمایان است. در عقب این منظمه چهار ردیف از صاحب منصبان ایرانی دیده میشوند.

در دره واقع در شمال فسا، نزدیک دهکده کشو^۲، خرابه‌های آتشکده‌ای بچشم میخورد (ف. لک - ۹۵). این بنای که از زمان ساسانیان است در پای «کوه خرمان»^۳ واقع شده کمی بالاتر، روی دامنه کوه، باقی مانده‌های قلعه‌ای بچشم میخورد و این بنا قلعه دختر نام دارد.

در طرف دیگر این کوه یک آتشدان ساسانی، در محلی موسوم به «تنگ کرم» (ف. لک - ۹۶)^۴ قرار دارد، که بصورت ساقه ستونی تراشیده شده و در دو طرف آن دو دایره نقش شده، که ظاهراً قرار بوده است در آن کتیبه‌ای نقرگرد (لوحة ۶۴ - ه).

در سروستان (ف. لک - ۹۷)، آقای «استین» از یک کاخ ساسانی عکسبرداری کرد و طرح آنرا کشید (لوحة‌های ۶۵ - ۶۶ و شکل ۱۱۰ - ۱۲۱). خرابه‌های این کاخ در فاصله ده کیلومتر از شهر سروستان قرار دارد. سابقاً آقایان کُسْت و فلاندن^۵ و دیالافوا^۶ و هرتسفلد مقالاتی درباره این بنا نوشته بودند. کاخ سروستان را بدستور بهرام پنجم (۴۳۸ - ۴۲۰) ساخته‌اند و از کاخ فیروزآباد بهتر حفظ شده است. طرح آن از طرح فیروزآباد پیچیده‌تر است واز نظر اصول فنی کامل تر میباشد و در ساختمان طاق‌ها و گنبد‌های هارت زیادتر بخرج داده شده. نمای اصلی این بنا در طرف مشرق است و ابتدا از ایوان بزرگی که در میان نمای شرقی قرار گرفته شروع میشود. ایوان دیگری در طرف شمال تالار مریع است و در گوشه شمال غربی و جنوب شرقی هر کدام یک اطاق کوچک قرار گرفته که روی آن گنبدی زده شده است. چند اطاق گنبددار دیگر در هر طرف ایوان اصلی و اطراف تالار مرکزی گنبددار و اطراف حیاط قرار گرفته است.

آقای «استین» در ضمن همین مسافرت محل قدیمی «گور» (خور یا اردشیر خوره)^۷ را که در حال حاضر

۱-W. Ouseley

۲-Kashū

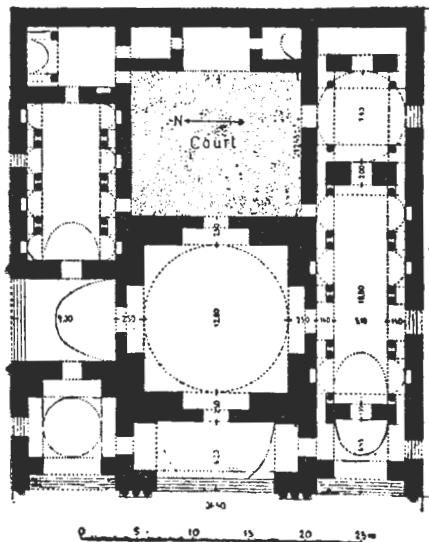
۳-Kuh-i Kharmān

۴-Coste-Flandin

۴-Dieulafoy

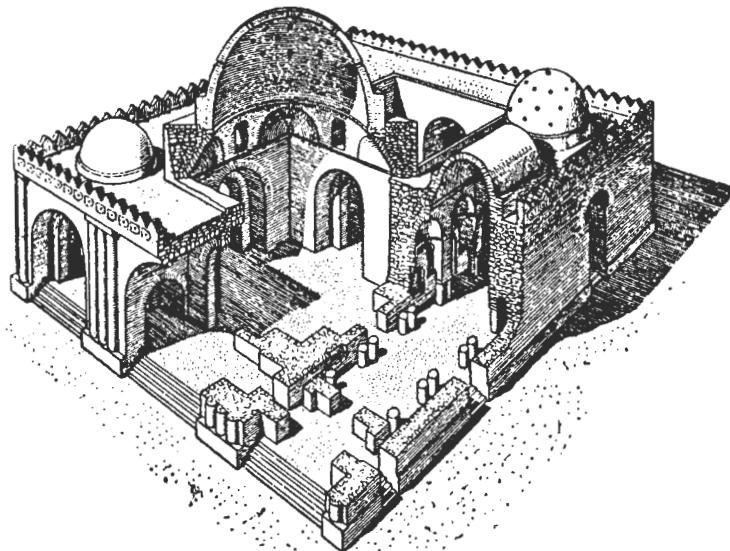
۹-Khūr-Ardachīr-Khūrrah «جور» طبق متون فارسی و عربی (م)

فیروز آباد نام دارد دیدن کرد (ف. ک. ۹۸). این شهر بدلستور اردشیر، پیش از رسیدن بپادشاهی، ساخته شده بود و حصاری دایره‌ای شکل داشت (لوحة ۶۷ - الف). ساختن شهرها در حصار دایره‌ای شکل



شکل ۱۱

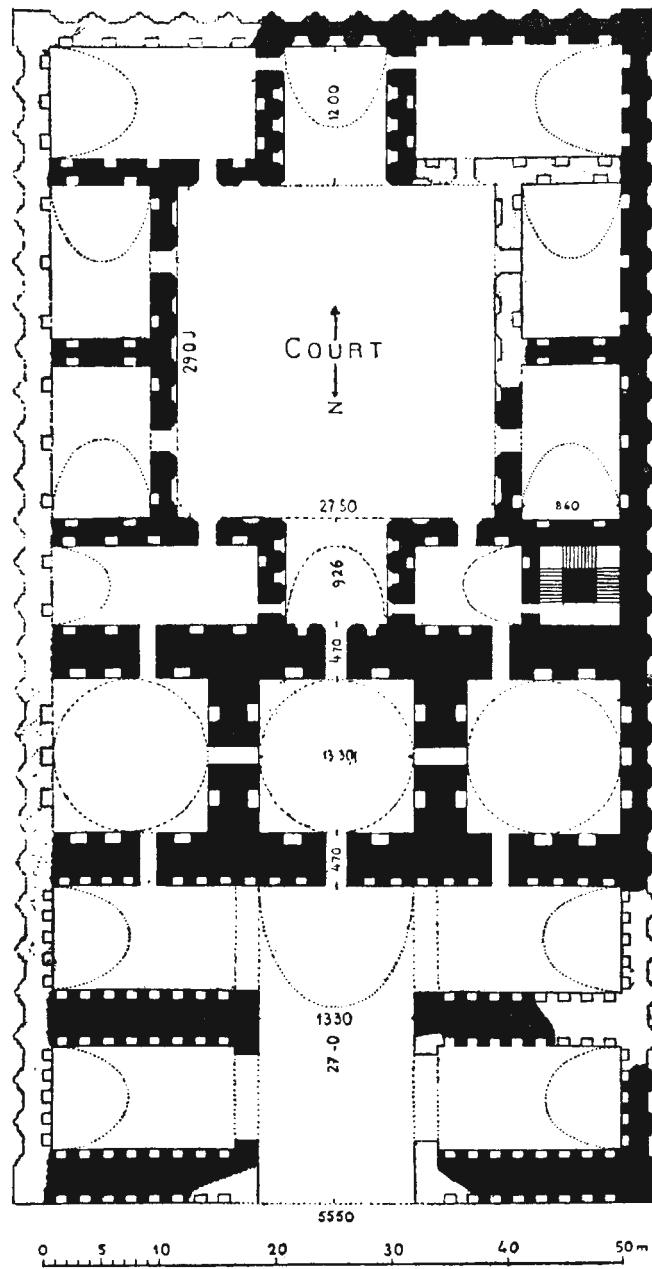
در زمان اشکانیان بسیار معمول بود. اثر حصار این شهر هنوز روی زمین پیدا است و عبارتست از دو دیوار خشکی که در دو طرف خندقی قرار گرفته در میان شهر «تحتی» ساخته شده و روی «نخت» ویرانه



شکل ۱۲

برجی دیده میشود و در کنار برج منار (تربال)^۱، یا آتشدانی که از سنگهای نتراشیده و آهک ساخته شده، دیده میشود (لوحة ۶۷-ب). در طرفین این منار آثار پلکان طاق داری، که بصورت مارپیچ تا بالای برج

ادامه داشته، هویدا است. در آن بالا، در هوای آزاد، آتش مقدس را روشن میکردند و پرستنده‌گان گردان گردیدند. مناره حضور می‌یافتد. در فاصلهٔ تقریبی صد متر در شمال شرق این سار، پرسشگاهی در روی تختگاهی ساخته شده بود که امروز آنرا «تخته نشین»^۱ مینامند. این بنا عبارت از یک «چهار طاقی» بوده که در آن



شکل ۱۲

آتش مقدس را روشن میکرده‌اند و روی صفوهای برپاشده بود و فقط روحانیان حق نزد یک شدن با آنرا داشتند. یک حوض بزرگ نیز به آن مرتبط بود.

در خارج شهر آثار دیگری از ساسانیان موجود است.

الف - کاخ اردشیر اول (لوحه‌های ۶۷-۶۸ و شکل ۱۳). این بنا را اشتباهاً آتشگاه نامیده‌اند. کاخ اردشیر در شمال فیروزآباد قرار گرفته و با سنگ پاره‌ها و آهک ساخته شده و ۴۰ متر طول و ۵۰ متر عرض دارد ونمای آن بطرف شمال وجنوب است. ابتدا از یک ایوان بزرگ شروع می‌شود. این ایوان به تالار گنبددار مربعی راه می‌پیماید. در هر طرف ایوان دو تالار ساخته شده که پوشش آن گهواره‌ای شکل است و به ایوان راه دارد و در هر طرف تالار بزرگ گنبددار نیز یک اطاق، به عرض وطول تالار مرکزی شبیه به آن، قرارداده شده است.

در انتهای تالار گنبددار مرکزی راه باریکی وجود دارد که آن تالار را به قسمت پشت کاخ، یا اندرونی، متصل مینماید. وضع اندرونی کاملاً با وضع بیرونی کاخ اختلاف دارد. در این قسمت حیاطی بعرض وطول 29×27 وجود دارد و در اطراف آن تالارهایی است که پوشش آن از طاق گهواره‌ای شکل است و فقط یک در دارد که بحیاط مرکزی راه می‌پیماید. اطاقهای طرف شمال و جنوب در هر ضلع بوسیله یک ایوان کوچک از یکدیگر جدا شده است و در گوشش شمال غربی پلکانی است که بوسیله آن به پشت بام راه می‌پیمایند.

ب - «قلعه دختر»، روی تپه‌ای سنگی در کنار رودخانه تنگاب ساخته شده ابتدا «تختگاهی» ترتیب داده شده و روی آن تعدادی ابنيه با سنگ نتراشیده و آهک ساخته شده. این بنا که بمنزله قلعه مستحکمی بوده در زمان اردشیر اول بنا گردیده است (لوحة ۶۹).

ج - نزدیک همین قلعه پلی روی رودخانه زده شده و این پل کتیبه‌ای بخط پهلوی ساسانی دارد. این بنا ابتدا بوسیله هرتسفلد مکشوف شد و سپس آقای گیرشمن و هنینگ^۱ آنرا مطالعه کردند.

د - نزدیک همین پل، در کنار بستر رود تنگاب، دو نقش برجسته در سنگ کنده شده که متعلق به عهد ساسانی می‌باشد (ف. ل. ۹۹). نقش اولی تاجگذاری اردشیر را نشان میدهد. شاه نشانه شاهی را از دست «اهورمزدا» دریافت می‌کند و این نشانه عبارتست از یک حلقه با نوار (لوحة ۷). درعقب پادشاه یک خدمتگزار بادبزنی را در بالای سر پادشاه گرفته و پشت سر او سه نفر دیده می‌شوند. اولین آنها شاپور، پسر و جانشین اردشیر است. بین خدا و شاه یک آتشدان قرار دارد، و روی آن بخط پهلوی ساسانی کتیبه‌ای نقش شده. نقش برجسته دوم بفاصله ۲ کیلومتر از اولی است. این قدیم ترین نقش و مهمترین نوشته‌ای است که از عهد ساسانیان روی سنگ کوه کنده شده است. طول آن بیست متر است، متأسفانه قسمت پایین آن بکلی از بین رفته. موضوع این کتیبه پیروزی اردشیر اول بر «اردون» پنجم، آخرین پادشاه اشکانی

است. خیمناً منظره‌ای ارجنگ میان سوارکاران نیز در کنار این نقش دیده می‌شود. در سمت راست اردشیر اول سوار بر اسب است واردوان را از مرکب بزیر میاندازد و با یک ضربه نیزه کار او را می‌سازد (لوحة ۱-الف). در میان نقش، ولیعهد، شاپور، «داربندان»^۱ وزیر پادشاه اشکانی را بخاک می‌غلتاند (لوحة ۱-ب). در سمت چپ یک اسب سوار ساسانی یک نفر از پارت‌هارا خفه می‌کند (لوحة ۱-ج).

ج - تفاصیل باستان‌شناسی و اینیه واقع در گنار راه بین شیراز و دریا

در جنوب شرقی شهر شیراز، روی کرانه‌های شمال شرقی دریاچه مهارلو^۲ آقایان فیلد^۳ و مک‌کون^۴ در سال ۹۳۰، قطعه سنگ‌های تراشیده‌ای از عهد «پالوثوتیک کهن» پیدا کردند (ف. ک. ۱۰۰). در فاصله ۶ کیلومتر در جنوب شرقی شهر شیراز محل تاریخی «قصر ابونصر» دیده می‌شود. در اینجا از قدیم یک سردر از عهد هخامنشی برپا بود (لوحة ۲-الف-ب). این سر در احتمالاً از تخت جمشید باین محل انتقال داده شده (ف. ک. ۱۰۱).

یک هیئت علمی امریکائی تحت سرپرستی آفای «اوپتون» در سال ۱۹۳۲ و ۹۳۳-۳۴ در این محل مشغول کاوش شد و موفق گردید که قلعه مستحکمی از عهد ساسانیان را از زیر خاک بیرون آورد. زیرا این قلعه مستحکم آثار دوران اشکانی دیده می‌شود. در این محل اشیایی از قبیل کوزه‌های گلی و سکه‌ها (که بعضی از آنها متعلق بدوران اشکانی بود) وجود داشت و جواهرات و اشیاء برنزی دیگر بدست آمد. بیش از پانصد مهر از جنس گل پیخته و تعداد زیاد مجسمه‌های کوچک منصب‌داران و حیوانات یا پرندگان پیدا شد که روی بعضی از آنها کتیبه‌ای بخط پهلوی نوشته شده بود (ف. ک. ۱۰۲).

در جنوب شرقی «قصر ابونصر» خصوصاً در برم دلک^۵ (ف. ک. ۱۰۳) سه نقش برجسته ساسانی وجود دارد که مسافران اروپایی تاورنیه و کمپفر^۶ و بروین^۷ و اوزلی^۸ و فلاذدن و کُست آنرا تشریح کرده‌اند و طرح‌هایی از آن داده‌اند. آندرآس استولز^۹ و «زاره»^{۱۰} اولین کسانی هستند که از این بنا عکس گرفتند. این سه نقش برجسته، که دو نقش آن کوچکتر و یکی بزرگتر است، مربوط به دو موضوع می‌باشد. دو نقش کوچک بوسیله یک نوار پهنی که نقشی ندارد از هم جدا شده است. پهنانی این نوار تقریباً یک‌متر می‌باشد. این دو نقش مربوط به شاه بهرام دوم است (۲۹۳-۲۷۶) که در مقابل آتش مقدس ایستاده مشغول نیایش است (لوحة ۳-الف). نقش بزرگ بهرام دوم را با همسرش

۱-Dārbendān

2-Mahārlu

3-H. Field

4-Mc Cown

5-J. M. Upton

6-Barm-i Dilak

7-E. Kaempfar

8-C. De Bruyn

9-W. Ouzeley

10-Andreas Stolze

11-Fr. Sarre

نشان میدهد (لوحة ۷۳ - ب). تمام این نقوش بوضع خیلی بدی است.

کمی دورتر، نزدیک شهر کازرون، در کوههای دهکده « سرمشهد » (ف. ک - ۱۰۴) نقش بر جسته دیگری وجود دارد، که فقط از ۳ سال پیش شناخته شده و آقای هرتسفلد آنرا کشف کرد. این نقش بهرام دوم (۲۹۳ - ۲۷۶) را نشان میدهد که همسر و پسرش را در مقابل حمله دو شیر حمایت میکند (لوحة ۷۴ - الف). وی شیر اولی را کشته و خود را برای حمله بشیر دوی مهیا مینماید. درسمت راست یک منصب دار این منظره را نگاه میکند. بالای این نقش یکی از بزرگترین کتیبه های ساسانی بخط پهلوی کنده شد.

در جنوب شرق سرمشهد، کنار جاده کازرون به فیروزآباد و در دره جره^۱ ویرانه چهار طاقی هایی از دوران ساسانی به چشم میخورد که بنای آن به مهر نرسی نسبت داده شده. اولین آنها در فاصله ۱۰ کیلومتر از شهر کازرون (ف. ک - ۱۰۵) در کنار راه بزرگی است که این شهر را به شیراز متصل مینماید. در حال حاضر از این چهار طاقی فقط سه جزو باقی مانده (لوحة ۷۴ - ب). چهار طاقی دوم نزدیک قصبه جره است (لوحة ۷۴ - ج)، (ف. ک - ۱۰۶). چهار طاقی سوم در تون سبز (ف. ک - ۱۰۷) نزدیک قصبه « گمند » و چهارمی در فراشبند (ف. ک - ۱۰۸) واقع شده. این چهار طاقی ها با سنگ تراشیده بدون مسلط ساخته شده است و چهار جزو گنبدشان را نگاه میدارد. بالای پایه ها چهار قوس قرار داده شده و زیر گنبد آتشدان را میگذاشتند.

هیئت باستان‌شناس فرانسوی در ایران تحت سرپرستی آقای م. و.ژ. پزار^۲ در سال ۱۳۹۱ چند کاوش در ری شهر نزدیک بندر بوشهر بعمل آورد (ف. ک - ۱۰۹). این بندر کنار خلیج فارس واقع است. ری شهر احتمالاً همان شهر قدیمی ایلامی لیان^۳ میباشد. در این محل سفالهای رنگین از عهد « کالکولیتیک » و عهد « برنز قدیم » و ساختمانهای آجری با کتیبه های عهد شوتروک ناخونته^۴ پیدا شده.

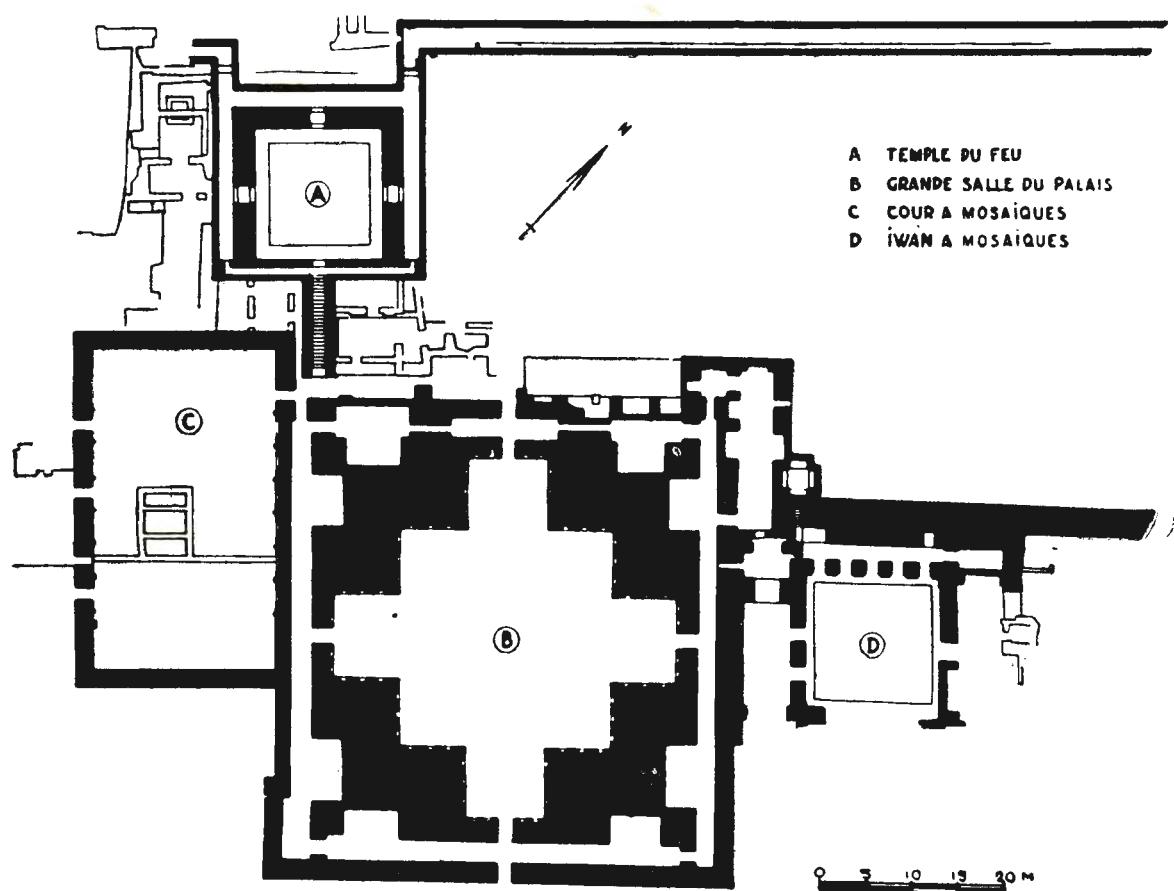
جزیره خارک (ف. ک - ۱۱۰)، مقابل بندر بوشهر، در خلیج فارس واقع است. در این جزیره ویرانه های قابل توجهی است که « تونو »^۵ از آن در ۱۶۶۷ دیدن کرد و در سال ۱۷۶۰ نیز آقای « کارستن نیبور »^۶ آنرا مطالعه نموده است. بعد ها آقای هرتسفلد نیز آن را تحت مطالعه قرار داده است. در این خرابه ها معمولاً در حدود ۶۰ قبر دیده میشود که در سنگ مرجانی تراشیده شده. در مقابل دروازه برخی از این آرامگاه ها خطوط شناسی بچشم میخورد، که تا اندازه ای پاک شده. دو آرامگاه از نظر ساختمانی قابل توجه است. نمای آن طاقچه ها و نیمه ستونهایی دارد. یک ایوان وسیع در مقابل اطاق آرامگاه ساخته شده و از هر طرف سه طاقچه دارد و در هر طاقچه حفره ای برای قرار دادن مرده کنده شده. در اطاق نیز

۱ - D. Jirrah ۲ - Mihr Narsah ۳ - M. et G. Pézard ۴ - Liyān ۵ - Shutruk-Nakhunte

۶ - J. Thevenot ۷ - Karsten Niebuhr

در هر طرف پنج طاقچه است. قبر اصلی در ته اطاق است. روی یکی از این قبرها نقوشی به سبک شهر قدیمی «تدمیر» نقش شده، باین معنی که شخصی روی نیمکتی خوانیده است. این آرامگاه‌ها با قبرستانهای زیرزمینی مسیحیان در حدود ۲ بعد از میلاد قابل مقایسه بیباشد.

د - تمجیدات باستان‌شناسی و آنیه‌قدیمی در کنار جاده بیشاپور به شوش آقای کارلتون کون^۱ در سال ۹۴، آثار تمدن‌های در ناحیه کلارزاغی^۲، نزدیک دهکده قرا^۳، در چند کیلومتری جنوب غربی شهر بیشاپور پیدا کرد (ف. ل - ۱۱۱).



شکل ۱۴

در خود بیشاپور آقای ژرژ سال^۴ و رومان گیرشمون^۵ در سال ۱۹۳۰ - ۳۶ و ۱۹۳۶ - ۳۷ و آقای گیرشمون به تنها یی در سال ۱۹۴۱ و بهار ۱۹۴۱ پنج بار به کاوش پرداختند (ف. ل - ۱۱۲) و عقیده‌دارند که این مکان در قدیم محل اقامت شاپور اول پادشاه ساسانی بوده است. در نتیجه این کاوشهای فرانسویها توانستند یک آتشگاه و چند کاخ و یک بنای مذهبی دیگر را از زیر خاک بیرون بیاورند (لوحه‌های ۵۷-الف، ب، ج و شکل ۱۴).

این آتشگاه با تخته سنگ‌های نتراشیده ساخته شده و شامل یک تالار بزرگ مرکزی مربع میباشد، که هر طرف آن ۴ متر اندازه دارد و ۷ متر در زیر کف زمین واقع شده. از چهار دیواری که این اطاق را احاطه میکرده فقط دیوار شمال غربی تمام ارتفاع قدیم خود را حفظ کرده و این ارتفاع ۴ متر است. در بالای این دیوار هنوز باقی مانده‌های گاو بالداری که تیرهای سقف را نگاه میداشته دیده میشود. تالار مرکزی برای انجام تشریفات مذهبی بوده. در پشت گوشش شمالي تالار مرکزی اطاق کوچکی است که در آنجا آتش مقدس محفوظ میشده. برای رفتن به آتشگاه از یک پلکان تقریباً بیست پله‌ای عبور میکردند. طاق این پلکان بصورت گهواره‌ای بود که با سنگ تراشیده و با دقت کامل ساخته شده بود. در طول دیوار جنوب غربی آتشگاه کاخی بودست آمد، که آنرا کاخ (A) شاپور اول نامیده‌اند. این کاخ مرکب از تالار بزرگی بشکل صلیب بود، که سابقاً در روی آن گنبدی زده بودند. در اطراف این تالار مرکزی چهار دالان بود که چهار دروازه آنرا به تالار مرتبط میساخت. این تالار مخصوص پذیرائی‌ها بود و در داخل آن ۶ طاقچه بود که هر کدام با گچ-بریهای رنگ‌آمیزی شده مزین شده بود و این تزیینات عبارت بود از برگ آکانت، خطوط شکسته شبیه به صلیب و شاخ ویرگهایی که بیشتر به تزیینات معمول در ناحیه شرقی دنیای رومی شباهت داشت. در مغرب تالار بزرگ که بشکل صلیب است و در جنوب آتشگاه حیاطی بوده است که کف آن با موزائیک‌های پوشیده شده بود. قسمتی از این موزائیک‌ها بدست آمده و نشان میدهد که تزیینات آن مرکب از خطوط هندسی و فرشته‌های بالدار و زنهای برهنه بوده است.

در مشرق کاخ سه ایوان وجود داشت که با کاخ مرکزی بود و نمای این ایوان‌ها ۵ متر بود وقوس مرکزی آن بقطر ۱ متر و قوس‌های طرفین به قطر ۰ متر بود. دیوار ته تالار مرکزی و دروازه داشت که بطرف راهرویی باز میشد و این راهرو ایوان‌ها را به تالار مرکزی مرتبط میساخت. دیوارهای ایوان با گچ بریهای زیبا (لوحة ۵۷ - د) و کف آن با موزائیک‌هایی به سبک رومی و شامی تزیین شده بود (لوحة ۷۵ - ۵ - ۷۶). این موزائیک‌ها زنهای درباری و نوازنده‌گان و رقصه‌ها و تصاویر زنهای مرد های دیگری را نشان میدهد.

در حدود یکصد متر در مشرق این محل کاخ دیگری است که آنرا کاخ (B) یا کاخ سنگی نام نهاده‌اند و روی چند تخته سنگ تزییناتی بصورت نقش بر جسته وجود دارد و این تزیینات عبارتست از یک اسب سوار در حال حمله و یک پادشاه سواره و اشخاص دیگری پیاده.

در فاصله ۵۵ متر در مغرب آتشگاه هیئت کاوش کننده فرانسوی موفق شد بنایی را که مرکب از دو ستون میجزا بود و تقریباً ۰.۵ متر ارتفاع داشت پیدا کند. این دو ستون روی دو پایه قرار دارد و سرستونی بسبک «کُرتی» در بالای آن واقع است. روی ساقه یکی از این ستونها کتیبه‌ای بخط پهلوی

ساسانی و پهلوی اشکانی دیده میشود و مفهوم آن این است که این بنا برای شاپور اول در ۲۶ ساخته شده (لوحة ۷۰ - ج).

در نقطه شمالی میدان کاوش تنگه‌ای وجود دارد که بدنه های آن با نقش برجسته تزیین شده (ف. ک. ۱۱۳). این نقوش مورد توجه مسافرانی مانند موریه^۱ در ۱۸۰۹ و « اوزلی »^۲ در ۱۸۱۱ و « بود »^۳ در ۱۸۴۵ و « فلاندن » و « کوست » در ۱۸۵۱ و « آندرآس »^۴ و « ستولتز »^۵ در ۱۸۷۷ و « دیولافوآ » و همسرش در ۱۸۸۴ واقع شده است. بعلاوه آقایان « زاره » و « هرتسفلد » و « گیرشمن » نیز این ابنيه را بررسی نموده‌اند. سه نقش از این نقوش برجسته پیروزی شاپور بر « والرین » امپراطور روم را نشان میدهد.

نقش اولی خیلی خراب شده و مربوط به دوم موضوع است، یکی تاجگذاری شاهنشاه بوسیله اهورمزدا؛ در این مجلس شاه و خدا سوار براسب‌اند و دشمنانشان در زیرپایی اسبشان در غلتیده‌اند و دیگری مجلس پیروزی بر والرین مهباشد؛ امپراطور مقابل شاهنشاه بزانو افتاده (لوحة ۷۷ - الف).

در نقش دوم پیروزی « والرین » در مرکز مجلس نشان داده شده (لوحة ۷۷ - ب). در اطراف شاهنشاه اتباع او دیده میشوند. در سمت چپ سواره نظام ایرانی در دو ردیف و در سمت راست، در داخل شش قاب، اشخاص پیاده‌ای دیده میشوند که برای شاه اشیایی را می‌آورند.

نقش برجسته سوم (لوحة ۷۸) روی سطح محدب سنگی در دامنه کوه کنده شده. مجموع نقش به ۴ منطقه تقسیم شده و منطقه وسط آن موضوع اصلی را نشان میدهد. در این مجلس شاه سوار براسب است و دست رومی حمایت شده خود را گرفته همراه می‌آورد و بطرف دشمن که در حال تصرع است گام بر میدارد. « والرین » زانو بزمین زده. دوسردار ایرانی ناظر این منظره‌اند و یک فرشته تاج پیروزی را به شاپور میدهد (لوحة ۷۸ - ج، د). در سمت چپ سواره نظام ایرانی (لوحة ۷۸ - ه) منتظر رسیدن صف برنده‌گان هدایا میباشد و این صف از طرف راست پیش می‌آید (لوحة ۷۸ - ب، و - ۷۹ - الف).

نقش برجسته چهارم از زمان بهرام دوم است (۲۷۶-۲۹۳) و بوضع بدی است. علت خرابی این نقش برجسته جوی آبی است که از کنار آن عبور میکند. درین نقش یک قبیله عرب برای اظهار اطاعت به طرف شاه جلو می‌آید. در سمت چپ بهرام دوم سوار براسب است (لوحة ۷۸ - الف). در سمت راست، صحراء گردان عرب با اسب‌ها و شترهایشان پیش می‌آیند.

نقش برجسته پنجم تاجگذاری بهرام اول را نشان میدهد (۲۷۳ - ۲۷۶). بهرام تاج را از دست اهورمزدا می‌گیرد (لوحة ۷۹ - ب). این نقش برجسته شبیه نقش شاپور در نقش رستم است ولی از نظر سبک کار خیلی از آن بهتر است.

آخرین نقش برجسته در این محل در کنار نقش بهرام اول قرار دارد و مربوط بشاپور دوم است

(۳۷۹-۹۰). این مجلس عبارت از واقعه‌ای تاریخی است که در چند طبقه نشان داده شده. در مرکز مجلس شاه روی تخت خود نشسته دست چپ را بر دسته شمشیرش قرار داده و نیزه بلندی در دست راست دارد. در سمت چپ، در دو طبقه، درباریان و افراد ارتض و اسپ شاه (لوحة ۸-ب، ج) نشان داده شده است. باز در سمت راست، در دو طبقه، اسرای جنگی را که زنجیر کرده‌اند جلو می‌آورند و بیرغصب‌هایی سر دشمنان را در دست دارند (لوحة ۸-ج) وعده‌ای از سربازان ایرانی غنایم جنگی را بردوش می‌برند. تمام این نقش در دو طرف دره شاپور قرار دارد و در بالای کوهی که مجاور این دره است ویرانه‌های یک قلعه قدیمی است که بر تمام شهر مشرف است. در این ویرانه‌ها سه برج بهتر از قسمتهای دیگر باقی مانده و در این برج‌ها استودانهایی وجود دارد و در کنار آن، در قسمتی از بدنه کوه که پیش‌رفتگی دارد، حفره‌هایی دیده می‌شود که در آن مردگان را بطبق آئین زردشت قرار میداده‌اند.

در فاصله ۷ کیلومتر، در تنگه‌ای که در آن نقش بر جسته را کنده‌اند، غاری است بنام مُدان^۱. اطراف این غار را تراشیده و صاف کرده بودند تا روی آن نقش بر جسته‌ای بوجود آورند. در داخل غار مجسمه بزرگی از سنگ در روی زمین افتاده. ارتفاع این مجسمه ۸ متر است و تصویر شاپور اول می‌باشد (ف. لک-۱۱)، (لوحة ۸۱).

در کوه موسوم به «نقش بهرام»، یا «سرآب بهرام»، نقش بر جسته‌ای در دامنه کوه تراشیده شده (ف. لک-۱۱۵). این نقش در شمال شرقی شهر بیشاپور قرار دارد. بهرام در این نقش روی تخت خود نشسته و در هر طرف او دو خدمتگزار درحال احترام ایستاده‌اند (لوحة ۸۲ - الف، ب).

نویسنده این مقاله در محلی نزدیک نقش بهرام، روی راه شیراز به اردکان، موسوم به گویوم^۲، (لوحة ۸۳) عکسی از نقش بهرام دوم در حال نیایش برداشته است. این نقش را سابقاً آقای هرتسفلد دیده بود (ف. لک-۱۱۶) و از آن به بعد دیگر کسی از آن صحبتی نکرده و مورد مطالعه واقع نشده بود.

در کنار جاده واقع میان شیراز و اهواز از راه بیشاپور تعداد زیادی از اینهای ساسانی بچشم می‌خورد، ولی از دوران‌های پیش از ساسانی نیز آثاری در این مکان‌ها دیده می‌شود.

در کنار راه میان بیشاپور و فهیان، در فاصله ۴ کیلومتر در شمال شهر بیشاپور، دهکده کوچک نورآباد قرار دارد. در فاصله ۷ کیلومتر در مغرب نورآباد، در دره‌ای خالی از آبادی، در پای کوه «پیر مرد»، برج مربعی وجود دارد (لوحة ۸-الف و ب) که تحت نام «میل آزاده» یا «میل اژدها»^۳ (ف. لک-۱۱۷) شناخته شده. از این برج مسافرانی مانند «اوزلی»^۴ و «استولز» و «هرتسفلد» و «گیرشمان» دیدن کرده‌اند. اخیراً آقای گیرشمن راجع به بعضی از جزئیات این برج اطلاعاتی نشر کرد. بعقیده‌وى این برج را باید

با « زندان پازارگاد » و یا « کعبه زردهست » در نقش رسم مقایسه کرد. این برج نیز مانند دو بنای مذکور آتشگاهی است، باین معنی که آتش مقدس را در آن حفظ میکرده‌اند و از آنجا به آتشدانها میپردازند. در دونقطه فوق آتشدانها در نزدیکی آتشگاه بوده است ولی برج نورآباد که از زمان سلوکی یا پارت است (از قرن سوم تا اویل پیش از میلاد) در عین حال هم آتشگاه است وهم آتشدان. قسمتی از این بنای که در آن مراسم مذهبی انجام میگرفته فقط بر روی روحانیون باز بوده ولی آتشدان در بالای برج بوده و نیایش کنندگان میتوانسته‌اند آنرا بینند.

دھکدھ جین جین (ف. ل. ۱۱۸)، در فاصله شش کیلومتر در غرب فهلیان و ۱۲ کیلومتر از نورآباد قرار دارد. در این دھکدھ ویرانه‌هایی از دوران هخامنشی مشاهده میگردد. در میان این ویرانه‌ها باقیمانده یک بنای کوشک مانند وجود دارد که اختصاص به پادشاه داشته و پایه‌های ستونهای آن که مزین به گل « لوتوس » است هنوز در محل دیده میشود. سه عدد از این ته ستونها بهتر از بقیه آثار محفوظ مانده (لوحة ۸۴-ج، د). این بنا احتمالاً محل توقف پادشاه در مسیر جاده شاهی تخت جمشید به شوش بوده است. در « تل اسپید » (ف. ل. ۱۱۱)، واقع در فاصله ۱ کیلومتری غرب فهلیان، آقای هرتسفلد در سال ۹۲۴ ویرانه‌هایی از ساختمانهای آجری متعلق به عهد ایلامیها کشف نمود. روی آجرها نوشته‌هایی به خط ایلامی واقع در فاصله سالهای ۱۵ تا ۱۰ پیش از میلاد وجود داشت.

آقای « استین » در سالهای ۹۳۹-۳۹ مجدداً بایران آمد و این بار مسافرت خود را از ناحیه غرب فارس شروع کرد (ف. ل. ۱۲۰). قصد او از این سفرت این بود که جاده قدیمی شاهی را که تخت جمشید را به شوش متصل میکرد مشخص نماید. وی در جنوب شرقی اردکان گمانه‌هایی روی چندین تپه زد و مهمنترين این تپه‌ها « تل گرد » بود (ف. ل. ۱۲۱). در این محل آثاری پیدا کرد که به آثار مکشوف در ناحیه مشرق فارس شبیه بود. مقال این محل نظری سفال « تل بکون » است.

در شمال غرب شهر فهلیان، نزدیک دھکدھ سه تلو^۱، با نقوش برجسته‌ای برخورد کرد، که آقای هرتسفلد در سال ۹۲۴ موفق به کشف آن شده بود و آنرا به عنوان نقوش برجسته کورآنگون^۲ معرفی نموده بود (ف. ل. ۱۲۲). محل اصلی این نقش الله والههای را نشان میدهد که در میان پرستنده‌گان خود نشسته‌اند (لوحة ۸۵، ۸۶ - الف). خدای مزبور تاج شاخداری برس دارد و روی تختی نشسته است که زیر آن ماری پیچیده و او سر مار را در دست چپ خود گرفته است. وی با دست راست ظرفی را گرفته، که از آن آبهایی فواره وار یرون می‌اید. فواره اولی متوجه سه نفر از پرستنده‌گان است که مقابل آن ایستاده‌اند. فواره دوم از بالای سر خدا عبور کرده به طرف دو پرستنده دیگر که پشت سر او قرار دارند. متوجه میشود. همسر خدا در کنار او روی حیوانی که مظهر خدایان است نشسته در میان خدا و سه نفر پرستنده‌گان مذبحی دیده

میشود. در طرف چپ تخته سنگ، ردیف پرستند گان که دراصل به عدد ۴ میرسیده نشان داده شده و اینطور بنظر میآید که به طرف مجلس مرکزی در حرکت‌اند. این نقش برجسته ایلامی که در کار آن مهارت زیاد نشان داده نشده متعلق به اوخر هزاره سوم پیش از میلاد بوده است.

درحدود ۱ کیلومتر دورتر، آقای «استین»، در دره «ده نو» و در محل سرآب سیاه (یا سرآب‌سیه) (ف. ک - ۱۲۳)، معبدی از دوران ساسانیان مشاهده کرد.

در سمت شمال همین ناحیه، در کوه اونری^۱، آرامگاه قابل توجهی بنام داؤدختر^۲ را کشف نمود، که در ارتفاع تقریبی ۳۰۰ متر واقع شده (لوحه ۸۶-ب). این دخمه در سنگ کوه تراشیده شده و مرکب از دواطاق است. نمای آن از هر طرف دروازه ورود با دو نیم‌ستون، به سبک «دوران آخر پیش از ایونی» تزیین شده. پایه‌این ستون‌ها مرکب از بالش‌ضخیمی است که روی دو سکو قرار گرفته. ساقه ستونها صاف است و حماله سنگی روی ستون از هر طرف به مارپیچی منتهی میگردد. احتمال دارد که «داؤدختر» آرامگاه یکی از نخستین پادشاهان ایران و حتی یکی از اجداد کوروش دوم (تیسپس یا کوروش اول) باشد و در این صورت میتوان آنرا بین سالهای ۶۴ و ۶۰ پیش از میلاد قرارداد.

چند کیلومتر دورتر، در حدود سرحدات میان فارس و خوزستان، آقای «استین» در محل موسوم به «پل برین»^۳ دو پل در روی رودخانه «تنگ برین»^۴ پیدا کرد که یکی از آنها از زمان ساسانیان است (ف. ک - ۱۲۵).

پیش از شروع مطالعه کاوش‌ها و اینیه خوزستان باید از دو مسافت که برای مطالعه کتبیه‌های ناحیه فارس بعد از جنگ دوم جهانی انجام گرفت صحبت کنیم.

آقای ریشارفرای^۵، از دانشگاه «هاروارد»، از تابستان سال ۱۹۴۸، این ناحیه را از نظر کتبیه موجود در آن، مورد مطالعه قرار داد. وی چندین کتبیه فرس میانه را (در تخت جمشید و نقش رجب و نقش رستم و سرمشهد و بیشاپور) که از نظر تاریخ ساسانی و مذهب زرده است اهمیت دارد، مطالعه نمود و آنرا در مجموعه کتبیه‌های پهلوی^۶ (ف. ک - ۱۲۶) بچاپ رسانید. آقای هنینگ^۷ از دانشگاه لندن به نوبه خود ناحیه فارس را در فاصله ۱۰ ماه مارس تا ۱۰ ماه ژوئیه ۱۹۵۰ مورد مطالعه قرار داد. وی نیز از کتبیه‌های فرس میانه در نقش رستم و نقش رجب و حاجی آباد و سرمشهد رونوشت تهیه کرد (ف. ک - ۱۲۷).

۱-Küh-i Unari 2-Dā-ū Dukhtar 3-Pul-i Brīn 4-Tang-i Brīn

5-Richard N. Frye 6 - Corpus Inscriptionum Pahlavicarum 7-W. B. Henning

۷ - خوزستان

خوزستان شامل قسمت جنوب غربی ایران است. این ناحیه وقتی به حدود کوههای فارس و لرستان میرسد پستی و بلندی زیاد پیدا می‌کند ولی در سمت مغرب مبدل به دشت وسیعی می‌گردد که دنباله جلگه بین النهرین است. از این ناحیه دو رودخانه عبور می‌کند: کارون و کرخه. سابقاً ناحیه خوزستان بعلت قنوات و جویبارهای متعددی که داشت خیلی آباد و پر جمعیت بود ولی امروز بصورت صحرای بدoun حاصلی درآمده است. از سال ۱۹۰۷، بعلت پیدایش نفت در این ناحیه ایالت خوزستان بصورت یک منطقه صنعتی درآمد.

در ماه دسامبر سال ۱۹۳۵، آقای «استین» در ناحیه خوزستان برای مطالعات باستان‌شناسی مسافرتی کرد (ف. ل. ۱۲۸). این مطالعات دنباله بررسی‌های ماه نوامبر همین سال در ناحیه غربی ایالت فارس بود. وی در شرق بهبهان موفق به کشف باقی‌مانده‌هایی از ساختمانهای دوران ساسانی شد، از آن جمله: آتشگاه موسوم به «چهاردهه»، نزدیک دهکده دوگنبدان (ف. ل. ۱۲۹) و چهارطاقی دیگری نزدیک دهکده خیرآباد (لوحة ۸۶-ج) و پلی روی رودخانه خیرآباد (ف. ل. ۱۳۰). گمانه‌هائی که آقای استین روی چند تپه قدیمی، مانند «تل حسنک» (ف. ل. ۱۳۱) و تل گورپیاه (ف. ل. ۱۳۲) در حوالی بهبهان زد، به او اجازه داد یک سفال مقوش از نوع سفال تل بکون بدست آورد.

نزدیک تنگ سروک در محلی موسوم به کیکاووس (ف. ل. ۱۳۳)، دانشمند مزبور ویرانه‌های یک چهارطاق از عهد ساسانی را نیز کشف نمود. نقش بر جسته «تنگ سروک» در فاصله ۵ کیلومتر در شمال بهبهان، در سال ۱۸۴۱، بوسیله آقای «دو بود»^۱ نشخیص داده شد، ولی برای اولین بار بوسیله آقای «استین» در کتاب موسوم به «جاده‌های قدیم ایران غربی»^۲ (ف. ل. ۱۳۴) منتشر شد. در تاریخ ۱۹۵۲ آقای «هنینگ» این نقش و کتیبه‌های آنرا با دقت مورد مطالعه قرارداد (ف. ل. ۱۳۵).

در «تنگ سروک» لااقل چهار مجموعه نقش بر جسته موجود است که در سنگی که از کوه مجزا شده تراشیده شده است.

الف - اولین نقش دونفر را در حال ایستاده نشان میدهد که هر دو قبا و شلواری به سبک لباسهای عهداشکانی پوشیده‌اند (لوحة ۹-الف). نمای شرقی این تخته‌سنگ شخصی را نشان میدهد که روی تختی دراز کشیده. این نقش به وضع بسیار بدی افتاده است.

در حدود ۶۰۰ متر دورتر مجموعه‌ای از نقوش برجسته دیگری است که احتمالاً قسمت اصلی این مجالس را نشان میدهد.

ب - روی نمای غربی تخته سنگ اولی (لوحة ۷۸) نقشی در سه ردیف دیده میشود که از نقوش دیگر بهتر محفوظ شده. در ردیف بالا از سمت چپ ابتدا مردی که شاید شاه باشد روی تختی نشسته، در طرفین او اشخاصی ایستاده‌اند. در نقش وسط چهار نفر ایستاده‌اند و یک اسب سواری که لباس اشکانی بر تن دارد همراه آنها است. این سوار به شیری حمله کرده و در بالای سر او کتیبه‌ای به خط پهلوی اشکانی خوانده میشود. در ردیف پایین مردی با شیری در جنگ است. در طرف شمال غربی این تخته سنگ یک نفر روحانی در کنار آتشدانی ایستاده و آتشدان روی سکوی سه طبقه‌ای قراردارد (لوحة ۸۸ - ب). روی طبقه زیرین این سکو کتیبه‌ای به خط پهلوی اشکانی است. روی نمای شمالی آن نیز مجلسی در دو طبقه نمایانده شده. در طبقه بالا (لوحة ۸۸ - الف)، مردی روی تشكی خواهید و تاجی در دست راست دارد و دست چپ خود را روی متکایی قرار داده. در سمت چپ این شخص سه سرباز نیزه و زوین میشوند و در بالای آنها سه خط به زبان پهلوی اشکانی نوشته شده. در طبقه زیرین نیز شبیه سه نفر نمایان است، که کمی پاک شده است.

ج - به فاصله کمی در طرف شمال این تخته سنگ نقش برجسته دیگری است که روی نمای جنوبی آن یک اسب سوار نشان داده شده (لوحة ۸۹ - ب).

د - وقتی وارد دره میشویم، در حدود ۱۶۰ متر دورتر، تخته سنگی دیده میشود که از کوه بیرون آمده و روی آن مجالس مذهبی - مانند اشخاصی در کنار آتشدان - نقش شده است.

هیچیک از این نقوش برجستگی زیاد ندارند و سبک کارشان تا اندازه‌ای بدوى و خالی از مهارت است. میان این نقوش که از روی مهارت و استادی ساخته شده و بعلت عدم توانایی تمام اشخاص را از جلو نشان داده‌اند و مهارتی که در نقش مجالس زمان هخامنشی و ساسانی بکاربرده میشود، اختلاف زیاد است. مطالعه کتیبه‌ها و نقوش، مارا وادر میکند تمام آنها را به اواخر دوران اشکانی نسبت دهیم.

آقای استین از «تنگ سروک» راهی را در پیش گرفت که آقای «دویود»^۱ در ۱۸۴ در پیش گرفته بود. وی پس از عبور از کوههای بختیاری به «مال امیر» (اینده) رسید. این ناحیه در فاصله ۱۶۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر شوش قرار دارد و در آن تعداد زیادی از نقوش برجسته دوران ایلامی موجود است. آقای «استین» اولین نقش این ناحیه را در تنگه قلعه‌تول^۲ (ف. ل. ۱۳۶) تشخیص داد. در این نقش دو نفر مقابل یکدیگر ایستاده‌اند و در عقب هر یک دو تن دیگر، باقد کوتاه‌تر، دیده میشوند لوحه ۹-الف).

برجستگی این نقش بسیار کم است و خوب حفظ نشده است.

در حدود ۲ کیلومتر دورتر، دشت «مال امیر» که امروز آنرا «ایذه» یا «ایذج» مینامند قرار دارد. عرض این دشت شش کیلومتر و طولش ده کیلومتر است. اطراف این دشت را کوههایی دایر وار احاطه کرده و در طرف مشرق دره های متعددی درمیان این کوهها وجود دارد. مهم ترین این دره ها «کل فرا» یا «کوی فرعون» میباشد^۱ (ف. ک. ۳۷). در این محل لائق پنج نقش برجسته از زمان ایلامی جدید در دامنه کوه دیده میشود.

الف - نقش اصلی (لوحة . ۹-ب) روی یکی از تخته سنگهای نقش شده که لوحة شمالی جلگه را تشکیل میدهد. این نقش مجلس تشریفات مذهبی مربوط به پادشاه «حانی»^۲ را نشان میدهد. وی در میان نقش قرار گرفته و پشت سراو وزیر او «شورترورو»^۳ و شخص دیگری که هویتش معلوم نیست، یکی بالای سر دیگری نشان داده شده است. در جلوی مجلس دونقش دیگر در سنگ کنده شده در نقش بالا نوازندهان و در نقش زیرین قربانی کنندهان دیده میشوند. کتیبه ای که روی این نقش و گاهی داخل آن است حاکی از این است که این نقش از زمان پادشاه «شوتروک ناخونته دوم» است (۷۱۷-۶۹۹)^۴.

در مجاورت همین نقش در نقطه ای که کوهستان تمام و جلگه شروع میشود چهار نقش برجسته دیگر روی تخته سنگ هایی که از کوه جدا شده یا روی دامنه خود کوه کنده شده. این نقوش خیلی خراب شده است. بسیاری از آنها طوری محو شده است که از آنها اثر بسیار کمی باقی است. موضوع این نقوش مجالس مربوط به عبادت یا قربانی برای خدایان است.

ب - یک نقش برجسته روی سنگ جدا شده از کوه مجلسی را نشان میدهد که در میان آن شخص اصلی با قد طبیعی نشان داده شده. مقابل او مجلس قربانی برای خدایان دیده میشود و پشت سر او یک ردیف درباریان ایستاده اند. در چهار طرف سنگ دیگری که از کوه جدا شده نقش برجسته ای وجود دارد. روی نمای جنوبی این سنگ تصویر شخصی است که بطرف راست حرکت میکند. چهار نفر دسته ایشان را بلند کرده و زانو بر زمین زده اند. در جلوی این مجلس دو ردیف نقش برجسته دیده میشود که روی آن هفت نفر بطرف شخص مرکزی در حرکت اند. در عقب آن شخص ۹۷ نفر دیده میشوند که بطرف چپ پیش میروند و روی چهار مجلس گنجانیده شده اند (لوحة ۹ - الف). روی نمای غربی این تخته سنگ دنباله همان مجلس ادامه دارد ولی این بار ۶ نفر در چهار مجلس گنجانیده شده اند. نقش نمای شمالی سنگ تمام مانده. قسمتی از آن که انجام گرفته شامل دو مجلس است که در یکی شش نفر و در دیگری سه نفر نشان داده شده اند. بعد یک قسمت از سنگ نتراشیده مانده و بعد از آن شخصی ایستاده و بطرف چپ نگاه میکند و دستهای

خودرا روی سینه‌اش خوابانیده. اشخاصی با قد کوتاه‌تر همراه او هستند. نمای آخری خیلی کوچکتر است و در قسمت زیرین آن سه مرد دیده می‌شوند که بطرف چپ در حرکتند و در قسمت بالا سه گاو بطرف راست می‌روند و پس از آن ۳۶ آهو که بدسته‌های سه تابی نشان داده شده‌اند بهمان‌سو روانند.

ج - در کناره‌های دره باز چند نقش برجسته روی سنگهای جدا شده از کوه دیده می‌شود. روی یکی از آن سه نفر ایستاده و روی خودرا بطرف راست بر گردانده‌اند.

د - نزدیک نقش برجسته‌ای که ذکر آن رفت نقش برجسته دیگری است که آنهم در کنار در مقرار گرفته. در قسمت بالای آن شخصی مقابل میزی نشسته و در پیرامون او اطرافیانش ایستاده‌اند. در قسمت زیرین چهار مجلس نقش شده و در آن دوسته اشخاص قرارداده شده که درحال پرستش اند و از دو طرف مختلف در حركت می‌باشند بطوری که در مرکز مجلس باهم تلاقی می‌کنند.

در مقابل «کل فرا» و در کنار کوهی که در کنار جلگه «مال امیر» واقع شده تنگه دیگری است که شکفت سلمان^۱ نام دارد و در آنجا نیز چند نقش برجسته از عهد ایلامی‌ها دیده می‌شود (ف. ک. ۱۳۸). این نقوش از نقشهای «کل فرا» بهتر حفظ شده است و مانند همان نقش^۲ دسته‌هایی از مردان و زنان را نشان میدهد که در حال عبادت و پرستش می‌باشند. در کنار بعضی از آنها کتیبه‌هایی نیز هست. برای اینکه حق مطلب را کامل^۳ ادا کرده باشیم صورت این نقوش را ذیلاً میدهیم. در نقش اول هنرنشان داده شده‌اند که دونفر آنها مرد و دویچه و یک زن می‌باشند. در روی این نقش کتیبه‌ای نیز نقش شده (لوحة ۹۱ - ب سمت راست).

روی نقش دوم سه نفر دیده می‌شوند یک مرد و یک بچه و یک زن (لوحة ۹۱ - ب سمت چپ). دو نقش دیگر در انتهای همان غار موجود است. یکی از آنها تصویر «حانی» را نشان میدهد که دسته‌ایش را بلند کرده و در کنار او کتیبه‌ای شامل ۳۶ خط وجود دارد. وضع نقش آخرین بسیار بد است و شخصی را نشان میدهد که دسته‌ایش را روی هم گذاشته و کتیبه‌ای روی دامن او نوشته شده.

نقش «مال امیر» از نظر هنری قابل توجه نیست. بعلاوه نمیتوان برای آنها تاریخ دقیقی معین کرد. شاید متعلق به قرن هشتم پیش از میلاد از زمان پادشاهی «شوتروک ناخونته» دوم^۴ در ایلام باشد.

نقش برجسته دیگری در محل شاه سوار^۵ دیده می‌شود (ف. ک. ۱۳۹) ولی تاکنون از آن نقش عکس برداشته نشده. این نقش دارای دو مجلس است. در مجلس فوکانی شش نفر نشان داده شده‌اند. نفر اول نشسته و بطرف راست خم شده است و یک دست خود را به طرف جلو بلند کرده. نفر دوم نیز دست خود را بلند کرده ولی چهار نفر بعد دست بسینه‌اند. مجلس زیرین را صاف کرده‌اند که روی آن کتیبه‌ای بنویستند.

در فاصله چند کیلومتر در شمال غرب «کل فرا» در دهکده «هونگ نوروزی»^۱ (ف. ل. ۹، ۱) تخته سنگ بزرگ مجزائی وجوددارد که در روی آن پادشاهی را که احتمالاً شاپور اول است در حال ایستاده واز جلو تراشیده‌اند. در طرف راست پادشاه سه نفر درباری و در طرف چپ او یک اسب سوار دیده می‌شود. در عقب او آثاری از نقش شخص دیگری پیداست و در طرف بالا موجود بالداری درحال پرواز است.

ناحیه «مال امیر» همان ایالت «الیماید» قدیم است^۲ و احتمالاً در زمان حکومت ایلامیها مرکز مهمی بوده است. در این ناحیه نقوش برجسته متعدد روی سنگ همراه با کتیبه‌ها وجود دارد که از اواسط هزاره دوم پیش از میلاد است. علاوه بر این در همین ناحیه کتیبه‌هایی دیده می‌شود که مربوط به امور اقتصادی است و بزبان اکدی نوشته شده (ف. ل. ۱، ۴). از این دره سابقًا کاروانهای اصفهان به شوش عبور می‌کرده‌اند و از شهرهای شوستر و مال امیر می‌گذردند. وجود چنین راهی علت این مطلب را روشن می‌سازد که چگونه مسافران قرون گذشته مانند لا یارد^۳ در سال ۴۲-۴۸^۴ توانسته‌اند این آثار را مشاهده کنند و حال اینکه راه اتومبیل رو میان این دو شهر امروز از نقاط دیگری عبور نمینماید. در واقع راه جدید دیگر از «مال امیر» نمی‌گذرد ولی خط واقع میان دزفول و خرم آباد و بروجرد را طی می‌کند. کار بسیار مفیدی است که این ناحیه دقیقاً تحت مطالعه قرار گیرد و آثاری که در آن واقع است معرفی گردد.

در ناحیه «مال امیر» آثار پیش از تاریخی نیز مشاهده می‌گردد. آقای استین روی تپه‌ای که در فاصله ۱۰۰ متر در جنوب شرقی دهکده «مال امیر» قرار دارد گمانه‌هایی زد و سفالهای دوران کالکولیتیک^۵ از نوع سفالهای تپه مویان وتل بکون (ف. ل. ۱، ۴۲) بدست آورده است. در نقطه‌ای موسوم به «تل باو محمد»^۶ نیز سفال شبیه به طبقه پنجم تپه گیان بدست آمده است.

آقای «استین» در ضمن اقامت خود در «مال امیر» مجسمه‌ها و اشیاء دیگر برنزی و مجسمه‌های کوچک مرمری را که دهاتیها در محلی موسوم به «شمی» پیدا کرده بودند (ف. ل. ۱، ۴) دیده. «شمی» در فاصله ۵ کیلومتر در شمال «مال امیر» است. مهمترین این مجسمه‌ها (لوحة ۹۳-الف) ۹۴/۱ متر ارتفاع دارد و از برنز ساخته شده. بازوی آن مفقود شده و سر و بدنش هر کدام جدا گانه ساخته شده‌اند. سر مجسمه (لوحة ۹۳) رنگی نزدیک به سیاه دارد و جدا گانه در قالب ریخته شده و بعداً با قلم فلزی صاف شده سپس سر مزبور روی بدن مجسمه قرارداده شده است. بدن مجسمه ابتدا با چوب ساخته شده و بعداً روی آن خمیری اضافه شده و سپس روی خمیر کنده کاری شده است. امروز یک خمیر سبز رنگ روی ورقه‌های مسن را که روی سطح بدن مجسمه بوسیله میخ‌های کوچک الصاق شده می‌پوشاند. مجموع خصوصیات این مجسمه و لباس آن کاملاً اشکانی است. نگاه آن بیحرکت است و موهاش پرپشت است و نوار پهنه‌ی روی

آن بسته شده . سبیل و ریش او کاملاً اشکانی است و شلوارش چین دار است . آقای «استین» علاوه بر اینها مجسمه برنزی دیگری را که در این ناحیه کشف شده بوده مطالعه نموده است . این مجسمه دامنی به سبک یونانی و شلواری به سبک پارتها بر تن دارد (لوحة ۹۲-ب) . بالاخره باقی «استین» اشیاء متعدد دیگری را که از زیر خاک بیرون آمده بود نشان دادند . از آن قبیل است دو قطعه از سر مجسمه برنزی و بازوها و دستهای برنزی . باین اشیاء باید دو شیئی از جنس مرمر نیز اضافه کرد . یک مرمر از یک شاهزاده با تاجی به سبک اشکانی (لوحة ۹۴ - الف - ب) و یک سرکوچک به سبک یونانی . شیئی اخیر شبیه به سر مرمری ربة النوع «آفروزیت» است که در تل ضحاک (در ناحیه فارس) پیدا شده و قبل از آن اشاره شده است .

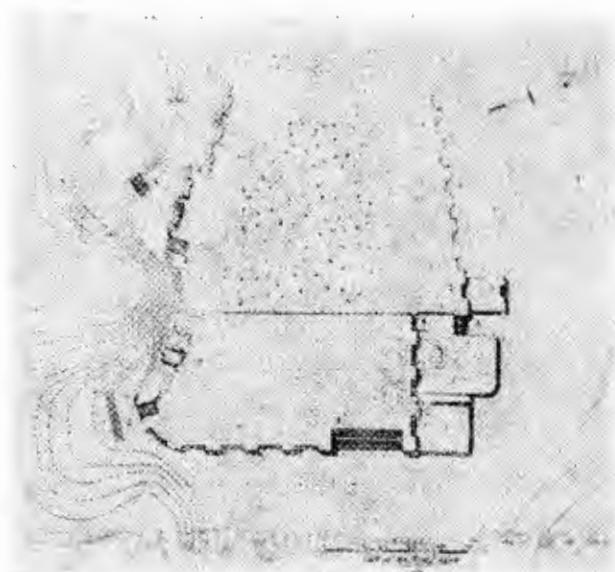
آقای «استین» پس از مشاهده این اشیاء در نقاطی که اشیاء مزبور از آن بدست آمده بود شروع بکاوش کرد . در نتیجه این کاوش پی ریزیهای معبد مستطیل شکلی ظاهر شد (۲۳×۴ متر) که در نتیجه آتش سوزی و غارت خراب شده بود . در میان معبد قربانگاهی بود که با آجر ساخته شده بود . وجود دوازده پایه سنگی نشان میداد که ۱۲ مجسمه روی آن ساققاً قرارداشته است .

در ضمن این کاوشهای مقدار زیادی باقی مانده های مجسمه های برنزی کوچک و یک سر مجسمه برنزی شکسته که به «آنتیوکوس چهارم» نسبت داده شده (لوحة ۹۴-ج) و بازوها و دستهایی باقی مانده از مجسمه های برنزی و شمعدانهای برنزی و شمشیرها بدست آمده است (ف. لک - ۱۴۰) . در قبر یک زن قطعاتی از صدف که روی آن نقوشی کنده شده پیدا شد (لوحة ۹۴-د) ، که بدون شک جزئی از تزیینات یک جعبه کوچک بوده است . روی این قطعات صدف دو کمان دار و دو اسب سوار نشان داده شده است (ف. لک - ۱۴۱) . تمام این اشیاء مکشوف در «شمی» متعلق به زمان اشکانیان بود و بطور دقیق تر در حدود قرن دوم یا اول پیش از میلاد ساخته شده بود (ف. لک - ۱۴۷) . در مشرق معبد که در پای تپه ای سنگی قرارداشت آثار دیوارهای ضخیمی بدست آمد که با سنگ ساخته شده بود و احتمالاً دیوارهای سکوی بزرگی بود و در نزدیکی همان دیوارها در جهت دهکده «ایذه» آثار تعداد زیادی از قبرهای زمان اشکانی که غارت شده بود ظاهر گردید .

آقای «استین» از «شمی» بطرف «مسجد سلیمان» رفت (ف. لک - ۱۴۸) . مسجد سلیمان در فاصله ۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر شوشتر قراردارد .

در سالهای اخیر چند نفر از باستان شناسان مانند «اونوالا»^۱ و «سیرو»^۲ و «گدار»^۳ و اردمان^۴ و «استین» و هرتسفلد و بالاخره آقای گیرشمن ویرانه های این ناحیه را تحت مطالعه قرارداده اند . در این محل آثار سکوی بزرگی دیده میشود که در دامنه کوه ساخته شده (لوحة ۹۵-الف و شکل ۱) ، یا به عبارت

دیگری چند سکو طبقه به طبقه روی هم ساخته شده و هر طبقه به سکوی بالاتر بوسیله پلکانی متصل می‌گردد. این سکوها باقطعه سنگ‌های بزرگ نتراشیده برپا گردیده است. پلکان اصلی سکو در طرق مشرق قرار گرفته و در قسمت جنوبی آن آثار سه ایوان دیده می‌شود. آقایان «اردمان» و «گدار» و «هرتسفلد» تصور کرده‌اند که این سکو مربوط به آتشگاهی است ولی آقای گیرشمن تصور می‌کند قلعه بسیار مستحکمی بر روی این سکو ساخته شده بوده است. در این صورت این کهن‌ترین قلعه قبایل پارس بوده و از قلعه‌های مستحکم پاسارگاد و تخت جمشید هم قدیمی‌تر بوده است.



شکل ۱۰

در حدود ۲ کیلومتر در شمال شرق «مسجد سلیمان» در محلی موسوم به «برد نشانده» (ف. ک - ۱۴۹) ویرانه‌های سکویی شبیه به سکوی فوق دیده می‌شود و در مجاورت آن آثاری از ستونهای سنگی مربوط به سه ایوان موجود است. در «برد نشانده» نیز یک سر مجسمه از زمان اشکانیان پیدا شده است. در محلی موسوم به «لالی»^۱ واقع در چهل کیلومتری شمال مسجد سلیمان نیز کتیبه‌هایی به خط سومری و متعلق به هزاره سوم پیش از میلاد بدست آمده است (ف. ک - ۱۰۰).

در سال ۹۴۹ آقای گیرشمن در «تنگ پیدا» غاری مربوط به زمان پیش از تاریخ کشف نمود (ف. ک - ۱۵۱). این تنگه در شمال شرقی شهر شوشتر در کوههای بختیاری قرار دارد. در این ناحیه گمانه‌هایی زده‌اند تا آنجا که بزمین پکر رسیده‌اند. عمق گمانه‌های ۰/۳ متر رسید. در این محل سه طبقه متمایز تشخیص داده شده و در این طبقات اشیاء متعدد از سنگ و استخوان و تعداد زیادی قطعات سفال بدست آورده‌اند.

این غار از زمان نئولی تیک (سنگ جدید) تشخیص داده شده و تمدن آن همزمان با تمدن طبقه اول سیلک می باشد.

در دره شمبار^۱ بین دزفول و اصفهان در غرب دهکده بذوقت^۲، نقش برجسته‌ای روی سنگ موجود است که خیلی خراب شده و آثار خطی روی آن دیده می‌شود (ف. ک - ۱۵۲). این نقش برجسته از زمان اشکانیان است و روی آن نقش یک ردیف^۳ نفری کنده شده، که مطابق اصل قرینه‌سازی ترتیب داده شده است.

در ناحیه واقع بین دزفول و شوشتر واهواز آثار زیادی از دوران ساسانی دیده می‌شود. در دزفول پلی وجوددارد که در زمان شاپور در تاریخ ۲۶ بعد از میلاد بوسیله اسرای رومی که در جنگ^۴ ای دس^۵ بدست سربازان ایرانی افتاده بودند ساخته شده (ف. ک - ۱۵۳). طول این پل ۴۰ متر است و ۲۲ دهانه دارد. پایه‌های آن از سنگ است که در زمان ساسانیان ساخته شده ولی دهانه‌ها و کف پل در زمان‌های جدید ترمیم شده است. شاپور پس از پیروزی بر «والرین» چندین شهر بنا نمود و در آن اسرای رومی را مستقر ساخت. این شهرها عموماً طبق طرح اردوهای رومی ساخته شده است. یکی از آنها که «جندی شاپور» نام دارد، نزدیک شهر شاه آباد، در فاصله ده کیلومتری جنوب دزفول واقع است و دارای طرح مستطیل شکل است.

در ناحیه شوشتر چندین بند روی رود کارون بوسیله اسرای رومی (ف. ک - ۱۵۴، الف) ساخته شده. مهمترین این بندها که بصورت پلی نیز هست در محل خروج شهر است. طول آن ۵۵ متر است و ۸ دهانه در ساحل چپ رودخانه و هفت دهانه در سمت راست آن دارد. این بند با سنگ‌های تراشیده ساخته شده که با ملاطی بهم متصل بوده‌اند. کف رودخانه را با تخته سنگ‌های بزرگ فرش کرده و آنها را با چفت‌هایی بهم پیوسته بودند تا جریان آب نتواند زیر آنرا خالی کند. دو بند دیگر در همان حوالی دیده می‌شود که آنها هم از عهد ساسانیان است. یکی از آنها بند گرگر^۶ نام دارد و در مدخل شهر است و دیگری «بند میان» یا بند محمدعلی میرزا است که کمی دورتر است. بند آخری بارها تعمیر شده.

بند دیگری بصورت پل روی رودخانه کرخه، در عهد ساسانیان، در محل پای پل^۷ ساخته شده (ف. ک - ۱۵۴). در کف رودخانه آثار هفت پایه دیده می‌شود که پی‌های آن با سنگ ساخته شده و از عهد ساسانی است ولی قسمتهای بالای آن جدیدتر است.

در حدود ده کیلومتری شمال این پل خواجه‌های ایوان کرخه نظر را جلب می‌کند. ایوان کرخه شهری است که شاپور دوم بنای کرده (ف. ک - ۱۵۵). در پاییز سال ۹۰ آقای گیرشن در این محل کاوش بعمل آورد (ف. ک - ۱۵۶).

این شهر مستحکم که بصورت مستطیل ساخته شده، به عرض یک کیلومتر و طول ۴ کیلومتر میباشد و سابقاً حصار محکمی از خشت خام آنرا محصور میکرده است. در « محله‌شاہی » یک کاخ بزرگ و باعهای متعدد وجود داشته. آقای « دیولاوآ » دو دیوار آنرا پابرجا دیده بود ولی اکنون فقط یکی از آن دیوارها باقی است و دیوار دیگر خراب شده. در کاخ نامبرده دو دالان بطول ۳ متر کشف شده که از طرفین تالاری که هنوز زیر خاک است میگذشته. کاوشهای دیگری در مقابل دروازه جنوبی بعمل آمده و تالاری که سه طرف آن ایوان داشته و قسمت مرکزی آن بطول ۲ متر و عرض ۸ متر بوده کشف گردیده است. روی دیوارهای این بنامجالس تقاضی شده‌ای دیده میشود.

پیش از اینکه مطالعه کاوش‌های هیئت کاوش کننده فرانسوی در چغا زنبیل و شوش را شروع کنیم باید از تفحصات آقای « ماک‌کاون »^۱ در خوزستان، که بخراج مؤسسهٔ شرقی شیکاگو در سال ۱۹۴۸، انجام گرفت، یادی بکنیم (ف. ک. ۱۵۷) .

آقای ماک‌کاون جلگه‌های واقع میان کارون در غرب و رشته کوه‌های بختیاری در مشرق و خلیج فارس در جنوب را تحت مطالعه قرارداد. وی از شهر اهواز تا خلیج فارس هیچ اثری متعلق به عهد پیش از اشکانی بودست نیاورد ولی در دره « رام‌هرمز »، در ناحیه بهبهان، و در اطراف بندر دیلم، آثار متعددی پیدا کرد که متعلق به عهدهای مختلف از دوران پیش از تاریخ تا دوران اسلامی بود. وی در شمال غرب « رام‌هرمز » گمانه‌هایی در روی سه تپه از پنج تپه‌ای که قتل غزیر را تشکیل میدهد بعمل آورد. روی بزرگترین تپه‌های این محل طبقه‌ای از دوران اسلامی کشف شد و ویرانه‌های یک قلعه ایلامی متعلق به هزاره دوم پیش از میلاد ظاهر گشت. زیر این طبقه آثار دوران پیش از ایلامی^۲ مرکب از الواح و سفال دیده شد. یک طبقه ده متری متعلق به دوران پیش از تاریخ این طبقه را از زمین بکر جدا میکرد. روی تپه دیگری، در زیر طبقه اسلامی، قبرهای متعلق به هزاره اول پیش از میلاد ظاهر گشت و در تپه سوم طبقات بالا شامل آثار متعلق به هزاره دوم پیش از میلاد بود.

بین شوستر و شوش در فاصله ۵ کیلومتری جنوب شهر اخیر محل چغا زنبیل، ویرانه‌هایی از یک شهر ایلامی متعلق به دوران « دوراونتاش »^۳ قرارداشته که در قرن ۱۳ پیش از میلاد بوسیلهٔ اوتاش هوبان^۴ یا اوتاش گال^۵ پادشاه ایلام ساخته شده. این شهر در ۶۴ پیش از میلاد بفرمان اسور بانیپال، در ضمن جنگ با « هومبانالتاش » سوم^۶، آخرین پادشاه ایلامی خراب شد. ویرانه‌های این شهر را چندین باستان‌شناس بازدید کرده‌اند، و آقای « دو مکنم »^۷ در سالهای ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ در آن گمانه‌هائی زد. تعداد زیادی از آجرهایی که شامل کتیبه‌هایی بخط میخی بود در ویرانه‌های مذبور پیدا شد (ف. ک. ۱۵۸) .

۱ - Mc Cown

۲ - Tall-i Ghazir

۳ - Proto - élamite

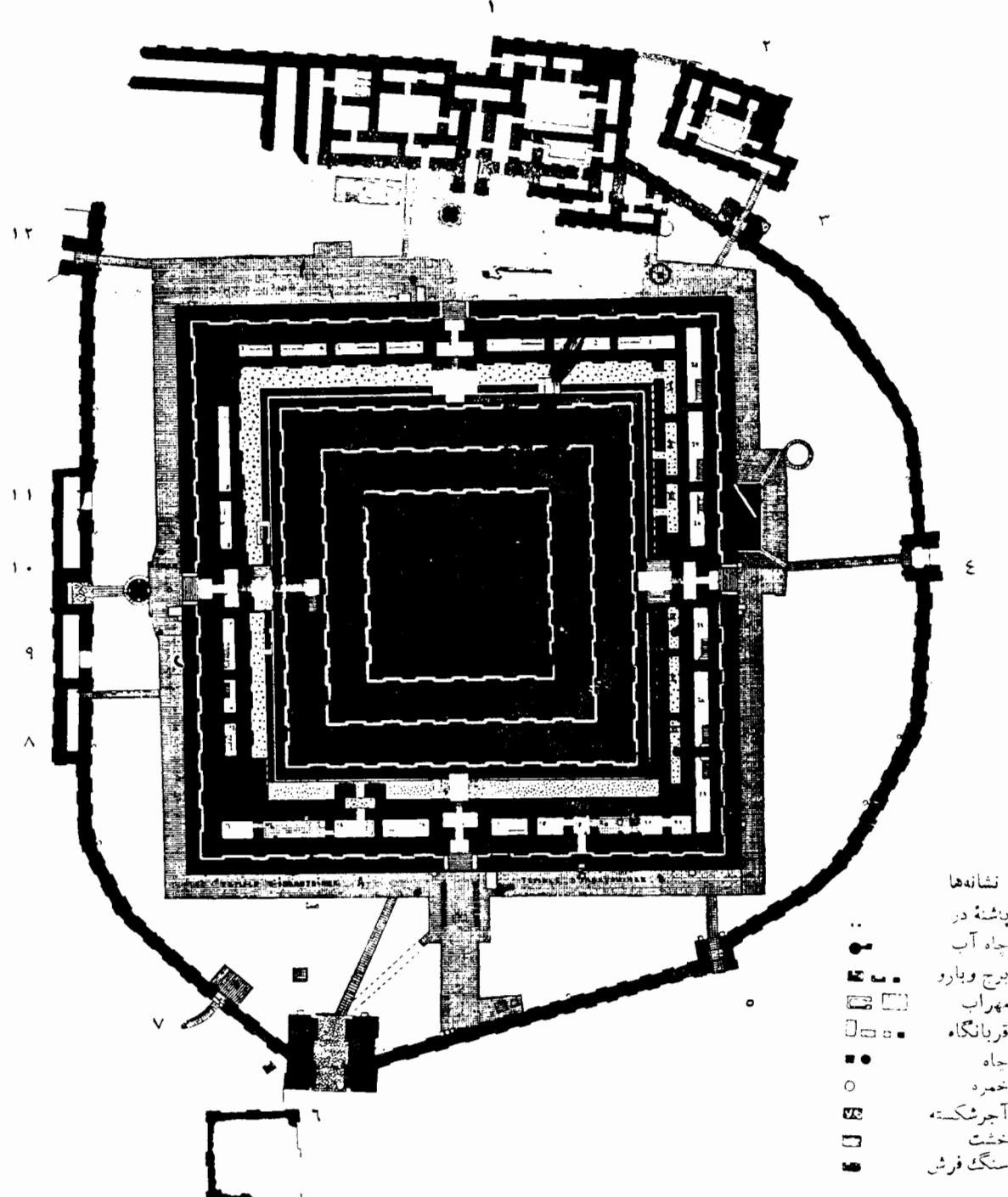
۴ - Dur - Untash

۵ - Untash - Huban

۶ - Untash Gal

۷ - Humbanaltash III

۸ - R. De Mecquenem

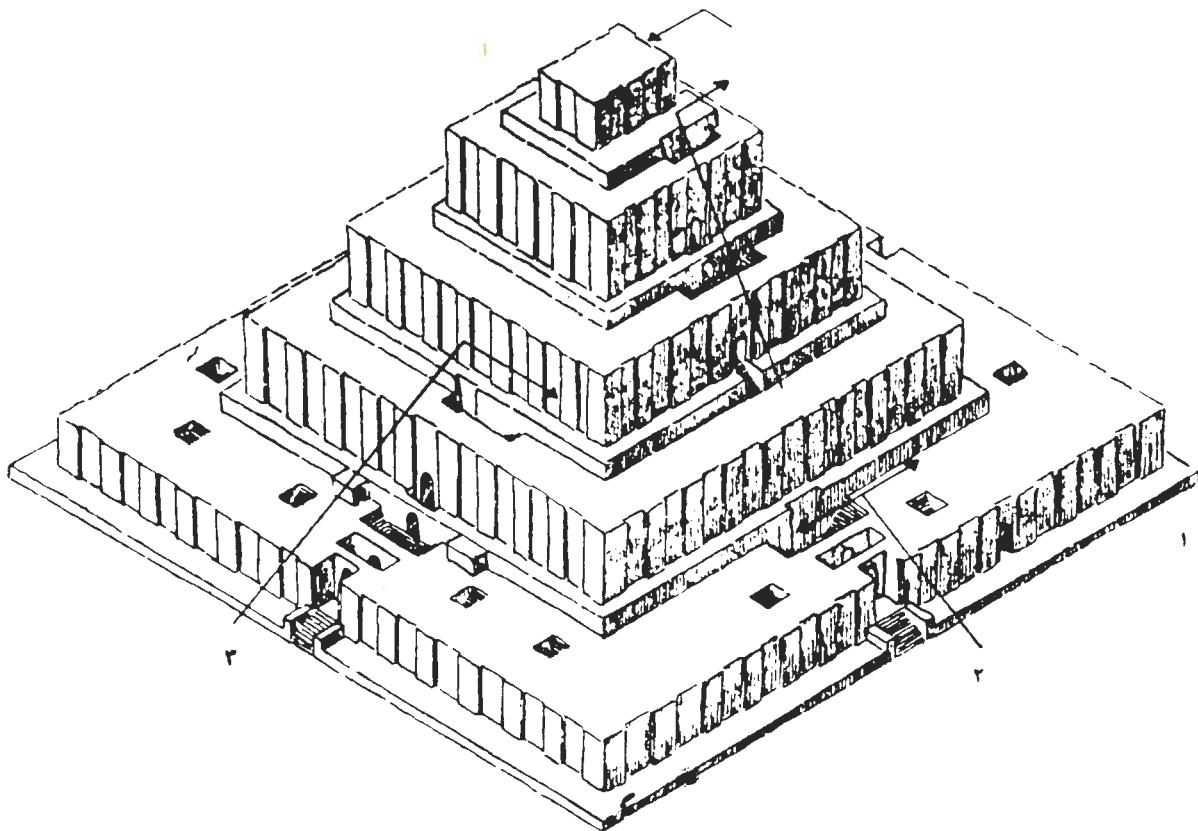


شکل ۱۶

- ۱ - پرستشگاه «ایشنى گرب» و «کيريريشتنا» ۲ - پرستشگاه «هوبان» ۳ - دروازه شمالی ۴ - دروازه شمال شرقی
 ۵ - دروازه شرقی ۶ - دروازه شاهی ۷ - دروازه گردونه رو ۸ - مهراب شماره ۲ ۹ - مهراب شماره ۲
 ۱۰ - مهراب شماره ۱ ۱۱ - مهراب شماره ۴ ۱۲ - دروازه غربی

آقای گیرشمن از سال ۱۹۵۲ با عنوان ریاست هیئت کاوش کنندۀ فرانسوی در شوش مشغول خالک برداری در این شهر قدیم میباشد (ف. ل - ۱۰۹).

شهر قدیم «دوراونتاش» دو حصار داشته یکی حصار خارجی به طول ۱۲۰ متر و عرض ۸۰ متر و دیگر حصار داخلی به طول ۴۰ متر و عرض ۲۰ متر. قسمت مقدس شهر در داخل حصار داخلی واقع بوده است. در میان قسمت مقدس شهر «زیگورات» یا برج چند طبقه‌ای بروپا شده بود. کشف این «زیگورات»



شکل ۱۷

۱- پرستشگاه «اینشوشنیاک» ۲- نمای جنوب شرقی ۳- نمای جنوب غربی

یکی از پدیده‌های بسیار قابل توجهی است که تا این روز بوقوع پیوسته (شکل ۱۶ و ۱۷). «زیگورات» با آجر ساخته شده و پنج طبقه داشته. بعلاوه روی طبقه پنجم عبادتگاهی قرار داشته است (لوحة ۹۵-ب). در حال حاضر فقط سه طبقه از زیگورات برجا است (لوحة ۹۵-ج)، و ارتفاع این سه طبقه ۲۵ متر است، در حالی که ابتدا ۳۰ متر ارتفاع آن بوده است. معمولاً اینطور تصور میکنند که «زیگورات» عبارت از چند حجم ساختمانی است که روی هم قرار داده‌اند بطوری که هر قدر بطرف بالا میرویم حجم‌ها کوچکتر میشود در چغازنبیل این مطلب روشن شد که هریک از این حجم‌ها روی زمین بکر قرار دارد و مانند قوطی کبریتی داخل یکدیگر میشوند و حجم سرکزی که طبقه پنجم را تشکیل میدهد از همه بلندتر است.

طبقه اول یک متر از کف زمین بلندتر است و سه متر عرض دارد. طبقه دوم نیز ۸ متر ارتفاع و ۱ متر عرض دارد.

در میان نمای شمال شرقی و شمال غربی این طبقه دروازه هایی وجود داشته که بوسیله پله هایی با آن راه می یافتد. در داخل این طبقه اطاقها بی و وجود داشت که روی آن را بوسیله طاق پوشانده بودند. این طاق ها در طول نماهای شمال غربی و جنوب غربی و جنوب شرقی قرار داشته و عرض آن ها ۱/۲ متر و طول آنها بین ۸ تا ۱۰ متر بوده، طاقشان در ارتفاع ۶ متری زده شده بود. این اطاقها بیکدیگر راه نداشته است و فقط بوسیله پلکانی به رکدام راه می یافته اند. در بعضی از این اطاقها هدایایی در خمره ها و کوزه ها قرار داده شده بود. در طرف نمای شمال شرقی «زیگورات» دو ردیف موازی اطاق وجود داشته است. اطاقها بی و در مرکز «زیگورات» بود شبیه اطاقهای طرف شمال غربی بود و پلکانهایی داشت. در یکی از آنها بمقدار زیاد استوانه هایی از گل پخته که باستان شناسان نام «میخ» بر روی آن نهاده اند و روی آن کتیبه هایی بنام «اوانتاش هویان» بود وجود داشت. روی این استوانه ها یا میخ های گلی لعاب داده بودند. در اطاق دیگر چندین لوحة از گل پخته لعاب دار وجود داشت که قسمت مرکزی آن برآمدگی داشت.

اطاقهای ردیف دوم یعنی اطاقهایی که در طبقه پایین زیگورات قرار داشت فاقد پلکان بود ولی همه آنها بقسمت مرکزی بوسیله دروازه های طاق داری اتصال پیدا میکرد که چهار متر ارتفاع داشت. آقای گیرشمن تصور میکند که اطاقهای پله دار محل قرار دادن هدایا برای خدا یان بوده است^۱ و اطاقهای بدون پله بمنزله آرامگاه هایی برای بعضی از خدا یان بشمار میرفته است. در این صورت زیگورات مانند اهرام مصر بمنزله آرامگاهی بوده است. در اطاقهای دیگری از این زیگورات تعداد زیادی لوحة های استوانه ای شکل یا «میخ»^۲ گلی پیدا شده و نوشته های روی آن نشان میدهد که این بنا برای خدای اینشوشنیاک ساخته شده است.

در طرف شمال شرقی سه ردیف پلکان وجود دارد که بطیقه اول منتهی میگردد و یکی از آنها در میان بنا و دو ردیف دیگر در طرفین آن قرار داشته است. روی سکویی که در بالای دو ردیف اخیر قرار گرفته بود دو پایه پیدا شد و کمی دورتر پیکر دوفرشته بالدار از زیر خاک بیرون آمد که گویا در روی این پایه ها قرار داشته است.

در اطراف زیگورات سکویی وجود داشت که با آجر فرش شده بود. در قسمت مقدسی که همین سکو حد فاصل آن با زیگورات بود معابدی وجود داشت. سه عدد از این معابد در طرف شمال غربی زیگورات از

۱ - لوحة های گلی بصورت استوانه یا مخروط است که روی آن نوشته هایی هست و در اصطلاح باستانشناسی به آن «میخ» میگویند (م) ۲ - Inshushinak

زیر خاک بیرون آمد. یکی از آنها معبد «ایشنى کاراب»^۱ و یکی معبد «هوبان»^۲ و دیگری معبد الهه «کریریشا»^۳ بود. هر کدام از این سه معبد چند حیاط و چند عبادتگاه و انبارها و اطاق‌های متعدد داشته است.

دیوار این معابد از خشت خام ولی طبقات پایین دیوار از آجر بود و روی آن آجر‌ها نوشته‌هایی به خط میخی وجود داشت. دیوارهای مزبور در حال حاضر $۰\text{--}۳/۵$ متر ارتفاع دارد. در اطاق مرکزی معبد ایشنى کاراب یک قربانگاه و یک کاشی‌لعادار که مرکز آن برآمده‌گی دارد و روی آن نوشته‌هایی از «اونتاش هوبان» است وجود داشت. در این نوشته «اونتاش هوبان» از خدایان «ایشنى کاراب» و «اینشوشنیاک» تقاضا‌هایی نموده است.

در اطاق مرکزی معبد الهه «کریریشا» اشیاء قابل توجهی پیدا شد. در زیر این اشیاء تعداد زیادی گرzechایی از مرمر یا سنگ آهکی و یا از برنز که روی عده‌ای از آنها نام «اونتاش هوبان» نوشته شده بود و تعدادی اشیاء برنزی مانند تبر و خنجر و چاقو و داس و پیگان و مجسمه‌های کوچک حیوانات و ظروف، و مهرهای استوانه‌ای کشف شد. قابل توجه‌تر از همه آنها یک لوح برنزی است، که روی آن دونفر بصورت برجسته نقش شده و نیز یک تبر برنزی دسته دارد که تیغه آن از میان دهان شیری بیرون آمده و روی دسته آن یک گوزن خوابیده نقش شده است.

یکی از میدانهای معروف کاوش در ایران بدون شک محل قدیمی شهر شوش میباشد. این شهر ایلامی در حدود $۴\text{--}۶$ تا $۴\text{--}۶$ پیش از میلاد در زمان «آسوربانیاپال» خراب شده و در عهد هخامنشیان پا یاخت زمستانی شاهنشاهان ایران بوده است. اسکندر این شهر را گرفت و بعداً در زمان ساسانیان هم شوش شهرتی یافت (خصوصاً در عهد پادشاهی اردشیر اول و شاپور اول) ولی شاپور دوم آنرا خراب کرد و کمی بعد مجدد آباد شد اما هیچ وقت باعتبار خود نرسید و بزودی روی زوال رفت. تا اواسط قرن اخیر این شهر معروف قدیم بیش از تپه‌هایی که در میان آن بوته‌های خار روییده بود چیز دیگری نبود.

مسافران متعدد مانند «کینر»^۴ در $۱۸۰\text{--}۱۸۱$ و «کرپتر»^۵ در $۱۸۱\text{--}۱۸۲$ و «راولینسن»^۶ در $۱۸۳\text{--}۱۸۴$ ویرانه‌های این شهر را دیده‌اند.

اولین کسی که گمانه‌هایی در شوش زد «لفتوس»^۷ نام داشت ($۱۸۰۱ - ۱۸۰۲ - ۱۸۰۳$) (ص. ۱۶۰)، ولی کاوش‌های اصلی در سال ۱۸۸۴ شروع شد و تا امروز ادامه دارد. فقط وقتهای کوچکی در این میان رخداده است که اولین آنها به علت وقوع جنگ اول جهانی بوده. مدیریت کاوش‌های باستان‌شناسی

۱ - Ishniqarab

2 - Huban

3 - Kiririsha

4 - J. M. Kinne

5 - R. Ker Porter

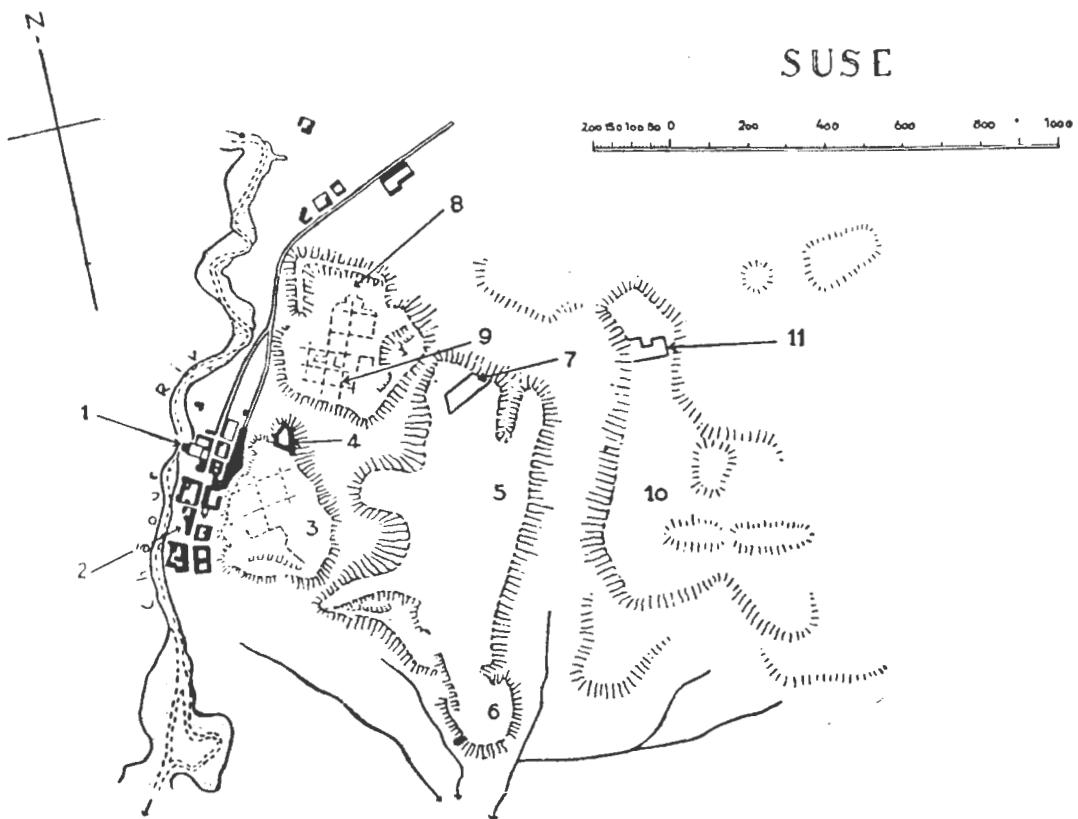
6 - H. Rawlinson

7 - W. K. Loftus

فرانسوی متناظر با آقای «دیولافوآ» (۱۸۸۴-۱۸۹۶) (ف. لک-۱۶۱) و «دمرگان» (۱۸۹۷-۱۸۱۲) (ف. لک-۱۶۲) و «دومکنم» (۱۹۳۹-۱۹۱۲) (ف. لک-۱۶۳) و از ۱۹۴۶ به بعد به پروفسور گیرشمن (ف. لک-۱۷۲) واگذار شده است.

ویرانه‌های شوش روی چهار تپه بزرگ پیش شده (شکل ۱۸).

الف - تپه قدیمی در شهر پادشاهی در ابتدا بوسیله ایلامیها ساخته شده. بیشتر آثار مهم شوش



شکل ۱۸

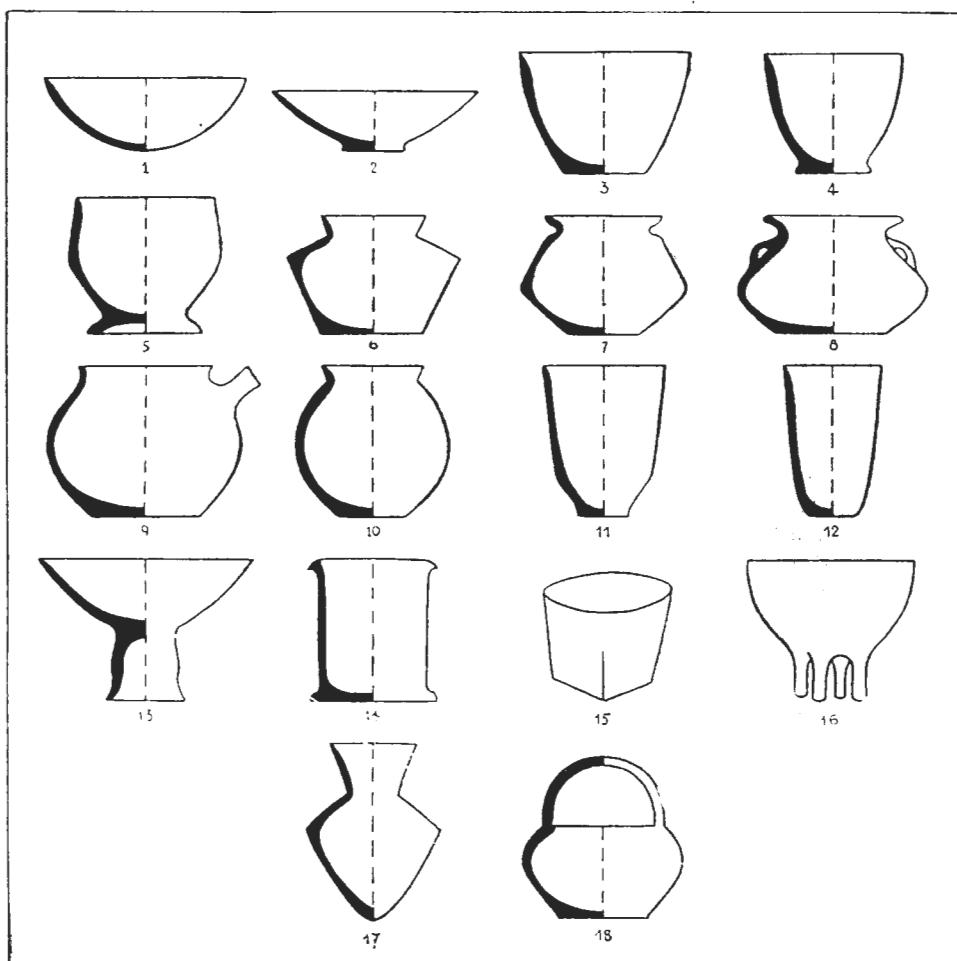
- | | | | | |
|--------------------------|----------------------|-----------------|--|-------------------|
| ۱- آرامگاه دانیال پیغمبر | ۲- دهکده شوش | ۳- تپه قدیمی | ۴- ساختمان هیئت علمی | ۵- شهر شاهی |
| ۶- برج | ۷- کارگاه حفاری علمی | ۸- تالار اپدانه | ۹- ویرانه‌های کاخ‌های داریوش و اردشیر دراز دست | ۱۰- شهر پیشه‌وران |
| ۱۱- کارگاه حفاری گورستان | | | | |

در روی این تپه پیدا شده است. این تپه تا کف زمین سی متر ارتفاع دارد. خاک برداری و کاوش تا طبقات پیش از تاریخ ادامه یافته و در ضمن آن به طبقات اسلامی و مسانی و اشکانی و سلوکی و هخامنشی و ایلامی جدید و «پیش از ایلامی» برخورد کرده‌اند. در بالای تپه در اوایل این قرن قلعه‌ای بوسیله هیئت کاوش کنندگان برپا شد تا اشیائی که در ضمن کاوش پیدا شده در آن حفظ شود.

ب - تل « آپادانا » یا « اپدانه »، در شمال - سابقًا در روی این تپه کاخ داریوش اول و تالار آپادانا برپا بوده.

ج - شهر پادشاهی، در مشرق - در قدیم محل اقامت درباریان و کارمندان دولت بوده.

د - شهر صنعتگران کمی دورتر به طرف مشرق - تا پیش از ۱۹۶۶ هرگز دقیقاً در آن کاوش بعمل نیامده بود.



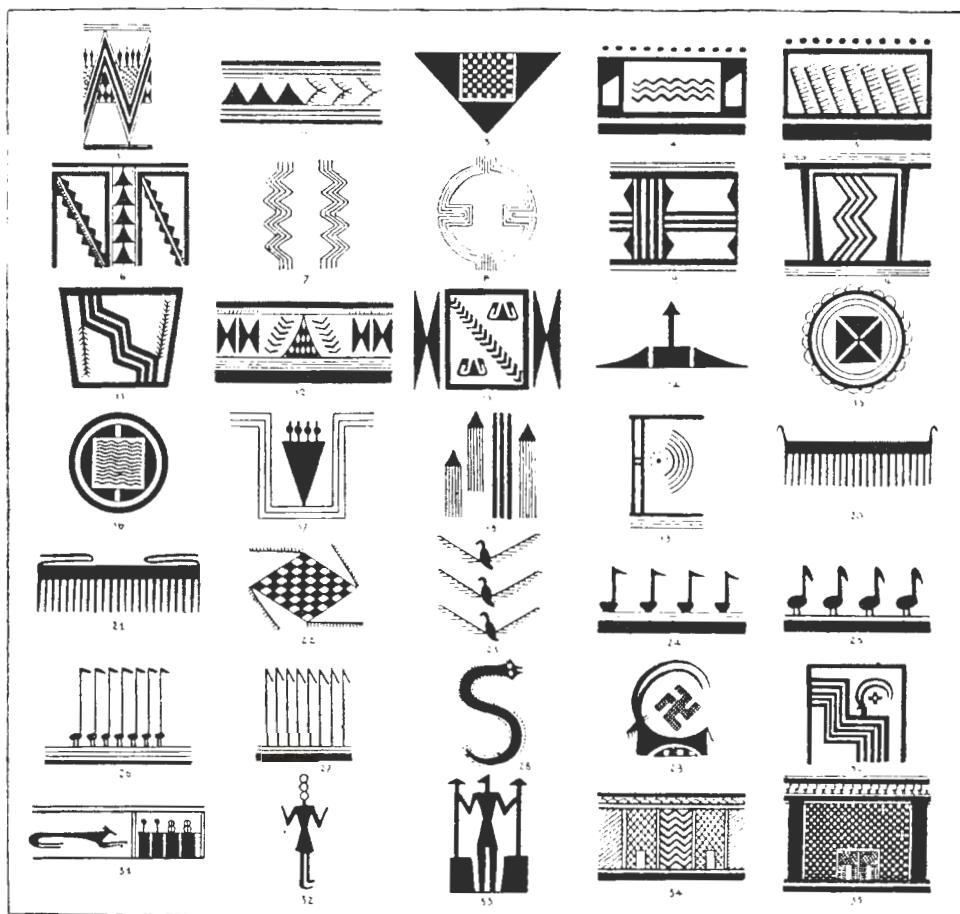
شکل ۱۹

قصد ما این نیست که در اینجا گزارش « موسم »^۱ های متعدد کاوش در این محل را بدهیم (ف. لث - ۱۶۴). ما فقط باین اکتفا خواهیم کرد که خلاصه‌ای از نتایج مهمی که کاوش‌های علمی، پیش از

۱ - کاوش کنندگان عادت دارند هرسال در فصل یا موسم مناسبی در محلی بکاوش پردازند و واژه « موسم » در میان آنها مصطلح شده است.

جنگ، بآن رسیده است عرضه داریم. کاوش‌های جدیدتر خصوصاً کاوش‌های بعداز ۹۴۶ کمی دقیق تر شرح داده خواهد شد.

بنظر ما شهر شوش محل تلاقی دو تمدن بزرگ بوده است که یکی در دیگری اثرات زیادداشته: یکی تمدن جلگه بین النهرین جنوبی و دیگری تمدن فلات ایران. اگر به وضع جغرافیایی شوش توجه کنیم این مطلب خوب روشن می‌شود. در واقع این شهر در جلگه بین النهرین واقع است ولی دنباله فلات ایران است (ف. ک. ۱۶۰).



شکل ۲۰

قابل توجه ترین اشیائی که در این محل پیدا شده سفالهای شوش است (ف. ک. ۱۶۶). این سفالهای منقوش (لوحة ۹۷ تا ۹۹ و شکل ۲۰ و ۲۱) خیلی طريف است و با خاک بسیار نرمی ساخته شده. رنگ آنها خیلی روشن است و در حقیقت سفید مایل بزرد یا سبز می‌باشد. نقش آنها سیاه یا قهوه‌ای یا بنفش تیره است که مستقیماً روی بدنه ظرف قرارداده شده و گاهی این رنگ بقدرتی ضخیم است که شبیه به لعاب شده و در نتیجه گذشت زمان ترك خورده و ریخته است. ظروف خوب در کوره پخته شده و بوسیله چرخ دستی ساخته شده است و بدنه آنها بسیار نازک است. معمولاً شکل آنها عبارتست از: جام، که داخل آن منقوش

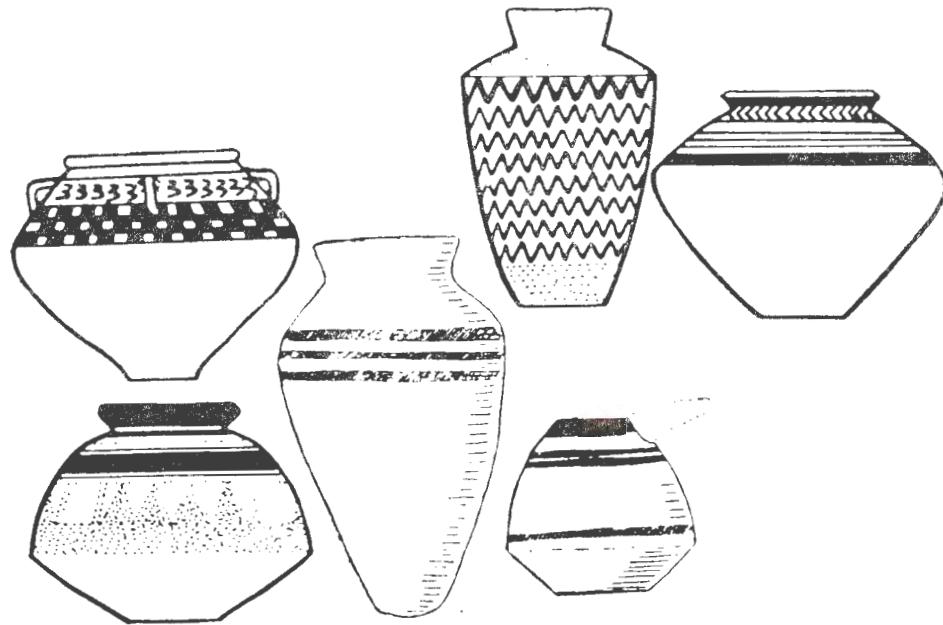
است و پایه دارد یا ندارد ، آبخوری که ته آن پهن است ، ماست خوری ، دیزی ، کوزه های لب پهن و کاسه های آش خوری . نقوش سفال طبقه اول شوش بیشتر بصورت مجالس مجزا از یکدیگر ترتیب داده شده . موضوع نقوش هندسی عبارتست از خطوط شکسته و مثلث ها و صلیب شکسته و خطوط عمودی منتهی به ابرو و نیزه هایی که روی پایه هایی قرار دارد ، شاخه ها ، گل های پنج پر ، حشرات ، لاک پشت ها ، ماهی ها ، مار ها ، لک لک ها ، مرغ های آبی گردن دراز با پاهای دراز ، بزهای کوهی ، بز معمولی ، پلنگ ها ، گفتارها و سگ ها . نقش انسان نیز با دقت روی این سفال نشان داده است . اگر سبک نقوش سفالهای این ناحیه را با سفال های تل بکون مقایسه کنیم متوجه میشویم که نقاش در تل بکون بیشتر به خطوط گوشیده دار و نوک تیز علاقه نشان داده است ، در حالی که در نقوش طبقه اول شوش خط راست بیشتر طرف توجه بوده است . در نتیجه نقوش تل بکون پیچیده تر از نقوش طبقه اول شوش است . در نقوش سفالهای طبقه اول شوش سادگی و روشنی نقوش حکم فرماید . در ترکیب نقوش در شوش تناسب حجم رعایت شده ، بعلاوه هر عضوی از این نقوش ارزش واقعی خود را در مجموع ترکیب حفظ نموده است و این اصل در نقوش تل بکون رعایت نشده است ، زیرا در آنجا هر عضوی در مجموع ترکیب عناصر محو گردیده است . در « بکون » موضوع های نقاشی بتعذیز زیاد در یک محیط محدود گرد آمده است ولی در طبقه اول شوش نقاش با روش سنتی بکار خود پرداخته و سادگی نقوش را کامل‌آرایی کرده و سعی کرده است بین هر نقش با نقش دیگر یک فضای آزاد و بدون نقش ایجاد کند . در هیچ منطقه از ایران نقش حیوان با این مهارت دیده نشده و در نقش انسان نیز همین مهارت بکار برده شده است . با سفال طبقه اول شوش در ایران نقش سفال به اعلا درجه کمال میرسد . تمام سفال هایی که بعد از طبقه اول کشف شده از حیث مهارت هنری ازان پایین تر است . سفال طبقه اول شوش بالای زمین بکر در قشر چهار یا پنج متری پیدا شد . این پیدایی هنگامی صورت گرفت که در روی تپه شوش بین ۱۲۶ و ۱۰۹ متر در شمال غرب و ۱۱۲ و ۱۱۰ متر در جنوب غرب گمانه میزدند .

طبقه دیگری که بین ۱ تا ۷ متر قرار دارد طبقه مذکور را از طبقه ای که در آن لوحة های « پروتو ایلامی »^۱ پیدا شده جدا میکند . در این طبقه « بزرخ » سفال منقوش بسیار کم است (شکل ۱) ولی مقدار زیادی سفال بدون نقش در آن پیدا میشود که از ظروف فلزی تقلید شده و شباهت به ظروف « اوروک » در بین التهرين جنوبی دارد . تمدن این طبقه در تپه سیلک در قشر چهارم نیز دیده میشود .

سفال شوش دوم (ف. ل - ۱۶۰) در طبقه لوحة های « پروتو ایلامی » ، یعنی در قسمت بالای طبقه سوم و در طبقه دوم تپه نیز دیده میشود . بعلاوه همین سال در « شهر پادشاهی » و در قلعه مجاور

۱- لوحة های « پروتو ایلامی » نوشه هایی است که در حدود ۳۰۰ سال پیش از میلاد در نواحی جنوبی بین التهرين معمول گردید .

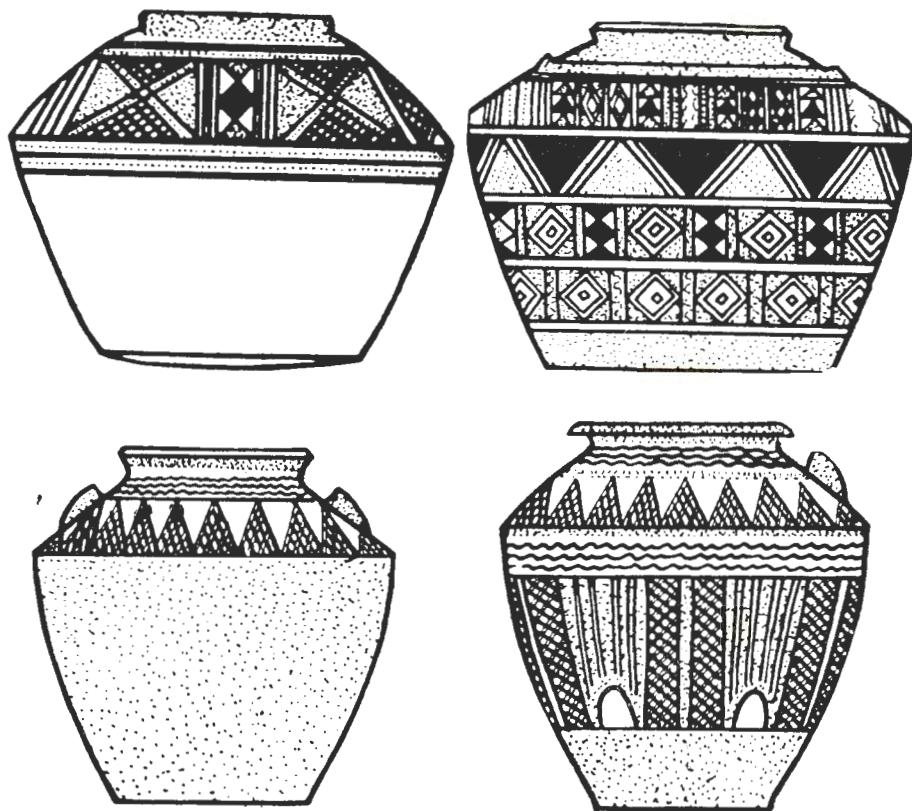
آن دشf گردیده است. نام شوش دوم در ابتدای این قرن از طرف آفای «پوتیه»^۱ بتمام سفال های داده شد که خصوصیات سفال اول شوش را نداشتند. بنابر این تحت نام شوش دوم باید تمام سفال های منقوش واقع بین طبقه لوحه های «پروتو ایلامی» (در حدود ۳۰۰ سال پیش از میلاد) تازمان «پوزوراین شوشیناک»^۲ را قرار داد. این شخص آخرین پادشاه آوان^۳ (در حدود ۲۲۰ سال پیش از میلاد) بوده است. بنابراین مدت ۷۰۰ سال به سبک شوش دوم سفال ساخته میشده است. خیلی طبیعی است که در عرض این مدت طولانی در سبک نقوش این سفال تغییرات زیاد رخ داده باشد. ولی طبقه بندیهای مختلفی که برای تشخیص آن پیشنهاد شده آن اندازه واضح و مشخص نبوده است که بتوان بوسیله آن این سفالها را طبقه بندی کرد.



شکل ۲۱

فقط میتوان آنرا با سفال «جمدت نصر» و «خفجه» در بین النهرین مقایسه نمود. با اینحال دو دسته متفاوت در این سفال تشخیص داده میشود، یکی سفال منقوش چند رنگ و دیگری سفال منقوش یک رنگ (شکل ۲۴ تا ۲). دسته اول با لوحة های «پروتوایلامی» همزمان است و تا دوران سلاطین قدیم ادامه می یابد. روی خمیر زرد رنگ این سفال یک نوع بتونه کمرنگی زده شده و سپس ظرف سفالین به کوره برده شده است و پس از خروج از کوره در روی آن نقوش رنگین قرمز و بنفش و نارنجی و سیاه طرح شده و این نقوش خیلی پر دوام نیست. شکل این نوع ظروف به ظرفی که در بین النهرین جنوبی میساخته اند و خصوصاً به سفال «جمدت نصر» و «خفجه» شباهت دارد. میان سفال دسته اول از دو سبک اخیر کوزه های ته بهن و شکم دایره ای شکل، با گردن کوچک راست و دهانه عریض زیاد دیده میشود. نقش روی شانه های کوزه، یا

روی تمام سطح خارجی ظرف، فقط با نقوش هندسی ترکیب یافته، مانند خطوط شکسته و مثلث و لوزی و چهار خانه و تمام اینها بوسیله تقسیم بندی‌ای از یکدیگر جدا شده است (شکل ۲۲ و لوحه ۱-الف، ب، ج). در میان سفال «خفجه» خمره‌های کوچک و ظروف بلند و تخم مرغی شکل، با شانه‌های برجسته، دیده می‌شود. نقوش گاهی روی شانه خمره قرار داده شده و گاهی روی تمام ظرف را پوشانده است و از نقوش هندسی و نقش موجودات، مانند نباتات و حیوانات (ردیف ماهی، یا حیوانات شاخ دار و عقاب که بالهای خودرا باز کرده یا پرنده‌گانی را در منقار دارد) و نقش انسان ترکیب یافته. در روی این نقوش مناظر طبیعی خوب نشان داده شده است، شلاً در میان آنها گردونه‌ای دیده می‌شود که یک گاو به آن بسته

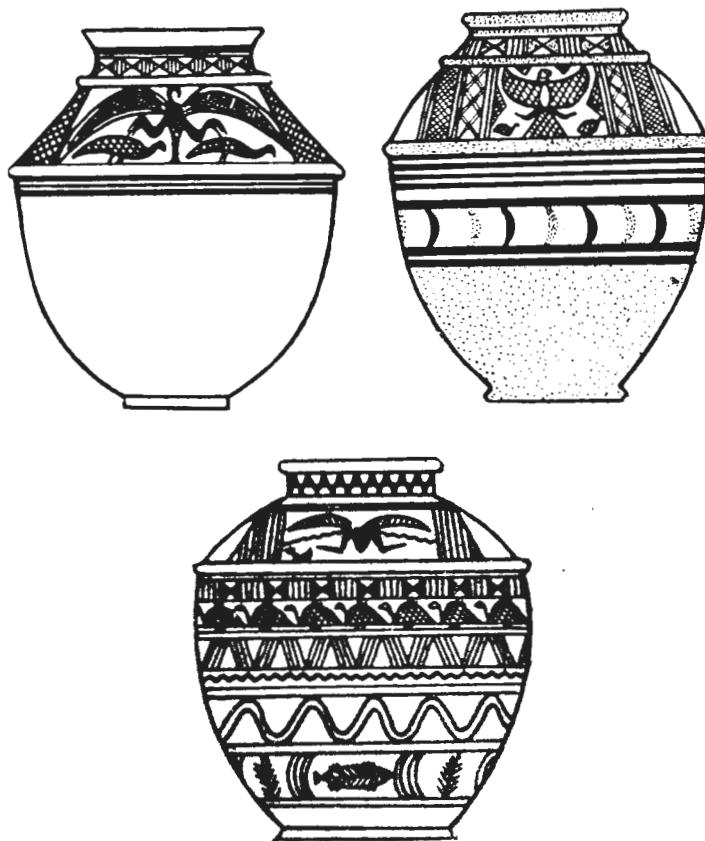


شکل ۲۲

شده و اشخاصی روی برج‌های چند طبقه بالا رفته‌اند و گاوی از کنار مردابی عبور می‌کند و در اطراف آن مرغان آبی در پروازند (شکل ۲۳ و ۴). سبک نقوش رنگین تا آخر هزاره دوم پیش از میلاد مرسوم بود و به منزله سبک شوش اول بحساب میرفت ولی هنر آن بدرجۀ هنر شوش اول نمیرسد. خمیری که با آن سفال این سبک را ساخته‌اند ظریف نیست. نقش ظروف سیاه رنگ است و زمینه سفال روش متمایل به قهوه‌ای یا زرد است. شکل این سفال بیشتر شبیه به خمره‌های بزرگ یا ظروف شبیه به کوزه‌های دهانه پهن می‌باشد. موضوع نقوش بیشتر خطوط هندسی است (خطوط منحنی، موج دار، شکسته، دندانه دار،

مثلث، نیم دایره، لوزی یا چهارخانه، دایره، کشته و غیره) و گاهی نیز از نباتات، مانند شاخه‌های پر برگ و بوته‌های کوچک یا حیوانات مانند مار، عقرب، ماهی، مرغهای آبی، بزهای کوهی، بزهای خانگی، گاوها و یا از انسان ترکیب یافته. نقش این سفال در ابتدا خیلی متنوع بوده ولی هر قدر از عمر آنها می‌گذرد کمتر دقیق می‌شود (لوحة ۱۰۰ - د، ک).

در کاوش‌های شوش چند اثر مربوط به تمدن بین‌النهرین کشف گردیده که پادشاهان شوش آنها را بعنوان غنا‌یم جنگی با خود بشوش آورده‌اند. مهمترین آنان «قانون هامورابی» است که از سنگ سیاه است



شکل ۲۳

و دیگر سنگ «یادگار بیروزی» «نارام سین» و پایه بزرگ سنگی پادشاه «مانیش توسو»^۱ و چند سنگ موسوم به «کودورو»^۲ میباشد که برای تعیین حدود مزارع بکار میرفته است. مهمترین این «کودورو»‌ها متعلق به پادشاهان نازیماروتاش دوم^۳ و کاشتیلیاش سوم^۴ و اددشوموسور^۵ و ملیشیپاک دوم^۶ و مردوک آپلایدین اول^۷ میباشد و نیز چند مجسمه سومری متعلق به اشتوناک^۸ در این محل پیدا شده است.

1- Manishtusu

2- Kudurru

3- Cazimaruttash II

4- Kashtiliash III

5- Adad-Shumusur

6- Milishipak II

7- Marduk-Apla-Iddin I

8- Ashnunak

اطلاعات ما راجع به هنر ایلامی، از تاریخ اکتشافات شوش تا حال حاضر، بسیار توسعه یافته (ف. ل - ۱۶۷). این اطلاعات مربوط به موضوع های زیر میباشد: «کودورو» از جنس سنگ سفید بنام پوزور شوشیناک^۱ و مجسمه های زن از جنس عاج (لوحة ۱.۰-ج، د، ه)، مقدار زیادی مجسمه های کوچک برنزی و جواهرات که متعلق بپادشاه «شیلهاک این شوشیناک»^۲ بوده است (لوحة ۱.۰-الف) و مجسمه بزرگ برنزی از ملکه «ناپیرازو»^۳ زوجه شاه «اوشاش هویان»^۴ (لوحة ۱.۰-ب) و سنگ یادگار «اوشاش هویان» (لوحة ۱.۰-ج، د) و نقش برجسته مربوط به «دختر بافته» (لوحة ۱.۰-ج) و نقش برجسته «آدا هامیتی این شوشیناک»^۵ (لوحة ۱.۰-ب) و هزاران مجسمه بسیار کوچک، مانند عروسک از جنس گل پخته (لوحة ۱.۰-الف، ب) و مُهر های استوانه ای (ف. ل - ۱۶۸) و لوحه هایی که شامل نوشه هایی به خط میخی و بزبان ایلامی و سومری و اکدی



شکل ۲۴

و هخامنشی است و یک قبر متعلق به عهد هخامنشی که در آن نمونه های بسیار زیبایی از جواهرات آن عهد وجود داشته است (لوحة ۱.۰-الف، ب).

روی تپه «آپادانا» کاخ داریوش اول و یک تالار پذیرایی موسوم به «آپادانا» کشف گردید. زیباترین آثاری که در این تالار پیدا شد ردیف شیرهایی است که روی کاشی لعاب دار با رنگ های مختلف نقش شده و نظیر ردیف گاوها (لوحة ۱.۰-ج) و نیزه داران معروف است که از همین تالار بدست آمده. در همین تالار سرستونی مرکب از چندین زوج سارپیچ، و قسمت قدمامی یک زوج گاونر که زانو بر زمین زده اند (لوحة ۱.۰-ج)

پیدا شد که امروز زینت بخش موزه لوور است (ف. لک - ۱۶۹). کشف دیگر مربوط به آتشگاه یا آپادانائی است که در زمان خشایارشا (۵-۴۰۰ پیش از میلاد) ساخته شده. در تالار «آپادانای شوش» کتیبه‌هایی در روی سنگ مربوط به سنگ اول بنای داریوش اول بدست آمد که روی آن به سه زبان نوشته شده بود (ف. لک - ۱۷۰). از دوران‌های سلوکی واشکانی نیز چند نقش بر جسته در روی سنگ سفید پیدا شد (لوحة ۱۰۷). الف - ب (ف. لک - ۱۷۱).

قبل‌گفته شد که کاوش در شوش پس از جنگ جهانی دوم ادامه یافت. و این‌بار «دکتر گیرشمن» ریاست آنرا بر عهده داشت (ف. لک - ۱۷۲). ما ذیلاً خلاصه‌ای از نتایج این کاوشها را ارائه می‌دهیم: در سال ۱۹۴۶-۱۹۴۷ تفحیقاتی در این محل بعمل آمد. نتیجه این تفحیقات به استاد «گیرشمن» نشان داد که در زمان داریوش اول تپه «آکروپل»^۱ و تپه آپادانا و تپه «شهر پادشاهی» در حصار محکمی محصور بوده است. روی تپه آکروپل قلعه مستحکمی از زمان هیخامنشی برپا بوده است.

روی تپه «آپادانا» آقایان «دمرگان» و «دمکنم» از سال ۱۹۰۸ تا سال ۱۹۱۳، کاوش‌هایی بعمل آورده و بقایای کاخ داریوش اول را از زیر خاک بیرون آورده بودند. استاد «گیرشمن» در آنجا از روی تالار تخت جمشید، که از طرف شمال شرقی با کاخ داریوش مرتبط می‌شد خاک برداری کرد. با اینکه آثار ستونهای این کاخ تعدادشان زیاد نبود ولی باز این امکان را میداد که طرح آنرا روی کاغذ بیاورند.

ولی کاوش‌هایی که روی «شهر پادشاهی» بعمل آمد نتایج قابل توجه‌تری بدست داد. این محل در مشرق «آپادانا» و «آکروپل» واقع است و سابقاً شهری را تشکیل میداده و درباریان و منصب داران در آن زندگی می‌کرده‌اند. در آخر فصل کاوش ۱۹۰۵-۱۹۰۶ آثار شهر بدست آمد که بر روی هم قرار داشت و از حیث قدمت از دوران «بابل جدید» شروع شده و به دوران اسلامی پایان می‌یافتد. مساحت محل کاوش ... متر مربع بود. دو طبقه اول از عهد اسلامی و نخستین آنها متعلق به قرن هشتم یا نهم میلادی و دومین آنها شهری از قرن هشتم یا نهم بود. علاوه بر آثار خانه‌ها یا انبارها تعداد زیادی سفال اوایل دوران اسلامی و نقوش بر جسته روی گچ از عهد ساسانی و شیشه و سکه و غیره در این طبقات بدست آمده است.

طبقه سوم متعلق به ابتدای تسلط اعراب تا پایان دوران ساسانی است (قرنهای هفتم و هشتم میلادی). سپس به طبقه‌ای به عرض . هتا . ۸ سانتیمتر برخورد ند که در آن هیچ اثری جز خاک پیدا نشد. طبقه چهارم از عهد ساسانیان بود و آثار خرابی شهر در زمان شاپور دوم (۳۷۹-۳۰۹) در آن دیده می‌شد. ویرانه منازل در این طبقات حاکی از خرابی‌های شدید بود. دیوارها در اطاق‌ها ریخته بود و

در کف اطاق قبر مرد گانی در خمره‌ها و در زیر خاک دیده می‌شد. احتمالاً قربانیهای قتل عامی که در آن موقع بوقوع پیوسته، با عجله بوسیله بازماندگان بخاک سپرده شده‌است. باید اضافه کرد که در ضمن گزارش‌های مربوط به شهدای مسیحی^۱ ذکر شده است که شاپور دوم لشگری به شوش فرستاد تا طغیانی را که بتحریک مسیحیان در آن شهر برپا شده بود فرونشاند و شهر شوش باین مناسبت زیر پای . . ۳ فیل با خاک یکسان شد. وجود مسیحیان در این طبقه چهارم باین طریق نشان داده شده که صلیب‌های نستوری در روی خمره‌هایی که در آن مرد گان را بخاک سپرده‌اند دیده می‌شود. بعلاوه نزدیک یکی از اسکلت‌ها یک صلیب نستوری نقره پیدا شده‌است. در میان این طبقه یک ساختمان از خشت پیدا شد. طرح این ساختمان مربع (14×14 متر) و فقط شامل یک تالارستون دار با دو ردیف ستون بود و در اطراف آن سه راهرو وجود داشت. این تالار سه دروازه داشت. روی دیوارها نقاشی شده بود و قسمتی از آن نقاشی‌ها که بدست آمده منظره شکاری را نشان میدهد. یک سوارکمانی در دست دارد و بسمت یک دسته حیوان نشانه می‌رود. در این طبقه (از قرن ۳ تا ۴ میلادی) تعداد زیادی سفال ساسانی پیدا شده است.

طبقه پنجم از زمان اشکانیان است. در نقاط مختلف این طبقه آثار آتش سوزی دیده می‌شود. تعدادی گلوله‌های سنگی که بوسیله دستگاه‌های مخصوص محاصره در داخل شهر پرتاب گردیده در خانه‌های این طبقه بدست آمده است. چنین بنظر میرسد که شهر در نتیجه یک حمله ویران شده باشد. استاد گیرشمی تصور می‌کند که این شهر در ضمن جنگهای اردشیر با بکان خراب شده باشد. لشگریان اردشیر با سربازان اشکانی واردوان پنجم در دشت شوش مصاف داده‌اند. در سال ۱۹۴۷ در «شهر پادشاهی» یک نقش بر جسته بدست آمد که از جانب اردوان پنجم روی آن مطالبی نوشته شده بود (ف. ک - ۱۷۳). این پادشاه در این نقش تاجی بر سر و لباسی فاخر بر تن دارد و بر روی تختی جلوس کرده و پایه تخت روی دو حیوان افسانه‌ای شبیه به شیر قرار گرفته است. ساتر از شهر شوش مقابل او ایستاده از دست اردوان تاجی را سیگیرد که در واقع نشانه قدرتی است که با توپیض می‌گردد. کتیبه پهلوی اشکانی که در روی آن است مورخ به تاریخی معادل ۱۲۶ بعد از میلاد است (لوحة ۶. ۱-ج). در میان تمام ویرانه‌های این شهر خرابه یک حمام که با معرق‌کاری مزین شده قابل توجه است.

علاوه تعدادی از سفالهای اشکانی از این محل گرد آورده شده که عنقریب اجازه خواهد داد مجموعه‌ای از ظروف اشکانی^۲ ارائه داده شود. باضافه در همین محل اشیایی از شیشه و مجسمه‌های کوچکی از گل پخته یا ازعاج و اشیائی از برنز و آهن نیز بدست آمده است.

در سالهای ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ استاد گیرشمی در تپه موسوم به «شهر صنعتگران» تفحصاتی بعمل

آورد که تا آن تاریخ سابقه نداشت. در این محل سه طبقه از زیر خاک بیرون آمد که ضخامت هر کدام از آنها یک تا ۲ متر و همه از دوران اسلامی بود. در این طبقه آثار یک مسجد بسیار قدیمی پیدا شد که احتمالاً در ردهٔ یکی از قدیمترین مساجد ایران قرار دارد. در ویرانه‌های این مسجد سفال و شیشهٔ فراوان بdst آمد. در طبقهٔ پایین تر گورستانی از دوران اشکانی و سلوکی قرار داشت (از. ۳ پیش از میلاد تا. ۲۰ بعد از میلاد). گورهای مزبور بدستهٔ تعمیم می‌شود، دستهٔ اول شامل قبرهایی است که روی آن طاق زده شده. در این گونه قبرها مردگان را در تابوت‌هایی از گل پخته قرار میدادند، ولی اجساد کودکان را عموماً در خمره‌ای می‌گذاشتند.

نوع دوم گورهایی است که بصورت اطلاقی است و بوسیلهٔ پله‌ای به آن راه می‌یابند. برای آرامگاه‌های خانوادگی نیز چندین اطاق اختصاص داده شده بود و تابوت‌هایی که در این اطاق‌ها پیدا شده گاهی چندین اسکلت در بر داشت. برای جادادن مردگان جدیدتر استخوان‌های مردهٔ سابق را در گوشه‌ای از تابوت‌جمع می‌کردند و مردهٔ جدید را در محل خالی شده قرار میدادند. اشیائی که همراه این مردگان قرار داده می‌شد عبارتست از ظروف گلی معمولی بدون نقش یا لعاب دار، قمقمه، مجسمه‌های کوچک گلی، چراغ، تزیینات و سکه‌ها. در آخر فصل کاوش سال ۱۹۴۵-۱۹۴۶ کلکٹ کاوش کنندگان در قدیمترین قبرهای گورستان اشکانی و ساسانی و سلوکی به ویرانه‌های شهری متعلق به قرن هفتم پ.م. برخورد. در آنجا ساختمانی پیدا شد بطول ۳ متر و عرض ده متر که اطاوهای متعددی در آن وجود داشت و بفاصلهٔ شش تا هفت متر از دیوار خارجی آن چاه بزرگی پیدا شد که پنج متر قطر آن بود. در این چاه تا عمق ۶ متر خاک برداری شد، بدون اینکه بتوانند بزمین بکر برستند. ساختمان مذکور در سه دورهٔ متوالی مورد سکونت قرار گرفته بود، در طبقهٔ آخر آن سه لوحةٔ اسلامی پیدا شد و در طبقهٔ بالا یک لوحةٔ بزبان بابلی جدید بdst آمد که متعلق به دوران سلطنت اردشیر دوم بود. در طبقات پایین تر سفالی پیدا شد که شبیه به سفال گورستان (ب) تپه سیلک بود و نیز در همان طبقات یک تنگ زیبا بشکل سر اسب پیدا شد (لوحةٔ ۱۰۷-ج) که شبیه به تنگ مکشوف در ماکو (آذربایجان) بود. در طبقات بالاتر سفال دوران هخامنشی مکشوف گردید. این ساختمان‌ها از قرن هفتم پیش از میلاد بود و در زیر گورستان اشکانی و سلوکی قرار داشت و متعلق بیکی از قدیمی‌ترین شهرهایی بود که یک قبیلهٔ ایرانی در آن محل بوجود آورد و آنرا محل سکونت خود قرار داده بود (ف. لک - ۱۷۴). در ناحیهٔ شوش تپه‌های متعدد وجود دارد که فقط در عده‌های از آنها کاوش بعمل آمده است. آقای اوونالا^۱ در ضمن گمانه‌هایی که در تپهٔ بولحیه^۲ زد (ف. لک - ۱۷۵) تابوت‌های گلی که روی آن سرانسان بصورت برجسته نقش شده بود و سفالی از زبان اشکانی بdst آورد و نیز

وی موفق به کشف یک قبر کودک از زمان ساسانیان و سفال‌هایی از طبقه اول تا دوم شوش گردید.

در تپه دویسیه^۱ (ف. ل. - ۱۷۶) به فاصله سه کیلومتر در شمال شوش، سفال منقوشی از نوع سفال طبقه اول شوش پیدا شد. هیئت فرانسوی، تحت سرپرستی آفای لوبرتون^۲ در دو فصل درسال ۱۹۳ و سال ۱۹۳۴ در تپه جعفرآباد کاوشی نمود (ف. ل. - ۱۷۷). این تپه در فاصله ۷ کیلومتری شمال شوش قرار دارد و در آن سفالی از نوع سفال شوش اول در زیر طبقه نازکی از آثار اسلامی تا عمق ۴ متر پیدا شد (شکل ۲۰ شماره ۳۵ و ۳۶). عمق طبقه زیرین تا ۵/۳ متر میرسید و شامل سفال منقوشی بود که از جهاتی با سفال «تپه موسیان» شباهت داشت. طبقه آخر بین عمق ۰/۵ تا ۶ متر قرار داشت و در آن سفالی شبیه به سفال طبقه هالف «تپه گیان» بدست آمد. آفای لوبرتون در همان سالها دو گمانه نیز در روی تپه جووی^۳ زد (ف. ل. - ۱۷۸). این تپه در فاصله ۱ کیلومتری شمال شوش قرار دارد و سفالی که از آن بدست آمده شبیه به سفال طبقه دوم جعفرآباد است.

کاوشهای سالهای ۱۹۳۶ و ۱۹۳۸ در تپه «بندبال»^۴ (ف. ل. - ۱۷۹) در فاصله یازده کیلومتری شمال شوش و تپه بوهلان^۵ (ف. ل. - ۱۸۰) در فاصله یازده کیلومتر در مشرق شوش، سفالی را آشکار ساخت که سبک آن شباهت زیاد به سبک سفال «تل بکون» دارد. بعلاوه در تپه بوهلان سفال دیگری شبیه به سفال طبقه اول شوش و سفال تپه موسیان پیدا شد.

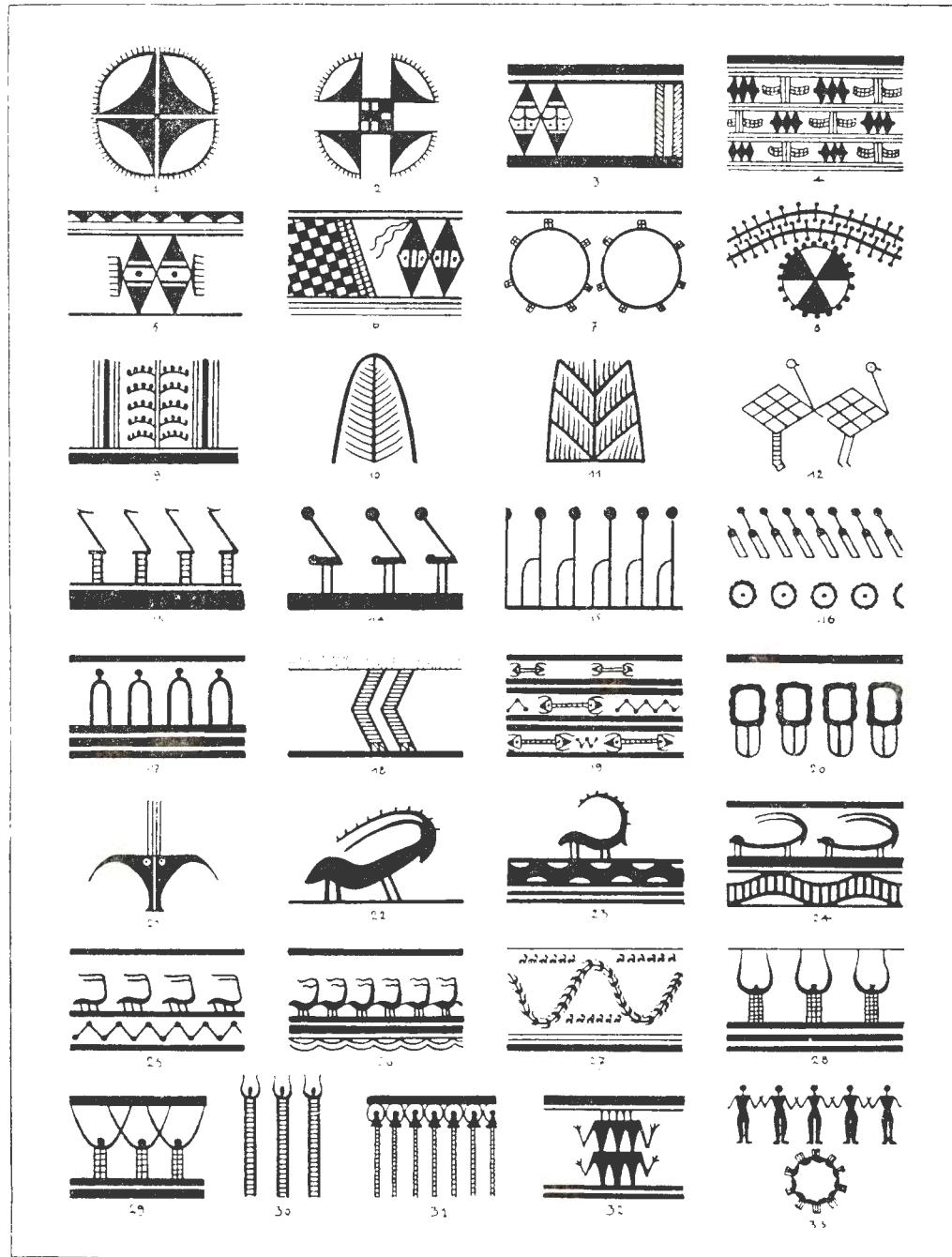
هیئت فرانسوی درسال ۱۹۵۱ مدت دو روز روی تپه «حلوی ماش»^۶ به کاوش پرداخت و در طبقه بالای این تپه سفال منقوشی پیدا کرد که شبیه به سفال طبقه اول شوش بود و آثار دیگری که در عمق ۰/۲ متر در زیر این طبقه قرار داشت از دوران پیش از تاریخ بود.

تپه موسیان در حدود ۵ کیلومتر در شمال غرب شوش قرار دارد (ف. ل. - ۱۸۱). یک هیئت فرانسوی تحت سرپرستی «گوتیه»^۷ و «لامپر»^۸ در زمستان سالهای ۱۹۰۲ و ۱۹۰۳ روی این تپه کاوشهایی بعمل آورد. این تپه در ارتفاع ۱۸ متر در بالای جلگه قرار دارد و تا عمق ۰/۲ متر پایین تر از کف جلگه خاک برداری شده. در این کاوشهای سفالهایی پیدا شده که خصوصیت ممتازی دارد. خمیر این سفال زردرنگ یا سبز رنگ است و نقوش آن برزنگ قهوه‌ای یا سیاه و بندرت به رنگ قرمز تمايل پیدا میکند. این نقوش شباهت به نقوش شوش اول دارد. موضوع هایی مرکب از خطوط هندسی که در روی آن دیده میشود (شکل ۲۵) به نقوش سفال «العبید» شباهت پیدا میکند و یا کاملاً نظیر آن است. بعضی از نقوش هندسی خصوصیات مشخصی دارد، مانند صلیب یونانی لبه دار، لوزیهای دنباله دار، شکل‌هایی شبیه بعدد ۷ و دایره‌هایی

۱- Duvaisyah ۲- L. Le Breton ۳- Tépé Djuvī ۴- Tépé Bend-i Bal ۵- Buhallan

۶- Tépé Halvimash ۷- J. E. Gautier ۸- G. Lampre

شبیه بقرص خورشید. درخت خرما در این نقوش بصورت مخصوصی درآمده است. نقوش سرگان آبی زیاد است و پای آنها مانند نردبان دندانه دار شده است. حیوانات نقش شده عبارتند از ببر، گفتار با پا های

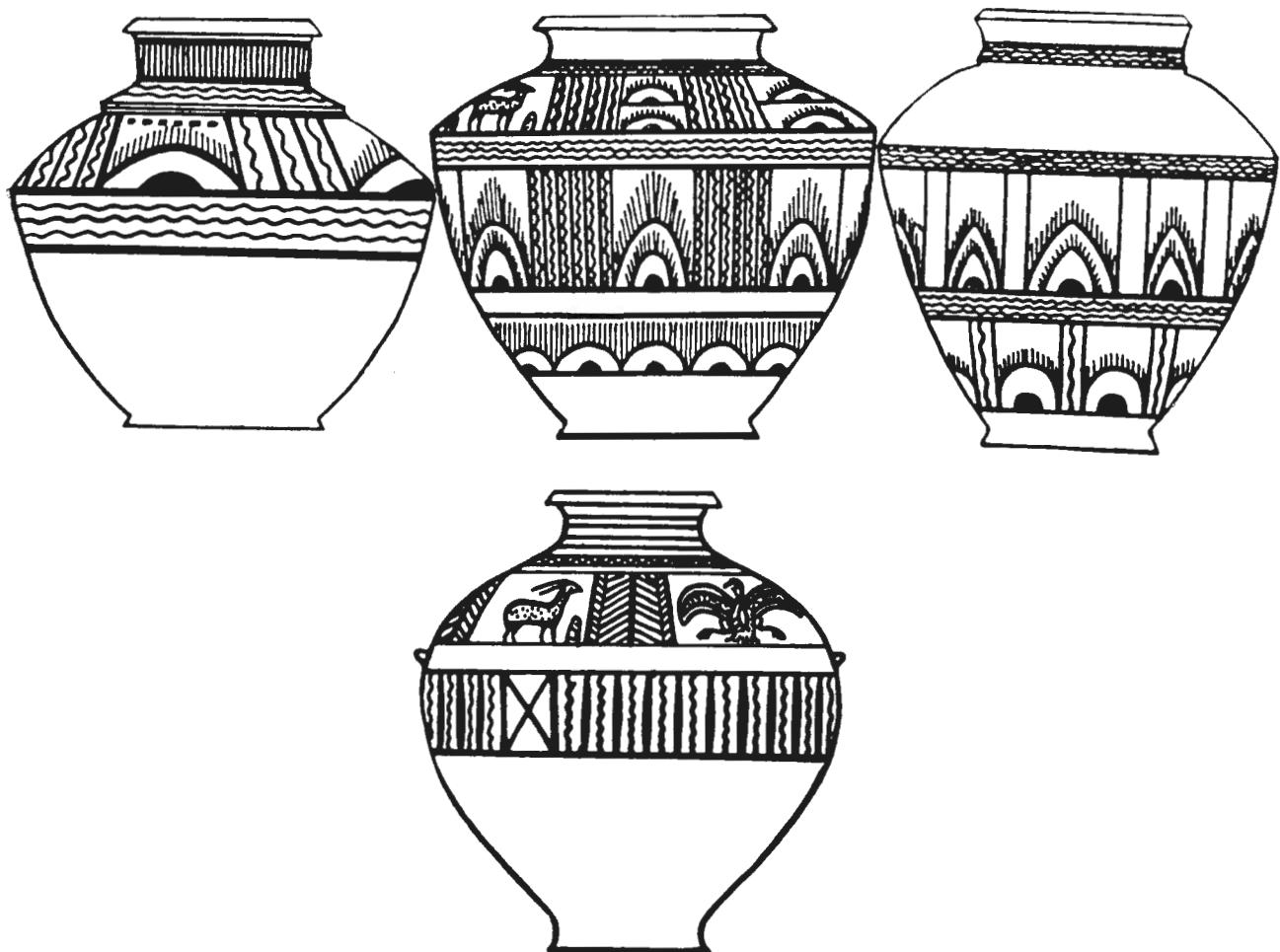


شکل ۲۰

شبیه به اره، بز کوهی بصورت مصنوعی، بز های کوهی با شاخ های دندانه دار و نقش انسان هایی دستهایشان را بلند کرده اند. سا در ضمن مطالعاتی (ف. ل - ۱۸۲) نشان داده ایم که بعضی از این نقوش

قدیمی از نقوش سفال طبقه اول شوش است و به سه دسته تقسیم می‌شود و دسته‌های جدیدتر آنها همزمان با سفال طبقه اول شوش است ولی از حیث سبک نقاشی با آن اختلاف دارد.

در مجاورت تپه موسیان نیز چند تپه دیگر موجود است که سفالی نظیر سفال تپه موسیان در آن پیدا شده، مانند تپه محمد جعفر (ف. ل. ۱۸۳) که همزمان با جدیدترین دسته سفال تپه موسیان است (ابتدای سفال طبقه پنجم گیان) و تپه مراد آباد (ف. ل. ۱۸۴) که همزمان با طبقه جدید تپه موسیان است و تپه



شکل ۲۶

خزینه (ف. ل. ۱۸۵) که در آن نظیر تمام دسته‌های سفال تپه موسیان و سفالی نظیر سفال چند رنگ شوش دوم نیز دیده می‌شود، تپه علی آباد (ف. ل. ۱۸۶) که سفال آن نظیر دسته‌های جدید «تپه موسیان» است ولی مانند تپه خزینه همراه با نوعی از سفال چند رنگ شوش دوم می‌باشد. سفال اخیر بیشتر در قبرهایی که طاق‌های آجری دارد پیدا شده است (لوحة ۱۱۱ - الف و شکل ۲۶).

آقای «فیلد»^۱ در سال ۹۵، مطالعاتی از نظر باستان‌شناسی و انسان‌شناسی در خوزستان شمالی (ناحیه دزفول) و در لرستان بعمل آورد.

۸- لرستان

لرستان ناحیه‌ای کوهستانی واقع در شمال غرب خوزستان است که از طرف شمال جاده قدیمی کرمانشاهان به همدان و از طرف مشرق نهادن و بروجرد و از طرف جنوب ناحیه دزفول وایالت شوش قدیم آنرا محدود مینماید.

این ناحیه در رشته کوه‌های پشت کوه و کبیر کوه مخصوصاً گردیده و مرکب از دره‌های عمیق و صعب‌العبوری است. شهرهای مهم لرستان عبارتست از خرم آباد در جنوب و هرسین در شمال.

یکی از نخستین باستان‌شناسانی که این ناحیه را تحت مطالعه قرارداد آقای دمرگان^۲ می‌باشد که در قرن اخیر از این ناحیه عبور کرد (ف. ک - ۱۸۷) و نقاط پیش از تاریخی «جباب بن روان»^۳ و تپه غلام را در «دشت غلام» کشف نمود و در آن محل آلات و ابزار پیش از تاریخ از سنگ بدست آورد. ولی آقای هرتسفلد نخستین کسی بود که در این ناحیه دست به کاوشهای علمی زد. وی ابتدا ناحیه لرستان شرقی را در سال ۹۲۸ تحت مطالعه قرارداد و در نزدیک «ژیلویران»^۴ یک قبر دوران «مگالیتیک»^۵ پیدا کرد که شامل ظروف مختلف و تُنگ‌های فلزی بود. دانشمند نامبرده در محل موسوم به «تپه گیان» واقع در فاصله ده کیلو متری جنوب غرب نهادن، در دره خاوه^۶، محل اصلی یک نوع سفال منقوشی را کشف نمود که در سال ۱۹۳۶ نمونه‌هایی از آن را نزد تجار عتیقه در همدان دیده بود (ف. ک - ۱۸۹).

چندین سال بعد موزه لوور آقایان «ژرژ کنتنو»^۷ و «گیرشمن»^۸ را مأمور کرد کاوشهای عمیق تر و وسیع‌تر در روی تپه مزبور بعمل آورند (ف. ک - ۱۹۰). بنابراین کاوش کنندگان تا عمق ۱۹ متر خاک برداری کردند و در این کاوشهای به پنج طبقه از تمدن قدیم برخورند. طبقه پنجم قدیمترین آن طبقات بود که بین عمق ۱۹ متر و ۵/۰ متر قرار داشت و در آن سفالی با زمینه زرد و یا سبز کم و نگ، با نقش سیاه بدست آمد (لوحة ۱۰۸ - الف - د). طرح این نقش عبارتست از خطوط هندسی، مانند دندانه و خطوط شکسته و مثلث‌هایی که از یک طرف بهم متصل می‌باشد و تبر دوسر و «صلیب مالت»^۹ و لوزی و چهارخانه و دوازیری که داخل آنها تزیین شده است (شکل ۲). بعلاوه روی این سفال موضوع‌های نباتی

۱-H. Field

۲-J. De Morgan

۳-Djibab Bin Rūān

۴-Gilvīrān

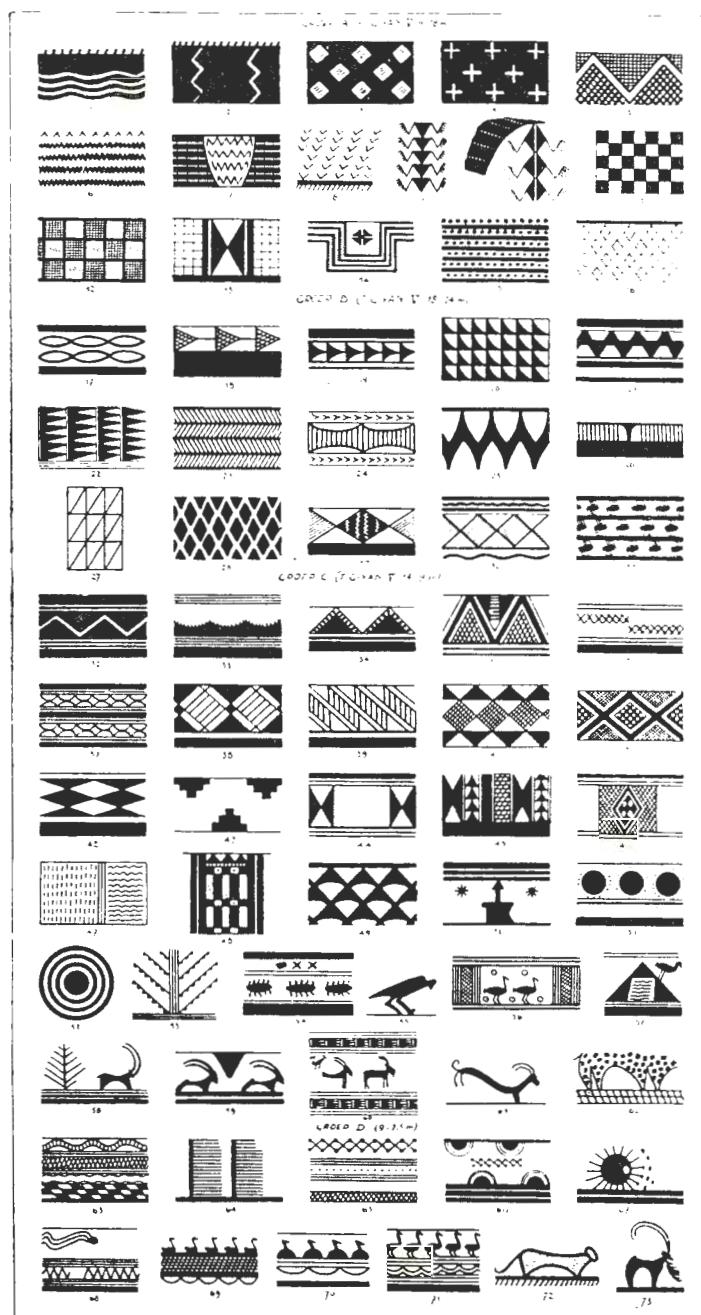
۵-Mégalithique

۶-Khavā

۷-G. Contenau

۸- صلیب مالت صلیبی است که چهار بازوی آن مساوی باشد.

نیز نقش شده بود و از ۱۴ متر پایین مارها و ردیف مرغان آبی و بزکوهی و پلنگ نیز دیده میشد. سفال سنقوش طبقه ه گیان حد فاصل میان سفال ناحیه شمال (سیلک ۳) و نواحی جنوب (موسیان و طبقه اول شوش و تل بکون) میباشد.



شکل ۲۷

قسمت پایین طبقه بندی یعنی طبقه چهارم (از ۹ متر تا ۰.۵ متر) بزحمت از قسمت بالا یعنی

طبقه پنجم تشخیص داده میشود و مرکب از گورستان وسیعی است که ۱۷ عدد از قبر های آن تحت مطالعه قرار گرفته (شماره های ۱۰۲-۱۱۹) و شامل سفال منقوش زرد رنگی است که خمیر آن خوب پخته شده و گاهی رنگ آن نزدیک برنگ آجری میشود و نقش آن سیاه رنگ است. شکل ها و موضوع نقش آن چندان متنوع نیست. مهمترین این ظروف از حیث شکل، خمره های بزرگ دهانه گشاد است که نقش آن روی گردن و شانه ظرف است (لوحة ۱۱۰-۹-۵-۱۰۸). این نقش عبارتست از خطوط افقی دندانه دار و خطوط موج دار که بیشتر روی گردن ظرف است و یک نوار پهن که روی شانه ظرف قرار گرفته. موضوع نقاشیها معمولاً «پرنده - شانه» است (ردیف مرغان آبی که پهلوی هم قرار گرفته اند و در نقش شباht به شانه پیدا کرده اند). گاهی نیز یک عقاب با بالهای باز یا مرغان آبی در حال شناوری نشان داده شده اند.

در این طبقه فلزات فراوان است. برنز برای ساختن آبخوری ها و دستبند های باز و سرمه ها و تبرهایی که یک طرف آن بصورت مارپیچ است بکار رفته. نقره نیز در این طبقه موجود است.

در طبقه سوم (از ۵/۰ متر تا ۶ متر و قبرهای شماره ۸۳ تا ۱۰۱) تمدن قبلی مدتی ادامه میابد و پس از اندک مدتی رو بزوal میرود. سفال قرمز آجری رنگ با نقش سیاه خصوصاً در ظروف سه پایه شکل و تُنگ های شکم دار و پایه دار و فنجان های دسته دار و دیزی ها و روغن داغ کن ها ادامه میابد. نقش منحصر به مثلث ها و «هاشورها» و خطوط افقی و موج دار میباشد (لوحة ۱۱۱-ب-ج-۵-د=طبقه بزرخ ۳ و ۲-۱۱۲-الف-ب-ج). بین اشیاء برنزی باید خنجرها و سنjac های بلند و ظروف برنزی را نام برد.

طبقه دوم (از ۶ متر تا ۴ متر و قبرهای ۶-۴ تا ۸۲) شامل آثار ابنيه و ساختمان ها میباشد. سفال منقوش (لوحة ۱۱۲-د-۵-۱۱۳-الف-ب-ج) هنوز تحت تأثیر سبک سفال های منقوش دوران پیش از ایرانی است. ظروفی که خمیرشان زرد مایل بخاکستری است و نقش سیاه دارد دارای اشکال مختلف است مانند تُنگ های شکم دار و پایه دار، سبو و فنجان دسته دار مزین به نوارهای چهارخانه و گل پنج پر یا خورشید و غیره. بنابراین در این نقش که بصورت مجالس ترتیب داده شده سبک نقش حیوانات مجدد آرسوم گردیده است. ولی علاوه بر این سفال یک نوع ظروف گلی دیگری نیز پیدا شده که از جهاتی با آن اختلاف دارد مانند ظروف مختلف و آبخورهایی که از حیث جنس خمیر با آنها شبیه است و نقش آنها فقط خطوط افقی است که به اشکال مختلف نقش شده (لوحة ۱۱۳-د). این نوع اخیر شباht به سفال «خابور» در بین النهرین پیدا میکند. در این طبقه فلزات چندان زیاد نیست و بیشتر عبارتست از پیکانها و دشنه ها و سنjac های بلند، بدون سر یا با سر.

در طبقه بالا که طبقه اول نام گذاری شده (از ۴ متر عمق تا بالای تپه و قبرهای ۶-۴ تا ۱) سه قشر از آثار دیده میشود. در قشر اول که از همه قدیمی تر بود آبخوری های بلند قرار داشت که منقوش به خطوط هندسی یا تزیینات دیگر بود، مانند مرغابی یا گیاههایی که بصورت مصنوعی در آمده است (لوحة ۱۱۴).

این سفال با سفال «نزو»^۱ در بین النهرین شباهت زیاد دارد. در قشر وسطی که آنرا (قشر Ib) نام نهاده‌اند سفال بدون نقشی پیدا شد (لوحة ۱۱۵) که هیچ شباهتی به سفال قبلی نداشت. این سفال سیاه درخشان یا خاکستری سیاه رنگ یا قرمزرنگ است و با سفال گورستان (A) در تپه سیلک قابل مقایسه است. در قشر جدید (قشر Ic) دو قبر پیدا شد (شماره ۲۲۰۰) و اشیائی که در آن دو قبر بود شباهت به اشیاء قبرهای لرستان و گورستان (B) تپه سیلک داشت. در کاوشهای تپه گیان هیچ اثر مهمی پیدا نشد، فقط شیئی از سنگ یشم خاکستری مایل به سبز بدست آمد که تحت نام «نقش زنگوله شکل» معروف شده و در عمق ۳۰ متر در میان ویرانه‌های یک ساختمان بدست آمد. هیئتی که مأمور کاوشن در تپه گیان بود در تپه گیان جمشیدی و تپه بدھور نیز کاوشاها بعمل آورد. در تپه جمشیدی (ف. ک - ۱۹۱) در فاصله ۵ کیلومتری جنوب غرب تپه گیان ۹ قبر بدست آمد که اشیاء درون آن به اشیاء طبقات ۴ تا ۲ تپه گیان شباهت داشت. هشت تا ده قبر نیازارنوع قبرهای لرستان بود و حدود آن بوسیله تخته سنگ‌ها محدود شده بود و روی آنرا نیز با تخته سنگ پوشانده بودند. در این قبرها ظرفی نظری سفال لرستان پیدا شد (لوحة ۱۱۵-ب-ج).

در تپه «بدھور» در دشت اسدآباد، بفاصله ۵ کیلومتر در شمال تپه گیان طبقات فوقانی شامل سفال بدون نقش و برنگ قرمز یا خاکستری مایل به سیاه بود و از این حیث شباهت به سفال طبقه بالای تپه گیان اول داشت. در زیر آن سه قبر پیدا شد که فاصله میان آخر طبقه سوم گیان و اوایل طبقه دوم گیان را مشخص مینمود. در طبقه پائین تر چند قطعه از سفال طبقه ۴ تپه گیان بدست آمد. در سال ۱۹۰-۱۹۱ در حوالی نهاؤند گنجی بدست آمد (ف. ک - ۹۳)، که شامل بشقاوهای نقره و تزیینات طلا بود و نقوش مختلفی روی آن مجسم شده بود که مهمترین آن نقش گلهای پنج پر بصورت مصنوعی بود. این اشیاء به دوران اشکانی تعلق داشت.

در سال ۱۹۴-۶، یک تخته سنگ مرمر در روی تپه‌ای که مجاور شهر جدید نهاؤند است و همان نیفوآندای^۲ بتلمیوس چغرافی دان یونانی است پیدا شد. روی این تخته سنگ منشوری از پادشاه شام آنتیوکوس سوم (۲۳۱-۱۸۷ پیش از میلاد) بود که در تاریخ ۱۹۳ پیش از میلاد صادر شده بود. مضمون این منشور این بود که پرستش همسرش ملکه لاثو دیکه^۳ را در معبد آن محل که بنام وی معروف شد برقرار و مرسوم میکرد (ف. ک - ۱۹۴). در همین محل نیز چند مجسمه کوچک برزی کشف شد (لوحة ۱۱۶)، که احتمالاً متعلق به معبدی بوده. یکی از این مجسمه‌های کوچک الهه‌ای را نشان میدهد که روی سرشن هلال خورشیدی است که گل زنبقی در میان آن قرار گرفته و در دستها یش نیز شاخی پراز میوه که بنام «شاخ فراوانی» معروف شده، دیده میشود. احتمالاً این همان ملکه «لاثو دیکه» است که تحت عنوان الهه «ایزیس فرتونا»^۴ نشان داده شده (ف. ک - ۱۹۴ - الف).

در حدود سالهای ۱۹۲۸ - ۱۹۳۰ در بازار عتیقات در تهران و لندن و پاریس و شهرهای دیگر اشیائی از برنز و آهن نمودار شد که به نام «برنزهای لرستان» نامیده شد (ف. ل. ۱۹۵) و مرکب بود از اشیاء زیر:

الف - سلاح‌ها: خنجرهایی که دسته آن خالی شده بود تاقطعاتی از استخوان و چوب در آن قرارداده شود (لوحة ۱۱۷). این خنجرها مخصوص لرستان نبود و نظایر آن در نهادن و تپه گیان اول و در طالش و قفقاز نیز پیدا شده. بعضی از این خنجرها از طرف شاهان بابل وايلام به سرکرد گان لُر هدیه شده و به خط میخی مطالبی روی آن نوشته شده بود. دشنه هایی که دسته آن بصورت سر انسان یا حیوان است، شمشیرهای بلندی که دسته آن بهمین طریق تزیین شده، تبرهایی که تیغه یا دسته اش از دهان باز یک حیوان خارج میشود (لوحة ۱۱۸-ج)، ترکش‌ها و پیکان‌های سه تیغه کله قندی شکل، یا به شکل برگ مشتماد.

ب - اشیاء مربوط به زین و برگ‌اسب: لگام اسب، که به موضوعهای مختلف تزیین شده و بیشتر جنبه تزییناتی داشته است (لوحة ۱۱۹). این موضوعها عبارتست از نقش حیوانات مانند اسبها، بزهای کوهی، یا حیوانات افسانه‌ای و مصنوعی از قبیل بزهای کوهی بالدار، «گیلکمش» قهرمان که مشغول نزاع با حیوانات وحشی است، نقوشی که روی چرم نصب شده، حلقه‌های دهنۀ اسب و آخروری اسب که مزین به نقش بزکوهی است و شاخهای بزکوهی که بشکل حلقه‌های سه دهانه‌ای درآمده و به حلقة اصلی متصل میشود و زنگوله‌ها و تزیینات دیگر مربوط به اسب.

ج - اشیاء زینتی: مانند سنjac‌های بزرگ تزیینی که سر آنها شبیه به سر حیوان یا تمام بدن حیوان است (لوحة ۱۲۰-ج)، قلاب کمربندهای مزین به مجالس شکار یا موضوعهای مذهبی، دستبندها، گردان بندها و سینه‌بندها و آینه‌های دسته‌دار به شکل کاریاتیدهای برهنه.

د - اشیاء تشریفاتی و نذری: مانند مجسمه‌های بسیار کوچک بزکوهی و اسب و پرندگان یا طلس‌نم بصورت بُت‌های کوچک، یا نشانه‌هایی که از دو حیوانی ترکیب یافته، که مقابله یکدیگر در میان یک میله مرکزی ایستاده‌اند (لوحة ۱۲۱)، میله‌هایی بزرگ که گاهی سر آنها بصورت لوحة‌های دایره شکل است و این نوع سنjac‌یا میله‌ها در «سرخ دم» زیاده پیدا شده.

ه - اشیاء ولوازم مذهبی: مانند جامه‌ای کوچک فلزی (لوحة ۱۲۲) با تزیینات و مجالس پذیرایی، یا حیوانات افسانه‌ای در کنار ظرفی که از آن آب بیرون میجهد، شکارچیان در حال شکار کردن بزکوهی و شیرهای بالدار و موجودات غریب و عجیب و ظروف نوک دار. تمام این اشیاء از قبرهای مجزا بدست آمده

که هر کدام در نقطه‌ای از کوهستان شمالی لرستان مانند ناحیه هرسین و خرم آباد والشتر پخش بوده است. نمیتوان بطور دقیق گفت که وضع این قبرها چه بوده زیرا هیچ یک از آنها طبق اصول علمی کاوش نشده و تمام اشیائی که از این قبرها بدست آمده نتیجه کاوش‌های قاچاق بوده است. آقای گدار در سال ۱۹۳۱ این نواحی را بازدید کرد و نخستین کتاب خود را راجع به این برنزها بچاپ رسانید و فقط توانست اطلاعاتی ازین قبرها بدست آورد، بدون اینکه شخصاً بتواند قبر را در حال کشف ببیند. این قبرها عبارت بوداز گودال‌هایی که چهار طرف آن را با قطعات سنگ محدود نموده و روی قبر را نیز با تخته سنگ بزرگی پوشانده بودند. در نتیجه کاوش‌های قاچاق در قبرهای لرستان موزه‌های بزرگ اروپا و امریکا و مجموعه‌داران توانستند مجموعه‌های خوبی از این اشیاء بدست آورند (ف. ک. ۱۶۹). مسئله مهمی که راجع به این برنزها پیش می‌آید تاریخ گذاری و تعیین محل پیدایش آنها است. ولی تا روزی که کاوش‌های علمی در این ناحیه بعمل نیاید این مسائل حل نخواهد شد.

در واقع بعضی از اشیاء برنزی که تحت نام «برنز لرستان» معروف شده در لرستان پیدا شده است و بسیاری از آنها متعلق به نواحی خوزستان و کردستان و آذربایجان و طالش و قفقاز می‌باشد. بعلاوه این اشیاء احتمالاً بدوران‌های مختلف تعلق دارد. بیشتر برنزهایی که از نوع برنز لرستان است (مانند بُت‌ها و بزهای کوهی و تبرهایی که دسته‌های ایشان با برآمدگی‌هایی مانند میخ تزیین شده و خنجرهایی که دسته‌های ایشان با چوب یا استیخوان مزین گردیده یا به نیم‌دایره منتهی شده و دهنه‌های اسب، ظروف نوک‌دار و دسته‌دار) بین ۱۲۰۰ تا ۱۱۰۰ پیش از میلاد قرار می‌گیرند. بعضی از آنها مانند قلابهای کمر و جامهای استوانه‌ای شکل برنزی متعلق به حدود ۱۱۰۰ تا ۷۵۰ پیش از میلاد است. شباهت فوق العاده‌ای بین این اشیاء و اشیائی متعلق به کشورهای دیگری که «هیتی»‌ها بر آنها تسلط داشته‌اند وجود دارد و با این دلیل ما می‌توانیم تاریخ آنها را تا اواخر هزاره دوم پیش از میلاد یا قرون اول هزاره اول پیش از میلاد بالا ببریم. این برنزها متعلق به سوارکاران جنگجو بوده و دارای دو سبک مشخص زیر می‌باشند که گاهی هردو سبک بخوبی بهم آمیخته است: یکی سبک طبیعی سازی، دیگری مصنوعی سازی. موضوع این برنزها بیشتر از حیوانات ترکیب یافته و این حیوانات گاهی چنان طبیعی ساخته شده‌اند که واقعاً شبیه به خود حیوانند و گاهی نیز آنها را از شکل طبیعی خارج ساخته و بصورت موجودی مصنوعی و تزیینی درآورده‌اند.

برای اینکه اطلاعات بیشتری راجع به گورستان‌های لرستان بدست آید در سالهای ۱۹۳۴-۱۹۳۵ و ۱۹۳۸-۱۹۳۷ هیئتی تیحت سرپرستی آقای «اریک اشمیدت» موسوم به :

The Holmes Luristan Expedition

The American Institute for Persian Art and Archaeology

تصمیم گرفت، تفحصاتی در دره‌های رامشگان و سیمره در جنوب لرستان بعمل آورد (ف. ک. ۱۹۷۱-۱۹۸۱).

در «چغا سبز» سفالی بدست آمد که متعلق به هزاره سوم تا هزاره اول پیش از میلاد بود، و مهمنتین آنها ظرفی بود که شکل سرانسان داشت (لوحة ۱۲۳ - د). بعلاوه یک مهر زیبا بشکل استوانه در آنها پیدا شد که اسب سواری را در حال شکار یک بزکوهی نشان میداد.

آقای اشمیدت روی تپه های میرولوی و کمترلان و دماویزه واقع میان راه هرسین به خرم آباد قبرهای را شکافت و در آنها سفالی بدست آورد که با سفال طبقات ه تام طبقه گیان و طبقه ۲ شوش شباخت داشت. سفال طبقه دوم کمترلان (یا کفتارلان - م.) شامل ظرف های سه پایه ای بود شبیه به ظروف طبقه ۳ تپه گیان. در دماویزه قبری بدست آمد که سفال آن شبیه به طبقه ۰ تپه گیان بود. در تپه بد آور^۱ در خاتون بان^۲ هشت قبر متعلق به دوران برنز بدست آمد که حدود هر یک با تخته سنگ محمود شده بود و روی هر یک نیز تخته سنگی انداخته بودند. در این قبرها اسکلت هایی با زانوان خم شده، همراه با ظروف گلی یا برنزی و دستبندها و خنجرهای برنزی پیدا شد. ولی لگام اسب و تبر و بُت که مخصوص قبرهای لرستان بود در این محل بدست نیامد، بنابراین آقای دکتر اشمیدت نتوانست قبرهای باصطلاح ازنوع لرستان دراینجا پیدا کند ولی در عوض موفق به کشف مهمنتی شد. مشارایه درسال ۱۹۳۸ در روی تپه سرخ دُم، در جلگه «کوه دشت» معبدی پیدا کرد که از سنگ پاره ساخته شده بود و متعلق به عهد آشور جدید بود (۸۸۳-۶۱۲ پیش از میلاد). در میان درز سنگهای این ساختمان تعداد زیادی اشیاء مانند میله هایی که سرشان به دایره ای منتهی میشد و مزین به موضوع های مذهبی شده بود (لوحة ۱۲۳-۵-و) و بُت های کوچک و آینه های برنزی و درحدود .۲ مهر استوانه ای شکل پیدا شد ولی هیچیک از آنها ارتباطی با اسب نداشت. این اشیاء احتمالاً متعلق به زمانی پیش از قرن ۱۲ پیش از میلاد بود و در آنها هیچ اثری شبیه به آثاری که تحت نفوذ هنر «زنگیری» و «کرکمیش» قرار گرفته است موجود نبود و به اشیاء «تل حلف» و آشور نیز شباhtی نداشت بلکه خصوصیات آن کاملاً سومری بود. از میان آنها میله هایی که سرشان به صفحه دایره ای شکلی منتهی میشود بیشتر توجه را جلب میکند (ف. ک - ۱۹۹). این صفحات مدور به شکل انصار و درخت خرما و موضوع های مذهبی مزین شده اند. خدا یانی که روی این اشیاء نقش شده اند، با ایزدان قدیم ایرانی مانند «آناهیتا» و «کاشو» و «میترا» و کاهن مزدایی که «برسَم» را بر دست گرفته ارتباط و شباht زیاددارند (ف. ک - ۲۰۰). برنزهای معبد سرخ دُم متعلق به همان مردمی است که لرستان را نیز مسکون کرده بودند. علت اینکه اشیاء قبرهای این مردم ارتباط با اسب دارد ولی در اشیائی که از معبد بدست آمده اثری از اسب نیست این است که عده ای از این مردم صحراء گرد بودند و کارشان تربیت اسب بود و سوار کاران خوبی بودند ولی عده ای دیگر زارع و شهرنشین بودند.

یک مجسمه کوچک از همین دسته در سال ۱۹۳۸ در پشت کوه پیدا شد (ف. ل - ۲۰۱). پشت کوه در شمال غرب لرستان قرار دارد. این مجسمه کوچک (لوحة ۴-الف) نماینده خدایی است که ایستاده و خنجری بر کمر دارد. ریش او نوک تیز است. روی پشت او یک تیردان است و احتمالاً به قرن دهم پیش از میلاد تعلق دارد. روی دامن او مطالی ب خط بابلی جدید نوشته شده و نشان میدهد که خدای شهر «ایلتیرگزی»^۱ است که از محل خود برداشته شده و در شهر «بورنخو»^۲ قرارداده شده و اینک به محل اصلی خود بازگشت داده شده. در متون آشوری و بابلی جدید غالباً صحبت از مجسمه‌هایی است که از معبد خود برداشته شده و به محل دیگری برده شده و بعداً امیری یا پادشاهی آنها را به محل اولی خود بازگردانده است. در اینجا ما از نزدیک مجسمه‌ای را که از این قبیل بوده مشاهده می‌کنیم.

در سال ۱۹۳۶، آقای استین پس از بازدید خوزستان وارد ایالت لرستان شد. وی از دزفول حرکت کرد و لرستان غربی و شمالی را دیدن نمود، از دره سیمه عبور کرد و دره‌های واقع میان جبال پیش کوه مانند دره رمشگان و ترخان و هلیلان و کوشماهی^۳ و کوه دشت و فلات‌های الشتر و خاوه و دلفان را نیز سورد مطالعه قرار داد و باین طریق از راه هرسین به کرمانشاه رسید (ف. ل - ۲۰۲). مشارالیه در نتیجه گمانه‌هایی که روی تپه‌های مختلف زد، مقدار زیادی از آثار عتیقه بدست آورد که قسمت مهم آن سفال بود. ما ذیلاً خاصه کاوش‌های آقای استین را ذکر می‌کنیم:

الف - دره سیمه (یا صیمه)

باغ لیمو (ف. ل - ۲۰۳) سفال هزاره سوم.

تیخان^۴ (یا طرهان - م.) (ف. ل - ۴) : سفال سبک طبقه ۵ گیان.

کوزه‌گران (ف. ل - ۲۰۵) : سفال منقوش سبک طبقه اول شوش.

اشیاء مختلف کوچک مانند بُست گلی کوچک بشکل حیوان دو مهر با نقش خطوط هندسی.

سفال منقوش وغیر منقوش اواخر هزاره سوم.

چغا سبز - (ف. ل - ۲۰۶) : سفال طبقه ۵ گیان.

مهرهای محدب با نقش حیوان.

ب - دره رمشگان (رامشگان).

چغا سبز (ف. ل - ۲۰۷) : سفال سبک ۵ و ۴ و ۳ گیان.

چغا بردنیه^۵ (ف. ل - ۲۰۸) : قبر شبیه به قبرهای لرستان، خنجر بر نزی.

چغاپهن (ف. ل - ۹) : تبر با نقش شبیه به نوار به سبک لرستان.

ج - دره هلیلان

کرزآباد (یا کازآباد)^۱ - (ف. ل. ۲۱۰) : قبرهای دوران‌های مختلف.

سفال رنگین از سبک شوش دوم.

سفال سبک طبقه سوم گیان.

شیرشغا^۲ (ف. ل. ۲۱۱) : قبرهای سبک اول گیان، شامل سفال بدون نقش، خلخال و سنی‌جاق و میله و دشنه آهنی، بت‌های برنزی.

د - دره کوه دشت

قلعه گوری^۳ (ف. ل. ۲۱۲) : سفال هزاره سوم.

چغاپهن (ف. ل. ۲۱۳) : سفال سبک دوران بزرخ میان طبقه ۵ و ۴ گیان، بُت بشکل حیوان، سفال سوراخ شده و شبکه‌دار.

ه - جلگه الیستر

ژیرآیران^۴ (ف. ل. ۲۱۴) : سفال منقوش به سبک طبقه ۵ گیان، بزرخ میان گیان ۴ و ۳.

ظروف گلی سه پایه بسبک گیان ۳.

سرگز و اشیاء برنزی.

بتکی^۵ (ف. ل. ۲۱۵) : سفال منقوش به سبک گیان ۴.

اشیاء برنزی مانند مجسمه کوچک سگ.

چغابال (ف. ل. ۲۱۶) : (مساوی تپه جمشیدی در کاوشهای دکتر گیرشمن).

سفال شبیه به سبک گیان ۴.

مهله برنزی که سرآن منتهی به یک پرنده می‌شود، دسته‌بند‌های برنزی.

چغاکبود (ف. ل. ۲۱۷) : سفال منقوش از نوع گیان ۴.

سفال با نقش برجسته و یک مهر استوانه‌ای شکل با نقش خطوط هندسی و یک داس آهنی.

و - دره بدآور

مویلیک^۶ - (ف. ل. ۲۱۸) : سفال منقوش از سبک دوران بزرخ میان گیان ۴ و گیان ۳.

ظروف سفالین سه‌پایه از سبک گیان ۳.

قبرهایی که شامل خصوصیات قبور لوتستان است و خصوصیات ظروف نوک دار با سرمیش، در بالای

۱ - Kāzābād ۲-Shir Chighā ۳ - Qal'ah i Gauri (شاید در اصل گیری)

۴ - Girairān (احتمالاً گریلان - م.) ۵ - Bataki ۶ - Mauyilbak (م.)

سوراخ دهانه ظرف و مزین به ردیف مثلث‌هایی که نوک آنها طرف پایین است و پایه آنها به گردن ظرف متنه‌ی میشود (لوحهٔ ۱۲۳) - الف - ب نمونه‌هایی از این ظروف رانشان میدهد که در این محل پیدا نشده). مجسمه‌های کوچک حیوانات، و سهرها به سبک آشوری.

تلیاب^۱ (ف. ک. - ۲۱۹).

سفال هزاره دوم پیش از میلاد.

چغا‌سای^۲ (ف. ک. - ۲۲۰) :

سفال به سبک گیان^۳ و ۱۰.

دماویزه^۴ (ف. ک. - ۲۲۱) :

سفال به سبک دوران برزخ میان گیان^۵ و ۳.

جام برنزی بسیار عالی، مزین به گل‌های برجسته که بدون شک از دوران هخامنشی است (لوحهٔ ۱۲۴-ج). گمانه‌هایی بوسیلهٔ Holmes Luristan Expedition در روی این تپه زده شده است.

در جلگه «ماهی دشت» در فاصلهٔ ۲ کیلومتر در غرب کرمانشاه آقای استین چند تپه قدیمی را مورد مطالعه قرارداد (ف. ک. - ۲۲۲). در یک قبر جامی بدست آورده که روی آن دو گاو بصورت برجسته نقش شده بود و کتیبه‌ای در کتار آنان دیده میشند که متعلق به قرون ۸ یا ۷ پیش از میلاد بود (ف. ک. - ۲۲۳).

توجه مختصه‌ی بصورت بالا نشان میدهد که سفالی را که آقای استین از زیر خاک بیرون آورده‌شباخت زیاد به سفال طبقات مختلف تپه گیان دارد معهداً از بعضی جهات از آن متمایز است.

آقای استین ویرانه چند بنای ساسانی را تحت مطالعه قرارداد. این ابنیه را پیش از او چند داشمند دیگر مانند آقای ژ. دمرگان مطالعه کرده بودند. یکی از آن ابنیه پل شاپور یا پل دختر (ف. ک. - ۲۲۴) روی رودخانه کشگان^۶ است، و دیگری پل خسرو (ف. ک. - ۲۲۵). روی رودخانه «سیمره» نزدیک محل اتصال این رودخانه با رود کشگان و آثار دیگر مانند پل آب برده (ف. ک. - ۲۲۶) و پل سفله^۷ (ف. ک. - ۲۲۷). پل اخیر احتمالاً از ابتدای دوران اسلامی است. در شیروان یا سراو کلان^۸ (ف. ک. - ۲۲۸) و در «در شهر» (ف. ک. - ۲۲۹) و در «قلعه هزار در» (ف. ک. - ۲۳۰)، ویرانه‌های ساختمانهای دیگر از عهد ساسانیان کشف نمود.

در سال ۹۶، آقای فیلد^۹ در ناحیه لرستان و خوزستان شمالی شروع به مطالعات باستان‌شناسی نمود. در این نقاط آثار پیش از تاریخی مانند آلات و ابزار سنگی و سفالهای خیلی قدیمی خصوصاً در منشور آباد

۱ - Talyāb

2- Chigh - Sai

3 - Dumāvizah

4 - Kashgān

5 - Pul-i Safaliah

6 - Sarāv Kalān (احتمالاً سراب کلان - م.).

7 - H. Field

در جنوب غرب دزفول، و در پاپله^۱، و پهونده^۲ در جنوب غربی دزفول و چگارمیش^۳ در جنوب دزفول و سرآب دره در شمال غرب خرمآباد و در تپه زاغه در جنوب خرمآباد و در «تپه بحرین» نزدیک «دورود» بدست آورد و در کونجی^۴ در جنوب غربی خرمآباد غاری کشف کرد (ف. ل. ۲۳۱).

در نتیجه کاوش‌های قاچاق در حوالی بروجرد (ف. ل. ۲۳۲) یک عود گردان^۵ برنسزی از دوران اشکانی و یک شیر که با پاهای جلو روی فنجانی فشار میدهد، پیدا شد (لوحة ۱۲-الف).

نزدیک هرسین (ف. ل. ۲۳۳) در جاده جدید کرمانشاه به خرمآباد چند پدیده از دوران ساسانی دیده میشود. سهمترین آنها لوحة‌ای است که بصورت عمودی روی دامنه کوهی شبیه به نقش بر جسته بیستون تراشیده شده است. در کنار این تخته سنگ آثار یک باعث و یک ساختمان مانند دری ازنگیک یک پارچه بصورت قوس دیده میشود. این سنگ بر زمین افتاده و شکسته است. بعلاوه سکویی با پلکان دیده میشود که یک پارچه از سنگ است و شباهت به نمونه همنوع خود در پازارگاد دارد، ولی از آن کوچک‌تر است. این سکو احتمالاً در موقع انجام مراسم مذهبی در هوای آزاد مورد استفاده قرار میگرفته و برای راه یافتن به آن از پلکانی سه پله‌ای عبور میکرده‌اند.

۹- کردستان

کردستان در شمال ایران قرار دارد و شامل رشته‌های جبال و دره‌های زاکرس شمالی است. در قسمت جنوب کردستان جاده‌کهنه وجود دارد که سابقاً فلات ایران را به جلگه بین النهرين متصل مینموده و در زمان «ماد»‌ها بابل را به پایتخت قدیمی هکمتانه مرتبط میساخته است. این راه در زمان سلوکیها و سیله اتصال سلوکیه به شهر «صد دروازه» پوده و در دوران ساسانیان شهر تیسفون را به کرمانشاه می‌بیوسته و امروز راه میان تهران و بغداد است. آقای هرتسفلد باین راه قدیمی که در کنار آن از ایام کهن آثار پادشاهان دیده میشده «دوازه آسیا» نام نهاده و این نام گذاری کاملاً بجا است. در طول این راه قدیمی تعداد بسیاری از آثار تاریخی ایران از دوران ایلامی و ماد(?) و هخامنشی و سلوکی و اشکانی و ساسانی دیده میشود.

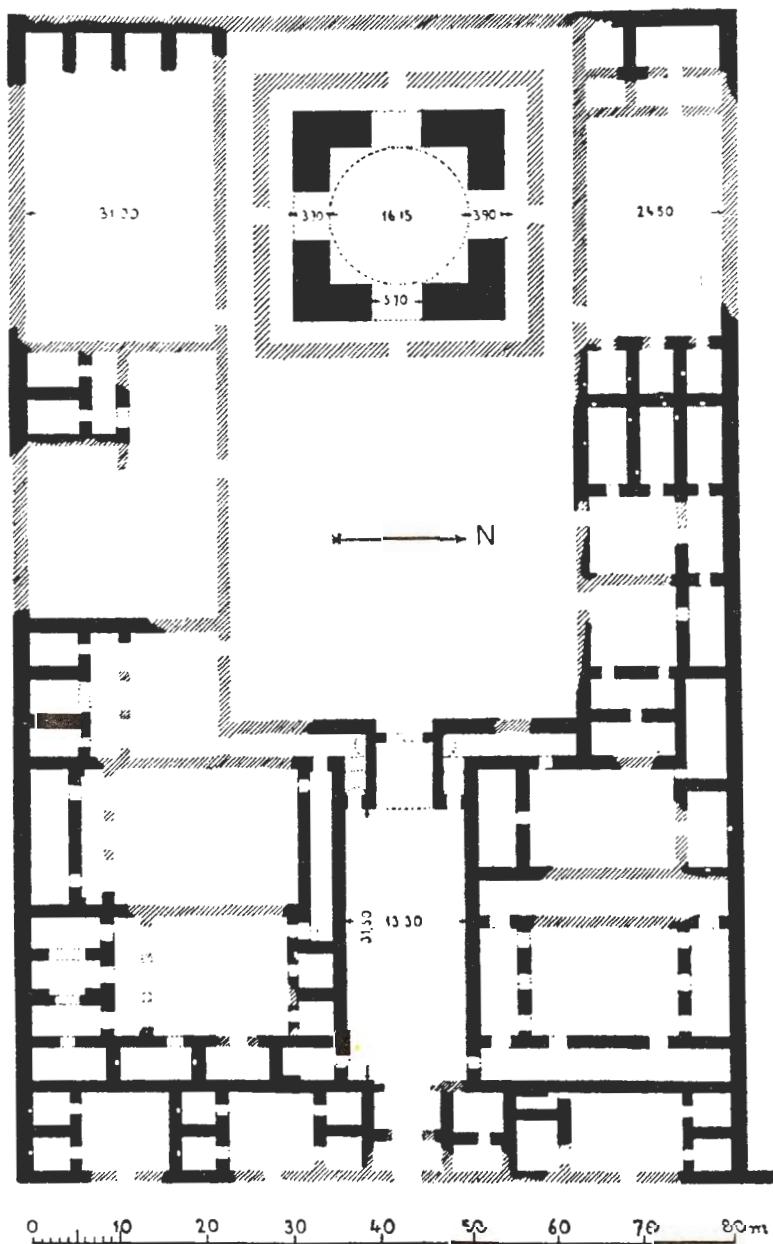
آقایان «فلاندن»^۶ و «کست»^۷ و «دیولافو» و «همسرش»^۸ (ف. ل. ۲۳۶)، و «دمرگان»^۹ (ف. ل. ۲۳۶) و خصوصاً زاره^{۱۰} (ف. ل. ۲۳۷) و «هرتسفلد» (ف. ل. ۲۳۸)، نخستین کسانی بودند که راجع باین آثار گزارش‌های علمی منتشر کردند. ما ابتدا آثار تاریخی واقع در کنار این راه را مطالعه میکنیم و سپس از تجسسات و کاوش‌های باستان‌شناسی صحبت خواهیم کرد.

۱- Papilah ۲- Pahvandah ۳- Shagar Mich ۴- Kundji

۵- مانند آتش گردان - عود و آتش را در آن قرار میدادند و بدور دست میگرداندند تا بوی آن اطاق را معطر نماید.

۶- E. Flandin ۷- P. Coste ۸- Dieulafoy ۹- J. De Morgan ۱۰- Fr. Sarre

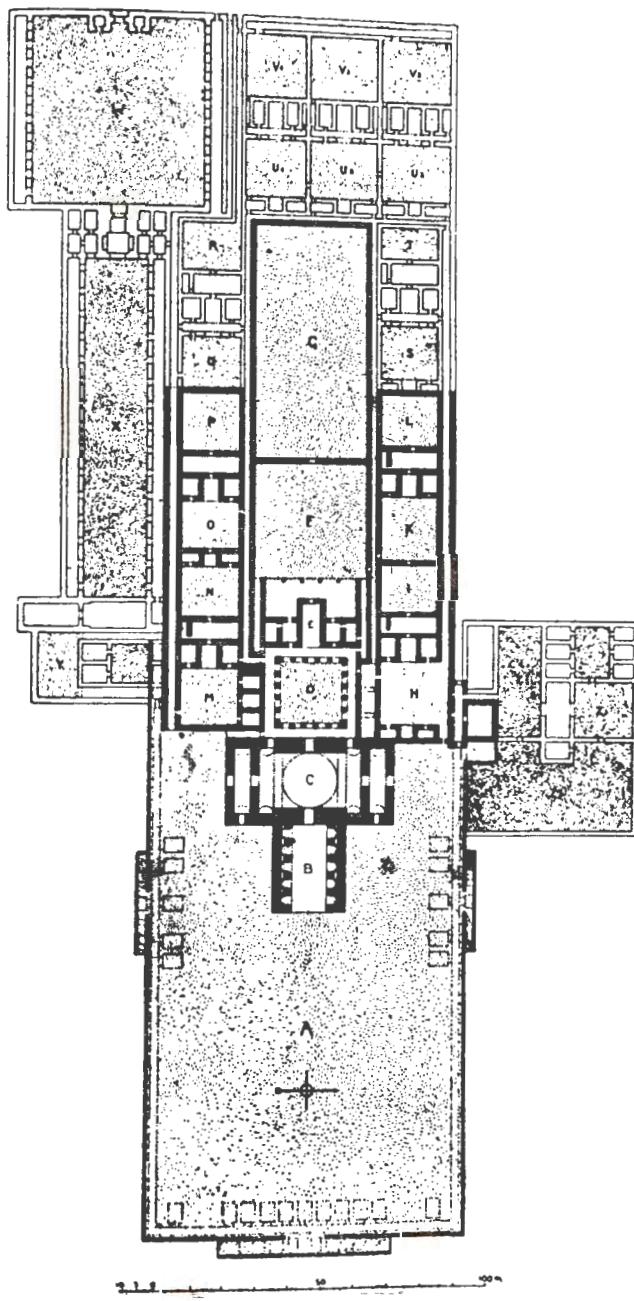
وقتی از سرحد ایران وارد می‌شویم نخستین بنایی که بچشم می‌خورد در فاصله ۲ کیلومتر از مرحد کنار جاده بغداد - تهران قرار دارد و آن قصر شیرین است (ف. ل. ۲۳۹). علت این نامگذاری چنانکه می‌گویند این است، که در این محل کاخ شیرین زن مسیحی خسرو دوم (۵۹۰ - ۶۲۸) قرار داشته. می‌گویند



شکل ۲۸

شاہنشاه سامانی در این محل کاخ مجللی برپا کرد که در سال ۶۲۸ بدست هرقل امپراتور روم خراب شد و یک آتشگاه در کنار آن کاخ قرار داشت. این آتشگاه که چهار قایپونام دارد مرکب است از اطاق مربعی بعضی و طول ۲۰ متر که در هر طرف آن دروازه ایست و در چهار گوشۀ اطاق هنوز گوشوارهای طاقی که

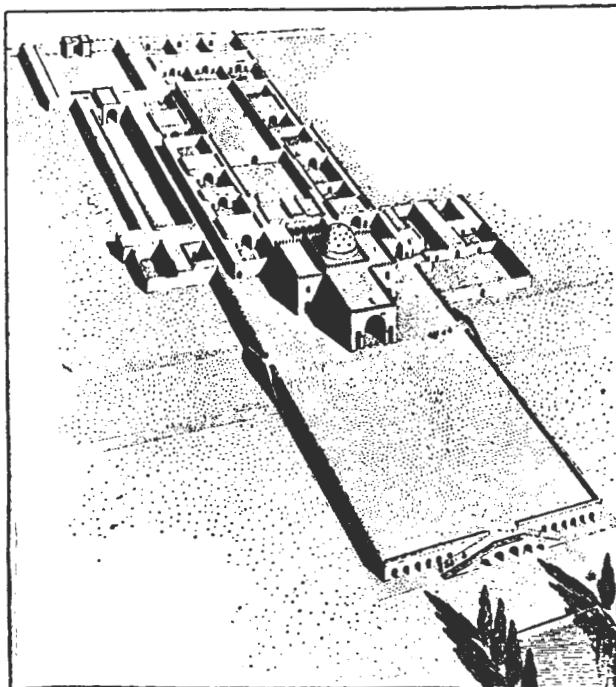
سابقاً این اطاق را میپوشانیده دیده میشود. این بنا با سنگ نتر اشیده و ملات ماسه و آهک ساخته شده (لوحه ۱۲۵ - الف - ب و شکل ۲۸) .



شکل ۲۹

در شمال آتشگاه کاخ خسرو دوم دیده میشود ، که عمارت خسرو نامیده میشود و آثار کهنی از آن باقی است. هنوز دلان هایی که بجای پی برای « تخته گاه » بنا ساخته شده بود دیده میشود . روی این تخته گاه کاخ شاهنشاه بربرا بوده است. این کاخ در سمت شرق یک مهتابی و یک ایوان وسیع داشته . تالاری

که در آن تخت پادشاه قرار داشته به این ایوان متصل میشده و با یک گنبد پوشیده شده بوده است. در طرف مغرب این تالار گنبددار حیاط کوچکی بوده که در چهار طرف آن چهار ایوان ستون دار وجود داشته و در طرف مغرب آن ایوان کوچک دیگری بوده و در دو طرف دیگر آن چند اطاق قرار داشته است. مقابل ایوان حیاط بزرگ مستطیلی بوده و در اطراف آن حیاط نیز اطاقهای کوچکی قرار داشته است (شکل ۹.۲۹). در فاصله ۵ کیلومتر از قصر شیرین در محلی موسوم به حوش قوری^۱ (ف. ل. ۴. ۲) آثار بنای دیگری منسوب به خسرو دوم دیده میشود.



شکل ۳۰

در روی تخته سنگ‌های کوه، در ارتفاع نسبتاً زیاد و در محلی موسوم به سرپل در ناحیه حلوان، بفاصله ۴ کیلومتر در جنوب شرق قصر شیرین (ف. ل. ۱-۲۴) چند نقش بر جسته دیده میشود که مهمترین آنها (لوحة ۱۲۵-ج) شامل دو مجلس است. در این نقش «آنوبانی‌نى»^۲، پادشاه «لولوبی»‌ها که در کوهستان زندگی میکرده‌اند، یک پای خود را روی نعش دشمن که بر زمین افتاده قرار داده است. لباس پادشاه کوتاه است و یک عرق چین گرد بر سردارد. در دست او یک کمان و یک سلاح دیگر است. ربة‌النوع «نى‌نى» مقابل او ایستاده و تاجی، که علامت خدایی اوست، بر سر دارد و لباس او از پوست یا از پارچه منگوله دار است^۳. وی یک دست خود را بطرف شاه بلند کرده و ها دست دیگر دو اسیر را که با طنابی بسته شده‌اند همراه می‌آورد. در مجلس پایین ده اسیر دیگر کاملاً بر همه دیده میشوند که دست‌ها یشان به پشت

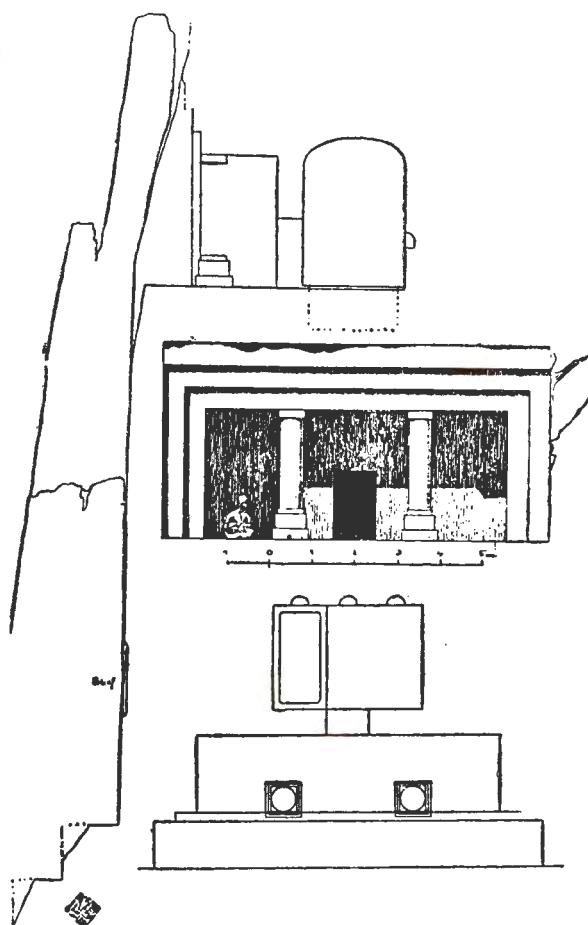
۱- Haush Quri (گبری) به معنای حیاط زمان گبرها

۲- Annubanini

۳- Kaunakés

بسنته شده است. سمت راست آنها دو کتیبه اکدی است. در بالای پادشاه و ربة النوع ستاره هشت گوش «ایشتار» دیده میشود. این نقش برجسته متعلق به زاره سوم پیش از میلاد و از سلسله سوم «اور» میباشد. در مقابل همین نقش، نقش مشابهی وجود دارد (لوحة ۱۲۵-د) و روی آن پادشاهی نشان داده شده که سلاحی در دست دارد و پای خودرا روی نعش دشمنی قرارداده. در بالای سر او قرص خورشید بالدار و هلال ماه دیده میشود و در قسمت پایین این نقش کتیبه‌ای بخط اکدی خوانده میشود.

نقش برجسته دیگری که در این محل دیده میشود خیلی خراب شده، و با اینحال روی آن میتوان یک پادشاه و یک رب النوع یا ربة النوع را تشخیص داد. در پائین نقش «آنوبانی نی» چهارمین نقش برجسته



شکل ۲۱

«سرپل زهاب» دیده میشود، ولی این نقش مربوط به دوران اشکانی است. در سمت چپ یک اسب سوار و در سمت راست یک مرد پیاده نشان داده شده. کتیبه آن تقریباً غیر خوانا است با اینحال میتوان تشخیص داد که آن کتیبه به خط پهلوی اشکانی است.

در همین ناحیه و بفاصله ۰.۲ کیلومتر در شمال سرپل زهاب، نقش برجسته هورین شیخ خان بچشم

میخورد (ف. لک - ۲۴۲) . پادشاه یا امیری بنام (تار...، دونی)^۱ مانند «آنوبانی نسی» ، کمان و زوینی در دست دارد و بطرف دو دشمن جلو میرود . دشمنان مغلوب شده بزانو درآمده و استدعای ترحم دارند . همراه این نقش دو کتیبه اکدی است که غیر خوانا است . در فاصله ۳ کیلومتر در جنوب شرقی «سر پل زهاب» در دامنه کوه قبری به صورت دخمه ، موسوم به «دکان داود»^۲ (ف. لک - ۲۴۳) مشاهده میگردد . مقابله این دخمه ، دروازه مستطیل شکلی وجود دارد ، که لبه آن با نقش سر نیزه‌ها مزین شده و در داخل دخمه قسمت بالا آمده‌ای دیده میشود که روی آن با نقش سر نیزه‌ها مزین شده و در داخل دخمه پایه ستون دیده میشود ولی ساقه ستون شکسته و از بین رفته است (لوحة ۱۲۵ - ۵ و شکل ۳) . در قسمت پایین دخمه ، در محلی که برای ایجاد نقش برجسته‌ای تراشیده شده ، مجلسی دیده میشود که مربوط به تشریفات مذهبی است و مردم آنرا «کیل داود» یا «سنگ یادگار داود» مینامند^۳ . در این نقش یک شخص روحانی یا یک پرستنده ، تاج ایرانی بر سر دارد و لباس او لباس ایلامی قدیم است و «برسمی» در دست دارد . «برسم» دسته ترکه‌هایی است که در تشریفات مذهبی بکار برده میشده (لوحة ۱۲۵) . این قبر احتمالاً متعلق به دوران ماد است (قرن ۷ یا ۷ پیش از میلاد) . نزدیک «دکان داود» و در مجاورت دیره^۴ قبر دیگری است که «اطاق فرهاد» نامیده میشود ، و «راولینسون» آنرا در سال ۱۸۳۶ برای اولین بار منتشر کرد و به «دکان داود» شبیه است ، ولی ناتمام مانده (ف. لک - ۲۴۴) .

کمی دورتر ، در بالای جاده سر بالایی که بطرف کرمانشاه میرود ، در محلی موسوم به طاق گرآ^۵ (ف. لک - ۲۴۵) بنای کوچکی از دوران ساسانی دیده میشود و آن عبارت از ایوانی است که با تخته سنگ‌هایی بشکل مکعب مستطیل ساخته شده و آن تخته سنگها بدون ملاط روی هم قرارداده شده‌اند . در بالای آن قوس هلالی شکلی است (لوحة ۱۲۶ الف - ب) و معلوم نیست این بنا برای چه بوده ولی احتمالاً استراحت‌گاهی برای روزهای شکار ، یا بنای یادگار ، یا سهراپ ، یا محل استراحتی در میان راه بوده که مورد استفاده پادشاه قرار میگرفته است .

در فاصله ۵ کیلومتری شمال شرقی شهر جدید کرمانشاه ، طاق بستان قراردارد (ف. لک - ۲۴۶) . در این محل ، نزدیک چشم‌های ، نقش اردشیر دوم (۳۸۳-۳۷۹) (لوحة ۱۲۷ - الف) در روی سنگی کنده شده . پادشاه در میان است و در دو طرف او اهورمزدا و میترا ایستاده‌اند و اردشیر از اهورمزدا ، که درست راست اوست ، حلقه نوارداری دریافت میکند . میترا روی گل نیلوفر ایستاده و «برسمی» در دست دارد . زیر پای پادشاه و اهورمزدا دشمنی بر زمین افتاده است .

در همان دامنه کوه در طرف چپ همین نقش ، دو غار (یا ایوان) (لوحة ۱۲۶ - ج) دیده میشود که یکی از آنها کوچک‌تر از دیگری است ، و با مر شاپور سوم (۳۸۸-۳۸۳) ساخته شده . در انتهای ایوان

نقش شاپور سوم در طرف چپ بصورت برجسته دیده میشود و پدرش شاپور دوم در سمت راست قرار دارد (لوحة ۱۲۷ - ب). این هردو پادشاه دستهایشان را روی دسته شمشیر بلندشان قرار داده اند. نزدیک آنها کتیبه هایی بخط پهلوی است. در کنار ایوان یا غار شاپور سوم، غار یا ایوان دیگری است که از ایوان اولی بزرگتر است و بنا بر گفته آقای اردمان^۱، با مر پیروز (۴۸۴-۵۰۷) ساخته شده (ف. لک - ۲۴۷). ولی آقای هرتسفلد آنرا منسوب به خسرو دوم (۵۶۸-۵۹۰) میداند (ف. لک - ۲۴۸). به حال سازنده آن تصمیم داشته که در این محل سه ایوان در کنار یکدیگر بسازد. ایوان قدیمی شاپور دوم قرار بوده است در طرف راست قرار گیرد و در این صورت ایوان بزرگ وسط واقع میشود، ولی ایوانی که قرار بوده است در سمت چپ ساخته شود هرگز ساخته نشده. نمای ایوان بزرگ با نقش برجسته بسیار زیبا زینت شده و درخت مقدس را بصورت مصنوعی و با برگهای آکانت (ഫارسی برگ کنگر)^۲ نشان داده اند. در بالای قوس در دو گوش طرفین دو فرشته بالدار هر کدام تاج افتخاری را که مزین به نواره است در دست گرفته اند و در میان آنها یک هلال ماه نقش شده (لوحة ۱۲۸ - ب - ج).

در انتهای غار دو مجلس بصورت نقش برجسته نشان داده شده. مجلس بالا مربوط به تاج گذاری یکی از پادشاهان سامانی است (لوحة ۱۲۸ - الف). پادشاه در میان مجلس ایستاده است و تاجی را که اهورمزدا با او میدهد دریافت میدارد. در طرف دیگر الهه آناهیت به او تاج دیگری میدهد. در مجلس پایین، خسرو شاه، سواره نشان داده شده، واسب او برگستانی^۳ دارد (لوحة ۱۲۹ - الف).

در کناره های ایوان مناظر شکار نقش شده است. در طرف چپ در مردابی که بصورت نیزاری است و ماهی و اردک فراوان دارد، خوکهای وحشی را شکار میکنند (لوحة ۱۱۹ - ب - ۱۳۰ - ۱۳۱ الف). در طرف چپ ایوان پنج ردیف فیل روی هم قرار داده شده و بر هر کدام دو سر سوارند و خوکهای وحشی را که شکار کرده اند با خود میبرند. در طرف بالا چند زن بر قایقی که با پارو حرف میکنند سوارند، زنها آواز میخوانند و دست میزنند. قایق های دیگری در میان مجلس دیده میشود که بر آنها نیز زنها سوارند. هر قایقی دو مرتبه نشان داده شده تا در واقع دولحظه از عملی را که یک قایق انجام داده است نقش کرده باشد. در یکی از آنها پادشاه بزرگتر از اندازه طبیعی نشان داده شده در حالی که کمان پر دست دارد و در حال کشیدن زه آن است و یک زن در سمت چپ، خود را حاضر میکند که تیر دیگری را باو تقدیم میکند. زن دیگری در طرف راست چنگ مینوازد. در روی قایق دیگر که در عقب قایق اول قرار دارد و در میان امواج پیش میرود، تعدادی از زنها چنگ مینوازند. در اثر تیرهای پادشاه دو گراز بر زمین افتاده. در طرف راست این مجلس دو قایق دیگر نمایان است. در یکی از آنها پادشاه تاجی بر سر دارد و با دست چپ کمانی را گرفته است. در مجلس پایین شکار پایان یافته و فیل ها با خرطومهایشان حیوانهای کشته را جمع میکنند و روی پشتیشان قرار میدهند.

لباسها با پارچه‌های فاخر دوخته شده ولاقل در حدود ۳ نوع نقش روی لباس پادشاه دیده می‌شود و بسیاری از این نقوش در روی قطعات زری عهد ساسانی که بدست ما رسیده نمایان است.

در دیواره طرف راست ایوان شکار گوزن‌ها نشان داده شده (لوحة ۱۳۱ - ب). در میان مجلس یک مربع مستطیل بصورت برجسته نقش شده و در میان آن سه بار پادشاه را سوار بر اسب نشان داده‌اند. در بالای نقش شاه خودرا برای عزیمت بشکار مهیا می‌کند و یک گوزن چتری را بالای سراو گرفته است. در پشت سر او زنان دیگری دیده می‌شوند که بعضی از آنان موسیقی مینوازنند. نوازنده‌گان دیگری روی سکویی نشسته‌اند که نزدبانی در کنار آن قرار داده شده. بعضی از آنها چنگ مینوازنند و بعضی دیگر دست می‌زنند. در پایین مجلس پادشاه سوار بر اسب در حال چهارنعل، گوزن‌هارا تعقیب می‌کند و برآنها تیر می‌افکند و کمی پائین‌تر باز پادشاه سوار بر اسب در حال برترمه از شکار بر می‌گردد. در سمت چپ مجلس، شترها گوزن‌های کشته را می‌برند.

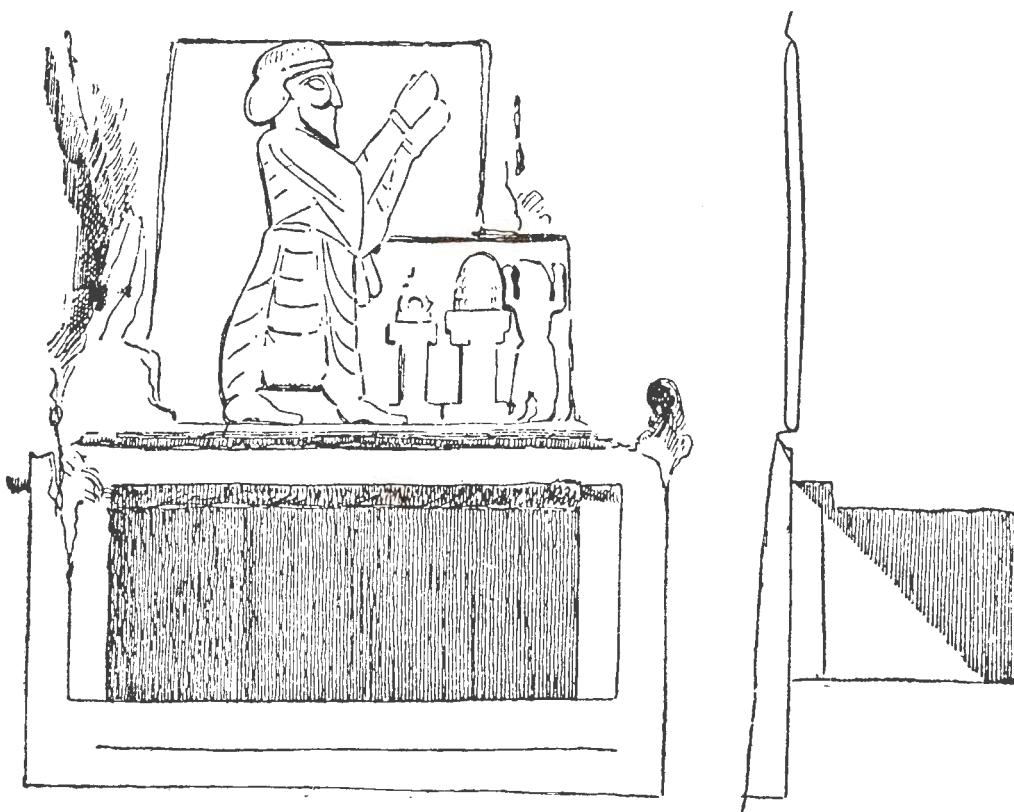
این نقوش برجسته در حقیقت تقليدي از صفحه نقاشی است که در روی سنگ‌کنده شده.

مقابل ایوان و نزدیک چشم‌های که از کنار آن بیرون می‌آید، سابقاً یک مجسمه خسرو دوم بر پا بوده (ف. لک - ۲۴). این مجسمه در دریاچه کوچکی که در دامنه کوه است افتاده و در قرن ۹ نیم تنه آنرا از آب بیرون آورده و اکنون روی بنده‌جاور دریاچه قرار دارد. این مجسمه پیکر شاه را در حال ایستاده و در حالی که دست‌هایش را روی شمشیرش قرار داده نشان میداده است. در کنار نیم تنه مجسمه مذبور دو سر ستون دیده می‌شود (ف. لک - ۲۵). روی یکی از این سرستونها صورت خسرو دوم نقش شده و روی دیگری نقش ربة‌النوعی که تاج گلی در دست راست و گل نیلوفری در دست چپ دارد نمایان است.

آقای هرتسفلد در دهکده قلعه کهن^۱ (ف. لک - ۲۵۱) در شمال کرمانشاه، در سال ۱۹۱۶ دو سر ستون ساسانی مشاهده کرده که تزییناتی مرکب از برگ خرما و گل نیلوفر داشته است (لوحة ۱۳۲ - الف، ب). در جنوب کرمانشاه، در محلی موسوم به سکاوند یا ده نو (ف. لک - ۲۵۲) یک استودان یا حفره‌ای که در سنگ کوه تراشیده‌اند تا استخوانهای مردگان را در آن قرار دهند دیده می‌شود. استودانهای دیگری هم در چندین نقطه از ایران موجود است. ولی استودان نامبرده از دیگر استودانها باین طریق متمایز است که در بالای آن نقش برجسته‌ای وجود دارد (لوحة ۱۳۲ - ج و شکل ۳۲). آقای هرتسفلد عقیده دارد که این استودان متعلق به سال ۵۲ پیش از میلاد می‌باشد و تصور می‌کند متعلق به گوماتای مغ است.

در بیستون، در فاصله ۳ کیلومتری مشرق کرمانشاه، روی بدن کوه، نقش قابل توجهی از داریوش اول دیده می‌شود (ف. لک - ۲۵۳). پادشاه در حال پرستش در مقابل اهورمزدا نشان داده شده و اهورمزدا بصورت نیم تنه انسان بالداری است که روی قرص خورشید نشسته و در حال پرواز است. این

تصویر از نقوش آشوری اقتباس شده است. ضمناً دو خدمتگزار همراه داریوش اند و کمان و نیزه اورا درست دارند و شاه پسای چپ را روی نعش گوماتا، دشمن اصلی خود، قرارداده و مقابل او و اسیر با بند وزنجیر ایستاده اند. یک کتیبه طویل به سه زبان فرس قدیم و بابلی جدید و ایلامی جدید، در چهارده بند، اطلاعاتی راجع به اجداد داریوش و بزرگی کشورش میدهد (اوحه ۳۳، الف - ب). آقای راولینسون^۱ بین سالهای ۱۸۴۱ و ۱۸۴۶ این کتیبه ها را ترجمه کرد و بعداً دانشمندان دیگر، مانند ژاکسون درسال ۱۹۰۳ و کینگ^۲ و تومپسون^۳ در سال ۱۹۰۴ آنرا مطالعه کرده اند. در سالهای ۱۹۴۸ و ۱۹۴۹ آقای کامرون^۴ مجدداً این کتیبه هارا تحت مطالعه قرار داد (ف. ک - ۲۵۴). تا آن زمان معلوم نبود چگونه

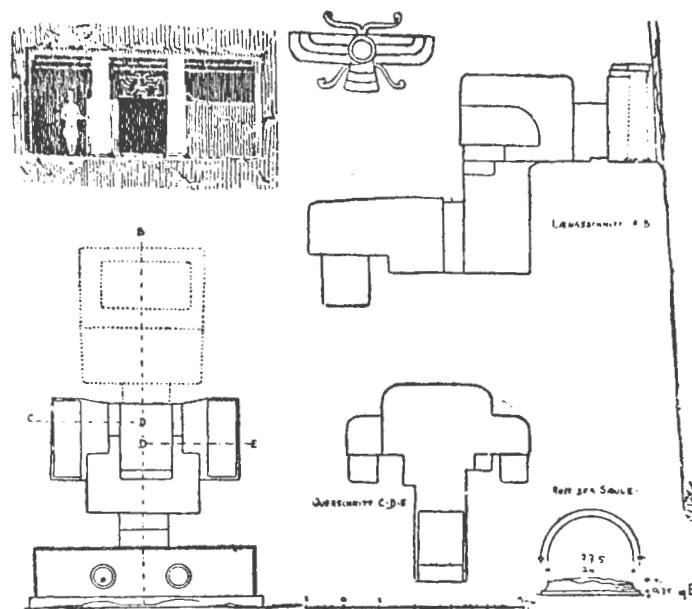


شکل ۳۲

این کتیبه هارا در این ارتفاع کنده اند. آقای کامرون راه کوچکی را که سابقاً برای رسیدن به نقوش و کتیبه ها در سنگ تراشیده بودند پیدا کرد و کتیبه دیگری را که در طرف راست واقع است و تا آن تاریخ استنساخ نشده بود رونوشت کرد. این کتیبه ها نسخه ایلامی از متن فرس قدیم و بابلی بود که قبل از آن محل پیدا کرده و خوانده بودند.

یک قسمت از این کتیبه ایلامی را در همان زمانهای قدیم پاک کرده بودند تا بجای آن نقش

سکان شونکا^۱ را قرار دهد. مجموع کتیبه‌هاروی چهاربند است و کاملاً محوشده و تا این اواخر فقط سه خط آخر بند اول را می‌شناختند. در پائین نقش و کتیبه داریوش اول، دونقش دیگر از زمان اشکانیان موجود است. (ف. ل. ۲۵۵). موضوع نخستین آنها تجلیلی است که چهار ساتrap شاهنشاهی نسبت به مهرداد دوم (۱۲۳-۸۸ پیش از میلاد) مینمایند و این قدیمی ترین نقش بر جسته زمان اشکانیان است. متأسفانه قسمت مهم این نقش را در قرن ۱ خراب کرده‌اند تا بجای آن کتیبه‌ای به خط فارسی بنویستند (لوحة ۱۳۳-ج). با اینحال میتوان قسمت از بین رفته را باز ساز کرد زیرا یکی از همراهان «شاردن»، سفیر ونیزی^۲، که «گرولو»^۳ نام داشته، این محل را در سال ۶۷۳ دیده و آنرا رونوشت کرده است.



شکل ۲۳

نقش دیگری حاکی از پیروزی گودرز دوم (۳۸-۵۱ بعد از میلاد) بر رقیش مهرداد است. جنگی در میان سه سوار نشان داده شده و نقش وسط مربوط به گودرز است که نیزه خودرا بسوی دشمن پرتاب می‌کند در حالی که یک فرشته بالدار تاجی بر سر او می‌گذارد. هردو نقش با کتیبه‌ای به خط یونانی همراه است. کمی دورتر تخته سنگ بزرگی دیده می‌شود که روی آن نقش شاهزاده‌ای که روی آتشدانی اسپند میریزد کنده شده است (ف. ل. ۲۵۶ و لوحة ۱۳۳-د).

در دهکده بیستون یک جفت سرستون موجود است که مانند سرستون‌های طاق بستان تزیین شده (ف. ل. ۲۵۷). بین کرمانشاه و کنگاور نزدیک دهکده صحنه^۴ (ف. ل. ۲۵۸)، یک دخمه از زمان ماد‌ها منسوب به فرهاد و شیرین (لوحة ۱۳۴ - الف و شکل ۳۳) مشاهده می‌گردد. دوستون که از سنگ

تراشیده شده است در دو طرف دروازه این دخمه قرار دارد. در بالای در، قرص بالدار خورشید، علامت اهورمزدا، نقش شده. داخل آرامگاه طرح عجیبی دارد. ابتدا وارد دهلیزی میشوند که در آن دو طاقچه است و در طرفین آن دو سکو قرار دارد که برای قراردادن جسد دو مرد بوده، چاهی نیز در کف دهلیز دیده میشود که از آن چاه به اطاق اصلی آرامگاه را میباشد و در آن یک سکو برای قراردادن جسد یک نفر ساخته شده. احتمالاً در آنجا جسد پادشاه یا شخص مهم دیگری را قرارداده و اقربای وی را در دهلیز به خاک سپرده اند. این آرامگاه مانند آرامگاه های «داودختر» و «دکان داود» که در ناحیه فارس از آنها یاد شد، مقدمه آرامگاه های شاهنشاهان هخامنشی در تخت جمشید و نقش رستم میباشد.

در سال ۹۳۹، آقای هینز^۱ در صحنه دخمه دیگری کشف کرد (ف. ل. - ۲۵۹) اما قبل از آقای ماک دونالد کینر^۲ از آن صحبت کرده بود.

کنگاور (ف. ل. - ۲۶۰) که «ایزیدور» از اهل «خاراکس»^۳ (قرن اول پیش از میلاد)، در کتاب تاریخ اشکانیان^۴، آنرا کنکوباز نامیده، دارای آثاری از زمان سلوکیها میباشد که در حدود ۲۰۰ سال پیش از میلاد ساخته شده. از معبدی که برای الهه آناهیت در این محل ساخته شده بود بیش از چندستون باقی نمانده که برای ساختمان خانه های شهر بکار برده شده است. ساقه این ستون ها صاف بوده و سرستون آنها از نوع سرستون «دری»^۵ میباشد (لوحة ۳۱-پ) که روی آن یک «بالش کرنتی» قرار داده اند.

در همدان، پایتخت قدیمی ماد که یونانیها آنرا اکباتان مینامیدند، هنوز کاوش های بعمل نیامده زیرا شهر جدید روی شهر قدیمی بنادرگردیده. معهذا از راه اتفاق تا کنون چند کشف قابل توجه در آنجا رخداده است.

در اواخر قرن اخیر، ژ. دمرگان^۶ جواهرات و اشیاء برنزی و مهرهای استوانه ای مختلفی در ویرانه های همدان پیدا کرد (ف. ل. - ۲۶۱). در سال ۹۲، در همین محل تعدادی اشیاء متعلق به یک گنجینه هخامنشی پیدا شد (ف. ل. - ۲۶۲). این اشیاء در ملکیت آقای ویدال^۷ مجموعه دار امریکائی در نیویورک درآمد و در سال ۹۴۸ در نمایشگاه هنر ایران در موزه «کرنوجی» در پاریس بعرض دید قرار داده شد. یکی از آن اشیاء «کتبه یادگار» زرین است، که بنام اردشیر دوم بوده و سر کب از ۲۰ خط میخی هخامنشی است. مقصود از «کتبه یادگار زرین» لوحة طلابی است که مانند سنگ اول بنا در ساختمان کاخ ها بکار برده میشده (لوحة ۱۳۵ - ب). دیگر از اشیاء این مجموعه لوحة یادگار دیگری است که سه قطعه شده و کتبه آن بخط میخی فرس قدیم، بنام ارشما^۸، پادشاه فارس، پسر اریارامنه^۹، از خاندان هخامنشی،

۱-W. Hinz

۲-J. Macdonald Kinner

۳- Isidore de Charax

۴- Mansiones Parthicae

۵-Concobar

۶- Dorique

۷- J. De Morgan

۸- M. Vidal

۹- Arshama

۱۰- Ariaramna

(لوحة ۳۵، الف) میباشد. در همین گنجینه چند قطعه طلا دیگر وجود داشت، که نقش برجسته آن با سبک «چکشی» ساخته شده بود و برای الصاق به صندلی یا تخت، یا در، یا سپر یا قلاب کمر وغیره بکاربرده میشده است. یکی از آنها گاو بالداری را با سرانسان و تاج شاهی نشان میدهد (لوحة ۱۳۵ - ج) و دیگری فقط یک گاو بالدار است (لوحة ۱۳۵ - د). بهمین طریق روی قطعه دیگری از طلا که برای الصاق بهشیئی دیگری بکار میرفته یک شتر در حال دویدن، نشان داده شده (لوحة ۳۵ - ه). روی یک مدال طلا یکی از پادشاهان هخامنشی رامیتوان دید، که از میان هلال ماه بیرون میآید و در دست چپ گل نیلوفری دارد. در اطراف مدال دایره‌ای از گل‌های نیلوفر نشان داده شده (لوحة ۱۳۵ - و). در میان تزیینات طلا دو شاخه درخت انار با برگ و میوه‌های کوچک (لوحة ۱۳۵ - ز) و انگشت‌های گوشواره‌ها و گوشواره‌ها و سه سینه‌بند مزین به یک سر شیر نر و یک سر شیر ماده و یک سرعاقب با شاخ قوچ نیز به‌چشم میخورد.

در سال ۹۲۳، نیز کشفیات مهمی در همدان رخ داد (ف. ل. ۲۶۳)، که از آن‌جمله است: کشف یک لوحة یادگار طلا و نقره بنام داریوش اول، کتیبه‌ای به سه خط فرس قدیم وايلامی و بابلی، یک ظرف نقره با یک کتیبه به خط فرس قدیم بنام خشايارشای اول، یک لوحة طلا با کتیبه‌ای بنام آريارامنه پدر بزرگ داریوش اول، یک تهستان با کتیبه‌ای به خط فرس قدیم بنام اردشیر دوم.

اخیراً اشیاء مختلفی از طلا وارد موزه ایران باستان شده که میگویند در همدان کشف گردیده (ف. ل. ۲۶۴) و عبارتست از یک خنجر (لوحة ۳۷، الف) و یک دستبند مزین به نقش چند شیر (لوحة ۱۳۶ - ب) و یک جام بنام خشايارشای اول (به زبان ايلامی و بابلی و فرس قدیم) (لوحة ۱۲۶ - ج) و یک جام بشکل پیکر شیر بالدار (لوحة ۱۳۶ - د).

اکتشاف این اشیاء زرین هخامنشی در همدان امری طبیعی است، زیرا اکباتان علاوه بر اینکه پایتخت پادشاهان ماد بوده محل خزانه خشايارشای اول و پایتخت تابستانی پادشاهان هخامنشی نیز بوده است. بعلاوه اسکندر نیز پس از اینکه خزانه شاهان هخامنشی را تصاحب کرد آنرا از تخت جمشید به همدان منتقال داد.

باید شیر بزرگی را که از سنگ ساخته شده و «سنگ شیر» نام دارد در اینجا نام برد. این سنگ که در جنوب شرقی شهر همدان قرار دارد و خیلی شکسته است احتمالاً متعلق به زمان اشکانیان است (ف. ل. ۲۶۵).

پیش از جنگ بزرگ جهانی اخیر در اطراف همدان دوسر برنسی قابل توجه پیدا شد (ف. ل. ۲۶۶) که متعلق به قرون ۲، ۳، ۴ پیش از میلاد بود (لوحة ۱۳۷ - الف - ب). اخیراً نیز در آنجا قطعه‌ای از سنگ تراشیده عهد هخامنشی پیدا کردند (لوحة ۱۳۷ - د).

در کوه الوند در محلی موسوم به گنج نامه (ف. ل. ۲۶۷)، به فاصله ۱۲ کیلومتر در جنوب غربی

همدان، دو کتیبه از زمان هخامنشی، در ارتفاع ۲۰۰ متر از کف زمین، دیده میشود. کتیبه سمت چپ به سه زبان فرس قدیم و بابلی جدید و ایلامی جدید است و بدلستور داریوش اول نوشته شده و کتیبه سمت راست متعلق به عهد خشايارشاه اول است (لوحة ۳۸، الف). اینکه آثار واقع در این جاده قدیمی را مطالعه کردیم کاوشها و تفحیصات باستانشناسی را که در این ناحیه انجام داده شده است بررسی میکنیم.

هیئت فرانسوی که در شوش مشغول کار است در مجلی موسوم به «تل زهاب»، چند گمانه زد (ف. ک. ۲۶۸) و در آنجا سفالی شبیه به سفال طبقه پنجم تپه گیان بdst آورد.

در سال ۹۳۲، در مجلی موسوم به «زالوآب»، در فاصله ۳ کیلومتر در شمال شرق کرمانشاه، نزدیک شهر کوچک «دیناور»، بین بیستون و کنگاور، کاوشاهای تجارتی شد (ف. ک. ۲۶۹). در این کاوشها بیش از ۶۰ قبر شکافته شد. بیشتر این قبرها نزدیک دهکده زالوآب بود و تعدادی نیز در کنار دهکده پیر غیب و «کوش قلعه» قرار داشت. در قبرها گاهی خمره‌های بزرگی از گل پخته مکشوف میشد که مرده را در آن قرار داده بودند و گاهی قبر در سنگ کوه تراشیده شده و روی آن دو یا سه تخته سنگ بزرگ قرار داده شده بود. در این قبرها آبخوریهای برنزی مخصوص تشریفات مذهبی بdst آمد که روی آن مجلسی بزمی نشان داده شده بود. روی ظرف دیگری یک کمان دار زانو بزمی زده، شتر مرغی را به سبک آشوریها هدف تیر خود قرار داده بود. بعلاوه تیرها و پیکانها وزنگوله‌هایی هم در این قبرها دیده میشد. تعداد اشیاء آهنین قابل توجه بود و از تعداد اشیاء برنزی تجاوز نمیکرد. این اشیاء را از قرون اول هزاره اول پیش از میلاد دانسته‌اند. در «دیناور» قطعاتی از یک ظرف بزرگ سنگی (دو سکویی) مزین به تصاویر سیلنهای و ساتیرها^۱ پیدا کرده‌اند (ف. ک. ۲۷۰) (لوحة ۱۳۷ - ج).

در پیروند (ف. ک. ۲۷۱)، واقع در فاصله ۵/۷ کیلومتری شمال طاق بستان، یک قبر طاق دار پیدا کردن که شامل مقدار زیادی مجسمه‌های کوچک برنزی بشکل انسان بود (لوحة ۱۳۸ - ب - ج). در همان محل نیز یک آبخوری بزرگ، با کتیبه‌ای بنام شارکالی شاری^۲ پسر و جانشین نارام‌سین پیدا شد. سبک کار این برنزها با سبک کار برنزهای لرستان بکلی اختلاف داشت.

در سال ۹۳۶، آقای استین (ف. ک. ۲۷۲)، پس از انجام مسافت‌های علمی خود در ناحیه خوزستان و لرستان وارد کردستان شد. وی از راه صحنه از کرمانشاه به جانب سقز رسپار شد و از سقز راه آذربایجان را پیش گرفت و بررسیهایی کرد. بررسی قابل توجه این مسافت مشاهده و مطالعه غار کرفتو (ف. ک. ۲۷۳)، در مشرق سقز و جنوب شرقی صائین قلعه (شاھین دژ فعلی)، بود. آقایان کرپرتر^۴ در سال ۱۸۱۸ و راولینسون^۵ در سال ۱۸۳۸ این غار را دیده بودند. در این غار چند راهرو و چند اطاق

وجود دارد که در دل کوه تراشیده شده است. در بالای مدخل غار یک کتیبه بخط یونانی خوانده می‌شود و آقای راولینسون قسمتی از آنرا ترجمه کرده است ولی آقای اورل استین تمام آنرا رونوشت کرده. این کتیبه مربوط به دوران اخیر یونانی است.

از ماه ژوئن تا اکتبر سال ۹۴۹، آقای کون^۱ (ف. ک - ۲۷۴) غارهای کردستان را دقیقاً تحت مطالعه قرارداد. یکی از قابل توجه‌ترین غارهای مذبور نزدیک بیستون بود و دیگری در راه میان سنندج به همدان قرارداشت.

غار اولی «غار شکارچیان» نام دارد و آقای «کون» در آن گودالی کند، و تا عمق شش متر و نیم پائین رفت، و معلوم شد این غار متعلق به دوران «پلائیستوسن» اخیر^۲ می‌باشد و در عهد شکارچیان مورد سکونت قرار گرفته بود. در این غار مقدار زیادی ابزار سنگی بدست آمد که از عهد «لوآلوای جدید»^۳ یا اورینیاک قدیم بود^۴. بعضی از این ابزارها بسیار ظریف بود ورنگ مطبوع و شکل پستنده‌ای داشت. بعد از این اشیاء در طبقه بالاتر مقدار زیادی استخوان حیوانات دیده شد. چنین بنظر میرسد که پس از شکارچیان مردم کشاورزی جای آنان را در این غار گرفته‌اند و قشر واقع بین چهار متر و نیم تا دو متر عمق، از باقیمانده‌های این ساکنان جدید بود. پس از آن تعدادی سفال ضخیم و سنگ‌های کوچک دوران نئولیتیک دیده می‌شد. طبقه آخر این غار از دوران تاریخی بود.

بدون شک مهمترین کشفی که در ده سال اخیر در ایران شده، اکتشافات مربوط به «زیویه» است. این تپه در حدود واقع بین کردستان و آذربایجان و در فاصله ۲۴ کیلومتری مشرق شهر سقز قرار دارد. یک قسمت از این تپه در سال ۹۴۷ در نتیجه طوفانی فرو ریخت و آثار بنای کهنه را آشکار ساخت. در آنجا تشیی از جنسن برزن، بصورت تابوتی، از عهد آشور قرارداشت و در آن ظرف اشیاء قیمتی متعدد پنهان شده بود. دهقانان بآن گنجینه دست یافتند و آنرا قطعه قطعه نموده میان خود تقسیم کردند.

دو سال بعد از این واقعه آقای «گدار» رئیس اداره کل باستان‌شناسی ایران از این موضوع اطلاع یافت و موفق شد قسمتی از این گنجینه را بدست آورد و موزه ایران باستان آنرا خرید. معهذا بعضی از آن اشیاء به خارج از ایران رفته داخل در مجموعه‌های اروپا و امریکا شده بود (ف. ک - ۲۷۸).

ظرف برزنی مزین به نقش تعدادی جنگجویان آشوری و شامل اشیائی از طلا و عاج و نقره بشرح زیر بود (ف. ک - ۲۷۵).

الف - اشیاء طلا

۱- یک سینه بند بزرگ (لوحه‌های ۱۴۰-۱۳۹). روی این سینه بند تصویر دو ردیف حیوانات

۱- C. Coon ۲- Pléistocene ۳- Levalloisien récent

۴- Aurignacien در آخر کتاب فهرستی برای توضیح این دورانها ترتیب داده شده

افسانه‌ای و موجودات خیالی نقش شده بود که از طرفین بسوی درخت زندگانی که در وسط سینه بند بود، در حرکت بودند. در هر طرف این درخت، ردیف بالا، یک بزکوهی، و یک حیوان با سرانسان و یک گاو بالدار با سرانسان و یک شیر بالدار دیده می‌شد. در ردیف پایین دو گاو نر بالدار که یکی از آنها سرانسان دارد و یکی حیوان افسانه‌ای بالدار شبیه به شیر و یک قوچ بالدار و یک حیوان افسانه‌ای با سرانسان نقش شده بود. در گوشه‌های این سینه بند در یک طرف یک خرگوش و در طرف دیگر یک پلنگ خوابیده‌اند. نقش واشکال این سینه بند شباهت به نقش و اشکال هنرهای مختلف دارد. از یک طرف نفوذ هنرآشوری در آن دیده می‌شد، خصوصاً در حیوانات افسانه‌ای و درخت زندگی‌واز طرف دیگر وجود یک پیش بند مقابل ابوالهول نشانه‌را بطهای با هنر فنیقیه است و قراردادن خرگوش و شیر شباهت به سبک کار سکاها دارد.

۲- قسمتی از غلاف یک دشننه که با نقش تعداد زیادی بزهای کوهی، در یک ردیف، تزیین یافته (لوحة ۱۴۱-د).

۳- قسمتی از سینه بند، مزین به سر بزکوهی، بصورت نقش برجسته.

۴- قسمتی از بدنه یک جعبه طلا، با نقش سر شیر از روپرتو، که در فاصله میان آنها بزهای کوهی خوابیده نقش شده است و شاخ‌های بلندشان بصورت مارپیچ درآمده و پاهای خود را زیر شکمشان قرارداده‌اند و این از خصوصیات هنر سکاها است (لوحة ۱۴۱-ج).

۵- زیوری از طلا که روی آن دو مجلس نشان داده شده و میان آن دو مجلس خط تاییده‌ای کشیده شده. در مرکز این دو مجلس درخت زندگی بصورت مصنوعی نقش شده. در مجلس بالا سمت چپ یک گاو بالدار با سرانسان دیده می‌شد و در طرف راست شیری با پنجه‌های عقاب قرارداده. در مجلس پایین در طرف چپ شیر بالداری با دُم عقرب و شاخ گاو و یک فرشته بالدار با سر عقاب مجسم گردیده است. فرشته مزبور ظرف آب و اسفنجی شبیه به میوه کاج در دست دارد.

۶- دست بند بازی که به دوسر شیر منتهی می‌گردد. حلقة این دست بند چهار طرف صاف دارد که میان آن عریض‌تر است و دو شیر بصورت نقش برجسته آنرا مزین مینماید (لوحة ۱۴۱-ب).

۷- یک لوحة تزیینی به سبک هنر سکاها.

۸- یک تاج با نقش گل پنچ پر مرصع.

۹- گوشواره‌ها.

۱۰- شیرها و بزهای کوهی (لوحة ۱۴۱-الف) و سر پرنده‌گان.

۱۱- یک جام طلا.

اثر نفوذ هنرآشوریها و سکاها و فنیقیها در عموم این اشیاء مشهود است و کار جواهرسازان «مانائی» میباشد که در قرن هشتم پیش از میلاد در این نواحی مسکن داشته‌اند.

ب - اشیاء عاج

معمولًاً این قبیل اشیاء برای تزیین صندلیها و تخت ها بکار رفته و به سه دسته تقسیم می‌شود: دسته‌ای که هنرشنان با هنر آشوریها شباht دارد، شامل تزیینات درخت زندگی، بصورت مصنوعی و به سبک آشوری، بزهای کوهی، یا باز اهلی است که در مقابل درخت حیات زانو بر زمین زده و خواهد بود (لوحة ۴۲ - الف). مناظر شکار را نیز باید به آن اضافه کرد (لوحة ۴۲، ب - ج - د). دسته دیگری هنرشنان شباht به هنر سوریه شمالی دارد و تزیینات آن عبارت از ابوالهول بالدار است که در اطراف آن گل‌های پنج پر پراکنده است و باین تزیینات باید مجلس بزم (لوحة ۴۳ - الف) و یک گوزن در حال چریدن علف را اضافه نمود. دسته دیگری که تزیینات آن محلی، یعنی «مانائی» است، مرکب است از یک لوحة با نقش مردانی که چتر یا کمان و پیکان و زوبین در دست دارند و شکارچیانی که در حال کشتن یک بزکوهی می‌باشند (لوحة ۴۲ - الف). این اشیاء را که همگی از عاج است از قرن هشتم و هفتم پیش از میلاد میدانند.

ج - اشیاء نقره

اشیاء نقره عبارتست از وسایل تزیینی اسب و تزیینات دیگری از نقش شیرها و گاوها نر و خطوط تابیده (لوحة ۴۲، ۱ - ه). بنابرگفته آقای «گدار» این اشیاء نتیجه کار جواهرسازان مانائی است که در فاصله میان ۷۵ تا ۸۵ پیش از میلاد در این ناحیه مشغول کار بوده‌اند.

در میان اشیاء این گنجینه بعضی از آنها کاملاً به سبک آشوری یا فقط به سبک فینیقی یا سبک هنر سکاهای است و برخی منحصرآ به سبک محلی است و در بعضی دیگر اثر هنر تمام این سبکهای مختلف بصورت مخلوط دیده می‌شود. اشیاء اخیر بیشتر قابل توجه است و بهترین نمونه آنها سینه بند بزرگی است که شرح آن گذشت.

بنظر آقای گدار آن قبیل اشیائی که نفوذ هنر های مختلف در آن دیده می‌شود کار جواهرسازان محلی «مانائی» است، که در ناحیه جنوب شرقی دریاچه رضائیه مسکن داشته‌اند و مرکب از قبایل «آسیانی» (مردمیکه پیش از آرایهایها در ایران و آسیای غربی مسکن داشته‌اند) بودند، که بتدریج تمدن و فرهنگ ایرانی‌ها را کسب کردند. این قبایل از اختلاف و رقابت بین آشوریها و مردم «اورارت» استفاده کرده بر قدرت خود افزودند و ابتدا با آشوریها اتحاد کردند ولی بعداً علیه آنها قیام نمودند و با پشتیبانی سکاهای سیت‌ها) و «سیمریها»^۱، که بجانب آسیای مقدم روان بودند، در اوآخر قرن هشتم پیش از میلاد وارد ناحیه آشور شدند. در سالنامه سارگن دوم از ویران نمودن «ایزیرتو» پایتخت «مانائی‌ها» و «زیپیا»، که

شاید همان «زیویه» باشد ذکری شده است. در زمان «آشوربانیپال»، کشور «مانائی» تحت نفوذ آشور قرار گرفت و بعد از سقوط «نینوا»، در تاریخ ۶۱ پیش از میلاد، «مانائی‌ها» جزو حکومت «مادها» وسپس جزء حکومت پارسه‌ها شدند.

آقای گدار تصویر مینماید که گنجینه زیویه از قرن نهم پیش از میلاد است و «سکاها» (سیت‌ها) پس از اینکه به آسیای صغیر هجوم آورند، در اوخر قرن هشتم پیش از میلاد، از نظر هنری اقتباسات زیاد از «مانائیها» کردند، بطوری که هنر «سکاها» در روسیه عیناً تقليدی از هنر «مانائی‌ها» است که در آن «سکاها» خصوصاً فن ترصیع را زیاد بکار برداشتند.

با اینحال اینطور بنظر می‌رسد که هنوز خیلی زود است که بطور قطع این نتیجه گرفته شود که «سکاها» شکل‌های هنری خود را از «مانائی‌ها» اقتباس کرده باشند، زیرا این امکان هم وجود دارد که مانائی‌ها موضوع‌هایی را از قبیل گوزن با شاخ‌های مار پیچ که پاهایش را زیر شکمش قرارداده ونشسته است و روی بعضی از اشیاء گنجینه «زیویه» دیده می‌شود، از سکاها هنگامی که در این ناحیه اقامت داشتند اقتباس کرده باشند.

آقای گیرشمن (ف. ل. ۲۷۶) در اشیاء گنجینه زیویه سه دسته متمایز تشخیص داده. یکی اشیاء آشوری و دیگری کارهای هنرمندان سکائی و سوم اشیاء آشوری که در آن موضوع هایی مربوط به سکاها و نقیقیها دیده می‌شود و بالاخره اشیائی که کاملاً رنگ محلی دارند و آقای گیرشمن تصویر مینماید که اشیاء اخیر متعلق به «مادها» است، که از ۶۷۵ تا ۶۲۵ پیش از میلاد در آن ناحیه حکومت کردند. در واقع «مادها» در این ناحیه جانشین «مانائی‌ها» شدند و هنر آنها مخلوطی از هنر مانائی‌ها و آشوری‌ها و سکاها بود.

آقای فالکنر (ف. ل. ۲۷۷) عقیده دارد که گنجینه زیویه متعلق به قرن هفتم پیش از میلاد است و این همان زمانی است که سکاها در آن ناحیه حکومت داشته‌اند. عقیده او سینه‌بند بزرگ که رابطه زیاد با هنر «مادها» دارد از همان زمان است.

گنجینه زیویه برای مطالعه سر آغاز و منشأ هنر «ایران بزرگ» یعنی هنر هخامنشی خیلی اهمیت دارد. در واقع ریشه‌های هنر هخامنشی را می‌توان در هنر برنزکاری لرستان و در هنر گنجینه زیویه و در هنر «اورارت» جستجو کرد، نه در هنر آشور و بابل.

در روی تپه زیویه چند گمانه زده شد و مقدار زیادی سلاح‌های مختلف مانند خنجر و نیزه و پیکان و اشیاء دیگر برنزی و سفال پیداشد. بهترین قطعات سفال این ناحیه ظروف لعاب دار (لوحة ۱۴۳ - د) و

جام‌های شبیه بشاخ با سرائنسان یا حیوان (لوحه ۴، ب، ج، ه) میباشد. اخیراً نیز یک تبر در این ناحیه پیدا شده که روی دسته‌آن پیکر انسان و حیوانات مجسم شده است (لوحه ۴، الف) (ف. ک - ۲۷۹).

۱- آذربایجان

ایالت آذربایجان در شمال غربی ایران واقع است و عبارت از فلات مرتفعی است، که بیشتر کوههای آن از آتش فشانهای قدیم است. در میان این ایالت گودال بزرگی است که دریاچه رضائیه را تشکیل داده است. بیشتر دسته‌های مهاجمی که در طی قرون از شرق به غرب ایران رفتند از این ناحیه گذشته‌اند، بطوری که میتوان آنرا چهار راهی برای عبور ملل و مرکزی برای تجارت دانست. تا سالهای اخیر هیچ نوع کاوشن علمی در این ناحیه بعمل نیامده بود.

آقای دهرگان^۱، نزدیک دهکده خلیل دهیل^۲ چند چاقو تیز کن متعلق به دوران پیش از تاریخ و سه قبر متعلق به همان زمان پیدا کرد (ف. ک - ۲۸۰). بعضی از عتیقه فروشان ارومیه نیز چند گمانه در نقاط مختلف آذربایجان زده‌اند. ولی برای گرفتن نتایج قطعی باید به تفحصات و عکس برداری هوابی آقای «اریک اشمیت» (ف. ک - ۲۸۱) و مسافرت‌های علمی آقای «اول استین» (ف. ک - ۲۸۲) در سال ۱۹۳۶ توجه کرد.

از ماه اوت تا ماه اکتبر ۱۹۳۶، این باستان‌شناس عالیقدر چهارمین مسافرت خود را آغاز کرد، نخستین مسافرت او از سال ۱۹۳۲ در ایران جنوبی و غربی شروع شده بود، وی از سفر بطرف لایجان و اشنویه و دریاچه رضائیه عزیمت نمود. در ناحیه اشنو، در جنوب غربی این دریاچه، چندین محل پیش از تاریخ پیدا کرد. در دینخا^۳ (ف. ک - ۲۸۳) سفال‌منقوش متعلق به اوخر هزاره سوم واوایل هزاره دوم پیش از میلاد بدست آورد و به قبرهای اوخر هزاره دوم برخورد. در گرد حسن علی^۴ (ف. ک - ۲۸۴) سفال رنگین عهد «کالکولیتیک» پیدا شد و بعضی از آنها نظیر سفال‌طبقه پنج تپه گیان بود. بالاخره در حسنلو (ف. ک - ۲۸۵) قبرهایی پیدا کرد که پر از سفال ازنوع سفال گورستان B سیلک بود. حسنلو در ناحیه سلدوز به فاصله ۰ کیلومتر در جنوب غرب رضائیه واقع است. این ناحیه در تاریخ ۱۹۳۴ مورد مطالعه عتیقه فروشان ارومیه قرار گرفته است (ف. ک - ۲۸۶). اداره کل باستان‌شناسی ایران در سال ۱۹۴۷ در روی تپه حسنلو تحت هدایت آقایان راد و علی حاکمی کاوشهایی بعمل آورد (ف. ک - ۲۸۷).

قبرهای گورستان مکشوفه با سنگ ساخته شده بوده و روی آنها یک تخته سنگ بزرگ قرار داشته است. مردگان معمولاً بحال «چمباتمه» بخاک سپرده شده بودند.

سفال مکشوف در این ناحیه معمولاً خاکستری مایل به سیاه و گاهی قرمز بوده است و در قبرها بدست آمده است. این ظروف عبارتست از قوری‌های نوک بلند با دسته‌های شیاردار یا تکمه‌دار یا دندانه‌دار و گاهی مزین به نقش حیوان، بصورت برجسته و بهرحال این ظروف تقليدی از ظروف فلزی بوده است (لوحة ۱۴۴ - ب - ج - ۱۴۵ - الف - د) و نيز در اين قبرها سه پايه‌های سفالين پيدا شده که روی آن قوری های مزبور را قوار ميداده‌اند (لوحة ۱۴۵ - ه - و). اشياء ديگر مکشوف در اين قبرها عبارتست از آبخورها و جام‌های دسته دار با نقش برجسته حيوانات (لوحة ۱۴۶ - الف - د) و بالاخره جام‌های شبیه به شاخ و بشکل کفش (لوحة ۱۴۶ - ه - و). چند قطعه سفال رنگين نيز در اين محل بدست آمد مانند يك جام با نقش حيوان ويک ظرف سه قولو با تصوير انسان بصورت برجسته و روی پايه استوانه‌اي شكل (لوحة ۱۴۷ - الف - ب - ج). ظروف فلزی نيز پيدا شد و جالبترین آن عبارت بود از قوری‌های برنزی نوک دار و يك مجسمه شير که بدنه آن از برنز و دم آن از آهن بود (لوحة ۱۴۷ - د) و مجسمه‌های کوچک حيوانات ويک صفحه دايره‌ای شکل مزین به نقش يك اسب بالدار (لوحة ۱۴۷ - ه) و چند خنجرو و گرز و نيزه دسته دار و بیگان و زنگوله و زينت آلاتي از برنز و جواهراتي از طلا (لوحة ۱۴۸ - الف) و سهره‌هایي به تقليد نقوش بين النهرین. آثار حسنلو از يك سو به اشياء مکشوف در گورستان A سيلك و طبقه اول تپه گيان و گورستان B سيلك و از سوی ديگر با آثار مکشوف از نقاط مختلف آسيای صغير، خصوصاً اليشر^۱ نزديك ميشود. از سال ۱۹۵۶ بعد آقای دايسون^۲ از طرف دانشگاه «پنسيلوانيا» به کاوشهای بسیار قابل توجهی در حسنلو مشغول می‌باشد (ف. ل - ۲۸۸).

اشيء ديگري که در کاوشهای «گوي تپه» در سال ۱۹۴۸، بعد عمل آمد وجود رابطه اين نواحي با آسيای صغير را تأييد کرد. اين کاوشهای تحت سرپرستي آقای بورتون برون^۳ نماینده مكتبه انگلیسي باستان‌شناسی در عراق اداره مي‌شد. سابقآ آقای استین در اين محل چند گمانه زده بود (ف. ل - ۲۸۹) و کاوشهای قاچاق نيز در آن بعد عمل آمد بود (لوحة ۱۴۸ - ج - د). در ضمن کاوشهای تجارتی در سال ۱۹۳۴، يك صفحه برنزی با تصوير «گيلگامش» در آنجا کشف شده بود (ف. ل - ۲۹۰). گيلگامش در اين نقش در میان دايره‌ای استاده، پاهاييش را با فاصله‌ای در روی زمین قرارداده و دو گاو وحشی را از پاهاييشان گرفته بلند مي‌کند (لوحة ۱۴۹ - الف). در کنار اين صفحه برنزی يك دهانه اسب از برنز ويک دسته مربوط به شيشي که کاملآ مشخص نشده، قرار داشته است، تمام اين اشياء متعلق به قرن هشتم پيش از ميلاد است. آقای «بورتون برون» روی اين تپه هشت شکاف باز کرد و هيچ‌گدام از آنها بزميin بکر نرسيد (ف. ل - ۲۹۱)، معهذا برای نخستين بار آشکار شد که در آذربايجان طبقات از نظر آثار تمدنی که در آن بود منظماً بشرح زير روی هم قرار گرفته است:

الف - طبقه قدیم‌تر از همه را طبقه «N» نامیدند و از آن چند قطعه سفال قرمز رنگ صاف ولی بدون نقش و سفال بدون نقش خاکستری رنگ بودت آمد.

ب - طبقه «M» طبق اظهار کاوش کننده با آثار «العبيد» همدوره بوده ولی این مقایسه فقط از نظر تاریخ است نه از نظر تشابه اشیاء. در این طبقه آثار ساختمان‌های گلی با پریزیهای سنگی پیدا شد. سفال این طبقه زمینه قهوه‌ای روشن یا قرمز داشت و نقش آن مرکب از خطوط هندسی سیاه رنگ بود و با طبقه دوم وابتدای طبقه سوم تپه سیلک مطابقت میکرد.

ج - طبقه سوم را طبقه «K» نامیدند و در آن گاهی سفال خاکستری رنگ و گاهی سفال سیاه رنگ بدون نقش ولی صیقلی شده و سفال دیگری با نقش بر جسته پیدا کردند. این سفال به مقال تریالتی^۱ در قفاز و سفال طبقه دوم الیشار در آسیای صغیر شباهت داشت.

د - در طبقه چهارم (طبقه G) سفال سیاه و صیقلی شده‌ای که روی آن بجای تزیینات آثار انگشت دیله میشد، پیدا شد.

سپس طبقات زیر روی هم قرار گرفته بود:

ه - یک دوران نامعلوم و متزلزلی (دوران D) که در آن چندین بار آتش سوزی اتفاق افتاده و مجددآ ساخته شده بود. قبرهای این طبقه از ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد بود و در آنها جمجمه‌های نوع شمالی^۲ دیله میشد. آقای «بورتون برون» تصور کرده است که این قبرها از نخستین آریایی‌هایی بوده است که به آذربایجان، از راه فلات ایران وارد شده‌اند.

مردگان را در قبرهای سنگی خوابانده و روی قبرها تخته سنگهایی قرار داده بودند. سفال موجود در این قبرها بدون نقش و قرمز رنگ صاف شده یا با نقش چند رنگ بود و شباهتی با سفال طبقه سوم الیشار داشت.

و - طبقه بعد (طبقه C) متعلق به ۱۵۰۰ تا ۱۲۰۰ پیش از میلاد، شامل سفال بدون نقش صیقلی شده سیاه یا خاکستری بود که به سفال «هیت‌ها» در آسیای صغیر شباهت داشت.

ز - در آخرین طبقات (طبقات B و A) ظروف صیقلی شده با رنگ‌های قرمز و خاکستری پیدا شد که دسته‌های آن مانند ظروف حسنلو غالباً بصورت حیوانات بود. بعلاوه این سفال به سفال طبقه اول تپه گیان شباهت داشت.

در همین نقطه، در روی تپه، سنگ‌های تراشیده‌ای با نقش حیوان پیدا شد (لوحة ۱۴۸ - ۵)، که از هزار سال پیش از میلاد است و قابل توجه میباشد. در میان آنها نقش دو قوچ و یک پلنگ دیله

میشود که از نظر سبک کار سنگ تراشی قابل مقایسه با سنگ های تراش خورده دوران بعد از « هیتی ها »^۱ میباشد. روی بدن یکی از قوچ هانقشی مرکب از چهار علامت وجود دارد؛ این علامت ها روی صدھات خنک که در بالای قبرها قرار داده شده نیز دیده شده است. این کاوشها فقط مدت شش هفته ادامه داشت و نشان داد که آذربایجان از یکسو با قفقاز و آسیای صغیر و از سوی دیگر با ایران مرکزی روابط دائمی داشته است.

آقای « کارلتون کون »^۲ در سال ۹۴ چندگار را در این ناحیه مورد مطالعه قرارداد (ف. ل. ۲۹۲). مهمترین این غارها « داور زغایزی »^۳ نزدیک میرآباد، در حوالی رضائیه، غار تمتمه^۴، در دره نزلو^۵ در شمال رضائیه بود. در غار اخیر چند شیئی سنگی از عهد « لوآلوای جدید »^۶ شبیه به ابزار غارهای شکارچیان در نزدیک بیستون بودست آمد.

در حدود ۲۰ کیلومتری دریاچه و. ۷ کیلومتری جنوب شرقی میانه تخت سلیمان قرار داد که در زمان اشکانیان فرآ آسپا^۷ نامیده میشد. در آنجا در روی تپه ای ویرانه های ساختمانهای قدیم در اطراف دریاچه عمیقی دیده میشود. حصه ای شهر قدیمی که در این محل وجود داشته هنوز برجا است و محیط آن ۱۲۰ متر است. این دیوارها ۵ متر ضخامت و ۱۵ متر ارتفاع داشته و در اطراف آن ۲۷ برج قرار داشته که هر کدام دو دروازه داشته است (لوحة ۴۱-ب). در مرکز شهر یک آتشگاه و کاخ ها و سربازخانه هایی بوده است. مؤسسه آمریکایی برای هنر و باستان شناسی ایران « از این ویرانه ها نقشه بسیار دقیقی برداشته ولی جز یک گزارش مقدماتی چیز دیگری هنوز به چاپ نرسانده است (ف. ل. ۲۹۳).

در جنوب دریاچه رضائیه، نزدیک تاش تپه^۸ در محلی موسوم به فخر آکاه (ف. ل. ۴۲-۲). دخمه ای دیده میشود. این دخمه یا آرامگاه را چندین بار آفایان راولینسون (در ۱۸۳۸) و هوتون شیندلر^۹ (در ۱۸۸۲) و ژ. دمرگان (در ۱۸۹۶) اوول استین و بالاخره آقای هرتسفلد بازدید نموده اند. دخمه مزبور شباht زیاد به آرامگاه « دآودختر » دارد ولی دروازه این بنا عبارت از سر دری است که در طرفین آن دوستون منفرد قرار گرفته که خوب حفظ شده است (شکل ۴۳). اطاق آرامگاه نیز سه ستون دارد و در آن سه طاقچه در سنگ کنده شده که بمنزله قبرهای دخمه است. هر تسلیمان تصور میکند که این آرامگاه یک شاهزاده مادی از کشور « مانائی » است و تاریخ آنرا بین ۸۴ و ۶۶ پیش از میلاد قرار میدهد. نزدیک تاش تپه (ف. ل. ۲۹۵) کتیبه ای در روی سنگ بزبان « اورارتوبی » کنده شده دو قطعه بزرگ از این کتیبه را آقای فابر^{۱۰} از آن محل به موزه بریتانیا برده و دو قطعه دیگر هنوز در همان محل باقی میباشد.

اخیراً (در سال ۱۹۵۱) کتیبه دیگری بزبان « اورارتوبی »، بوسیله آقای مشکور در کوه زاغی

۱ - Post - Hittite

۲ - Carleton Coon

۳ - Davar Zaghasi

۴ - Tamtama

۵ - Nazlu

۶ - Levalloisien récent

۷ - Phraaspa

۸ - Tash Tepé

۹ - Fakhrākah (؟)

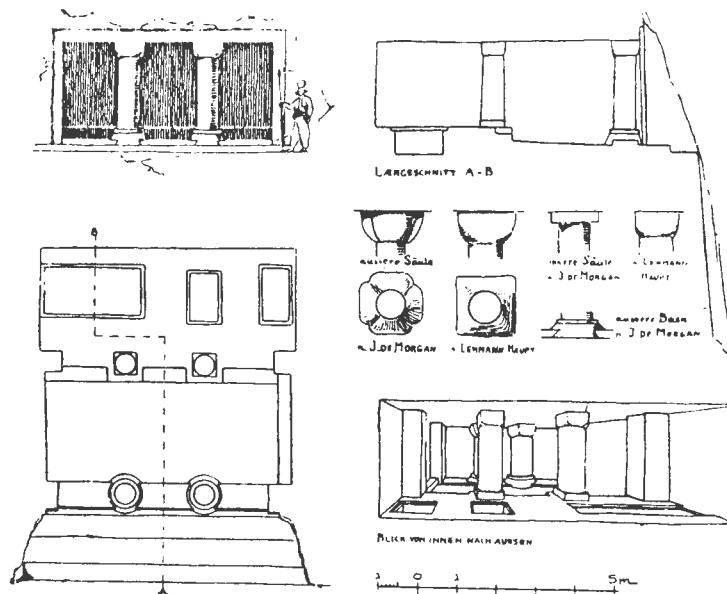
۱۰ - A. Houtum Schindler

۱۱ - W. Faber

در فاصله ۲ کیلومتر در شمال سیکندل کشف شده است (ف. ل. ۲۹۶ - ۲۹۷).

در کیله‌شین^۱ (ف. ل. ۲۹۷) در جنوب غربی اشنویه روی راه رواندوز یک سنگ یادگار باارتفاع ۰/۱ متر دیده می‌شود که کتیبه‌ای به دو زبان روی آن کنده شده و متعلق به قرن هشتم پیش از میلاد است. در طرف مشرق این سنگ متن «اورارتون» از ایسپوینا^۲ پادشاه «اورارتون» نوشته شده و در طرف مغرب همان متن بزبان آشوری است.

ابن سنگ را آقای شولتز^۳ پیدا کرد ولی راولینسون اولین بار گزارشی راجع به آن منتشر نمود. بعداً



شکل ۳۴

در ۱۸۸۸ آقای دمرگان آنرا رونوشت کرد و در سال ۱۸۹۸ آقای لمان هوپت^۴ و بلک^۵ آنرا برای بار دیگر مطالعه نمودند. بهترین ترجمه آن بوسیله آقای «مینورسکی»^۶ انجام گرفت و اخیراً در ماه ژوئیه ۱۹۵۱ آقای کامرون^۷ مجددآ آنرا منتشر نمود.

در فاصله ۳ کیلومتری سلماس (ف. ل. ۲۹۸) که امروز شهر شاپور نام دارد در دهکده‌ای بنام خان تخته^۸ نقش بر جسته‌ای از زمان ساسانیان موجود است. این نقش را آقایان کرپرتر^۹ و فلاندن و کست^{۱۰} و دمرگان^{۱۱} و لمان هوپت^{۱۲} بازرسی کرده‌اند. این نقش بر جسته خیلی خراب شده‌واز کتیبه‌ای که «کرپرتر» و «لمان هوپت» با اشاره درده‌اند چیزی نمانده. فقط آثاری از نقش دو اسب سوار با دو

۱ - Siqindil 2 - Kili shin 3 - Ispuina 4 - Schultz 5 - Lehman - Haupt 6 - W. Belck

7 - V. Minorsky 8 - G. Cameron 9 - Khan i Takhta (خان تخته یا خان تختی)

10 - R. Ker Porter 11 - E. Flandin - P. Coste 12 - J. De Morgan 3 - C. F. Lehman Haupt

شخص ایستاده (لوحة . ۱۵ - الف) تمیز داده میشود. بنابر عقیده «زاره»^۱ این نقش از اردشیر اول و پسرش شاپور اول است که مورد تجلیل ارمنی‌ها قرار گرفته‌اند.

تعداد زیادی اشیاء در ضمن کاوشهای قاچاق در آذربایجان پیدا شده ووارد موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی گردیده است.

در سال ۱۹۹۲، در ناحیه ماکو (ف. لک - ۲۹۹) ظرفی بشکل یک اسب پیدا شد که پاهای آن شکسته بود (لوحة . ۱۵ - ب). این ظرف از گل پخته و برنگ زرد مایل به قهوه‌ای بود و نقوش آن نیز برنگ قرمز و زرد و سیاه بود. روی گردن اسب تزیینات زین و برگ دیده میشود. روی دهانه آن یک گل سه پر نقش شده بود و روی پشت حیوان گردن ظرف قرار داده شده بود و اطراف آن روپوش اسب بصورت نمدی، با نقوش متعدد، با نهایت دقیق مجسم گردیده بود. موضوع نقش روپوش مجلس شکاری است: انسی بدنبال گوزنی روان است و پرنده‌گانی در میان گل‌هایی که بصورت مصنوعی نقش شده است در پروازند. این ظرف که شکل حیوان دارد از یک سو با ظروف هم نوع خود در هنر «هیتی» ها شباهت دارد و از سوی دیگر شبیه ظروف مکشوف در شوش است که متعلق به اوخر هزاره دوم پیش از میلاد بوده. نقش این ظرف بما نشان میدهد که نماد ایران از زمانهای بسیار قدیم بهمان شکلی که اکنون معمول است نقش میشده است.

یک شیئی عجیب نیز در آذربایجان پیدا شد و آن چیزی شبیه به کیف‌های جدید خانمهای از کیف‌های جدید خانمهای از سنگ سیاه است و دسته‌ای دارد و احتمالاً هنگام تشریفات و تظاهرات مذهبی آنرا بدهست میگرفته‌اند (ف. لک - ۳۰۰). در یک طرف آن شیئی عقابی دیده میشود که بالهایش را باز کرده و در میان سر و بالهای او دوسر مار است. در پشت آن نقشی شبیه به چهارچوب در هشت بار تکرار شده (لوحة . ۱۵۱). این شیئی متعلق به نیمة اول هزاره سوم پیش از میلاد است.

شیئی قابل توجه دیگر بزکوهی برنزی است (ف. لک - ۳۰۱) که از قرون اولیه هزاره اول پیش از میلاد است.

در تابستان سال ۱۹۰۱ ژاک و هانری «دمورگان» در گورستان‌های پیش از تاریخ واقع در شمال شرق آذربایجان خصوصاً در ناحیه طالش، کاوشهایی بعمل آورده‌اند (ف. لک - ۳۰۲). این کاوشهای دنباله مطالعاتی بود که این دو برادر در سال ۱۸۸۸ در دره لالوار^۲ و دیبیده^۳ در قفقاز در سال ۱۸۹۱ و در طالش روس (در لنگران) بعمل آورده بودند.

گورهای عمده‌ای که در طالش ایران باز شد عبارت بود از گورهای خواجه داود کپرو^۴، نمین^۵،

قیلاخانه^۱، لرداغی^۲، شگولا دره^۳ و جالیک^۴، تاش کپرو^۵، حسن زمینی^۶، شیر شیر^۷، آفاؤلر^۸ و دو خالیان^۹.

گورها و بناهای نظایر آن مرکب بود از تخته سنگهای بزرگی که از پهلو روی زمین قرارداده و روی آن تخته سنگهای بزرگ دیگری بصورت افقی بمنزله طاق خوابانده بودند. روی این گورها که «دلمن»^{۱۰} نام دارد، سابقاً خاک ریخته بودند تا آنجا که بصورت تپه کوچکی در آمده بود که بزبان باستانی، شناسی «تومولوس» نامیده میشود و اطراف آن بصورت دایره سنگهای بزرگی قرارداده شده بود. داخل این گورها اشیاء فراوان وجود داشت ولی بعضی از آنها مورد تجاوز دزدان قرار گرفته بود. این اشیاء عبارت بود از ظروف سفالین درشت سیاهرنگ یا قرمز خاکستری و بدون نقش واشیاء برنزی و بندرت آهن. از آهن بیشتر حلقه‌های انگشتی و دستبند و حلقه‌های کوچک و سنجاق قفلی و سوزن و سینه‌ریز و پیکان و زوین و سرینیزه و داس و خنجر و مشییر و چاقو و تبر و مجسمه‌های کوچک حیوان دیده میشد. اشیاء دیگری نیز از شیشه مانند مهرها و سینه‌ریزهای با دانه‌های شیشه‌ای و نیز اشیاء طلا و نقره بصورت زینت آلات مشاهده گردید. تاریخ این اشیاء از دوران برنز (در حدود ۲۱۰۰ پیش از میلاد) شروع میشد و به ابتدای دوران آهن ختم میگردید (حدود ۱۵۰۰ پیش از میلاد) ولی بیشتر آنها متعلق به دوران اخیر برنز (۱۲۰۰-۱۰۰۰) بود و به اشیاء پیدا شده در طالش روس (لنگران - رازگور)^{۱۱}، ویری^{۱۲}، جنو^{۱۳}، تولو^{۱۴}، هیویری^{۱۵} و اشیاء پیدا شده در لرستان، و آمیای صغیر، شباهت زیاد داشت.

دربوژه تهران چند طرف منقوش دیده میشود که در طالش ایران پیدا شده (لوحة ۱۵۲ - الف - ج).

۱۱ - عراق عجم

ایالت عراق قسمت مهمی از صحرای ویراتع ایران مرکزی را اشغال کرده است. تنها در کناره‌های صحرای مرکزی در سمت شمال غربی و در اطراف تهران و قزوین و ساوه و قم و کاشان چند اثر از تمدن‌های قدیمی دیده میشود.

الف - کاوش و آثار قدیمی در ناحیه تهران - قزوین.

در مجاورت شهر تهران، کنار جاده شهر ری، تپه‌های قدیمی «چشم‌علی» دیده میشود. هیئت باستان‌شناسی فرانسوی تحت سرپرستی «ژ. دمرگان» در سالهای ۱۹۱۲-۱۹۲۵ تحت سرپرستی

| | | | | |
|-------------------|----------------|--------------------|----------------|---------------|
| ۱-Ghilā khānah | ۲ - Lur Daghi | ۳ - Shagula Darrah | ۴- Vadjalik | ۵- Tash köprü |
| 6-Hassan - Zamini | 7- Chīr - Chīr | 8 - Agha - Avlar | 9 - Dū Khaliān | |
| ۱۰ - Dolmen | ۱۱ - Razgur | ۱۲ - Viri | ۱۳ - Djönu | ۱۴ - Tulū |
| | | | | ۱۵ - Hiviri |

آقای دایت^۱ کاردار سفارت فرانسه در تهران در سال ۹۲۴^۲ در این محل کاوش هائی بعمل آوردند (ف. ک - ۳۰۳).

از سال ۹۳۶^۳ تا ۹۳۷^۴ هیئتی مرکب از نماینده گان موزه هنرهای زیبای شهر بستون و بنیاد خانم ویلیام بویس^۵ از موزه دانشگاه فیلadelفیا تحت سرپرستی آقای اشمیت^۶ این ناحیه را با دقت بیشتر مطالعه نمودند (ف. ک - ۴ . ۳). تا کنون فقط یک گزارش موقتی از این کاوشها منتشر شده. در زیر شهر ری آثاری از زمان سلجوقی و ساسانی و پارت (احتمالاً در آن زمان معبدی در این محل ساخته شده بوده است و در آن سفال و سکه آن ازمنه پیدا شده) و آثار پیش از تاریخی قابل توجهی مشهود گردیده است.

قدیمترین طبقه (I - A) مستقیماً روی زمین بکر قرار داشت و شامل آثاری شبیه به سفال منقوش طبقه دوم سیلک بود. در طبقه بعد (I-B) قطعات سفال شبیه به سفال طبقه سوم سیلک دیده میشود (لوحة ۱۵۲ - د. ۵).

آقای ژاک دمر گان در محلی موسوم به «تپه میل» یک بنای مستحکم ساسانی مشابهه کرد که در فاصله چند کیلومتری مشرق «چشمه علی» نزدیک شهر «چال ترخان» قرار داشت (ف. ک - ۳۰۵). آقای اشمیت نیز از روی قلعه‌ای از زمان ساسانی خاکبرداری کرد و در آن ستونها و گچ بریهایی پیدا کرد که مجالس شکار خصوصاً شکار بهرام گور را که آهوبی را هدف تیر قرارداده بود نشان میداد.

ژاک دمر گان در رأس هیئت‌فرانسوی در ایران در سال ۹۰^۷ دشت ورامین را تحت مطالعه قرارداد و در آنجا چند بنای عهد ساسانی و مقدار زیادی سفال و قطعات گچ بری شده پیدا کرد (ف. ک - ۳۰۶). در سال ۹۲^۸ تعداد زیادی نقش گچ بری شده بوسیله قاچاقچیان در همین دشت در محلی موسوم به نظام آباد پیدا شد (ف. ک - ۳۰۷).

در دشت شهریار در فاصله ۰ کیلومتری جنوب تهران (ف. ک - ۳۰۸) خرابه هایی بنام «تحت رستم» وجود دارد که عبارت از دو صفحه یا تختگاه میباشد، که یکی از آنها در قله صخره‌ای و دیگری در ثلث ارتفاع همان صخره است. صفحه اول مکانی در هوای آزاد بوده که روی آن آتش قرار میداده اند و روی صفحه دوم مراسم مذهبی بعمل می آورده اند.

در فاصله ۵ متر از «تحتگاه» پایین، یک ساختمان گنبددار کوچک دیده میشود که در آن آتش مقدس را حفظ میکرده اند. آتشی که در موقع انجام مراسم مذهبی روی «تحتگاه» پایین و برای علامت دادن روی «تحتگاه» بالا روشن میشود از این محل گرفته میشود.

در فاصله ۱ کیلومتری شمال غرب تخت رستم «تحت کیکاووس» قرار دارد (ف. ک - ۳۰۹).

در این محل نیز « تختگاه » مشابهی دیده میشود که در بالای تپه سنگی قرار گرفته و در پایین تپه بنای کوچکی به حال ویرانه مشهود است که سابقاً آتش مقدس در آن حفظ میشده است. در کوهستان البرز در بالای شهرستانک (ف. ک - ۳۱۰) در میان راه ورامین بطرف مازندران ، در ارتفاع ۳۰۰۰ متر ، بنای کوچکی بنام « قلعه دختر » از زمان ساسانیان وجود دارد که مربوط به پرستش آتش است. این بنا از دو تالار کوچک تر کیب یافته و پوشش این تالارها از طاق گهواره‌ای شکل است و به دالانی راه میباشد که طاق آن نیز گهواره‌ای شکل است.

در محلی موسوم به «قلعه‌بان»^۱ (ف. ک - ۳۱) نزدیک دهکده «لار» در کنار دماوند آتشدانی در منگ تراشیله شده که از هر حیث شباهت به آتشدان پاسارگاد دارد.

در جریان سال ۱۹۴۸، در بازار عتیقه فروشان در تهران تعدادی اشیاء ظاهرشد که شکل بخصوصی داشت. اداره کل باستانشناسی ایران موفق شد محل دقیق کشف این اشیاء را پیدا کند و تصمیم گرفت در آن محل کاوش‌هایی بعمل آورد. باین طریق در ماه مه سال ۱۹۵۰، آفای محمود راد و علی حاکمی مأمور شدند مدت ۹ روز در خوروین، واقع در ۸ کیلومتری شمال غربی تهران، در شمال جاده کرج به قزوین، کاوش نمایند (ف. ک - ۳۱۲). نویسنده این سطور پس از اینکه مجموعه خصوصی آفای دکتر ملکی را در تهران مطالعه کردد تاریخ ۶ نوامبر تا ۵ دسامبر ۱۹۵۱ کاوش‌هایی در همین محل انجام داد (ف. ک - ۳۱۳).

در اینجا خلاصه نتایجی را که از این کاوش‌ها بدست آمده بیان می‌کنیم: خوروین گورستانی است که قبرهای آن عبارت از گودال بیضی شکلی است که روی زمین کنده شده است. مرده را در این قبرگاهی روی پهلوی راست و گاهی روی پهلوی چپ و گاهی بصورت «چمباتمه» خوابانیده‌اند. در قبرها اشیائی مانند ظروف سفالین و اشیاء دیگر گلی یا برنزی یا سنگی دیده می‌شد. ولی تعداد ظروف سفالین بیش از سایر اشیاء بود. از نظر سبک ساخت این ظروف بسه دسته تقسیم می‌شود:

سفال خاکستری مایل بسیاه، سفال قرمز (به تعداد کمتر) و سفال درشت بدون رنگ. سفال منقوش در این قبرها بدست نیامده. شکل عمده این ظروف عبارتست از ظرف نوک داری شبیه به قوری (لوحة ۱۵۳)، آبجوش کن های نوک دار، جای سوسن یا خورش دان، روغن داغ کن؛ صافی، فنجانهای دسته دار، آبخوری، جام، کوزه های شکم دار، قوری، کوزه، قمه، ظروف سه پایه (لوحة ۱۵۴-ج) بشقاب، خمره، تنگ بشکل کفش (لوحة ۱۵۵-الف.ب)، ظرفهایی به شکل هشت گوش مزین به سر شیر یا قوج (لوحة ۱۵۵-د.ه)، ظرفی شبیه به لوله مدور (لوحة ۱۵۵-الف) و ظرفی بشکل حیوانات یا پرندگان (لوحة ۱۵۵-د.و) و (لوحة ۱۵۵-ب.ج). تعداد اشیاء برنزی در این قبرها زیاد است ولی مس کمتر بسکار رفته و اشیاء آهنی، بسیار نادر است. با فلزات بیشتر خنجر (لوحة ۱۵۷-الف)، و سرنیزه و پیکان و تبر و گرز و ظروف

مختلف (لوحة ۱۵۷-ج) و چراغ‌های سه پایه و چنگک و ملاقه و انبر و اره ساخته‌اند. بعضی از مجسمه‌های کوچک از گل پخته‌اند (لوحة ۱۵۱-الف) و بعضی دیگر از برنز است (لوحة ۱۵۶-ب.ج). مجسمه‌های اخیر تصویر جنگجویان را نشان میدهد. مرد گان در این قبرها همراه با گردنبندها و تاج‌ها و گوشواره‌ها و انگشت‌های ریزها و دستبندها و سنجاق‌های سروسنjac قفلی‌ها و سوزن‌ها و آویزها با دکمه‌های گروی‌شکل و تزیینات با زنگوله‌ها و بالشکال حیوانات و آینه‌ها (لوحة ۱۵۷-ب.د) بودند. بعضی از گردنبندها از دانه‌های سفالین یا برنزی یا از قیر و سنگ و لاجورد یا از طلا ساخته شده بود. «سهر استوانه‌ای شکل» در این محل بسیار کمیاب بود.

اشیاء مکشوف در گورستان خوروین با اشیاء مکشوف در گورستان (B) تپه سیلک و خصوصاً اشیاء مکشوف در تپه (A) در همان محل و اشیاء مکشوف در طبقات (I-b-c) در تپه گیان و اشیاء حسنلو شباهت زیاد دارد.

این گورستان احتمالاً از اواخر قرن یازده پیش از میلاد بوده است و باین جهت میتوان آنرا در زمرة یکی از قدیم‌ترین گورستان‌های هم‌زمان با ورود ایرانیها به فلات ایران بشمار آورد.

در پشنده و در چندر یا چکندر نیز سفالی شبیه به سفال خوروین پیدا شده (لوحة ۱۵۸-الف). محل آخر در کنار راه خوروین قرار دارد. گورستان این محل‌ها مانند خوروین در دامنه کوه قرازنگرفته بلکه در جانگه واقع شده است. سفال این گورستان‌ها ظریف‌تر از سفال خوروین است ویژه‌تر آن برنگ خاکستری یا سیاه است و روی آن کنده کاری یا تزییناتی بصورت برجسته باز اضافه شده است. بعضی از این ظروف شبیه به ظروف خوروین است، مانند آب جوش‌کن‌ها و ظروف سه پایه، ولی بعضی دیگر شکل مخصوصی دارد و نظریشان در خوروین پیدا نمی‌شود (لوحة ۱۵۸-ب.ز). اشیاء برنزی مکشوف در این محل به اشیاء لرستان شباهت زیاد دارد جزاینکه جنس آنها پست‌تر است (لوحة ۱۵۸-ج).

در دروس، نزدیک شمیران، نیز ظروف سفالین شبیه به ظروف طبقات (B-A) تپه سیلک کشف گردیده است (ف.ك. ۳۱۴) و (لوحة ۹۱-الف).

در سال ۹۳۹ در اطراف قزوین دو ظرف ساسانی بدست آمد (ف.ك. ۳۱۵). یکی از آنها از نقره بود و روی آن نقش پادشاهی کنده شده بود. شاه روی تخت نشسته، دوشیر زیر تخت خوابیده‌اند و در بالای تخت چتری قرارداده شده. شاه شمشیرش را میان دو زانویش در دست گرفته، دو طرفین او دو نفر ایستاده‌اند (لوحة ۹۰-ب). تاجی که بر سر دارد شبیه به تاج خسرو دوم است، بنابراین این ظرف یا از زمان خسرو پرویزویا کمی بعد ازاو از اوایل دوران اسلامی است. ظرف دیگر جام‌هایه دار سیمینی است که بیضی شکل

است و روی آن ورقه‌ای از طلا کشیده شده.

ب - آثار قدیمی و کاوش‌های ناحیه ساوه و قم

در ناحیه مسراه^۱ (ف. لک - ۳۱۶) نزدیک شهر جدید ساوه تجار عتیقه کاوش‌هایی بعمل آورده‌اند و در آنجا سفالی شبیه به سفال طبقه دوم سیلک بدست آورده‌اند (لوحه ۹۰۵-ج). بعضی از ظروف مکشوف در این محل وارد موزه‌های مالمو^۲ و موزه لوور^۳ شده است.

در سال ۹۳۷، در قلعه دشت یا (کله دشت) در ناحیه ساوه کاوش‌هایی بوسیله تاجران عتیقه بعمل آمد و در آن ناحیه ظروف سفالین متعدد مانند: جام، ماست‌خوری، خمره‌های کوچک، با سفال ضخیم، با زمینه قرمز یا خاکستری سیر و نقش سیاه پیدا شد. تزیینات این ظروف شامل نقش هندسی است و خالی از ظرافت می‌باشد. چند عدد از این ظروف با ظروف «هیتی» مکشوف در الیشار شباخت زیاد دارد (لوحه ۹۰۵-د. ه. و) و از اینجا معلوم می‌شود بین مردم این ناحیه و مردم آسیای صغیر، از زمانهای بسیار قدیم روابطی وجود داشته. از این محل سفال بدون نقش برنگ قرمز یا خاکستری نیز بدست آمده است، مانند آبغوری پایه‌دار، بشقاب با دسته‌ای بشکل سر قوچ نظیر ظروف طبقه اول گیان و گورستان A سیلک.

در دشت ساوه تپه‌های پیش از تاریخی فراوان است و این مطلب از تفحصات هوایی آفای اشمتیت نمایان گردیده است (ف. لک - ۳۱۷).

در حدود ۱۵۰ متر در غرب شهر قم روی تپه‌ای که بین راه سلطان آباد (اراک) و رودخانه واقع است خرابه‌های قلعه دختر مشهود است (ف. لک - ۳۱۸). این ویرانه شامل یک تالار مریع گنبدداری است که از چهار طرف باز است. این نوع ساختمان چهار طاقی نام دارد. یک راهروی زانوداری این چهار طاقی را به اطاق دربسته‌ای که همان آتشگاه است متصل مینماید.

زیر گنبد چهار طاق مهرابی است که روی آن آتشی را که از اطاق سربسته آورده می‌شده می‌افروختند. روی همین تپه «قلعه دختر» آقای «سیرو»^۴ تعداد زیادی سفال طریف قرمز رنگ با نقش سیاه پیدا کرد و این نقش بیشتر بزهای کوهی و پرنده‌گان آبی را نشان میداد و شباخت زیاد به نقش سفال طبقه دوم سیلک داشت (ف. لک - ۴۱۹).

در جنوب شرقی قم در دره محلات در جاده اراک به کاشان، در دهکده خورهه^۵ (ف. لک - ۳۲۰)، دو ستون شیار دار با سر ستون ایونی دیده می‌شود (لوحه ۱۶۰-ج). این ستون‌ها مانند ستونهای کنگاور از زمان سلوکیها است. در پاییز سال ۹۰۶، اداره کل باستان‌شناسی ایران در این محل کاوش‌هایی بعمل آورد.

ج- ابینه قدیمی و کاوشهای ناحیه کاشان و اصفهان

در نیاسر یک چهارطاقی روی جاده‌ای که از دلیجان به کاشان می‌رود دیده می‌شود (ف. ک. ۳۲۱) و (لوحة ۱۶۰-الف.ب). ویرانه‌های یک بنای دیگر شبیه به بنای نیاسر در آتش کوه نزدیک نیم و آرا مشهود است (ف. ک. ۳۲۲).

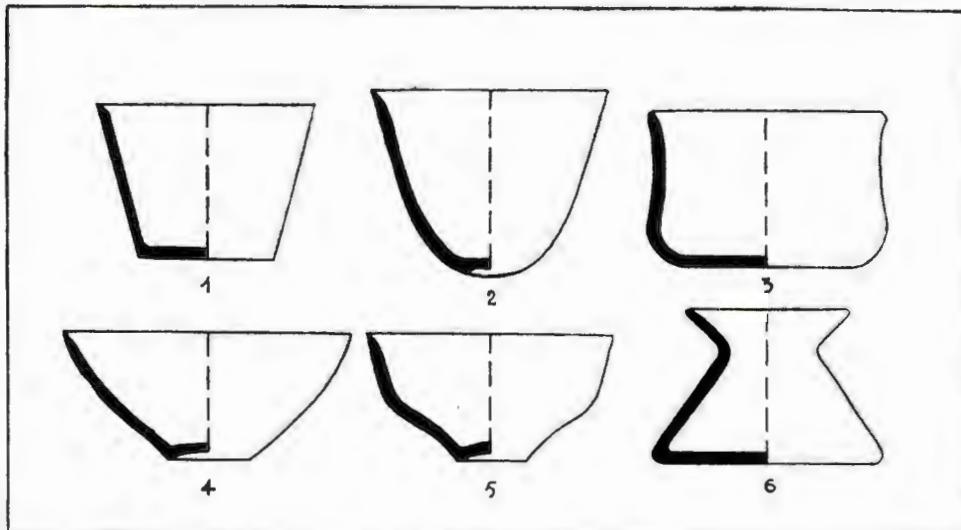
مقابل طرف شمال این بنا ایوانی با دو اطاق دیده می‌شود. در یکی از این دو اطاق آتش را حفظ می‌کرده‌اند و در دیگری مؤبد مراسم مذهبی را انجام میداده است. بعلاوه در این منطقه آثار چهارطاق ساسانی خصوصاً در شهر کوچک نطنز نیز دیده می‌شود (ف. ک. ۳۲۳).

کاوشهای تپه سیلک بسیار قابل توجه است واز نظر اهمیت فوق العاده‌ای که دارد آنرا در اینجا بیان می‌کنیم (ف. ک. ۳۲۴). آقای گیرشمن بین سالهای ۱۹۳۳ و ۱۹۳۷ به نمایندگی از طرف موزه لور، در روی دو تپه که دهکده‌ای را تشکیل داده و در دامنه شرقی کوه گرگیش^۱، بفاصله ۵ کیلومتر از شهر جدید کاشان قرارداد کاوشهایی بعمل آورد. در روی تپه شمالی، که زودتر از تپه دیگر بورد سکونت انسان قرار گرفته دو طبقه متمايز تشخیص داده شد. طبقه قدیمی تر که مستقیماً روی زمین بکر قرار گرفته طبقه اول نامیده شده، به طبقه فرعی تقسیم شده است. در قشر شماره ۱ اثری از ساختمان خانه یا محل سکونت نیست. احتمال دارد که خانه‌های مردم از گل بوده و آثار آن از بین رفته باشد. ولی از قشر شماره ۲ مردم شروع بساختن خانه‌های گلی بدون پریزی، از سنگ یا آجر، کردند. در این قشر سردگان را از پهلو، یا بصورت «چمباتمه» زیر خانه‌های مسکونی دفن می‌کرده‌اند. سفال طبقه اول منحصرآ بادست و بدون استفاده از چرخ کوزه‌گری ساخته شده که در کوره بصورت نا منظم پخته می‌شد و از نظر فن کوزه‌گری به چهار دسته تقسیم می‌شود.

الف - سفال کمرنگ با نقش سیاه رنگ

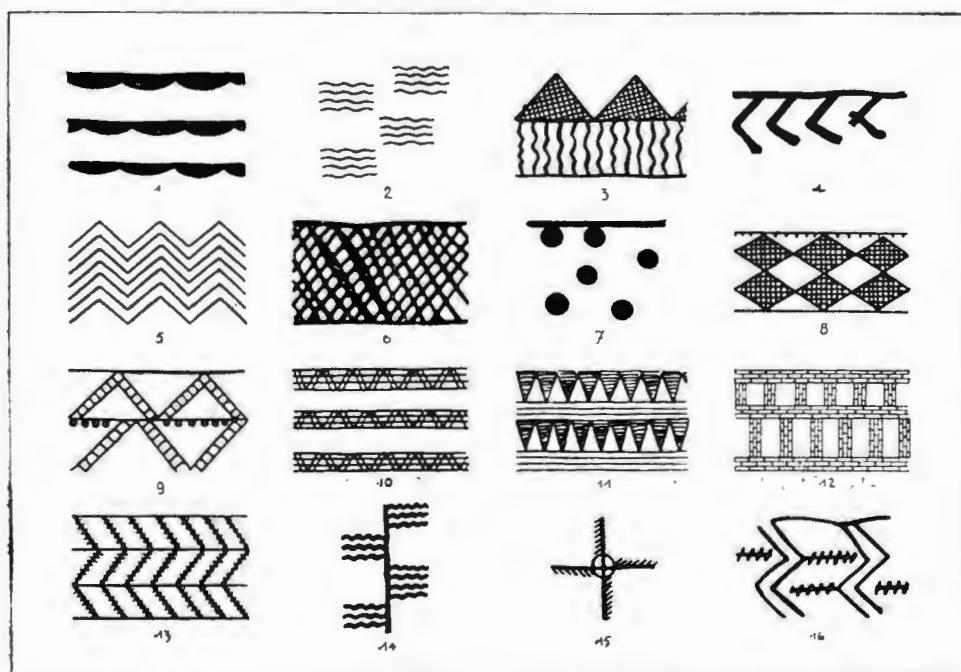
ب - سفال قرمز تیره یا قرمز آجری، مزین به نقش سیاه رنگ، این سفال از قشر شماره ۲ در طبقه اول ظاهر می‌گردد. شکل ظروف بسیار ساده است و عبارتست از جام، روغن داغ کن با پایه محدب. نقش این سفال کاملاً هندسی است و شباهت زیاد به ظروف سبدی دارد. در ابتدا (در قشر شماره ۱ و ۲) فقط داخل ظروف را نقش می‌کردند و این نقش عبارت بود از خطوط موازی افقی و هاشورها و مثلث‌های هاشور زده شده و خطوط شکسته (لوحة ۱۶۱-الف و شکل ۳۶۳ و ۳۶۴)، خطوط افقی موج دار، لک‌های سیاه دیره‌ای شکل و خطوط دندانه‌دار موازی. در قشر سوم هردو طرف ظرف مزین به نقش هندسی است و این نقش‌ها در این قشر منظم‌تر می‌شود. در داخل ظرف مثلث‌های سیاه که روی هم قرارداده شده و خطوط موازی که بوسیله

خطوط متقطع به هم داخل شده، یا در میان آنها لکه‌های سیاه دایره‌ای شکل یا خطوط دندانه دارقرار گرفته، دیده می‌شود. بعضی از ظروف از طرف بیرون و در قسمت بالا با خطوط موازی و مشابه‌های بزرگ سیاه رنگ تزیین شده است.



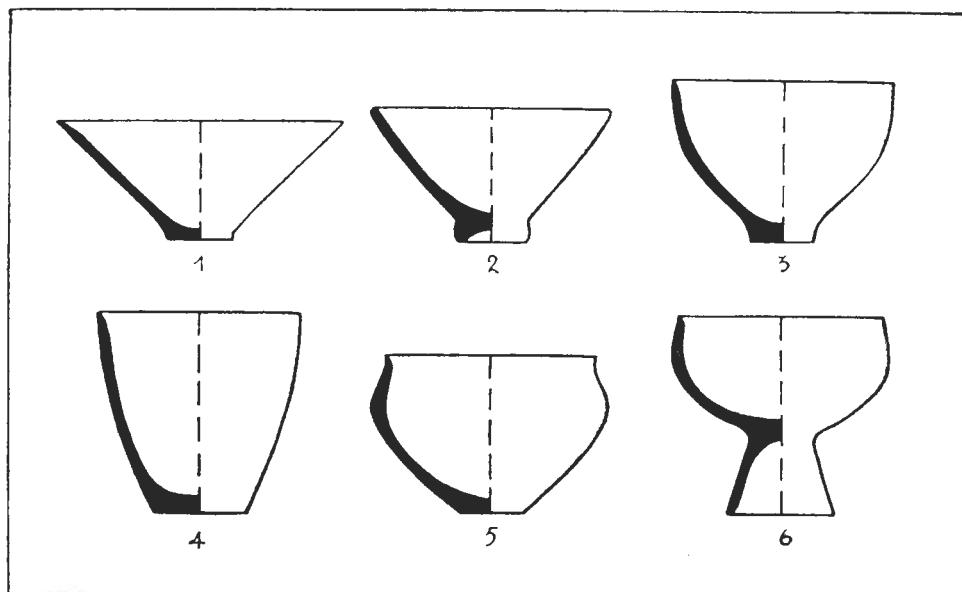
شکل ۳۵

- ج - گروه سوم شامل سفال سیاه رنگی است که بطور ناقص پخته شده است.
د - گروه چهارم سفال بدون رنگ است که بیشتر از دیزی‌های کوچک و بزرگ تشکیل یافته. علاوه



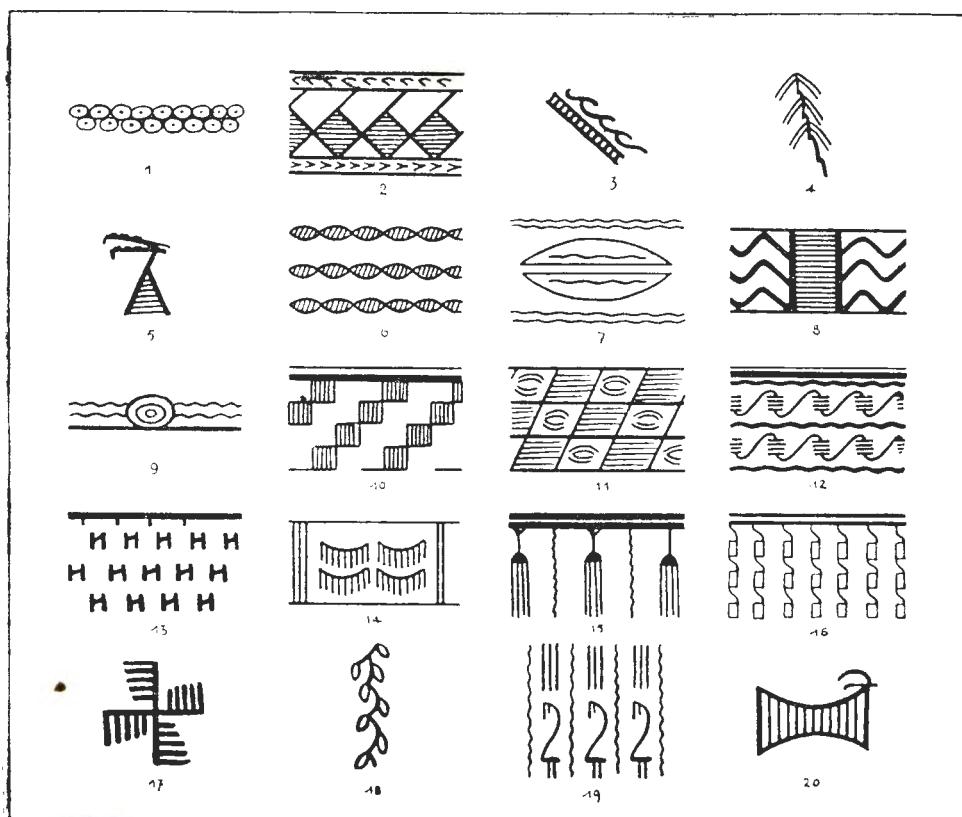
شکل ۳۶

بر سفال، در این طبقات اشیاء سنگی مانند گز و تبر و چاقو و اره و کاردک و اشیاء مسی و دسته های استخوانی برای



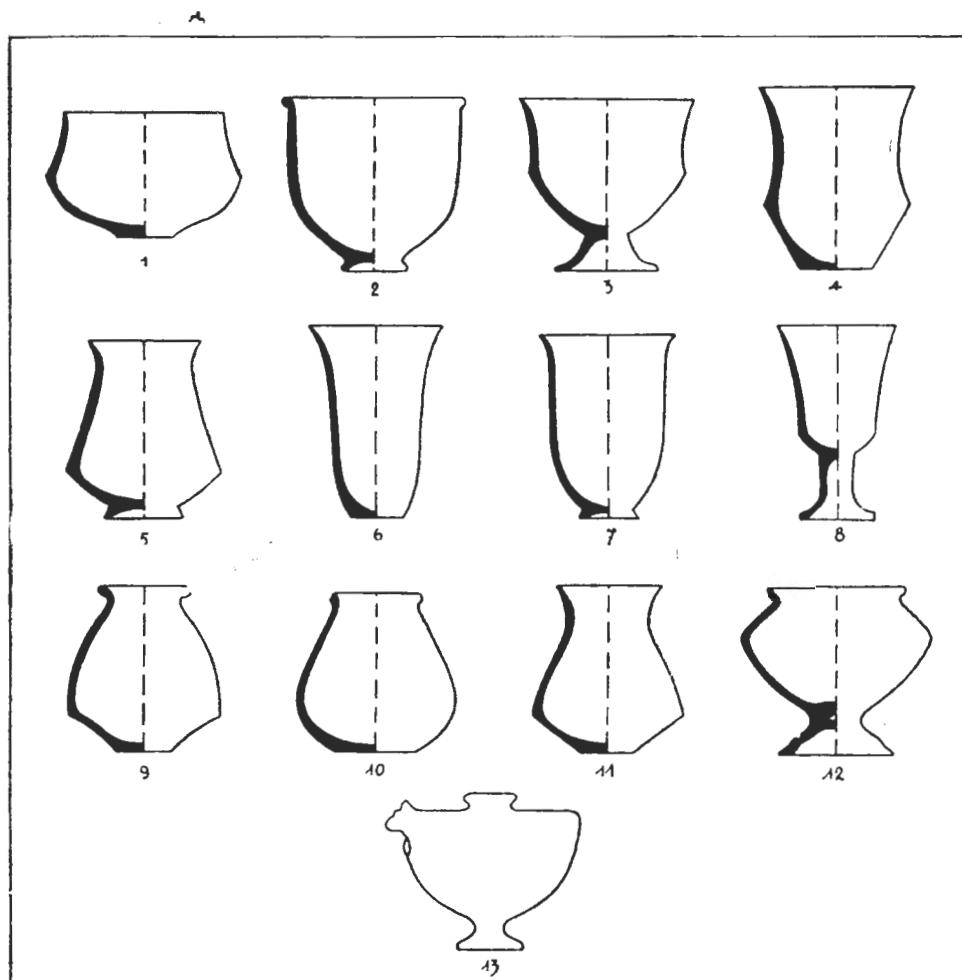
شکل ۳۷

تیغه چاقو نیز دیده نمی شود. این دسته های چاقو، در قسمت فوقانی، با نقش سرحيوانات یا انسانی که شب دلاه



شکل ۳۸

بر سر و لسنجی بر کمر دارد، تزیین شده است. طبقه اول از اواخر عهد نئولیتیک^۱ یادوران جدید سنگ است. در طبقه دوم خانه‌ها با خشت خام ساخته شده است و مردگان هنوز زیر خانه‌ها دفن شده‌اند. سفال منقوش طبقه دوم سیلک (شکل ۳۸۶) از سفال قرمز با نقش سیاه طبقه اول ظریفتر و زیباتر است. ظروف کوچک مانند ماست‌خوری و آب‌خوری و چام‌پایه‌دار و بدون پایه هنوز با دست ساخته می‌شده. در طبقه اول علاوه بر نقوش هندسی نقوش دیگری مانند دندانه‌ها و مارپیچ‌ها یا خطوط تابیده و اشکال شبیه به (S) و دایره‌های

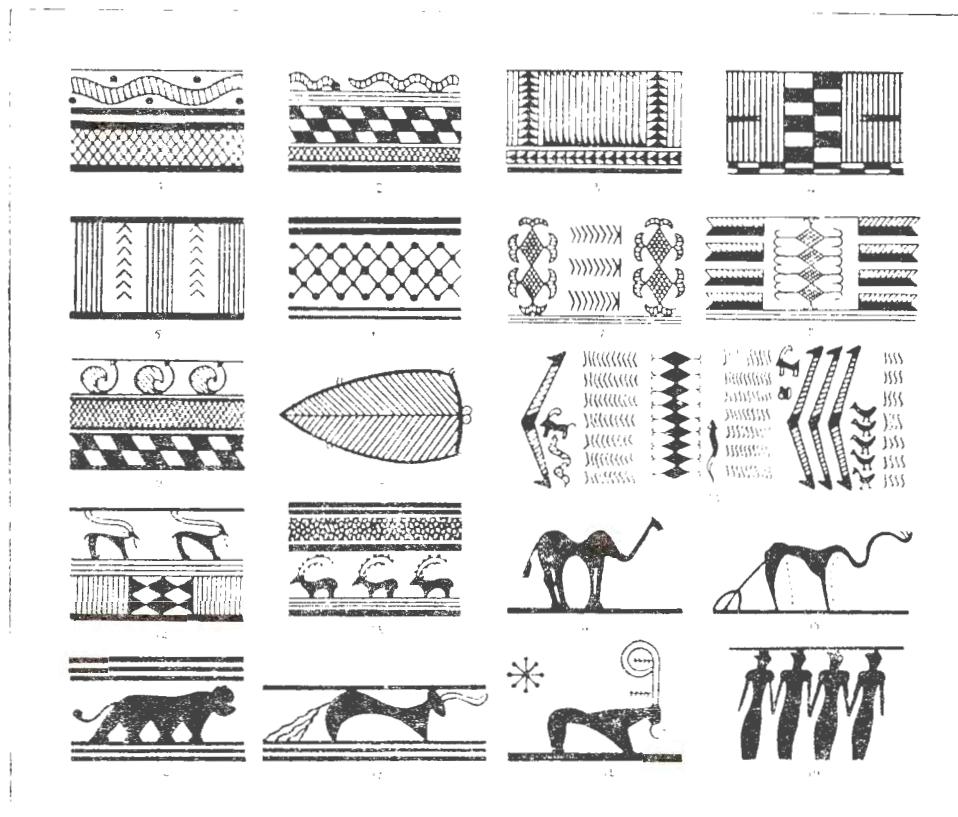


شکل ۳۹

پدون «هاشور» یا «هاشور» زده نیز دیده می‌شود (لوحة ۱۶۱ - ب، ج، د)، ولی آنچه که در نقوش این طبقه بسیار تازگی دارد نقوش نباتات و حیوانات (لوحة ۲۶۱ - ه)، مانند مرغان آبی و گوزن‌ها و خوک وحشی است. مسن چکش زده تدریجاً وارد ابزار و آلات این طبقه می‌گردد، ولی ابزار سنگی هنوز به مقدار زیاد دیده می‌شود.

از این زمان به بعد تپه شمالی متروک میگردد و مردم تازه واردی تپه جنوبی را مورد سکونت خود قرار میدهند. این تپه در حدود ۸۰۰ متر از تپه اولی فاصله دارد و در آنجا طبقات سوم و چهارم سیلک کشف گردیده است.

طبقه سوم سیلک دنباله طبقه اول و دوم است و به هفت قشر تقسیم میشود. در طبقات پیش شکل خشت های بیضی منظم نبود و در آفتاب خشک شده بود ولی در این طبقه شکل آنها منظم میشود و وضع مستطیل

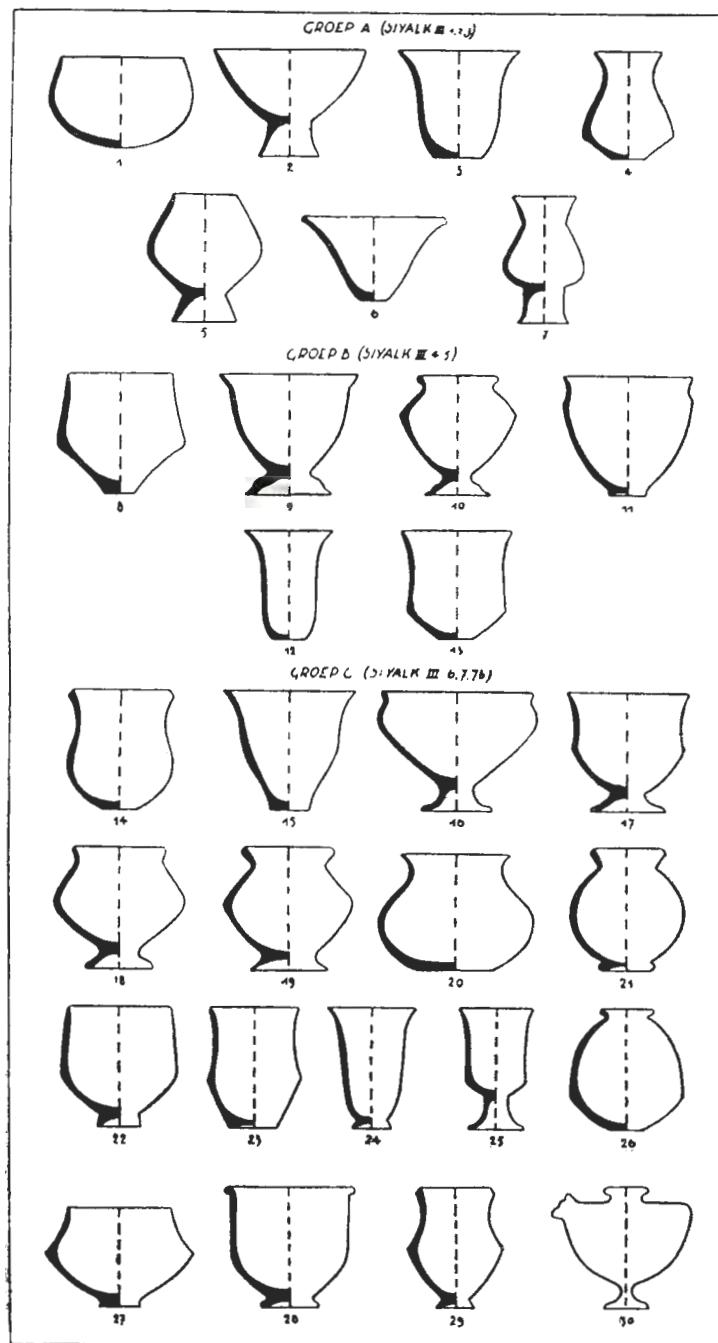


شکل ۴

بخود میگیرد و با قالب ساخته میشود. مردگان هنوز با وضع «چمباتمه» در زیر خانه ها به خاک سپرده میشوند و اشیاء زیادتری در قبرهایشان دیده میشود. هنر ساختن سفال رنگین کامل تر میشود. سفال طبقه سیلک (لوحده ۶۴ تا ۱۶۴ و شکل ۹۳۹ تا ۲۴) برنگ کوههای روشن است و خیلی صاف و صیقلی شده است و نقش سیاه آن روی زمینه صورتی زده شده و در اخر طبقه سوم مانند شیشه یا لعاب شفاف شده و برآمدگی پیدا کرده است. در قشر اول و دوم این طبقه هنوز خروج سفالین با دست و بدون کمک چرخ کوزه گری ساخته میشود.

از قشر چهارم به بعد چرخ کوزه گری مورد استفاده قرار میگیرد و اثر چرخ بخوبی روی ظرف نمایان است. علاوه بر اشیاء قدیمی شکل های جدید دیگری مانند آبغوری و ماست خوری و جام پایه دار کوچک و کوزه های شکم دار یا استوانه ای و ظروف شبیه به شکل حیوان پیدا میشود (قشر ۷ ب). در این قشرها فقط قسمت

بالای ظرف از طرف خارج مزین به نقوش میگردد. روی بعضی ظرف‌ها چندین شکل با هم جمع شده است مانند ردیف پرنده‌گان و درختی شبیه به مارپیچ که شاخه‌هایش بالای هم قرار گرفته و مارهایی که روی بدن



شکل ۴۱

خود ایستاده‌اند و مثلث‌های گوشیدار. در میان این نقش‌ها شکل حیوان زیاد دیده میشود مانند افعی و پرنده‌گان و سگ و شیر و حیوانات شاخ‌دار و ببر و شتر. انسان هم در میان این نقوش دیده میشود. در ابتدا

به نقش هندسی تمایل بیشتر نشان داده شده بود ولی اکنون نقش حیوان و انسان بیشتر مورد توجه است. سابقاً سعی میشد موضوع های نقاشی شده کمی شبیه به خود آنها در طبیعت باشد ولی اکنون علاقه زیاد به مصنوعی کردن و از شکل طبیعی خارج کردن آنان نشان داده میشود. مثلاً شاخ حیوانرا بلند میکنند و تناسب آنرا با بدن حیوان رعایت نمیکنند. حیوان را فقط با چند خط نشان میدهند و شاخ آنرا خارج از اندازه بزرگ میکنند و از شکل شاخ برای تزیین ظروف حداکثر استفاده را مینمایند. بعلاوه سعی میکنند موضوع های نقاشی شده را در چهارچوبی قرار دهند.

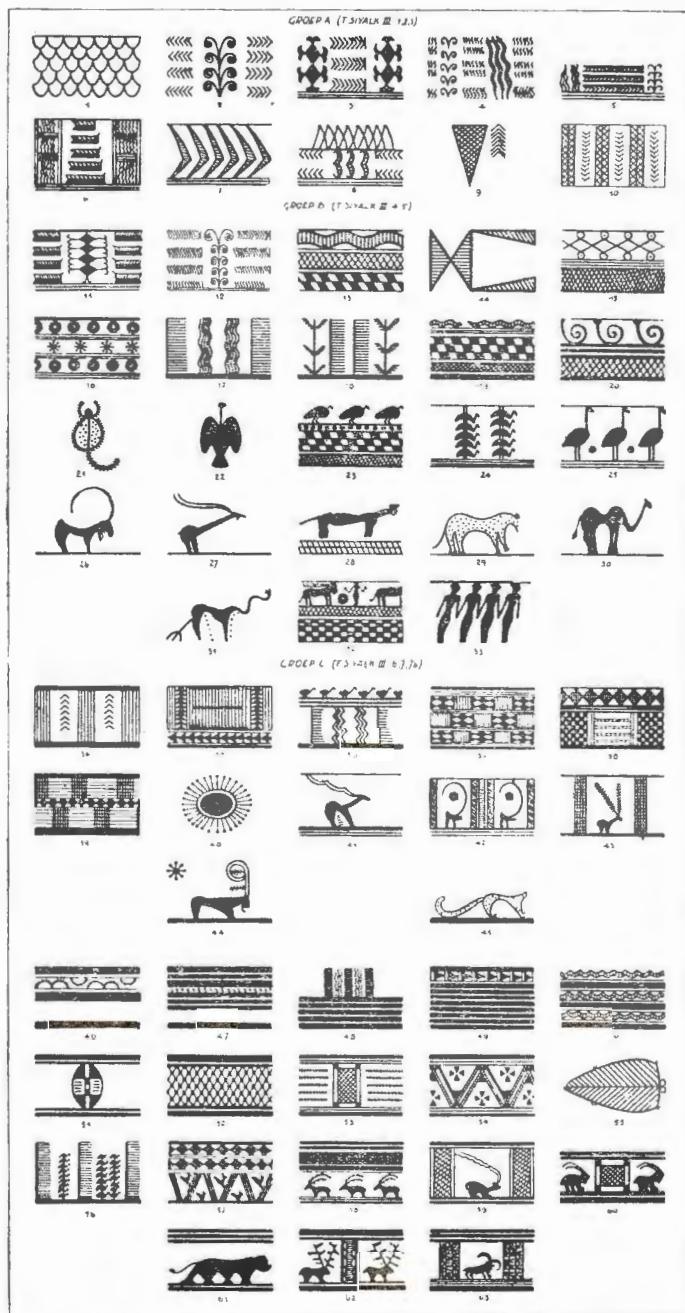
در این دوره صنعت فلز کاری پیشرفت میکند و برای نخستین بار مسن را ذوب میکنند و در قالب میریزند و از آن خنجر و چاقو و سنjac میسازند. بعلاوه مجسمه های کوچک سفالین و مهره هایی که روی آن عالم هندسی کنده شده ساخته میشود.

میان طبقه چهارم و طبقه سوم قشر ضخیم خاکستری رنگی مشاهده میگردد و تمدنی که در قصرچهارم کشف گردیده با تمدن طبقات پیشین بسیار متفاوت است. هنوز هم مرد گان را زیر خانه ها دفن میکنند ولی تعداد اشیائی که در قبرها نشان قرار میدهند زیادتر از سابق است و شامل جواهراتی از نقره و طلا و مسن و سنگ لا جورد و ظرف هایی از جنس مرمر و سفال های متتنوع میباشد. در هنر سفال سازی تغییر فاحش رخ داده است. از این پس فقط سفال یکزنگ با زمینه خاکستری و لعب قرمز ساخته میشود، مانند: ظروف نوک دار باز یا لوله ای شکل و کوزه های کروی شکل با نقش سیاه مرکب از دو یا سه یا چهار خط موازی روی گردن ظرف، سفال هفت زنگ با زمینه خاکستری روشن یا زمینه قرمز، کوزه های شکم دار با نقش سیاه مرکب از خطوط متقاطع و چهارخانه روی دونوار پهن روشن. میان اشیاء مسی میتوان آینه های مدور و خنجرها و تبرها و سنjac قفلی هارا بشمار آورد.

جواهرات از قبیل طلا و نقره و سنگ لا جورد و عقیق و سنگ بسیار متتنوع تر و زیادتر از سابق است. صنعت معرق کاری نیز در این زمان معمول میگردد. از این تاریخ مُهرهای استوانه ای جای مُهرهای قدیم را میگیرد. در میان موضوع هایی که روی این مُهرها کنده شده ردیف حیوانات رامیتوان دید که با هم در نزاع اند و یا اشخاصی که بصورت چمباتمه در برابر ظروف دسته داری نشسته اند. در این طبقه لوحه های «نیمه پیکتو گرافی»^۱ که در شوش خط «پروتوایلامی»^۲ نامیده میشود پیدا کرده اند. وجود این سفال و این مُهرها و این الواح «پروتوایلامی» نشان میدهد که طبقه چهارم سیلک بدون شک تحت تأثیر ایران جنوب غربی قرار گرفته است (مقصود ناحیه شوش است).

پس از طبقه چهارم سیلک، چنین بنظر میرسد که این محل در تمام مدت هزاره سوم و قسمت مهمی از هزاره دوم پیش از میلاد متوقف مانده. در آخرین دوره فترت مردم جدیدی روی این تپه اقامت اختیار کردند.

از ساختمانهایی که این مردم تازه وارد در این محل برپا کرده‌اند اثری نیست ولی بهره‌حال دیگر مردگان را زیر خانه‌ها دفن نکرده‌اند بلکه برای آنها گورستانی در فاصله ۰،۵ متر از تپه اختصاص داده‌اند. در این



شکل ۴۲

گورستان که طبقه پنجم سیلک یا گورستان (الف) نامیده می‌شود، مردگان را در گودال‌هایی که روی زمین کنده‌اند دفن کرده‌اند و آنها را به پهلو خوابانیده و کمی زانوها یشان را خم کرده‌اند و در اطراف سر آنها اشیاء متعدد

قرارداده‌اند ولی در اطراف پاک‌تر شیئی قرار گرفته است. سفال این دوره بیشتر با چرخ کوزه‌گری ساخته شده و معمولاً خاکستری یا مایل به سیاه و گاهی قرمز است (لوحة ۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷). در این سفال غالباً نقشی بصورت معرق سفیدرنگ، یا نقش هندسی ساده که با کاردن وجود آمده، یا نقش برجسته، دیده می‌شود. سفال هفت رنگ کمتر پدیدار است (لوحة ۱۶۵ - ب شماره ۳). در میان این اشیاء روغن‌داعن کن‌های بزرگ و جامه‌ای دسته دار با تزییناتی بشکل سر حیوان، بصورت برجسته، وجامه‌ای پایه دار و ظروف سه‌پایه، آبجوشکن‌ها، آبخوری‌ها و کوزه‌ها نیز وجود دارد. اشیاء فلزی هم در این طبقه بددست آمده، از قبیل برنز و گاهی آهن، و خصوصاً سلاح‌هایی مانند نیزه‌های دسته دار و پیکان و زوبین و دشن و داس و گاهی جواهرات مانند سن‌جاق‌قلی و گوشواره و دستبند و انگشتی و سینه‌ریز و چند گوشواره طلا و دو عدد مُهر استوانه‌ای. این گورستان شباهت زیاد به طبقه (IB) گیان دارد و از اواخر دوران برنز است.

در فاصله ۲۵ متر از تپه جنوبی گورستانی است که آنرا جزو طبقه ششم سیلک، یا گورستان (B) بشمار آورده‌اند. در این گورستان طریقه بخاک سپردن مردگان با سایر نقاط متفاوت است. مثلاً در گورستان (A) در اطراف قبرها سنگ قرار نمیدادند ولی در گورستان (B) پس از اینکه مردگان را بخاک سپردند در اطراف قبر و روی آن تخته سنگ‌های بزرگ قرار میدادند یا خرپشته می‌ساختند و مرده را بصورت «چمباتمه» و از پهلو بطرف چمنی و شمالی یا شرقی و غربی می‌خواهانیده‌اند.

در گورستان (B) پهلوی مردگان اشیاء متعدد قرار میداده‌اند مانند جواهرات و سلاح‌ها و ابزار و آلات. سفال این قبرها (لوحة ۱۶۸ تا ۱۷۳) گاهی بدون نقش، ہرنگ خاکستری زیبا، مایل به سیاه و یا قمز صاف و گاهی بدون رنگ، و گاهی هم مزین به نقش بوده و در این صورت نقش روی زمینه شیر و قهوه‌ای رنگ با نقش قرمز مانند رنگ شراب است (موضوع های مربوط به آفتاب یا اسب‌ها یا جنگجویان). شکل این ظروف بسیار متنوع است ولی تمام آنها نوک‌دار است. در میان جواهرات نقره یا برنز باشدنجاقها با سرحيوان و دستبندها و گوشواره‌ها و انگشتی‌ها و تزیینات مربوط به کمربند و خلخال را نام برد. سلاح‌ها عبارت بوده‌است از خنجر و شمشیر و سرنیزه و پیکان و سپر که معمولاً از برنز بوده ولی تعداد سلاح‌های آهنی هم کم نبوده است و بیشتر در گورستان (A) بددست آمده است. در قبر مردگانی که در زندگی اسب سوار بودند اشیاء مربوط بزین و برگ اسب دیده می‌شود. بعلاوه دیگهای بزرگ دسته دار و چنگکهایی نیز پیدا شده‌است. گورستان (B) سیلک شهر مردگان تازه وارد، یا مهاجران است، که بالای تپه جنوبی مسکن اختیار کرده و در آنجا استحکاماتی بنای نموده بودند. تمدن گورستان (B) در تپه سیلک عیناً همان تمدن (IC) تپه گیان و خوروین و حسنلو و «گوی تپه» و لرستان و شوش و نواحی اطراف تخت جمشید است و این مطلب را کاوش‌های

جدید روشن ترکرده است. تپه سیلک مانند تپه گیان تنها نقطه‌ایست که در آن اشیائی مربوط به تمدن پیش از تاریخ ایران بدلست آمده و از نظر فنی کاملاً روی هم قرارداشته است.

در ناحیه اصفهان آثار زیادی از دوران پیش از اسلام پیدا نشده و فقط سرستونهای عهد ساسانی بدلست آمده است (ف. ل. ۳۲۵). یک چهار طاق در فاصله ۵ کیلومتر از شهر اصفهان پیدا شده که قسمت مهم آن متعلق به دوران اسلامی بوده است (ف. ل. ۳۲۶). در یزد خواست در فاصله ۴ کیلومتری جنوب اصفهان نیز یک چهار طاق دیده شده که جزو مسجدی است و امروز ویران است.

نتیجه

امروز که یک قرن از تفحصات باستان‌شناسی میگذرد میتوان از نتایج آكتشافات رضاحت خاطرداشت. امیدواریم که توانسته باشیم نشان دهیم این نتایج تا چه حد مدیون کوشش اداره باستان‌شناسی ایران، یا هیئت‌های فرانسوی یا امریکائی یا جویند گان دیگری است که روی خاک این کشور بکار تحقیقی پرداخته‌اند. با وجود کار فوق العاده‌ای که تا کنون انجام گرفته نمیتوان منکر شد که هنوز خاک ایران گنجینه‌های باستانی زیادی را در بر دارد، که باید آنها را بیرون کشید.

اگر دوران‌های مختلف تمدن ایران را از نظر بگذرانیم از اهمیت تمدن پیش از تاریخ این سرزمین در حیرت فرو بیرویم. ایران از این جهت کاملاً با بین‌النهرین که از هزاره سوم پیش از میلاد تمدن‌های درخشانی در آن گسترش یافته و آثار ادبی و هنری زیاد از آن تمدن بیادگار مانده فرق دارد. ایران فقط در آغاز دوران هخامنشی از عهد پیش از تاریخ وارد عهد تاریخی شد. با این حال جنوب شرقی ایران از این نظر مستثنیست. در این ناحیه تمدن ایلامی از مدت‌ها پیش گسترش یافته بوده است.

متأسفانه اطلاعات ما راجع به آثار قدیم خیلی زیاد نیست. فقط در نقاط تاریخی چغا زنبیل و شوش که محل تلاقی تمدن‌های ایران و بین‌النهرین بود کاوش‌های دقیقی بعمل آمده ولی گذشته از این دو محل تاریخی، بسیاری نقاط دیگر هست که متون کهنه با آن اشاره نموده و منتظر گلنگ کاوش کنندگان میباشد. ما مملک کوه نشین زاگرس، یعنی «گوتیها» و «لولویها» را میشناسیم، زیرا مدارک نوشته شده بین‌النهرین از آنها صحبت کرده ولی از نظر باستان‌شناسی تا این تاریخ هیچ تحقیقی درباره آنها بعمل نیامده است. ما هنوز نمیتوانیم تاریخ قطعی برنزهای لرستان را تعیین کنیم و نمیدانیم کدام ملت سازنده آن بوده است. بهمن طریق تقریباً هیچ مدرکی از «مادها» بدلست نیاورده‌ایم.

فقط با تردید دخمه‌های «دکان داود» و فخر آکه^۱ صحنه^۲ و زیویه را بدوران آنها نسبت

میدهیم و تنها دلیل ما برای این نسبت این است که این آثار در روی سرزمینی پیدا شده که آنها در آن ساکن بوده‌اند.

اطلاعات ماراجع به زمانهای پرافتخار هخامنشی از روی کاخهای شاهی در پازارگاد و تخت جمشید و شوش همانقدر است که مثلاً بخواهیم قرن ۸، فرانسه را فقط از روی آثار باقی مانده در «ورسای» قضاوت کنیم. در حقیقت ما از زندگی مردم عادی در دوران هخامنشی بکلی بی اطلاعیم.

اطلاعات ماراجع به زبان «سلوکیها و اشکانیها» فقط از روی آثاری کسب می‌شود که در کوه خواجه، کنگاور و «خوره» پیدا شده و یا از بعضی اکتشافات اتفاقی در نهادن، تل خحاک، شمی، شوش و قزوین، بدست آمده است. تنها کاوش‌های اخیر آقای گیرشمن در شوش اطلاعات دقیقی از دوران سلوکی و اشکانی در اختیار ما گذاشته است.

راجح به دویین دودمان ملی ایران یعنی ساسانیها همین نکات را می‌توان گوشتند نمود. مثلاً آثار ویرانه کاخ‌ها و آتشگاه‌ها و نقوش برجسته در دامنه کوه‌ها فقط قسمتی از هنر شاهی را بما نشان میدهد و نقاط تاریخی بیشاپور و ری و قصر ابونصر نیز تنها آثاری را در اختیار ماقرار داده است که مربوط به هنر رسمی پادشاهی بوده است.

بنابراین هنوز موقع آن نرسیده است که نتایج قطعی از این اکتشافات بگیریم، قسمتهای مهمی از شمال و شرق و جنوب شرق ایران هنوز مورد مطالعه قرار نگرفته است. در نواحی دیگری مانند فارس و خوزستان و لرستان و کردستان، کاوش‌های مختصراً انجام داده شده ولی هنوز آثار زیادی وجود دارد که باید مطالعه شود. اهمیت این ناحیه و سهم تاریخی آن بستگی به وضع جغرافیایی و خصوصاً روابط و رفت و آمد مردم آن ناحیه با نواحی دیگر داشته است.

مثلاً از ایلام پیش از تاریخ این مطلب روشن شده است که هر ناحیه خصوصیاتی منحصر به خود داشته است که در نقوش سفال همان ناحیه منعکس است. این خصوصیات در دوران تاریخی درساختمان‌بناها و در روش سنگ‌تراشی‌ها نیز مشهود است.

باید متوجه بود که بیشتر تپه‌ها و آثار تاریخی، مانند ویرانه‌ها و نقوش برجسته و سنگ نبشته‌ها، در کنار جاده‌های قدیمی زیر، که آسیای غربی را به آسیای مرکزی وصل می‌نموده قرار داشته است:

الف - راهی که از ارمنستان و یا از بغداد شروع می‌شود و پس از عبور از کرمانشاه و همدان و تهران و دامغان به نیشابور منتهی می‌گردد.

ب - راه جنوب که از شوش شروع می‌شود و از خوزستان و دره‌های فارس (شیراز) و کرمان عبور می‌کند. راههای فرعی که شمال را به جنوب وصل می‌کند عبارتست از:

۱- راه تهران - قم - کاشان - اصفهان - شیراز.

۲- راه تهران - اصفهان - مال‌امیر - شوش.

۳- راه همدان - نهاوند - بروجرد - شوش.

تنها مطالعات دقیق و علمی در نواحی میخندهند نظر کلی صحیحی راجع به فشردگی جمعیت و آبادی یک ناحیه در زمان معینی بددهد و روابط آنرا با نواحی مجاور، یادور، و چگونگی حرکات مردم را در آن جاده‌ها، و سرانجام اهمیت هر ناحیه را نسبت به ناحیه دیگر نشان دهد.

فهرست کتب (ف.ک.)

الف - گلیات و نشانه های اختصاری

- DE MORGAN, Recherches arch., = J. DE MORGAN, Mission scientifique en Perse, tome IV, Recherches Archéologiques, Paris, 1896.
- DIEULAFOY, L'Art, = M. DIEULAFOY, L'Art antique de la Perse, 1884-1885.
- FLANDIN et COSTE, Voyage, = E. FLANDIN et P. COSTE, Voyage en Perse pendant les années 1840-41, Paris, 1843-54.
- R. GHIRSHMAN, L'Iran des origines à l'Islam, Paris, 1951.
- R. GHIRSHMAN, Iran - The Story of Persia from earliest Times until its unique Iranian Civilization was transformed by the Islamic Conquest, Pelican Book A 239, London, 1954.
- HERZFELD, Am Tor, = E. HERZFELD, Am Tor von Asien, Felsdenkmäler aus Irans Heldenzeit, Berlin, 1920.
- HERZFELD, Arch. History, = E. HERZFELD, Archaeological History of Iran, London, 1936.
- HFRZFELD, Iran, = E. HERZFELD, Iran in the Ancient East, London, 1941.
- HERZFELD, Rapport, = E. HERZFELD, Rapport sur l'état actuel des ruines de Persépolis et propositions pour leur conservation, در Archaeologische Mitteilungen aus Iran, vol. I, 1929.
- HERZFELD, Reisebericht, = E. HERZFELD, Reisebericht, در Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft, Neue Folge, vol. 80, 1926, p. 225-284.
- HERZFELD, Sculpture rupestre, = E. HFRZFELD, La sculpture rupestre de la Perse sassanide, در Revue des Arts Asiatiques, vol. V (1928), p. 129-142, pl. XXXV- XLVII (26 fig.).
- C. HUART et L. DELAPORTE, L'Iran Antique, Elam et Perse et la civilisation iranienne (= L'Evolution de l'humanité, XXIV), Paris, 1652, 564 p, 75 f. 16 planches et 3 cartes.
- ILN = Illustrated London News.
- MDP = "Mémoires de la délégation en Perse" (tome I-XIII, Paris, 1912), Mémoires de la Mission archéologique de Suse" (tome XIV, Paris, 1913), "La Mission archéologique de Perse,, (tome XV, Paris, 1914), "Mémoires de la Mission archéologique de Perse, Mission de Susiane,, (tome XVI-XXVIII, Paris, 1921-1939), "Mémoires de la Mission archéologique en Iran, Mission de Susiane" (tome XXIX-XXXVI, Paris, 1943 à 1954).
- Or. Inst. Comm. = Oriental Institute Communication.
- Or. Inst. Publ. = Oriental Institute Publication.
- POPE = A. U. POPE, A Survey of Persian Art, New York, 1938, vol. I et IV, Index volume compiled by Th. Besterman, 1958.

- Fr. SARRE, Die Kunst des alten Persiens, Berlin 1922, 69 p, 150 pl.
- SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, = Fr. SARRE et E. HERZFELD, Iranische Felsreliefs, Berlin, 1910.
- SCHMIDT, Elights, = E. F. SCHMIDT, Flights over Ancient Cities of Iran, Chicago, 1940.
- SCHMIDT, Persépolis I, = E. F. SCHMIDT, Persepolis, vol I, Structures, Reliefs, Inscriptions (=Or. Inst. Publ. LXVIII), Chicago, 1953.
- STEIN, Arch. Tour, = A. STEIN, An Archaeological Tour in the Ancient Persis, در Iraq III (1936), p. 112-225.
- STEIN, Old Routes, = A. STEIN, Old Routes of Western Iran, London, 1940.
- L. VANDEN BERGHE, Iran. De stand van de archaeologische onderzoeken in Iran, در Jaarbericht Ex Oriente Lux, vol. 13 (1953-54), p. 347-393.
- H. H. VON DER OSTEN, Die Welt der Perser (Große Kulturen der Frühzeit), Stuttgart, 1959.

ب = فهرست کتب و منابع نسبت به ناحیه و مکان تاریخی

۱- گیلان و مازندران

تفصیلات پیش از تاریخ بوسیله آقای ژ. دیرگان در مازندران

1. DE MORGAN, Recherches arch., p. 1-3, fig. 1-4.
کاوش‌های پیش از تاریخ آقای کارلتون کون در مازندران (غار کمریند و غار هوتو)
2. Carleton S. COON, University Museum Excavations in Iran 1949, در Archaeology, vol. IV (1951), p. 116-118.
IDEIM, Cave Exploration in Iran 1949. University Museum of the University of Pennsylvania Philadelphia, 1951, p. 20-31, 43-52, 69-76, 78-89, 92-95. Pl. VI-XV.
IDEIM, The 1951 Season Work at Turiyan, a Preliminary Report, در „Bulletin Bimestriel de la Commission Nationale Iranienne pour l'Unesco“, vol. IV n° 1-2, Téhéran, 1952, p. 57-58.
IDEIM, Excavations in Hotu Cave Iran 1951, a Preliminary Report, در Proceedings of the American Philosophical Society, vol. 96 (1952), p. 231-249.
Louis B. DUPREE, The Pleistocene Artifacts of Hotu Cave, ibidem, p. 250-257.
J. Lawrence ANGEL, The Human Remains from Hotu Cave, Iran, ibidem, p. 258-269.

کلاردشت

3. M. BAHRAMI, L'Exposition d'Art iranien à Paris, در Artibus Asiae, vol. XI (1948), p. 13-23, fig. 2, 3.
ILN 5705 (1948), p. 214-215, fig. 1-10
ILN 5782 (1950), p. 206-207, fig.
H. SAMADI, Gandjnah Kalār Dasht (le trésor de Kalar Dasht), در Guzārishhāyī bēstānshināśi vol. III-1334 (Annales archéologiques, vol. III, 1956, p. 115, 116, 18 fig.).

دماوند

4. M. BAHRAMI, در *Artibus Asiae*, vol. XI (1948), p. 21, fig. 6.

ILN 5705 (1948), p. 214, fig. 3.

ناحیه کلارادشت

5. ILN 5705 (1948), 214, 215, fig. 11.

چالوس

6. POPE, t. IV, pl. 215 A.

ساری

7. GHIRSHMAN, Notes Iraniennes VI. Une coupe sassanide à scène de chasse, در *Artibus Asiae*, vol. XVIII (1955), p. 5-19, fig. 1, 12 et 13.

علی حاکمی - بشقاب نقره منحصر بفرد ساسانی مکشوفه در حوالی ساری در گزارش های باستانشناسی مجلد ۳-۴۴ ص ۳۶۴-۳۲۹ - شکل ۲۱

مازندران

- محمد تقی مصطفوی در گزارش های باستانشناسی جلد سوم ۱۳۳۴ ص ۴۸۹ تا ۴۹۴ و عکس ۲۸ تا ۳۱

Catalogo di Mostra d'Arte Iranica, Roma Palazzo Brancaccio, Guigno-Agosto 1956, p. 176 n. 252, pl. XXXVII.

R. GHIRSHMAN, در *Artibus Asiae*, vol. XIX (1956), p. 139, fig. 1. ILN 21 July 1956, p. 107, 4 fig.

۲ - گرگان یا استرآباد

کاوشهای پیش از تاریخ بوسیله آقای ژ. دمیرگان در گرگان (خرگوش تپه)

9. DE MORGAN, Recherches arch., p. 142; pl. VI.

استرآباد

10. C. A. DE BODE, On a Recently Opened Tumulus in the Neighbourhood of Asterabad, Communicated by R. Smith, در *Archaeologia*, vol. XXX (1884), p. 235, 248.

M. I. ROSOVTZEFF, The Sumerian Treasure of Asterabad, در *Journal of Egyptian Archaeology*, vol. VI (1920), p. 4-27.

G. CONTENAU, Le Trésor d'Asterabad et les fouilles de Tépé Hissar, در *Revue d'Assyriologie*, vol. XXXI (1934), p. 77-80.

تورنگ تپه

11. F. R. WULSIN, Excavations at Tureng Tepe, near Asterabad. Supplément to the Bulletin of the American Institute for Persian Art and Archaeology, vol. 2 n. 1 bis, New York, 1932, F. R. WULSIN, The Early Cultures of Astarabād (Tūrāng Tepe), در Pope, vol. I, p. 163-167 fig. 21.

شاه تپه بزرگ

12. T. J. ARNE, La steppe turkomane et ses antiquités, در *Geografika Annaler*, Stockholm, 1935.
 IDEM, The Swedish Archaeological Expedition to Iran 1931-1932, در *Acta Archaeologica*, vol. VI, Copenague, 1935.
 IDEM, Excavations at Shah Tepe, Irān, Stockholm, 1945.
 M. BEGLIN, Keramische Funde von den Tépé's der Türkmensteppe, در *Sartryck ur Orient-sallsskapets Ursbok* (1937), p. 26-38.

تپه حصار

13. E. F. SCHMIDT, The Tepe Hissar Excavations, در *Museum Journal of Philadelphia*, vol. XXXII, 1933.
 IDEM, Excavations at Tepe Hissar (Damghan), Philadelphia, 1937, 478, p. 177 fig.
 A. U. POPE در *ILN* 4813, 28 Jan. 1933, p. 119-116, 22 fig.
 R. DE MECQUEMEN, Notes sur la céramique peinte archaïque en Perse, در *MDP XX* (1928), p. 125-126, fig. 31 (céramique provenant probablement de Tépé Hisār).
 M. R. WARREN, The Early Culture of Dāmghān (Tépé Hisār), در *Pope I*, p. 151-192, fig. 17-20.
 S. PIGGOTT, Dating the Hissar Sequence the Indian Evidence, در *Antiquity*, vol. XVII (1943), p. 169-182.
 D. H. GORDON, The Chronology of the Third Cultural Period at Tepe Hissar, در *Iraq*, vol. XIII (1951), p. 40-61.

سؤال مکشوف از تپه حصار در چند سوزه محفوظ است، رجوع شود به :

- S. SMITH, Early Painted Pottery from Persia, در *British Museum Quarterly*, vol. VIII (1933), p. 80, 81, 7 fig.
 L. SPELEERS, Vases iraniens du nord-est, در *Bull. Musées Royaux d'art et d'histoire*, 1937 p. 17-22, fig. 20 a, b, c.
 IDEM, Vases iraniens, *ibid.*, 1891, p. 98, 99, fig. 15.
 14. F. KIMBALI, The Sassanian Building at Damghan (Tepe Hissar), در *POPE*, vol. I, p. 576-583.
 IDEM, The Sassaian building at Tepe Hissar, در *E. F. Schmidt. Excavations at Tepe Hissar*, op. cit, P 347-320 IDEM, در *ILN* 4882, 12 Nov. 1432. p. 771-773, 11 fig.

Shirshian

15. E. F. SCHMIDT, Excavations at Tepe Hissar, op. cit; p. 17, pl. II.
 16. E. F. SCHMIDT, *ibid*; p. 17, fig. 14, 15.
 تفحیصات و عکس برداری هوانی آقای اریک اشمیدت در گران
 17. E. F. SCHMIDT, Flights, p. 51-61, pl. 57-72.

آن

۱۸. R. PUMPELLY, Exploration in Turkestan. Prehistoric Civilization of Anau, Washington, 1908.
 D. D. BUKINC, Neues über Anau und Namazga Tepe, در Eurasia Septentrientalis Antiqua, vol, V (1930), p. 9-21.
- محمد آباد
۱۹. H. FRAKFORTE, Studies in Early Pottery of the Near East, London, 1924, vol. I, pl. VII 2.

۳ - خراسان و سیستان

تحقیقات پیش از تاریخ آقای کارلتون کون در خراسان (خونیک)

۲۰. Carleton S. COON, Cave Explorations in Iran 1949, Philadelphia, 1951, p. 20, 37, 64, 67,
 pl. IV n 1.

کال جنگال

۲۱. B. W. HENNING, A New Parthian Inscription, در Journal of the Royal Asiatic Society, London, 1953, p. 132-136, pl. V.

ژ. رضائی و خ. کیا: کزارشہای نوشته‌های کال جنگال در ایران کوده ۱۴ - تهران - ۱۳۲۰

تحقیقات آقای هرتسفلد و دیز و گدار در خراسان

۲۲. HERZFELD, Resebericht, p. 225-284.

IDEM, Khorasan. Denkmalsgeographische Studien, در Der Islam, vol. XI, 1921.

E. DIEZ, Chursanische Baudenkmaler, Berlin, 1918.

A. GODARD, Khorassan, در Athär-é Iraān, vol. IV, 1949, p. 7-130.

نیشابور

۲۳. J. M. UPTON, The Persian Expedition 1934 - 35. Excavations at Nishapur (first season), در Bull. Mus. Art, vol. 31, 1936, p. 176 - 182.

C. K WILKINSON, The Iranian Expedition 1936. The Excavations at Nishapur (second season), ibid., vol. 32, 1937, p. 1 - 38.

M. HAUSER, J. M. KPTON et C. K. WILKINSON, The Iraianian Expedition 1937. The Museum Excavations at Nishapur (third season), ibid., vol. 33, 1938, p. 1 - 23.

M. HAUSER et C. K. WILKINSON, The Museum Excavations at Nishapur 1938 à 1939-40, ibid., vol. 37, 1942, p. 82-119.

ILN, 19 Feb. 1938, p. 296-297.

قلعه دختر باز هور

۲۴. HERZFELD, Resebericht, p. 275.

HERZFELD, Arch. History, p. 89, ffg. 11.

D. N. WILBER et A. U. POPE, A Sassanian Fire Temple, در Bull. Amer. Inst. for Iranian art and Arch., vol. V, 1937, p. 136.

A. GODARD, Les monuments du feu, در Athar-e Irân, III (1938), p. 53-58, fig. 29-32.

سیستان

25. A. STEIN, Innermost Asia; Detailed Report of Explorations in Central Asia, Kansu and Eastern, Iran, Oxford, 1928, pl. 113, 114.

Fred. H. ANDREWS, Painted Neolithic Pottery in Sistan, discovered by Sir Aurel Stein, در Burlington Magazine, vol. XLVII (1925), p. 304-308, pl. I-II.

کوه خواجه

26. A. STEIN, A. Third Journey of Exploration in Central Asia, در Geographical Journal, vol. 48 (1916), p. 221 sq.

IDEM, Innermost Asia, Oxford, 1928, vol. II. p. 909 sq.

E. HERZFELD, Sakastan, Geschichtliche Untersuchungen zu den Ausgrabungen auf dem Kuhi Kwadja. در Arch. Mitt. aus Iran, vol. IV (1932), p. 1-116.

HERZFELD, Arch. History, d. 59, pl. IX.

HERZFELD, Iran, p. 291 sq., pl. XCVI-CIV (avec reproductions des fresques en couleur).

ح. صمدی-سیستان از نظر باستان‌شناسی در گزارش‌های باستان‌شناسی مجلد ۳ - ۱۳۴۴ - ۱۴۷ - ش ۱۱

Fred. H. ANDREWS, Catalogue of Wall Paintings from Ancient Shrines in Central Asia And Sistān, Delhi, 1933.

رام شهرستان

27. HERZFELD, Resebericht, p. 269.

کرکو

28. HERZFELD, Resebericht, p. 271.

نادعلی

29. R. GHIRSHMAN, Fouilles de Nad-i-Ali dans le Seistan Afghan, در Revue des Arts Asiatiques, vol XIII (1939-1942), pl. II-V, 4 fig.

۴ - بلوچستان و کرمان

تفصیلات آقای اول استین در بلوچستان

30. A. STEIN, An Archaeological Tour in Gedrosia, در Memoires of the Archaeological Survey of India, n. 43, 1931.

IDEM, Archaeological Reconnaissances in Southern Persia, در Geographical Journal, tome LXXXIII (1934), p. 126 sq.

IDEM. The Indo-Iranian Borderlands, their prehistory in the Light of Geography and of Recent Explorations, در Journal of the Royal Anthropological Institute, tome (1934), p. 179-202.

A. STEIN, A Preliminary Report ee the Early Cultures in Southeast Persia, در Pope I, p. 168-170, fig. 22.

D. H. GORETON, Zur Keramik im Indisch-Iranischen Grenzgebit, در Indian Archeology, 1955, p. 157 sq.

G. CHILDE, Notes on some Indian and East Iranian Pottery, در Ancient Egypt, 1933, p. 15-25, 8 fig.

A. STEIN, Archaeological Reconnaissances in North-Western India and South-Eastern Iran, London, 1937.

C. L. FABRI, On the Track of Stone Age Man in Persian Baluchistan, در Asia, XXXIV, p. 468-473, fig.

ناحیه بمپور و خوراب

31. A. STEIN, Archaeological Reconnaissances in North-West India and South Eastern Iran, London, 1937, pl. VI-IX (Bampūr), pl. VI, XII-XIX (Khurāb).

32. K. R. MAXWELL-HYSLOP, Note on a Shaft-Hole Axe-pick from Khurab, Makran, در Iraq, vol. XVII (1955), p. 161, 1 fig.

F. E. ZEUNER, The Identity of the Camel on the Khurab Pick, در Iraq, vol. XVII 1955), p. 162-163, pl. XXXVI.

تل ابلیس

33. A. STEIN, Archaeological Reconnaissances in North-West India and South-Eastern Iran, 1937, p. 167, pl. XXIV.

خنیمان

34. P. SYKES, Ten Thousand Miles in Persia or Eight Year in Iran, New-York, 1902, p. 442 et 448, 1 fig.

C. GREENWELL, Notes on a Collection of Bronze Weapons, Implements, and Vessels, Found at Khinaman, در Journal of the Royal Anthropological Institute, vol. XXXVIII (1907), p. 196-200, pl. XXI.

جیرفت

35. P. SYKES, op. cit., p. 444, 445, 1 fig.

36. A. GODARD, Les fouilles en Perse, در Beaux Arts, n. 86 1934), p. 1, 2, 1 fig.

۵ - لارستان

37. L. VANDEN BERGHE, Reconnaissance archéologique dans le Fars méridional et au Lāristān, Communication au 24e Congrès international des Orientalistes à Munich, le 31 août 1957.

بزد

38. J. AUBIN, Références pour Lār Médiévale, در Journal Asiatique, 1955, p. 502.

۶ - فارس

پاسارگاد

در مورد مسافران اروپایی که از قرون وسطی از پاسارگاد و تخت جمشید دیدن کرده‌اند کتاب زیر را مطالعه فرمایند.

39. A. GABRIEL, „Die Erforschung persiens, die Entwicklung der abendländischen Kenntnis der Geographie Persiens”, Wien 1952, کتاب فهرست کتب و منابع مورد احتیاج را پیدا خواهند کرد.
40. DIEULAFOY, L'Art, vol. I, p. 53-56, pl. II-IV, XVII.
41. HERZFELD, Pasargadae: Untersuchungen zur persischen Archaeologie, Berlin, 1908 (=Klio, Beiträge zur alten Geschichte, vol. VIII.)
SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 147-186, fig. 66-84, pl. XXVI-XXXI.
42. E. HERZFELD, Bericht über die Ausgrabungen von Pasargadae, در Arch. Mitt. aus Iran, vol. I (1929-30), p. 4-16, 3 pl., 1 Karte.

۱-۴۳ - سامی - گزارش خاکبرداری در پاسارگاد در زیمۀ دوم سال ۱۳۲۸ در گزارش‌های باستان‌شناسی ۱۳۲۹ جلد اول تهران.
و همچنین : پاسارگاد یا قدیمترین پایتخت کشور شاهنشاهی ایران - شیراز ۱۳۲۰

IDEIM, Pasargade, the Oldest Imperial Capital of Iran (=Publication n. 4 of the Learned Society of Fārs), Shirāz, 1956.

Djavad ZAKATALY, L'authentique tombeau de Cyrus, Téhéran, 1954.

این مؤلف تصویر نموده است آرامگاه کورش آن آرامگاهی نیست که عموماً به او نسبت داده‌اند بلکه برج نیم ویرانه‌ای است که تصویر کرده‌اند آتشگاهی بوده است.

گمانه‌های پیش از تاریخ در حوالی پاسارگاد

44. A. SAMI, Pasargadeae, the Oldest Imperial Capital of Iran, Shirāz, 1956, p. 24, 25 et fig. p. 78.

استخر

45. HERZFELD. Iran, p. 276 sq., fig. 375, pl. XC, XCI.

46. E. F. SCHMIDT, The Treasury of Persepolis and other Discoveries in the Homeland of the Achaemenians (=Or. Inst. Comm. 21), Chicago, 1639. p. 98 sq.

نقش رجب

۴۷ - نخستین نقش : تاج‌گذاری اردشیر اول

DIEULAFOY, L'Art. t. V, pl. XVII.

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 94-69, pl. XII.

HERZFELD, Iran, p. 311, pl. CVIII et CX.

HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 130, pl. XXXV, fig. 2.

نقش دوم شایور اول سوار بر اسب

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 92-93, p. XI.

HERZFELD, Iran, p. 314.

HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 132, pl. XXXVII, fig. 5.

سویین نقش تاج‌گذاری شاپور اول

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 97, pl. XIII.

HERZFELD, Iran, p. 314, pl. CXII.

HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 132, pl. XXXVII, fig. 5.

تحت رسم

48. FLANDIN et COSTE, Voyage, pl. 63.
 ANDREAS-STOLZE, Persépolis II, p. 105.
 SCHMIDT, Persépolis, vol. I, p. 53. fig. 19 a, b.

نقش رسم

49. DIEULAFOY, L'Art, vol. III, p. 1-71, pl. I-III.
 SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 3 sq. et pl. II-IV.
 50. DIEULAFOY, L'Art, vol. V, p. 69, 113, 116, 117, pl. XIV-XVI.

نخستین نقش: تاجگذاری اردشیر اول

- SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 67-71, pl. V.
 HERZFELD, Iran, p. 312, pl. CX.
 HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 131, pl. XXXVI, fig. 3.

نقش دوم: بهرام دوم در میان خانواده‌اش

- SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 71-73, pl. V.
 HERZFELD, Am Tor, p. 37, 38, pl. XXIV.
 HERZFELD, Iran, p. 324, pl. CXXIV.
 HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 139, pl. XLII, fig. 15.

سومین نقش: بهرام دوم سوار اسب در حال جنگ با دشمن

- SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 74, pl. VI.

چهارمین نقش: نقش شاپور دوم که قسمتی از آن خراب شده

- R. GHIRSHMAN, A propos des Bas-Reliefs rupestres sassanides, در Artibus Asiae, vol. XII (1950), p. 67, fig. 13.

پنجم: هرمز دوم سوار بر اسب در حال جنگ با دشمن

- R. GHIRSHMAN, op. cit., p. 88, 89, fig. 4-6.

نقش ششم: پیروزی شاپور اول بر والرین

- SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 77-80, pl. VII.
 HERZFELD, Iran, p. 315, pl. CXIII-CXIV.
 HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 133, p. XXXVIII, fig. 7.

نقش هفتم: دو مجلس از جنگ بهرام دوم در حال سواره

- SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 81-83, pl. VIII et LI.
 HERZFELD, Am Tor, pl. XXIII.
 HERZFFLD, Sculpture rupestre, p. XLIII, fig. 18.
 R. GHIRSHMAN, op. cit., p. 89, fig. 7.

نقش هشتم: تاجگذاری نرسی

- SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 84-88, pl. IX.

- HERZFELD, Iran, p. 326, pl. CXXIV-CXXV.
- HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 138, pl. XLIV, fig. 19
51. R. BYRON, An Early Rockcarving al Naqshi Rustam, در Bull. Am. Inst. Pers. Art and Arch., vol. IV (1935), p. 39.
- HERZFELD, Arch. History, p. 5, pl. IV.
52. DIEULAFOY, L'Art, vol. III, pl. V.
- SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 89-91, pl. X.
- K. ERDMANN, Die Altare von Naqshi Rustam, در Mitt. d. deutschen Orient Gesellschaft, 81 (1949), p. 6-15.
- FLANDIN et COSTE, Voyage, pl. 179.
- ANDREAS-STOLZE, Persépolis, pl. 113.
53. DIEULAFOY, L'Art, vol. I, pl. VIII, XI.
- SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 3 sq., fig. 1-8, pl. I.
54. M. SPRENGLING, A New Pehlevi Inscription, در The American Journal of Semitic Languages and Literatures, vol. LIII (1937), p. 129-144.

برای کتیبه‌های پهلوی نقش رستم به کتاب زیر مراجعه کنند :

- W. B. HENNING, Corpus Inscriptionum Iranicarum. Part III : Pahlavi Inscriptions, vol. 2, Private Inscriptions of the Classical Period. Plates, portfolio II (plate 25-48) = The Inscription of Naqsh-i Rustam (1-48), London, 1957.
55. E. F. SCHMIDT, The Treasury of Persepolis and other Discoveries (=Or. Inst. Comm. 21), Chicago, 1939, p. 105, fig. 72.

حاجی آباد

56. O. MANN, Archaeologisches aus Persien, در Globus LXXXII, Braunschweig, 1903.
- J. MORIER, A Second Journey through Persia, Armenia and Asia Minor, to Constantinople, between the Years 1810 and 1816, London, 1818, p. 80.
- FLANDIN et COSTE, Voyage, pl. 193.
- E. HERZFELD, Paikuli, Monuments and Inscriptions of the Early History of the Sasanian Empire, Berlin 1924, vol. I, p. 87-89.

کوه استخمر

57. E. F. SCHMIDT, Persépolis, I, p. 47, fig. 19, 20.
- ابرج
58. K. BERGNER, Bericht über unbekannte achaemenidische Ruinen in der Ebene von Persepolis, در Arch Mitt. aus Iran, vol. VIII (1936), p. 1-4, 8 fig.

تخت جمشید

59. A. GABRIEL, Die Erforschung Persiens, Wien, 1952,
60. FLANDIN et COSTE, Voyage.
61. F. STOLZE et F. C. ANDREAS, Persépolis, Berlin, 1882.

62. DIEULAFOY, L'Art, vol. II, p. 2-74, pl. II-XVII, XIX-XXII, vol. III, pl. VI-X, XVII-XIX.
63. E. HERZFELD, Rapport sur l'état, actuel des ruines de Persépolis et propositions pour leur conservation, در Arch. Mitt. aus Iran, vol. I., Berlin, 1929.
IDEML در ILN, 4895, 11 Febr. 1933, p. 207, 5 fig.
„ 4901, 25 March 1933, p. 401-406, 9 fig.
„ 4902, 1 April 1933, p. 453-455, 12 fig.
„ ILN, 8 April 1933, p. 488-3 3 fid.
„ 4945, 27 Jan. 1934, p. 128-129 3 fig.
64. E. F. SCHMIDT, The Treasury of Persepolis and other Discoveries (=Or. Inst. Comm. 21), Chicago, 1939.
IDEML در ILN, 5079, 22 August 1936, p. 321-323, 5 fig.
IDEML, Persepolis, I.
IDEML, Persepolis, vol. II: Contents of the Treasury and other Discoveries, Chicago, 1957, 296 p., 89 pl.
IDEML, A Greek Lady from Persepolis, American Journal of Archaeology, vol. LIV (1950), pl. VIII-XII.
65. A. GODARD, Les Travaux de Persépolis, در Archaeologia Orientalia in Memoriam E. Herzfeld (1951), P. 119-128.
IDEML در Comptes Rendus Acad. Inscript. et Bell. Lettres (1946), p. 260-270.
IDEML, Persépolis, le Tatchara, در Syria, vol. XXVIII (1951), p. 62-69.
م.ت. مصطفوی : شرح اجمالی آثار تخت جمشید - تهران فوریه ۱۳۲۰
A. SAMI, Persépolis (Takhti Djamshid), Shīrāz, 1955.
66. HERZFELD, Rapport, fig. 45-50.
67. IDEML, Rapport, fig. 53.
68. IDEML, Iran, 275, 286, pl. FXXXV, LXXXVI.
SCHMIDT, Persepolis, I, fig. 16, 17 A-D.
69. SCHMIDT, Persepolis I, fig. 17 E, F, G.
70. HERZFELD, Rapport, fig. 43, 51 et 52.
SCHMIDET. Persepolis I, fig. 14 et 15.
71. A. GODARD. The Newly Found Palace of Prince Xerxes at Persepolis and Sculptures which the Architects rejected, در ILN, 2 Jan. 1954.

راجع به مفاہیم موضوع های نقوش در تخت جمشید کتاب های زیر را مطالعه نمایند :

- A. U. POPE, Persepolis as a Ritual City, در Archaeology, vol. X, June 1957, p. 123 sq, 10 fig.
IDEML, Persepolis—Considered as a Ritual City در Proceedings of the 22nd Congress of Orientalists, Held in Istanbul, September 15th to 22nd, 1951, Leyde, 1957, p. 58-66.

چند قطعه از نقوش برجسته هخامنشی که احتمالاً از تخت جمشید بدست آمده است راه موزه های اروپا و امریکا را در پیش گرفته است :

انگلستان

Londres, British Museum.

Photographs of Casts of Persian Sculptures of the Achaemenid Period, Mostly from Persépolis, London, 1932, 4 p., 12 pl., 1 plan.

S. SMITH, An Achaemenian Relief from Porsepolis, در British Museum Quarterly, vol. XII (1938), p. 35, 1 pl.

R. D. BARNETT, Persepolis, در Iraq, vol. XIX (1957), p. 55-77.

اکوین

Edinburgh.

Royal Scottish Museum, Edinburgh, 1950, p. 138.

آلمان

Berlin

M. BURCHARDT, Datierte Denkmäler der Berliner Sammlung aus der Achameidenzeit, در Zeitschrift für Ägyptische Sprache und Altertumskunde, vol. XLIX (1911), p. 69-80, pl. VIII-X.

Fr. SARRE, Ein neues Relief aus Persepolis in der Vorderasiatischen Abteilung, در Berliner Museen, 1929, p. 87-90, 3 fig.

فرانسه

Paris, Musée du Louvre.

G. CONTENAU, Deux bas-reliefs achéménides, در Bull. Musées de France, 1931, p. 93-96, 2 fig.

IDEM, Monuments mésopotamiens nouvellement acquis ou peu connus, Musée de Louvre, 1934, pl. XIV, XV.

Lyon, Palais des Arts.

A. U. POPE, vol. IV, pl. 96B.

سویس

Zürich, Zürcher Kunstgesellschaft.

H. ZUCKER, Jahresbericht der Zürcher Kunstgesellschaft, 1955.

امریکای شمالی

New-York, Metropolitain Museum.

نیویورک

C. ADLER, Two Persepolitan Casts in the U. S. National Museum, در Report of the U.S. National Museum for 1893, p. 149-153, 2 pl.

M. S. DIMAND, A Persian Relief from Persepolis, در Bull. Metrop. Museum of Art, vol. 30 (1935), p. 75-77, 2 fig.

IDEM, Iranian Art in the Metrop. Museum, در Bull. Metrop. Museum of Art, vol. 35 (1940), p. 110 sq. 1 fig.

New-York, Stora Collection,

GOSSIO-PIJOAN, Summa Artis, vol. II, Arts del Asia occidental, Bilbao, 1931, fig. 669.

- A. U. POPE, vol. IV, pl. 99 A. پوستون
- A. COOMARASWAMY, A Relief from Persepolis, در Bull. Museum of Fine Arts of Boston, vol. 31 (1933), p. 22-25, a fig.
- A. U. POPE, vol. IV, pl. 98. سن سیناتی
- Cincinnati, (Mr. et Mrs. Philip R. Adams Collection).
- Catalogue of the Fogg Art Museum, Ancient Art in American Private Collections, 1954 n. 63 pl. XIX.
- Cleveland Museum. موزه کلولاند
- H. HOLLIS, A Relief from Persepolis, در Bull. Cleveland Museum of Art, 1943, p. 135-137, 1. fig.
- Harvard, Fogg Art Museum هاروارد
- E. SCHROEDER, Relief Sculptures from Persepolis, در Bull. of the Fogg Museum of Art, vol. X (1943), p. 44-45, 3 fig.
- Harvard Dumbarton Oaks. هاروارد
- G. RICHTER, Catalogue of Greek and Roman Antiquities in the Dumbarton Oaks Collection Cambridge, Mass. 1881, pl. I, n. I.
- Kansas City (W. Rockhill Nelson Gallery of Art). کانساس سیتی
- D. WILBER, A Head of a Bull in the William Rockhill Nelson Gallery of Art, در Art Quarterly, vol. XIII (1950), p. 343-345, 1 fig.
- Princeton, Art Museum. پرینستون
- D. N. WILBER, A Relief from Persepolis, در Records of the Art Museum of the Princeton University, vol. IX (1950), p. 2-3, 1 fig.
- Archaeology, 1951, p. 239.
- Seattle, Art Museum.
- Handbook of the Seattle Art Museum, 1951, fig. p. 14.
- St. Louis, City Art Museum. سن لوئیس
- City Art Museum of St. Louis. 46th Annual Report 1954-1955, p. 23, fig. p. 64.
- Yale University, دانشگاه یال
- T. S. A. در Bull. of the Associates in Fine Arts at Yale University, vol. VI (1933), p. 6-8, 1, fig.
72. E. HERZFELD, Iranische Denkmäler I A. Lieferung 1-2. Berlin, 1932.
IDEM, Prehistoric Persia I, Aeneolithic Settlement at Persepolis; Remarkable New Discoveries در ILN, 25 May 1929, p. 892-893.
73. A. LANGSDORFF et D. E. McCown, Talli Bakun, a Season of 1932 (=Or. Inst. Publ. 59), Chicago. 1942.

عکسبرداری هوایی از ا.ف. اشمیدت در ناحیه پاسارگاد - شیراز

74. E. F. SCHMIDET, Flights, p. 8-23, pl. 1-24.

تحقیقات در پاسارگاد - شیراز

75. L. VANDEN BERGHE, Archaeologische Opzoekingen in de Marv Dashtvalkte (Recherches archéologiques dans la plaine de Marv Dasht), در Jaarbericht Ex Oriente Lux, vol. XII (1952), p. 211-220.

IDEIM, Archaeologisehe Navorsingen in de Omstreken van Persepolis (Recherches archéologiques dans les plaines de Persepolis), در Jaarbericht Ex Oriente Lux, vol. XIII (1954), p. 394-408.

IDEIM, Rapport des Recherches archéologiques dans le Marv Dasht (en persan),

در گزارش‌های باستان‌شناسی - مجلد ۲ تهران. ۱۳۳۰.

76. L. VANDEN BERGHE, Monuments récemment découverts en Iran méridional, در Bibliotheaca Orientalis, vol. X (1953), p. 5-8, 12 fig.

J. DE MENASCE, Inscriptions pehlevies en écriture cursive. I. Inscriptions de Maqsūdabād, در Journal Asiatique, 1956, p. 423-427, pl. I, II.

تحقیقات ا. آستین در ناحیه جنوبی فارس

77. STEIN, Arch. Tour, p. 112-225.

تل سنگ سیاه

78. STEIN, Arch. Tour, p. 180-181, pl. XXIII n. 27, 33, 39, 40, 42-44, 47, 49-55, 57, 61, 65, 69.

تل گود رحیم

79. STEIN, Arch. Tour, p. 181-182, pl. XXIII, n. 34, 45, 48, 58-60, 62-64, 70-94 (n. 95, 97, et 100 sont du type Tall-i Mushki).

تل دروازه - سروستان

80. STEIN, Arch. Tour, pl. XXIII n. 56, 66 et 67.

تل ریگی - کمال آباد

81. STEIN, Arch. Tour, p. 127-129, plan 2, pl. XX n. 6, 8, 9, 12, 16, pl. XXI n. 1-38.

کنگان

82. STEIN, Arch. Tour, p. 149-152, plan 8, pl. XXI n. 39-52.

تل سیاه - فسا

83. STEIN, Arch. Tour, p. 153, pl. XXII, n. 10, 14, 15.

تل ریگی - خسرو

84. STEIN, Arch. Tour, p. 201-202, plan 16, pl. XIX n. 10, pl. XXV, pl. XXVI n. 1-20, 25. pl. XXVIII n. 8, 21, 34-38, 40, 42.

تل ریگی - مادوان

85. STEIN, Arch. Tour, p. 186-187, plan 13, pl. XXIII n. 3, 13, 14, 16, 18, 21, 24, 25.

تل سکو - مادوان

86. STEIN, Arch. Tour, p. 189-190, plan 14, pl. XXIV, pl. XXVIII, n. 7, 9, 11, 13, 15-20,
22-33.

تل سیاه - مادوان

87. STEIN, Arch. Tour, p. 183-186, plan 12, pl. XXII n. 16-38, 40, 41, 43-72, pl. XXIII,
n. 1, 2, 4-12, 15, 17, 19, 20, 23, 26, 50, 31, pl. XXVIII, n. 1, 10, 12, 14.

شیر

88. STEIN, Arch. Tour, p. 209-210, pl. XIX n. 4, 11, pl. XXVI n. 21-23, 26-28, 30-37,
41, 42, 44, 45.

ده بید

89. STEIN, Arch. Tour, p. 213-217, plan 17, pl. XXVI n. 38, 39, 46-65, pl. XXVIII n.
41, 43-45.

دوتلان

90. STEIN, Arch. Tour, p. 218-220, plan 18, pl. XXVI n. 43, pl. XXVIII n. 39, 47-49.
وکیل آباد

91. STEIN, Arch. Tour, p. 152-157, plan 9, pl. XIX n. 7, 15, pl. XX n. 4-7.

تل ضحاک

92. STEIN, Arch. Tour, p. 140-141, pl. XXIX n. 33.

داراب

93. STEIN, Arch. Tour, plan 10.

نقش رسم - داراب

94. STEIN, Arch. Tour, p. 194-196, pl. XVII, fig. 28, 29.

FLANDIN et COSTE, Voyage, pl. 33.

آتشکده

95. STEIN, Arch. Tour, p. 176-176, pl. XVI, fig. 25, 27.

تنگ کرم

96. STEIN, Arch. Tour, p. 177, pl. XVI, fig. 26,

سرستان

97. STEIN Arch. Tour, p. 178-180, pl. XIV, fig. 19.

FLANDIN et COSTE, Voyage, p. 23 sq et p. 374-377, pl. XXVIII, XXIX.

DIEULAFOY, L'Art, vol. IV, p. 1-29, 69, 71, pl. I-VIII.

فیروز آباد

98. STEIN, Arch. Tour, p. 118-112, pl. VIII, IXa et p. 95 sq, pl. XV, XVI.

DIEULAFOY, L'Art, Vol. IV, p. 4-70, pl. XII-XVII.

HERZFELD, Reisebericht, p. 253.

R. BYRON, Note on the Qal'a-i Dukhtar at Firuzabad, در Bull. Am. Inst. for Persian Art and Arch., vol. 7 (1934), p. 3-6.

R. GHIRSHMAN, Firuzabad, در Bulletin de l'institut français d'archéologie orientale (=BIFAO), Le Caire, vol. XLVI, 1947.

W. B. HENNING, The Inscription of Firuzabad (Pahlavi Inscription at the Ruins of the Sassanian Bridge), در Asia Major, New Series, vol. IV, part I (1954), p. 98-102, fig. 1 et 2.

برای عکس هوانی شهر دایره شکل و کاخ اردشیر اول به کتاب زیر مراجعه کنند.

SCHMIDT, Flights, pl. 16-19.

۹۹- نقش اول تاجگذاری اردشیر اول

FLANDIN et COSTE, Voyage, pl. XLIII.

STEIN, Arch. Tour, p. 123.

HERZFELD, Iran, p. 311, pl. CVIII.

HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 130 pl. XXXV, fig. 1.

R. GHIRSHMAN, Firuzabad, در BIFAO, vol. XLVI (1947), p. 7-8, pl. VI b.

نقش دوم پیروزی اردشیر بر اردوان پنجم

FLANDIN et COSTE, Voyage, pl. XLIV.

STEIN, Arch. Tour, p. 122.

HERZFELD, Iran, p. 310, pl. CIX, fig. 403.

IDEM, Arch. History, pl. XIa

IDEM, Sculpture rupestre, p. 131, pl. XXVI fig. 4.

R. GHIRSHMAN, Firuzabad, در BIFAO, vol. XLVI (1947), p. 8-12, pl. VIIa.

مهارلو

100. H. FIELD, Contribution to the Anthropology of Iran, Chicago, 1939, vol. II, p. 555-556.

قصر ابو نصر

101. FLANDIN et COSTE, Voyage, pl. 55 (reproduction du portique achéménide).

این مؤلفان قصر ابونصر را تحت نام تخت مادر سلیمان معرفی کرده‌اند. هیئت امریکایی-قطبه سنگ‌مرمری با نقش برجسته از جنس مرمری که فلاندن و کوست نشان داده‌اند پیدا کرد - رجوع شود به :

M. S. DIMAND, An Achaemenian Alabaster Relief, در Bull. Metr. Mus. Art, vol. 29 (1934), p. 118-119, 1 fig.

102. M. HAUSFR et J. M. UPTON, The Persian Expedition at Kasri Abu Nasr 1932-33, در Bull. Metr. Mus. Art., Nov. 1933, p. 39 sq.

IDEM, The Persian Expedition at Kasri Abu Nasr 1933-34, در Bull. Metr. Mus. Art., Dec. 1934, 22 p. rt 37 fig.

CH. K. WILKINSON, Notes on the Sasanian Seals Found at Kasri Abu Nasr, در Bull. Metr. Mus. Art., vol. XXXI (1936), p. 176-192, fig. 7-17.

بزم دلک

103. SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 147-188, pl. XXXII.

K. ERDMANN. Die sassanidischen Felsreliefs von Barmi Dilak, در Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft, vol. 99 (1949), p. 50-57.

سر مشهد

104. HERZFELD, Iran, p. 325, pl. CXXIII.

HERZFELD, Sculpture rupestre, pl. XLIII, fig. 17.

W. B. HENNING, Corpus Inscriptionum Iranicarum, vol. I. The Inscription of Sar Mashhad, London, 1955.

کازرون

105. M. SIRIOUX, Petit monument sassanide, près de Kazerun, در Athār-é Irān, vol. III (1928), p. 134-141, fig. 85-87.

جره

106. A. GODARD, Les quatre Chahar Taqs de la vallée de Djerre در Athār-Irān, vol. III (1938), p. 169-178.

تون سبز

107. A. GODARD, Les quatre Chahar Taqs, ibid., p. 170.

فراش بند

108. DIEULAFOY, L'Art, vol. IV, p. 77-78, pl. XVIII.

HERZFELD, Arch. History, p. 91, fig. 12 et 13.

بندر بوشهر - ری شهر

109. M. PEZARD, Mission à Bender-Bouchir, در M. D. P., vol. XV, 914.

خارک

110. SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 63-66, fig. 23.

کلار زاغی

111. CARLETON S. COON, Cave, Explorations in Iran, 1949, Philadelphia, 1949.

پیشاپور

112. D. T. RICE, The City of Shappur, در Ars Islamica, vol. II (1935), p. 174-188.

G. SALLES et R. GHIRSHMAN, Châpour, Rapport préliminaire de la première campagne de fouilles (automne 1935-printemps 1936) در Revue des Arts Asiatiques, vol. X 3 (1936), p. 117-122, pl. XXXIX-XLIII.

R. GHIRSHMAN, L'inscription du monument de Châpour I à Châpour, ibid., p. 123-129, pl. XLIV.

R. GHIRSHMAN, Les fouilles de Châpour, Iran (deuxième campagne décembre 1936-avril 1937), ibid, vol. XII 1 (1938), p. 12-19, pl. IX-XIV.

G. SALLES, Nouveaux documents sur les fouilles de Châpour, در ibid., vol. XIII 3- (1942), p. 93-100.

R. GHIRSHMAN, Shapur, Royal City, در Asia, New York, 1954, p. 494.

R. GHIRSHMAN, Bichapur, vol. II : Les Mosaïques sassanides, Paris, 1956.

J. BABELON, در Bulletin de la Société française de Numismatique, vol. X (1955), p. 394.
(=trouvailles de monnaies grecques Faites à Bishāpūr, en 1953.

۱۱۳ - نخستین نقش : پیروزی شاپور اول بر والرین

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 222, pl. XLIV, fig. 110.

HERZFELD, Iran, p. 315, pl. CXIV.

HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 133, pl. XXXVIII, fig. 8.

نقش دوم : پیروزی شاپور اول بر والرین

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 223, pl. XLV-XLVI

HERZFELD, Iran, p. 316, pl. CXVI-CXIX.

HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 133, pl. XXXIX, fig. 9.

سومین نقش : پیروزی شاپور اول بر والرین

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. XLIII, fig. 109.

HERZFELD, Iran, p. 318, pl. CXV.

HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 134, pl. XXXIX, fig. 10.

چهارمین نقش: بهرام دوم و قبایل عرب

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 214-216, pl. XLI, fig. 103-104.

HERZFELD, Iran, p. 321, pl. CXI-CXIII.

HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 136, pl. XLI, fig. 13.

R. GHIRSHMAN, A propos des Bas-Reliefs rupestres sassanides, در Artibus Asiae, vol. XIII (1950), p. 86-98, fig. 9.

نقش پنجم : تاج گذاری بهرام اول

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 217-219, pl. XLII, fig. 106.

HERZFELD, Iran, p. 324, pl. CXIII.

HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 137, pl. XLII, fig. 16.

نقش ششم : پیروزی بر هندیان. این نقش را آفایان زاره و هرتسفلد به شاپور اول نسبت داده‌اند و آقای گیرشمن عقیده دارد که از شاپور دوم است.

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 213-214, pl. XI, fig. 101.

HERZFELD, Iran, p. 318, pl. CXVII-CXVII et CXX.

HERZFELD, Sculpture rupestre, p. 135, pl. XL, fig. 11.

R. GHIRSHMAN, A propos des Bas-Reliefs sassanides, در Artibus Asiae, vol. XIII (1950), p. 90, fig. 8-10, 12.

مودان

۱۱۴. HERZFELD, Sculpture rupestre, pl. XL, fig. 12.

نقش بهرام

۱۱۵. HERZFELD, Sculpture rupestre, pl. XLI, fig. 14.
HERZFELD, Iran, p. 320-324, pl. CXX-CXXIV h.

گویوم

۱۱۶. HERZFELD, Reisebericht, p. 250.

L. VANDEN BERGHE, Hetrotsrelief van Guyum en de Hofkunst van de Sassaniediche koning Bahrām II (276-293), Gentse Bijdragen tot de Kunstgeschiedenis en Oudheidkunde, vol. XV (1947-58), p. 1-23, 12 fig. (avec résumé en français).

نورآباد

۱۱۷. ANDREAS-STOLZF, Persépolis, Berlin, 1882, pl. 147.

R. GHIRSHMAN, La Tour de Nurabad, در Syria, vol. XXIV (1944-45), p. 175-193.

جن جین

۱۱۸. HERZFELD, Resebericht, p. 258.

R. GHIRSHMAN, La Tour de Nurabad, ibid. p. 175.

تولسپید

۱۱۹. HERZFELD, Reisbericht, p. 259.

تفحصات آقای استین در مغرب فارس

۱۲۰. STEIN, Old Routes, p. 1-52.

تل گرد

۱۲۱. STEIN, Old Routes, p. 6-9, pl. I n. 1-10.

کورانگون

۱۲۲. HERZFELD, Resebericht, p. 259.

HERZFELD, Arch. History, p. 4 sq., pl. II-III.

STEIN, Old Routes, p. 36-37, fig. 12.

ILN, 4622, 19 Nov. 1927, p. 905, 2 fig.

Neilson C. DEVEBOISE, The Rock Reliefs of Ancient Iran, در Journal of the Near Eastern Studies, vol. I, 1942, p. 70-80.

به عقیده مؤلف فوق نقش بر جسته صخره‌ای در کورانگون شامل دو مجلس اصلی که در وسط نقش قرار دارد از زمان «گوتی‌ها» است و مجلس طرف چپ از عهد جمدت نصر است.

سراب سیه

۱۲۳. STEIN, Old Routes, p. 45, fig. 013.

دآودختر

۱۲۴. STEIN, Old Routes, p. 45-47, fig. 14.

HERZFELD, Arch. History, p. 32-37, et pl. V.

HERZFEL, Iran, p. 206, fig. 317, pl. XXXV et XXXVIII.

پل برين

125. STEIN, Old p. 48, fig. 15, 16, 34.

مسافرت در ناحیه فارس از نظر مطالعه کتبیه ها

126. R. R. FRYE, An Epigraphical Journey in Iran 1948, در Archaeology, vol. II (1949), p. 186-192, 13 fig.

127. W. B. HENNING, Deciphrement of Pahlavi Inscription, a Feat of Genius.

در مجله کمپیسیون سلی یونسکو در ایران جلد سوم تهران ۱۹۵۱ ض ۴۳-۵۲

IDEIM, Corpus Inscriptionum Iranicarum, vol. I. The Inscription of Sar Mashad, London, 1955.

۷ - خوزستان

تفصیلات اول استین در خوزستان

128. STEIN, Old Routes, p. 52-170.

چهارده

129. STEIN, Old Routes, p. 65, plan 7, fig. 17.

خیرآباد

130. STEIN, Old Routes, p. 71-72, fig. 20-21.

تل حسنک

131. STEIN, Old Routes, p. 79, pl. I n. 11-13, 15, 16, 18, 21, 22, 24, 25.

تل گورپیاه

132. STEIN, Old Routes, p. 80, pl. I n. 14, 17, 19, 20, 23, 26, 27.

کیکاووس

133. STEIN, Old Routes, p. 87.

تنگ سروک

134. STEIN, Old Routes, p. 103-113, pl. 29-37, 42.

135. W. B. HENNING, The Monuments and Inscriptions of Tang-i Sarwak, در Asia Major, New Series, vol. II (1952), p. 151-178, et 20 pl.

Fu. ALTHEIM et R. STIEHL, Die Inschriften von Tangi Sarwak, در Asien und Rom, Neue Urkunden aus sassanidischer Frühzeit Tübingen, 1952, p. 30-34, Abb. 10-11, und Schrifttabelle 1, 2, 3 und 4.

قلعه تل-مال امیر

136. STEIN, Old Routes, p. 126, fig. 43.

کل فرا-مال امیر

۱۳۷. STEIN, Old Routes, p. ۱۲۹-۱۳۰, fig. 44.

G. JÉQUIER, Description du site de Malamir, در MDP III (۱۹۰۱), p. ۱۳۳-۱۳۹, pl. XXIII, XXVII-XXX.

V. SCHEIL, Transcription et traduction de l'inscription du relief de Hanni, در MDP III (۱۹۰۱), P, ۱۰۲-۱۰۷.

شکفت سلمان-مال امیر

۱۳۸. STEIN, Old Routes, p. ۱۲۹-۱۳۰, fig. 45.

G. JÉQUIER, Description du site de Malamir, در MDP III (۱۹۰۱), p. ۱۳۹-۱۴۲, pl. ۳۱-۳۳ (l'inscription p. ۱۰۸-۱۱۳),

شاه سوار

۱۳۹. H. LAYARD, Descriptions of the Province of Khuzistan, در Journal of the Royal Geographical Society, vol. XVI (۱۸۴۶), p. ۷۸.

هنگ نوروزی

۱۴۰. G. JÉQUIER, Description du site de Malamir, در MDP III (۱۹۰۱), fig. ۳۰.

G. HÜSING, Der Zagros und seine Völker, در der Alte Orient, Leipzig ۱۹۰۸, p. ۵۶.

متون مال امیر

۱۴۱. V. SCHEIL, در NDP IV (۱۹۰۲), p. ۱۶۸-۱۹۸, pl. XIX-XX (textes juridiques élamites et langue sémitique).

تپه پیش از تاریخ مال امیر

۱۴۲. STEIN, Old Routes, p. ۱۳۵-۱۳۶, pl. II-III n. ۱-۱۰, ۱۲-۱۴, ۱۶-۱۹.

تل باویحمد

۱۴۳. STEIN, Old Routes, p. ۱۳۶, pl. III n° ۱۱, ۱۵, ۲۰.

شمی

۱۴۴. STEIN, Old Routes, p. ۱۳۰-۱۳۴, fig. ۴۶-۴۹.

۱۴۵. A. STEIN, Old Routes, p. ۱۴۱-۱۵۹, fig. ۵۰, ۵۲, ۵۳, pl. IV-VI.

۱۴۶. A. GODARD, Catalogue de l'exposition de l'art Iranien au Musée Cernuschi à Paris en ۱۹۴۹, p. ۴۱-۴۳.

۱۴۷ - راجع به پیدایی‌های شمی کتابهای زیر را نیز مطالعه فرمایند

A. STEIN, Bronze Statue from Khuzistan, Iran, در Antiquity, vol. ۱۳, p. ۲۳۴-۲۳۶, ۱ pl.

A. STEIN, ILN, 6 July ۱۹۳۶.

A. GODARD, Les statues parthes de Shami, در Athār-ē Irān, vol. II (۱۹۳۷), p. ۲۸۵-۳۰۵.

FR. CUMONT, Bronzes hellénistiques en Perse, در Syria, vol. XVII (۱۹۳۶), p. ۳۹۴-۳۹۵.

IDEA, Les bronzes gréco-parthes de Shami, در Syria, vol. XX (۱۹۳۹), p. ۱۶۷-۱۶۸, ۲ fig.

CH. PICARD, Courrier de l'art antique, در Gazette des Beaux Arts, (۱۹۳۹), p. ۲۲۹-۲۳۴, fig. ۳۵ à ۳۸.

- H. SEYRIG, La grande statue de Shami et la sculpture palmyrienne, در Syria, vol. XX (1939), p. 177-182, pl. XXV, 3 fig.
- G. CONTENAU, Statues élamites de l'époque parthe, در R. GROUSSET, L. MASSIGNON et H. MASSE. L'âme de l'Iran, 1954, p. 49-66.
- M. ROSTOVZEFF, Social and Economic History of the Hellenistic World, Oxford, 1941. vol. I, p. 66, pl. X.

مسجد سلیمان

۱۴۸. J. M. UNVALA. Ancient Sites in Susiana, در Revue d'Assyriologie, vol. XXV (1928), p. 83-88.
- HERZFELD, Arch. History, p. 93, pl. 94.
- IDEIM, Iran, p. 303, fig. 399.
- A. GODARD, Les Monuments du feu, در Athār-e Irān, vol. III (1938), p. 49-51.
- M. SIRIOUX, Masdjdi Sulaimān, در Athār-e Irān, vol. III (1938), p. 157-160.
- K. ERDMANN, Das Iranische Feuerheiligtum, Leipzig, 1941, p. 27-29.
- R. GHIRSHMAN, Masjid-i Solaiman : Résidence des premiers Achéménides, در Syria, vol. XXVII (1950), p. 205-220.

بردنشانده

۱۴۹. R. GHIRSHMAN, Masjid-i Solaiman, ibid. p. 212 sq.
- A. GODARD, در Athār-e Irān, vol. IV (1949), p. 153-162.

لاری

۱۵۰. R. GHIRSHMAN, در Comptes Rendus de l'Académie des Inscriptions et Belles Lettres, 1947, p. 449 sq.

تنگ پیدا

۱۵۱. R. GHIRSHMAN, در ibid., 1949, p. 196-199.

شیمبار

۱۵۲. A. H. LAYARD, A Description of the Province of Khuzistan, در Journal of the Royal Asiatic Society vol. XVI, 1846, p. 84-86.
- E. HERZFELD, در Arch. Mitt. aus Iran, October 1929, p. 71, Tafel VIII.

دزفول

۱۵۳. DIEULAFOY, L'Art, vol. V, p. 105-109, pl. X-XI.

شوشتار

۱۵۳. DIEULAFOY, L'Art, vol. I, p. 3, vol. V, p. 60, pl. XII.

پای پل

۱۵۴. STEIN, Old Routes, p. 171 sq.

ایوان کرخه

۱۵۵. DIEULAFOY, L'Art, vol. V, pl. VII, VIII, IX.

۱۵۶. R. GHIRSHMAN, Mémoires de la Mission archéologique en Iran. Missien de Susiane Rapports préliminaires I. Cinq campagnes de fouilles à Suse (1946-1951), Paris, 1952, p. 10-12.

تفصیلات مک کون در خوزستان جنوبی

۱۵۷. American Journal of Archaeology, vol. (1949), p. 54.

چغازنبیل

۱۵۸. M. RUTTEN, Les documents épigraphiques de Tchogha Zembil در MDP, XXXIII (1953), 88 p.

H. H. PAPER, Elamite Texts from Tchogha Zambil 1636-39, در Journal of Near Eastern Studies, vol. XIV (1955), p. 42-48.

R. DE MECQUEMEN et G. DOSSIN, La "Marre,, de Nabu, در Revue d'Assyriologie, vol. XXXL (1638), p. 129-135 (=une bêche votive en fer avec son manche en cuivre, portant une inscription).

۱۵۹. Bibliographie des 5 campagnes (1951-52 à 1955-56) :

R. GHIRSHMAN, در ILN 5929, 6 Dec. 1952, p. 954-955, 11 fig. (1e campagne 1951-52) ; در ILN 5964, August 1953, p. 226-227, 14 fig. (2e campagne 1952-53) ; در ILN 6011, 3 July 1954 (3e campagne 1953-54) ; در ILN 25 June 1955 (4e campagne 1944-55) ; در ILN, 8 September 1956 (5e campagne, 1955-56).

R. GHIRSHMAN, در Revue archéologique, vol. 42 (1953) p. 1-9. (1e et 2e campagne) ; در ibid., vol. 44 (1944), p. 1-5, 6 fig. (3e campagne) ; در ibid. vol. 46 (1955), p. 63-67, 6 fig. (4e campagne).

R. GHIRSHMAN, در Revue des Arts, vol IV (1954), p. 169-170, 7 fig. (3e campagne).

R. GHIRSHMAN, در Arts Asiatiques, vol. 1 (1954), p. 83-95, 16 fig. (1e, 2e, 3e campagne) ; در ibid., vol. II (1955), p. 163-177, 15 fig. (4e campagne).

R. GHIRSHMAN, در Ars Orientalis (1954), p. 173-174, 2 pl. (3e campagne).

R. GHIRSHMAN, در Comptes Rendus de l'Académie des Inscriptions et Belles Lettres (1954), p. 233-238 (3e campagne).

R. GHIRSHMAN, در ibid. (1955), p. 112-322-327, 1 fig. (4e campagne).

R. GHIRSHMAN, The Ziggurat of Tchogha Zanbil, در Archaeology, vol. 8 (1955), p. 260-263, 10 fig.

مشوش

Mission de W. K. VOFTUS.

۱۶۰. W. K. LOFTUS, Travels and Researches in Chaldaea and Susiana, in 1849-52, London, 1856.

Mission de M. DIEULAFOY.

۱۶۱. J. DIEUALFOY, La Perse, La Chaldee et la Susiane, Paris, 1887.

IDEM, A Suse, Journal des fouilles 1884-1886, Paris, 1888.

M. DIEULAFOY, L'Art.

- IDEML'acropole de Suse de'après les fouillés exécutées en 1884-86, Paris, 1893.
- IDEMLes Antiquités découvertes et rapportées par la Mission DIEULAFOY (1884-1896), Paris, 1913,
- M. DIFULAFOY, Fouilles à Suse, Campagne 1884-1885, در Revue Archéologique, 1885, p. 48-69.
- IDEML Fouilles à Suse, Campagne 1885-1886, در Revue Archéologique, 1887, p. 1-9.
162. Mission de J. DE MORGAN.
- J. DE MORGAN, Fouilles à Suse, 1897-1898, در Revue Archéologique 1889, p. 15-36, 161-187.
- IDEML L'histoire de l'Elam (fouilles à Suse 1897-1902) در Revue Archéologique, 1902, p. 149-171 .
- IDEML Les travaux de la délégation scientifique en Perse, campagne 1906-1907, در Comptes Rendus de l'Acad. des Inscriptions et Belles Lettres, 1907, p. 397-413.
- IDEML Les résultats des derniers travaux 1907-1908, در ibid., 1908, p. 373-379.
- IDEML Nots sur les anciens vestiges de la civilisation susienne, در Revue d'Assyriologie, Paris, 1910. p. 1-10.
- M. PÉZARD et E. POTTIER, Les Antiquités de la Susiane, Paris, 1913.
- LE ROYER DE LONGRAIRE, Travaux archéologiques exécutés en Perse de 1896 à 1898 Par M. J. de Morgan, در Bull. Soc. d'Anthropologie de Paris, 1899, p. 247-263.
- POTTIER, Les fouilles de Suse par la Mission J. de Morgan, در Gazette des beaux-arts, p. 17-32.
- IDEML Les nouvclles découvertes de la Mission de Morgan, در Gazette des beaux-arts, 1906, p. 5-20.
163. Mision de MECQUEENEM.
- R. DE MECQUEENEM, Fouilles de Suse (campagnes 1923-1924), در Revue d'Assyriologie, vol. XXI (1924), p. 105-118.
- IDEML Les derniers résultats des fouilles de Suse در la Revue des Arts Asiatiques, vol. VI (1929-1930), p. 78-88, 7 fig. (coup d'oeil sur travaux faits de 1924-1929).
- IDEML Excavations at Suse (Persia), 1930-1931, در Antiquity 1931, p. 330-343, 12 pl. et 16 fig.
- IDEML The Early Cultures of Susa, در POPE I, p. 134-150, fig. 6-16.
- IDEML The Achaemenid and Later Remains at Susa, در POPE I, p. 321-329, fig. 75-79.
- ۱۶۴- برای نتایج کاوش‌ها از ۱۸۹۷ به مقالات MDP مراجعه کنید و خصوصاً از نظر باستان‌شناسی مقالات زیر اهمیت شایان دارند.
- I, VII, VIII, XII, XIII, XVI, XIX, XX, XXV, XXIX, XXXVI .
- ساده‌ترین مقالاتی که در MDP منتشر شده نقل میکنیم :
- MDP I (1900).
- J. DE MORGAN, Etude géographique sur la Susiane, p. 1-32 .

- IDEML Matières minérales employées à Suse dans l'antiquité, p. 33-39.
- IDEML Ruines de Suse, 50-54.
- IDEML Recherches dans le Tell de la ville royale, p. 55-68.
- G. JEQUIER, Travaux de l'Apadana, p. 69-80.
- J. DE MORGAN, Travaux au Tell de la Citadelle, p. 81-110.
- G. JEQUIER, Travaux de l'hiver 1898-99, 111-138.
- J. DE MORGAN, Description des objets d'art, p. 139-198 (obélisque de Manishtu-Irba (p. 139-142), Stèle de Naram-Sin (p. 144-154), Bas-relief de la Fileuse (p. 159-160), Table de bronze (p. 161-162), Bas-relief de bronze (p. 163-164), Koudourrous (p. 165-182).
- Appendice n. 1, céramique archaïque, p. 183-189, Appendice n. 2, ilex taillés, p. 190-195, Appendice n. 3, constructions élamites, p. 196-198.
- MDP II* (1900).
- V. SCHEIL, Textes élamites-sémitiques (obélisque de Manishtu-Irba, Stèle de Naram-Sin. briques diverses, inscription de Hammurabi, koudourrous dont ceux de Nazimaruttas, Melishihu), 134 p., 24 pl.
- MDP III* (1901).
- V. SCHEIL, Textes élamites-anzanites (briques de Untash Gal Shutruk Nakhunte, Shilhak in Shushinak, textes de Hanni de Kuli Firaoun et de Shikasteh Salman), p. 1-132.
- J. DE MORGAN, Description du Site de Malamir (bas-reliefs rupestres de Malamir), p. 133-143.
- MDP IV* (1920).
- V. SCHEIL, Textes élamites-sémitiques (code de Hammurabi, inscriptions sur briques), 200 pp.
- MDP V* (1904).
- V. SCHEIL, Textes élamites-anzanites (statue de Napirasu, stèle de Shutruk Nakhunte, stèle et barrière de Shilhak in Shushinak, stèle de Shutruru), 116 pp.
- MDP VI* (1905).
- V. SCHEIL, Textes élamites-sémitiques (inscriptions de Naram-Sin. de Karibu Sha Shushinak, d'une statue d'un prince d'Ashnunak, koudourrous, briques diverses, tablettes proto-élamites et liste des signes), 129 pp.
- MDP VII* (1905).
- J. DE MORGAN, Etat de travaux à Suse en 1904, p. 1-8.
- G. JEQUIER, Fouilles de Suse de 1899 à 1902, p. 9-40.
- J. DE MORGAN, Trouvaille du Masque d'argent, p. 43-48.
- IDEML Trouvaille de la Colonne de briques, p. 49-59.

- R. DE MECQUEUNEN, Offrandes du Temple de Shushinak (figurines, statuettes, cylindres et cachets, bijoux, objets en ivoire ou de nacre, céramique), p. 61-130.
- IDEM, Trouvaille de la Statuette, d'or, p. 131-136.
- J. DE MORGAN, koudourrous, p. 137-153.
- B. HAUSSAULLIER, Offrande à Apollon Didyméen, p. 155-165.
- D. L. GRAEDT VAN ROGGEN, Notice sur les anciens travaux hydrauliques en Susiane (Shushter, Dizful, Pa-i Pul. Ahwaz), p. 166-207.

MDP VIII (1905).

- G. JEQUIER, Cachets et cylindres archaïques, p. 1-27.
- J. DE MORGAN, Découverte d'une sépulture achéménide à Suse, p. 29-58.
- J. E. GAUTIER et G. LAMPRE, Fouilles de Moussian, p. 59-149.
- A. JOUANNIN, Les Tumuli de Bahrein, p. 149-157.
- G. LAMPRE, La Représentation du lion à Suse, p. 159-176.
- A. DE LA FUYE, Monnaies de l'Elymaide, p. 177-243.
- G. LAMPRE, Statue de la reine Napir-asou, p. 245-250.
- J. DE MORGAN, Recherches au Talyche persan en 1901, p. 252-341.

MDP IX (1907).

- V. SCHEIL, Textes élamites-anzanites, 231 pp.

MDP X (1908).

- V. SCHEIL et J. E. GAUTIER, Textes élamites-sémitiques (Manishtusu Sargon d'Akkad, fragments du Code de Hammurabi, textes de Untash Gal, koudourrou de Melishuhu, etc.), 98 pp.

MDP XI (1911).

- V. SCHEIL. Textes élamites-anzanites (texte dit „de Naram-Sin”, grande stèle de Shilhak in Shushinak, bronze „aux guerriers”, stèle de Adda Hamiti, divers textes sur briques, sur vases, etc.), 123 pp.

MDP XII (1911).

- M. C. SOUTZO, Etudes des monuments pondéraux de Suse, p. 1-50.
- G. PEZARD et G. BOUDOUX, Mission de Téhéran (fouilles de Tepeh Mill, reconnaissance du site de Khages. Varamin), p. 51-64.
- R. DE MECQ KENEM, Constructions élamites du Tell de l'Acropole de Suse (temple de Inshushinak, temple de Nin-Hur-sag, etc.), p. 65-78.
- M. PEZARD, Etude sur les Intailles susiennes, p. 79-141.
- J. E. GAUTIER, Le sit-Shamshi de Shilhak in Shushinak, p. 143-152.
- P. TOSCANNE, Etude sur le serpent, figure et symbole dans l'antiquité élamite, p. 153-228.

MDP XIII (1912).

Recherches archéologiques.

J. DE MORGAN, Observations sur les couches profondes de l'Acropole de Suse, p. 1-25.

E. POTTIER, Etude historique et chronologique sur les vases peints de l'Acropole de Suse, p. 27-103.

R. DE MECQUENEM, Catalogue de la céramique peinte susienne conservée au Musée du Louvre, p. 105-158.

ضمایم

A. GRANGER, Rapport sur les poteries provenant de fouilles de Suse, p. 159-160.

COUYAT-BARTHOUX, Note sur la céramique susienne, p. 161.

H. LE CHATELIER, Note sur la matière noire et bitumineuse de certains reliefs et statuettes, p. 162.

A. GRANGER, Analyse d'une hache en cuivre, p. 162.

Z. LECAISNE, Note sur les tissus recouvrant des haches en cuivre, p. 163.

MDP XIV (1913).

V. SCHEIL et L. LEGRAIN, Textes élamites-sémitiques (Manishtusu, statue et inscription de Karibu Sha Shushinak, inscriptions d'Assarhaddon, fragments du poème du „jutse souffrant”, tablette de présages, textes de comptabilité), 133 pp.

MDP XV (1914).

M. PEZARD, Mission à Bender Bouchir, documents archéologiques et épigraphiques, 103 pp.

MDP XVI (1921).

L. LEGRAIN, Empreintes de cachets élamites, 59 pp. et XXIII pl.

MDP XVII (1923).

V. SCHEIL, Textes de comptabilité proto-élamites, avec liste de signes proto-élamites, 68 pp. et LIX pl.

MDP XVIII (1927).

G. DOSSIN, Autres textes sumériens et accadiens (textes scolaires, économiques, juridiques, épistolaires, religieux), 94 pp.

MDP XIX (1928).

R. KOECHLIN, Les céramiques musulmanes de Suse au musée du Louvre. 199 pp. et XXIII pl.

MDP XX (1928).

A. DE LA FUYE, Inventaire de monnaies trouvées à Suse, campagnes de fouilles 1925-1926, 1927 et campagnes antérieures à 1925, p. 3-76.

F. CUMONT, Inscriptions grecques de Suse, p. 77-98.

R. DE MECQUENEM, Notes sur la céramique peinte archaïque en Perse, p. 99-132.

MDP XXI (1929) .

V. SCHEIL, Inscriptions des Achéménides à Suse (Darius I, Xerxès, Artaxerxès II, Artaxerxès III), 100 pp.

MDP XXII (1930) .

V. SCHEIL, Actes juridiques susiens, 198 pp.

MDP XXIII (1932) .

V. SCHEIL, Actes juridiques susiens, 215 pp.

MDP XXIV (1933) .

V. SCHEIL, Actes juridiques susiens et inscriptions des Achéménides .

(DARIUS II, ARTXERXES II), 129 pp.

MDP XXV (1934) .

A. DE LA FUYE et J. M. UNVALA, Inventaire des monnaies trouvées à Suse (de 1926 à 1933), p. 1-133.

N. T. BELAIEW, Métrologie élamite (poids recueillis de 1921 à 1933), p. 134-176.

R. DE MECQUENEM, Fouilles de Suse 1929 à 1933 (sur l'acropole et la ville royale), p. 177-237.

J. M. UNVALA, Tessères et médaillons, p. 237-244.

MDP XXVI (1935) .

V. SCHEIL, Textes de comptabilité proto-élamites, 14 pp. et LXV pl.

MDP XXVII (1936) .

P. E. VAN DER MEER, Textes scolaires de Suse, 110 pp.

MDP XXVIII (1939) .

V. SCHEIL, Mélanges épigraphiques (textes historiques, textes juridiques), 161 pp.

MDP XXIX (1943) .

R. DE MECQKENEM, Fouilles de Suse 1933-1938 (Suse, Tépé Bouhallan Tépé Husseinabad, Tépé Zohab), p. 3-161 .

G. CONTENAU, Monuments divers (fragments de koudourrous, céramique susienne, tête d'époque parthe), p. 162-191.

R. PFISTER, Les textiles à Suse, p. 192-194 .

N. BELAIEW. poids en forme de cloche, p. 195-207 .

MDP XXX (1947) .

R. DE MECQUENEM, Contribution à l'étude du palais achéménide de Suse, p. 1-119, 70 fig., 2 plans.

L. LE BRETON, Note sur la céramique peinte aux environs de Suse (Tépé Djaffarabad, Tépé Djowi, Tépé Bendebal) et à Suse, p. 120-219, 53 fig .

M. R. RUTTEN, Cuve décorée provenant de Snse. p. 220-228 .

MDP XXXI (1949).

R. DE MECQUEUNEM, Epigraphie proto-élamite, p. 1-150.

M. RUTTEN, Archéologie susienne (deux fragments de tablette provenant de Suse, au nom de *Siwepalarhuhpak*), p. 151-167.

MDP XXXII (1953).

M. RUTTEN, Les documents épigraphiques de Tchogha Zembil (textes sémitiques et élamites d'UNTASH-GAL), 85 pp.

Les tomes XXXIV et XXXV consacrés aux textes mathématiques de Suse (M. RUTTEN et E. M. BRUINS) et aux recherches à Chogha Zanbil (R. DE MECQUEUNEM) paraîtront prochainement.

MDP XXXVI (1954).

R. GHIRSHMAN, Village perse-achéménide, p. 1-78.

H. PAPER, Note préliminaire sur la date des trois tablettes élamites de Suse, p. 79-82.

M. RUTTEN, Tablette n° 4 de Suse, p. 83-86.

R. VAUFREY, Ossements d'animaux provenant du village perse achéménide, p. 87.

۱۶۵ H. W. ELIOT, Excavations in Mesopotamia and Western Iran, Sites of 4000-500 B. C.; Graphic Analyses. Peabody Museum of American Archaeology and Ethnology, Harvard University, 1950.

در مقاله فوق کاوش‌های پیش از ۱۹۴۶ تجزیه و تحلیل شده و میان پیدایش‌های شوش که غالباً مطابق اصول علمی طبقه‌بندی نشده و کشفیات نقاط تاریخی جنوب بین‌النهرین مقایسه هائی بعمل آمده است.

L. LE BRETON, The Early Period at Susa, Mosopotamian Relations در Iraq, vol. XIX (957), p. 79-124, 45 fig.

۱۶۶ برای مطالعه سفال‌شوش به کتابهای زیر رجوع کنند MDP tomes XIII, XX, XXV, XXIX et XXX.

L. LE BRETON, The Early period at Suse, supra 165.

L. LE BRETON, Essai de classification de la céramique peinte de Suse II. Thèse de l'école du Louvre 1947-1948, در Bulletin des Musées de France, octobre 1948, p. 191-193.

Quelques études concernant la céramique ancienne de Suse :

K. HERTZ, Le décor des vases de Suse et les écritures de l'Asie antérieure, در Revue Archéologique, 1929, p. 217-234.

A. HFRTZ, L'âge de Suse I et II, در Revue Archéologique, 1932, p. 207-217.

S. LAROCHE, Céramique proto-élamite et l'art moderne در L'Amour de l'Art, 1929, p. 297-300, 5 fig.

R. DE MECQUEUNEEM, Vases susiens à personnages, در Revue d'Assyriologie, vol. 34 (1637), p. 149-153, 4 fig.

E. POTTIER, Les trois niveaux archéologiques, Suse I, Suse I bis, et Suse II, در Mém. de

- l'Inst. français d'Archéologie orientale, vol. LXVI (1933-38), p. 939-950.
- E. POTTIER, Une théorie nouvelle sur les vases de Suse, در Revue Archéologique, vol. XXIII (1926), p. 1-39.
- E. POTTIER, L'écriture primitive sur les vases peints de Suse et les origines du style géométrique, در Mélanges G. Glotz, vol. II, Paris, 1932, p. 739-950.
- G. H. RIVIERE, La céramique peinte susienne au Musée du Louvre, در Cahiers d'Art, 1927 p. 65 sq, 14 fig.
- P. TOSCANNE, Les vases à cigogne dans la céramique susienne, در Revue d'Assyriologie, vol. XIII (1916), p. 193-194.
- J. M. UNVALA, The Ceramic Art of Suse, در Bull. School of Oriental Studies, vol. V, p. 1-14, 12 fig.

۱۶۷- آثار ایلامی مکشوف در شوش

- Statuettes de femmes en ivoire. MDP VII (1905), Pl. IV.
- Offrandes de fondation de Shilhak Inshu-Shinak, MDP VII (1905), p. 61-136; pl. XI-XXV, fig. 126-450.
- Statue de la reine Napirasu, MDP VIII (1905), p. 245-250, pl. XV-XVI.
- Stèle d'Untash-Huban, MDP VII (1905), pl. IA.
- Plateau votif en bronze appelé sit Shamshi, MDP XII (1911), p. 143-151.
- Bas-relief de la Fileuse, MDP I (1900), p. 159-160 pl XI.
- Relief d'Adda-Hamiti Inshushinak, MDE XI (1911), p. 76. fig. 12.

۱۶۸- برای مهر های استوانه ای شکل به کتاب های زیر رجوع کنند (1921) et.

- R. DE MECQUENEM, Inventaire de cachets et de cylindres (Suse 1923-24), در Revue d'Assyriologie, vol. XXII (1925), p. 1-15.
- IDE, Inventaire de cachets et de cylindres (Suse 1925-26), در Revue d'Assyriologie, vol. XXIV (1927), p. 7-21.
- IDE, Choix d'intailles susiennes (Suse 1927-28), در Revue d'Assyriologie, vol. XXV (1928), p. 169-177.
- G. CONTENAU, Quelques cylindres de Suse, در Revue d'Assyriologie, vol. XXVIII (1931), p. 27-46.
- M. PEZARD, Les intailles de l'Elam, در Recueils de travaux relatifs à la Philologie et à l'archéologie égyptienne et assyrienne, vol. XXXII (1910), p. 1-14, 3 pl.
- M. RUTTFN, Glyptique susienne, empreintes et cylindres, در Revue d'Assyriologie, vol. XLIV (1950), p. 161-184.
- L. DEAPORTE, Cylindre-cachet élamite, در Revue archéologique, 1911, p. 36-38.
- A. BOISSIER, Cylindre archaïque de Suse, در Revue d'Assyriologie, vol. XXII (1925), p. 105-107.

۱۶۸-الف. بقیه کتابهای که راجع به شوش مطالعه کرده‌اند بقرار زیراند:

- R. DE MECQUEENEM, Une effigie susienne, در Revue d'Assyriologie, vol. XXIII (1926), p. 1-3.
- IDEIM, Outillage préhistorique d'un nouveau sondage profond dans l'acropole de Suse, در l'Anthropologie, 1930, p. 225-232, 7 fig. (objets en silex, en céramique et en os).
- A. DE LA FUYE, Monnaies trouvées à Suse, au cours de la campagne de fouilles 1926-27, در Revue d'Assyriologie, vol. XXIV (1927), p. 127-134.
- J. M. UNVALA, Three Panels from Suse, در Revue d'Assyriologie, vol. XXV (1928), p. 179-185.
169. M. PILLET, Le palais de Darius à Suse, Paris, 1914.
- R. DE MECQUEENEM, Contribution à l'étude du palais achéménide de Suse, MDP XXX (1947), p. 1-119, 70 fig., 2 plans.
- M. DIEULAFOY, L'acropole de Suse, Paris, 1893.
170. E. HERZFELD, Die Magna Charta von Susa, Arch. Mitt. aus Iran, vol. III, fascicule 2-3, p. 29-124, 3 pl.
171. G. CONTENAU, Monuments parthes provenant de Suse, در Bull. des Musées de France, 1948, p. 87-89, 1 fig.
- IDEIM, Tête d'homme d'époque parthe, در MDP XXXIX (1943), p. 18/-191, pl. VIII-IX.
- FR. CUMONT. Portrait d'une reine parthe trouvé à Suse, در Comptes rendus de l'Académie des Inscriptions et Belles Lettres, 1939, p. 330-341, 2 pl. MISSION DE R. GHIRSHMAN.
172. R. GHIRSHMAN, در ILN, 7 October 1950, p. 571-573, 17 fig.
- IDEIM, Mémoires de la Mission Archéologique en Iran, Mission de Susiane, Rapports préliminaires, I. Cinq campagnes de fouilles à Suse (1946-1951, Paris, 1952, 18 p. et 21. fig.
173. IDEIM, Un bas-relief d'ARTABAN V avec inscription en pehlevi arsacide, در Monuments PIOT, vol. XLIV, Paris, 1950, p. 97-107, 2 fig. et 1 pl.
174. IDEIM, Village pré-achéménide, MDP XXXVI, 1954.
- تپه بواجهه
175. J. M. UNVALA, Excavations at Susa in 1929, در Journal of the Camou Institute, n. 17, p. 64-73.
- IDEIM, Fouilles à Suse en 1929, در Revue d'Assyriologie, vol. XXVI (1929), p. 132-142.
- IDEIM, Ancient Sites in Susiana, در Revue d'Assyriologie, vol. XVII (1928), p. 83-93.
- تپه دویسیه
176. R. DE MECQUEENEM, La céramique peinte archaïque en Perse, در MDP XX (1923), p. 113, fig. 19.
- تپه جعفر آباد
177. R. DE MECQUEENEM. ibid., p. 113-115, fig. 20, 21, 22.

L. LE BRETON, Note sur la céramique peinte aux environs de Suse et à Suse, در MDP XXX (1947), p. 124-146, fig. 4-15.

تپه جوی

۱۷۸. L. LE BRETON, Note sur la céramique peinte, ibid., p. 147-172, fig. 16-30.

تپه بندیال

۱۷۹. L. LE BRETON, Note sur la céramique peinte, ibid., 172-193. fig. 31-41.

تپه بوحلان

۱۸۰. R. DE MECQUENEM, Les fouilles de Suse 1933-39, در MDP XXXIX (1943), p. 144 sq.

تپه موسیان

۱۸۱. J. E. GAUTIER et G. LAMPRE, Fouilles de Moussian, در MDP VIII (1905), p. 59-148, nombreux dessins.

۱۸۲. L. VANDEN BERGHE, Les ateliers de la céramique peinte chalcolithique en Iran du sud-est, در Revue archéologique, vol. XXXIX (1952), p. 1-21.

تپه محمد جعفر

۱۸۳. J. E. GAUTIER et G. LAMPRE, Fouilles de Moussian, در MDP VIII (1905), p. 81-83, fig. 109-110.

تپه مراد آباد

۱۸۴. J. E. GKUTIER et G. LAMPRE, ibid., p. 83, fig. 151, 152, 165, 167, 196, 208, 211, 216.

تپه خزینه

۱۸۵. J. E. GAUTIER et G. LAMPRE, ibid., p. 72, 73, fig. 98, 115, 141-143, 164, 166, 171-174, 177, 178, 185, 187, 189, 191, 192, 195, 197, 199, 203, 204, 206, 220, 229, 237, 243, 250, 251, 253, 255, 262, 265, 302, 308.

تپه علی آباد

۱۸۶. J. E. GAUTIER et G. LAMPRE, ibid., p. 73, 80, fig. 99, 108, 138, 238, 282, 298, 300, 301 304, 305, 307.

۸- لرستان

تفحصات ژ. دمرگان در لرستان

۱۸۷. J. DE MORGAN, Recherches Arch.. p. 3-5, fig. 5-8.

تفحصات هرتسفلد در لرستان (کاوش‌های ژیاویران و غیره)

۱۸۸. E. HERZFELD, Bericht über archaologische Beobachtungen im südlichen Kurdistan und in Luristan, در Arch. Mitt. aus Iran, Band I, Heft 2. Oktober 1929, p. 65-73.

تپه گیان

189. E. HERZFELD, Iranische Denkmäler I. Lieferung 3/4. Reihe 1. Vorgeschichtliche Denkmäler B. Niphauanda, Berlin, 1933. Tafeln I-XXVII und 1 Tabelle.
190. G. CONTENAU et R. GHIRSHMAN, Rapport préliminaire sur les fouilles de Tépé Giyan, de Néhavend (Perse), در Syria, vol. XIV (1933), p. 1-11, III pl.
- G. CONTENAU et R. GHIRSHMAN, Fouilles de Tépé Giyan, près de Néhavend 1931-32, Paris, 1935.

در چند موزه ظروف برنزی موجود است که احتمالاً از تپه گیان آمده است

- R. DE MECQUEUNEM, Notes sur la céramique peinte archaïque en Perse, در MDP XX (1928). p. 121-125, fig. 28-30.
- G. CONTENAU, L'ancienne civilisation de l'Iran; les fouilles de Néhavend, در Gazette des Beaux Arts, 1932, p. 1-10, 15 fig.
- IDEIM, Vases de Nihawand, در Bulletin des Musées, de France, 1930, p. 28-29, 4 fig.
- IDEIM, Vases de Tépé Giyan et du Luristan au Musée d'art et d'histoire, در Genava, vol. XIII (1935), p. 56-62, 11 fig.
- IDEIM, "l'oiseau-peigne,, des vases de Tépé Giyan, در Revue d'Assyriologie, vol. XXXII (1935) .
- D. J. GADD, Early Decorated Pots from Iran, در British Museum Quarterly. vol. XI (1937), p. 156-157, pl. XLIV.
- R. HALL, A Prehistoric Persian Jar, در British Museum Quarterly, vol. V (1930), p. 10, 1 fig .
- IDEIM, Early Persian Antiquities, در British Museum Quarterly, vol. III (1928), p. 69-70, pl. XXXIX a.
- IDEIM, Persian Daggers : Early Bronze Age, در British Museum Quarterly, vol. IV (1929), p. 8.
- IDEIM, Early Persian pottery from Nihavand, در Britihs Museum Quarterly, vol. IV (1929), p. 4, 3 fig.
- S. SMITH, Early Painted Pottery from Persia, در British Museum Quarterly, vol. VIII (1933), p. 80-81, 7 fig.
- D. B. HARDEN, Pottery and Beads from near Nehavand, N. W. Persia, in the Ashmolean Museum, در Ancient Egypt and the East, vol. II (1935), p. 73-81, 1 pl. et 33 fig.
- L. SPELEERS, Nos vases du Luristan, در Bull. Musées Royaux d'art et d'histoire, 1935, p. 35-44, fig. 14-25.
- IDEIM, Vases iraniens, در Bull. Musées Royaux d'art et d'histoire, 1941, p. 98 sq, fig. 16-17.
- IDEIM, La Donation S. CORBIAU, در Bull. Musées Royaux d'art et d'histoire, 1946-57, p. 36 sq, fig. 37-44.
- A. MOORTGAT, Altiranisches Ton und Bronze Gerat, در Berliner Museen, vol. 52 (1931), p. 70 sq, 1 Abb.

تپه جمشیدی

191. G. CONTENAU et R. GHIRSHMAN, Fouilles, op. cit., p. 91-108, pl. 70-81, pl. XXIII, XXIV 4, 5.
- تپه بدھورہ
192. G. CONTENAU et R. GHIRSHMAN, Fouilles, op. cit., p. 113-117, pl. 82, pl. XXIV 1, 2, 3.
- کشتهای اتفاقی در حوالی نهادن
193. E. HERZFELD, The Hoard of the Karen Pahlavs, در Burlington Magazine, London, 1928, p. 21-27, 5 fig.
194. L. ROBERT, Inscription hellénistique de Néhavend (Iran) در Hellenica, vol. VII (1949), p. 5-26 .
- A. AYMRD, Du nouveau sur Antiochos III d'après une inscription grecque d'Iran, در Revue des Etudes Anciennes, Bordeaux, 1949, p. 327-345.
- 194a. Catalogue illustré de l'exposition de l'art iranien au Musée Cernuschi, Paris, 1949, p. 40-41.
برنزهای لرستان
195. A. GODARD, Les bronzes du Luristan, Ars Asiatica, vol. XVII, 1931.
196. Quelques autres publications se rapportant aux Bronzes du Luristān : ANONYMUS, Bronzes from Luristan, در Bull. of the Minneapolis Institute of Arts, 1932, p. 115-116 et 146, 1 fig .
- T. J. ARNE, Keulenköpfe, Szepter und Handgriffe von Luristan, در Prussia, vol. 33 (1939), p. 15-20, II 2 Abb.
- IDEIM, Luristan and the West, در Eurasia Septentrionalis Antiqua, vol. IX (1934), p. 277-284, 19 fig.
- IDEIM, Klappern und Schellen aus Luristan در Serta Hoffleriana, Zagreb, p. 73-75.
- L. ASHTON, The Persian Exhibition in 1931, VI, Early Metal Work, در Burlington Magazine vol. 58 (1931), p. 34-45, 6 fig.
- P. BAUFFORD, Idoles et pendeloques de la Perse antique, در Bull. du Musée de Genève, vol. IV (1947), p. 2, 6 fig .
- W. BAUMGARTNER, Zwei neue Luristan Bronzen, در Archiv für Orientforschung, vol. 12 (1937-1939), p. 57-59. 2 Abb.
- F. M. Th. BOHL, De tijdsbepaling der "Bronzen," uit de Luristan, در Jaarbericht Ex Oriente Lux, vol. 9 (1944), p. 193-197, pl. XII-XIII (12 Bronzes de la collection de Liare-Bohl à Leyde) .
- M. L. BOHL, Recently Acquired Iranian Antiquities in the Danish National Museum, در Acta Archaeologica, vol. XXI (1950), p. 183-210.
- H. TH. BOSSERT, Eine neuentdeckte altorientalische Kultur, در Atlantis, 1931, p. 578, 9 fig.
- A. CABRIOL, Bronzes préhistoriques de Perse, در Bull. de la Société préhistorique française, vol. 29 (1932).

- G. CONTENAU, Un cylindre kassite du Luristan (?), در *Revue d'Assyriologie*, vol. XXVII (1931), p. 27 sq.
- IDEM, Les bronzes du Luristan, در Genava, vol. XI (1933), p. 43-48.
- IDEM, Monuments mésopotamiens nouvellement acquis ou peu connus (Musée du Louvre). XXIV. Situles du Louristan, *Rcvue des arts asiatiques*, vol. XII (1938), p. 32-37, pl. XXIII et fig. 1 à 9.
- M. S. DIMAND, Iranian Bronzes, در *Bull. of the Metrop. Museum of Art*, vol. 26 (1931), p. 48-50, 6 fig. et vol. 58 (1933), p. 113-114.
- H. D'ARDENNE DE TIZAC, Révélation d'un style animalier archaïque; les bronzes de Louristan, در *Art et Décoration*, 1931, p. 13-20, 10 fig.
- C. H. DESCH. Metallurgical Analyses of the Bronzes of Luristan, در *Pope I*, 278.
- W. DEONNA, Bronzes du Luristan, در Genava, vol. X (1932), p. 74-98; vol. XII (1934), p. 80-82.
- IDEM, Situles du Louristan, در *Revue d'Assyriologie*, vol. XLII (1948), p. 211-214, 6 fig. (Deux situles en bronze avec scènes en repoussé, du Musée de Genève).
- G. DUMÉZIL, Dieux Cassites et dieux Védiques, à propos d'un bronze du Luristan, در *Revue Hittite et Asianique*, vol. X, fasc. 52 (1950), 18-37, 1 pl.
- R. DUSSAUD, Haches à douille du type asiatique, در *Syria*, vol. IX (1930), p. 245-271, 37 fig., pl. XLII, 1 carte.
- IDEM, Passe-guides du Louristan, در *Syria*, vol. XIII (1932), p. 227-229, 4 fig.
- IDEM, Ceinture en bronze de Louristan avec scène de chasse, در *Syria*, vol. XV (1934), p. 187-199, 2 pl. avec 8 fig.
- IDEM, The Bronzes of Luristan, در *Pope I*, p. 254-277, fig. 53-68, pl. 25-72.
- IDEM, Anciens Bronzes du Luristan et cultes iraniens, در *Syria*, vol. XXVI (1949), p. 196-229, 2 pl., 14 fig.
- R. FORRER, Six bronzes préhistoriques du Louristan, در *Bull. de la société préhist. de France*, t. XXII (1932) p. 191 sq.
- C. J. GADD, Luristan Bronzes, در *British Museum Quarterly*, vol. V (1930), p. 109-110, pl. LIVa.
- C. J. GADD, More Luristan Bronzes, در *British Museum Quarterly*, vol. VI (1931), p. 79-80, pl. XXX.
- IDEM, Bronzes from North-West Persia, در *British Museum Quarterly*, vol. VII (1932), p. 44-45, pl. XVIII.
- IDEM, Three Luristan Bronzes, در *British Museum Quarterly*, vol. IX (1934), p. 94-95, pl. XXIX a, b.
- IDEM, The Raphael Bequest. I. Egyptian and West Asiatic Antiquities, در *British Museum Quarterly*, vol. XV (1941-50), p. 57-60, pl. XXV, b, c et d (=Pirāvand).
- IDEM, A Bronze Handle from Iran, در *British Museum Quarterly*, vol. XII (1939), p. 16, 17, pl. IX c.

- IDEMLuristan Bronzes, from the Collection of Frank Savery. در Transactions of the Oriental Ceramics Society, vol. XIX (1942-43), p. 33-36.
- IDEMLuristan Bronzes from the Raphael Bequest, در British Museum Quarterly vol. XVII (1952), p. 12-13, 8 fig.
- A. GODARD, Bronzes du Luristan, در Athār-é Irān, vol. III (1938). p. 233-263, fig. 145-180.
- IDEMLuristan Bronzes, در Connaissance des Arts, n° 69 (1957), p. 95-101, 10 fig.
- V. GRIESSMAIER, Sammlung Baron Eduard von der Heydt. Ordos-Bronzen aus Luristan und der Kaukasus. Wien, 1936, 110 p.
- R. GROUSSET, Les bronzes du Louristan et l'histoire, در L'Art vivant, 1932, p. 65, 4 fig.
- F. HANCAR, Kaukasus-Luristan, در Eurasia Septentrionalis, Antiqua, vol. 9 (1935), p. 47-112, 49 fig.
- IDEMLuristan Animal Style The and Altai Complex, در Artibus Asiae vol. 15 (1952), p. 171-194.
- E. HERZFELD, در ILN, 1 June 1929 et 8 June 1929, p. 982-983.
- H. C. HOLLIS, A Luristan Bronze در Bull. of the Cleveland Museum of Art, 1931, p. 191-192, 2 fig.
- B. N. HUDSON, Luristan Bronzes, در Boll. of the City Museum of St Louis, vol. 17 (1932), p. 12-14, 2 fig.
- W. P. YETTS, Chinese Contacts with Luristan Bronzes, در Burlington Magazine, vol. 59 (1931), p. 76-81, 3 fig.
- C. LANCASTER, Luristan Bronzes, their Style and Symbolism, در Archaeology, vol. 5 (1952), p. 64-99, 4 fig.
- ST. LANGDON. Some Inscriptions on the Bronzes of Luristan. در Pope I, p. 279-285.
- L. LEGRAIN, Luristan Bronzes in the University Museum, Philadelphia, 1934, 20 pp., 25 plates.
- IDEMLuristan Bronzes from Luristan, در University Museum Bulletin, vol. 11 (1931), p. 194 sq.
- K. MAXWELL-HYSLOP, Note on a Luristan Axe in the Otago Museum, New Zealand, در Iraq, vol. XII (1950), p. 52, 1 fig.
- TH. J. MEEK, Bronze Swords from Luristan, در Bull. of the Amer. Schools of Orient. Research, vol. 74 (1939), p. 7-11, 2 fig.
- J. C. MICHELET, Luristan Bronzes, در Bull. of the Art Institute of Chicago, vol. XXV (1931), p. 92-93, 4 fig.
- V. MINORSKY, The Luristan Bronzes, در Apollo, vol. 13 (1931), p. 141-142.
- A. MOORTGAT, Altiranisches Ton und Bronze Gerät, در Berliner Museen, Berichte aus den Preussischen Kunstsammlungen, vol. 52 (1931), p. 70-73, 4 fig.
- IDEMLuristan Bronzegerat, Berlin, 1932, 15 p., 12 fig.
- M. Aga OGLU, Old Pottery and Bronzes from Persia, در Bull. of the Detroit Institute of Arts, vol. XII (1931), p. 81-86, fig. 4-7.

- A. PARROT, Acquisitions et inédits du Musée du Louvre 3. Bronzes iraniens; Hâche à tranchant de fer et douille de Bronze (Luristan?) در Syria, vol. XXX (1953), p. 5, pl. III 2.
- A. U. POPE در ILN 6 Sept. 1930, 388-391 et 418.
- ILN 13 Sept. 1930, p. 444 sq.
 - ILN 17 Jan. 1931, p. 89.
 - ILN 22 Oct. 1932, p. 613-615, 16 fig.
 - ILN 29 Oct. 1933, p. 666-667, 10 fig.
 - ILN 31 Dec. 1932, p. 1054 sq., 15 fig.
 - ILN 6 May 1939, p. 790-791.
 - ILN 1 March 1941, p. 292 sq.
- A. U. POPE, Exposition internationale d'art persan à l'Académie royale de Londres, در Cahiers d'Art, Paris, 1931, p. 27-34, 22 fig. (Bronzes du Luristān, pour la grande partie provenant du Museum of Fine Arts at Boston).
- IDEIM, Dated Luristan Bronzes, در Bull. of the Amer. Inst. for Persian Art and Archaeology, vol. 3 (1934), p. 19-20.
- H. POTRATZ, Die Luristan Bronzen des Staatlichen Museums für Vorund Frühgeschichte zu Berlin, در Praehist. Zeitschrift, vol. XXX-XXXI (1940), 169-198, 17 fig.
- IDEIM, Die Pferdegebisste des Zwischenstromländischen Raumes, در Archiv für Orientforschung, vol. 14 (1941), p. 1-39, 50 fig.
- IDEIM, Die Luristanischen Pferdegebisste, در Praehist. Zeitschrift, vol. XXXII-XXXIII (1941-1942), p. 169-234, 84 fig.
- IDEIM, Luristanfunde aus dem Mainzer Zentralmuseum, در Ipek, vol. XV-XVI (1941-42), p. 33-62, 4 pl. et 33 fig.
- IDEIM, Das Kampfmotif in der Luristankunst, در Orientalia. vol. 21 (1952), p. 13-36, 20 Tafeln.
- IDEIM, Seheibenkopfnadeln aus Luristan, در Archiv für Orientforschung, vol. XV (1945-51), p. 38-51, 4 fig.
- IDEIM, Bar und Hase in der Bildkunst des alten Luristan, در Archiv für Orientforschung, vol. XVII (1954-1955), p. 121-128, 12 fig.
- IDEIM, Die Luristan Bronzen des Museums für Kunst und Gewerbe in Hamburg, در Zeitschrift für Assyriologie, neue Folge 17 (1955) 180-224. 30 Abb., 5 Tafeln.
- IDEIM, Die Standen-Aufsatke in der Luristankunst, در Anadolu Arastirmalari (=Jahrbuch für Kleinasiatische Forschung, Band III, Heft 1-1955), vol. I (1955), p. 19-42, pl. II-XV.
- S. PRZEWORSKI, Ceramika i bronzy staroiranskie w zbiorach, (Céramique et bronzes iraniens anciens en Pologne), در Bron i Barwa, vol. III (1936), p. 1. 26.
- IDEIM, Luristan Bronzes in the Collection of Mr. Frank Savery, در Archaeologie, vol. 88 (1940), p. 229-269, pl.
- IDEIM, Zagadnienia etnicze Luristanu w VIII przed Chr (Les problèmes ethniques du Louristan

- au VIII^e siècle av. J. C.) در Bull. intern. de L'Académie polonaise des Sciences et des Lettres (Cracovie), 1934, p. 46-49, 2 fig.
- F. VON REXROTH, Bronzen aus Luristan, در Ostasiatische Zeitschrift, vol. 18 (1932), p. 307-313.
- A. ROES, De Bronzen van Luristan, در Jaarbericht Ex Oriente Lux, vol. 7 (1940), p. 477-488, fig. 31 à 33.
- M. ROSTOVTEFF, Some Remarks on the Luristan Bronzes در Ipek, vol. 7 (1931), p. 45-56.
- Er. SARRE, Altpersische Standarte aus Luristan, ein Sonnenensymbol, در Archiv für Orient-forschung, vol. 14 (1942), p. 195-199, 2 Abb.
- M. SAUERLANDT, Das Museum für Kund und Gewerbe in Hamburg 1871-1927, Hamburg, 1929, Tafel 21.
- IDEIM, Bericht über die neuen Werbungen während des Jahres 1931, Museum für Kunst und Gewerbe in Hamburg, 1931, p. 2-7, fig. 1-4, pl. 3-5.
- A. SCHAEFFER, Stratigraphie comparée et chronologie de l'Asie occidentale, Oxford, 1948. p. 477-495.
- H. SCHEFOLD, Bronzes of Luristan, در Eurasia Septentrionalis, vol. VI (1931), p. 67-68.
- B. SEGALL, Greece and Luristan, در Bull. Mus. of Fine Arts-of Boston, vol. 41 (1943), p. 72-76, 16 fig.
- S. SMITH, Rein-ring from Luristan, در British Museum Quarterly, vol. VI (1931), p. 32-33, pl. XV a.
- IDEIM, Two Luristan Bronzes from Southern Arabia, در Archaeologica Orientalia in Memoriam Ernst Herzfeld, New-York, 1952, p. 203-207, 2 fig.
- L. SPELEERS, Nos bronzes preses, در Bull. des Musées Royaux d'art et d'histoire de Bruxelles, 1931, p. 56-63, fig. 26-27, p. 77-90, fig. 9-19.
- IDEIM, Nos nouveaux bronzes perses, در ibid., 1932, p. 56-71, fig. 3-20, p. 93-104, fig. 13-26, p. 115-119, fig. 9-19.
- IDEIM, Nos nouveaux bronzes perses, در ibid., 1933, p. 62-69, fig. 13-32, p. 86-95, fig. 16-48.
- IDEIM, Une épée en fer du Luristan, در ibid., 1933, p. 111, fig. 16.
- IDEIM, Bronzes در ibid., 1934, p. 42-43, fig. 24-26.
- IDEIM, Antiquités iraniennes, در ibid., 1938, p. 35-45, fig. 10-24.
- IDEIM, Une applique de meuble Luristan, در ibid., 1939. p. 83-89, fig. 11-17.
- IDEIM, Vases iraniens, در ibid., 1941, p. 98 sq. (aux p. 105-109 et fig. 19 à 27 sont décrits des vases, caractéristiques pour le Luristān).
- IDEIM, Nos derniers bronzes iraniens, در ibid., 1942, p. 81-87, fig. 11-20.
- IDEIM, La donation S. Corpiau, در ibid., 1946, p. 1-15, fig. 1-46.
- F. STARK, The Bronzes of Luristan, در Geographical Journal, vol. 80 (1932), p. 498-505.
- IDEIM, The Mystery of the Origin of the Luristan Bronzes, در ILN 4889, 31 Dec. 1932, p. 1054 sq, 12 fig.

- IDEML, The Valleys of the Assassins, London 1934.
- IDEML, Luristan, در Journal of the Royal Asiatic Society, 1935, p. 241-251.
- W. D. VAV WIJMGARDEN, De Loeristanbronzen in het Rijksmuseum van Oudheden. Supplement op de niuwereeks XXXV van de Oudheidkundige Mededelingen van het Rijksmuseum van Oudheden, Leiden, 1954, 29 p., 68 fig.
- E. F. WEIDNER, Ausgrabungen in Luristan, در Archiv für Orientforschung, vol. VI (1931), p. 320-322, 7 Abb., vol. YIII (1932-33), p. 255-260, Abb. 5.
- عکس برداری هوانی ا. اشیدت از ناحیه لرستان
197. E. F. SCHMIDT, Flights, p. 39-47, pl. 48-56, p. 77-93, pl. 93-119.
هیئت اعزامی هولمس در منطقه لرستان
198. A. U. POPE, A Note on Some Pottery from the Holmes Luristan Expedition, در Bull. Am. Inst. Pers. Art and Arch., vol IV (1936), p. 120-125, 8 fig. Kamtarlān, Mirvali, Chighā Sabz).
- E. F. SCHMIDT, Fouilles de Kamtarlan, در American Journal of Semitic Languages, Jan. 1936, p. 121 sq.
- IDEML, The Second Holmes Exposition to Luristan, در Bull. Am. Inst. Pers. Art and Arch. vol. IV (1938). p. 205-216, 13 fig. (Surkh-i Dum, Dūmavīzah et Khatun Ban).
- P. FINGESTEM, An Anthropomorphic Vessel from Luristan and the Western Tradition, در The Art Quarterly, vol. XVIII (1955), p. 351-361, 5 fig. (étude sur le vase anthropomorphe de Chighā Sabz).

سرخ دم

- A. U. POPE, در ILN 5220, 6 May 1939, p. 790. sq., 10 fig.
- IDEML, et Ph. ACKERMANN, در ILN 5315. 1 March 1941, p. 292 sq., 10 fig. Archiv für Orientforschung, vol. XIII (1939), p. 88-89, Abb. 1a, 1b, Abb. 2, vol. XIV (1941-42), p. 100-101, q. 226, fig. 4-5.
- H. J. KANTOR, Embossed Plaques with Animal Designs, در Journal of Near Eastern Studies, vol. V (1946), p. 234-238, pl. VII-VIII, fig. 1.
- ۱۹۹ - بسیاری از این صفحات مدور وارد مجموعه آقای گراف شده بودند که اخیراً موزه های پادشاهی هنر و تاریخ شهر بروکسل آنها را خریده اند. برای مطالعه این موضوع به کاتالوگ مصور نمایشگاه های گراف در پاریس و لاھه و کولونی و بروکسل مراجعه نمایند.

Catalogue illustré de l'exposition d'art iranien au Musée Cernuschi 1949, p. 17-29, fig. 23, 25, 27.

200. R. DUSSAUD, Anciens Bronzes du Luristan et cultes iraniens, در Syria, vol. XXVI (1949), p. 196-229, 14 fig., 3 pl.

پشت کوه

201. A. GODARD, Statuette du dieu de la ville de Du-Shu-tir-gazi, در Athār-é Irān, vol. III, fasc. II, p. 233-236, fig. 145-150.
- E. F. WEIDNER, در Archiv für Orientforschung, vol. XVI (1952), p. 148-149.

تفصیلات آقای استین در لرستان

202. STEIN, Old Routes, p. 171-313.

باغ لیمو در سیمراه

203. STEIN, Old Routes, p. 187-189, fig. 60, pl. VII n. 1-3, pl. XXVII n. 5.

تیهخان یا طرهان در سیمراه

204. STEIN, Old Routes, p. 196-198, plan 9, pl. VII n. 4-13.

کوزه‌گران در سیمراه

205. STEIN, Old Routes, p. 198-205, plan 14, fig. 61-65, pl. VII n. 14-23, pl. VIII, pl. XX n. 6, pl. XXLII n. 6-11, 13, 14.

چغا سبز در سیمراه

206. STEIN, Old Routes, p. 210-211, pl. IX n. 2-8.

چغا سبز در رشگان

207. STEIN, Old Routes, p. 218-216, pl. IX n. 9, 10, 21, pl. XX n. 10, pl. XXVII n. 15-17.

چغا بردینه در رشگان

208. STEIN, Old Routes, p. 219 69, pl. IX n. 12.

چغا پهن در رشگان

209. STEIN, Old Routes, p. 222 pl. IX n. 11.

کز آباد یا کازآباد در هلیلان

210. STEIN, Old routes, p. 246-254, plan 16, fig. 76, pl. IX n. 15, pl. X-XXVII.

شیرشقا در هلیلان

211. STEIN, Old Routes, p. 254 pl. IX n. 20.

قلعه گوری (یا قلعه گبری - م.) - کوه دشت

212. STEIN, Old Routes, p. 258-256, pl. IX n. 16, 18, 22.

چغا پهن - کوه دشت

213. STEIN, Old Routes, p. 261-264, plan 17, fig. 78, pl. XI-XII.

ژیر ایران (احتمالاً گریلان - م.) - الشتر

214. STEIN, Old Routes, p. 278-285, plan 18, fig. 87 pl. XIII-XIV n. 2, 4-19, 11-33.

بتکی - الشتر

215. STEIN, Old Routes, p. 286, pl. XV n. 1-4, 7.

چغا بال - الشتر

216. STEIN, Old Routes, p. 288-289, pl. XV n. 5, 6, 8, 10, 11.

چغا کبود - الشتر

217. STEIN, Old Routes, p. 289-290, pl. XIV n. 20, pl. XV n. 9, 12-18.

سائیل بیک-بدآور

218. STEIN, Old Routes, p. 291-298, plan 19, fig. 89-91, pl. XVII, XVIII, XXVIII n. 17, XXXIX n. 1-6.

تلیاب-بدآور

219. STEIN, Old Routes, p. 304-308, plan 20, fig. 88, pl. XIX n. 1-8, 10-20, 24-26, 28-33, 35-37, pl. XX n. 1-5, 7, 9.

چغاسی-بدآور

220. STEIN, Old Routes, p. 311, pl. XXI n. 21-23, 27, 34.

دماویزه-بدآور

221. STEIN, Old Routes, pl. XV n. 19-22, pl. XVI-XXIX n. 8, 10.

تپه‌های ماهی دشت

222. STEIN, Old Routes. p. 414-419.

E. F. SCHMIDT, Flights, p. 46-47.

223. Catalogue illustré de l'Exposition d'art iranien au Musée Cernuschi, 1949, p. 19 et p. 29 n. 42 .

پل دختر (پل شاپور)

224. STEIN, Old Routes, p. 182 fig. 57, 58, 59.

E. HERZFELD, در Arch. Mitt. aus Iran, Band I (1929), p. 73, pl. IX b.

پل خسرو

225. SEEIN. Old Routes, p. 191 .

پل آب برده

226. STEIN, Old Routes, p. 212, fig. 68 .

پل سفله

227. STEIN, Old Routes, p. 236, fig. 73.

شیروان (سرآب کلان)

228. STEIN, Old Routes, p. 229-232, fig. 72.

DE MORGAN, Recherches arch., t. IV, p. 361-365. fig. 216-220, pl. LVII.

در شهر

229. STEIN, Old Routes, p. 206, plan 15, fig. 66-67.

DE MORGAN, Recherches arch., t. IV p. 365-372, fig. 221-222, pl. LVIII.

قلعه هزار در

230. DE MORGAN, Recherches arch., t. IV, p. 372-373, pl. LIX-LXII.

تحقیقات باستان‌شناسی و مردم‌شناسی آقای ه. فیلد

231. H. FIELD, Reconnaissance in Southwestern Asia, در Journal of Anthropology, vol. 7 n. 1 (1951), p. 91-92.

بروجرد

232. M. BAHRAMI, Courrier d'art de Téhéran; un encensoir de bronze, de l'époque parthe, در Astibus Asiae, vol. XI, n. 4 (1948), p. 288-292, fig. 1 et 2. ILN 21 Aug. (1948), p. 215, fig. 2.

هرسین

233. A. GODARD, در Athār-é Irān, vol. III n. 1 (1938), p. 67-70, fig. 39-44.

۹ - کرستان

آثار واقع در کنار جاده بغداد به تهران

234. E. FLANDIN et P. COSTE, Voyage en Perse pendant les années 1840-41, Paris, 1842.
 235. M. DIEULAFOY, L'Art antique de la Perse, Paris, 1884.
 236. J. DE MORGAN, Mission scientifique en Perse, vol. IV. Recherches archéologiques, Paris, 1896.
 237. Fr. SARRE et E. HERZFELD, Iranische Felsreliefs, Berlin, 1910.
 238. E. HERZFELD, Am Tor von Asien, Felsdenkmäler aus Irans Heldenzeit, Berlin, 1920.

قصر شیرین

239. DE MORGAN, Recherches arch., p. 341-357, fig. 202-214, pl. XLI-XLIX.
 SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 237-240, pl. II.
 G. L. BELL, Palace and Mosque at Ukhaidir, London, 1914, p. 34-50, pl. 51-43.

حوش گری

240. DE MORGAN, Recherches arch., p. 357-360, fig. 215, pl. L-LIV.

سر پل

241. نقش اول HERZFELD, Am Tor, p. 3-5, fig. 1, pl. II;
 نقش دوم HERZFELD, Am Tor, p. 5, fig. 2, pl. III, IVa;
 HERZFELD, Iran, p. 183, fig. 297;
 نقش سوم HERZFELD, Am Tor, p. 5, pl. IVb;
 نقش چهارم HERZFELD, Am Tor, p. 53, fig. 13, pl. XXVI .

هورین شیخ خان

242. DE MORGAN, Recherches arch., vol. IV, pl. X.
 HERZFELD, Iran, p. 186, fig. 300-302.

دکان داود

243. H. C. RAWLINSON, March from Zohab to Khuzistan, در Journal of the Royal Geographical Society, vol. IX (1840), p. 38-39.

- FLANDIN et COSTE, Voyage, pl. 210-211.
- DE MORGAN, Recherches arch., vol. IV, p. 302, fig. 177-178, pl. XXXI.
- HERZFELD, Am Tor, p. 6-8, fig. 3, pl. V-VI.
- SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 61, fig. 20-21.
- HERZFELD, Iran, p. 201, pl. XXVI, fig. 315.
- D'après C. DEBEVOISE, The Rock Reliefs of Ancient Iran, در Journal of Near Eastern Studies, vol. I (1942), p. 87, le tombeau rupestre daterait de l'époque séleucide.

اطاق فرهاد

244. H. C. RAWLINSON, March from Zohab to Khuzistan, در Journal of the Royal Geographical Society, vol. IX (1840), p. 41.
- SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 10-61.

اطاق گرا

245. H. RAWLINSON, March from Zohab to Khuzistan, در Journal of the Royal Geographical Society, vol. IX (1840), p. 34.
- FLANDIN et COSTE, Voyage, p. 465, pl. 215.
- DE MORGAN, Recherches arch., vol. IV, p. 335-339, fig. 204, pl. XXXIX.
- SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 232-233, pl. XLVIIa, fig. 112-113.

اطاق بستان

246. DE MORGAN, Recherches arch., t. IV, p. 304-335, fig. 180-208, pl. XXXIV-XXXVIII.
- DIEULAFOY, L'Art, t. V, p. 60, 95-100, 121, 122.
- SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 199-212, fig. 92-98, pl. XXXVI-XXXIX.
- HERZFELD, Am Tor, p. 57-103, pl. XXVI sq., LIV.
- H. G. FAIMER, The Instruments of Music on the Tāqi Bustān Bas-Reliefs, در Journal of the Royal Asiatic Society, 1938, p. 297-412.

247. K. ERDMANN, Das Datum des Taqi Bustan, در Ars Islamica, vol. IV (1937), p. 79-97.
248. E. HERZEELD, Khusrau Parwiz und Tāqi Vāstan, در Arch. Mitt. aus Iran, vol. IX (1938), p. 91-158.
249. IDEM, Am Tor, p. 100-101, pl. LII b.

250. IDEM. Am Tor, p. 110-111, pl. LV-LIX.

- K. ERDMANN, Die Kapitelle am Tāqi Bustan, در Zeitschrift der deutschen Orientgesellschaft, vol. 80 (1943), p. 1-42.
- F. WACHTSMUTH, Zur Datierung des Tāqi Bustan und der Pariser Silberschale, در Zeitschrift d. deutschen Morgenland. Gesellschaft, vol. 99 (1949), p. 212-224.

قلعه کوهنه

251. HERZFELD, Am Tor, p. 115-120, fig. 30-31, pl. LX.

سکاوند (ده نو)

252. DE MORGAN, Recherches arch., vol. IV, p. 299-301, fig. 179, pl. XXXII-XXXIII.

HERZFELD, Iran, p. 205-206, fig. 316.

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 63, fig. 22.

پیستون

253. H. C. RAWLINSON, The Persian Cuneiform Inscription at Behistun, در Journal of the Royal Asiatic Society, vol. X, 1846.

DE MORGAN, Recherches arch., vol. IV, p. 285-291, fig. 165-169, pl. XXVII-XXX.

A. V. W. JACKSON, The Great Behistun Rock, در Journal of the American Oriental Society, vol. XXIV (1903), p. 77-95.

L. W. KING and R. C. THOMPSON, The Sculptures and Inscriptions of Darius the Great on the Rock of Behistun in Persia, London, 1907.

F. W. KONIG, Relief und Inschrift des Kunigs Dareios I Felsen von Bagistan, Leiden, 1938.

SARRE et HERZFEED, Felsreliefs, p. 189-198.

نهاده و نیز مراججه کنند به : S. A. PALLIS, The Antiquity of Iraq, Copenhagen, 1956, p. 89-92.

254. G. CAMERON, The Old Persian Texts of the Bisutun Inscriptions, در Journal of Cuneiform Studies, vol. V (1951), p. 47-54.

R. G. KENT, Cameron's Old Persian Readings at Bisutun, Restaurations and Notes, در ibid., p. 55-57.

R. G. KENT, Old Persian Grammar, New Haven, 1953, p. 107-108, et p. 116 sq.

W. C. BBNEDICT et E. VON LOIGTLANGER, Darius, Bisitun Inscription, Babylonian Version, Lines 1-19, در Journal of Cuneiform Studies, vol. X (1956), p. 1-10.

255. HERZFELD, Am Tor, p. 35 sq et pl. XXI-XXII.

HERZEELD, Iran, p. 289, fig. 385,

256. HERZFELD, Am Tor, p. 55 et pl. LII A.

257. HERZFELD, Am Tor, p. 111, fig. 28.

صحنه (فرهاد و شیرین)

258. FLANDIN et COSTE, Voyage, p. 413.

HERZFELD, Am Tor, p. 8-10, fig. 4, pl. VI-VII.

IDEIM, Iran, p. 201-202, fig. 309.

259. W. HINZ, Zur iranischen Altertumskunde, Ein wiederaufgefundenes medisches Felsgrab, در Zeitschrift Deutschen Morgenl, Gesellschaft, vol. 93 (1939), p. 363-364, pl. 1.

کنگاور

260. FLANDIN et COSTE, Voyage, vol. I, p. 409 sq.

DIEULAFOY, L'Art, t. V, p. 7-11.

SARRE et HERZFELD, Felsreliefs, p. 230-232, pl. XLVII b, XLVIII, fig. 111.

HERZFELD, Iran, p. 281, fig. 303-381, pl. LXXXVII.

همدان

261. DE MORGAN, Recherches arch., vol. IV, p. 235-259, fig. 153-163, pl. XLV.

262. ILN 17 July 1948, p. 58-59, et ILM 21 Aug. 1948, p. 215, fig. 1.
 Catalogue illustré de l'exposition d'art iranien au Musée Cernuschi, p. 35-39, fig. 37-39.
263. HERZFELD. Amtliche Berichte aus Iran, 1931, p. 52 sq. et Arch. Mitt. aus Iran, vo. II (1930), p. 113 sq.
- R. G. KENT, Old Persian Grammar, New Haven, 1951, p. 197, 111, 113, 114, 119, 147, 153, 155.
- ۲۶۴ - محمد تقی مصطفوی در گزارش‌های باستان‌شناسی جلد سوم ۱۳۳۴ ص ۴۸۹-۴۸۲ - ش ۲۲ تا ۰۲۷ - موزه متروپولیتن نیویورک شده‌اند شباهت زیاد دارند. رجوع شود به:
 ILN, 21 July 1956, p. 107, 4 fig.
 این اشیاء با اشیائیکه در سال ۹۰۱ وارد موزه متروپولیتن نیویورک شده‌اند شباهت زیاد دارند. رجوع شود به:
 Metrop. Museum of Art, vol. XIII, 1055, p. 220-223. fig. 220 à 224 et ILN 16 April 1955).
265. HERZFELD, Iran, p. 290, pl. CVI b.
266. ILN 10 Jan. 1935 et Bull. Metrop. Museum of Art, vol. VII (1948), p. 12.
- الوند (گنج نامه)
267. A. V. W. JACKSON, Persian Past and Present, London, 1906, p. 172.
 R. G. KENT, Old Persian Grammar, New Haven, 1953, p. 111, 113, 147, 152.
- تل زهاب
268. R. DE MECQUEUNEM, Note sur la céramique peinte archaïque en Perse, MDP XX (1928), p. 126-128, fig. 32.
- زالوآب
269. A. GODARD, Nouveaux Bronzes de Luristan, Les fouilles du Zalū-Ab, در Gazette des Beaux-Arts, vol. X (1933), p. 129-138, 18 fig.
 IDEM, در Athār-Irān, vol. III (1938), p. 256-260, fig. 178-179.
- ديناور
270. HERZFELD, Am Tor, pl. XIX b.
- پیراوند
271. ILN 4879, 22 October 1932, p. 618 sq.
 Archiv für Orientforschung, vol. VIII (1933), p. 259-260, fig. 6.
 R. DUSSAUD, در POP I. p. 277.
- تفحصات اورل استین در کردستان
272. A. STEIN, Old Routes, p. 314-361.
- کرفتو
273. STEIN, Old Routes, p. 324-346, fig. 97-99 et plan 22.
- تفحصات کارلتون کون در غارهای پیش از تاریخ
274. Carleton S. COON, Cave Exploration in Iran 1949, Philadelphia, 1951, p. 6-15, 33-35, 36, 43, 44, 53-65, 77, 91, 92, pl. I-III.

برای دوران‌های «سنگ‌صیقلی» در کردستان جنوبی رجوع شود به :

D. A. E. GARROD, The Palaeolithic in Southern Kurdistan, در Bulletin of the American School of Prehistoric Research, vol. 6 (1930), p. 9 sq.

زیویه

۲۷۵. A. GODARD, در ILN, 6 May 1950, p. 714-715, 10 fig.

IDEML Le trésor de Ziwiye (Kurdistan), Haarlem, 1950, 139 p. et 109 fig.

IDEML A propos du trésor de Ziwiye, در Artibus Asiae vol. ZIV (1951), p. 240-245.

۲۷۶. R. GHIRSHMAN, Notes iraniennes IV, le trésor de Sakkiz, les origines de l'art mède et les bronzes du Luristan, در Artibus Asiae vol. XIII (1950), p. 191-206, 25 fig.

۲۷۷. M. FALKNER, Der Schatz von Ziwiye, در Archiv für Orientforschung, vol. XVI (1952), p. 129-132.

۲۷۸- بسیاری از اشیائیگه احتمالاً در زیویه پیدا شده‌اند راه موزه‌های امریکا را پیش گرفته مانند موزه‌های :
Cincinnati Art Museum et University Museum of Pennsylvania, Philadelphia.

M. S. DIMAND, Treasures of Iranian Art, در Bull. Metrop. Museum of Art, 1950, p. 145-153 (figure p. 145).

Ch. K. WILKINSON, Assyrian and Persian Art, در Bull. Metrop. Museum of Art, 1954-1955, p. 213-224 (figure p. 216 à 219).

IDEML Two Ancient Silver Vessels, در Bull. Metrop. Museum of Art, 1956, p. 9-15, 10 fig.

R. D. BARNETT, The Treasure of Ziwiye, در Iraq, vol. XVIII (1956), p. III-116, 6 pl., 4 fig.

Au Musée du Louvre :

A. PARROT, Acquisitions et Inédits du Musée du Louvre, 3 bronzes iraniens, bracelet aux lions, Syria, vol. XXX (1935), p. p-11, pl. VI.

سقز

۲۷۹- آقای راد - اطلاعاتی درباره چند محل تاریخی در مغرب ایران در گزارش‌های باستان‌شناسی جلد سوم - ۱۳۳۴
ص ۳۰۷-۳۱۶-ش ۱-۲

۱۰- آذربایجان

تحصیلات ژ. دیرگان در آذربایجان

۲۸۰. DE MORGAN, Recherches arch., vol. IV, p. 6-11, fig. 9, 12-14.

عکس برداری هوایی ا. اشمیدت

۲۸۱. SCHMIDT, Filghts, p. 63-76, pl. 73-92.

تحصیلات اول استین در آذربایجان

۲۸۲. STEIN, Old Routes, p. 361-413.

دینخا

۲۸۳. IDEML Old Routes, p. 566-376, plan 23, fig. 103-105, pl. XXI-XXII.

XXIX 7, 9, 11-18, pl. XXX 1, 3-5.

گرد حسنعلی

284. IDEM, Old Routes, p. 377-381, plan 24, pl. XXIII.
حسنلو
285. IDEM, Old Routes, p. 390-404, plan 25, fig. 106, 108-110, pl. XXIV, XXVI, XXX, n. 2, 6-14, pl. XXXI.

286. R. GHIRSHMAN, Fouilles de Sialk, vol. II, Paris, 1939, p. 78-79 et pl. C.
- حاکمی وراد-شرح و نتیجه کاوش‌های علمی حسنلو (سلووز) در گزارش‌های باستان‌شناسی جلد اول ۱۲۲۹
ص ۸۷-۱۰۳

288. Robert H. DYSON, Iran 1956, در University Museum Bulletin, vol. 21 (1957), p. 37-39, fig. 29.
IDEIM, Iran 1947 : Iron Age Hasanlu. در University Museum Bulletin vol. 22 (1958), p. 25-32, fig. 20-27.
کتاب زیر نیز مطالعه شود : Archaeology, vol. 9 (1956), p. 284-25 et vol. 11 (1957), p. 128.

گوی تپه

289. STEIN, Old Routes, p. 408.
290. A. GODARD, Disque en bronze découvert en Adharbaidjan در Athār-é Irān, vol. III (1938), p. 303-306, fig. 207-209.
291. ILN 23 July 1949, p. 130-131 et ILN 30 July 1949, p. 164-165.
T. BURTON-BROWN, Recent Archaeological Work in Azarbaijan در Asiatic Review, n. 169 (1951), p. 60-65, 6 fig.
T. BURTON-BROWN, Excavations in Azarbaijan, 1948, London, 1951, 279 p., 45 fig. et XVII pl.

تحقیقات غارهای آذربایجان (تمتمه) بوسیله کارلتون کون

292. Carleton S. COON, Cave Explorations in Iran, 1949, Philadelphia, 1931, p. 15-20, 36, 37, 44, 65, pl. IV n. 2-4.

تخت سلیمان

293. A. U. POPE, M. CRANE et D. N. WILBER, The Institute's Survey of Persian Architecture, Preliminary Report on Takhti Sulayman, در Bull. Am. Inst. Iran Art and Arch., dec, 1937, p. 71-105 et 25 fig.
A. U. POPE, A Great Parthian Fortress that defied Mark Antony. در ILN, 26 Feb. 1938, p. 348-349, 4 fig.
D. N. WILBER, The Parthian Structure of Takhti Sulayman, در Antiquity, vol. XII (1938), p. 389-410
SCHMIDT, Flights, p. 72-74, pl. 87-90.

فخرآکه (یا فخریکا یا فخرآکاه یا فقرگاه - م.).

294. H. RAWLINSON, Journey from Tabriz through Kurdistan در Journal of the Royal Geographical Society, vol. X (1841), p. 37.

A. HOUTUM-SCHINDLER, Reisen in Nordwestpersien, در Zeitschrift der Gesellschaft für Erdkunde, vol. XVIII (1883), p. 343.

DE MORGAN, Recherches arch., I, p. 290, fig. 173-175 (de Morgan le cite sous le nom de tombeau d'Endirakach près de Tachiraka).

HERZFELD, Am Tor, p. 10, 11, fig. 5.

IDEML, Iran. p. 202-203, fig. 310

STEIN, Old Routes p. 409-410, fig. 107.

تاش تپه

295. F. W. KONIG, Handbuch der chaldischen Inschriften, Archiv für Orientforschung, Beiheft 8, Teil I, Graz, 1955, Tafel 17, p. 58-59.

سیکیندل

296. M. J. MASHKUR, The History of Urartu Nation and the Discovery of an Urartu Inscription in Iranian Azerbaijan, with a Survey Report in English by Rich. N. Frye, Tehrān, 1953.

کله شین

297. V. MINORSKY, Kela-Shin, la stèle de Topuzawa et les anciens monuments dans la région du Lac Urmia, Leningrad, 1917 (en russe).

DE MORGAN, Recherches arch., vol. IV, p. 291-283, fig. 164 et pl. XXIV-XXV.

M. DE TSERETHELI, La stèle de Kelichine. در Revue d'Assyriologie, vol. XXX (1938), p. 1-48.

G. CAMERON, در Michigan Alumnus Quarterly Review (1962), p. 324-330.

F. W. KONIG, Handbuch der chaldischen Inschriften, Graz, 1955, p. 41-50 Tafel 9.

سلماس (شاھپور)

298. A. W. JACKSON, Persia Past and Present, London, 1906, p. 79-81.

FLANDIN et COSTE, Voyage, pl. 205.

C. F. LEHMANN-HAUPP, Armenien einst und jeszt, vol. I, Berlin, 1910, p. 317 (avec reproduction).

HERZFELD. Iran, pl. CVII a.

ماکو

299. M. BAHRAMI, در Artibus Asiae, vol. XI (1948), fig. 13.

Catalogue illustré de l'exposition d'art iranien au Musée Cernuschi, Paris, 1949, p. 12 et pl. 13.
پیدایی‌های اتفاقی در آذربایجان

300. A. GODARD, Autre objet provenant de l'Adharbaidjan. در Athār-é Irān, vol. III (1938), p. 306-311, fig. 210-213.

301. An Ancient Persian Ibex. در Archaeology, vol. XII n. 4 (1949), p. 193, 2 fig.

طالش

302. J. DE MORGAN, Recherches au Taleche persan, در MDP VIII (1905), p. 251-341, fig. 336-834, pl. XVII-XX.

J. DE MORRAN, La préhistoire orientale vol. III, 1927, p. 185-226.

در تاریخ گذاری « دلمن‌ها » رجوع شود به A. SCHAEFFER, Stratigraphie eomparée et chronologie de l'Asie oecidentale, London, 1948, p. 404-443.

۱۱ - عراق عجم

چشمۀ علی

303. R. DE MECQUEUNEM, Notes sur la céramique peinte archaïque en Perse, در MDP XX (1928), p. 115-121, fig. 23 à 27.
 304. E. F. SCHMIDT, The Persian Expedition at Rayy, در Bull. of the University Museum of Pennsylvania, vol. 5 n. 5 (1935) p. 41-49, pl. VI.
 IDEM, در Bull. Museum of Fine Arts, Boston, vol. 33 (1935), p. 55.
 A. U. POPE, ILN 5018, 22 June 1945, p. 1122 sq, 10 fig.

چال ترخان

305. A. U. POPE, vol. I, pl. 176-177.
 SCHMIDT, Flights, p. 53, pl. 39-40.

دشت و رامین - ناظم آباد

306. G. PÉZARD et G. BOUDOUX, Mission de Téhéran, در MDP XII (1911), p. 51 sq.
 307. Fr. SARRE, Eigürlicher und ornamentale Wandschmuck sqätsasanidischer Zeit در Amtliche Berichten der Berliner Museen, Berlin, 1928, p. 1-6, 10 Abb.

تخت رستم

308. M. SIRIOUX, Takhte Rustam et Takhte Kaikāūus, در Athār-é Irān, vol. III (1938), p. 93-105, fig. 54-63.

تخت کیکاووس

306. IDEM, ibid., p. 105-110, fig. 64-70.

شهرستانک

310. IDEM, Le Kal'e Dukhtar de Shahrestānek, در Athār-é Irān, vol. III (1938), p. 123-132, fig. 77-84.

ملعه بان

311. IDEM, Kalabān, در Athār-é Irān, vol. III 1938, p. 143-153, fig. 88-96.

خوروین

- ۳۱۲ - م. راد و علی حاکمی - کاوش‌های علمی مختصر در کنج تپه و تپه های دیگر خوروین در گزارش‌های باستان‌شناسی جلد اول ۱۳۲۹.

313. L. VANDEN BERGHE, Opgravingen te Khorwin, در Handelingen van het 21e Vlaams Filologencongres te Leuven 12-14 april 2955, p. 117-121.

- IDEM, La nécropole de Khorwin, Guzārishhāyi bāstānshinasi, vol. IV, 1957.

IDEML Khūrvīn (Irān). Nécropole des premières tribus iraniennes, vol. VII des Publications de l'Institut Historique et Archéologique néerlandais de Stamboul, Leyde, 1959.

درروس

۳۱۴- صمدی- اطلاعات اجمالی درباره چند ظرف مکشوفه در درروس شمیران در گزارش‌های باستان‌شناسی جلد ۳
ص ۱۴۶- ۱۲۷

315. A. GODARD, Plat d'argent découvert près de Kazwīn, در Ashār-é Irāu, vol. III (1938), p. 300-302, fig. 204, 205.

ILN 21 Aug. 1948, p. 214, fig. 5.

سره نزدیک ساوه

316. S. PRZEWORSKI, Altorientalische Altertümer in skandinavische Sammlungen, در Eurasia Septentrionalis Antiqua, vol. X (1936), fig. 28, a-d.

HERZFIELD, Iran, fig. 185-186.

IDEML, ILN, 1935, p. 982, fig. 2.

T. J. ARNE, Die Komparativa Samlingarna i Statens Historiska Museum, در Fornvännen, vol. XLII (1936), p. 195, fig. 4a, b, c.

ناحیه ساوه- آوه

317. SCHMIDT, Flight. p. 27-28, pl. 29.

قلعه دختر

318. M. SIRIOUX, Le Kal'e Dukhtar de Kumm, در Athār- Irān. vol. III, (1938), p. 113-120,
fig. 71-74.

319. R. GHIRSHMAN, Fouilles de Sialk, près de Kashan, Paris, 1938, vol. I, p. 61, fig. 10 et 11.

خورهه

320. HERZFIELD, Am Tor, p. 32, pl. XVIII.

IDEML, Iran, p. 283, fig. 382-383, pl. VXXXVIII, LXXXIX a.

نیسپار

321. A. P. HARDY, Le monument de Neisar, در Athār-é Irān, vol. III (1938), p. 163-166, fig.
100-106.

آشکوه- نیماوار

322. A. GODARD, Les monuments du feu, در Athār-é Irān, vol. III (1938), p. 32-39, fig. 14-22.

نطنز

323. IDEML, Le monument sassanide de Natanz, در Athār-é Irān, vol. I (1936), p. 79-82, fig.
52-54.

تپه سیلک

324. R. GHIRSHMAN, Rapport préliminaire sur les fouilles de Tepe Sialk (Kashan), در Syria,
vol. XVI (1935), p. 229-246.

IDEML Fouilles de Sialk, près de Kashan, 1933, 1934, 1937. Paris, tome I, 1938, t. II, 1939.

IDFM, در ILN 4991, 15 December 1934, p. 1005, 6 fig., در ILN 5004, 16 March 1935, p. 416 sq., 13 fig.

IDEML Une tablette proto-élamite du plateau iranien در Revue d'Assyriologie, vol. XXXI (1934), p. 115-119.

De la céramique de Tépé Siyalk est conservée dans plusieurs musées. Citons quelques articles :

P. GLEMENT. Three Ewers from Siyalk in Persia, در Los Angeles Connty Museum, Bulletin of the Art Division vol. 6 (1954), p. 16-24.

C. J. GADD; Early Decorated pots from Iran, در British Museum Quarterly, vol. XI (1937), p. 156-157, pl. XLIII a.

L. SPELEERS, Vases iraniens du nord-est, در Bull. Musées Royaux d'art et d'histoire, (1937), p. 17-22, fig. 18-19.

IDEML Antiquités iraniennes, ibid., 1938, p. 35 sq., fig. 6 à 9.

IDEML Vases iraniens, ibid., 1941, p. 98 sq., fig. 1-14.

IDEML La donation S. CORBIAU, ibid., 1946-1947, p. 39 sq., 45-55.

اصفهان

325. FLANDIN ET COSTE, Voyage, p. 22, pl. 27-27, bis.

HERZFELD, Am Tor, p. 111.

326. A. GODARD. Ateshkâh d'Isfahân, در Athâr-é Irân, vol. II (1937), p. 164-165, fid. 60.

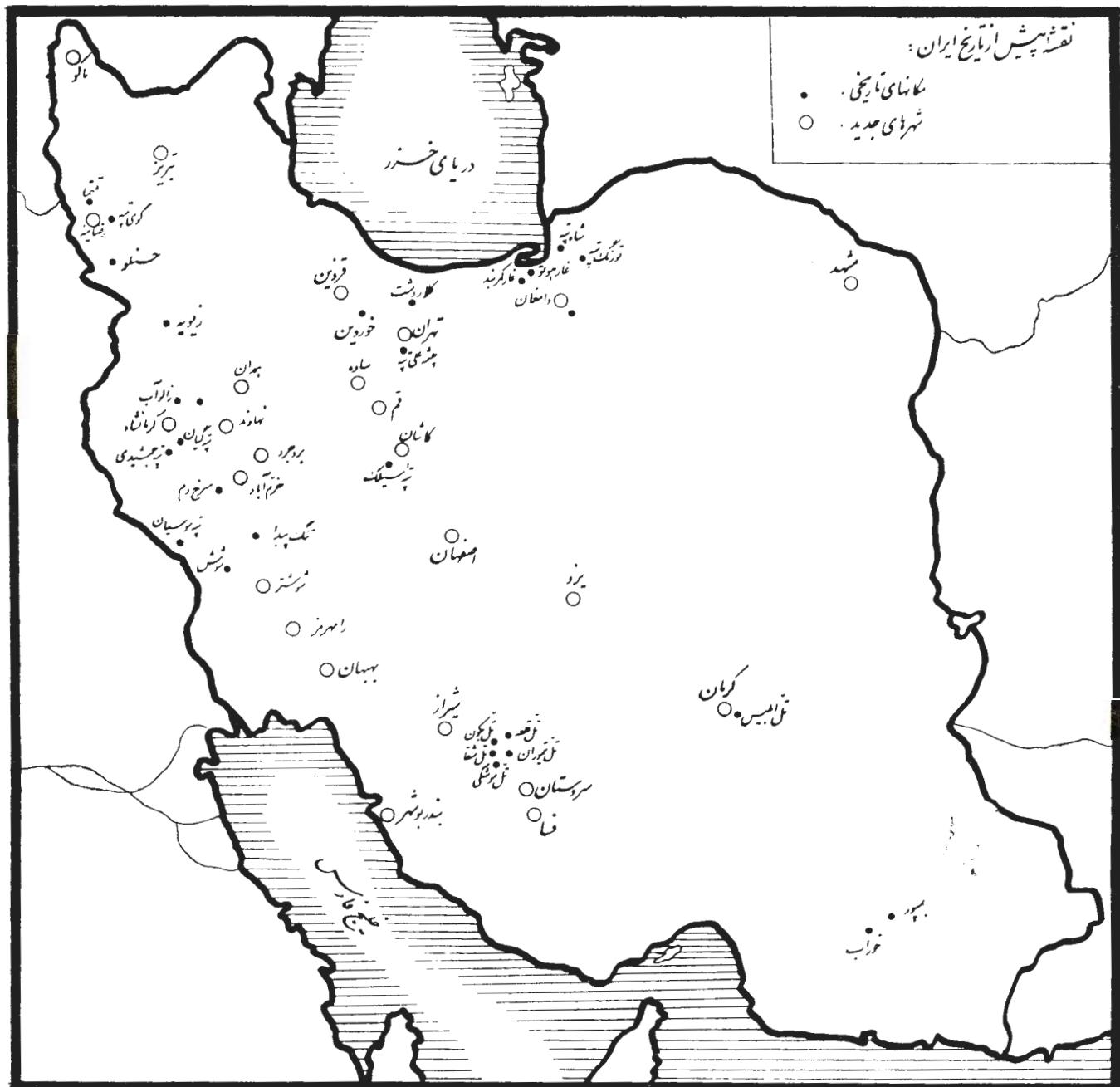
فهرست گاوشهای و گمانه‌ها و تفحصات علمی نسبت بنا بر اینجا انجام آنها

| | | |
|-------------------------|-----------|--|
| Rāwlinson | ۱۸۳۶-۱۸۴۱ | ه. راولینسون در بیستون |
| W. C. Loftus | ۱۸۵۱-۱۸۵۲ | گمانه‌های و. س. لوفتوس در شوش |
| F. C Andreas-F. Stolze | ۱۸۷۸ | گمانه‌های آندرئاس و استولز در تخت جمشید |
| Dieulafoy | ۱۸۸۴-۱۸۹۶ | کاوشهای دیولافوآ و همسرش در شوش |
| J. De Morgan | ۱۸۹۷-۱۹۱۲ | کاوشهای دمرگان در شوش |
| J. E. Gautier-G. Lampre | ۱۸۹۹-۱۹۰۲ | تحقیقات در مکانهای تاریخی پیش از تاریخ بوسیله دمرگان در مازندران و گرگان و لرستان و آذربایجان و طالش |
| Pumpelly | ۱۹۰۰ | کاوشهای پومپلی در آنوا |
| E. Herzfeld | ۱۹۰۰ | آقای هرتسلد در پاسارگاد |
| R. de Mecquenem | ۱۹۱۲-۱۹۳۹ | کاوشهای آقای دیکنمن در شوش |
| M-G. Pézard | ۱۹۱۳ | کاوشهای آقای م. پژارد در بندر بوشهر |
| A. Stein | ۱۹۱۵-۱۹۱۶ | کاوشهای و تفحصات باستانشناسی آقای استین در سیستان |
| | ۱۹۲۰-۱۹۲۶ | مسافرت باستانشناسی آقای هرتسلد در ایران |
| G. Contenau | ۱۹۲۸ | کاوشهای آقای هرتسلد در پاسارگاد و تل بکون |
| F. R. Wulsin | ۱۹۲۸-۱۹۳۰ | کشف برنزهای لرستان |
| E. F. Schmidt | ۱۹۲۱-۱۹۳۴ | کاوشهای آقای هرتسلد در تخت جمشید |
| L. Langsdorf | ۱۹۳۱-۱۹۳۳ | کاوشهای ژرژ کنتن و رمان گیرشمن در تپه گیان و گمانه‌های آقای گیرشمن در تپه جمشیدی و تپه بدھوره |
| J. W. Upton | ۱۹۳۲-۱۹۳۴ | کاوشهای اوپتون در قصر ابونصر |
| T. J. Arne | ۱۹۳۲ | تفحصات باستانشناسی استین در بلوچستان و در فارس |
| | ۱۹۳۳ | تفحصات باستانشناسی پیش از تاریخ آقای آرن در ناحیه گرگان و در شاه تپه بزرگ |
| | ۱۹۳۳-۱۹۳۸ | کلوشهای گیرشمن در تپه سیلک |
| | ۱۹۳۴-۱۹۳۷ | کاوشهای اوپتون در نیشابور |

- L. Le Breton ۱۹۳۰-۳۴-۳۶ کاوشهای آقای لبرتون در اطراف شوش
۱۹۳۴-۱۹۳۶ کاوشهای اشمیدت در ری (چشمدهی تپه)
- تحقيقات باستانشناسی اشمیدت در لرستان و کاوشهای سرخ دم ۱۹۳۴-۳۵-۳۷-۳۸
- Holmes Luristan Expédition (هولمس لرستان اکسپدیشن)
G. Salles ۱۹۳۵-۱۹۳۷ کاوشهای ژرژ سال و گیرشمن در بیشاپور
۱۹۳۵-۱۹۳۶ تفحصات باستان‌شناسی استین در خوزستان و کردستان و آذربایجان
کاوشهای اشمیدت در تخت جمشید و پاسارگاد ۱۹۳۵-۱۹۳۹
کاوشهای گدار و سامی در تخت جمشید (هیئت باستان‌شناسی ایران) ۱۹۴۰
- کاوشهای گیرشمن در شوش و تنگ پیدا (۱۹۴۹) و ایوان کرخه (۱۹۵۰) ۱۹۴۶
کشفیات گنجینه زیوبه ۱۹۴۷
کاوشهای آقای راد در حسنلو (هیئت باستان‌شناسی ایران) ۱۹۴۷
- D. E. Mc Cown ۱۹۴۸ تفحصات علمی مک‌کون در خوزستان جنوبی
T. Burton Brown ۱۹۴۸ کاوشهای بورتن برون در گوی تپه
R. N. Frye ۱۹۴۸ تفحصات زبان‌شناسی دکتر فرای در فارس
G. Cameron ۱۹۴۸-۱۹۴۹ تفحصات زبان‌شناسی کامرون در ایران (مانند بیستون)
کاوشهای آقای سامی در پاسارگاد (هیئت باستان‌شناسی ایرانی) ۱۹۴۹
تفحصات پیش از تاریخ آقای کارلتون کون در غارهای مازندران و خراسان ۱۹۴۹-۱۹۵۱
- Carleton S. Coon و فارس و کردستان و آذربایجان
W. B. Henning ۱۹۵۰ تفحصات علمی زبان‌شناسی هنینگ در فارس
H. Field ۱۹۵۰ تفحصات باستان‌شناسی و بردم‌شناسی آقای فیلد در خوزستان شمالی و در لرستان
گمانه‌های آقای راد و علی‌حکمی در خوروین (هیئت باستان‌شناسی ایرانی) ۱۹۵۰
تفحصات باستان‌شناسی واندنبرگ در ناحیه پاسارگاد و تخت جمشید و شیراز ۱۹۵۱-۲-۳
کاوشهای گیرشمن در چغا زنبیل ۱۹۵۲
گمانه‌های لوئی واندنبرگ در خوروین ۱۹۵۴
کاوشهای ایرانی در خورهه ۱۹۵۶
تحقیقات و تفحصات باستان‌شناسی واندنبرگ در لارستان ۱۹۵۷
- R. H. Dyson ۱۹۵۷-۱۹۵۸ کاوشهای دایسون (از دانشگاه پنسیلوانیا) در حسنلو

نظر اجمالی درباره باستان‌شناسی ایران

و قدمت اشیاء مکشوف در آن



۱ - دوران پیش از تاریخ

دوران پیش از تاریخ شامل دوران درازی است که در حدود چهل قرن ادامه دارد . در نتیجه کاوش‌هایی که دانشمندان در چند تپه بعمل آورده‌اند تأسیسات و گورستان‌هایی مربوط به مردم کشاورز را از زیر خاک بیرون آورده‌اند. اشیاء قابل توجهی که در این تأسیسات پیدا شده سفال‌هایی است که وسیله‌مطمئنی برای تاریخ گذاری آثار و تشخیص تمدن‌های مختلف می‌باشد.

برخلاف بین‌النهرین ، در خاک ایران سفال‌هایی با سبک‌های مختلف پیدا شده ، و این اختلاف نتیجه وضع جغرافیایی این کشور است.

ایران کشوری است که در میان آن دره‌های متعدد قرار گرفته ، در حالیکه بین‌النهرین دشت وسیعی است. میان مردم ساکن دره‌ها روابط دائمی وجود داشته، با این حال هنر هر ناحیه خصوصیاتی مربوط بهمان ناحیه داشته است. با این مراتب هنوز نمیتوان نواحی بسیار مشخصی از نظر سبک‌هنری تشخیص داد، زیرا بسیاری از نقاط ایران هنوز مورد مطالعه دقیق قرار نگرفته است.

در نقاطی که طبقات مختلف منظماً روی هم قرار گرفته و میتوان آن طبقات را با نقاط مشخص شده در بین‌النهرین مقایسه نمود، تاریخ گذاری امکان پذیر است. ولی بعضی تپه‌ها از یکدیگر فاصله زیاددارد و برای تاریخ گذاری آنها با اشکالاتی مواجه هستیم. ذیلاً جدول یا صورتی تهیه کرده‌ایم که دوران‌های پیش از تاریخی را از دوران پالئولیتیک تا آغاز دوران هیخامنشی در آن جای داده‌ایم. در هریک از دوران‌های پیش از تاریخی تمدن‌های مختلف را معرفی نموده‌ایم. برای مطالعه بیشتر راجع به مشخصات هر تمدن، یا مبک هنری ، باید به متن کتاب مراجعه کرد.

جدول

دوران پالئولیتیک : غار هوتو - غار کمربند - خونیک^۱ مهارلو - تمتمه.

دوران مژولیتیک : (در حدود ۸۰۰۰ تا ۴۰۰۰ مساوی کریم شهر در بین‌النهرین) : غار کمربند.

نئولیتیک (در حدود ۴۰۰۰ تا ۲۰۰۰ پیش از میلاد مساوی جارمو ، گرد علی آقا ، حسنونه ، در بین‌النهرین) :

الف - قدیم (پیش از سفال) : غار کمربند.

ب - جدید (سقال) غار هوتو: غار کمریند - تنگ پیدا.

ج - اخیر:

۱- تمدن سیلک اول - چشمه‌علی تپه‌اول، (الف) تپه سیلک (لوحة ۹۴-الف) و شکل ۳۵۶۰.

۲- تمدن طبقه (B) جری: ده نقطه تاریخی در ناحیه پازارگاد شیراز (لوحة ۹۴-الف).

دوران کالکولیتیک قدیم و متوسط (حدود ۳۴۰۰-۴۲۰۰، سامره، تل هلف، تل عبید).

۱- تمدن طبقه دوم سیلک - آنو (IA) چشمه‌علی (IA) تپه مسره (لوحة ۱۵۹-ج)، قلعه دختر

قم، تپه سیلک (لوحة ۱۶۱-ب تا ۱۶۱ ه و شکل ۳۷-۳۸).

۲- تمدن طبقه سوم سیلک - چشمه‌علی تپه (IB) (لوحة ۱۲۵-د ج)، تپه سیلک (لوحة

۱۶۴ تا ۱۶۴ و شکل ۳۹ تا ۴۲).

۳- تمدن طبقه اول تپه حصار: شیرزیان - شاه تپه (III)، تپه حصار (I, IIA) (لوحة ۹۱-۹۰).

و شکل ۱۴-۱).

۴- تمدن طبقه ۵ گیان، چغاپهن، چغا سبز، دماویزه، گیریلان^۱ گرد حسن‌علی اشنو، تل باوه

محمد، تایخان، تل ابلیس، تپه گیان، (لوحة ۸۰-الف-د و شکل ۲۷) - زهاب.

۵- تمدن موسیان: جعفرآباد - مال امیر. تپه‌علی‌آباد - تپه بندبال - تپه جوی - تپه خزینه -

تپه محمد جعفر - تپه مراد آباد - تپه موسیان (شکل ۲۵).

۶- تمدن شوش اول: کوزه گران شوش (لوحة ۹۶-۹۸ و شکل ۱۹-۲) تپه بند بال - تپه

بوحلان - تپه جعفر آباد - تپه دواسیه^۲ تپه هلوایماش^۳، تپه حسین‌آباد - تپه محمد آقا.

۷- تمدن موشکی: سه محل تاریخی در ناحیه پاسارگاد - شیراز (لوحة ۹۴-ب) تل گود رحیم.

۸- تمدن بکون: شیر، دهبید، دوتلان، کناکان، مال امیر، تل بکون (۴-۱-A₂B)

(لوحة ۴۸-۴۷ و شکل ۷-۸) تل گود رحیم، تل گرد اردکان، تل گوریپا^۴، تل حسنک، تل پیر،

تل ریگی، کمال آباد، تل ریگی خسو، تل ریگی مادوان، تل ساکومادوان^۵. تل سنگ سیاه، تل سیاه فسما،

تل سیاه مادوان، تپه بندبال، تپه بوجلان و تپه دیگر در ناحیه پاسارگاد شیراز. (تل جری) (لوحة ۰۵-

تا ۰۶ الف).

دوران کالکولتیک جدید (در حدود ۳۴۰۰-۲۹۰۰، دوران اوروک و جمدت نصر).

۱- تمدن طبقه دوم آنو: آنو.

۲- تمدن شاه تپه - آق تپه، شاه تپه (III) (لوحة ۸ ب تا و) تورنگ تپه (لوحة ۸-الف)

و چند تپه دیگر در ناحیه گران.

۳- تمدن طبقه چهارم گیان - تپه سیلک.

۴- تمدن طبقه بزرخ در شوش (شکل ۲۱).

۵- تمدن کفتری (ده محل تاریخی در ناحیه پاسارگاد - شیراز - تل کفتری لوحه ۵).

دوران برنز قدیم (حدود ۲۹۰۰-۲۰۰۰) : دوران سوسر قدیم و دوران اکد :

۱- تمدن آنو (III) : آنو، آق تپه، نمازگاه تپه، محمد آباد (لوحه ۵-الف).

۲- تمدن طبقه سوم تپه حصار: استرآباد، رستم قلعه، شاه تپه (II)، تپه حصار (لوحه ۱-۱)، تورنگ تپه.

۳- تمدن طبقه ۴ گیان : تپه بدھوره، تپه گیان (لوحه ۱۰۸-۵-۹-۱۰۰-۱۱۰) تپه

جمشیدی، چغاکبود، کمترلان اول (لوحه ۱۲۳-ج).

۴- تمدن شوش دوم: کازآباد، تپه خزینه، میرولی، شوش (لوحه ۱۰۰-۲۴ و شکل ۲۳-۲).

۵- تپه علیآباد (لوحه ۱-الف و شکل ۲۶).

۶- تمدن تل قلعه: تل کمین، تل قلعه (لوحه ۵۲-ب-ج) تل چغا (II) (لوحه ۵۳) تل

تیموران (IV) (لوحه ۵۷) و کیل آباد.

۷- تمدن بمپور خوراب: بمپور، ده قاضی، کتاكان، خوراب (لوحه ۱۸-۱۷) مشی،

مولا، پیرکنار.

دوران برنز متوسط (حدود ۱۶۰۰-۲۰۰۰) : دوران سوسر جدید: ایسین، لارسا، و بابل قدیم.

۱- تمدن طبقه ۳ گیان: تپه بدھوره، تباکی، چغاکبود، چغا سبز، دماویزه، گیریاران ۱-

کازآباد، کمترلان (II) موئیلیک ۲ تپه بدھوره، تپه جمشیدی (لوحه ۵-ب-ج) تپه گیان (لوحه ۱۱۱-۱۱۲-۵).

۲- تمدن تل شقا: تل تیموران (III) (لوحه ۵۸) تل قلعه، تل شقا اول (لوحه ۵۵ و

۴۵ و شکل ۹) تل کمین (لوحه ۵۶) و پنج تپه دیگر در ناحیه پاسارگاد و شیراز.

دوران برنز جدید (در حدود ۱۶۰۰-۱۲۰۰) کاشی‌ها در بین النهرین :

۱- تمدن طبقه دوم گیان: چugasای ۳ تپه گیان (لوحه ۱۱۳) تپه جمشیدی.

۲- تمدن تیموران الف: تل تیموران (A) (لوحه ۶-الف-ج) :

دوران آهن (حدود ۱۲۰۰-۸۰۰) : برنز لرستان (لوحه ۱۱۷ تا ۱۲۴-۱۳۸-۱-ب-ج) :

۱- تمدن طبقه ه سیلک (حدود ۱۲۰۰-۱۰۰۰) :

- تپه گیان (IB) (لوحه ۱۱-الف) تپه سیلک (V) (لوحه ۶۵، تا ۶۷) تپه بدھوره - تل تیموران
 چینه - (لوحه ۶-و).
 ۲- تمدن طبقه ششم سیلک (۱۸۰۰-۸۰۰) تل جلا آباد (لوحه ۶-الف)، نادعلی تپه گیان
 (I,C)، تپه سیلک (VI) (لوحه ۱۷۳-۱۶۸).
 ۳- کلاردشت (لوحه، تا ۳-ج-۴)، خوروین (لوحه ۱۶۲-۱۶۷)، حسنلو (لوحه ۴-۱-ب-ب)
 ج-۵، تا ۱۴۸)، دروس (لوحه ۹۵-الف)، پشند (لوحه ۵۸-الف تا ۷) چندار (لوحه ۱۵۸-۱-ب-ج).
 ۴- گنجینه زیوبه (لوحه ۱۴۳ تا ۱۳۹).

فهرست کتب

کلیات

- G. CONTENAU, La civilisation de l'Iran au IVe millénaire avant notre ère (=Publications de la Société des Etudes Iraniennes n 13), Paris, 1936.
- R. GHIRSHMAN, Notes sur les peuples et l'art de l'Iran préhistorique, در Revue des arts asiatiques vol. 10 (1936), p. 23-26, fig. A-H.
- D. H. GORDON, Sialk, Giyan, Hissar and the Indo-Iranian Connection, در Man in India, vol. XXVII (1947), p. 215 sq.
- E. MC COWN, The Comparative Stratigraphy of Early Iran (=Studies در Ancient Oriental Civilization, 23), Chicago, 1942.
- E. MC COWN, The Relative Stratigraphy and Chronology of Iran, در W. EHRICH's Relative Chronologies in Old World Archaeology, Chicago, 1954, p. 56-68.
- E. MC COWN, The Material Culture of Early Iran, در Journal of Near Eastern Studies, vol. I (1942), p. 424-449, 2 T.
- A. PARROT, Archéologie mésopotamienne vol. II, technique et problèmes, Paris, 1953.

سفال

- G. CONTENAU, The Early Ceramic Art, در Pope I, p. 171-194, fig. 23-29 (Suse, Tépé Giyān, Tépé Hisār, Tépé Siyalk, Tūrang Tépé).
- R. DUSSAUD, Motifs et symboles du IVe millénaire dans la céramique orientale, در Syria, vol. XVI (1935), p. 375-392.
- H. FRANKFORT, Studies in Early Pottery of the Near East: Mesopotamia. Syria and Egypt and their Earliest Interrelation. Royal Anthropological Institute, 1924.
- S. SMITH, Pottery from Persia, در British Museum Quarterly, vol. XII (1938), p. 140, 4 fig.
- L. VANDEN BERGHE, Les ateliers de la céramique peinte chalcolithique en Iran sud-ouest, در Revue archéologique, vol. XXXIX, (1952), p. 1 à 21.

- L. VANDEN BERGHE, Quelques vases thériomorphes iraniens در *Artibus Asiae*, vol. XV (1952), p. 233-240, 5 fig.
- L. VANDEN BERGHE, De beschilderde ceramiek in Iran (la céramique peinte en Iran) در „de Gentse Bijdragen tot de Kunstgeschiedenis”, vol. XV (1954), p. 5-84, 24 fig., XI pl. (avec résumé en français. p. 77-84) et vol. XVI (1955-56), p. 5-54, 4 fig., XI pl. (avec résumé en français, p. 45-54).

میرها

Voir Suse, Tall-i Bakūn, Tépé Hisār, Tépé Siyalk.

PH. ACKRMANN, Early Seals, B. Some Specific Problems, در *Pope I*, p. 290-298.

M. RUTTEN, Early Seals, A. Glyptic Types در *Pope I*, p. 286-289.

M. RUTTEN, Les origines de la glyptique en Mésopotamie et en Iran, در *Babyloniacaca*, vol. XVI. p. 168. sq.

فلزکاری

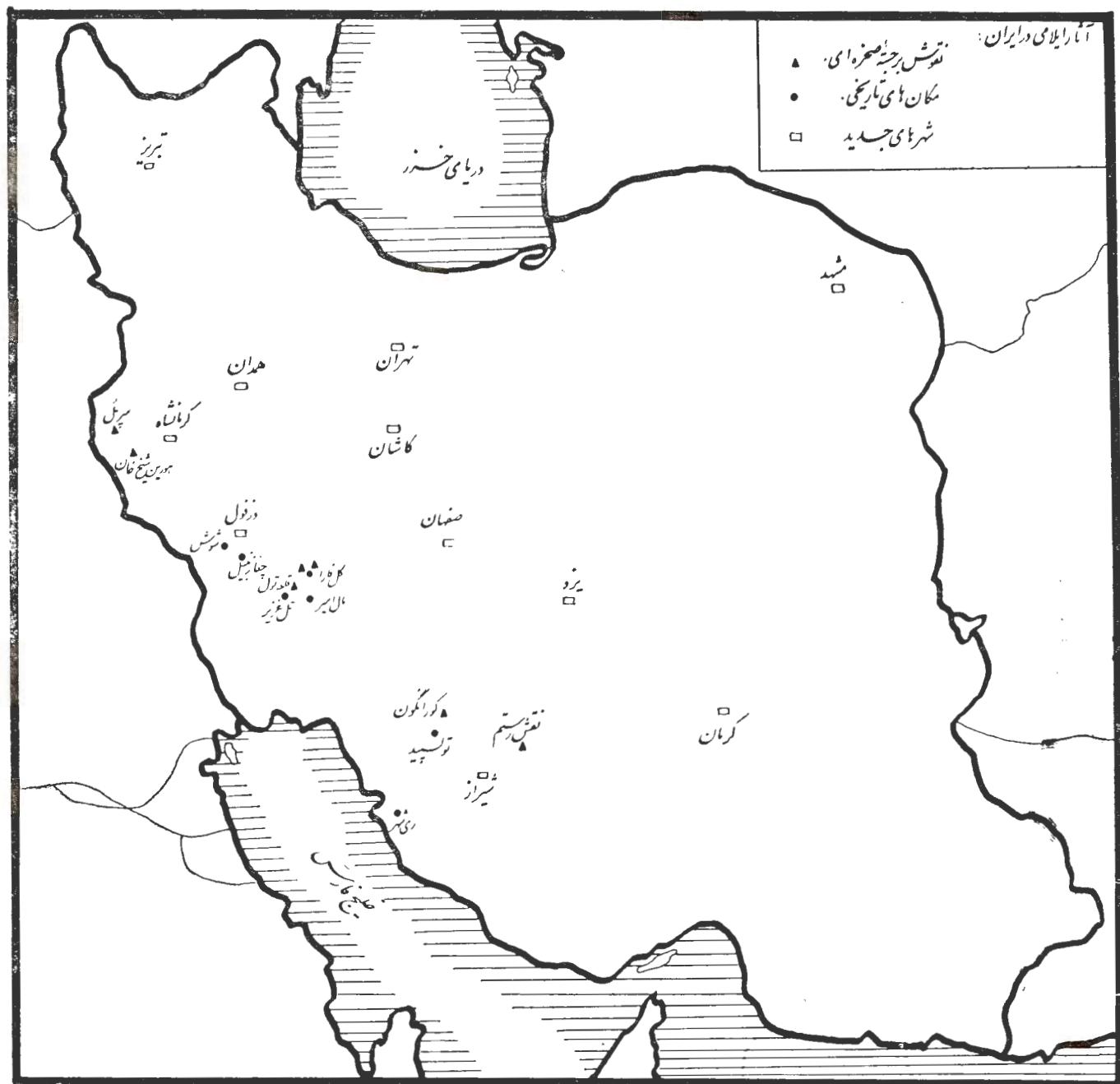
J. DESHAYES, Marteaux de bronze iraniens در *Syria*, vol. XXXV (1958), p. 284-293, 4 fig., pl. XXII.

A. PARROT, Acquisitions et inédits du Musée du Louvre, 9.—Orfèvrerie et bijouterie iraniennes, در *Syria*, vol. XXXV (1958), p. 175-185, fig. 4, 5, 8, 9, pl. XV.

J. E. POLAK, Alte Armbänder mit Schlangenkopfen aus Persien, در *Mitt. Anthropol. Gesellschaft in Wien*, vol. XX (1889), p. 23, fig. 7-9.

S. PRZEWORSKI, Personal Ornaments in Pre-Achaemenid Iran, در *Pope I*, p. 224-253, fig. 50-52.

S. SMITH. Bronzes from Iran and Elsewhere, در *British Museum Quarterly*, vol. XI (1937), p. 58-62, pl. XX, XXI, XXII, 1 fig. (Bronzes provenant de Nihāvand, Bojnourd et Gilvīrān).



۲- دوران ایلامی

تمدن ایلامی‌ها که در جنوب محربی ایران مسکن داشتند بصورت مداوم برای ما روشن نیست. این تمدن شدیداً تحت تأثیر تمدن بین‌النهرین قرار گرفته بود و دوران‌های مختلفش، با در نظر گرفتن روابط آن با جلگه واقع میان دو نهر مطالعه گردیده است. بعلت این تأثیر خارجی گاهی تشخیص تمدن اصلی ایلام مشکل می‌شود.

هنر ایلام بعد از کاوشهای شوش و چغا زنبیل و پس از مطالعه نقوش برجسته کورانگون و نقش رستم و مال امیر و سر پل بیشتر متمایز شد.

در هزاره سوم پیش از میلاد کارهای هنری ایلامیها با کارهای هنری بین‌النهرین جنوبی شباهت زیاد دارد. با اینحال یک حالت ولایتی آنها را متمایز نمینماید. این کارها عبارت‌اند از مجسمه‌ها و لوحه‌های سنگی، مُهرها و ظروف سفالین از نوع ظروف سومر قدیم. در نقوش برجسته سرپل از کارهای دوران آکد اقتباس شده.

در اوخر هزاره سوم پیش از میلاد و اوایل هزاره دوم هنر دوران «پوزورشوشیناک» شباهت به هنر «اور» دارد. در شوش معابد و کاخ‌هایی ساخته می‌شود و هنر مجسمه سازی بوجود می‌آید. نقوش برجسته در کورانگون و نقش رستم مربوط به موضوع‌های مذهبی جلگه بین‌النهرین اند، ولی با این حال دارای خصوصیاتی بیباشند که آنرا از هنر بین‌النهرین متمایز می‌کنند.

دوران عظمت ایلام و استقلال سیاسی و فرهنگی آن، قرون ۱۳ و ۱۲ پیش از میلاد بوده است. کارهای هنری این دوره مشخصاتی دارند، که هیچگاه تا آن زمان در آنها دیده نشده بوده است. در این زمان در شوش و چغازنبیل ساختمانهای مجللی برپانمودند و معابد و زیگورات‌ها یی نظیر زیگورات‌های بین‌النهرین، ولی با خصوصیات محلی، بنا نمودند. هنر فلز‌کاری در این دوران به نتایج بسیار بلندی رسید، و یکی از بهترین نمونه‌های آن مجسمه برنزی ملکه «ناپی-رازو» و نقش برجسته روی صفحه‌ای از برنز است که جنگجویان را نشان میدهد، و از آنها سه مر لوحه‌ای از برنز است که روی آن مجسمه‌های کوچکی از اشخاص را قرارداده اند که مشغول انجام تشریفات مذهبی هستند، و این لوحه برنزی «سیت شمشی» نام دارد و از معبد پادشاهی بنام «شیله‌اک این شوشهیناک» بدست آمده است. هنر جواهرسازی نیز در این زمان در ایلام موفق به پیشرفت‌هایی شد، و مجسمه‌های کوچکی از طلا و نقره و زینت آلات دیگر در انباری در شوش، و تعداد دیگر در چغازنبیل پیدا شد.

نقوش برجسته «اوانتاش هویان» و کاشی‌های لعاب داری که فرشته‌هایی را در طوفین یک درخت خرما و زنها بی‌را در حال عبادت نشان میدهد، کارهای قابل توجهی است که در آن زمان بوجود آمده. بهمین طریق از گل پخته شیرهایی در حال نشسته ساخته‌اند، و بطورکلی خشت‌های پخته لعاب دار آن زمان بدرجۀ هنری بلندی رسیده است.

سپس دورانی میرسد که دیگر از قدرت ایلام هیچ خبری نیست و بعد از آن مجدداً در قرن نهم پیش از میلاد هنر ایلام احیاء می‌شود و تا قرن هفتم شاهکارهایی بوجود می‌آید که در آن نفوذ هنر آشوری مشهود است، مانند نقش برجسته‌ای که زن نویسنده‌ای را نشان میدهد یا نقش برجسته «خانی» در مال امیر و نقش برجسته «آداهمی‌تی». در تمام این کارهای هنری سبک‌ولایتی هنر آشوری، خصوصاً در لباسها مشاهده می‌شود. بعضی کارهای دیگر خصوصیات محلی دارند، مانند سر انسان از گل پخته، که یک مرد ایلامی را نشان میدهد، و شیرهایی از گل پخته که سابقاً روی آن لعاب زده بودند.

جدول

- ۱- معابد ایلامی: چغا زنبیل (لوحة ۹۵-ب-ج شکل ۱۶-۱۷)، شوش.
- ۲- ساختمان‌های دیگر ایلامی: ری شهر - تل غزیر - تولسپید.
- ۳- سنگ‌تراشی ایلامی: هورین شیخ خان - کورانگون (لوحة ۸۵-۸۶ - الف)، نقش رستم (لوحة ۹۲ - الف) قلعه‌تول (لوحة ۹۰ - الف)، قلعه فرا (لوحة ۹۱-ب)، سر پل (لوحة ۱۲۵ - ج - د) شکفت سلمان (لوحة ۹۱ - ب)، شوش (لوحة ۱۰۳-۱۰۲)، چغازنبیل.
- ۴- سفال ایلامی: ری شهر، تل غزیر، چغازنبیل، شوش.
- ۵- جواهرسازی ایلامی: شوش، چغازنبیل.
- ۶- عاج ایلامی: شوش (لوحة ۱۰۱ - ج) چغازنبیل.
- ۷- سُهرهای ایلامی: شوش - چغازنبیل.

نقوش برجسته ایلامی

| آخر هزاره سوم | هورین شیخ خان | کردستان | یک پادشاه (تار...دونی) که با دودشمن مصاف میدهد |
|-------------------|---------------|---------|--|
| » | سر پل | » | پیروزی آنوبانی‌نی پادشاه لولوی |
| » | » | » | پیروزی یک پادشاه |
| » | » | فارس | یک پادشاه مقابله یک خدا |
| » | کورانگون | » | رب‌النوع و رب‌النوع و پرستندگان |
| » | نقش رستم | » | » |
| » | قلعه تول | خوزستان | اشخاص مختلف |
| دوران ایلامی جدید | | | |

| | | | |
|--|---------|------------|-------------------|
| مجلس قراردادن هدایا برای خداوند و چهار نقش دیگر که مجالس پرستش و قربانی را نشان میدهد. | خوزستان | قلعه فرا | دوران ایلامی جدید |
| چهار نقش برجسته با دسته های مرد و زن در حال پرستش. | خوزستان | شکفت سلمان | دوران ایلامی جدید |

فهرست کتب

G. G. CAMERON, History of Early Iran, Chicago 1936.

R. MAYER, Die Bedeutung Elams in der Geschichte des alten Orients در Saeculum, vol. VII,
(1956) p. 198-220



۳ - دوران هخامنشی (۵۵۰-۳۲۱)

نخستین امپراطوری بزرگی که ایرانیان تأسیس کردند امپراطوری هخامنشی بود که بدست کوروش ایجاد شد. این شاهنشاهی شامل تمام آسیای مقدم بود و به مصر و آسیای مرکزی نیز گسترش یافت، ولی در تسلط بر یونان موفقیت حاصل نکرد. عمر این شاهنشاهی کوتاه بود چون در سال ۳۳۱ پ.م. اسکندر مقدونی برآن تسلط یافت.

هنر هخامنشی پیش از همه چیز هنر شاهنشاهی است که در آن همه چیز سربوط به تجلیل شاهنشاه است، مانند کاخ‌های عظیم، و مجالس مربوط به تشریفات شاهنشاهی، و تزیینات وصف نشدنی. از طرف دیگر هنر هخامنشی هنری است بین المللی که نتیجه اختلاط هنر ملل مختلف است و مهمترین عوامل تشکیل دهنده آن هنر آشور و بابل است، مانند استعمال خشت خام برای ساختن دیوارها، و لوحه‌های سنگی، یا کاشی، و نقش‌گاو‌هایی که سر انسان دارند. هنر مصری هم در تشکیل هنر هخامنشی بسی تأثیر نبود، مانند تالارهای ستون‌دار با گلوبی مصری در بالای درها و پنجره‌ها. تأثیر هنر یونانی فقط در نشان دادن چین لباس‌ها مشهود می‌گردد.

تأثیرات دیگری در تشکیل هنر هخامنشی وجود داشته که کاملاً روش نیست، مانند تأثیرات اورارتوبی و ماناپی. این تأثیرات بیشتر در نقوش بالای دخمه‌ها، و در ستونها و سر ستونها، و عوامل تزیینی مشهود می‌گردد.

ساختمان‌ها

مهمترین آثار ساختمانی این دوران آرامگاه‌ها و آتشگاه‌ها و کاخ‌های هخامنشی هنوز در بازار گاد و شوش وخصوصاً در تخت جمشید دیده می‌شود. در ساختمانهای بین النهرين خشت خام یا آجر زیاد بکار رفته است ولی در کاخهای هخامنشی سنگ خاکستری رنگ و ظریف کوههای مجاور را برای ساختن سردرها و پنجره‌های تالارها ترجیح داده‌اند. دیوار واقع بین آنها را با خشت خام ساخته‌اند ولی در کاخهای شوش بیشتر از خشت خام استفاده شده. یکی از خصوصیات برجسته این ساختمان‌ها عظمت آنها و بزرگی و عرض وطول تالارهای ستون‌دار (آپادانا یا تالار تخت) و تالارهای بزرگی است که اطراف آن اطاق‌های متعدد ساخته شده و مخصوص سکن خانواده پادشاهی بوده است.

بعلاوه در این ساختمان‌ها ستون سنگی یا چوبی با سرستونهای مرکب از قسمت جلو تنه گاونر یا شیر یا حیوانات افسانه‌ای زیاد بکار رفته است.

گذشته از آرامگاه کوروش در پازارگاد، آرامگاه‌های دیگر هیخامنشی در تخت جمشید یا نقش‌رستم بصورت دخمه‌هائی در بدنه کوه کنده شده و قدیمترین از نوع دخمه‌ها همان است که در دآودختر و دکان داود دیده شد.

آتشگاه‌های پازارگاد و نقش‌رستم بصورت برج‌های مربعی است که با سنگ‌های تراشیده ساخته شده و پنجراهایی دروغین (یعنی فقط نمای پنجره) دارد و در این آتشگاه‌ها آتشی را که لازم بود روی آتشکده‌ها بسوزانند محفوظ میداشتند.

سنگ تراشی

وضع پیکرسازی دوران هیخامنشی زیاد برما روشن نیست ولی تعداد نقوش برجسته روی سنگ خصوصاً در شوش و پازارگاد و بیش از همه در تخت جمشید بسیار زیاد است. این نقوش برجسته برای تزیین ابنيه و دیواره‌های پلکان آن و درها و پنجرهای بکار میرفته است. موضوع‌هایی که در این نقوش نشان داده شده‌است با تجلیل شاهنشاه ارتباط دارد.

پادشاه روی تخت نشسته و تخت روی سکویی که از کف زمین کمی بالاتر است قرارداده شده است. تخت شاهنشاهی روی شانه‌های نمایندگان ارتش یا نمایندگان ساتراپی‌ها قرار گرفته. نقوش دیگری شاه را در حال خارج شدن از کاخ یا داخل شدن در آن نشان میدهد، و گاهی شاه با حیوانی افسانه‌ای در جنگ است. سربازان محافظ شاهنشاه و خراج‌گزارانی که در هر گوش مملکت هدایائی می‌اورند موضوع دیگری است که در این نقوش مشاهده می‌گردد. سبک سنگ‌تراشی در این نقوش سبک رسمی مصنوعی است (یعنی از روی طبیعت نقش نشده). در قیافه اشخاص هیچ حالت بخصوصی مشاهده نمی‌شود و همگی حالت بسیار سنگین و متینی دارند، و قیافه‌هایشان سرد و خشک است، و این نقوش با یک نواختی مخصوصی تکرار می‌شود. موضوع‌های مذهبی به نقش اهورمزدا منحصر می‌گردد و آنهم به صورت «نشانه‌ای» است و در زیر نقش اهورمزدا شاهنشاه مقابل آشنازی به نیایش می‌پردازد.

نقش روی آجر

آجرهایی که در ساختمان‌های دوران هیخامنشی بکار برده شده‌است یالعاب‌دار است یا بدون‌لعاب. آجرهای بدون‌لعاب بیشتر در شوش بکار برده شده است و در ابتدا روی آنها حیواناتی نقش شده بودند، مانند: گاویش‌های بالدار، و شیرشاخ دار، و بال‌دار، یا حیوانات افسانه‌ای دیگر. این آجرها را با گل رس

نساخته‌اند، بلکه برای ساختن آن‌ها آهک را با ماسه مخلوط کرده، آنرا در قالب‌هایی قرارداده، سپس بکوره برده‌اند.

آجرهای لعاب‌دار را بطريق زیر می‌ساختند: ابتدا ماسه را با آهک مخلوط می‌کردند و آنرا در قالب قرار میدادند و پس از اینکه خشک می‌شد آنرا بکوره می‌بردند و حرارت مختصر به آن میدادند، و سپس بالاعاب آبی رنگ، نقشی روی آن نقش می‌کردند، و مجددآ آنرا بکوره می‌بردند، و پس از اینکه حرارت مختصری با آن می‌دادند باز آنرا از کوره بیرون آورده قسمتها بیایی را که رنگ نخورده بود رنگ می‌زندند، و برای آخرین بار بکوره می‌بردند. لوحة‌هایی که باین طریق بوجود می‌آمد برقنگ آبی یا سفید یا زرد یا سبز بود و نقش آنها عبارت بود از موضوع‌های مربوط به نباتات و حیوانات و گاو‌های نر بالدار و شیر و حیوانات افسانه‌ای و ابوالهول‌هایی که تاج دارند و یا سربازان نگهبان شاهنشاه. ایجاد نقش روی آجرهای لعاب‌دار بیشتر در شوش بکار رفته بود و در تخت جمشید بیشتر نقش روی سنگ‌کنده شده بود.

فلزکاری

هنر فلزکاری مخصوص سلل اسب سوار است، مانند پارسی‌ها. فلزکاری و جواهرسازی هخامنشی را بیشتر در اثر پیدا شدن یک قبر هخامنشی در شوش می‌شناسیم، که مقدار زیادی جواهرات در آن بود، و مقداری از جواهرات هخامنشی نیز در خزانه جیحون و در کاوش‌های همدان بدست آمده است.

آنچه که از فلزکاری و جواهرسازی هخامنشی در حال حاضر در دست استعبارت است از: بشقاوهای نقره با نقشی شبیه به گل پنج‌پر، و یا نقشی مشتمل از برآمدگی‌ها و جام‌هایی شبیه به شاخ حیوان که از طلا یا نقره ساخته شده‌اند و به سر حیوان شاخ داری منتهی می‌گردند، و ظروف دسته‌داری که یک سر حیوان در بالای دسته آن بصورت برجسته قرارداده شده، یا دسته آن بشکل بز بالداری است. جواهرات این دوران عبارتست از گردن‌بند‌هایی مرکب از دانه‌های طلا یا سنگ‌های قیمت‌دار، و انگشت‌هایی، و بازوی‌ندها و گوشواره‌های طلا که طرفین آن به سرشاری یا حیوان افسانه‌ای منتهی می‌گردد، و گوشواره‌هایی شبیه به هلال ماه که در آن صنعت ترصیع بکار رفته. اشیاء برقنی عبارتست از یک پایه مشتمل شکل مرکب از سرشاری که در تخت جمشید پیدا شده، و گاو‌های نر که در شوش بدست آمده است.

مهرهای استوانه‌ای شکل

کنده‌کاری‌های دوران هخامنشی روی سنگ آهکی زیاد دیده می‌شود، ولی روی عقیق کمیاب‌تر است و بدودسته تقسیم می‌شود، یکی مهره‌های استوانه‌ای و دیگری مهره‌های مسطح. روی مهرهای استوانه‌ای بیشتر جنگ یا شکار نشان داده شده، و احتمالاً شکار کننده پادشاه است، که دشمن یا حیوان را مغلوب مینماید. تعداد مُهره‌های مسطح زیاد است و معمولاً بشکل کله قند یا بیضی شکل است و موضوع نقش

آن معمولاً قهرمانی است که حیوانهای افسانه‌ای را مغلوب خود مینماید. این حیوانات عبارتند از موجودات اساطیری، یا عقرب، یا ابوالهول بالدار. روی مُهرهای دیگری آهو یا بزکوهی و گرگ و کفتار و رویاه در حال دویدن، ولک لک در حال پرواز و بلخ و موش و خروس در حال جنگ نشان داده شده. بسیاری از اوقات روی این مهرها قرص خورشید بالدار و نشانه اهورمزدا نیز دیده میشود.

سکه‌ها

سکه‌های طلا (داریک) یا نقره (سیکل) در یک طرف شاه را نشان میدهد که زانو بر زمین زده تیری از کمان میکشد. در تخت جمشید و شوش سکه‌های شاهنشاهی هخامنشی بدست نیامده، و احتمال دارد که این مسکوکات فقط در قسمت غربی مملکت در جریان بوده است.

ظروف

ظروف هخامنشی مرکب است از ظروف و سینی‌های سنگی (سنگ آهک یا مرمر یا سنگ یشم و غیره) که گاهی تزییناتی بشکل سر مرغابی یا قو دارد. ظروف سفالین لعاب‌دار و بدون لعاب نیز در دوران هخامنشی در ایران ساخته میشده است.

جدول

- ۱- تختگاه و استحکامات هخامنشی : ابرج ، برد نشانده ، مسجد سلیمان (لوحة ۹۵-الف و شکل ۱۰)، پازارگاد (لوحة ۴۲ ب-ج)، تخت جمشید.
- ۲- معابد هخامنشی : نقش رستم (لوحة ۱۳-ج) پازارگاد (لوحة ۴۲-الف)، شوش.
- ۳- آتشگاه‌های هخامنشی : نقش رستم (لوحة ۱۳-ب)، پازارگاد (لوحة ۴۲-د).
- ۴- کاخهای هخامنشی : جین‌جین(؟) (لوحة ۸۴-ج-د) پازارگاد ، (لوحة ۲۳-۲۲)، تخت جمشید (لوحة ۴۵- شکل ۳۲)، شوش.

۵- بندهای عهد هخامنشی : ابرج .

۶- آرامگاه‌ها (دخمه‌ها) :

- الف - پیش از هخامنشی ، دکان داود (لوحة ۱۲۵-۵. و شکل ۳۱)، فخرآکاه (شکل ۳۴)
- صیخنه (لوحة ۱۳۴-الف و شکل ۳۳)، سکاوند (لوحة ۱۳۲-ج. و شکل ۳۲).
- ب - هخامنشی : داؤدختر (لوحة ۸۶-ب)، نقش رستم (لوحة ۲۸-الف-ب)، پازارگاد (لوحة ۲۱) تخت جمشید (لوحة ۴-الف-۵-الف) تخت رستم (لوحة ۶۱-ب-ج-د).

۷- نقوش برجسته هخامنشی :

- بیستون (لوحة ۳۳، الف - ب)، قصرابونصر (لوحة ۷۷)، نقش رستم (لوحة ۲۸ - ب)، پازارگاد (لوحة ۲۲ - الف - ۲۳ - ب)، تخت جمشید (لوحة ۴۴ تا ۳۲)، شوش (لوحة ۱۰۵-۱۰۴)، یزد.
- ۸- سفال هخامنشی‌ها : پازارگاد و شوش - تخت جمشید.
- ۹- فلزکاری و جواهرسازی : دماویزه (لوحة ۱۲۴ - ج)، همدان (لوحة ۱۳۰ - ۱۳۶)، پازارگاد، تخت جمشید، شوش (لوحة ۱۰۶ - الف - ب).

۱۰- مهره‌های استوانه‌ای :

همدان - تخت جمشید - شوش.

نقوش برجسته صخره‌ای از زمان ماد (?) و هخامنشی

| ماد(?) قرن ۷-۶ پیش از میلاد | دکان داود | کردستان | بغی که برسم بر دست دارد |
|-----------------------------|-----------|-----------|--|
| داریوش اول ۵۳۱-۴۸۵ | سکاوند | بیستون | بغ و شخصی دیگر (کوماتا؟) مقابل آتشدان |
| داریوش اول ۴۶۰-۴۸۰ | فارس | کردستان | پادشاه در حال نیایش در مقابل اهورمزدا و امیرانی که با زنجیر بسته شده‌اند |
| خشاپارشای اول ۴۲۴-۴۶۰ | » | » | شاه در حال نیایش مقابل اهورمزدا |
| اردشیر اول ۴۰۵-۴۲۴ | » | » | » |
| داریوش دوم ۴۰۵-۴۲۴ | » | تخت جمشید | » |
| اردشیر دوم ۳۶۱-۴۰۵ | » | » | » |
| اردشیر سوم ۳۲۸-۳۶۱ | » | » | » |
| داریوش سوم ۳۲۱-۳۶۱ | » | » | » |

فهرست کتب

کلیات

G. CONTENAU, Sur les éléments constitutifs de l'art achéménide در Revue archéologique, 1940, p. 169 sq.

G. CONTENAU, Les éléments de l'art perse, در Revue d'Assyriologie, vol. 37 (1940), p. 55-74.

G. GOOSSENS, Artistes et artisans étrangers en Perse sous les Achéménidet, در La nouvelle Clio, vol. 1 (1949-50), p. 32-34.

A. MOORTGAT, Halles und die Kunst der Achämeniden, در Mirt. der Altorient. Gesellschaft, vol. II n. 1, Berlin, 1926.

A. T. E. OLMSTEAD, History of the persian Empire, Chicago, 1948.

ساختمان‌ها

S. CASSON, The Aesthetic Character of Achaemenid Arckitecture, در در Pope I, p. 33-335.

G. CONTENAU, Le prototype des chapiteaux achéménides, در Revue des arts asiatiques, vol. VII (1941-32), p. 226 sq.

J. M. UNVALA, Achaemenid Architeeture, Some Inscriptions. در Pope I, p. 336-345.

F. WACHTSMUTH, Achaemenid Architecture, The Principal Monuments, در Pope I, p. 309-320.

پیکر تراشی

S. CASSON, Achaemenid Sculpture, در Pope I, p. 346-366, fig. 80-84.

K. ERDMAN, Griechische und achaemenidischo Plastik, در Forschungen und Fortschritte, vol. 36 (1950), p. 150-153.

H. FRANKFORT, Achaemenian Sculpture, در American Journal of Archaeology, vol. L n. 1, 1946.

MACRIDY. Reliefs gréco-perses de la région de Daskylion, در Bull. de la Correspond. hellénique. vol. 37 (1913), p. 340.

G. M. A. RICHTER, Greeks in Persia, در Amer. Journal of Archaeology, vol. 50 (1946), p. 15 sq.

A. ROES, The Achaemenid Robe, در Bibliotheca Orientalis, vol. 8 (1951), p. 137-141, I pl. 5 fig.

E. W. VON BISSING, Ursprung und Wesen der perzischen Skululptur, در Sitzungberichte der bayerischen Akademie, München, 1927, 36 pp., 2 Tafeln.

فلزکاری
الف-زرگری

P. AMANDRY, Orfèvrerie achéménide, در Antike Kunst, I (1958), p. 9-23 pl. 7-15.

O. M. DALTON, The Treasure of the Oxus, London, 1926.

H. FRANKFORT, A Persian Goldsmish's Trial piece, در Journal of Near Eastern Studies, vol. IX (1950). p. 111-112, I pl.

C. J. GADD, Three Persian Amulets, در British Museum Quarterly, vol. XI (1937), p. 121-122, pl. XXXIVa, b.

C. J. GADD, A Silver Dagger-Hilt. from Iran, در British Museum Quarterly, vol. XII (1939), p. 36-38. I pl.

E. HERZFELD, Eine Silberschüssel Artaxerxes I, در Arch. Mitt. aus Iran, vol. VII (1935), p. 19 sq.

H. J. KANTOR, Achaemenid Jewelry in the Oriental Institute, در Journal of Near Eastern Studies, vol. XVI (1956), p. 1-23, pl. I-XII, fig. I à II,

A. U. POPE, Ancient Persian Arts : Animal Sculpture in Gold and Electron, در ILN n° 5002, 2 March 1935.

G. PUDELKO, Altpersische Armbander, در Archiv für Orientforschung, Band IX (1934), p. 85-88, pl. IV-V.

- T. RICE, Achaemenid Jewelry, در Pope I, p. 377-382, fig. 88.
- Ch. K. WILKINSON, The Art of the Ancient Near East, Bull. Metrop. Museum of Art, 1948-1949, p. 186-193, fig. p. 188-196-197.
- ANOYMU, A Gold Cup from Iran در The Art Quarterly, 1957, p. 491-492, pl. 488.

ب-برنزها

- S. CASSON, Achaemenid Metalwork, در Pope I, 367-386, p. 85-87.
- R. DUSSAUD, Tête de taureau en bronze, d'époque achéménide, در Bull. Musées dc France 1933, p. 138-139, I fie.
- P. FOSSING, Drinking Bowls of Glass and Metal from the Achaemenian Time, در Berytus, vol. IV (1937), p. 121-129, 1 pl.
- H. R. HALL, Bronze Forepart of an Ibex, Antiquaries Journal, 1929, p. 226-218, 2 pl.
- A. MESSERCHMIDT, Eine altpersische Bronze, در Amtl. Ber. aus den konigl. Kunstsamml., 1909 p. 164-199, fig. 103.
- A. PARROT, Bronzes achéménides, در Bull. Musées de France, 1950, p. 161-165, 2 fig.
- A. PARROT, Acquisitions et inédits du Musée du Louvre, 3, Bronzes iraniens, در Syria, vol. 30 (1953), p. 1 ü 5, fig. 1-2 pl. I à III.
- M. C. RUEPPEL, Bronze Sculpture from Ancient Persia, در The Bull. Minneapolis Institute of Arts, 1957, p. 1-3, 1 fig.

سهرها

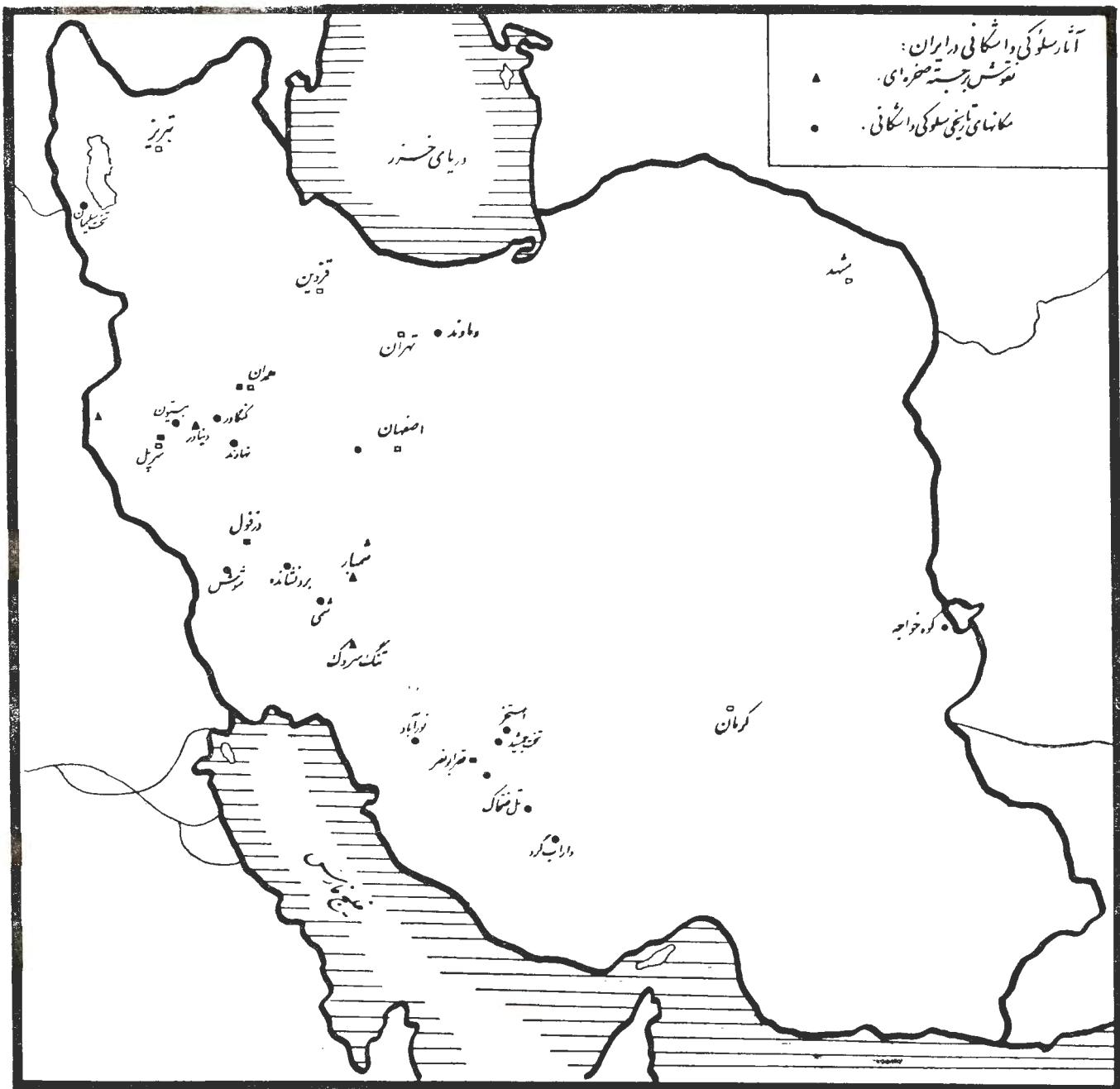
- Eh. ACKERMAN, Achaemenid Seals, در Pope I, p. 389-393, fig. 89-90.
- R. S. COOK, Achaemenid Seals, Aesthetic Character, در Pope I, p. 293-396, fig. 91.
- C. J. GADD, Achaemenid Seals, Types, در Pope I, p. 383-588.
- L. MESSERSCHMIDT, Altpersische geschnittene Steine, در Amtliche Berichte aus den konigl. Knntasamml., 1910, p. 200-204, fig. 90-97.
- J. JOYOTTE, La provenance du cylindre de Darius (B. M. 89123), در Revue d'Assyriologie, vol. 46 (1952), p. 165-167.
- E. MAXIMOVA, Griechisch-persische Kleinkunst in Klein Asien nach den Perserkriegen, در Archaeologische Anzeiger, 1928, p. 646-678.
- G. M. A. RICHTER, Late Achaemcnian or Graeco-Persian Gems, در Commemorative Studies in Honor of Theodore Leslie Shear, Hesperia Supplément, VIII (1949), p. 291-298,
- G. M. A. RICHTER, Greek Subjects on "Graeco-Persian Seal Stones", در Archaeologica Orientalia Ernst Herzfeld, New-York, 1952, p. 189-194.
- H. SEYRIG, Cachets achéménides, در Archaeologica Orientalia Ernst Herzfeld, New-York, 1952, p. 195-202.
- A. STRELKOFP, The Moscow Artaxerxes Cylinder Seals, در Bull. Am. Inst. persian Art and Archaeology, vol. V (1937), p. 17-21, 5 fig.
- H. VON DER OSTEN, The Ancient Seals from the Near East in the Metropolitan Museum, در Bull. of the College Association, vol. XIII (1931), p. 221-241, 133 fig. (étude et catalogue des sceaux achéménides, s éléucides et sassanides du Musée Métropolitain).

سکه‌ها

- D. BABELON, *Traité des monnaies grecques et romaines. III. Monnaies orientales, 1. Numismatique de la Perse antique*, 1933 (de l'époque achéménide à l'époque sassanide).
- B. HEAD, *The Coinage of Lydia and Persia from the Earliest Time to the Fall of the Dynasty of the Achaemenids*, 1877.
- G. F. HILL, *The Coinage of the Ancient Persians*, در Pope I, p. 397-405.
- G. F. HILL, *Catalogue of Greek Coins of Arabia, Mesopotamia and Persia*, London, 1922.
- Gholam Reza KIAN, *Introduction à l'histoire de la monnaie et histoire monétaire de la Perse, origines à la fin de la période parthe*, 251 p., 10 fig., Paris, 1934.

باقتی‌ها

- Ph. ACKERMAN, *Textiles through the Achaemenid Period*, در Pope I, p. 682-685, fig. 245-246.



۴- دوران سلوکی در حدود ۲۱۰ تا ۳۲۱ پیش از میلاد

پس از شکست آخرین پادشاه هخامنشی، داریوش سوم کودمان، در شهر آربل، (۳۳۱ پیش از میلاد)، بوسیله اسکندر مقدونی، شاهنشاهی عظیم پارسی بدست یونانیها افتاد و یونانی مایه وارد قاره آسیا شد. پس از مرگ اسکندر (۳۲۳ پیش از میلاد) سلوکوس قسمت غربی شاهنشاهی را بارث برداشت، و سلسله‌ای تأسیس کرد که تا قرن اول پیش از میلاد (۶۳ پیش از میلاد) ادامه داشت. ولی از اواسط قرن سوم پیش از میلاد قبایل پارت که در جنوب شرقی دریای خزر مسکن داشتند از اطاعت سلوکیها بیرون آمدند و سلسله مستقلی بوجود آوردند که سلسله اشکانی نام داشت.

هنر سلوکی در ایران اثر فوق العاده‌ای نداشت و تعداد این هنرها بروز نموده است. اشیاء مربوط به زمان حکومت سلوکیها بسیار نادر است.

الف - اشیائی که هنرشنان کاملاً ایرانی است و دنباله هنر هخامنشی است، و با دنیا یونانی رابطه‌ای ندارد، مانند بنای آتشگاه نورآباد و آتشگاه دیگری که در کنار صفه تخت جمشید قرار گرفته و نقش بر جسته‌ای در کنار مدخل آن تراشیده شده است.

ب - اشیائی که هنرشنان کاملاً یونانی است و بردو نوع است، یکی آنها یعنی که بدست یونانی انجام گرفته، مانند نقش بر جسته تل ضحاک و شوش و تخت جمشید و نهادوند، و نوع دیگر اینها یعنی ایست که برای مشتریان یونانی یا ایرانی ساخته شده و کمی تحت تأثیر یونانی مایه بوده است، مانند معبد کنگاور و ستونهای خورهه. در این آثار تناسب خطوط مرسوم در اینه قدمی یونان رعایت نشده است.

جدول

معابد سلوکی : استخر- کنگاور (لوحة ۱۳-ب)، خورهه (لوحة ۱۶-ج)، نورآباد (لوحة ۸۴ -

الف - ب) ، تخت جمشید (لوحة ۶۴).

نقش بر جسته سلوکی : دینور (لوحة ۱۱-ج)، نهادوند (لوحة ۱۳-ج)، تخت جمشید (لوحة ۴۳-ب) شمی (لوحة ۹۴ - ج) ، شوش، تل ضحاک (لوحة ۶۴ - د).

سلوکی : تخت جمشید ، شوش ، ری.

سفال سلوکی : شوش.

نقش بر جسته سلوکی

| | | |
|-------|-----------|--|
| سلوکی | تخت جمشید | یک فراتادارا ، با همسرش ، روی کناره دری نزدیک صفة تخت جمشید. |
| سلوکی | " | دو شخص روی کناره دری در کنار صفة تخت جمشید. |

۵- دوران پارت (حدود ۲۵۰ پیش از میلاد تا ۲۴ بعد از میلاد)

پارتها بر عالیه سلوکیها شوریدند و در حدود سال ۲۵۰ پیش از میلاد سلسله اشکانیان را بوجود آوردند. ولی تمام خاک ایران را فقط در اواسط قرن دوم پیش از میلاد بدست آوردند. تاریخ پارتها یک سلسله قیام‌ها و جنگ‌های پارتیزانی بر عالیه رومیها است که در فاصله آنها معاہدات صلحی نیز وجود داشت که بزودی ملغی می‌شد. سلسله اشکانیان با روی کار آمدن سلسله دیگری از ایرانیان، یعنی سلسله ساسانی، منقرض گردید. هنر پارت از سوریه تا آسیای مرکزی گسترش یافت و تحت تأثیرات مختلف قرار گرفت.

ساختمانها

شهرها طبق طرح دایره شکل ساخته شده (فیروزآباد، تخت سلیمان، دارابگرد). دیوار کاخ‌ها را با سنگ‌های نتراسیده بالا برده‌اند، یا آجر و خشت بکار رفته است و میان آن گل و آهک ریخته‌اند، و یا سنگ‌های تراشیده در آن کار گذاشته‌اند. در ابتدا کاخ‌هایی شامل سه ایوان بر پا کرده‌اند، و بجای سقف که در زمان هخامنشی و سلوکی معمول بود طاق هلالی بکار رفته است. ستونها دیگر مسورد استعمال نداشته و نیمه ستونهای تزیینی جای آنرا گرفته است.

روی دیوارها را با گچ بری‌ها می‌پوشانیده‌اند، و موضوع نقش شده گچ بریها خطوط هندسی یا موضوع‌های مربوط به نباتات است، و نقاشی روی دیوار هم معمول بوده است (کوه خواجه).

سنگ تراشی

یکی از خصوصیات پیکرسازی برای مجسمه‌های مردان این است که نواری روی موها پیچیده می‌شود، و ابروها ضخیم، و چشم‌ها بزرگ است، بطوریکه حالت ثابتی به نگاه میدهد. ریش کوتاه و نوک دار است و سبیل‌ها ضخیم و سر بالا است. قبا و شلوار مخصوص پارتها است (درشوش و درشمی). سر مجسمه موزا احتمالاً کار یونانی است و در این مجسمه موها شانه شده و فرق از میان باز شده و کلاهی شبیه به تاج بصورت دندانه‌های دیوار شهرهای مستحکم دارد.

صورت در نقوش بر جسته خیلی کم برجستگی دارد و تقریباً صاف است. حالت اشخاص خشک و بدون حرکت است و اصل جبهه‌ای "کاملاً" در آنها رعایت شده. نقش انسان سوار بر اسب خیلی مورد توجه

۱- اصل جبهه‌ای یعنی نشان دادن اشخاص از رویرو با اینکه کاری را که انجام میدهند طوری است که معمولاً باید از پهلو نشان داده شوند. (م)

هنرمندان این زمان بوده و بهمین طریق پادشاه همراه درباریان یا موبد در حال نیایش، و سوزاندن عود روی آتشدان زیاد دیده میشود. از این دوره چند مجسمه کوچک‌گلی یا استخوانی پیدا شده که الهه برهمه، یا اسب سوارانی را در حال کشیدن تیر از کمان نشان میدهد.

فلزکاری

فلزکاری در میان هنرمندان ایرانی مقام مهمی را حائز بود و از زمان هیخامنشی در ایران مرسوم بوده است. در زمان پارتها این سنت هنری ادامه یافت و ماسانیان آنرا تقویت کردند. اشیاء مهمی از فلز که در این زمان ساخته شده عبارتست از جامها و بشقابها و جواهراتی که نقوش آن گاهی بسیار پیچیده است و گاهی نیز مرقع میباشد (تاج، گوشواره با آویزهای متعدد، و سنjac سینه و غیره). اشیاء برنزی کمیاب است و مجسمه شمی و اشیاء برنزی که همراه آن بوده است استثنائی است.

مهرهای استوانه‌ای شکل

مهرهای استوانه‌ای متعلق به اشکانیان هنوز خوب مطالعه نشده است. در نقاط تاریخی خارج از ایران کنونی، مانند «دورا اورپوس» و سلوکیه، مجموعه‌های مهمی از مهرهای اشکانی پیدا شده، و اختلاف آن با مهرهای ساسانی زیاد نیست. شکل مهرهای این دوره مانند مهرهای معمولی است و غالباً از انواع عقیق است. موضوع هایی که روی آن نشان داده شده عبارتست از نیم تنہ انسان، یا بزکوهی، یا حیوان افسانه‌ای، یا نباتات، یا اسب سواران، و مجالس شکار، و موضوع‌های مربوط به یونان و روم، مانند بعضی از حشرات، یا «اروس»^۱ و «آرتمیس»^۲.

سکه

در ابتدای دوران پارت سکه‌ها به سبک یونانی است و روی آن نقش پادشاه از نیم رخ دیده میشود، و در پشت سکه‌ها خطوط یونانی، و از زمان مهرداد چهارم خطوط پهلوی اشکانی بچشم میخورد، که در اطراف نقش مرکزی قرار گرفته است. بعدها سکه‌ها به سبک شرقی ساخته میشود و در آن پادشاه از تمام رخ و بصورت مصنوعی نقش میگردد. با اینحال اثر هنر «یونان و باختر»^۳ در آن محسوس است.

سفال

سفال پارت مرکب است از جام‌های معمولی و «ریتون‌ها»^۴ و قمه‌ها و کوزه‌ها و خمره‌ها با

۱-Doura Europos ۲-Eros ۳-Artemis ۴-نوع یونان

۴- مقصود از هنر «یونان و باختر» هنری است که در نتیجه تأثیر هنر یونان در افغانستان بوجود آمد. (م)

۵- ریتون Rhyton جامی است که شبیه به شاخ حیوان است. (م)

دهانه‌های بلند و شکم بزرگ. روی این سفال لعاب کمرنگ آبی یا خاکستری زده‌اند. بعضی از تابوت‌هارا نیز با گل پخته لعاب دار شبیه به تابوت‌های مصری ساخته‌اند.

جدول

- ۱- معابد اشکانی: در کوه خواجه (شکل ۵)، شمعی، تخت سلیمان.
- ۲- سنگ تراشی اشکانی: برد نشانده، بیستون (لوحة ۱۳۳ - ج. د.) همدان، سر پل، شمعی (لوحة ۹۴ - الف. ب. د.) شیمیار، شوش (لوحة ۱۰۷ - ج. ۱۰۷ - الف. ب.)، تنک سروک (لوحة ۸۷ - ۸۹).
- ۳- گچ بری اشکانی: کوه خواجه (لوحة ۱۶ - الف. ب. ج.) شوش.
- ۴- سفال: دماوند (لوحة ۳ - د)، کوه خواجه، مکران، نریشان، ری، شوش، تپه بولجیه.
- ۵- جواهرسازی: نهاوند، شوش.
- ۶- برنز اشکانی: شمعی، بروجرد.
- ۷- کار روی استخوان و عاج: شوش.
- ۸- مُهر و سکه: دماوند، قصر ابونصر، ری، شوش.

نقوش بر جسته پارت

| تجلیل ساترآپ‌ها از پادشاه پیروزی بر مهرداد | کردستان | بیستون | مهرداد دوم ۱۲۳-۸۸ |
|---|---------|----------|-------------------|
| موید در حال سوزاندن عود روی آتشدان | » | » | گودرز دوم ۳۸-۰۱ |
| اسب سوار | » | سرپل | پارت |
| گروه اشخاص | خوزستان | شمبار | » |
| نقش بر جسته مربوط به امور مذہبی (مؤید مقابل آتشدان) یا مجالس شکار (شکار شیر) | » | تنک سروک | » |

فهرست کتب

کلیات

N. C. DEBEVOISE, A Political History of Parthia, Chicago, 1938.

N. C. DEBEVOISE, „Parthian Problems”, در Am. Journal of Semitic Languages and Litteratures, vol. XBVII, 1931.

N. C. DEBEVOISE, Did the Parthians have an Art?, در Journal of the American Oriental Society, vol. XLIX (1932), p. 369.

- FARKAS, Die Iconographie des Partherkönige, Paris, 1933-35.
- C. HOPKINS, Aspect of Parthian Art in the Light of Discoveries from Dura Europos, در Berytus, vol. III, fasc. I (1936).
- M. I. ROSTOVZEFF, Dura Europos and the Problem of Parthian Art, در Yale Classical Studies, vol. V (1935), p. 157-304, 85 fig.
- M. I. ROSTOVZEFF, L'art gréco-iranien, در Revue des arts asiatiques, vol. 7 (1931), p. 202 sq.
- M. I. ROSTOVZEFF, Caravan Cities, Oxford, 1932.
- Fr. SARRE, Parthian Art, در Pope I, 406-410.

ساختمان‌ها

- N. C. DEBEVOISE, Some Problems of Parthian Architecture, در Journal of the American Oriental Society, vol. XLIII (1931), p. 357.
- H. J. LENZEN, Architektur der Partherzeit in Mesopotamien und ihre Brückenstellung zwischen der Architektur des Westens und des Ostens, در Festschrift für Carl Meickert, Berlin, 1955, p. 121-136.
- O. REUTHER, Parthian Architecture, در Pope I, p. 411-444. fig. 92-115.

پیکر تراشی

- D. M. ROBINSON, A Graeco-Parthian Portrait Head of Mithridates I, در American Journal of Archaeology, vol. 31 (1927), p. 338-344.

سنگال

- L. LEGRAIN, Small Sculptures from Babylonian Tombs, در Journal of the University of Pennsylvania Museum, vol. XIX (1928), p. 165 sq.
- E. DOUGLAS VAN BUREN, Clay Figurines of Babylonia and Assyria, New-York, 1930, p. XLVII sq.
- M. I. ROSTOVZEEF, در Revue des arts asiatiques, vol. XXVIII (1933), p. 208.
- M. S. VILLARD, Some Persian Terra Cotta Statuettes, در Apollo, vol. I (1931), p. 93-95, 3 fig.

فلز کاری

الف-زرگری

- Ph. ACKERMAN, The Art of the Parthian Silver and Goldsmiths, در Pope I, p. 456-470, fig. 121-125.

- R. N. FRYE, A Parthian Silver Bowl, در Artibus Asiae, vol. XVII (1954), p. 143-144, I fig.

ب-برنز

- Fr. SARRE, Ein bronzenes Bildniskopfchen parthischer Herkunft, در Amtliche Berichte der Berliner Museen, vol. 32 (1911), p. 97-100.

- Fr. SARRE, Einige Metallarbeiten parthisch-sassanidischen Stils in der islamischen Kunstabteilung, در Berliner Museen, vol. 52 (1931), p. 65-101, 9 Abb.

- H. M. VON DER OSTEN, Seven Parthian Statuettes, در Art Bulletin, vol. VIII (1925-26), p. 169-174, 11 fig.

مهرها

- N. C. DEBEVOISE, Parthian Seals, در Pope I, p. 471-474, fig. 126.
- N. C. DEBEVOISE, The Essential Characteristics of Parthian and Sasanian Glyptic Art در Berytus, vol. I (1934), p. 12-18, 2 pl. et 14 fig.
- A. DE GOBINEAU, Sur quelques Médailles à légendes iraniennes de l'époque arsacienne, در Zeitschr. deutsch. Morgenland. Gesellschaft, 1857, p. 689-707.
- H. VON DER OSTEN, The Aneient Seals..., مطالعه نمایند.
- H. VON DER OSTEN, Ancient Oriental Seals in the Collection of Mr. Edward T. Newell, 1934. سکه‌ها
- به قسمت مربوط به مهرهای هخامنشی رجوع نمایند.
- M. DAYET, Une tétradrachme arsacide inédite, در Arethuse, vol. II (1925), p. 63-66.
- M. DAYET, Monnaies arsacades à bonnet satrapal, در Revue numismatique, vol. XI (1949), p. 9-26, 26, fig.
- A. DE LA FUYE, Etude sur la numismatique de la Perside, در Corolla Numismatica, Paris, 1909, p. 63-97.
- A. DE LA FUYE, Nouveau classement des monnaies arsacades, در Revue numismatique, IVe série, VIII (1904), p. 347.
- A. DE LA FUYE, Observations sur la numismatique de la Perside, در Journal asiatique, nov. dée. 1906, p. 516-531.
- A. DE LA FUYE, Monnaies arsacades de la collection Petrowicz, در Revue numismatique, IVe série, IX (1905), p. 129-169.
- A. DE LA FUYE, Monnaies de l'Elymaide, Chartres, 1905.
- A. DE LONGPÉRIER, Mémoire sur la chronologie et l'iconographie des rois parthes arsacades, Paris, 1853.
- A. DE MARKOFF, Les monnaies des rois parthes, supplément à l'étude von Prokesch-Osten, Paris, 1877.
- J. DE MORGAN, Observations sur le monnayage des premiers Arsacides de Perse, در Revue numismatique, IVe Série, (1912), p. 169-192.
- J. DE MORGAN, numismatique de la Perse antique, fasc. I, Paris, 1927.
- P. GARDNER, The Parthian Coinage, در International Numismata Orientalia, London, 1877, p. 7-34.
- به قسمت مربوط به سکه‌های هخامنشی رجوع نمایند.
- G. F. HILL, Catalogue of the Greek Coins...,
- Gholam Reza KIAN, Introduction à l'histoire de la monnaie...
- به قسمت مربوط به سکه‌های هخامنشی رجوع نمایند
- E. T. NEWELL, The Coinage of the Parthians, در Pope I, p. 475-492.
- E. T. NEWELL, A Parthian Hoard, در Numismatic Chronicle, 1924, p. 168-180.
- B. SIMONETTA, The Drachms of Vologases I and Artabanus IV, در Numismatic Chronicle, vol. 9 (1949), p. 237-239, 4 fig.

- B. SIMONETTA, Osservazioni intorno alle mpnete coniate dai primi Re Parti, در Numismatica, 1948, p. 71-82.
- B. SIMONETTA, Volgese V, Artabano V e Artavasno: una revisione di fatti e di ipotesi, در Numismatica, 1953-54.
- A. VON PETROWICZ, Arsaciden Muenzen, Wien, 1904, Katalog, 206 p., XXV ol.
- A. VON PROKESCH-OSTEN, Beitrage zu den Münzen der Arsaciden, در Wiener numismatische Zeitschrift, vol. I (1869), p. 244-256.
- A. VON SALLET Die ältesten Tetradrachmen de Artacidcn, در Zeistchrift für Numismatik, vol. I (1873), p. 311.
- W. WROTH, On the Rearrangement of the Parthian Coinage, در Numismatic Chronicle, 1900, p. 194.
- W. WROTH, Catalogue of Parthian in the British Museum, London, 1903.

ظروف سفارین

- N. C. DEBEEVOISE, The Pottery of the Parthians, در Bull. Art Institute of Chicago, vol. XXIV (1930), p. 77-78, 2 fig.
- N. C. DEBEEVOISE, در American Ceramic Society, vol. XIII (1934), p. 293 sq.
- K. ERDMANN, Partho-Sasanian Ceramic, در Burlington Magazine, vol. LXVII (1934), p. 71-77, 2 pl.
- R. ETTINGHAUSEN, Pārthian Pottery, در Pope I, p. 646-664, fig. 216-225.
- A. STRELKOFE, Eine parthische Amphora in Moskau, در Archaologischer Anzeiger, vol. 50 (1935), p. 58-70.

هنر بافندگی

- Ph. ACKERMAN, Textiles through the Parthian Period, در Pope I, p. 685-691, fig. 237 240.

هنر اشکانی در خارج از حدود ایران

برای مطالعه هنر اشکانی در ایران باید انتشارات مربوط به کاوش‌های را که خارج از حدود ایران صورت گرفته و مربوط به دوران اشکانی است مطالعه نمود و آثار پارت‌ها را نیز در آن حدود بررسی کرد. ما در اینجا فقط نام مکانهای عمده‌ای را که در بین النهرين یا شام قرار دارند و در آنها آثار اشکانیان کشف شده ذکر می‌کنیم. بعلاوه باید مکان‌های تاریخی واقع در آسیای مرکزی را نیز مطالعه کرد.

آشور

- W. ANDRAE et H. LENZEN, Die Partherstadt Assur, Wissensch. Veroffentl. Deusschen Orient-Gesellschaft (= WDOG), 57, Leipzig, 1933, 115 p., 46 fig., 62 pl.

بابل

- R. KOLDEWEY, Das Wiedererstehende Babylon, Leipzig, 1925.

- O. REUTHEN, Die Innenstadt von Babylon (Merkes), MDOG, 47, Leipzig, 1929.

الحضر

- W. ANDRAE, Hatra, I, VDOG, 9, Leipzig, 1998 et Hatra, II, VDOG, 21, Leipzig.

Les fouilles du service archéologique de l'Iraq sont publiées par Nal ASIL et Fuad SAFAR در Sumer, vol. VIII₁ (1951), p. 4-16, 105-107; vol. VIII₂ (1952), p. 123-123; vol. IX₁ (1953), 3-9, 7-21; vol. IX₂ (1953), p. 263-272; vol. XI (1955), p. 84-85; vol. X₂ (1954), p. 205-206 et در ILN, 10 Nov. 1951, 17 Nov. 1951, 18 Dec. 1954, 25 Dec. 1954.

H. INGHOLT, Parthian Sculptures from Hatra, در The Memoirs of the Connecticut Academy of Arts and Sciences, vol. XII, 1954.

ککزو (Kakzu)

G. FURLANI, Sarcophagi parici di Kakzu, در Iraq, vol. I, (1934), p. 90-94.

G. FURLANI, Gli scavi italiani in Assiria (campagne del 1933), در Giorn. della Societa Asiatica Italiana, N. S., vol. (1939), p. 265-276.

نیمرود داغ

C. HUMAN et C. PUCHSTEIN, Denkmäler des Nimrûd-Dâdg, Berlin, 1890.

Th. GOELL, در Anatoilan Studies, vol. V (1955), p. 13-14, et در ILN, 18 June 1935, p. 1094-1097.

نیپور

H. V. HILPRECHT, Explorations in Bible Lands (1903), p. 313-422, sq., 501 sq., 555 sq.

J. P. PETERS, Nippur, II, 1897, 144-186, pl. VII 1-5, VIII 6.

سلوکیه (تل عییر)

L. WATERMAN, Preliminary Report upon the Excavations at Tell Umar, Iraq, Ann Arbor, 1931.

L. MATERMAN, Second preliminary Report upon the Excavation at Tell Umar, Iraq, Ann Arbor, 1933.

N. C. DEBEVOISE, Parthian Pottery from Seleucia on the Tigris, Ann Arbor. 1934.

W. VAN INGEN, Figurines from Seleucia on the Tigris, London, 1939.

Mc DOWELL, Coins from Seleucia on the Tigris, Ann Arbor, 1935.

Mc DOWELL, Stamped and Inscribed Objects of Seleucia on the Tigris, Ann Arbor, 1935.

ورقا

W. K. LOFTUS, Travels and Researches in Chaldaea and Susiana in 1849-1852, در Journal of the Royal Geographical Society, vol. XVVI (1856), pp. 131-153 (Parthian Tombs and Coffins).

J. JORDAN, Erster voraufiger Bericht über die von der Notgemeinschaft der deutschen Wissenschaft in Uruk-Warka unternommenen Autgrabungen (UVB) I, Berlin, 1928.

E. HEINRICH, در UVB V (1934), UVB VI (1934), UVB VII (1936), voir maintenant les fouilles récentes depuis 1954 :

H. J. LENZEN, در Sumer X (1954), p. 86-88, 195-196, Sumer XI (1955), p. 73-75, در Archiv für Orientforschung 17 (1954-55), p. 199-201.

دورا اورپوس

Fr. CUMONT, Fouilles de Doura-Europos, 1922-23, 2 vol., Paris, 1926.

M. I. ROSTOVTEFF, The Excavations at Dura Europos, Report I à IX, New Haven, 1929 sq.

DU MESNIL DU BUISSON, *Les peintures de la synagogue de Doura-Europos Rome*, 1939.

پالمیر (تادسر)

T. H. WIEGAND, D. KRENCKEN, *Palmyra*, 2 vol., Berlin, 1932.

H. SEYRIG, *Antiquités syriennes*, Paris, vol. I-1934, vol. II-1938, vol. III-1946.

H. REYRIG, *Palmyra and the East*, در *Journal of Roman Studies*, 1950, p. 17.

H. SEYRIG, *Armes et costumes iraniens à Palmyre*, در *Syria* vol. XVIII (1934), p. 41-31, pl. I-VI. 18 fig.

DU MESNIL DU BUISSON, *Tessères et monnaies de Palmyra*, Paris 1944.

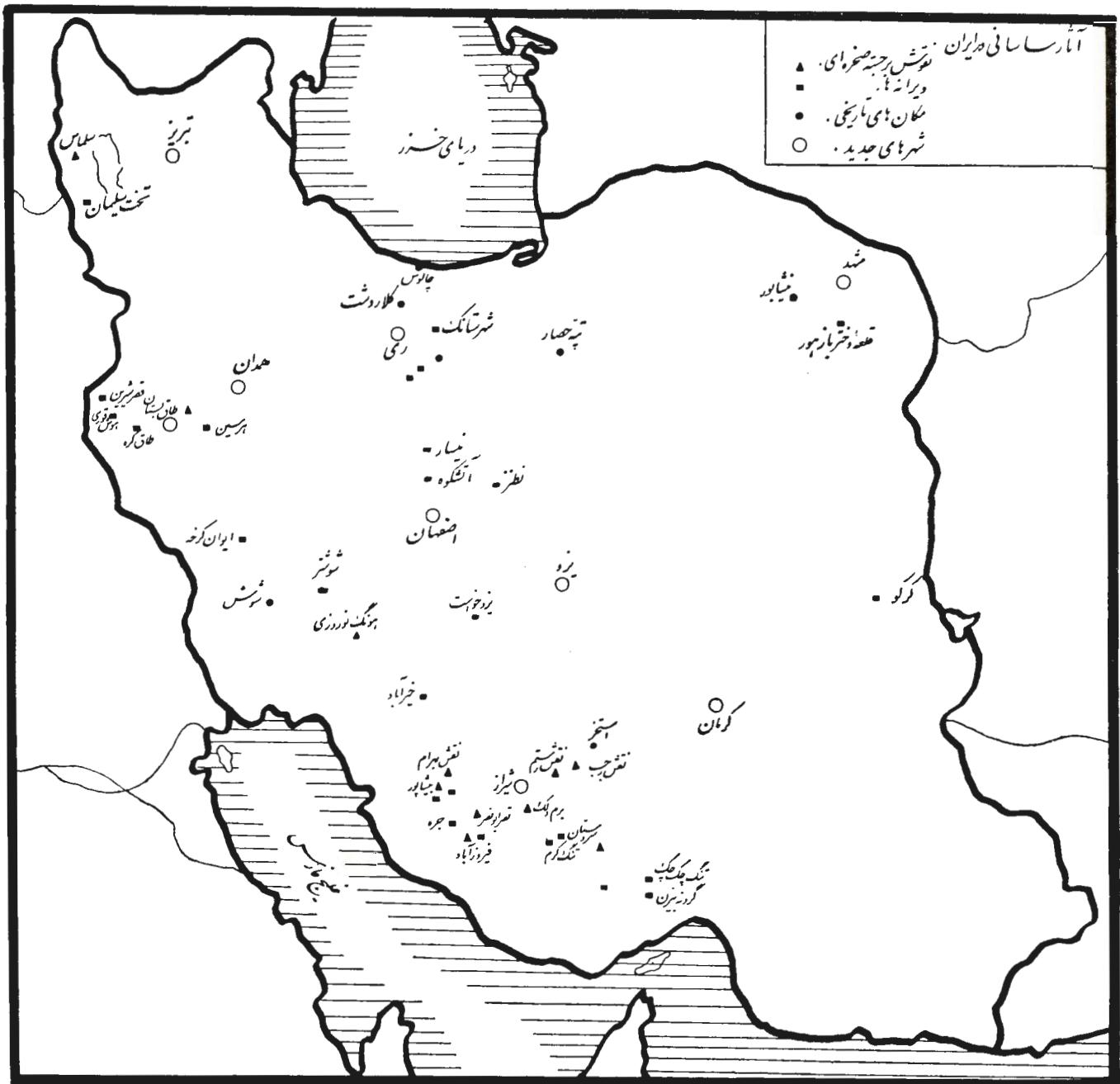
H. INGHOLT, H. Seyrig, J. Starky, *Recueil des tessères de Palmyre*, Parist

H. INGHOLT, *Studies over palmyrensk Skulptur*, Copenhague, 1928.

H. INGHOLT, *Five Dated Tombs from Palmyra*, در *Berhtus*, 1935, II, p. 57-120, 1938, p. 94-140.

H. INGHOLT, *Inscriptions and Sculptures from Palmyra I*, در *Berytus*, III (1936), p. 83-127 et در *Berytus V* (1938), p. 93-140.

D. MACKAY, *The Jewellery of Palmyra and its significance*, در *Iraq*, 1149, p. 160-187.



۶ - دوران ساسانی (۶۴۲-۲۲۴)

ساسانیان از ایالت پارس بودند و عظمت ایران هخامنشی را مجددآ زنده کردند. آنها یک سلسله ملی تشکیل دادند و خود را وارت دودمان هخامنشی میدانستند. مذهب ملی یعنی مذهب زرتشت را رسمیت دادند و در عرض مدت یک ربع قرن هنری ملی بوجود آوردند که مانند هنر هخامنشی هنر درباری بود و از حیث عظمت با هنر روم و بیزانس برابری میکرد و گاهی برآن برتری داشت. هنر ساسانی ترکیبی است از هنر قدیم ایران با جریانهای مختلفی که از سمت شرق و غرب آنرا متاثر نموده بود.

مثلاً در زمان ساسانیان از روی سنن قدیمی موضوع های نقوش را در مجالس مختلف قرار میدادند. ضمناً قرینه سازی و تکرار موضوع ها نیز معمول بود، و اگر با خطی تصویر را از بالابه پائین دونیم میکردیم هردو نیم تقریباً نظیر یکدیگر بود و اشخاص حالت رسمی و خشک داشتند، و این همه از سنن قدیم شرقی است، ولی از طرف دیگر ساسانیها مانند هخامنشی ها در ساختمانها یشان گلوبی مصری زیاد بکار برده اند، مانند کاخ فیروزآباد و کاخ شاپور، در «بیشاپور». در کاخ اخیر مانند دوران هخامنشی سرستونها یی بشکل نیم تنہ گاو در زیر حماله ها قرار داده اند. بعلاوه در بعضی آثار مانند پل ها و بندها، و در ابنيه ای که بعنوان یادگار ترتیب داده شده، یا موزائیک ها، و چین لباسها، و در ترکیب نقوش برجسته روی سنگ، تأثیر هنر یونان و روم نیز مشهود است.

ساختمان ها

ما سبک معماری ساسانی را از روی ویرانه های کاخ ها و پرستشگاه ها و آتشگاه ها و استحکامات و پل ها و بندها میتوانیم تشخیص دهیم. دیوار کاخها و آتشگاهها را با سنگ تراشیده ساخته و با دقت روی هم قرارداده اند (بیشاپور و طاق جره). ولی در موارد دیگر بیشتر سنگ تراشیده یا آجر بکار رفته، که در میان آن گچ یا آهک ریخته اند.

طرح کاخها (فیروزآباد و سروستان) معمولاً مرکب از دو قسم است: اول ایوان هایی مخصوص پذیرایی، مانند تالار بار، که از سه طرف بسته و از یکطرف باز است، و با طاق گهواره ای شکلی پوشیده شده، و در عقب آن حیاطهایی وجود دارد، که در اطرافش اطاقهایی برای مکونت ساخته شده. معماران ساسانی طاق های گهواره ای شکل و گنبدهایی که روی پایه چهار گوش قرار گرفته است زیاد بکار برده اند. از تشریفات مذهبی آنچه که مربوط به عموم مردم بوده است در اطراف چهار طاقی انجام میگرفته و آن چهار طاقی عبارت از بنای کوشک مانند گندباری است که از چهار طرف باز بوده و گنید آن روی چهار پایه

محکم قرار داشته است. آتشی که در زیر آن روشن میشده از محل محفوظی که در مجاورت چهار طاقی قرار داشته به آن محل آورده میشده. دیوار کاخها با نقاشیهای دیواری مزین میگردیده است و گاهی گچ بریهای به آن اضافه میشده و بعضی اوقات این گچ بریها نیز رنگ میشده و موضوعهای گچ بری مخلوطی از موضوعهای شرقی مانند شاخه های درخت مو بصورت مصنوعی، و یا تصاویری که در مستطیل هایی قرار داشته، و یا آهوبی که مشغول آب خوردن بود، و یا درختی که در طرفین آن دو بزرگوهی روی دو پا ایستاده اند، و یا طاووسی که در عین حال شباهت به اژدها دارد، با موضوع های یونانی و رومی، مانند خطوط شکسته و بیضی، و برگ آکانت، دندانه، و غیره ترکیب یافته. گاهی کف زمین با موزائیک هایی پوشیده میشود و این خود تأثیری از هنر یونان و رومی بود، و در این موزائیک ها تصویر درباریان و رفاقت ها و نوازندگان به سبک ایرانی نقش شده بود.

احتمال دارد کارهایی مانند پل ها و بندها بوسیله اسرای رومی پس از پیروزی شاپور اول بروالین امپراتور روم انجام گرفته باشد.

سنگ تراشی

سنگ تراشی ساسانی را از روی نقش بر جسته روی سنگ میتوان شناخت که بیشتر آنها در دامنه های کوه های فارس کنده شده است. موضوع اصلی این نقش تجلیل شاهنشاه است و این تجلیل در مجالس تاجگذاری شاه، یا نیایش شاه در مقابل آتشدان، یا مجلس بار شاه در میان درباریان و اعضای خانواده، و مجلس شکار، و یا پیروزی شاه بر دشمنانش نشان داده شده است. در ابتدای دوران ساسانی هنوز در این نقش بر جسته اثری از هنر سنگ تراشی اشکانی دیده میشود، ولی کمی بعد سبک کار سنگ تراشان تغییر یافت و تکمیل شد و به نقش مزبور عمق بیشتری داده شد.

از زمان شاپور اول به بعد تأثیر هنر غربی نیز در سنگ تراشی ایران مشهود گردید و این تأثیر خصوصاً در طرز نشان دادن چین های لباس مشهود است. بعداً تأثیراتی از هنر آسیای مرکزی نیز وارد سنگ تراشی ساسانی شد و این تأثیر در نقش بر جسته طاق بستان بیش از نقاط دیگر مشهود است.

فلز کاری

هنرمندان عهد ساسانی در هنر فلز کاری مهارت فوق العاده داشتند. در واقع در کوه های ایران معادن فقره زیاد است و این معادن بستور پادشاهان استخراج میشود و جواهر سازان برای ساختن تزیین آلات خود از آن استفاده کرده اند. با نقره جام ها و بطری ها و آفتابه لگن ها ساخته اند، و روی آن بصورت بر جسته نقشی بوجود آورده اند. گاهی طلا را به ظروف سیمین اضافه میکردند و نقش بر جسته ای از آن ایجاد میکردند که بهتر

در روی زمینه ظرف مجسم میگردید. جامهای نقره معمولاً برای پادشاهان ساخته میشد و بنابراین موضوعهایی که روی آن نقش میشد مربوط به پادشاهان بود. مثلاً شاه در روی تخت خود درمیان درباریان نشان داده میشد و مجالس بزم و خصوصاً مجالسی که در آن شاه در حال شکار حیوانان نشان داده شده است بسیار دیده میشود. بیشتر این ظروف فلزی در خارج از ایران، در روسیه جنوبی پیدا شده. اخیراً در بعضی از نقاط ایران نیز چند ظرف نقره ساسانی پیدا شده، مانند قزوین و مازندران. چون در روی این ظروف بندرت کتبه یا نوشته دیده میشود، نمیتوان بصورت قطعی آن ظروف را تاریخ گذاری کرد ولی از روی کلاه پادشاهی که روی آن نقش شده تاریخ تقریبی ظرف معلوم میشود.

هنرمندان ساسانی در هنر مرصع کاری نیز مهارت زیاد داشتند و یکی از بهترین نمونه‌های این نوع کار جواهرات مرصعی است که در گنجینه «پتروسا» در رشتہ جبال کارپات در رومانی پیدا شد.

کنده کاری روی مُهرها

در موزه‌ها و مجموعه‌های شخصی کنده کاریهای متعدد از زمان ساسانیان موجود است. این کنده کاریها بر دو نوع است. بعضی از آنها نگین انگشت است و در این صورت از هر دو رو صاف است و جنس آن از نوعی عقیق است. بعضی دیگر بصورت مُهری است که پشت آن کله قندی شکل است و سوراخی دارد که از آن نخی عبور میداده‌اند. بعضی دیگر از سنگهای مختلف مانند سنگهای آهکی یا انواع عقیق است. موضوعهایی که روی این مُهرهای انشان داده شده عبارتست از نیم تنۀ اشخاص، احتمالاً از شخصیت‌های برجسته، یا صاحب منصبان عالی رتبه کشوری یا لشگری (گاهی نوشته هایی که در اطراف مُهرها است عنوان و نام آنها را نیز ذکر کرده است) و بسیاری از اوقات حیوانات مختلف مانند حیوانهای افسانه‌ای بالدار و بزهای کوهی و گاوها، و میش‌ها، و اسبهای بالدار، و خروس‌ها و گل و برگ و گاهی نیز علامت‌ها مربوط به خدایان روی آن کنده شده است. دسته دیگر از مُهرهای عهد ساسانی سنگهای بیضی شکلی از جنس عقیق یا بلور است که روی آن صورت پادشاهان یا صاحب منصبان عالی رتبه را بصورت برجسته نقش کرده‌اند، و معروف‌ترین آنها پیروزی شاپور اول را بر والرین نشان میدهد و این مُهر در کابینه مدارالهای کتابخانه ملی پاریس محفوظ است.

سکه‌ها

سکه‌های ساسانی نقش بسیار مهمی را در تا، یخ هنر این دوران بر عهده دارد. روی سکه‌ها هر ادشاه کلاه مخصوصی بر سر دارد که از کلاه پادشاهان دیگر متمایز است. بعلاوه همراه این سکه‌ها نوشته‌هایی به خط پهلوی موجود است که نام پادشاه را یادآور میشود و این وسیله بسیار خوبی برای تاریخ گذاری اشیایی است که در کنار این سکه‌ها پیدا میشود، بعضی از

نقوش برجسته صخراهی که تاریخشان سعلوم نیست با مقایسه با شکل های این مُهرها مشخص گردد. در اوخر دوران ساسانی سکه ها خیلی شبیه به یکدیگر است. در پشت آنها غالباً شکل پادشاه بطور نیم رخ از طرف راست و گاهی همراه با نقش ملکه یا ولیعهد دیده میشود، و در پشت سکه ها آتشدان در میان مغ ها نقش شده است. سکه های ساسانی مورد تقلید هون های هیاطله^۱ و کوشانیان قرار گرفت. بعلاوه نخستین سکه های دوران اسلامی ایران نیز از روی سکه های عهد ساسانی تقلید شده است.

سفال

سفال ساسانی بقدرتی به سفال اشکانی شباهت دارد که گاهی تمیز دادن یکی از دیگری مشکل است. بعضی از ظروف سفالین ساسانی لعب سبز یا آبی کم رنگ و نقاشی بصورت برجسته دارد و بعضی دیگر بدون لعب است و روی آن با مُهرها یا قالب هایی نقاشی بصورت برجسته بوجود آورده شده است. از حیث شکل این ظروف عبارتست از خمره، و کوزه های دسته دار، یا بدون دسته، گردن دراز، یا کوتاه، یا بدون گردن، آب خوریها و بطریهای گردن باریک.

پارچه

تقریباً تمام پارچه های ساسانی خارج از کشور و در نواحی دور از ایران پیدا شده است. علت اصلی این امر این است که ایرانیان مرد گان خود را به خاک نمی سپردنند که احیاناً آنها را در پارچه های ذیقیمتی بییچند. بعلاوه در خاک ایران معمولاً پارچه های بافته شده، خوب محفوظ میگردد. بنابراین بیشتر پارچه های دوران ساسانی در موزه ها و خزانه های کشورهای غربی است. احتمالاً در همان ایام قدیم این پارچه ها به آن کشورها بصورت هدا یائی داده شده یا قرستاده شده، و برای دوختن لباس های مجلل بکار برده شده است، یا برای تزیین اثاث منزل، یا برای بستن قطعات متبرک مربوط به حضرت مسیح که از شرق بصورت یادگار به کشور غربی آورده میشد مورد استفاده قرار گرفته است. بسیاری از موضوعهایی که روی پارچه های عهد ساسانی نقش شده روی نقوش برجسته صخراهی در طاق بستان، یا روی بعضی از ظروف فلزی نیز زیاد دیده میشود، و شباهت میان نقوش پارچه ها و نقوش برجسته کار مطالعه پارچه های ساسانی را آسان کرده است.

موضوعهای نقوش زربفت های ساسانی بیشتر بصورت قرینه سازی درآمده است. این موضوعهای گاهی از خطوط هندسی ترکیب یافته است و گاهی نیز مربوط به نباتات است ولی غالباً ترکیبی از ترنج هایی است که در میان آن موضوع معینی تکرار شده، مانند طاووسی که دهان اژدها دارد، و یا خروس، واردک، و اسب بالدار، و حیوانات افسانه ای بالدار، و علائم مذهبی مانند آتشدان، ویاهئومه، ویادرخت مقدس، و یا شیری که بر گاوی حمله میبرد، و یا پادشاهی که تیر از کمان میکشد. این زربفت ها غالباً از ابریشم

است و گاهی نیز از کتان یا پشم میباشد، ورنگ قرمز و سبز در آن بیش از رنگهای دیگر بکار برده شده است.

جدول

۱- آتشگاه (چهار طاقی) :

آتشکده آتش کوه، بیشاپور (لوحة ۷۵-الف-ب-و-شکل ۱)، چهارده، جره (لوحة ۷۴-ج)
فراش بند، فیروزآباد (لوحة ۶۷-ب)، اصفهان (؟) یزدخواست (؟) کیکاووس، کرکو، کازرون (لوحة
۴-۷-ب) خیرآباد، (لوحة ۸۶-ج) محل چاه فیشور (لوحة ۲)، نطنز، نیسار (لوحة ۱۶-الف-ب)،
قلعه دختر قم، قلعه دختر باز هور، (لوحة ۱۵-ب)، قصر شیرین، (شکل ۲۸) شهرستانک، تخت کیکاووس،
تخت رستم، تخت سلیمان، تنگ چک چک فرگ (سرلوحة و لوحة ۱)، تون سبز.

۲- آتشدانهای ساسانی :

باغ بدره (لوحة ۶۱-ج-و)، دولت آباد، هرسین، تنگ کرم (لوحة ۶۴-ج)، نقش رستم (لوحة
۳-الف)، کوه ایوب (لوحة ۶۲-ه).

۳- کاخهای ساسانی :

بیشاپور (شکل ۱۴)، فیروزآباد (لوحة ۶۷-ج-۶۸-و-شکل ۱۳) هوش کُری، ایوان کرخه،
قصر شیرین، (لوحة ۱۲۵-الف-ب-و-شکل ۲۹۰-۳۰) سروستان (لوحة ۶۶-۶۵-و-شکل ۱۱-۱۲)،
تپه حصار.

۴- استیحکامات :

چال ترخان، ایوان کرخه، کوه استخر، قلعه دختر فیروزآباد (لوحة ۶۹)، گردنه بیزن، قلعه دختر،
قصر ابونصر، تپه میل.

۵- ساختمانهای دیگر ماسانی :

در شهر، میل آزاده، قلعه هزار در، طاق جره (لوحة ۱۲۶-الف-ب).

۶- پل و بند :

دزفول، فیروزآباد، خیرآباد، پای پل، پل آب برده، پل برین، پل دختر، پل خسرو، پل سفله،
سراب سیه، شوشتر.

۷- نقوش برجسته :

برم دلک (لوحة ۷۳) بیشاپور (لوحة ۷۷-۸۱)، فیروزآباد (لوحة ۷۰-۷۱)، گویم (لوحة
۸۳)، هونک نوروزی، نقش بهرام (لوحة ۸۲)، نقش رستم (لوحة ۲۸-۳ الف)، نقش رستم دارابگرد
(لوحة ۶۴-ب-ج)، نقش رجب (لوحة ۲۵-ب-۲۶)، سلماس (لوحة ۱۵-الف)، سرمشهد
(لوحة ۴-الف)، طاق بستان (لوحة ۱۲-ب).

۸- کنده کاری روی سنگ بصورت یادگار : تخت جمشید.

۹- گچ بری :

بیشاپور (لوحة ۷۵-ب) ، چال ترخان ، نظام آباد ، شوش ، طاق بستان (لوحة ۱۲۸-الف-ب) ،
تپه حصار (لوحة ۴۱) ، تپه میل ، ورامین.

۱۰- موزائیک :

بیشاپور (لوحة ۷۵-ه-۷۶).

۱۱- نقاشی دیواری : ایوان کرخه ، شوش.

۱۲- سفال.

بیشاپور ، چال ترخان ، استخر ، نریشان ، قصر ابونصر ، ری ، سیستان ، شوش ، تپه حصار ، تپه میل.

۱۳- جواهر سازی :

کلاردشت (لوحة ۵۰۶) ، قزوین (لوحة ۹۱-ب) قصر ابونصر ، ساری (لوحة ۷-الف) چالوس ،
مازندران (لوحة ۷-ب تا د).

۱۴- مُهرها و مسکه ها :

بیشاپور ، استخر ، قصر ابونصر ، نقش رستم نیشاپور ، شوش.

۱۵- پارچه زربفت : کلاردشت.

نقوش برجسته

| | | | | |
|--------------------------------|-----------|----------------|---------|---------------|
| تاج گذاری پیروزی بر اردوان | فارس | فیروزآباد | ۲۲۴-۲۴۱ | ۱- اردشیر اول |
| تاج گذاری | » | نقش رجب | » | » -۲ |
| » | » | نقش رستم | » | » -۳ |
| پادشاه اراسنه بار سیدهد | آذربایجان | سلماس | » | » -۴ |
| تاج گذاری | فارس | نقش رجب | ۲۴۱-۲۷۲ | ۶- شاپور اول |
| پادشاه سوار بر اسب با درباریان | » | » | » | » -۷ |
| پیروزی بر والرین | » | نقش رستم | » | » -۸ |
| » | » | نقش رستم داراب | » | » -۹ |
| پیروزی بر والرین و تاجگذاری | » | بیشاپور | » | » -۱۰ |
| پیروزی بر والرین | » | » | » | » -۱۱ |
| » | » | » | » | » -۱۲ |
| پادشاه و درباریان | خوزستان | هونک نوروزی | » | ۱۳- شاپور دوم |

| | | | | |
|--|----------|-----------|---------|-------------------|
| تاج گذاری | فارس | بیشاپور | ۲۷۳-۲۷۶ | -۱۴ - بهرام اول |
| پیروزی بر اعراب | » | » | ۲۷۶-۲۹۴ | -۱۵ - بهرام دوم |
| پادشاه در میان خانواده‌اش | » | نقش رستم | » | » - ۱۶ |
| پادشاه و اتباع | » | نقش بهرام | » | » - ۱۷ |
| پادشاه با همسرش | » | برم دلک | » | » - ۱۸ |
| پادشاه در حال نیایش در مقابل آتشدان | » | » | » | » - ۱۹ |
| پادشاه در حال نیایش | » | گوبیم | » | » - ۲۰ |
| پادشاه همسر و پسرش را در مقابل حمله دوشیر حفظ می‌کند | » | مرمشهد | » | » - ۲۱ |
| جنگ تن به تن دو اسب سوار | » | نقش رستم | » | » - ۲۲ |
| جنگ اسب سوار | » | » | » | » - ۲۳ |
| تاج گذاری | » | نقش رستم | ۲۹۳-۳۰۲ | - ۲۴ - نرسی |
| جنگ اسب سوار | » | » | ۳۰۳-۳۰۹ | - ۲۵ - هرمز |
| خیلی پاک شده. احتمالاً پادشاهی بر تخت نشسته | » | » | ۳۰۹-۴۷۹ | - ۲۶ - شاپور دوم |
| پیروزی بر هندیان | » | نیشابور | » | » - ۲۷ |
| تاج گذاری | کرمانشاه | طاق بستان | ۳۷۹-۳۸۳ | - ۲۸ - اردشیر دوم |
| تصویر شاپور سوم و دوم | » | طاق بستان | ۳۸۳-۳۸۸ | - ۲۹ - شاپور سوم |
| تاج گذاری | » | » | ۳۸۳-۳۸۸ | - ۳۰ - شاپور سوم |
| پادشاه سوار بر اسب. شکار کردن آهو | » | » | ۵۹۰-۶۲۸ | - ۳۱ - خسرو دوم |

فهرست کتب

کلیات

- A. CHRISTENSEN, l'Iran sous les Sassanides, 2-ième édit., Copenhague, 1944.
- K. ERDMANN, Partho-Sasanid Art, در Apollo, vol. XII (1930), p. 422-426, 7 fig. (traité Principalement de l'art sassanide).
- K. ERDMANN, Zur Chronologie der sasanidischen Kunst, در Forschungen und Fortschritte, 1937, p. 13.
- K. ERDMANN, Die Kunst Irans zur Zeit der Sasaniden, Berlin, 1943.
- K. ERDMANN, Neue Forschungen zur Entwicklung der sasanidischen Krone, در Forschungen und Fortschritte, vol. XXIV (1948), p. 253-259.
- K. ERDMANN, Lückenforschung im iranischen Kunstkreis, در Kunst des Orients, vol. I (1950), p. 20-36, 20 Abb.
- K. ERDMANN, Die Universalgeschichtliche Stellung der sassanidischen Kunst, در Saeculum, vol. I (1950), p. 508-534, 20 fig.
- K. ERDMANN, Die Entwicklung der sassanidischen Krone, در Ars Islamica, vol. 15-16 (1956), p. 122 sq.
- A. JAGER, Das Bild der sassanidischen Königskrone, در Berliner Numismatische Zeitschrift, vol. V (1952), p. 252-254.
- U. MONNERET DE VILLARD, II problema dell'arte sassanide, در Art Studies, 1927, p. 57-63.
- J. SAUVAGET, Remarques sur l'art sassanide. Questions de méthode à propos d'une exposition, در Revue des études islamiques, 1938, p. 113-131, 17 fig.
- O. VON FALKE, Sasanidische Kunst, در Pantheon, 1930, p. 568-570, 3 fig.

ساختمان‌ها

- G. PERROT - Ch. CHIPIEZ, Histoire de l'art dans l'antiquité, vol. V, Paris, 1890.
- R. PHENÉ SPIERS, Sasanian Architecture, در Architecture East and West, London, 1905, p. 59-88.
- O. REUTHER, Sasanian Architecture, در Pope I, p. 493-587, fig. 127-165.
- F. WACHTSMUTH, Der Raum, I. Raumschöpfungen in der Kunst Vorderasiens, Marburg, 1929, p. 138-156.

نقوش برجسته صخره‌ای و سنگ‌تراشی‌ها

- L. DELAPORTE, La sculpture sassanide, در l'Art vivant, 1932, p. 74, 2 fig.
- K. ERDMANN, Zur Deutung der iranischen Felsreliefs, در Forschungen und Fortschritte, vol. 18 (1942), p. 209-211.

- K. ERDMANN, Sasanidische Felsreliefs, در Antike und Abendland, vol. III, 1948.
- R. GHIRSHMAN, Notes iraniennes III. A propos des bas-reliefs rupestres sassanides, در Artibus Asiae, vol. XIII (1950), p. 86-98, 13 fig.
- E. HERZFELD, La sculpture rupestre de la Perse sassanide, در Revue des arts asiatiques, vol. V (1928), p. 129-142, pl. XXXV-XLVII.
- B. C. Mc DERMOT, Roman Emperors in the Sasanian Reliefs, در Journal of Roman Studies, vol. XLIV (1954), p. 76-78, pl. IV-V.
- Fr. SARRE, Sasanian Stone Sculpture, در Pope I, p. 593-600.

گچ بربا

- J. BALTRUSAITIS, Sasanian, stucco A. Ornamental, در Pope I, p. 601-630, fig. 175-210.
- N. C. DEBEVOISE, A Portrait of Kavad I, در Bull. of the Art Institute of Chicago, vol. XXIV (1930), p. 10, 3 fid.
- M. S. DIMAND, Sasanian Wall Decoration in Stucco, در Bull. Metr. Mus. Art, vol. XXVI (1931), p. 193-195, 2 fig.
- E. KUHNEL, Neuerwrbung der islamischen Abteilung (Bas-relief de stuc sassanide), در Berliner Museen, 1937, p. 22-23, 1 fig.
- H. LENZEN, Zur relativen Chronologie der sasanidischen Stuckarbeiten, در Jahrbuch der deutschen archäologischen instituts. Beiblätter, vol. 67 (1952), col. 188-221, 1 pl., 26 fig.
- A. U. POPE, Sasanian Stucco, B. Figural, در Pope I, p. 631-645, fig. 211-215.
- G. SALLFS, Bas-reliefs en stuc acquis par le Musée du Louvre, در Revue des arts asiatiques, VIII, p. 107-110, 4 pl.

فناز کاری الف-زرگری

- Ph. ACKERMAN, Sasanian Jewelry, در Pope I, p. 771-778, fig. 266.
- J. BABELON, Notes d'art sassanide, در Cahiers d'art, 1927, p.,204 sq.
- L. BACHHOFER, Sasanidische Jagdschalen, در Pantheon, 1933, p. 62-66, 5 fig.
- R. COTTEVILLE-GIRAUDET, Coupes et camées sassanides du cabinet de France, در Revue des arts asiatiques, vol. 12 (1938), p. 52-64, 3 pl. 7 fig.
- O. M. DALTON, On a Silver Dish of Fourth Century در Archaeologica, vol. LXI (1909), p. 381-382.
- O. M. DALTON, A late Sasanian Silver Dish, در The Burlington Magazine, vol. XL (1922), p. 69-70.
- J. DAVID-WEILL, Têtes de chevaux sassanides, در Revue des arts, vol. IV (1954), p. 157-164, 3 fig .
- A. DELAPORTE, Une coupe sassanide de Bahram Gour, در Aréthuse, vol. XIII (1926), p. 143-148, pl. XXIII .

- A. DE LONGPÉRIER. Explication d'une coupe sassanide inédite, در Ann. archéol. de Rome, vol. XV (1843), p. 98-114.
- A. DE LONGPÉRIER, Observation sur les coupes sassanides, در Mém. Acad. Inscriptions et Belles-Lettres, vol. XXVI, 1868.
- M. S. DIMAND, A Sasanian Silver Dish, در Bull. Metrop. Mus. Art, vol. XXIX (1934), p. 74-77.
- K. DORN, Das sasanidische Silbergeschirr und seine Sinnbilder, Wien, 1933.
- K. ERDMANN, Die sasanidischen Jagdschalen, Untersuchung zur Entwicklungsgeschichte der iranischen Edelmetallkunst unter den Sasaniden, در Jahrbuch der Preussischen Kunstsammlungen, vol. 57 (1936), p. 193-232.
- K. ERDMANN, Eine unbekannte sasanidische Jagdschale, در Jahrbuch der Preussischen Kunstsammlungen, vol. 59 (1938), p. 209-217.
- J. GADD, A Persian Silver Relief, در British Museum Quarterly, vol. 7 (1932), p. 48, pl. XX c.
- R. GHIRSHMAN, Notes iraniennes V. Scènes de banquet sur l'argenterie sassanide, در Artibus Asiae, vol. XVI (1953), p. 51-76, 21 fig.
- LEFÉBURE DES NOETTES, Deux plats sassanides du Musée de l'Ermitage, در Aréthuse, vol. I (1924), p. 151-152.
- E. MARQULIES, Cloisonné Enamel, در Pope I, p. 779-783, fig. 267.
- R. MOVAT, Mémoires sur les coupes sassanides, در Bull. société nationale des antiquaires de France, 1897, p. 305-307.
- A. ODOBESCO, Le trésor de Pétrossa, Leipzig, 1889-1900.
- J. ORBELI, C. TREVER, Orfèvrerie sassanide بزبان روسی Léningrad-Moscow, 1935, 85 p., XXLVII pl.
- Sir Ch. H. READ, On a Silver Sassanian Bowl of about the Year 440 A. D., در Archaeologia, vol. XIII (1912), p. 251-256.
- Fr. SARRE, Ein Silberfigürchen des Sassanidenkönigs Narses im Kaiser-Friedrich Museum zu Berlin, در Jahrbuch der Preussischen Kunstsammlungen, vol. XXXI (1910), p. 78-78.
- H. SCHMIDT, Sasanian Silverwork, در Apollo, vol. XV (1932), p. 20-26, 124-126, 12 fig.
- V. SMIRNOFF, Argenterie orientale بزبان روسی St. Pétersbourg, 1909.
- C. TREVER, Nouveaux plats sassanides des de l'Ermitage, Moscou et Léningrad, 1937.

ب-برندها

- E. HERZFELD, Der Thron des Khosrō, در Jahrbuch der Preussischen Kunstsammlungen, vol. XLI (1920), p. 1-24, 103-147.
- J. ORBELI, Sasanian and Early Islamic Metalwork, در Pope I, p. 716-770, fig. 250-265.
- A. PARROT, Acquisitions et inédits du Musée du Louvre, 3 Bronzes "iranians", Buste de roi sassanide, در Syria, vol. XXX (1953), p. 5-9, fig. 3-4, pl. IV. V.

- A. PARROT, Bronze royal sassanide, در Syria, vol. XXXII (1955), 308-309, pl. XXII-XXIV.
- Fr. SARRE, Bronzeplastik in Vogelform, در Jahrbuch der Preussischen Kunstsammlungen, vol. LI (1930), p. 159-164.
- Fr. SARRE, Einige Metallarbeiten parthisch-sasanidischen Stils در Berliner Museen, vol. LII (1931), p. 99 sq.

مهرها و نگین‌ها

- Ph. ACKERMAN, Sasanian Seals, در Pope I, p. 784-815. fig. 268-281.
- E. BABELON, Catalogue des Camées antiques de la Bibliothèque National, Paris, 1897, p. 192 sq.
- P. CASANOVA, Sceaux sassanides, در Revue d'Assyriologie, vol. XXII (1925), p. 135-140, 3 fig.
- N. C. DEBEVOISE, The Essential Characteristice.., voir la glyptique parthe.
- F. JUSTI, Beiträge zur Erklärung der Pehlevi-Siegelinschriften, در Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft, vol. XLVI (1892), p. 288.
- P. HORN et G. STEINDORFF, Sasanidische Siegelsteine, Königliche Museen zu Berlin, Mitt. aus den oriental. Sammlungen, Heft 4, 1891, 49 p. VII pl.
- A. MORDTMANN, Studien über geschnittene Steine mit Pehlevi-Inschriften, در Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft, vol. XVIII (1864), vol. XIX (1875). p. 199-211, vol. XXXI (1871) p. 582-597.
- A. PRÉROST DE LONGPÉRIER, Essai sur les médailles des rois perses de la dynastie sassanide, Paris, 1840-78 p., 12 pl.
- E. THOMAS, Early Sassanian Inscriptions, Seals and Coins London, 1868, 137 p., 2 pl.
- C. C. TORREY, Pehlevi Seal Inscriptions from Yale Collections در Journal of the American Oriental Society, vol. LII (1932), p. 202.
- H. VON DER OSTEN, The Ancient Seals.., voir la glyptique achéménide.

سکه‌ها

- J. ALLAN, The Coinage of the Sasanians, A. Types, در Pope I, p. 816-818.
- E. BABELON, Traité des monnaies .., voir la numismatique achéménide.
- J. BABELON, L'art monétaire sous les Sasanides, در Revue des arts asiatiques, vol. XII (1938), p. 48-51, pl. XXIX.
- A. DE LA FUYE, Observations sur la numismatique de la perse در Journal asiatique, nov.-déc., 1906, p. 517 sq.
- J. DE MORGAN, Contribution à l'étude des ateliers monétaires sous la dynastie des rois sassanides de Perse, در Revue numismatique. vol. XVII (1913), p. 24 sq.
- J. DE MORGAN, Numismatique de la Perse antique, Paris 1933, fasc. 3, Dynastie sassanide, pp. 543-738, 1 tableau, pl. XLIV-CXXVIII.
- J. DE MORGAN, Manuel de numismatique orientale de l'antiquité et du moyen âge, vol. I, Paris, 1936.

- B. DORN, Collection de monnaies sassanides de feu la Zieutenant-Général. J. de Bartholomae, 33 pl., St. Pétersbourg, 1875.
- E. DROUIN, Observations sur les monnaies à légendes en pehlevi et pehlevi-arabe, در Revue archéo logique, 1884, 98 p., 5 pl.
- E. DROUIN, Notice sur quelques monnaies bilingues sassanides, در Revue numismatique, 1890, VIII, p. 358-365.
- E. DROUIN, Monnaies de la reine sassanide Boran ou pourandokht, در Journal asiatique, Paris, 1897, p. 443-452.
- E. DROUIN, Les légendes des monnaies sassanides, در Revue archéologique, 1898, 57 p.
- R. GÖBL, Stand und Aufgaben der sassanidischen Numismatik, در La nouvelle Klio, vol. IV (1952), p. 360-368.
- R. GÖBL, Sasanidische Münzstudien, در Mitt. der Östérr. numismatischen Gesellschaft, vol. VII (1951-52), p. 112-114, 133-135, 138-140, 6 fig.
- R. GÖBL, Aufbau der Münzprägung, در Fs. Altheim, Ein asiatischer Staat, Band I, Wiesbaden, 1954.
- R. GÖBL, Neufunde sassanidischer Reichsmünzen, در Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes, vol. 53 (1956), p. 23-57, 1 fig.
- A. GUILLON, Les monnayages pehlevi-arabes, 1953.
- NUTZEL, Sasanidische Goldmünzen, در Berliner Museen, vol. XXXIV (1912-13), p. 44 sq.
- D. J. OLSHAUSEN, Die Pehlevi-legenden auf den Münzen der letzten Sasaniden, Copenhagen, 1843.
- F. D. J. PARUCK, Sasanian Coins, Bombay, 1924
- تا ۵۱۳ صفحه ۵۲۰ دارد و از
- فهرست منابع بسیار کاملی راجع به این موضوع بیدهد
- F. D. J. PARUCK, De quelques monnaies sassanides, در Revue archéologique, 1928, p. 250-245.
- F. D. J. PARUCK, Nouvelles monnaies sassanides, در Revue archéologique, 1930, p. 233-241, 2 pl.
- F. D. J. PARUCA, Observations sur cinq monnaies sassanides در Revue numismatique vol. 39 (1936), p. 71-86, 5 fig.
- F. D. J. PARUCK, Observations sur quelques marques monétaires sassanides, در Revue de numismatique, vol. I (1937), p. 215-234.
- C. TREVOR, The Coinage of the Sasanians, B. The Artistic Character, در Pope I, p. 819-830.
- J. M. UNVALA, Numismatique du Tabaristan et quelques monnaies sassanides provenant de Suse, 1938, 43 p., 46 pl.
- R. R. VASMER, Sasanian Coins in the Ermitage, در Numismatic Chronicle, 1928, p. 249-334.
- J. WALKER, Rare Sasanian Coins, در British Museum Quarterly, vol. II (1937), p. 170 3 fig.
- J. WALKER, Catalogue of Arab-Sassanian Coins, 1941.

سفال

- R. ETTINGHAUSEN, Sasanian Pottery در Pope I, p. 664-680, fig. 234.
- M. PEZARD, La céramique archaïque de l'Islam et ses origines, Paris, 1920.
- هنر بافندگی
- Ph. ACKERMAN, Textiles through the Sasanian Period (with a Catalogue of Sasanian Silks), در Pope I, p. 691-715, fig. 241-249.
- Ph. ACKEMAN, A Sasanian Tapestry, در Bull. Am. Inst. Persian Art and Archaeology, vol. IV (1935), p. 2-4, 1 fig.
- L. ASHTON, A New Group of Sasanian textiles The Burlington Magazine, vol. LXVI (1935), p. 26-30.

زی ساسانی که در مصر پیدا شده

- R. PFISTER, Gobelins sassanides du Musée de Lyon, در Revue des arrt asiatiques vol. VI (1929-30), p. 1-23.
- R. PFISTER, Les premières soies در Etudes d'orientalisme publiées par le Musée Guimet, vol. II, Paris, 1932, p. 461-479.
- R. PFISTER. Coqs sassanides در Revue des arts asiatiques, vol. XII (1938), p. 40-47, 4 pl. et 5 fig.
- R. PFISTER, Le rayonnement de l'art textile sassanide, در l'Art vivant, vol. VIII (1932).
- H. SCHMIDT, Persian Silks of the Early Middle Age, در The Burlington Magazine, vol. LVII (1930), p. 284.
- A. SCHNUTGEN, Ein neu-entdecktes Sasanidengewebe, در Zeitschrift für christliche Kunst, 1898, p. 22-229.
- O. VON FALKE, Kunstgeschichte der Seidenweberei, Berlin, 1913, p. 77-87.

هرسasanی خارج از حدود ایران

- گذشته از مکان‌های تاریخی که در ذیل شرح داده می‌شود باید مکان‌های تاریخی آسیای مرکزی را نیز مطالعه کرد.
- تیسفون (طاق کسری)
- Fr. SARRE-E. HERZFELD, Archäologische Reise im Euphrat und Tigrisgebiet, vol. II, Berlin, 1920, p. 46-76; vol. III, pl. XXXVIII-XLIV, pl. CXXIII-CXXVII.
- O. REUTHER, Die Ausgrabungen der deutschen Ktesiphon Expedition im Winter 1928-29, Berlin, 1930, 35 p., 19 Abb.
- E. KUHNEL, Die Ausgrabungen der zweiten Ktesiphon Expedition 1931-32 Berlin, 1939.
- O. W. PUTRICH-REIGNARD Die Glassfunde von Ktesiphon, Berlin, 1939 (de l'époque parthe, sassanide et islamique.)
- H. LACOSTE. L'arc de Ctésiphon, در Sumer, vol. X (1954), p. 3-22, 20 fig.

الحضر

- D. T. RICE, Antiquity, VI (1932), p. 276-291, در Journal of the Royal Central Asian Society, XIX (1932), p. 254-268.

D. T. RICE, در Ars Islamica, vol. I (1934), p. 51-73.

کیش

S. LANGDON, در ILN 14 Febr. 1931, p. 261; 7 March. 1931, p. 369; 25 April 1931, p. 697; 20 Febr. 1932, p. 273.

L. C. WATELIN, The Sasanian Building near Kish, در Pope I, p. 584-592.

پایکولی

E. HERZFIELD, Paikuli Monument and Inscription of Early History of the Sasanian Empire, Berlin, 1921.

فهرست شکل‌ها

- ش۱- تپه حصار - شکل‌های مخصوص تپه حصار اول از کتاب :
ش۲- تپه حصار - نقوش مخصوص سفال تپه حصار اول از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۲۲ ش ۰۱۳ .
ش۳- تپه حصار - گسترش شکلهای سفال مقوش تپه حصار اول از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۱۹ ش ۱۰ .
ش۴- تپه حصار - گسترش نقش سفال تپه حصار اول از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۲۵ ش ۱۵ .
ش۵- کوه خواجه - طرح کاخ کوه خواجه از کتاب : E. Herzfeld, Irzn لوحه ۹۷ .
ش۶- تخت جمشید - نقوش برجسته (آورندهان هدایا) روی دیوارهای پله‌های شرقی آپادانا .
ش۷- تل بکون - شکل‌های مخصوص سفال تل بکون . از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۴۴ ش ۰۲۳ .
ش۸- الف-ب-تل بکون - نقوش مخصوص سفال تل بکون . از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۴۷ ش ۰۲۴ الف و ص ۰۴۹ ش ۰۲۵ ب-ب .
ش۹- تل شقا - نقوش مخصوص سفال تل شقا .
ش۱۰- قدسگاه - طرح بنا .
ش۱۱- سروستان - طرح کاخ ساسانی . از کتاب : A. U. Pope مجلد اول ش ۱۵۱ .
ش۱۲- سروستان - بازسازی کاخ ساسانی . از کتاب نامبرده در شماره ۱۱ ش ۰۱۵۲ .
ش۱۳- فیروزآباد - طرح کاخ ساسانی . از کتاب نامبرده در شماره ۱۱ ش ۰۱۵۰ .
ش۱۴- بیشاپور - طرح کاخ - آتشگاه - حیاطی که در آن معرق کاریها پیدا شده - ایوانی که در آن معرق کاریها پیدا شده - از کتاب : R. Ghirshman, Fouilles de Bichapour پاریس - مجلد دوم . لوحه ۰۲ .
ش۱۵- مسجد سلیمان - طرح سکو - از کتاب : R. Ghirshman Syria مجلد ۲۷ - ۱۹۵۰ - ص ۰۲۰ ش ۰۰۲ .
ش۱۶- چغا زنبیل - طرح زیگورات و پرستشگاه‌های کاوشهای سال ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ از کتاب : R. Ghirshman Arts مجلد ۴-۱۹۵۷ - ص ۱۱۴ ش ۰۱ .
ش۱۷- چغا زنبیل - بازساز زیگورات از کتاب : R. Ghirshman, ILN - سپتامبر ۱۹۰۶ ش ۰۱۴ .
ش۱۸- شوش - طرح عمومی کاوشهای از کتاب : R. Ghirshman Rapports préliminaires, I. Cinq campagnes de fouilles à Suse پاریس ۱۹۰۲ ض ۰۲ .
ش۱۹- شوش - شکلهای مخصوص سفال شوش اول - از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۰۴ ش ۰۲۰ .
ش۲۰- شوش - زینت‌های مخصوص سفال مقوش سفال شوش اول - از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۰۴ ش ۰۲۱ .
ش۲۱- شوش - سفال چینه برزخ شوش . از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۰۱۳ لوحه ۰۲ .
ش۲۲- شوش - سفال مقوش هفت رنگ . از شوش دوم . از کتاب نامبرده در شماره ۱ مجلد ۱۶-۱۹۰۵-۰۶-۰۷ ص ۰۱۷ لوحه ۰۳ .

- ش ۲۳ - شوش - سفال هفت رنگ (شماره ۱ و ۲) و یکرنگ (شماره ۳) از شوش دوم. از کتاب نامبرده در شماره ۱ لوحة ۳ شماره ۸-۷ و لوحة ۴ شماره ۳.
- ش ۲۴ - شوش - سفال هفت رنگ شوش دوم. از کتاب نامبرده در شماره ۱ لوحة ۴ شماره ۲۹۱.
- ش ۲۵ - تپه موسیان - نقوش مخصوص سفال تپه موسیان از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۳۵ ش ۱۸.
- ش ۲۶ - تپه علی آباد - سفال هفت رنگ از کتاب نامبرده در شماره ۱ لوحة ۴ ش ۵ تا ۰۸.
- ش ۲۷ - تپه گیان - گسترش سفال گیان در چهار طبقه‌بندی معروف به سفال گیان پنجم. از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۲۸ ش ۱۶.
- ش ۲۸ - قصر شیرین - طرح چهار قابو از کتاب نامبرده در شماره ۱۱ ش ۱۵۸.
- ش ۲۹ - قصر شیرین - طرح عمارت خسرو. از کتاب نامبرده در شماره ۱۱ ش ۱۵۳.
- ش ۳۰ - قصر شیرین - بازساز عمارت خسرو از کتاب نامبرده در شماره ۱۱ ش ۱۵۴.
- ش ۳۱ - دکان داود - آرامگاه صخره‌ای از کتاب Tor E. Herzfeld, Am. در ش ۳.
- ش ۳۲ - صحنه - آرامگاه صخره‌ای از کتاب نامبرده در شماره ۲۱ ش ۴.
- ش ۳۳ - سکاوند - استودان. از کتاب نامبرده در شماره ۵ ش ۳۱۶.
- ش ۳۴ - فخرگاه (بنابر نوشته آقای گیرشمن فخرگاه و بنابر نوشته آقای م. مصطفوی فخرگاه. مترجم). از کتاب نامبرده در شماره ۲۱ ش ۵.
- ش ۳۵ - تپه سیلک - شکل‌های مخصوص سفال منقوش تپه سیلک اول. از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۷ ش ۱.
- ش ۳۶ - تپه سیلک - نقوش مخصوص سفال تپه سیلک اول. از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۸ ش ۲.
- ش ۳۷ - تپه سیلک - شکل‌های مخصوص سفال منقوش تپه سیلک دوم. از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۱۰ ش ۴.
- ش ۳۸ - تپه سیلک - نقوش سفال تپه سیلک دوم. از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۱۱ ش ۵.
- ش ۳۹ - تپه سیلک - شکل‌های مخصوص سفال منقوش سیلک سوم. از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۱۵ ش ۷.
- ش ۴۰ - تپه سیلک - نقوش مخصوص سفال تپه سیلک سوم از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۲۱ ش ۱۲.
- ش ۴۱ - تپه سیلک - گسترش شکل‌های سفال منقوش تپه سیلک سوم. از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۱۷ ش ۹.
- ش ۴۲ - تپه سیلک - گسترش نقوش سفال تپه سیلک سوم - از کتاب نامبرده در شماره ۱ ص ۱ ش ۲۳.

فهرست شرح لوحة ها

۱- گیلان و مازندران

کلاردشت

- لوحة ۱) خیبر طلا - درازی ۲۸ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
- لوحة ۲- الف) جام زرین با نقش بر جسته سه مرشیر. بلندی ۱۰ سانتیمتر. قطر ۱۱ میلیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
- ب) جام زرین. بلندی ۹ سانتیمتر. قطر ۸ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
- لوحة ۳- الف) ریتون سفالین (ریتون جام های سفالین یافلزی هستند که بشکل شاخ حیوان ساخته شده اند و واژه مخصوصی در زبان فارسی برای این نوع جام ها پیدا نشد و چون این کلمه تقریباً بین المللی شده آنرا بصورت لاتین ذکر کردیم. مترجم) قرمز رنگ. درازی ۲۳ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
- ب) ریتون سفالین. قرمز رنگ - درازی ۲۰ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
- ج) ریتون سفالین قرمز رنگ. درازی ۲۱ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).

دماؤند

- د) ریتون سفالین اشکانی قرمز رنگ. درازی ۲۸ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).

کلاردشت

- لوحة ۴- الف) ظرف سفالین نوکدار. قرمز رنگ ، درازی ۱۷۵ میلیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
- ب) بشقاب سفالین سه پایه. قطر ۲۲ سانتیمتر موزه تهران (عکس از رستمی).
- ج) کوزه سفالین قرمز رنگ. درازی ۲۸ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
- د) قمقمه سفالین قرمز رنگ. درازی ۲۰ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
- لوحة ۵- الف) جام سیمین ساسانی از مجموعه هولمس در بوستون از کتاب ۱۶۵۰ Febr. ۱۱ I. L. N. ۰۲۰۶ ش ۰۲.
- ب) جام سیمین ساسانی از مجموعه راینسو در نیویورک از کتاب نامبرده در شماره ه الف - ص ۲۰۷ ش ۱.
- ج) جام سیمین ساسانی. از مجموعه کورکیان در نیویورک. از کتاب نامبرده در شماره ه الف ص ۲۰۶ ش ۶.
- د) جام سیمین ساسانی با نقش قباد اول سوار بواسب و در حال شکار گورخر. موزه تهران. از کتاب نامبرده در شماره ه الف ۲۱ اوت ۱۹۴۸ ص ۲۱۴ ش ۴.

- ۵) جام سیمین ساسانی با نقش قباد اول سوار بواسب و در حال شکار گورخر. از مجموعه فهیم کوشاهجی در نیویورک از کتاب نامبرده در شماره الف ص ۲۰۷ ش ۰.

- لوحة ۶ الفوب) تنگ سیمین ساسانی از مجموعه ا. ژ. هولمس از کتاب نامبرده در شماره ه الف ص ۲۰۶ ش ۳ و ۴.
- ج و د) تنگ ساسانی - بلندی ۲۶ سانتیمتر. موزه تهران. از کتاب نامبرده در شماره ه - د ص ۲۱۵ ش ۴.

ساری

- لوحة ۷ الف) جام سیمین ساسانی با نقش شکار از کتاب R. Ghirshman, Artibus Asiae جلد ۱۸ - ۱۹۰۵ ش ۱.

مازندران

- ب) جام سیمین ساسانی. قطر ۲۳ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
- ج) جام سیمین ساسانی قطر ۲۳ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
- د) جام سیمین ساسانی قطر ۲۲ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).

۲- گرگان یا استرآباد

تورنگ تپه

لوحة ۸ - الف) آدمک سفالین قرمز رنگ. بلندی ۲۵ سانتیمتر. مجموعه سوژه دانشگاه فیلادلفیا از کتاب: Pope جلد ۴
لوحة ۲۶ الف.

شاه تپه بزرگ

- سفال منقوش با نقش قهوهای مایل بسیاه یا سیاه روی زمینه قرمز بلندی تقریباً ۸۵ سانتیمتر.
- ب) از کتاب : Arne, Excavations at Shah Tepe : لوحه ۹۰ ش ۲۲۱ - ۲۲۸ .
- ج) ایضاً لوحه ۹۰ و شکل ۲۸۰ .
- د) ایضاً لوحه ۹۱ ش ۲۷۹ - ۲۸۹ ب .
- ه) ایضاً لوحه ۹۰ ش ۲۲۲ الف.
- و) ایضاً لوحه ۹۰ ش ۲۷۵ ب .

تپه حصار

لوحة ۹ الف) آبخوری با ته بیضی شکل و نقوش بزرگ کوه بر زمینه سیاه و زمینه خامه‌ای. قطر ۱۰ میلیمتر. بلندی ۹ سانتیمتر. چینه ۱-ب - موزه تهران از کتاب : Schmidt Excavations ص ۴ ش ۳۵ .

ب) آبخوری با ته تخم مرغی شکل و با نقوش سیاه روی زمینه خامه‌ای. چینه ۱ از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف لوحه ۸۲ - ب .

ج) جام پایه‌دار که با چرخ کوزه گری ساخته شده. رنگ قهوهای تیره روی زمینه شیری و قهوهای با نقوش مرکب از خطوط افقی و عمودی. بلندی ۲۳ میلیمتر. چینه ۱- ب - موزه تهران. از کتاب نامبرده در شماره ۹ - الف ص ۴۳ ش ۳۴ .

د) جام پایه‌دار که با چرخ ساخته شده. رنگ خاکستری تیره روی زمینه خاکستری مایل بقهوهای و تزیینات و نقوش بزهایی که در فاصله هایشان شاخه‌های درخت قرارداده شده. بلندی ۱۷ سانتیمتر. قطر ۱۵ میلیمتر.

چینه ۱-ج. در موزه دانشگاه فیلادلفیا. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف ص ۴۷ ش ۳۷ .

ه) جام پایه‌بلند که با چرخ کوزه گری ساخته شده. خاکستری تیره روی زمینه خاکستری مایل بقهوهای. نقوش هندسی. چینه ۱ - از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف لوحه ۳۶ .

و) جام پایه‌بلند که با چرخ کوزه گری ساخته شده. قهوهای تیره روی زمینه روشن. نقوش مرکب از خطوط شکسته. بلندی ۱۸۱ میلیمتر. قطر ۱۱۳ میلیمتر چینه ۱ - ج از مجموعه توپسون. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف. ص ۵۱ ش ۴۲ .

لوحة ۱ الف) جام پایه بلندی که با چرخ کوزه گری ساخته شده. قهوهای تیره روی زمینه خاکستری روشن با نقوش مرکب از خطوط شگسته و دایره‌ها در داخل ظرف نقش بزها روی لبه خارجی آن. بلندی ۹۷ میلیمتر

- قطر ۱۰۰ میلیمتر. چینه ۱ - ج. موزه تهران از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف ص ۱ ش ۴۳ .
- ب) جام پایه بلندی که با چرخ کوزه گری ساخته شده، رنگ قهوه‌ای تیره. روی زمینه خاکستری مایل به قهوه‌ای روشن. با نقش مرکب از خطوط شکسته و دایره‌ها در داخل ظرف و خطوط بوج دار در خارج آن. بلندی ۱۴۴ میلیمتر. قطر ۱۸۳ میلیمتر. چینه ۱ - ج موزه دانشگاه فیلادلفیا. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف - ص ۵۱ ش ۴۱ .
- ج) جام پایه بلند که با چرخ کوزه گری ساخته شده. قهوه‌ای تیره روی زمینه خاکستری مایل به قهوه‌ای روشن و با نقش مرکب از مثلث‌ها. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف لوحة ۸۲ ب.
- د) جام پایه بلند دهان گشاد که با چرخ کوزه گری ساخته شده. قهوه‌ای تیره روی زمینه خاکستری مایل به قهوه‌ای روشن نقش حیواناتی شبیه بخرگوش. چینه ۲ الف. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف لوحة ۸۲ الف.
- ه) جام پایه بلند دهان گشاد که با چرخ کوزه گری ساخته شده. رنگ قهوه‌ای تیره روی زمینه خاکستری مایل به قهوه‌ای با نقش دندانه‌دار. چینه ۲ الف موزه تهران. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف ص ۱۱۰ ش ۶۶ .
- و) جام پایه بلند دهان گشاد که با چرخ کوزه گری ساخته شده. رنگ قهوه‌ای تیره روی زمینه خاکستری مایل به قهوه‌ای روشن با نقش غزال - گردن دراز. چینه ۲ الف. بلندی ۱۶۶ میلیمتر قطر ۱۹۲ میلیمتر. موزه تهران. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف ص ۱۰۹ ش ۶۴ .
- لوحة ۱۱ - الف) تنگ خاکستری مایل به قهوه‌ای که با دست ساخته شده - چینه ۳ ب بلندی ۳۵۵ میلیمتر. موزه تهران از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف ص ۱۷۹ ش ۱۰۰ .
- ب) ظرف نوکدار که با دست ساخته شده. بلندی ۱۴۶ میلیمتر. تنگ - بلندی ۳۰۸ میلیمتر. ظرف شکم بزرگ که با چرخ کوزه گری ساخته شده. بلندی ۱۷۶ میلیمتر تنگ که با دست ساخته شده. بلندی ۱۲۸ میلیمتر. رنگ تمام این ظروف خاکستری یا خاکستری مایل به قهوه‌ای است. چینه ۳ - ج. موزه تهران - از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف. ص ۱۸۱ ش ۱۰۷ .
- ج) تنگ برنگ خاکستری که با چرخ کوزه گری ساخته شده - چینه ۳ ب بلندی ۵ سانتیمتر. موزه دانشگاه فیلادلفیا - از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف ص ۱۷۱ ش ۱۰۶ .
- د) ظروف از جنس مرمر. چینه ۳ - ج از موزه دانشگاه فیلادلفیا. کتاب نامبرده در شماره ۸ الف لوحة ۲۰ - الف. لوحة ۱۲ - الف) مجسمه زن از جنس مرمر. چینه ۳ - ج - بلندی ۱۹۱ میلیمتر پهنا ۱۱۸ میلیمتر. ضخامت ۵ میلیمتر. موزه تهران از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف ص ۱۹۲ ش ۱۱۴ .
- ب) ظروف نوکدار از جنس مرمر. چینه ۳ - ج - بلندی ۱۶۲ میلیمتر. موزه تهران - از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف ص ۲۱۴ ش ۱۲۶ .
- ج) سر قوچ از طلا. چینه ۳ - ج - بلندی ۸۵ میلیمتر پهنا ۱۲۸ میلیمتر. ضخامت ۱۵ میلیمتر. مجموعه توپسون. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف ص ۱۸۹ ش ۱۱۱ .
- (لوحة ۱۳ الف) عصا از جنس مس. چینه ۳ - ج - بلندی ۱۱۹ میلیمتر قطر ۲۴ میلیمتر. موزه دانشگاه فیلادلفیا. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف. ص ۱۹۰ ش ۱۱۶ .
- ب) عصا از جنس مس (مخصوص از میله‌ای شبیه به عصای کوتاه است که هنگام انجام مراسم مذهبی در دست میگرفتند - م.) درازا ۱۲۲ میلیمتر. موزه دانشگاه فیلادلفیا. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف. ص ۱۹۶ ش ۱۱۷ .

ج) زیورهای زرین. عقیق و غیره. چینه ۳ - ج - موزه تهران، مجموعه توپسون و موزه دانشگاه فیلادلفیا. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف لوحه شماره ۳۵.

لوحة ۴ الف) گچ بریهای کاخی از دوران ساسانی - درازا ۳۹ سانتیمتر. موزه دانشگاه فیلادلفیا. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف لوحه شماره ۱۷۶.

ب) گچ بریهای کاخی از عهد ساسانیان. نیم تن زنی که در اطراف سرش گل‌هایی دیده می‌شود. پهنا ۴۰۴ میلیمتر. موزه پنسیلوانیا. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف نوحة ۱۶۵.

ج) گچ بریهای از کاخ ساسانی. نقش نشانه‌ای. پهنا ۲۰۴ میلیمتر. موزه پنسیلوانیا. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف لوحه ۱۶۵.

محمود آباد

لوحة ۱۰ الف) ظرف سفالین با زمینه خامه‌ای و نقش سیاه مرکب از خطوط شکسته شبیه بسفال آنی سوم از کتاب : آثار ایران جلد سوم بزبان فرانسه H. Frankfort, Studies in Early Pottery of the Near East مجلد اول لوحه ۷ شماره ۲.

۳ - خراسان و سیستان

قلعه دختر بازهور

ب) آتشکده از دوران ساسانی. آثار ایران جلد سوم بزبان فرانسه ۱۹۳۸ ش ۳۰.

کوه خواجه

ج) آتشدان سنگی که از آتشکده‌ای بدست آمد. از دوران اشکانیان - از کتاب Herzfeld, Iran لوحه ۴۶ و ۴۷.
لوحة ۱۶ الف - ب) نقاشی دیواری از کاخی از دوران ساسانی اشکانی که اشخاصی را از نیم تن نشان میدهد. از کتاب نامبرده در شماره ۱۵ ج لوحه ۴۶ و ۴۷.

ج) گچ بریهای با نقش نباتات و نقش هندسی از کتاب نامبرده در شماره ۱۶ الف لوحه ۹، الف.

۴ - بلوچستان و کرمان

خوراب

لوحة ۱۷ - الف) بشتاب با زمینه خاکستری و نقش سیاه مایل به قهوه‌ای. موضوع نقش در درون ظرف پرندگانی که با حالت تصنیع نقش شده‌اند. موزه تهران از کتاب : Herzfeld, Archaeological Reconnaissances in North Western India and South-Eastern Iran لندن ۱۹۳۷ - لوحه ۱۴ ش ۱۵۷.

ب) بشتاب با زمینه خاکستری و نقش سیاه مایل به قهوه‌ای. تزیینات در داخل ظرف مرکب از پرندگانیست که بصورت تصنیعی نشان داده شده‌اند. دانشگاه هاروارد - کتاب نامبرده در شماره ۱۷ الف - لوحه ۱۴ - ش ۱۵۵.

ج) جام با زمینه خاکستری نقش سیاه مایل به قهوه‌ای. در درون جام نقشی مرکب از درختهایی که بصورت تصنیعی نقش شده‌اند. از کتاب نامبرده در شماره ۱۷ - الف - نوحة ۱۴ - ش ۱۵۲.

د) آبغوری زمینه خاکستری نقش سیاه مایل به قهوه‌ای در خارج ظرف و برکب از یکنوار موج دار که از میان مثلث‌های دندانه‌داری که مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند می‌گذرد. دانشگاه هاروارد. از کتاب نامبرده در شماره ۹ الف لوحه ۱۳ - ش ۰۲۰۲.

ه) آبغوری زمینه خاکستری. نقش سیاه مایل به خاکستری در خارج ظرف و برکب از نواری از شاخ‌های بزها یاقوچ. موزه تهران. از کتاب نامبرده در شماره ۱۷ - الف - لوحه ۱۶ ش ۱۵۳.

- و) آبخوری با زمینه خاکستری و نقش قهوهای مایل به سیاه در خارج ظرف و مرکب از شاخهای قوج موزه تهران.
- از کتاب نامبرده در شماره ۱۷ الف لوحة ۱۶ ش ۱۶۱
- لوحة ۱۸ الف) آبخوری زمینه خاکستری نقش قهوهای مایل به سیاه در خارج ظرف و مرکب از نواری از شاخ حیوان.
- موزه بریتانیا از کتاب نامبرده در شماره ۱۷ - الف لوحة ۱۶ ش ۱۳۲
- ب) آبخوری با زمینه خاکستری و نقش قهوهای مایل بسیاه در بیرون ظرف و مرکب از یک نوار شاخهای حیوان از کتاب نامبرده در شماره ۱۷ - الف لوحة ۱۶ ش ۱۳۶
- ج) ظرف با زمینه خاکستری مایل بقهوهای و نقش قهوهای مایل بسیاه و مرکب از نوارهایی از خطوط هندسی. موزه تهران از کتاب نامبرده در شماره ۱۷ - الف لوحة ۳ شماره ۲۰۰
- د) ظرف با زمینه خاکستری مایل بقهوهای و نقش قهوهای مایل بسیاه و مرکب از نواری از نقش نباتات. درخت خربما که بصورت تصنیعی ساخته شده. دانشگاه هاروارد - از کتاب نامبرده در شماره ۱۷ - الف لوحة ۱۷ شماره ۱۹۹۰
- ه) ظرف زمینه خاکستری مایل بقهوهای با تزیینات قهوهای مایل بسیاه و مرکب از خطوط شکسته. در میان نقش مثلثهایی که مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند. بریتیش موزیوم. از کتاب نامبرده در شماره ۱۷ - الف لوحة ۱۷ شماره ۲۰۵
- و) ظرف نظیر ظرف بالا با نقش شبیه به شاخ حیوانات از کتاب نامبرده در شماره ۱۷ الف لوحة ۱۷ شماره ۲۰۵

۵- لارستان

تنگ چک چک - فرس

لوحة ۹ الف) چهار طاق از دوران ساسانی که با سنگهای نتراشیده ساخته شده و بوسیله ملاطی از گچ و آهک بهم متصل گردیده است. پهنا ۱۲/۶ متر بلندی تا گوشوار ۵ متر.

ب) آتشکده دوران ساسانی که با قله سنگ و گچ ساخته شده ۱۰/۳۰ متر. بلندی تا گوشوار ۵ متر.

محله چاه - فیشور

لوحة ۱۰ الف - ب) چهار طاق. بلندی ۶ متر (نمای جنوب و جنوب غربی).

۶- فارس

پاسارگاد

لوحة ۱۱ - الف - ب) آرامگاه کوروش. بلندی پله‌ها. پله اول ۱/۷۰ متر دوم و سوم یک متر - چهارم و پنجم و ششم ۵ متر سانتیمتر - پهنا ۱/۶ متر. بلندی پایه آرامگاه ۲/۵ متر در درون آرامگاه - بلندی ۱/۱ متر پهنا ۲ متر. درازا ۳ متر. پهنا در ۱ متر بلندی ۱/۳۰ متر (نمای شمالی و جنوبی).

لوحة ۱۲ الف) قطعه‌ای از نقش بر جسته سروط بدر شرقی کاخ پذیرایی کوروش (عکس از رستمی).

ب) کاخ پذیرایی کوروش. بلندی ستون ۱۲/۲۷ متر با پایه ستون ۱۳/۴۴ متر.

ج) کاخ پذیرایی کوروش. جرز گوشة کاخ.

لوحة ۱۳ الف) کاخ «R» در نقشه هرتسفلد.

ب) نقش بر جسته یکی از درهای کاخ «R» در نقشه هرتسفلد.

ج) کاخ «R» در نقشه هرتسفلد.

لوحة ۱۴ - الف) آتشکده معروف به زندان سلیمان. بلندی ۱۲/۵ متر پهنا ۷/۳۵ - یک دیوار برپا مانده.

ب و ج) سکوی معروف به تخت مادر سلیمان. بلندی ۱۲ متر.

د) دو آتشدان بصورت پلکان که با تخته سنگهای بزرگ ساخته شده است. میان این دو آتشدان ۶ متر فاصله است. پهنهای هر آتشدان ۰.۲ متر درازا ۰.۶ متر و بلندی ۱/۶ متر است. یکی از آتشدانها پله دارد و در یک تخته سنگ یک پارچه تراشیده شده است.

تخت رستم

لوحة ۲۶ (الف) آرامگاه ناتمام از کتاب : Schmidt, Persepolis مجلد اول لوحة ۵۳۶.

نقش رجب

ب) نقش بر جسته صخره‌ای دوران ساسانی. بتخت نشستن اردشیر اول - پهنهای مجلس ۰/۵ درازا ۰/۵ (عکس از رستمی).
لوحة ۲۷ (الف) نقش بر جسته صخره‌ای دوران ساسانی، در طرف چپ نقش نامبرده در بالا (عکس از رستمی).
ب) نقش بر جسته صخره‌ای دوران ساسانی. شاپور اول سوار بر اسب و همراه با ملتزمان رکاب سواره و پیاده (عکس از رستمی).
لوحة ۲۸ تاجگذاری شاپور اول. پادشاه سوار بر اسب (طرف چپ) نشانه شاهی را از دست اهورمزدا دریافت مینماید.
(عکس از رستمی).

نقش رستم

لوحة ۲۹ (الف) منظره عمومی نقش رستم.

ب) آرامگاه داریوش اول و در زیر آن دو نقش بر جسته صخره‌ای از دوران ساسانیان.
ج) نقش بر جسته صخره‌ای ساسانی. تاجگذاری اردشیر اول پهنا ۰.۴ متر درازا ۰.۶ متر.
لوحة ۳۰ (الف) نقش بر جسته صخره‌ای دوران ساسانی - پادشاه بهرام دوم در میان خانواده‌اش. در زیر این نقش آثار مجلس دیگری از دوران ایلامی نمایان است - درازا ۰.۴/۳ متر پهنا ۰.۲/۰ متر. نقش پادشاه ۰/۲ متر بلندی دارد.

ب) نقش بر جسته صخره‌ای. پادشاه بهرام دوم سوار بر اسب است و با دشمن در ستیز است.

ج) نقش بر جسته صخره‌ای دوران ساسانی. هریز دوم دصمون را از اسب بزیر انداخته است. در بالای آن، نقش دیگری از شاپور دوم است که تقریباً بکلی پاک شده.

د) نقش بر جسته صخره‌ای دوران ساسانی. پیروزی شاپور بر والرین امپراتور رومی - درازا ۱۵ متر. پهنا ۷ متر.

لوحة ۳۱ (الف) نقش بر جسته صخره‌ای دوران ساسانی. چنگ اسب سواران در درو مجلس. منسوب به بهرام دوم.
ب) نقش بر جسته صخره‌ای دوران ساسانی. تاجگذاری نرسی.

ج) جزئیات نقش بالا (عکس از Oeil L شماره ۱۹۵۷-۲۷).

لوحة ۳۲ (الف) دو آتشدان که در کنار یک دیگر قرار دارند و در سنگ تراشیده شده‌اند. بلندی آتشدان سمت چپ ۵ متر و بلندی آتشدان دیگر ۰/۷ متر است. پهنا و درازای گودالی که آتش روی آن قرارداده میشده ۰/۴ سانتیمتر است.

ب) ستونی در روی کوه حسین که جزئی از آتشدان بوده. بلندی ۱/۱ متر. قطر ۵ سانتیمتر.

ج) آتشدان معروف به «کعبه زرتشت». بلندی ۰/۱۲ متر پهنا و درازا ۰/۵ متر. داخل اطاق پهنا و درازا ۰/۳۷۷ متر و بلندی ۰/۳ متر.

تخت جمشید

لوحة ۳۲ - الف) نمای عمومی تخت جمشید که از بالای کوه رحمت گرفته شده. (عکس از رستمی).

ب) دروازه بزرگ خشاپارشا (عکس از رستمی).

ج) دروازه بزرگ خشاپارشای اول. دروازه شرقی - گاو بالداری که سرانسان دارد (عکس از رستمی).

لوحة ۳۳ الف) پلکان بزرگ در شرق آپادانا (عکس از رستمی).

ب) جزئیات همان پلکان بزرگ واقع در مشرق تالار آپادانا (عکس از رستمی).

لوحة ۳۴ الف) نقش بر جسته دیوارهای طرفین تالار آپادانا. در بالا اسبها و گردونه‌های شاهی و در میان و در پایین

افسران مادی و پارسی. بلندی ۳۲ متر از کتاب شماره ۲۵ الف لوحة ۳۱.

ب) نقش بر جسته پلکان شرقی. با بليهایي که ظروفی پر از سیم وزر و طاقه‌های پارچه و یک گاوکوهان دارسيرند.

بلندی ۶ سانتيمتر از کتاب نامبرده در شماره ۲۵ الف لوحة ۳۱ ب.

ج) نقش بر جسته پلکان شرقی آپادانا. سکائی‌ها اسب و بازو بندهای زرین و لباده‌ها و شلوارها با خود می‌آورند. بلندی

۹ سانتيمتر - از کتاب نامبرده در شماره ۲۵ - الف لوحة ۳۷ ب.

لوحة ۳۵ الف) نقش بر جسته پلکان شرقی. ايونی‌ها جام‌ها و پارچه‌ها و میش‌ها می‌آورند. بلندی ۶ سانتيمتر. از کتاب

نامبرده در شماره ۲۵ الف - لوحة ۳۴ ب.

ب) نقش بر جسته پلکان شرقی آپادانا. با ختنیها ظروف و یک شتر می‌آورند. بلندی ۶ سانتيمتر از کتاب نامبرده در شماره

۲۵ الف لوحة ۴۱ ب.

ج) کاخ سه دروازه. پلکان اصلی شمالی (عکس از رستمی).

لوحة ۳۶ الف) کاخ سه دروازه. پلکان اصلی شمالی. ستیز شیر با گاونر (عکس از رستمی).

ب) کاخ سه دروازه. پلکان اصلی شمالی. اسفنکس (عکس از رستمی).

ج) کاخ سه دروازه. پلکان اصلی شمالی. ضلع طرف راست (عکس از رستمی).

لوحة ۳۷ الف) کاخ سه دروازه پلکان اصلی شمالی. ضلع طرف راست. ردیف نگهبانان پارسی. (عکس از رستمی).

ب) کاخ سه دروازه. پلکان اصلی شمالی. ضلع طرف راست. نگهبانان پارسی (عکس از رستمی).

لوحة ۳۸) کاخ سه دروازه. پلکان اصلی شمالی. ضلع چپ. نگهبانان مادی (عکس از رستمی).

لوحة ۳۹ الف) کاخ سه دروازه. ايوان ستون دار شرقی (عکس از رستمی).

ب) کاخ سه دروازه. جزئیات عکس پیش. اهوربزدا (عکس از رستمی).

لوحة ۴۰ الف) تچرای داريوش اول.

ب) تچرای داريوش اول. پلکان جنوب شرقی تچرا. باج دهندگان.

لوحة ۴۱ الف) هدیش.

ب) اطاقهای حرم.

ج) قسمتی از حرم که امروز باز ساز شده و یموزه مبدل گشته است.

لوحة ۴۲ الف) تالار صد ستون. ايوان ستون دار شمالی و دروازه شرقی. بار شاهنشاه (عکس از رستمی).

ب) تالار صد ستون. ايوان ستون دار غربی. ستیز شاه با گاونر (عکس از رستمی).

ج) تالار صد ستون. ايوان ستون دار جنوبی. بار شاهنشاه (عکس از رستمی).

- د) نقش برجسته تالار خزانه، بار شاهنشاهی (عکس از رسمی).
- لوحة ۳۴ الف) سر مجسمه کوچک از سنگ لا جورد. دوران هخامنشی. در سال ۹۶۴ در مشرق حیاط مجاور تالار صد ستون کشف گردیده - موزه تهران (عکس از رسمی).
- ب) نیم تنہ مجسمه از مرمر. در حدود ۵۰۴ پیش از میلاد. این مجسمه نیم تنہ زنی را نشان میدهد و در سال ۱۹۳۸ میلادی کشف شده است. در تالار خزانه تخت جمشید پیدا شده - موزه تهران (عکس از رسمی).
- ج) شیر از سنگ لا جورد. دوران هخامنشی. در سال ۱۹۵۱ در مشرق هدیش پیدا شد. بلندی ۷ سانتیمتر. پهنا ۱ سانتیمتر موزه تهران (عکس از رسمی).
- د) سر ستون بشکل دو شیر. در سال ۱۹۴۲ در تالار آپادانا پیدا شده. درازی ۳۷. متر بلندی ۲۰ متر (عکس از رسمی).
- ه) سر ستون بشکل عقاب. در سال ۱۹۵۳ در شمال تالار صد ستون پیدا شده (عکس از رسمی).
- و) سر ستون بشکل گاو نر. در سال ۱۹۴۷ در شمال صد ستون پیدا شده (عکس از رسمی).
- لوحة ۴۴ الف) آرامگاه صخره‌ای (دخمه) اردشیر دوم (جزئیات) (عکس از رسمی).
- ب) پایه مجسمه کوچک یا ظرف، مرکب از سه شیر برنزی. در کاخ خزانه پیدا شده. موزه تهران.
- ب) کتیبه مربوط بسنگ اول بنا. از جنس طلا. از زبان خشایارشای اول - موزه ایران باستان. از کتاب نامبرده در شماره ۵۰ الف شکل ۱۰.
- د) مجسمه سک از سنگ سیاه (عکس از رسمی).
- لوحة ۵۴ الف) آرامگاه ناتمام داریوش سوم. فقط تصویر شاه در برابر آتشدان روی منگ کنده شده است.
- ب) ویرانه های هخامنشی در جنوب صفة تخت جمشید.
- لوحة ۶۴ الف) سر در با گیلوئی مصری در شمال شرق صفة تخت جمشید.
- ب) نقش برجسته کناره های دری که در بالای آن گیلوئی مصری دیده میشود. از کتاب نامبرده در شماره ۵ - الف مجلد اول ش ۱۷.
- ج) نقش برجسته در کنار در متعلق بدوران سلوکی.
- د) پرستشگاه دوران سلوکی در شمال شرق تخت جمشید.

تل بکون

- لوحة ۶۷) مقال منقوش بسبک تل بکون از کتاب نامبرده در شماره ۱ فهرست شکل ها لوحة ۱۱.
- لوحة ۶۸) مقال منقوش سبک تل بکون از کتاب نامبرده در شماره ۱ فهرست شکل ها لوحة ۱۰.

تل جری ب

- اوه ۹۴ الف) مقال منقوش سبک تل جری.

تل موشکی

- ب) مقال منقوش تل مشکی.

تل جری الف

- لوحة ۵۰) جام پایدار. زمینه زرد و نقش قهقهه ای. پایه ظرف در هفت ردیف سوراخه ای دارد. درون این ظرف ۳ مرد در حال رقص دسته جمعی نشان داده شده که هر کدام دسته ایشان را روی شانه نفر جلو قرار داده اند. بلندی ۹۲ سانتیمتر.

بلندی پایه به ۲۵۵ میلیمتر. قطر محیط جام ۱۹ سانتیمتر قطر پایه ۱۱ سانتیمتر. عمق جام ۶ سانتیمتر.
موزه تهران - از کتاب : L. Vanden Berghe Jaarbericht Ex Oriente Lux مجلد ۱۲ - ۱۹۵۲ .
لوحة ۴۹.

تل گفتری

لوحة ۱۰ الف) سفال سفید زرد رنگ با نقش قهوه‌ای مایل بسیاه.
ب) سفال قرمز با نقش سیاه.

تل جری الف

لوحة ۱۰ ب) جزئیات جام پایه دارکه در لوحة ۱۰ نشان داده شده - از کتاب نامبرده در شماره ۰۰ لوحة ۱۰ - الف.

تل قلعه

ب) ظروف سبک تل قلعه. بلندی ۱۲ سانتیمتر. قطر ۱۱ سانتیمتر موزه تهران از کتاب نامبرده در شماره ۰۰ - مجلد ۱۳ - ۱۹۵۴ .
لوحة ۸۵ - الف.

ج) آبخوری منقوش بسبک تل قلعه. بلندی ۱۰۵ متر قطر ۸۵ میلیمتر.

تل شغا

لوحة ۱۰ الف) جام بسبک تل قلعه با نقش پرندگان و درختها بشکل تصنیعی - بلندی ۱۴ سانتیمتر قطر ۲۲۵ سانتیمتر.
موزه تهران از کتاب نامبرده در شماره ۰۰ - مجلد ۱۲ - ۱۹۵۲ - ۱۰ لوحة ۱۰ الف.
ب) ظروف بشکل حیوان - میک تل قلعه با نقش لوزی و ماہی. موزه ایران پاستان تهران - از کتاب نامبرده در شماره ۰۰ .
مجلد ۱۲ - ۱۹۵۲ - ۱۰ لوحة ۱۰ - ب .

لوحة ۱۰ ب) سفال منقوش تل شغا. موزه تهران. از کتاب نامبرده در شماره ۰۰ - مجلد ۱۲ - ۱۹۵۲ - ۱۰ لوحة ۱۰ .
لوحة ۱۰ ب) سفال منقوش بسبک تل شغا. موزه تهران (عکس از رستمی).

تل گمین

لوحة ۱۰ الف) جام منقوش بسبک تل شغا. بلندی ۲۷ .

ب) ظرف منقوش بسبک تل شغا. بلندی ۱۰ قطر ۷۵ میلیمتر .

ج) جام منقوش بسبک تل شغا. بلندی ۱۵ میلیمتر. قطر ۲۵۵ میلیمتر .

د) ظرف منقوش بسبک تل شغا بلندی ۱۹ میلیمتر قطر ۱۰۲ میلیمتر .

ه) جام منقوش بسبک تل شغا. بلندی ۱۳ سانتیمتر. قطر ۲۲ سانتیمتر .

و) ظرف منقوش بسبک تل شغا بلندی ۱۹ سانتیمتر قطر ۱۱ میلیمتر .

تل تیموران

لوحة ۱۰ الف) جام بسبک تل قلعه بلندی ۹ سانتیمتر قطر ۱۶ سانتیمتر .

ب) جام بسبک تل قلعه بلندی ۱۷ سانتیمتر. قطر ۲۲ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی) .

ج) ظرف بسبک تل قلعه بلندی ۲۱ میلیمتر. قطر ۱۳ میلیمتر .

د) ظرف بسبک تل قلعه بلندی ۸۰ میلیمتر. قطر ۶۵ میلیمتر .

ه) آبخوری بسبک تل قلعه بلندی ۱۰ سانتیمتر. قطر ۸ سانتیمتر .

لوحة ۱۰ الف) ظرف بسبک تل شغا بلندی ۳ سانتیمتر. قطر ۱۱ سانتیمتر .

- ب) ظرف بسبک تل شغا بلندی ۱۷ سانتیمتر. قطر ۸ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
- ج) ظرف بسبک تل شغا بلندی ۲۲ سانتیمتر. قطر ۱۱ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
- د) جام بسبک تل شغا بلندی ۹ سانتیمتر. قطر ۱۰۵ میلیمتر.
- لوحة ۹ (الف) جامها بسبک تل تیموران ۱- بلندی ۴ سانتیمتر. قطر ۱۲ سانتیمتر. ۲- بلندی ۶۵ میلیمتر. قطر ۱۵ سانتیمتر - موزه تهران.
- ب) ظرف بسبک تل تیموران بلندی ۱۸ سانتیمتر. قطر ۸ میلیمتر. موزه تهران (عکس از رستمی).
- ج) ظرف بسبک تل تیموران بلندی ۹ سانتیمتر قطر ۶۳ میلیمتر موزه تهران (عکس از رستمی).
- د) ظرف بسبک تل تیموران. بلندی ۱۹. میلیمتر قطر ۱۰ میلیمتر.
- (۵) « ۹۰ » ۹ سانتیمتر.
- (۶) « ۲۲۰ » ۹ سانتیمتر.
- (۷) « ۱۰ » ۱۰ سانتیمتر قطر ۷۲ میلیمتر.
- لوحة ۱۰ (الف) ظرف بسبک تل تیموران. بلندی ۱۰ سانتیمتر قطر ۹ سانتیمتر.
- (۸) « ۹ » ۱۲ » » »
- (۹) « ۹ » ۱۰ » » »
- (۱۰) « ۱۳ » ۱۴ » » »
- (۱۱) « ۱۳۰ » ۱۴ » » »
- و) دیزی خاکستری مایل بسیاه. بلندی ۲۹ سانتیمتر.

تل جلا باد

لوحة ۶۱ (الف) سفال منقوش مربوط بیک ظرف نوکدار.

آخور رستم

ب-ج-د) آرامگاه‌های صخره‌ای از کتاب : Bibliotheca Orientalis مجلد ۱۰ ۱۹۰۳-۱۰ لوحه ۴ شماره ۴ و ۵.

با غ بدره

ه-و) آتشکده. بلندی ۲۱۵ میلیمتر از کتاب نامبرده در شماره ۶۱-ب لوحه ۴ ش ۱.

کوه سروی

لوحة ۶۲ (الف-ب) استودان‌ها. از کتاب نامبرده در شماره ۶۱-ب لوحه ۵ شماره ۸.

کوه رحمت

ج) گودال برای قراردادن مردگان پیش از قرار دادن استخوانها یشان در استودانها. از کتاب نامبرده در شماره ۶۱ ب لوحه ۵ شماره ۷.

کوه زاغه

د) استودان. از کتاب نامبرده در شماره ۶۱-ب لوحه ۵ شماره ۹.

کوه ایوب

ه) آشدان. از کتاب نامبرده در شماره ۶۱-ب لوحه ۴ شماره ۳.

و) استودان. از کتاب نامبرده در شماره ۶۱-ب لوحه ۶ شماره ۱۱.

قدمگاه

لوحة ۶۳ الف) اثری که در منگک کوه تراشیده شده - از کتاب نامبرده در شماره ۶۱-ب لوحة ه شماره ۱۰.
ب) پلکان بنای قدمگاه. از کتاب نامبرده در شماره ۶۱-ب لوحة ه شماره ۱۰.

دارابگرد

لوحة ۶۴ الف) دیوار مدور شهر قدیمی.

نقش رستم - دارابگرد

ب-ج) نقش برجسته صخره‌ای. پیروزی شاپور اول بر والرین.

تل ضحاک

د) سر از جنس مرمر «پاروس». از زمان یونانی مابی (هلنیستیک) از کتاب : A. Stein, Iraq مجلد ۳ - ۱۹۳۶
لوحة ۲۹ ش ۳۳.

تنگ کرم

ه) آتشدان. بلندی ۳ متر. از کتاب نامبرده در شماره ۶۴ - د لوحة ۱۶ شکل ۲۶.

سر وستان

لوحة ۶۰ (۶۱-۶۰) کاخ ساسانی از شاه بهرام پنجم (عکس از رستمی).

فیروزآباد

لوحة ۶۷ الف) دیوار مدور شهر قدیمی. از کتاب Schmidt, Flights لوحة ۱۸.

ب) آتشدان.

ج) کاخ اردشیر. از کتاب نامبرده شماره ۶۷ الف لوحة ۱۷.

لوحة ۶۷) کاخ اردشیر.

لوحة ۶۹) قلعه دختر.

لوحة ۷۰) نقش برجسته صخره‌ای از دوران ساسانی. تاجگذاری اردشیر اول.

لوحة ۷۱) نقش برجسته صخره‌ای از دوران ساسانی. پیروزی اردشیر بر اردوان پنجم پادشاه اشکانی.

قصر ابونصر

لوحة ۷۲) ایوان ستون‌دار از دوران هخامنشی.

لوحة ۷۳ الف) نقش برجسته صخره‌ای ساسانی- بهرام دوم در حال پرستش در برابر آتش مقدس.

ب) نقش برجسته صخره‌ای ساسانی. بهرام دوم و همسرش.

سر مشهد

لوحة ۷۴ الف) نقش برجسته صخره‌ای ساسانی - بهرام دوم همسر و پسرش را در برابر حمله دو شیر حمایت مینماید.
(عکس از رستمی).

کازرون

ب) چهار طاق.

جره

ج) چهار طاق (آندره گدار آثار ایران جلد سوم ۱۹۳۸ ش ۱۰).

بیشاپور

- لوحة ۵۰ الف) ویرانه های کاخ (عکس از رسمی).
 ب) آتشگاه (عکس از رسمی).
 ج) بنای مربوط بهندر. (عکس از رسمی).
 د) گچ بری های سه ایوان از کتاب R. Ghirshman, Les mosaïques sassanides de Bischapour : ۲۲
 ه) معرف کاری های سه ایوان بیشاپور. یک زن درباری که گلی بریک دست و تاج گلی بر دست دیگر دارد.
 لوحة ۵۶ معرف کاری های سه ایوان. سر برد (کتاب نامبرده در شماره ۵۰ د - لوحة ۱۴).
 لوحة ۵۷ الف) نخستین نقش برجسته صخره ای ساسانی- امپراتور والرین بزانو در برابر شاپور اول- از کتاب شماره ۵۱
 لوحة ۱۱۴ الف).
 ب) دومین نقش برجسته صخره ای ساسانی- پیروزی شاپور اول بر والرین (عکس از رسمی).
 لوحة ۵۸ الف) سومین نقش برجسته صخره ای ساسانی پیروزی شاپور اول بر والرین (عکس از رسمی).
 ب) جزئیات سومین نقش. ردیف برنده گان خراج- از کتاب : Herzfeld-Arch . History ۱۳
 ج د) جزئیات سومین نقش ساسانی - والرین بزانو در برابر شاپور اول. از کتاب نامبرده در شماره ۵۸ ب لوحة ۱۱ ب.
 ه) جزئیات سومین نقش- لشکر شاپور اول- اسواران ایران از کتاب نامبرده در شماره ۸۷ ب لوحة ۱۲ الف.
 و) جزئیات سومین نقش ساسانی. ردیف برنده گان خراج (عکس از رسمی).
 لوحة ۵۹ الف) جزئیات سومین نقش. ردیف برنده گان خراج (عکس از رسمی).
 ب) پنجمین نقش صخره ای ساسانی. تاجگذاری بهرام اول از کتاب نامبرده در شماره ۵۰ ج لوحة ۱۱ ب.
 لوحة ۶۰ الف) چهارمین نقش- بهرام دوم اعراب مطیع شده را میپذیرد (عکس از رسمی).
 ب) جزئیات ششمین نقش- لشکر و اسب شاهزاده. از کتاب ۷۸ ب لوحة ۱۲ ب.
 ج) جزئیات ششمین نقش. اسب شاه و میر غضب هائی که سر بریده دشمنان را سپرند (عکس از رسمی).
 لوحة ۶۱ مجسمه پزرگ شاپور اول (عکس از رسمی).

نقش بهرام

لوحة ۶۲ الف و ب) نقش برجسته صخره ای ساسانی - بهرام دوم و ملتزمان رکاب.

گویم

لوحة ۶۳) نقش برجسته ساسانی- بهرام سوم.

نورآباد

لوحة ۶۴ الف و ب) آتشگاه.

جین جین

ج-د) پایه های ستون با نقش نیلوفر آبی.

کورانگون

لوحة ۶۵) نقش برجسته صخره ای ایلامی. دو پروردگار از دو جنس و پرستندگان.

لوحة ۶۶ الف) جزئیات نقش بالا. پرستندگان.

دآودختر

ب) آرامگاه صخره ای.

۷- خوزستان

خیرآباد

ج) چهار طاق (عکس از رسمی)

تنک سروک

لوحة ۸۷ دوین سنگی که نقش بر جسته دارد و از دوران اشکانی است - طرف غربی (عکس از رسمی).
لوحة ۸۸ الف) دوین صخره طرف شمالی (عکس از رسمی).

ب) دوین صخره طرف شمال غربی (عکس از رسمی).

لوحة ۸۹ الف) نخستین صخره با نقش از دوران اشکانی (عکس از رسمی).
ب) سومین نقش بر جسته روی تخته سنگ از دوران اشکانی (عکس از رسمی).

قلعه قل

لوحة ۹۰ الف) نقش بر جسته صخرهای از دوران ایلامی از کتاب : Stein Old Routes ش ۴۳.

کل فارا

ب) نقش بر جسته صخرهای ایلامی. پادشاه «هانی» مشغول انجام مراسم مذهبی است. از کتاب : G. Jequier M. D. P. III ۱۹۱۰. لوحه ۲۳.

لوحة ۹۱ الف) نقش بر جسته صخرهای از دوران ایلامی. از کتاب شماره ۹. الف ش ۴۴.

ب) نقش بر جسته صخرهای از دوران ایلامی. از کتاب شماره ۹. الف ش ۴۵.

شمی

لوحة ۹۲ الف) مجسمه برنزی. بلندی ۱/۹۴ ستر موزه تهران (عکس از رسمی).

ب) مجسمه کوچک برنزی. بلندی ۲۷ سانتیمتر. موزه تهران (عکس از رسمی).

لوحة ۹۳) سر مجسمه برنزی. موزه تهران. از کتاب آندره گدار آثار ایران بزبان فرانسه مجلد دوم ۱۹۳۷ ش ۱۱۸.

لوحة ۹۴ الف-ب) سر شاهزاده ای از بربر بسبک اشکانی. بلندی ۱/۰ متر (عکس از رسمی).

ج) ماسک برنز از آنتیوکوس چهارم (احتمالا). از کتاب نامبرده در شماره ۹. الف لوحة ۴.

د) قسمتی از نقش روی صدف (از کتاب آندره گدار). راهنمای نمایشگاه هنر ایران در موزه چرنووسکی در پاریس در سال ۱۹۴۹ ص ۴۳.

مسجد سلیمان

لوحة ۹۵ الف) صندوقه. از کتاب نامبرده در شماره ۶. الف لوحة ۹۴.

چغا زنبیل

ب) بازساز زیگورات از کتاب : R. Chirshman I. L. N. 8. Sept. 1956 ش ۱۱.

ج) زیگورات. از کتاب نامبرده در شماره ۹۵ ب ش ۴.

شوش

لوحة ۹۶ الف) جام سفالین منقوش از سبک شوش اول. قطر ۲۱۵ میلیمتر موزه لوور.

ب) جام منقوش بسبک شوش اول قطر ۹۰ میلیمتر. موزه لوور.

لوحة ۹۷) سفال منقوش بسبک شوش اول. موزه لوور. از کتاب نامبرده در شماره ۱ فهرست اشکال جلد ۱ لوحة ۸.

- لوحة ۹۸) سفال منقوش از سبک شوش. موزه لوور. از کتاب نامبرده در شماره ۱ فهرست شکل ها.
- لوحة ۹۹) سفال منقوش بسبک شوش اول. موزه لوور. MDP XXIX ۱۹۳۴ لوحة ۴ ش ۱.
- لوحة ۱۰۰) سفال منقوش بسبک شوش اول. نقش یکرنسگ. موزه لوور. از کتاب نامبرده در شماره ۱ فهرست شکل ها مجلد ۱۵، ۱۹۰۴ لوحة ۳ و ۵.
- لوحة ۱۰۱) (الف) مجسمه کوچک از گل پخته. بلندی ۳۶ میلیمتر موزه لوور از کتاب پوپ مجلد ۴ لوحة ۷۴.
- ب) مجسمه کوچک از گل پخته. بلندی ۵۷ میلیمتر موزه لوور از کتاب پوپ مجلد ۴ لوحة ۷۴ ب.
- ج-د-ه) بانوی ایلامی از عاج. بلندی ۹۲ میلیمتر از کتاب : Encyclopédie photographique de l'art. Le Musée du Louvre Edition Tel, ۱۹۳۶ ص ۲۶۸.
- لوحة ۱۰۲) (الف) مجسمه کوچک طلا و نقره. سیله هائی از سنگ که سر آن شیر زرینی را نشان میدهد و از پرستشگاه شوشیناک بدست آمده. دوران ایلامی. موزه لوور از کتاب MDP مجلد ۷ ۱۹۰۴ لوحة ۷۴.
- ب) مجسمه برنزی توپر از ملکه نپیرازو، همسر اونتاش هویان. بلندی ۹۱/۲۹ متر. وزن ۱۷۵ کیلوگرم موزه لوور از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۲ الف لوحة ۱۵ الف.
- ج) قسمتی از لوحة سنگی از پادشاه اونتاش هویان با نقش فرشته برکت و آبادانی موزه لوور چاپ Tel ۱۹۳۶ ص ۲۷۰.
- د) قسمتی از لوحة سنگی از شاه اونتاش هویان. فرشته ای که شاخ قوچ دارد و قسمت پایین تن او از حیوان است. موزه لوور از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۲ ج. ص ۲۶۹.
- لوحة ۱۰۳) (الف) آجر لعاب دار از پرستشگاه کوتیر نخونته. فرشته بالدار در کنار یک درخت خرسا. بلندی ۱/۳۷ متر موزه لوور. از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۲ ج لوحة ۰۲۷۶.
- ب) لوحة سنگی. یک ایلامی در لباس رزم. بلندی ۳۰ سانتیمتر. موزه لوور. از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۲ ج لوحة ۰۲۷۴.
- ج) نقش برجسته ریسته. دوران ایلامی جدید. بلندی ۱۰ سانتیمتر. موزه لوور. از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۲ الف لوحة ۰۱۱.
- لوحة ۱۰۴) (الف) آجر لعاب دار. شیر در حال حرکت. از کاخ هخامنشی داریوش. درازا ۰/۷۰ متر. موزه لوور از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۲ ج لوحة ۰۵۶.
- ب) آجر لعاب دار. گاوین بالدار. از کاخ داریوش. بلندی ۰/۴۱ متر. از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۲ الف لوحة ۰۱۹۴۷.
- لوحة ۱۰۵) سرستون هخامنشی از کاخ اردشیر. بلندی ۰/۸۰ متر. موزه لوور از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۲ ج لوحة ۰۴۸.
- لوحة ۱۰۶) (الف) زیورآلات هخامنشی از کتاب شماره ۲۰۱ الف مجلد ۸ لوحة ۶.
- ب) زیورآلات هخامنشی از کتاب بالا لوحة ۵.
- ج) نقش برجسته اشکانی اردوان پنجم از کتاب Piot Monument ۴۴ لوحة ۱.
- لوحة ۱۰۷) (الف) سرانسان از سنگ آهک از دوران اشکانی. موزه لوور از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۲ الف مجلد ۹ لوحة ۰۹۴۳.
- ب) صورت یک ملکه اشکانی. موزه تهران. از کتاب شماره ۱۰۲ الف مجلد ۱۹۴۳ لوحة ۹.

ج) ریتون بشکل سراسب. زمینه زرد مایل به قهوه‌ای. نقش قرمز شرابی رنگ - از یک دهکده پیش از هخامنشی بدست آمده - چینه ۱ درازی ۹۴ میلیمتر. بلندی .۰۲ میلیمتر موژه تهران (عکس از رستمی).

۸ - لورستان

تپه گیان

(لوحة ۸، الف-ب) آبخوریهای سفالین زرد مایل بسبز. نقش قهوه‌ای مایل بسیاه. چینه ه از کتاب :

G. Conteneau et R. Ghoshman fouilles de Tépé Giyan لوحة ۱-۹۳۵ شماره ۴ و .

ج) ظرف سفالین با نقش میاه درخسان. بلندی ۵۴ میلیمتر چینه ه از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۸ الف لوحة ۹ ش ۶.

د) ظرف رنگ پشم شتری با نقش میاه مایل به قهوه‌ای - پایه ظرف مفقود شده. چینه ه از کتاب نامبرده در شماره ۸ الف لوحة ۲ شماره ۲.

ه-و) ظرف سفالین منقوش. چینه ه از کتاب Herzfeld. Iranische Denkmäler, Reihe, j. B لوحة ۳ ش ۰-۱-۲ و لوحة ۴ شماره ۱ و ۲.

لوحة ۹، الف) سفال منقوش. چینه ه از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۸ ه. لوحة شماره ۱-ش ۰-۷-۲-۱ و از کتاب شماره ۱۰۸ الف لوحة ۱۱ ش ه و از کتاب شماره ۱۰۸ ه. لوحة ه شماره ۱.

لوحة ۱۱) سفال منقوش چینه ۴ و ۳ ش ه. از کتاب شماره ۱۰۸ ه. لوحة ه ش ه و لوحة ۷ ش ۰-۳-۱ و لوحة ه ش ۲ و لوحة ۱۱ ش ۱۴.

تپه علی‌آباد

لوحة ۱۱ الف) ظرف سفال منقوش هفت رنگ. از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۲ الف مجلد ۸ ۹۰۵ لوحة ۷.

تپه گیان

ب) ظرف سه پایه. چینه ه از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۸ الف لوحة ۱۲ شماره ۴.

ج) ظرف سه پایه چینه ه از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۸ ه. لوحة ۱۷ ش ۵.

د) فنجان دسته دار. چینه برزخ ۲-۳ از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۸ ه. لوحة ۱۱ ش ۱۷-۱۸.

لوحة ۱۲ الف) جام. چینه ه از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۸ ه. لوحة ۲۲ ش ۷-۸.

ب) جام دسته دار چینه ه از کتاب بالا لوحة ۲۲ ش ۹.

ج) جام دسته دار. چینه ه از کتاب بالا لوحة ۱۰ ش ۴.

د) دیزی. چینه ه از کتاب بالا لوحة ۱۲ ش ۵.

ه) جام پایه دار. چینه ه از کتاب بالا لوحة ۱۳ ش ۲.

لوحة ۳۳، الف) آبخوری پایه دار چینه ه از کتاب بالا لوحة ۱۲ ش ۶.

ب) فنجان بلند پایه دار. چینه ه از کتاب بالا. لوحة ۱۵ ش ۷.

ج) فنجان بدون دسته و پایه بلند. چینه ه از کتاب بالا لوحة ۱۳ ش ۴.

د) آبخوری پایه دار بلند. چینه ه از کتاب بالا لوحة ۱۶ ش ۹-۱۰.

لوحة ۱۱) آبخوری های پایه دار. چینه ه از کتاب بالا لوحة ۱۶ ش ۷-۸ و لوحة ۱۳ ش ۷-۹ و لوحة ۲۰.

لوحة ۱۱۱-الف) سفال سیاه رنگ (شماره ۲ قریز) بدون نقش از چینه ۱-ب از کتاب نامبرده در شماره ۸. ۱ الف لوحة ۱۴

تپه جمشیدی

ب-ج) ظروف سه پایه. چینه ۳ از کتاب بالا لوحة ۲۳ ش ۵-۶.

نهاد

لوحة ۱۱۶) مجسمه های کوچک زن از برنز. یکی از آنها احتمالا ملکه لائودیکه است که با و جنبه خدائی داده شده است. موزه تهران (عکس از رستمی).

برنژهای لرستان

لوحة ۱۱۷ الف) خنجر برنزی شماره ۱ از بریتیش موزیوم ۴۳ میلیمتر. شماره ۲ از موزه لور ۰۳۶ میلیمتر. شماره ۳ از بریتیش موزیوم ۶۳۸ میلیمتر. شماره ۴ و ۵ از مجموعه میسیز هولمس از کتاب پوپ مجلد ۴ ۱۹۳۸ لوحة ۵۰

ب) خنجر و سرنیزه برنزی شماره ۱ در موزه هنر های زیبای بوستون ۲۷ سانتیمتر - پوپ مجلد ۴ لوحة ۴۵ شماره ۲ در مجموعه داوید ویل ۱۱ میلیمتر. شماره ۳ در موزه هنر های زیبای بوستون ۰۰۴ میلیمتر. شماره ۴ در مجموعه گداره ۰۴ میلیمتر. شماره ۵ در موزه بوستون ۱۴ میلیمتر. شماره ۶ در موزه تهران.

لوحة ۱۱۸ الف) تبرهای برنزی- پشت تیغه آنها برآمدگی هائی دارد. شماره ۱ در مجموعه داوید ویل ۲۵۴ میلیمتر. شماره ۲ موزه تهران ۰۳ میلیمتر. شماره ۳ تهران ۱۹۳۱ ۱۸۰ میلیمتر. شماره ۴ پاریس ۱۹۳۱ ۱۸۰ میلیمتر. از کتاب پوپ مجلد ۴ ۱۹۳۸ لوحة ۰۴۸

ب) تبر برنزی. مجموعه داوید ویل - پوپ مجلد ۴ لوحة ۵۲-۵.

ج) تبر برنزی از مجموعه داوید ویل ۱۳۴ میلیمتر (پوپ ۴ لوحة ۵۱-ب)

د) گرز برنزی. مجموعه داوید ویل درازی ۳۲ میلیمتر. پوپ ۴ لوحة ۴۳-و).

لوحة ۱۱۹ الف) دهنہ اسب از جنس برنز. مجموعه آقای «گرف» در موزه «سنکانتن». بلندی ۱۰۰ میلیمتر از کتاب

G. Hoosens. Bronzen mit Loeristan

ب) لگام برنزی. موزه سنکانتن (لوحة ۳) مجموعه «گرف» از کتاب بالا (لوحة ۲).

ج) لگام برنز. از همان موزه.

لوحة ۱۲۰ الف) مجسمه کوچک برنز از یک زن. موزه نامبرده در بالا و مجموعه «گرف». بلندی ۱۳۰ میلیمتر.

ب) صفحه مربوط به میله نذری. مجموعه داوید ویل بلندی ۴۰ میلیمتر (پوپ ۴ لوحة ۰۴).

ج) میله های برنزی - شماره ۱ مجموعه داوید ویل ۹۰ میلیمتر. شماره ۲ و ۳ موزه هنر های زیبای بوستون ۱۰۰ و ۲۴۱ میلیمتر.

ب) میله های برنزی - شماره ۱۰ مجموعه داوید ویل ۱۳۰ میلیمتر. شماره ۸ پاریس ۱۹۳۱ ۱۰۰ میلیمتر. شماره ۸ بوسنون ۳۴ میلیمتر. شماره ۱۱ مجموعه اکریمان - پوپ ۲۳۵ میلیمتر. شماره ۱۱ موزه بوسنون ۱۸۰ میلیمتر

شماره ۱۲ پاریس ۱۹۳۱ ۱۰۰ میلیمتر (پوپ ۴ لوحة ۶۰).

لوحة ۱۲۱ الف) بت ها مرکب از دو حیوان که در برابر یکدیگر قرار گرفته اند از جنس برنز. مجموعه داوید ویل از

كتاب : Godard, Art Asiatica مجلد ۱۷ ۱۹۳۱ لوحة ۵۲.

ب) بت برنزی موزه سنکانتن. مجموعه «گرف» بلندی ۳۶ میلیمتر عکس از موزه سنکانتن.

لوحة ۱۲۲ الف) جام برنزی (سیتول). بلندی ۴۱ میلیمتر (کاخ هنر در شهر لیون) پوپ ۴ لوحة ۷۲ ج-۵.

لرستان

لوحة ۱۲۳، الف-ب) سفال منقوش. موزه لوور از کتاب: نامبرده در شماره ۱۰۸ لوحه ۱۹ ش ۴ و ۳.

کمترلان

ج) سفال منقوش چینه ۱ از کتاب: Pope. Bull Am. Inst. Persian Art مجلد ۴ شماره ۱۹۳۶ شکل ۱.

سرخ دم

ه) میله برنزی از موزه سنکاتنتر مجموعه «گرف» قطر ۱۱۵ میلیمتر از کتاب نامبرده در شماره ۱۱۹ الف لوحه ۱۳.

و) میله با صفحه برنزی. موزه بالا و همان مجموعه قطر ۷۵ میلیمتر از همان کتاب.

ز) میله برنزی از همان موزه و همان مجموعه و همان کتاب لوحه ۱۱۱.

ح) میله برنزی از همان موزه و همان مجموعه قطر ۱۰۰ میلیمتر عکس از موزه سنکاتنتر.

پشت گوه

لوحة ۱۲۴، الف) مجسمه کوچک برنزی. موزه تهران. بلندی ۳۸ میلیمتر از کتاب I.L.N. ۲۱ آوت ۱۹۴۸ ص ۲۱۴.

و ش ۲۰

بروجرد

ب) شمعدان دوران اشکانی از کتاب نامبرده در شماره ۱۲۴، الف ص ۱۱۵.

دماویزه

جام برنزی دوران هخامنشی. از کتاب شماره ۹ الف لوحه ۱۶.

۹-کردستان**قصر شیرین**

لوحة ۱۲۵، الف) قصر قاپو. دوران ساسانی. نمای خارجی از کتاب: Sarre-Herzfeld, Felsreliefs لوحه ه الف.

ب) قصر قاپو از دوران ساسانی. نمای داخلی از کتاب بالا لوحه ه ب.

سرپل

ج) نخستین نقش بر جسته آنوبانی نی پادشاه لولوی از کتاب: Tor Am Herzfeld لوحه ۳.

دکان داود

ه) آرامگاه صخره‌ای از کتاب بالا لوحه ۵.

و) مؤبد مزادائی از کتاب ۱۲۵ الف ش ۲۱

طاق گمرا

لوحة ۱۲۶، اف-ب) بنای ساسانی.

طاق بستان

ج) مکان تاریخی طاق بستان از کتاب ۱۲۵ ج لوحه ۰۲۸

لوحة ۱۲۷، الف) تاجگذاری اردشیر (عکس از رسمی).

ب) غار کوچک شاپور سوم و پدرش شاپور دوم (عکس از رسمی).

لوحة ۱۲۸، الف) غار بزرگ. در ته غار تاجگذاری اردشیر و در بالا پادشاه سوار بر اسب R. Erdman, Die Kunst der sassaniden ۱۹۴۰ شکل ۸.

ب) سرستون دیوار تهغار بزرگ. بلندی ۹۵ میلیمتر از کتاب بالا شکل ۹.

ج) فرشته بالدار. در بالای کمان قوس غار بزرگ از کتاب ۱۲۵ ج لوحة ۳۶.

لوحة ۲۹ الف) شاه سوار بر اسب (بلوحة ۱۲۸ الف مراجعة کنند) (عکس از رسمی).

ب) لوحة ۱۳۰ و ۱۳۱ الف. مجلس طرف چپ غار بزرگ شکارگزار (عکس از رسمی).

لوحة ۱۳۱ ب) مجلس طرف راست از غار بزرگ. شکارگوزن از کتاب شماره ۱۲۵ الف لوحة ۲۲.

قلعه کرهنه

لوحة ۱۳۴ الف-ب) سرستون های دوران ساسانی. از کتاب ۱۲۵ ج لوحة ۶.

سکاوند

ج) استودان با نقش مؤبد و یک منصب دار در برابر دو آتشدان از کتاب ۱۲۵ الف ش ۰۲۲

بیستون

لوحة ۱۳۳ الف-ب) نقش برجسته صخره ای داریوش (عکس از رسمی).

ج) نقش برجسته صخره ای از زبان اشکانی - طرف چپ مهرداد دوم و طرف راست گودرز دوم از کتاب ۱۲۵ ج لوحة ۲۱.

د) نقش برجسته اشکانی روی صخره مجرا (عکس از رسمی).

صحنه

لوحة ۱۳۴ الف) آرامگاه صخره ای از کتاب ۱۲۵ ج لوحة ۷.

کنگاور

ب) ستون های دوران سلوکی. از کتاب شماره ۹ الف لوحة ۷۸.

همدان

لوحة ۱۳۵ الف) لوحة زرین بنام ارشماکه هنگام قراردادن سنگ اول بنا بکار رفته از کتاب شماره ۹۰ ج ۱۸ ژوئیه

۱۹۴۸ ص ۴۸ ش ۵

ب) لوحة زرین بنام اردشیر دوم از همان کتاب ص ۸ ش ۶

ج) گاو بالدار با سر انسان از طلا از همان کتاب ص ۹ ش ۱۰.

د) گاو بالدار طلا از همان کتاب ص ۵ ش ۱۰.

ه) شتر در حال تاخت از طلا. از همان کتاب ص ۸ ش ۱.

و) مدال با نقش یک پادشاه هخامنشی و سر حیوانات از طلا. از همان کتاب ص ۹ ش ۱.

ز) یک شاخه درخت انار از طلا. از همان کتاب ص ۸ ش ۱.

لوحة ۱۳۶ الف) خنجر طلا از همان کتاب ۲۱ ژوئیه ۱۹۵۶ ص ۱۰۷

ب) دستبند زرین با نقش سر شیر (عکس از رسمی).

ج) جام زرین با خط بیخی بسه زبان از همان کتاب ص ۱۰۷.

د) ساغر «ریتون» پشكل سر شیر (عکس از رسمی)

لوحة ۱۳۷ الف) سر مردی از برنز. بلندی ۳۴ میلیمتر از کتاب بولتن موزه مترو پولیتکن جلد ۷ ۱۹۴۸ ص ۱۲.

ب) سر برنزی از انسان بلندی ۱۴۷ میلیمتر (از کتاب پوپ ۴ لوحة ۱۰۷).

د) قسمتی از مجسمه سنگ گچی از کتاب ۱۲۴ الف. آوریل ۱۹۵۷ ص ۰۶۴۲.

دینور

ه) نیمتنه «سیلن» Sarre, Die kunst des alten Persiens, Berlin ۱۹۲۲ لوحة ۵۳.

الوند (گنج نامه)

لوحة ۱۳۸ الف) دوکتیبه میخی بسیه زبان از دوران هخامنشی (عکس از رسمی).

پیر اوند

ب-ج) مجسمه‌های کوچک برنزی از کتاب شماره ۱۲۴ الف ۱۹۳۲-۴۸۷۹ ص ۶۱۳.

زیویه

لوحة ۱۳۹ الف) سینه‌بند زرین. پهنا ۳۶ میلیمتر - موزه تهران از کتاب گدار. گنجینه زیویه بفرانسه چاپ هارلم ۱۹۵۰ ش ۱۰.

ب) جزئیات همان سینه‌بند مجلس بالا. درخت در میان مجلس و یک بزرگ به آن تکیه کرده. از همان کتاب ش ۱۳.

ج) جزئیات همان سینه‌بند مجلس بالا. اسفنکس بالدار. از همان کتاب ش ۱۵.

لوحة ۱۴۰ الف) جزئیات سینه‌بند بزرگ. مجلس بالا «لمسو» و اژدهای بالدار از همان کتاب ش ۱۶.

ب) جزئیات مجلس بالا حیوانات بسبک مکائی شیر ماده و خرگوش از همان کتاب ش ۳۳.

ج) جزئیات مجلس پایین. درخت مرکزی و گاو بالدار از همان کتاب شکل ۱۸.

د) جزئیات مجلس پایین. فرشته‌ای در حال تضرع از همان کتاب شماره ۲۰.

ه) جزئیات مجلس پایین. حیوان افسانه‌ای بالدار از همان کتاب شکل ۲۱.

و) انتهای چپ سینه بند از همان کتاب شکل ۲۴.

لوحة ۱۴۱ الف) بزکوهی طلا - موزه تهران از همان کتاب شکل ۳۹.

ب) دستبند زرین از همان کتاب شکل ۴۴.

ج) قسمتی از لوحة زرین موزه تهران از همان کتاب شکل ۴۸.

د) قسمتی از غلاف خنجر زرین موزه تهران از همان کتاب شکل ۴۴.

لوحة ۱۴۲ الف) بزهایی که زانو بر زمین زده‌اند. موزه تهران از همان کتاب شکل ۶۶.

ب) شکار با گردونه از عاج از همان کتاب شکل ۴۸ موزه تهران درازی ۸۲ میلیمتر.

ج) مجلس رزم یک مرد با یک شیر از عاج. بلندی ۱۰۲ میلیمتر. موزه تهران از همان کتاب شکل ۸۱.

د) مجلس شکار با گردونه از عاج موزه تهران از همان کتاب شکل ۸۰.

ه) بیرقدار از عاج موزه تهران از همان کتاب شکل ۹۱.

و) لوحة سیمین با نقش گردونه. بلندی ۳۱۸ میلیمتر موزه تهران از همان کتاب شکل ۱۰۹.

لوحة ۱۴۳ الف) مجلس بزم. عاج بلندی ۹۰ میلیمتر موزه تهران از همان کتاب شکل ۷۷.

سقز

ب) تنگ نوک دراز بلندی ۱۴۰ میلیمتر. موزه تهران از همان کتاب شکل ۹۴.

ج) ظرف بشکل اردک مکشوف در حدود زیویه. بلندی ۴۲ میلیمتر موزه تهران. از همان کتاب شکل ۵۰.

د) ظرف لعابدار. از همان کتاب شکل ۶۶.

ه) ساغر بشکل سرقوق مکشوف از حدود زیویه موزه تهران از همان کتاب شکل ۵۷.

لوحة ۴۱، الف) تبر برنزی موزه تهران (عکس از رسمی).

۱۰- آذربایجان

حسنلو

ب-ج) ظرف سفالین نوکدار، موزه تهران (عکس از رسمی).

لوحة ۴۱، ۱) سفال خاکستری مایل به سیاه، ظروف نوکدار و سه پایه، موزه تهران (عکس از رسمی).

لوحة ۴۱، الف تا د) جام‌های دسته‌دار، موزه تهران (عکس از رسمی).

ه-و) شاخه‌ای که بصورت جام برای نوشیدن بکار میرفته است، موزه تهران (عکس از رسمی).

لوحة ۴۱، الف) ظرف سفالین متقوش، موزه تهران (عکس از رسمی).

ب) ظرف سفالین سه قلو، موزه تهران (عکس از رسمی).

ج) جام متقوش با نقش حیوان بصورت برجسته موزه تهران (عکس از رسمی).

د) مجسمه کوچک برنزی شیر با دم آهنهای، موزه تهران (عکس از رسمی).

ه) مجسمه کوچک برنزی شیر موزه تهران (عکس از رسمی).

و) صفحه مدور برنزی با نقش اسب بالدار موزه تهران (عکس از رسمی).

لوحة ۴۱، الف) زینت زرین، موزه تهران (عکس از رسمی).

گوی تپه

ب) جام سفالین قرمز با نقش قرمز و سیاه بلندی ۵.۱ میلیمتر، قطر ۷.۵ میلیمتر، موزه تهران (عکس از رسمی).

ج) جام سفالین قرمز نقش قرمز و سیاه بلندی ۵.۸ میلیمتر، قطر ۶.۰ میلیمتر، موزه تهران (عکس از رسمی).

د) «ریتون» یا ساغر سفالین، بلندی ۵.۱ میلیمتر، موزه تهران (عکس از رسمی).

ه) قطعات سنگ تراشیده T. Burton Brown. Excav. in Azerbaijan 1948 London 1951 pl. XI.

لوحة ۴۱، الف) صفحه مدور برنزی با نقش شخصی که دو گاو نر را در دست گرفته، موزه تهران از کتاب گدار، آثار ایران، مجلد ۳، ۱۹۳۸ ص ۳۰۷ ش ۲۰۷.

تخت سلیمان

ب) منظره ویرانه‌های تخت سلیمان، از کتاب شماره ۶۷ ج لوحة ۸۷.

سلماس

لوحة ۴۱، الف) نقش برجسته صخره‌ای ماسانی دو اسب سوار با دو پیاده از کتاب ۹۰ الف لوحة ۱۰۷.

ماکو

ب) ظرفی که بشکل حیوان است، موزه تهران از کتاب Artibus Asiae vol - XI - 1948 - fig 13.

آذربایجان

لوحة ۱۰۱، ۱) شیئی بشکل کیف زنانه از جنس سنگ سیاه، موزه تهران آثار ایران مجلد ۳ ۱۹۳۸ ص ۳۰۸-۳۰۹ شکل

۰۲۱۱-۲۱۰

طالش

لوحة ۵۲، الف-ب) ظرف سفالین دسته‌دار خاکستری با نقش قرمز ردیف اسب‌ها، موزه تهران (عکس از رسمی).

ج) جام سفالین قرمز با نقش قرمز، موزه تهران (عکس از رسمی).

۱۱- عراق عجم

چشمۀ علیٰ تپه

د) جام سفالین قربن نقش سیاه ۶-۱۹۳۶ Bull. University Museum of Pennsylvania vol. ۶. p. 82 pl. 3.

ه) ظرف سفالین خامه‌ای با نقش سیاه از کتاب بولتن موزه هنرهای زیبای بوستون مجلد ۳۳ ۱۹۵۵ لوحه ۶.

خواروین

لوحة ۳، الف-ب) ظرف سفالین نوکدار ظریف با رنگ قهوه‌ای خامه‌ای بلندی ۷۵ میلیمتر. مجموعه ملکی تهران.

ج) ظرف نوکدار بشکل اردک-رنگ خاکستری. بلندی ۶۵ میلیمتر. مجموعه ملکی تهران.

د) ظروف نوکدار. سفال آجری رنگ. بلندی ۶۴ و ۱۰۰ میلیمتر. مجموعه ملکی تهران.

ه) ظرف مخصوص برای نوشانیدن شیر به بچه. سفال سیاه. بلندی ۱۳۵ و ۱۰۰ میلیمتر. مجموعه ملکی تهران.

لوحة ۴، الف-ب) ظروف سفالین بشکل کفش رنگ تارنجی. درازی ۱۱۰ و ۱۲۰ میلیمتر. مجموعه ملکی تهران.

ج) ظرف سه پایه خاکستری. بلندی ۱۸۵ میلیمتر. مجموعه ملکی تهران.

د) ظرف سفالین بشکل پرنده. خاکستری. بلندی ۲۵ میلیمتر. درازی ۱۸۰ میلیمتر. مجموعه ملی تهران.

ه) ظرف سفالین بشکل پرنده خاکستری مایل بسیاه بلندی ۷۵ میلیمتر. درازی ۲۵ میلیمتر. مجموعه ملکی تهران.

و) ظرف سفالین بشکل پرنده خاکستری مایل بسیاه درازی ۵۵ میلیمتر. وزن تهران (عکس از رستمی).

لوحة ۵، الف) ظرف سفالین شبیه بشیپور-خاکستری مایل بسیاه قطر حلقه ۱۸۱ میلیمتر. مجموعه ملکی تهران.

ب) جام مریوط با نجام تشریفات مذهبی. پایه دار. خاکستری بلندی ۱۵۰ میلیمتر. قطر ۱۱۰ میلیمتر. مجموعه ملکی

تهران.

ج) ظرف سفالین بشکل حیوان-خاکستری. بلندی ۵۴ میلیمتر. درازی ۵۴ میلیمتر. وزن تهران (عکس از رستمی).

د-ه) ظرف سفالین با شکم مکعب شکل و تزیینات بشکل سر قوچ. بلندی ۲۰۰ و ۱۷۰ میلیمتر. مجموعه ملکی تهران.

لوحة ۵، الف) مجسمه کوچک گلی. بلندی ۷۷ میلیمتر. مجموعه ملکی تهران.

ب-ج) مجسمه‌های کوچک برنزی (مجموعه ملکی تهران).

لوحة ۵۷، الف) خنجر برنزی با دسته شبک. بلندی ۷۴ میلیمتر. مجموعه ملکی تهران.

ب) آینه‌های برنزی (مجموعه ملکی تهران).

ج) ظرف نوک دراز از جنس برنز (مجموعه ملکی تهران).

پشنده

لوحة ۵۸، الف) ظرف سفالین قربن. مجموعه ملکی تهران.

چندار

ب تاخ) سفال خاکستری مایل بسیاه و اشیاء برنزی (مجموعه ملکی تهران).

درروس

لوحة ۵۹، الف) ظرف سفالین با نقش کنده شده. بلندی ۲۷۵ میلیمتر وزن تهران (عکس از رستمی).

قزوین

ب) جام نقره از دوران ساسانی. از کتاب ۱۲۴، الف ۲۱ اوت ۱۹۴۸ ص ۲۱۴ ش ۵.

مسر

ج) سفال قرمز با نقش سیاه سبک سیلک دوم از کتاب : Eurasia Septentrionalis Antiqua vol. X 1936 fig 28

قلعه دشت-ساوه

- د-و) ظروف سفالین خاکستری با نقش سیاه موزه تهران (عکس از رستمی).
- ه) ظرف سفالین بشکل حیوان با نقش کنده شده موزه تهران (عکس از رستمی).

فیسار

لوحة ۱۶۰، الف) چهار طاق. باز ساز. (عکس از رستمی).

ب) چهار طاق. ساخته شده با سنگ های نتراشیده و گچ از آثار ایران بزبان فرانسه مجلد ۳ ۱۹۳۸ شکل ۱۰۳.

خوره

ستون های ایونی از یک پرستشگاه سلوکی از کتاب : Herzfeld Arch. History. pl. LV

تپه سیلک

لوحة ۱۶۱، الف) جام بزرگ سفالین پوست تخم برخی رنگ با نقش سیاه بلندی ۱۸۰ میلیمتر. چینه ۱-۴ از کتاب گیرشمن. سیلک بزبان فرانسه لوحة ۳۸.

ب) جام سفالین قرمز با نقش سیاه. بلندی ۹۰ میلیمتر. چینه ۲ از کتاب گیرشمن سیلک مجلد ۱ لوحة ۱ شماره ۳.

ج) جام پایه دار قرمز با نقش سیاه بلندی ۸۰ میلیمتر. چینه دوم شماره ۲ از همان کتاب لوحة ۹ شماره ۵.

ذ) جام پایه دار قرمز با نقش سیاه بلندی ۱۰۰ میلیمتر. چینه دوم شماره ۲ از همان کتاب لوحة ۹ شماره ۴.

ه) آبخوری قرمز با نقش سیاه بلندی ۵۰ میلیمتر. چینه دوم شماره ۱ از کتاب فوق لوحة ۹ شماره ۱.

لوحة ۱۶۲، الف) آبخوریهای کوچک زینه سفید با نقش سیاه بلندی ۵۰ میلیمتر. چینه ۳ از همان کتاب لوحة ۱۲ شماره ۱.

ب) آبخوری سفال سفید با نقش قهوه ای بلندی ۴۰ سانتیمتر. چینه سوم شماره ۲ از همان کتاب لوحة ۳ شماره ۲.

ج) جام پایه دار سفال سفید با نقش سیاه بلندی ۱۱۰ میلیمتر از همان کتاب لوحة ۱۲ شماره ۴.

د) جام پایه دار سفال سفید با نقش سیاه. بلندی ۱۶۸ میلیمتر. چینه سوم شماره ۲ از همان کتاب لوحة ۱۲ شماره ۳.

و) آبخوری سفال سفید با نقش سیاه بلندی ۵۰ میلیمتر چینه سوم شماره ۳ از همان کتاب لوحة ۱۳ شماره ۲.

لوحة ۱۶۳، الف) کوزه بزرگ - لعب صورتی نقش سیاه بلندی ۵۰ میلیمتر. چینه سوم شماره ۴ از همان کتاب لوحة ۱ شماره ۱.

ب) جام پایه دار سفالین زینه خاکستری روشن با نقش سیاه. بلندی ۴۰ میلیمتر. چینه سوم شماره ۵ از همان کتاب لوحة ۱۴ شن ۲۰.

ج) کوزه دهن گشاد زینه خاکستری روشن با نقش سیاه. بلندی ۴۰ میلیمتر. چینه ۳ شماره ۵ از همان کتاب لوحة ۱۴ شماره ۲.

د) کوزه دهن گشاد. زینه خاکستری روشن. نقش سیاه. ارتفاع ۵۰ میلیمتر چینه ۳ شماره ۵ از همان کتاب لوحة ۱۴ شماره ۴.

ه) آبخوری بزرگ. لعب پشم شتری. نقش سیاه. بلندی ۳۰۰ میلیمتر. چینه ۳ شماره ۵ از همان کتاب لوحة ۱۵ شماره ۱.

- و) آبخوری. لعب قرمز. نقش سیاه. بلندی ۱۷۵ میلیمتر. چینه ۳ شماره ۵ از همان کتاب لوحة ۱۰ شماره ۲.
- لوحة ۱۶۴، الف) آبخوری. سبز رنگ. نقش سیاه بصورت برجسته. بلندی ۱۰۵ میلیمتر. چینه ۳ شماره ۷ از همان کتاب لوحة ۱۲ شماره ۷.
- ب) خمرة بزرگ. زمینه خاکستری مایل بسبز. نقش سیاه لعابی. بلندی ۷۵ میلیمتر. چینه ۳ شماره ۷ از همان کتاب لوحة ۲۱ شماره ۲.
- ج) جام سفالین پایه دار زمینه خاکستری روشن. نقش سیاه بلندی ۲۷۵ میلیمتر. چینه ۳ شماره ۷ از همان کتاب لوحة ۲ شماره ۲.
- د) جام سفالین پایه دار. زمینه سبز. نقش لعابی. بلندی ۲۷۵ میلیمتر. چینه ۳ شماره ۷-ب از همان کتاب لوحة ۲ شماره ۳.
- ه) آبخوری دهن گشاد. زمینه مفید. نقش سیاه. بلندی ۱۲۰ میلیمتر. چینه ۳ شماره ۷-ب از همان کتاب لوحة ۱۹ شماره ۱.
- و) دیزی سفالین. گردن دیزی تعمیر شده. زمینه خاکستری نقش سیاه. بلندی ۱۸۵ میلیمتر. چینه ۳ شماره ۷-ب از همان کتاب لوحة ۱۹ شماره ۴.
- لوحة ۱۶۵، الف) سفال خاکستری مایل بسیاه از گورستان سیلک الف. از همان کتاب مجلد دوم لوحة ۲ شماره ۱ شماره ۱ و ۲ بشقاب دیواره بلند دسته دار با سر حیوان. بلندی ۵۵ میلیمتر. قطر ۱۸۰ میلیمتر. شماره ۳ فوجان بزرگ خاکستری مایل بسیاه. نقش قهوه‌ای. بلندی ۱۰۰ شماره ۴ و فوجان های بزرگ خاکستری مایل بسیاه. بلندی ۱۲۰ و ۱۰۰ میلیمتر.
- ب) سفال گورستان الف سیلک. از همان کتاب مجلد دوم لوحة ۳ شماره ۱ آبخوری بلند خاکستری مایل بسیاه. بلندی ۹ شماره ۲ ظرف سفالین سه پایه زمینه خاکستری مایل بسیاه بلندی ۱۵-۱۵ شماره ۳ دیزی خالک قهوه‌ای لعب قرمز نقش خاکستری. بلندی ۱۸۰ میلیمتر.
- لوحة ۱۶۶) سفال گورستان الف سیلک. از همان کتاب لوحة ۳ شماره ۴ تا ۷ و لوحة ۴ شماره ۱ تا ۳.
- الف) سه پایه. زمینه خاکستری مایل بسیاه. بلندی ۱۳۰ میلیمتر.
- ب) سه پایه. زمینه خاکستری مایل بسیاه. روی پایه ها کنده کاری شده. بلندی ۱۱۰ میلیمتر.
- ج) جام پایه دار نوک دار باز بشکل سر حیوان. خاکستری مایل بسیاه بلندی ۱۰۰ میلیمتر.
- د) آبخوری. زمینه خاکستری مایل بسیاه. بلندی ۱۷۰ میلیمتر.
- ه) آبخوری با دو دسته. زمینه قرمز. بلندی ۲۸۰ میلیمتر.
- و) تنگ زمینه خاکستری مایل بسیاه. بلندی ۱۰۰ میلیمتر.
- ز) آبخوری با دو دسته. زمینه خاکستری لعب قهوه‌ای. بلندی ۵۰ میلیمتر.
- لوحة ۱۶۷،) سفال خاکستری مایل بسیاه از گورستان الف سیلک. از همان کتاب لوحة ۶ شماره ۴ تا ۶ و لوحة ۲ شماره ۱ تا ۶.
- الف) آبخوری دسته دار و پایه دار. بلندی ۱۷۵ میلیمتر.
- ب) آبخوری پایه دار و دسته دار بلندی ۹۰ میلیمتر.
- ج) آبخوری دسته دار و پایه دار. بلندی ۱۰۰ میلیمتر.

د) تنگ کوچک سه پایه. بلندی ۸۰ میلیمتر.

ه) تنگ. بلندی ۳۲ میلیمتر.

و) تنگ. بلندی ۲۷ میلیمتر.

ز) کوزه با نقش کنده شده و تکمه دار.

ح) کوزه. بلندی ۴۴ میلیمتر.

ت) کوزه. بلندی ۱۸ میلیمتر.

لوحة ۱۶۸) سفال منقوش گورستان ب سیلک.

الف) ظرف دسته دار و نوک دار شبیه بقوری. گل خاکستری. نقش شرابی. بلندی ۵۷۵ میلیمتر از همان کتاب لوحه ۱۰ شماره ۴.

ب-ج) نظیر ظرف بالا. گل زرد. نقش شرابی. بلندی ۵۱ میلیمتر از همان کتاب لوحه ۱۰ شماره ۱ و ۲.

لوحة ۱۶۹) سفال گورستان ب سیلک.

الف تا و) ظروف سفالین نوک دار و دسته دار شبیه بقوری رنگ شرابی. بلندی ۱۴۵-۱۳۰-۱۲۵-۱۶۰-۱۱۰-۱۱۵ میلیمتر. از همان کتاب لوحه ۹ شماره ۱ تا ۶.

ز تا خ) از همان ظروف قرمز رنگ. بلندی ۱۱۵-۱۳۰ از همان کتاب لوحه ۱۲ شماره ۱ و ۲.

لوحة ۱۷۰) سفال گورستان ب سیلک.

الف-ب) از همان ظروف زمینه خاکستری مایل بسیاه. بلندی ۱۱۵-۱۱۰ میلیمتر. از همان کتاب لوحه ۱۲ شماره ۰۶.

ه تا ح) از همان ظروف با نوک پهن. رنگ شرابی. بلندی ۱۳۰-۱۷۰-۲۲۵-۱۷۰ میلیمتر از همان کتاب لوحه ۱۳ شماره ۰۵-۴-۲-۱.

لوحة ۱۷۱ الف) سفال منقوش گورستان ب سیلک. از همان کتاب لوحه ۱۵ شماره ۱ و ۲ جام های سفالین دسته دار با نقش سر حیوان رنگ شرابی. بلندی ۷۵۰ میلیمتر شماره ۳ جام بلندی ۷۰ میلیمتر شماره ۴ ایضاً بلندی ۷۵ میلیمتر. شماره ۵ و ۶ همان نوع ظروف بلندی ۷۵ میلیمتر شماره ۷-۸-۹ آبخوری پایه دار گل خاکستری رنگ شرابی بلندی ۹۰۰-۸۵۰ میلیمتر.

ب) سفال گورستان ب سیلک. از همان کتاب لوحه ۱۶ شماره ۱ تنگ شبیه به آفتابه بلندی ۱۱۰ میلیمتر شماره ۲ لوله هنگ بلندی ۴۱ میلیمتر. شماره ۳ همان ظرف قرمز رنگ بلندی ۴۱ میلیمتر.

لوحة ۱۷۲ الف) آبخوری های کوچک لوله دار با نقش شیار دار و رنگ شرابی بلندی ۷۰-۹۰-۱۰۰-۷۵-۹۰-۸۵-۹۰ میلیمتر از همان کتاب لوحه ۱۷.

ب) سفال سیاه گورستان ب سیلک از همان کتاب لوحه ۱۶ شماره ۱ فنجان بزرگ خاکستری رنگ شرابی بلندی ۱۱۰ میلیمتر شماره ۲ همان ظرف بلندی ۱۲۵ میلیمتر. شماره ۳ همان ظرف بلندی ۱۳۰ میلیمتر.

لوحة ۱۷۳ الف) سفال گورستان ب سیلک از همان کتاب لوحه ۲۰.

شماره ۱ پیه سوز نقش سیاه تکمه دار بلندی ۳۵ میلیمتر.

۴-۲ فنجان-بلندی ۹۰ و ۱۹۰ و ۱۵۰ میلیمتر.

شماره ۵ پیه سوز بلندی ۷۰ میلیمتر.

« ۶ تنگ کوچک بلندی ۷۵ میلیمتر.

« ۷ پیه سوز بلندی ۹۵ میلیمتر.

« ۸ پیه سوز سه پایه بلندی ۱۲۰ میلیمتر.

« ۹ پیه سوز دسته‌دار بلندی ۷۵ میلیمتر.

ب) ظرف دوقلو مرکب از یک پیه سوز دسته‌دار که در بهلوی آن سه حقه سفالین وجود دارد. گل سیاه. بلندی ۱۲۵ میلیمتر. از همان کتاب لوحه ۹، شماره ۳.

ج) ظرف سفالین بشکل پرنده گل زرد رنگ شرابی بلندی ۱۱۵ درازی ۱۱۰ میلیمتر. از همان کتاب لوحه ۱، شماره ۳.

فهرست نام مکان‌ها

| | اونار | الف |
|-------------|----------------------------|---------------------|
| ۴۶ | اهواز | آب پرده |
| ۵۷-۵۶-۰۰ | ایذه | آتشکده |
| ۶۵-۶۱ | ایوان کرخه | آتشکوه |
| ۶۸-۶۷ | | آخر رستم |
| | | آذربایجان |
| | | آقای اولر |
| | | آق تپه |
| | | آنلو |
| ۴۶ | باغ بد | آوه |
| ۹۴ | باغ لیمو | اینج |
| ۹۰-۹۳ | بنکی | ابوالوردی |
| ۶۷-۶۶ | بختیاری | اردکان |
| ۹۰ | بدآور | ارویه |
| ۶۶ | برد نشانده | استخر |
| ۵۲ | برم دلک | استراباد |
| ۶۷ | بذوقت یا باز رفت | اسد آباد |
| ۹۸-۹۷ | بروجرد | اشک آباد (عشق آباد) |
| ۱۹ | بستک | اشکفت سلمان |
| ۹۸ | بغداد | اشنوبه |
| ۱۸-۱۷ | بلوچستان | اصفهان |
| ۴۲ | بلوک توابع ارسنجان | اطاق فرهاد |
| ۴۲ | بلوک خفرک علیا | اکباتان (همدانه) |
| ۴۶-۴۱ | بلوک خفرک سفلی | البرز |
| ۴۵-۴۲ | بلوک رامجرد | الوند |
| ۴۲ | بلوک کربال | الیشت |
| ۴۶-۱۹ | بلوک کفر (احتمالاً خفر-م.) | اندرت زو |
| ۴۱ | بلوک کمین | اورارت |
| ۱۹ | بلوک کوار | |
| ۴۲ | بلوک مرودشت | |
| ۴۴-۱۸-۱۸-۱۶ | بمپور | |
| ۵۳-۱۸ | بندر بوشهر | |
| ۶۸ | بندر دیلم | |

| | | | | |
|----------------------------|---|---------------------------|--------------------|--|
| ۹۷ | تپه بحرین | ۱۹ | بندر عباس | |
| ۹۰ | تپه بدھوره یا بدخوره یا بادخوره | ۶۷ | بندرگرگر | |
| ۹۴ | تپه جعفرآباد | ۱۹ | بندرلنگه | |
| ۹۰-۹۰ | تپه جمشیدی | ۶۷ | بند محمد علی میرزا | |
| ۸۴ | تپه جوی | ۶۶ | بند میان | |
| ۸۴ | تپه بندبال | ۴۶-۴۱ | بوانات | |
| ۸۴-۸۳ | تپه بولجیه | ۶۸-۶۰ | بهبهان | |
| ۸۴-۸۳ | تپه بوحلان | ۳ | بهشهر | |
| ۱۶-۱۴-۱۰-۹-۸ | تپه حصار | ۱۵ | بیانجان | |
| ۸۶ | تپه خزینه | ۱۵ | بیرون | |
| ۸۴ | تپه دویسیه | ۱۱۸-۱۱۱-۱۱۰-۱۰۶-۹۷-۳ | بیستون | |
| ۹۷ | تپه زاغه | ۱۳۴-۰۹-۰۷-۰۴ | بیشاپور | |
| ۱۷ | تپه سرخ داغ | ۱۷ | بیشت | |
| -۱۱۷-۱۱۶-۹۰-۸۷-۷۶-۴۴-۴۲ | تپه سیلک | پ | | |
| ۱۳۴-۱۲۶-۱۲۵-۱۲۴-۱۲۲ | | ۹۷ | پاپله | |
| ۸۶ | تپه علی‌آباد | ۱۳۰-۶۷-۶۶-۰۸-۴۷-۴۱-۲۴-۱۲۱ | پازارگاد | |
| ۸۷ | تپه غلام | ۶۷ | پای پل | |
| -۹۴-۹۳-۹۱-۹۰-۸۴-۶۳-۴۴-۱۸ | تپه گیان | ۹۴-۸۷ | پشت‌کوه | |
| -۱۲۴-۱۱۸-۱۱۶-۱۱۵-۱۰۰-۹۶-۹۰ | | ۱۲۳ | پشنده | |
| ۱۳۰-۱۲۰ | | ۹۶ | پل آب برده | |
| ۸۶ | تپه محمد جعفر | ۰۹ | پل برين | |
| ۸۶ | تپه مراد آباد | ۹۶ | پل خسرو | |
| ۸۶-۸۴-۱۸ | تپه موسیان | ۹۶ | پل دختر | |
| ۱۲۱ | تپه میل | ۹۶ | پل سفله | |
| ۸۴ | تپه هلویماش یا حلویماش | ۹۶ | پل شاپور | |
| -۶۰-۰۸-۴۱-۳۷-۲۷ | تخت جمشید (پرسپولیس) | ۲۲ | پلوار | |
| ۱۳۰-۱۰۸ | | ۱۰۹ | پیراوند | |
| ۲۴ | تخت رستم | ۱۰۹ | پیر غیب | |
| ۱۲۱ | تخت رستم شهریار | ۱۸ | پیر کنار | |
| ۱۱۷ | تپه سلیمان | ۹۴ | پیشکوه | |
| ۷۳ | تخت طاووس | | ت | |
| ۲۲۱ | تپه کیکاووس | ۹۴ | تایخان | |
| ۰۰ | تخت مادر سلیمان (به کلمه پاسارگاد مراجعت شود) | ۱۱۸-۱۱۷ | تاش تپه | |
| | تخته نشین | ۱۲۰ | تاش کپرو | |

فهرست نام مکان‌ها

۲۶۰

| | | | |
|----------------|---------------------------|--------------------|-------------------|
| ۵۱ | تنگ آب | ۱۰ | تریت حیدری |
| ۵۹ | تنگ برين | ۹۴ | ترخان |
| ۵۶ | تنگ پيدا | ۱۴ | ترکستان |
| ۲۰ | تنگ چك چك | ۳ | تریجان |
| ۶۱-۶۰ | تنگ سروك | ۱۸ | تل ابلیس |
| ۲۷ | تنگ شاه سروان | ۶۴ | تل باوی محمد |
| ۴۸ | تنگ کرم | -۷۴-۶۰-۵۸-۴۲-۳۷-۱۸ | تل بکون |
| ۸ | تورنگ تپه | ۸۸-۷۰ | تل تیموران |
| ۵۸ | تولسپید | ۴۰-۴۴-۴۲-۴۱ | تل جری |
| ۱۲۰ | تلو | ۴۲-۴۱ | تل جلاباد |
| ۵۳ | تون سبز | ۴۰ | تل حسنک |
| ۱۲۳-۱۲۲-۱۲۱-۹۸ | تهران | ۶۰ | تل خری |
| ۱۷ | تیز | ۲۳ | تل دروازه |
| ج | | | |
| ۵۳ | جره | ۴۷ | تل ذرازه مرستان |
| ۷۷ | جمدت نصر | ۴۷ | تل ریکی خسو |
| ۱۲۰ | جنو | ۴۷ | تل ریکی کمال آباد |
| ۶۷ | جندي شاپور | ۴۷ | تل ریکی مادوان |
| ۱۹ | جوون (جویم) | ۱۰۲ | پل زهاب |
| ۴۷-۱۹ | جهرم | ۴۷ | تل سکو مادوان |
| ۸۷ | جباب بن روان | ۴۷ | تل سنگ سیاه |
| ۱۸ | جيرفت | ۴۷ | تل سیاه فسا |
| ۵۸ | جين جین | ۴۴-۴۳-۴۱ | تل سیاه مادوان |
| ج | | | |
| ۴۷ | چاشت خوار | ۲۱۲-۱۳۵-۶۵-۴۷ | تل ضحاک |
| ۱۲۱ | چال ترخان | ۶۸ | تل طاووس |
| ۶۷ | چالوس | ۴۴-۴۲ | تل غزیر |
| ۱۷ | چاه بهار | ۴۳ | تل قلعه |
| ۱۲۱-۱۲۰ | چشمه علی تپه | ۴۴-۴۳-۴۲ | تل کفتری |
| ۹۰ | چغابال | ۵۸ | تل کمین |
| ۵۴ | چغا بردینه | ۴۷ | تل گرد اردکان |
| ۹۰ | چغاپهن روپیشکان (رامشکان) | ۶۰ | تل گود رحیم |
| ۹۰ | چغا پهن (کوهادشت) | ۴۳-۴۲ | تل گورپبا |
| ۹۷ | چغا پیش | ۲۳ | تل مشکی |
| ۱۳۴-۷۲-۶۸ | چغا زنبیل | ۹۶ | تل نخدودی |
| ۹۰ | چغا سای | ۱۱۷-۳ | تلیاب |
| | | | تماما |

| | | | |
|-------------|------------------|-----------------|-----------------------|
| ۱۸ | دامین | ۹۴-۹۳ | چغا سبز رومیشگان |
| ۱۱۷ | داور زغازی | ۹۴ | چغا سبز سیمه |
| ۱۲۳ | درروس | ۹۰ | چغاکبود |
| ۹۶ | در شهر (درو شهر) | ۱۲۳ | چکندر (چندر) |
| ۹۷-۸۸-۶۸-۶۷ | دزفول | ۶۰ | چهارده |
| ۸۷ | دشت غلام | ۹۸ | چهارقاپو |
| ۱۳۴-۱۰۷-۱۰۲ | دکان داود | | |
| ۹۴ | دلغان | ۰۹-۲۷ | حاجی آباد |
| ۱۲۰ | دلیجان | ۱۲۰ | حسن زمینی |
| ۱۲۲ | دماؤند | ۱۳۳-۱۲۳-۱۱۸-۱۱۶ | حسنلو |
| ۹۶-۹۳ | دماویزه | ۱۰۰ | حوش گری |
| ۴۰ | دوبوران | | |
| ۴۷ | دوتلان | ۹۳ | خاتون بان |
| ۱۲۰ | دوخلیان | ۰۳ | خارک |
| ۹۷ | دورود | ۱۱۹ | خان تخته (خان تختی) |
| ۶۰ | دوگنبدان | ۹۴-۸۷ | خواوه |
| ۴۶ | دولت آباد | ۱۰-۱۴ | خراسان |
| ۴۷ | ده بید | ۷ | خرگوش تبه |
| ۱۸ | ده قاضی | ۹۷-۹۳-۹۲-۸۷ | خرم آباد |
| ۰۹ | ده نو | ۱۹ | خفر (درستن: کفر) |
| ۱۰۴ | ده نو کربانشاه | ۱۹ | خلیل دهیل |
| ۱۹۱ | دی ییده | ۱۲۲ | خنخ |
| ۱۰۲ | دیر | ۴۸ | خواجه داود کپرو |
| ۱۱۴-۴۴ | دینخا | ۱۸ | خور |
| ۱۱۰ | دینور (دیناور) | ۱۲۴-۱۲۳ | خوراب |
| | | ۱۳۵-۱۲۴ | خوروین |
| ۱۰ | رام رود | ۹۵-۸۶ | خوزستان |
| ۱۷ | رام شهرستان | ۱۰-۳ | خونیک |
| ۶۸ | رام هرمز | ۶۰ | خیرآباد |
| ۱۴ | راناغوندی | ۱۸ | خینمان |
| ۱۴ | رباط سفید | | |
| ۱۲۰ | رزگور | ۱۱۷-۱۰۷-۰۹ | آزادختر (دایه و دختر) |
| ۲۰-۱۹ | رستاق | ۴۸-۴۷-۱۹ | داراب |
| ۰-۳ | رستم قلعه | ۴۶-۱۹ | دارابگرد |
| | | ۱۴-۱۰ | دامغان |

فهرست نام مکان ها

۲۶۷

| | | | |
|----------------------|------------------------------------|-------------|------------|
| ۹۶-۹۴-۹۳ | سیمراه (صیمراه) | ۱۱۸-۱۱۶-۱۱۰ | رضائیه |
| ۰۸ | سیه تلو | ۱۱۸ | رواندوز |
| | | ۱۰ | رود بیابان |
| | | ۴۱-۲۸ | رود کور |
| ش | شاگلادره | ۹۰-۹۴-۹۳ | رومیشگان |
| ۱۲۰ | شاه آباد | ۱۳۰-۱۲۲-۱۲۰ | ری |
| ۶۷ | شاهپور | ۵۳ | ریشه ر |
| ۱۱۸ | شاه تپه بزرگ | | |
| ۹-۸ | شاه تپ | ۱۰۹ | زالوآب |
| ۱۸ | شاه محمد رضا | ۴۱ | زرغون |
| ۱۰ | شاه نشین | ۱۰۲ | زهاب |
| ۱۹ | شغاکبود | ۱۳۴-۱۱۴-۱۱۰ | زیویه |
| ۹۰ | شمبار | | |
| ۶۶۷ | شمی | ۷-۶ | ساری |
| ۱۳۵-۶۰-۶۰ | شمیران | ۱۲۴-۱۲۰ | ساوه |
| ۱۲۳ | شوش | ۹۶ | سرآب کلان |
| -۹۴-۸۷-۸۶-۸۴-۸۳ | شوشتر | ۵۷ | سرآب بهرام |
| ۷۱-۱۸ | شهر دراز | ۹۷ | سرآب دره |
| ۱۳۵-۱۰۳-۱۰۲ | شهرستانک | ۰۹ | سرآب سیاه |
| | شهر سوتنه | ۰۹ | سرآب سیه |
| ۶۸-۶۷ | شهریار | ۹۴-۹۳ | سرخ دم |
| ۱۸ | شهسوار | ۱۰۳-۱۰۲-۹۰۸ | سربل |
| ۱۲۲ | شيخ على | ۰۹-۰۲ | سرمشهد |
| ۱۰ | شیراز | ۴۸-۴۷-۴۰ | سروستان |
| ۱۲۱ | شیر شیان | ۱۱۰-۱۱۰ | سقز |
| ۶۳ | شیر شغا | ۱۰۴ | سکاوند |
| ۶۳ | شیر شیر | ۱۱۸ | سقین دل |
| ۵۴-۵۱-۴۶-۴۵-۴۱-۲۰-۱۹ | شیروان | ۱۱۴ | سلدوز |
| | شیز (به تخت سلیمان مراجعه فرمایند) | ۱۲۴ | سلطان آباد |
| ۱۰ | شیلا | ۱۲۰-۱۰۸ | سلاماس |
| | | ۹۷ | سلوکیه |
| ص | | ۱۰۷ | سنندج |
| ۱۰۹ | صادین قلمه | ۴۴ | سوتکنی دور |
| ۱۳۴-۱۰۸-۱۰۷ | صحنه | ۱۱۷ | سیستان |

| | | |
|-------------------------|---------------------|------------------------------|
| ۲۰ | قلعه بهمن | ط |
| ۱۰ | قلعه دختر باز هور | طارم |
| ۱۳۲ | قلعه دختر-شهرستانگ | طاق بستان |
| ۴۸ | قلعه دختر فسا | طاق گرا |
| ۵۱ | قلعه دختر فیروزآباد | طالش |
| ۱۲۴ | قلعه دختر قم | |
| ۱۲۴ | قلعه دشت | غ |
| ۹۰ | قلعه گوری | غار رستم قلعه |
| ۹۶ | قلعه هزاردر | غار علی تپه |
| ۱۰۴ | قلعه کنه | غار کله |
| ۲۰ | قلعه نو | غار کمریند |
| ۶۱ | قلعه تول | غار هوتو |
| ۱۶ | قلعه گرد | ف |
| ۱۲۴ | قم | فارس |
| | ۴۶ | فالونک |
| ۶۸-۶۷-۶۰ | کارون | فهلیان |
| ۱۹ | کاریان | فخریکاه (فخر آکاه - فقره قا) |
| ۰۹ | کازآباد | فرا آسپا |
| ۰۳ | کازرون | فراش بند |
| ۱۲۰-۱۲۴-۱۲۰ | کاشان | فرهاد و شیرین |
| ۱۰ | کال چنگال | فسا |
| ۴۲-۱۸ | کتوکان | |
| ۱۲۲ | کرج | فنوش |
| ۶۷-۶۰ | کرخه | فرگ |
| ۱۱۵ تا ۹۷ | کردستان | فیروزآباد |
| ۱۶۹-۱۱۱ | کرفتو | فیشور |
| ۱۷ | کرکو | |
| ۱۸ | کربان | قاپن |
| -۱۰۰-۱۰۳-۹۸-۹۷-۹۶-۹۴-۸۷ | کرمانشاه | قدسگاه |
| ۱۱۴-۱۱۰-۱۰۷ | | قرا |
| ۹۷-۹۶ | کشکان | قزوین |
| ۴۸ | کشو | قصر ابونصر |
| ۵۸-۲۷-۲۴ | کعبه زردشت | قصر شیرین |
| ۷۷ تا ۵ | کلاردشت | قصر قند |
| ۱۱۷ | کلار زاغی | قلعه بان |

فهرست نام مکان ها

۲۶۹

| | | | | |
|--|------------|---------------------|-------------------------------------|--|
| ۱۴۷ | گرگان | ۱۰۲ | کل داود | |
| ۵۳ | کمبند | ۶۳-۶۲ | کل فرا | |
| ۱۰۸ | گنجنامه | | کل فرعون (به کل فرا مراجعه فرمایند) | |
| ۴۸ | گور | ۱۸ | کلیشین (کیله شین) | |
| ۱۱۵-۱۱۷ | گوی تپه | ۱۸ | کلی مهی | |
| ۵۷ | گویم | ۹۳ | کملران | |
| ۹۰ | گیر آیران | ۴۷ | کنا کان | |
| ۷۳-۷۵ | گیلان | ۱۳۴-۱۲۴-۱۱۰-۱۰۷-۱۰۶ | کنگاور | |
| ۸۷ | گیلویران | ۱۹ | کور | |
| ل | | ۵۸-۵۷ | کورانگون | |
| ۱۵ | لاخی اسپور | ۹۵-۹۴ | کوزه گران | |
| ۲۰-۲۱ | لاستان | ۹۰ | کوش ما هوی | |
| ۱۹ | لار (فارس) | ۱۰۹ | کوشک قلعه | |
| لار (مازندران) (لار در مازندران نیست و از قدیم جزء ری بوده است م.) | | ۴۱-۲۷ | کوه استخر | |
| ۱۲۲-۳ | لالوار | ۵۹ | کوه اوناری | |
| ۱۱۹ | لایجان | ۴۵-۴۱ | کوه ایوب | |
| ۱۱۴ | لالی | ۴۱ | کوه پل خان | |
| ۶۶ | لرداغی | ۵۷ | کوه پیر مرد | |
| ۱۲۰ | لرستان | ۴۱-۲۷-۲۰ | کوه حسین | |
| ۹۷-۸۷ | لنگران | ۴۸ | کوه خرمان | |
| ۱۲۰ | لیان | ۱۳۰-۱۶ | کوه خواجه | |
| ۵۳ | | ۹۵-۹۳-۹۳ | کوه دشت | |
| م | | ۴۶-۳۸-۳۱-۳۰-۲۴ | کوه رحمت | |
| سادر سلیمان (ر.ک. پاسارگاد) | | ۴۶-۴۱ | کوه زاغه | |
| ۴۷ | مادوان | ۱۱۷ | کوه زاغی | |
| ۷۳ | مازندران | ۴۶-۴۱ | کوه زیدون | |
| ۱۱۹-۸۳ | ماکو | ۴۸-۴۱ | کوه سروی | |
| ۶۶-۶۱ | مال امیر | ۴۱ | کوه قلعه | |
| ۹۶ | ماهی دشت | ۱۲۰ | کوه کرکس (گرگیش) | |
| ۲۳ | مبارک آباد | ۸۷ | کبیر کوه | |
| ۱۲۴ | محلات | | گ | |
| ۲۰ | محله چه | ۱۷ | گاه | |
| ۴-۳ | محمد آباد | ۱۱۴ | گرد حسنعلی | |
| ۴۷ | مدان | ۲۰ | گردنه بیزن | |

| | | | |
|----------------|---------------|-------------------|---------------------|
| ۱۴ | نمایگاه تپه | ۴-۲۷ | مرودشت |
| ۱۳۵-۹۱-۹۰-۸۷ | نهاوند | ۶۶-۶۰ | مسجد سلیمان |
| ۱۲۰ | نیامسر | ۴ | مسره |
| ۴۷-۴۱ | نیریز | ۱۰ | مشهد |
| ۱۳۵-۱۰ | نیشاپور | ۱۰ | مشی |
| ۱۲۰ | نیمور | ۴۶ | مقصود آباد |
| ۵۸-۵۷-۲۷-۲۳ | نورآباد | ۲۰ | منشور آباد |
| | | ۹۶ | منوچهر آباد |
| | | ۱۸ | مولا |
| ۱۲۰ | و جالیک | ۵۲ | مهارلو |
| ۱۲۳ | ورابین | ۱۱۷ | میانه |
| ۴۷ | و کیل آباد | ۱۱۷ | میرآباد |
| ۱۲۰ | ویری | ۹۳ | میرولی |
| | | ۵۷ | میل جاهان میل آزاد؟ |
| ۵ | | ۵۷ | میل اژدها |
| ۱۷ | همون | ۹۰ | موئیلک |
| ۹۷-۹۳-۹۲-۸۷ | هرسین | | ن |
| ۱۸ | هربوز | ۱۷ | نادعلی |
| ۱۰۰ | هلوان | ۱۱۹ | نمکین |
| ۹۴-۹۰ | هیلیان | ۱۴ | نریشان |
| ۱۸ | هلیل رود | ۱۴ | نازلو |
| ۱۱۱-۱۱۰-۱۰۸-۸۷ | همدان | ۱۲۰ | نظرن |
| ۱۰۱ | هورین شیخ خان | ۰۶ | نقش بهرام |
| ۶۴ | هونک نوروزی | ۸۷-۰۹-۰۸-۴۱-۲۴-۲۲ | نقش رستم |
| ۱۴ | هیرسند | ۱۸ | نقش رستم دارابگرد |
| ۱۲۰ | هیویری | ۰۹-۲۰-۲۴ | نقش رجب |

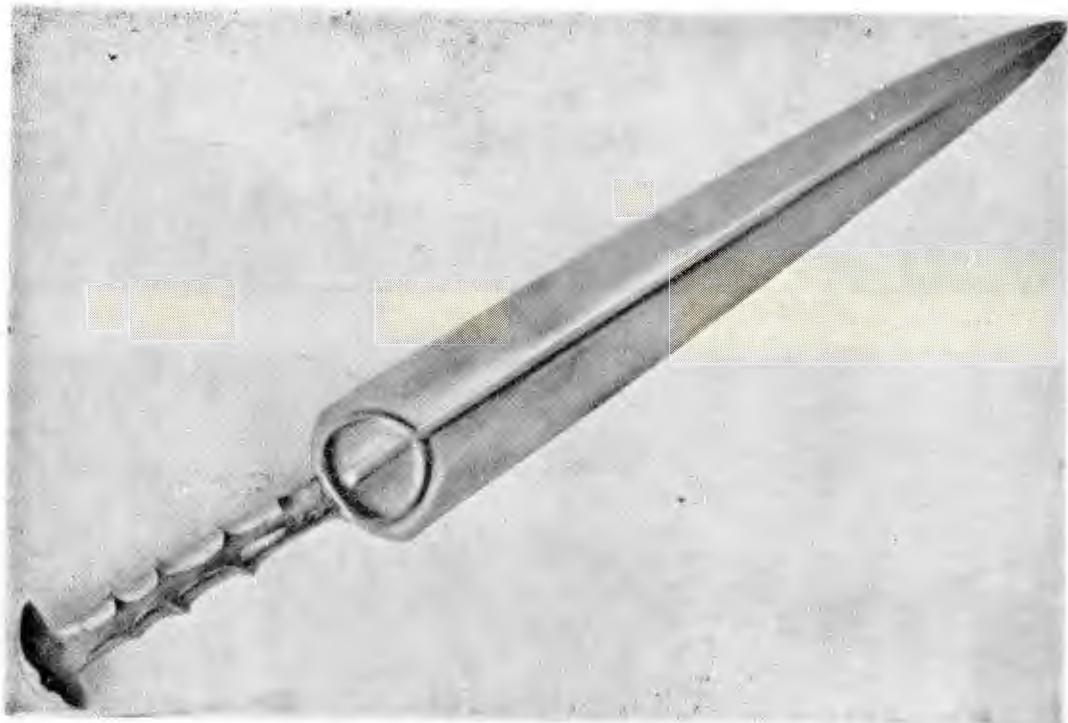
لوحه ها

از شماره

۱۷۳ تا ۱

لوحة ۱

کالار دشت



به صفحه ۵ برآجده شود

لوحة ٢

كلاردشت



الف



ب

بصفحة ٦ مراجعه شود

لوحة ٣

كلاردشت



ب



الف

دماوند



د



ج

صفحة ٦ مراجعة شود

لوحة ٤

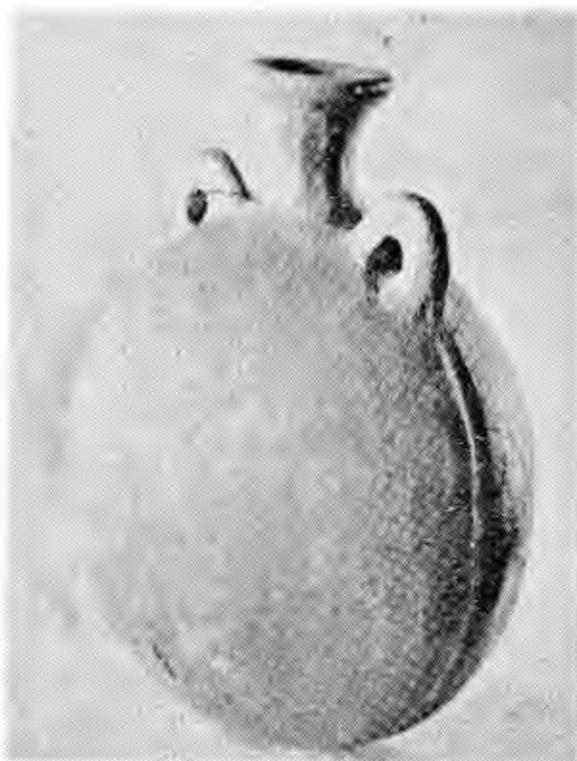
كلاردشت



ب



الف



د



ج

لوحة ٥

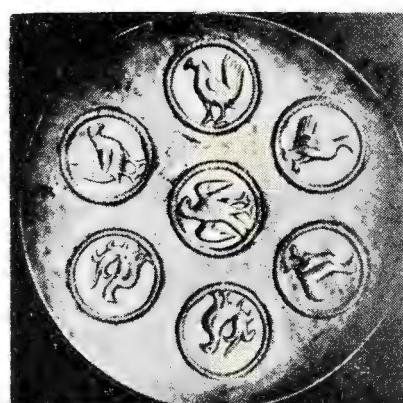
كلاردشت



ب



الف



ج



د



د

بصفحة ٦ مراجعه شود

كلاردشت



ب



الف



د



ج

لوحة ٧

مازندران



ب

ساري



الف

مازندران



د



ج

بصفحة ٧ مراجعه شود

شاه تپه بزرگ



تورنگ تپه



الف



د



ج



و



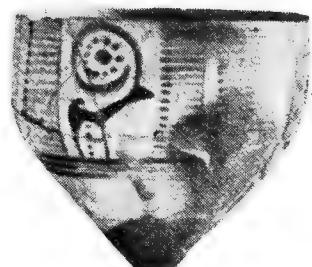
أ

لوحة . ٩

تپه حصار



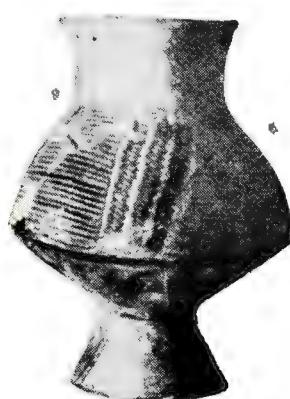
ب



الف



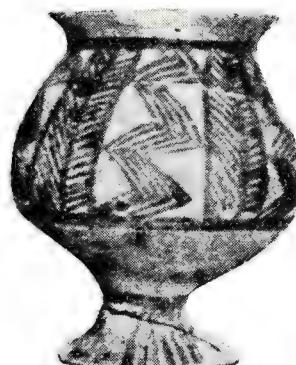
د



ج



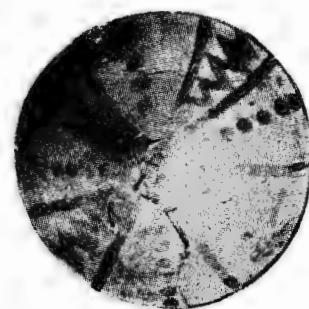
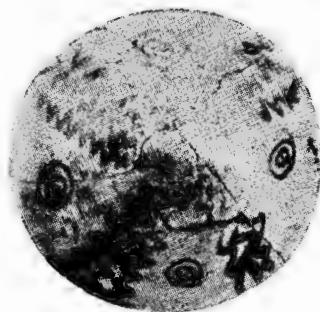
و



هـ

لوحة ١٠

تبه حصار



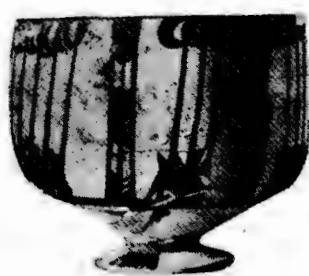
ب

الف



د

ج



و



هـ

لوحة ١١

تبه حصار



ب



الف



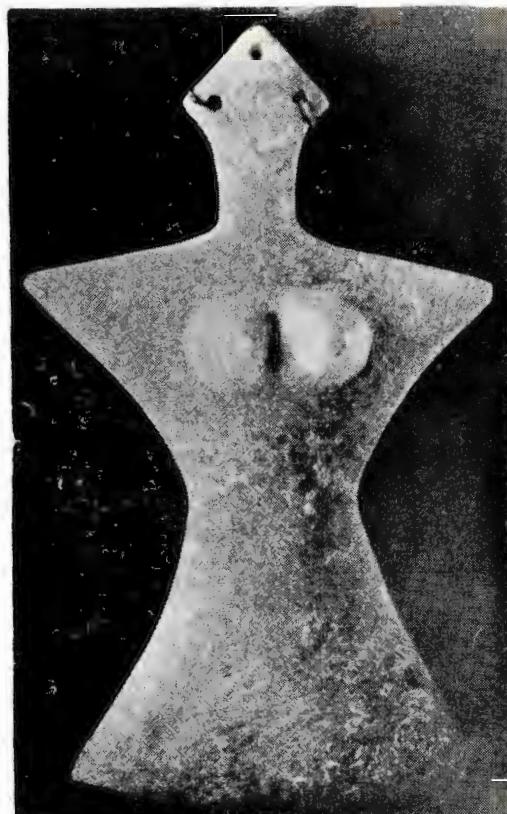
د



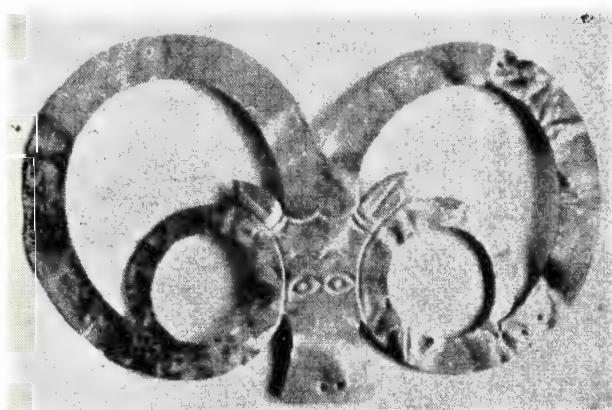
ج

لوحة ١٢

تبه حصار



الف



ج



ب

بصفحة ١٤ و ١٣ مراجعه شود

لوحة ٣

تبه حصار



ب

الف



ج
بصفحة ١٣ مراجعه شود

لوحة ١٤

تبه حصار



الف



ج



ب

صفحة ١٤ مراجعة شود

لوحة ۱

قلعه دختر باز هور



ب

محمد آباد



الف

کوه خواجه



ج

بصفحة ۱۶ تا ۱۴ مراجعه شود

لوحة ١٦

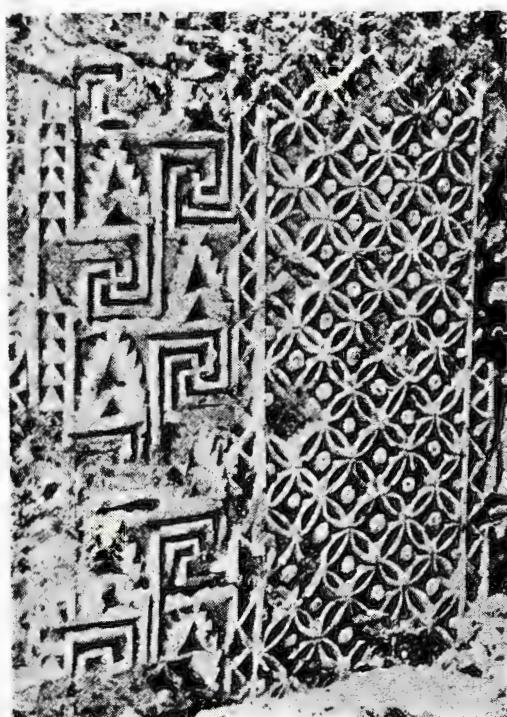
کوه خواجه



ب



الف

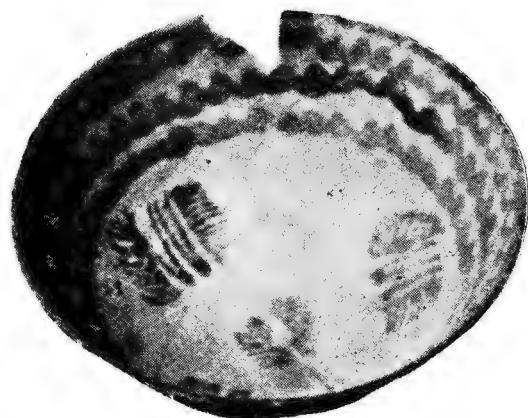


ج

به صفحه ١٦ و ١٧ مراجعه شود

لوحة ١٧

خوراب



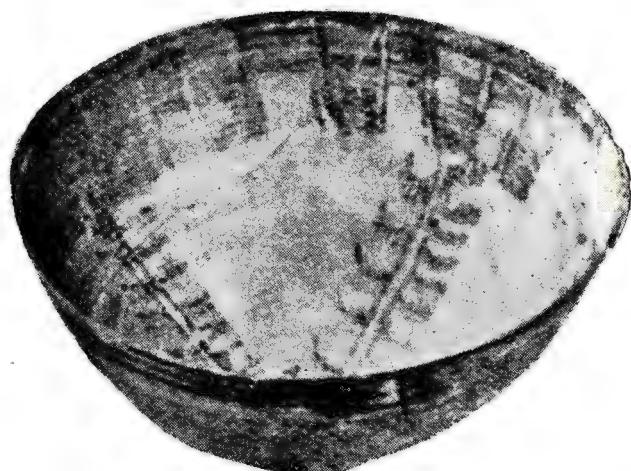
ب



الف



د



ج



هـ



هـ

بصفحة ١٨ مراجعة شود

خوراب



ب



الف



د



ج



هـ



ـ

لوحة ١٩

تنگ چک چک، فرك



الف



بـ

صفحة ٢٠ مراجعة شود

لوحة ٢٠

محله چاه فیشور



الف



ب

لوحة ٢١:

پاسارگاد



الف



ب

بصفحة ٢١ مراجعة شود

لوحة ٢٤

پاسارگاد



الف



ج



ب

بصفحة ٢٢ مراجعه شود

لوحة سهم

پاسارگاد



ب



الف



ج

به صفحه ۲۲ مراجعه شود

پاسارگاد



ب



الف



د



ج

لوحة ٢٥

تحت رسنم



الف

نقش رجب



ب

بصفحة ٤٠٢ و ٤٠٣ مراجعه شود

نَقْشُ رَجُب



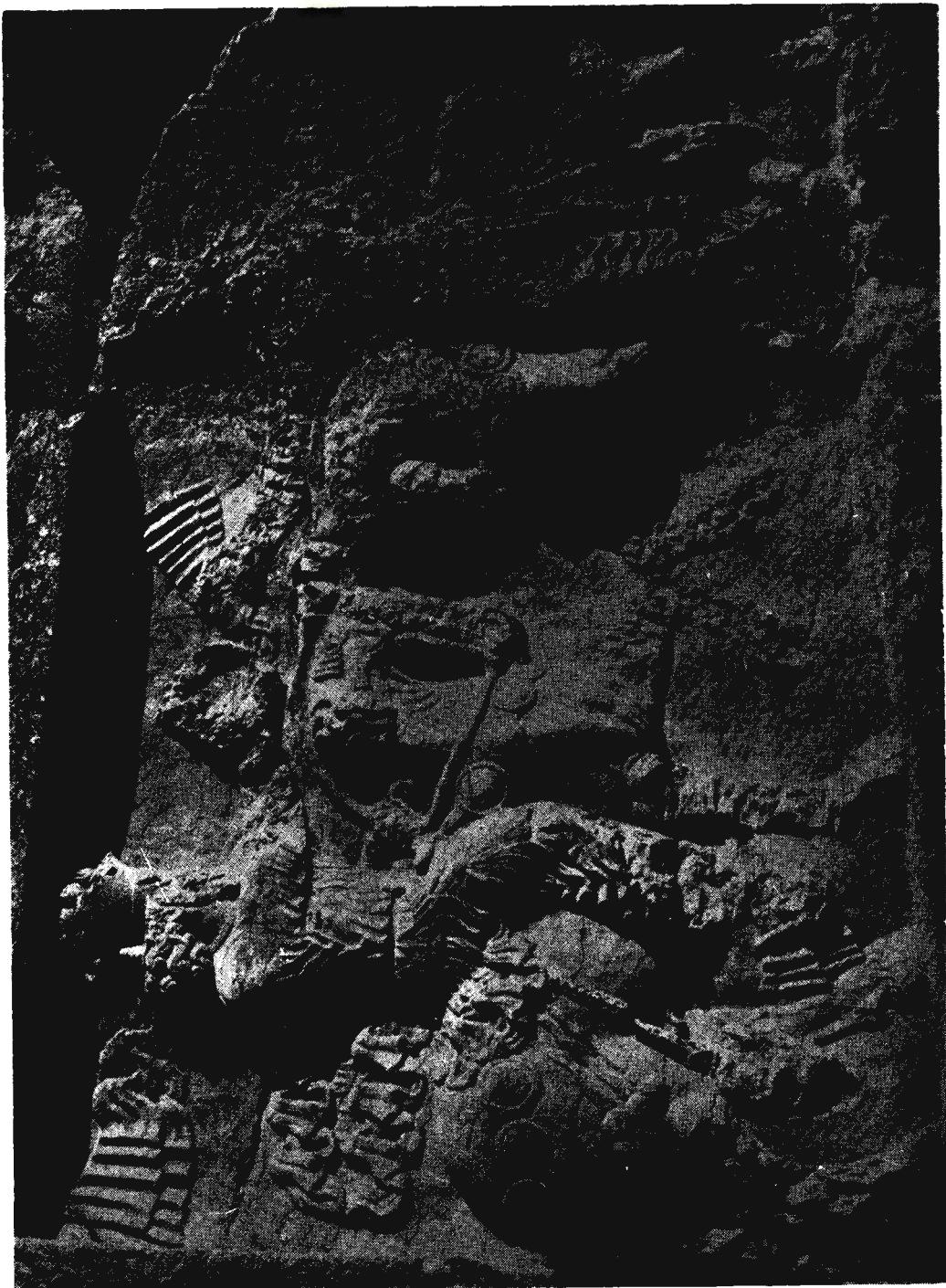
الف



ب

لوحة ٢٧

نقش رجب



بصفحة ٢٤ مراجعه شود

نَقْشُ رَسْتَم



الف



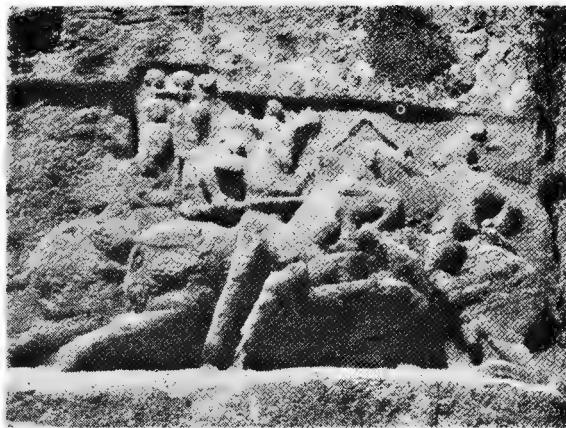
ج



ب

لوحة ٢٩

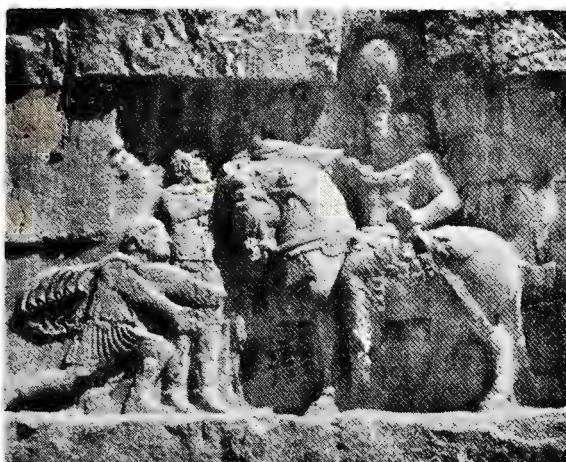
نقش رسم



ب



الف



د



ج

بصفحة ٢٦٩٢٥ مراجعه شود

لوحة ٣٠

نقش رسم



ب



الف



ج
به صفحة ٢٥ مراجعه شود

لوحة ٢١

نقش رسم



الف



ج



ب

بصفحة ٢٧٦ و ٢٧٧ مراجعه شود

تحت جمشيد



الف



ج

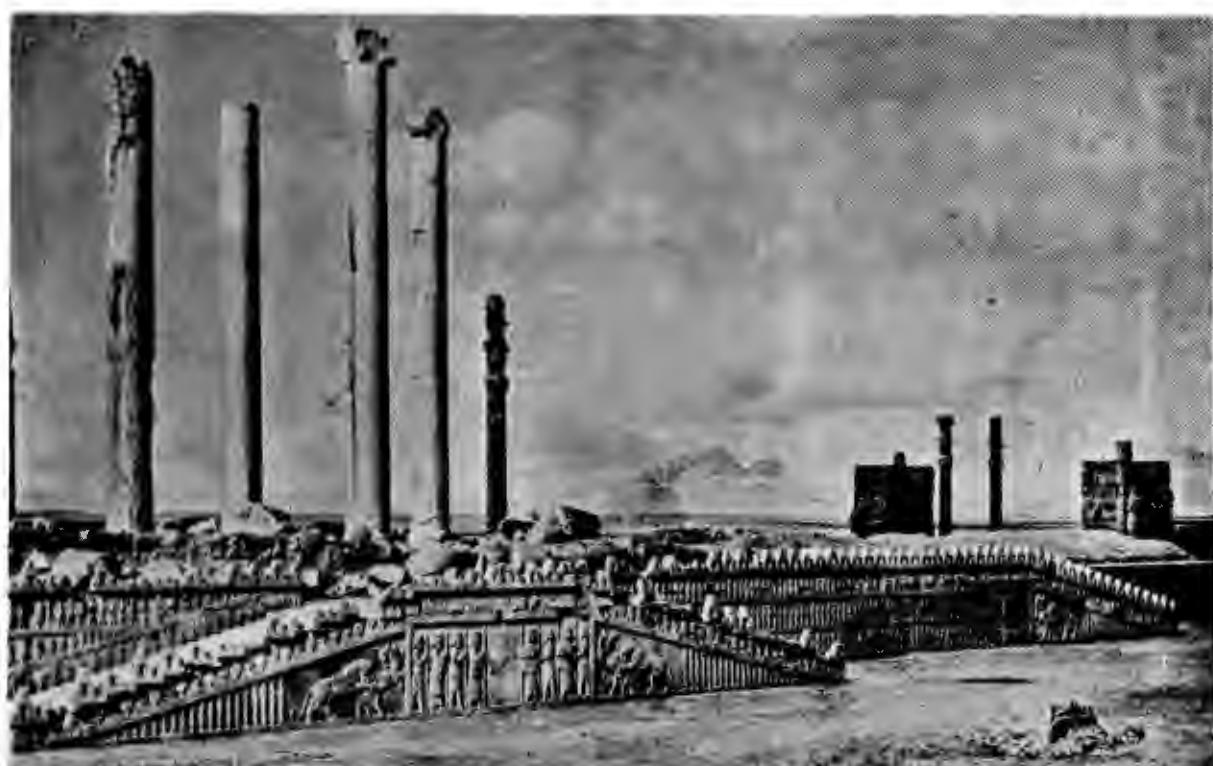


ب

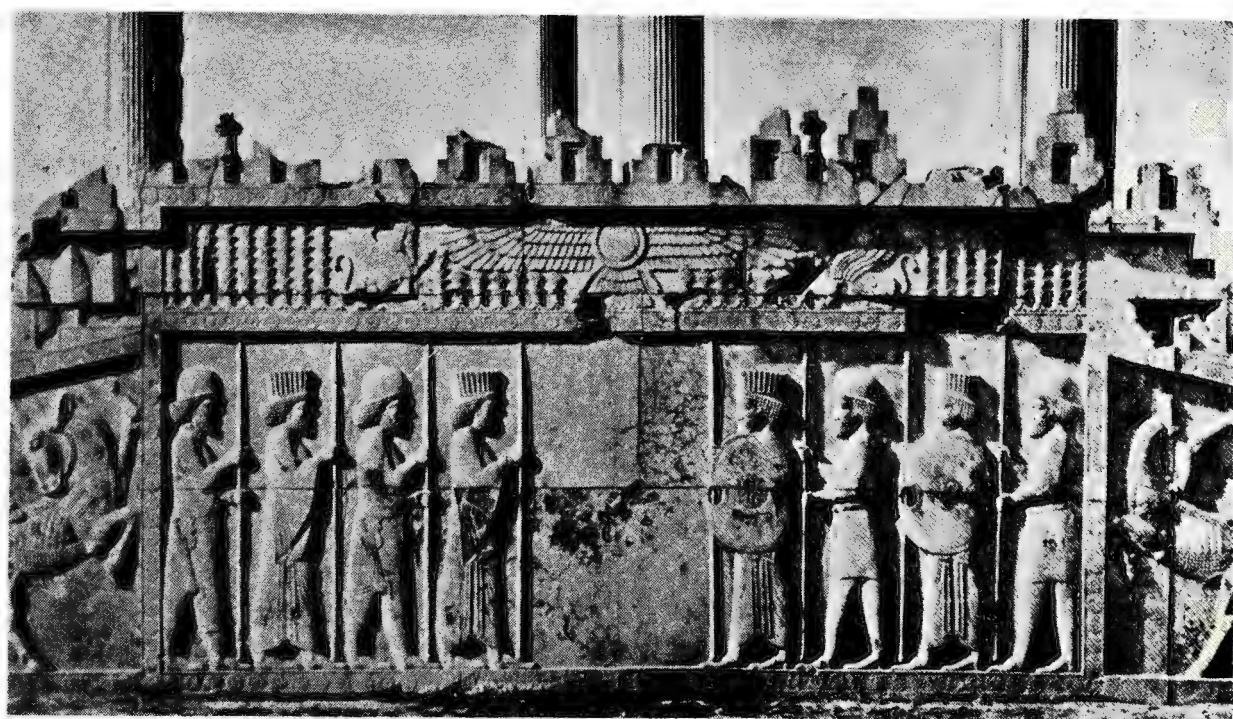
بصفحة ٣٧ و ٣٨ مراجعة شود

٢٣ اواحة

تخت جمشيد



الف



ب

بصفحة ٢٣ مراجعه شود

تخت جمشيد



الـاـفـ



بـ



جـ
بصفحة ٣٢ و ٣٣ مراجعه شود

لوحة ٣٥

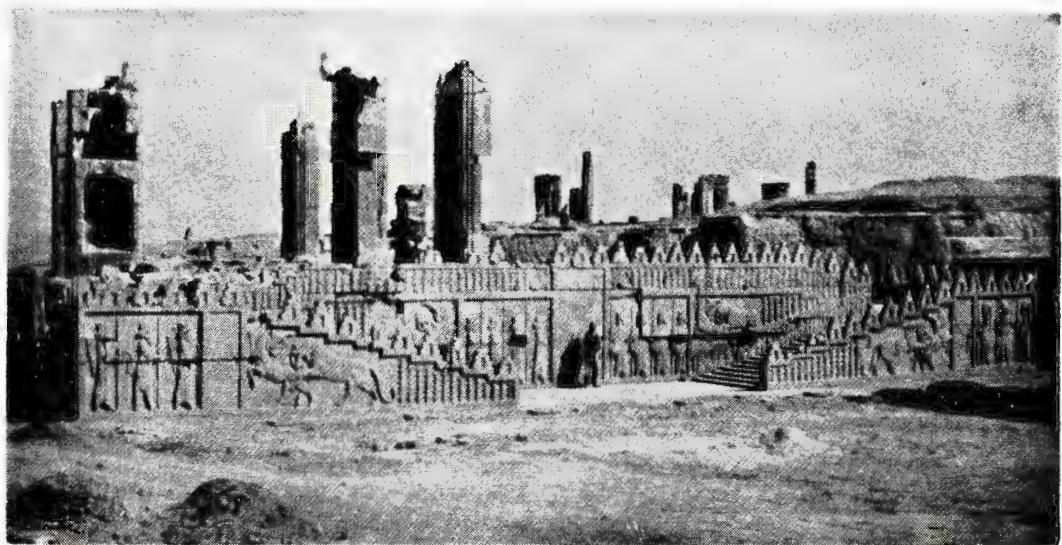
نخت جمشيد



الف



ب



ج
بصفحة ٣٣ و ٣٤ مراجعه شود

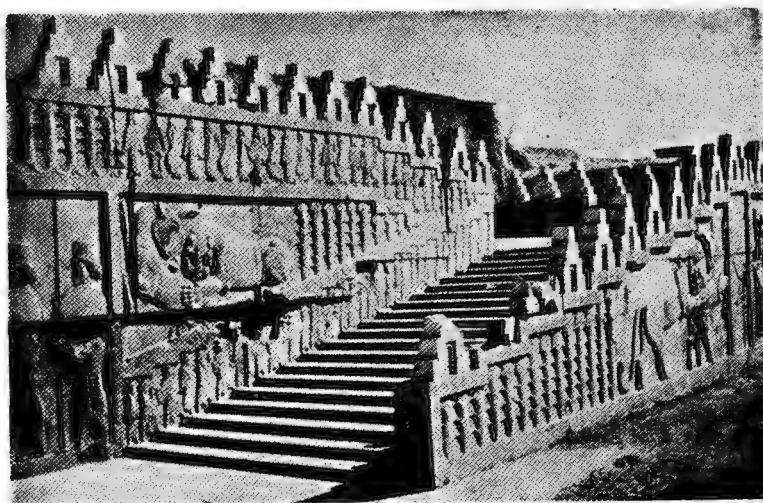
تخت جمشيد



الف



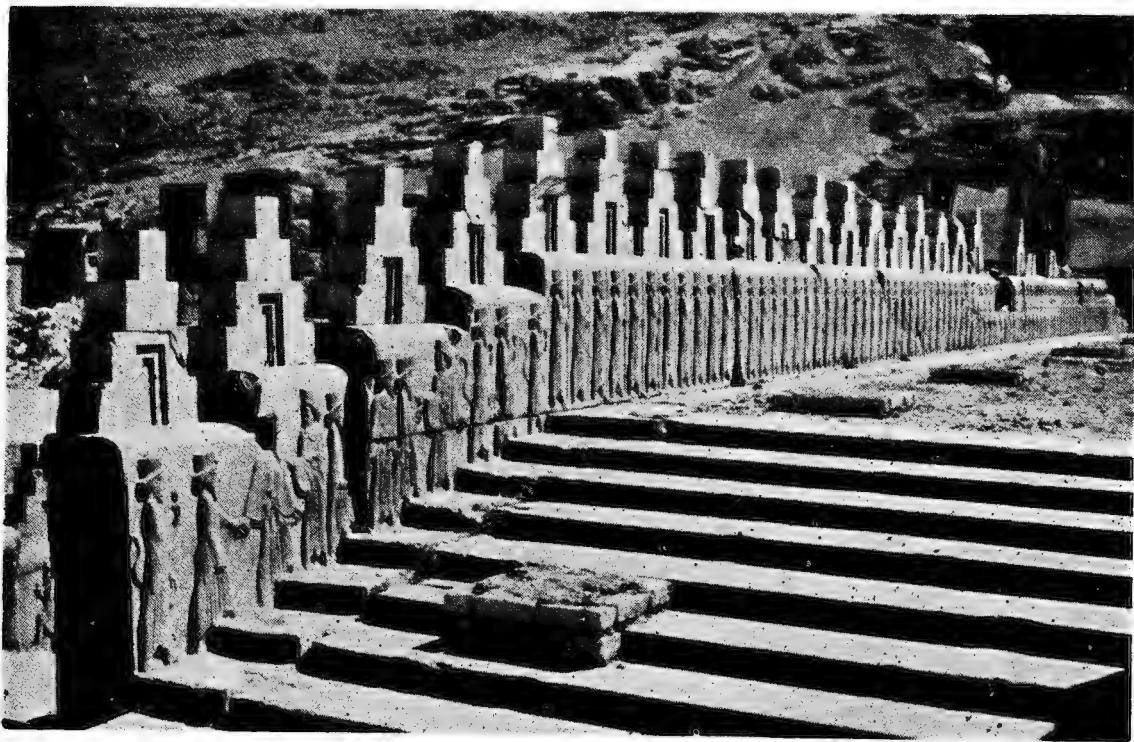
ب



ج
صفحة ٤٢ مراجعه شود

لوحة ٣٧

تحت جمشيد



الف



ب

لوحة ٣٨

تخت جمشيد



الف

بصفحة ٤٣ مراجعه شود

لوحة ٣٩

تخت جمشيد



الف



ب

لوحة ٤٠

تخت جمشيد



الف



ب

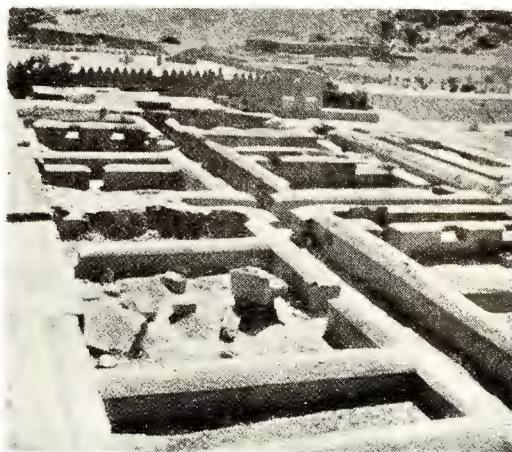
بصفحة ٣٤ و ٣٥ مراجعه شود

لوحة ٤

نخت جمشيد



الف



ب

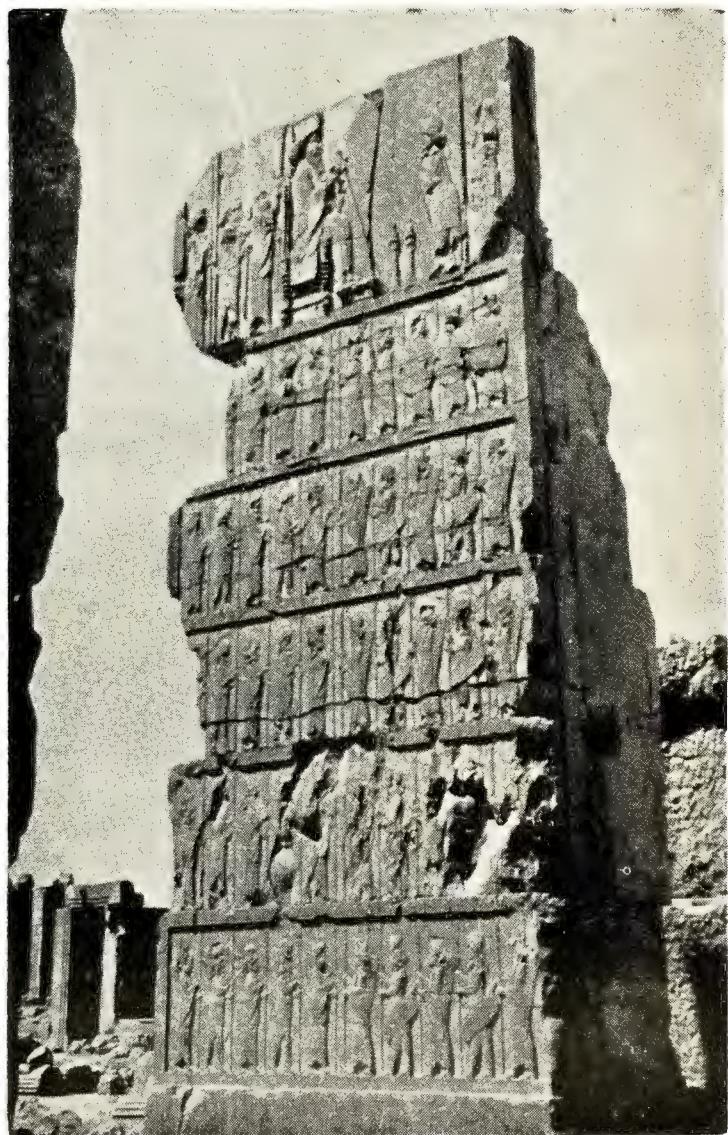


ج

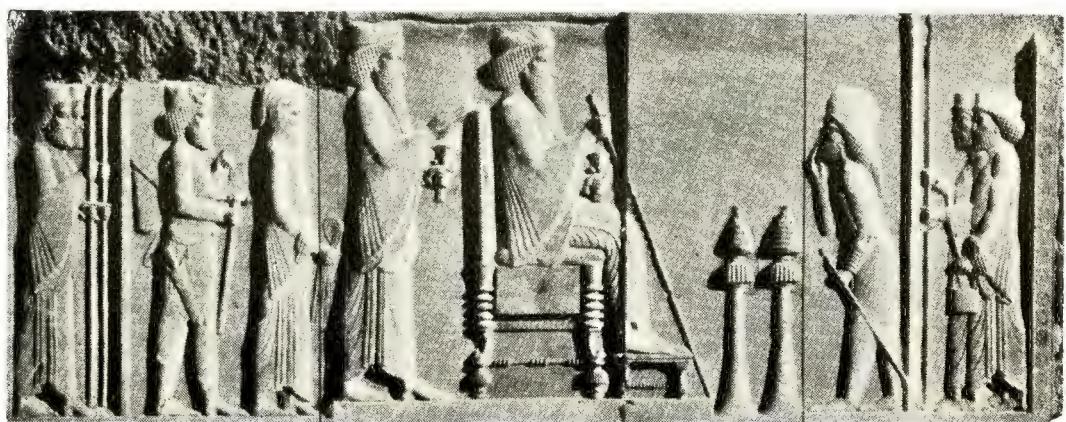
تحت جمشيد



الف



ب



د

لوحة ٤٣

تخت جمشيد



ب



الف



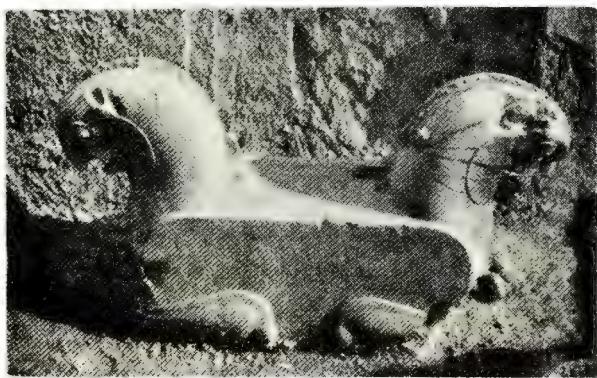
د



ج



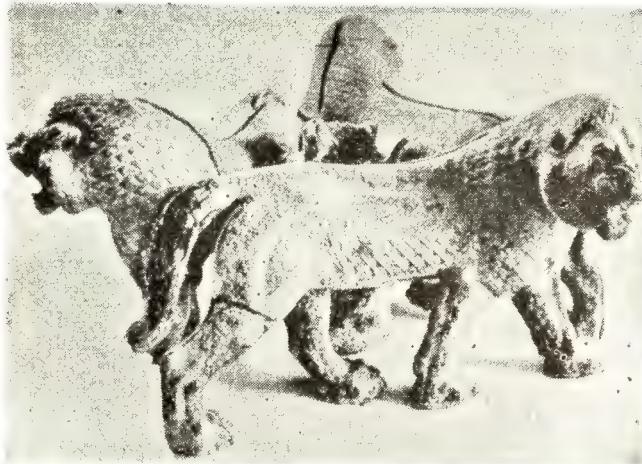
هـ



هـ

لوحة ٤٤

تخت جمشيد

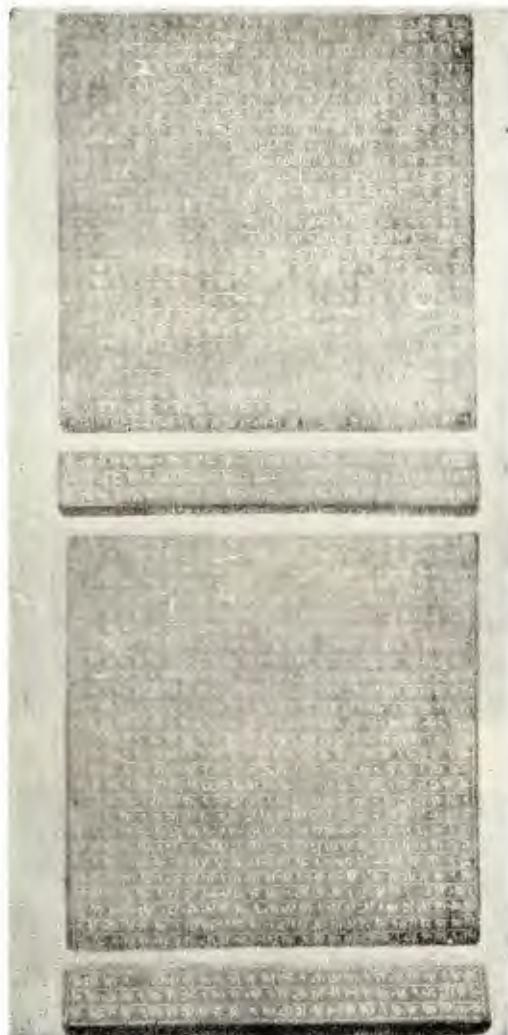


ب

الف



د



ج

لوحة ٤٥

تخت جمشيد



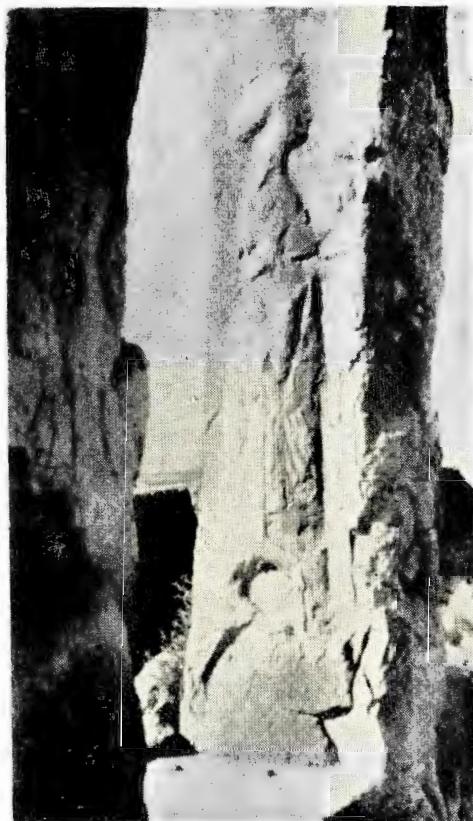
الف



ب

اواحة ٤٦

تخت جمشيد



ب



الف



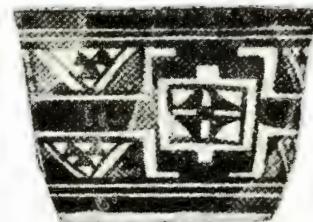
د



ج

تل بكون

لوحة ٤٧



ب



الث



د



ج



و



هـ



ح



ز



ط

تل بكون



ب



الف



د



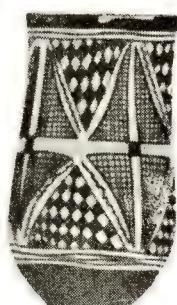
ج



و



هـ



ح



ز



ط

لوحة ٤٩

تل جری - ب



الف
تل موشكى



ب
بصفحة ٤٤ و ٤٥ مراجعة شود

لوحة ..

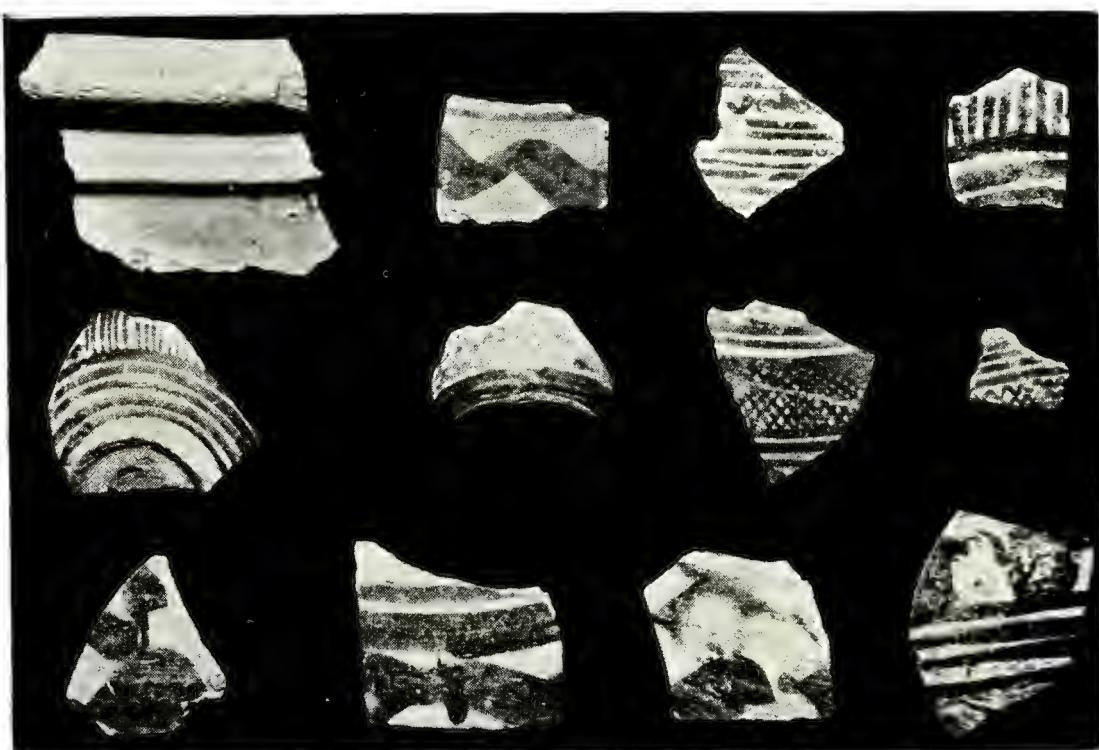
تل جری-الف



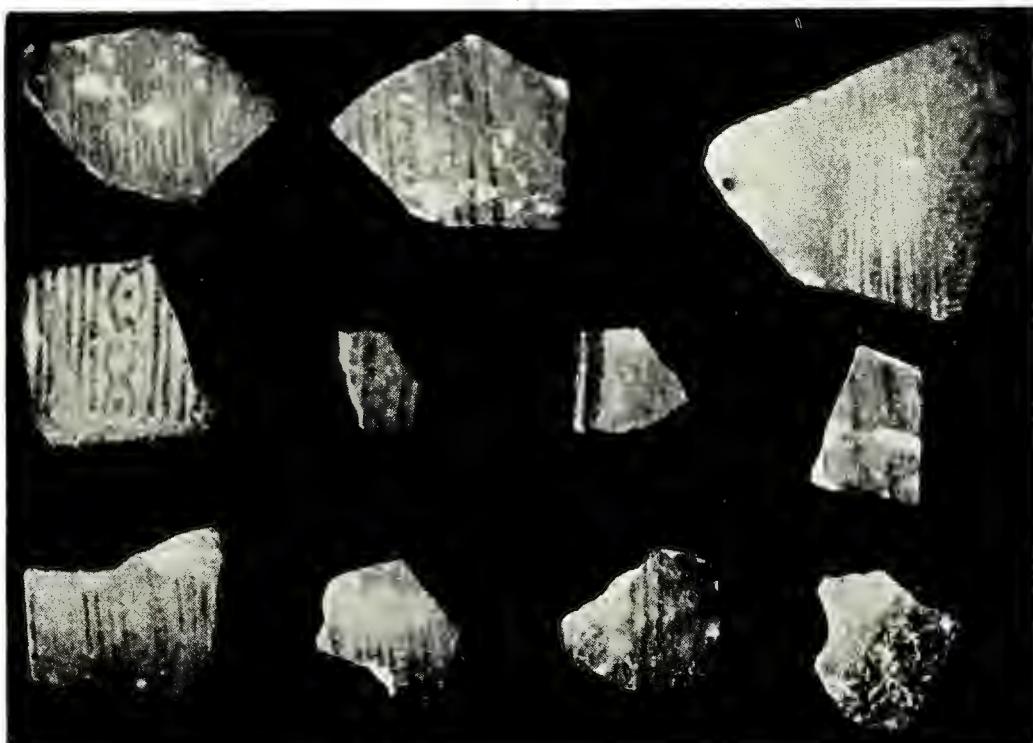
بصفحة ٤٤ مراجعه شود

تل كفترى

لوحة ١٠



الف



ب

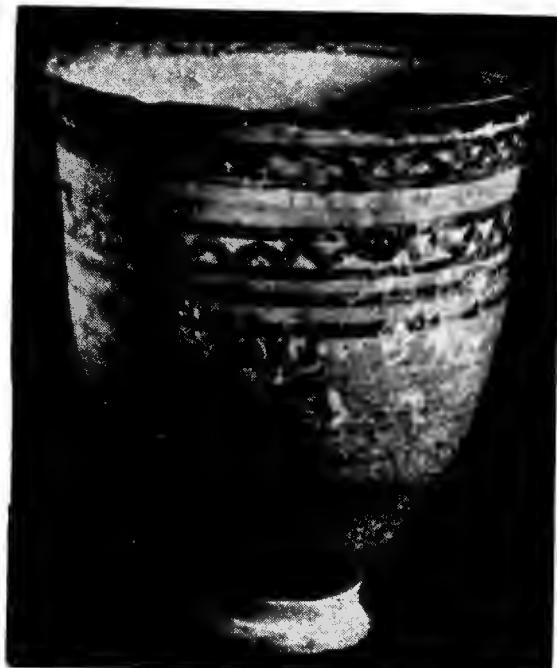
بصفحة ٤٣ مراجعه شود

لوحة ٥٢

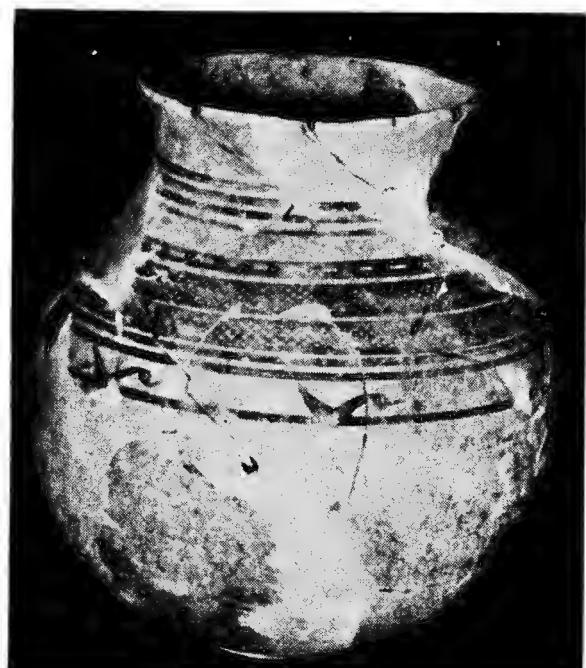
تل جري-الف



تل قلعة



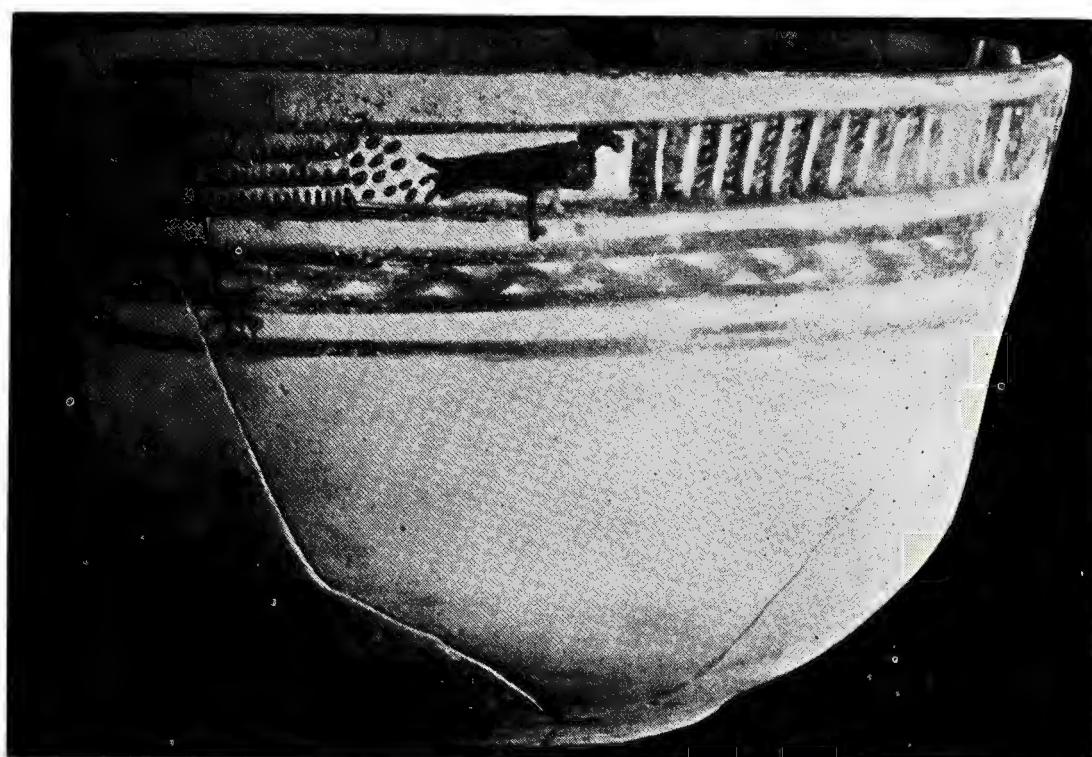
ب



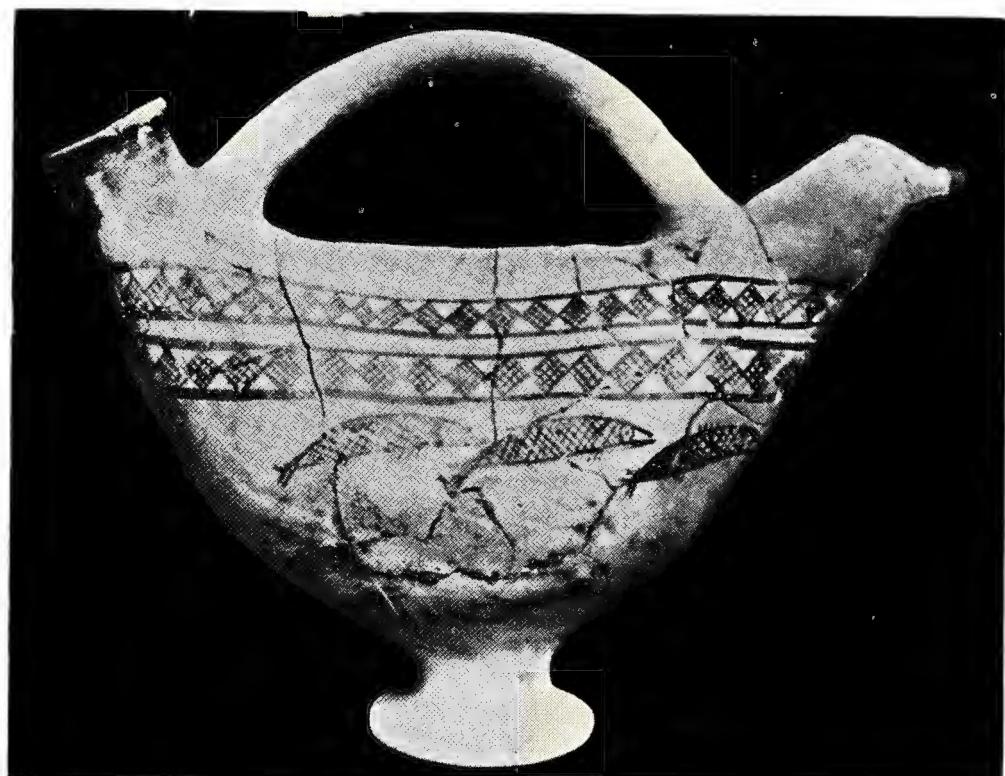
الف

لوحة ٣

تل شغا



الف



ب

بصفحة ٤٤ مراجعه شود

لوحة ٤

تل شغا



الف



ب



ج

صفحة ٤ مراجعه شود

لوحة ٥٥

تل شغا



الف



ب

صفحة ٤٤ مراجعه شود

تل كمين



ب



الف



د



ج



و



هـ

لوحة ٥٧

تل تيموران



ب



الف



د



ج



د

لوحة ٥

تل تيموران



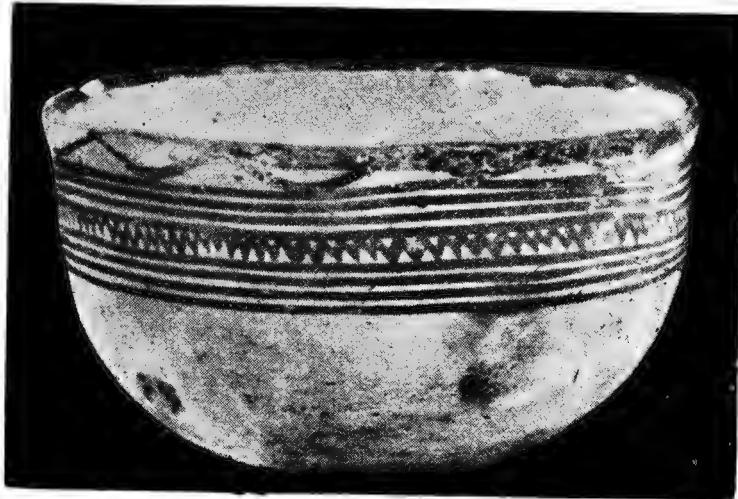
ب



الف



ج



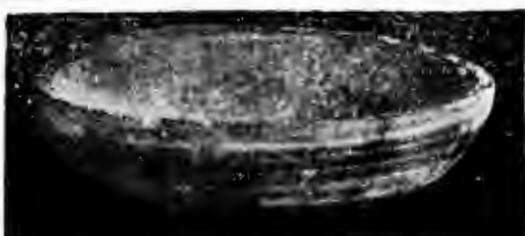
د

لوحة ٩

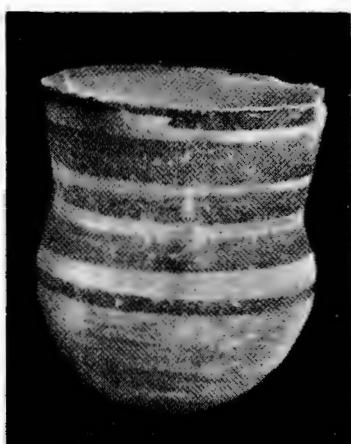
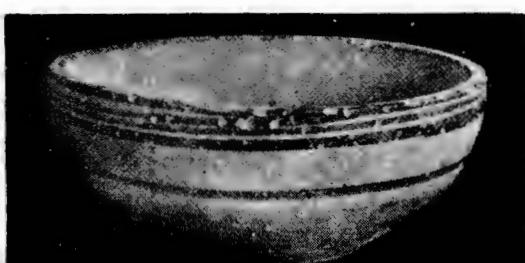
تل تيموران



ب



الف



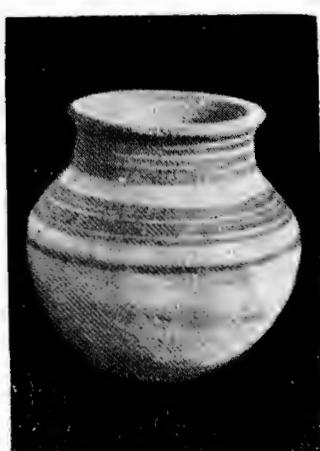
د



ذ



ج



ح



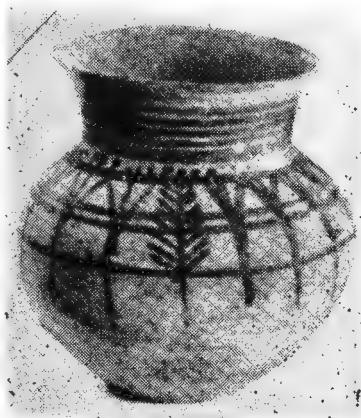
ز



و

٦٠ اوجه

تل تيموران



ب



الف



د



ج



هـ



ـ

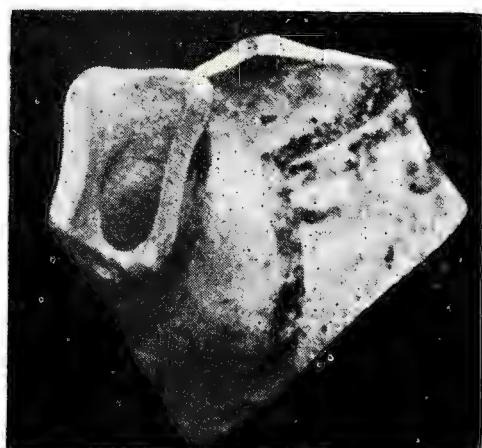
لوحة ٦١

آخور رستم



ب

تل جلا آباد



الف

آخور رستم

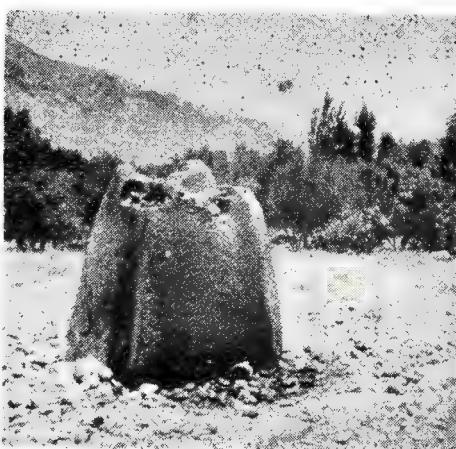


د

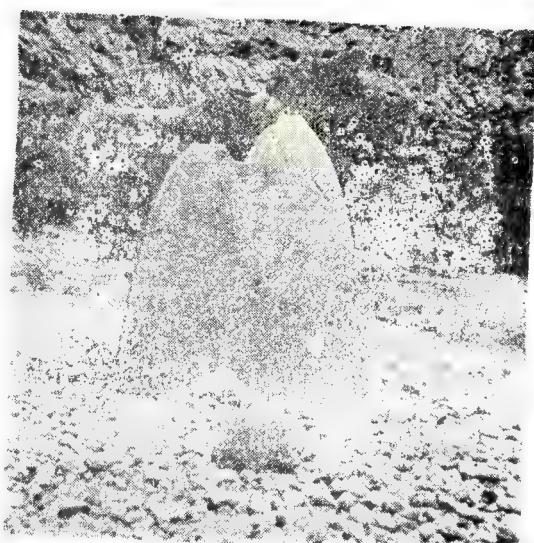


ج

باغ بدراه



و



هـ

کوه سروی



ب
کوه زاغه



الف
کوه رحمت



د



ج

کوه ایوب



و



هـ

لوحة ٦٣

قديماً



الف



ب

صفحة ٤٧ مراجعه شود

دارابگرد



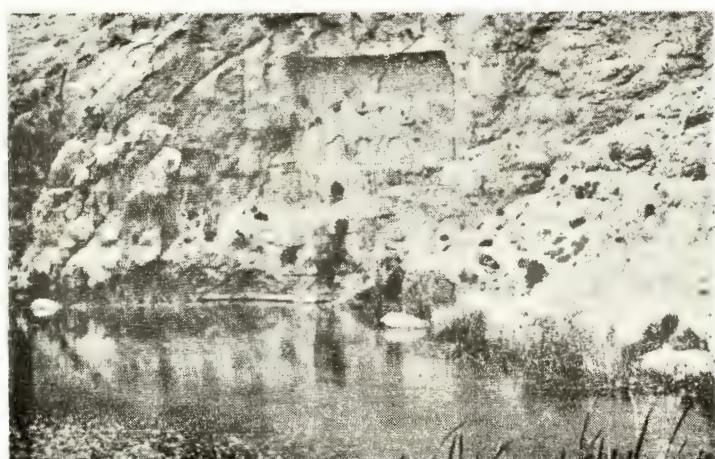
الف

دارابگرد ، نقش رستم



ج

تنگ کرم



ب

تل ضحاك



هـ



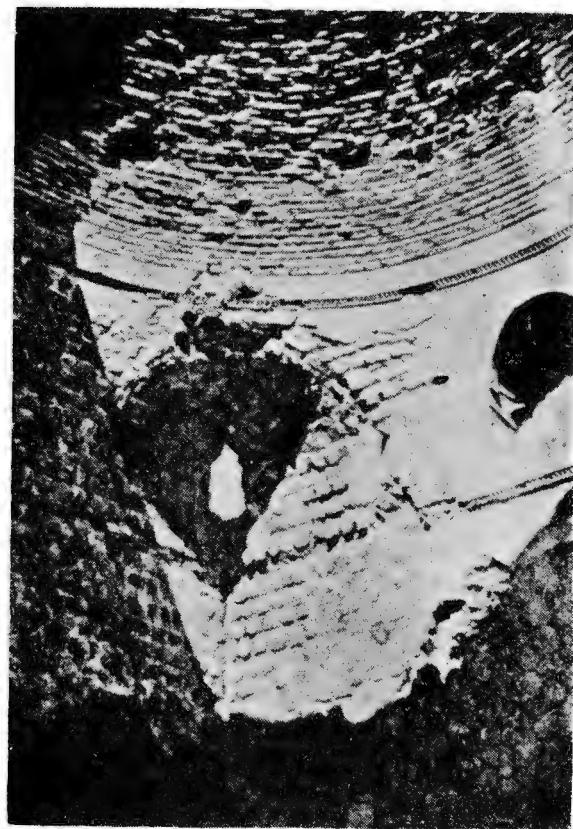
د

لوحة ٦٥

سرستان



الف

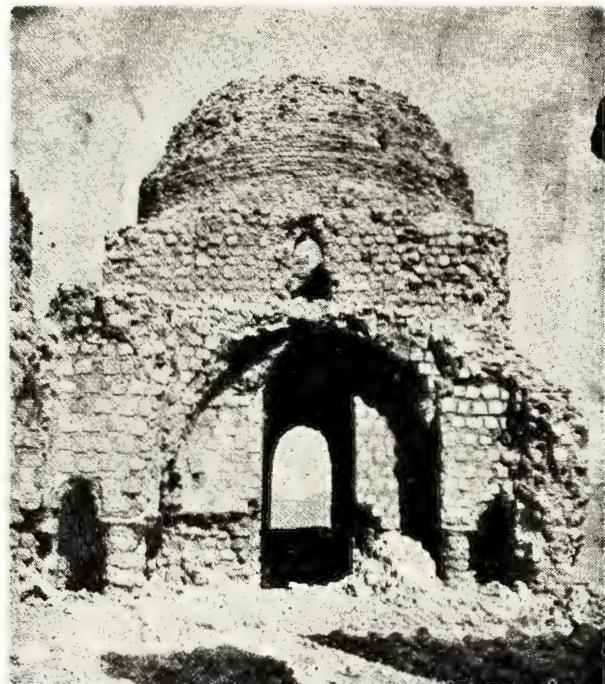


ب

سرورستان



ب



الف



د



ج

بصفحة ٤٨ مراجعه شود

لوحة ٦٧

فیروزآباد



الف



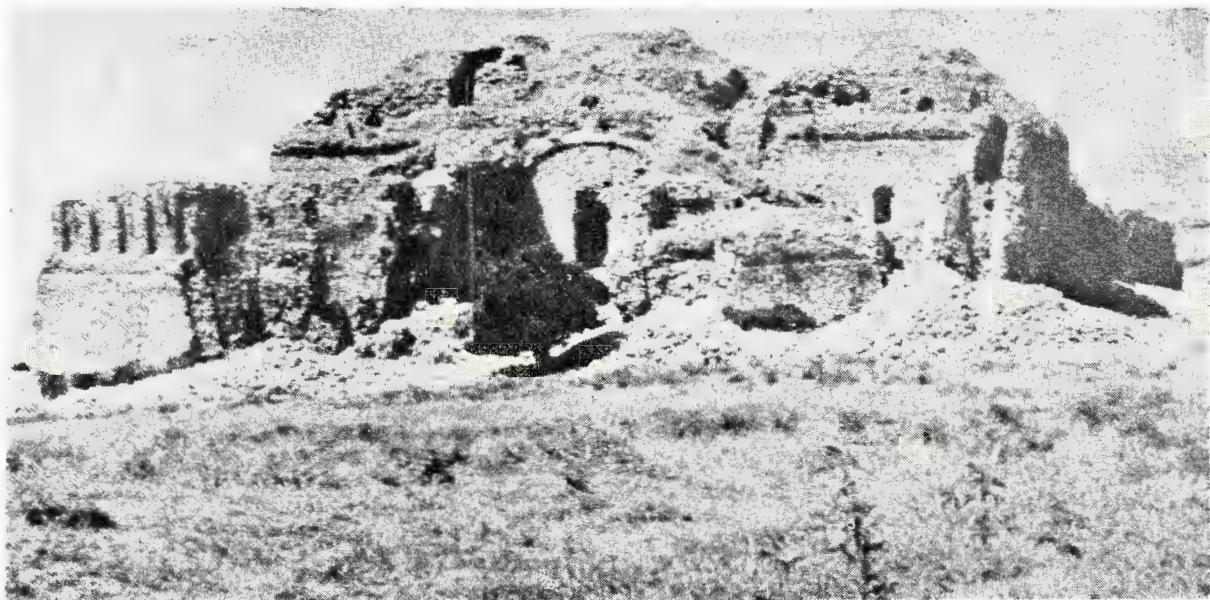
ج



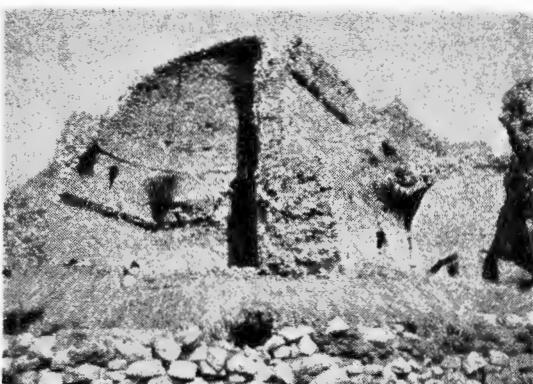
ب

بصفحة ٩٤ تا ٥٢ مراجعه شود

فیروزآباد



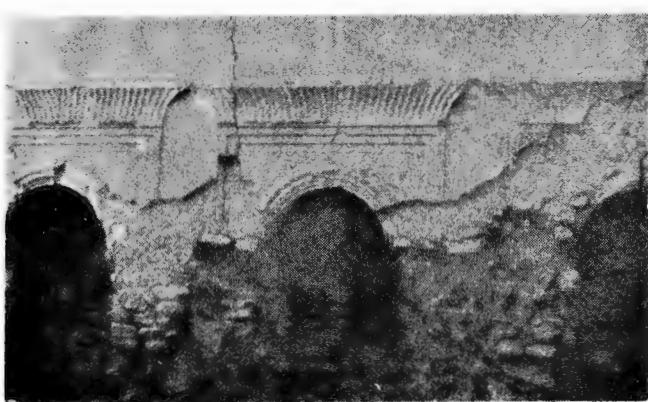
الف



ج



ب



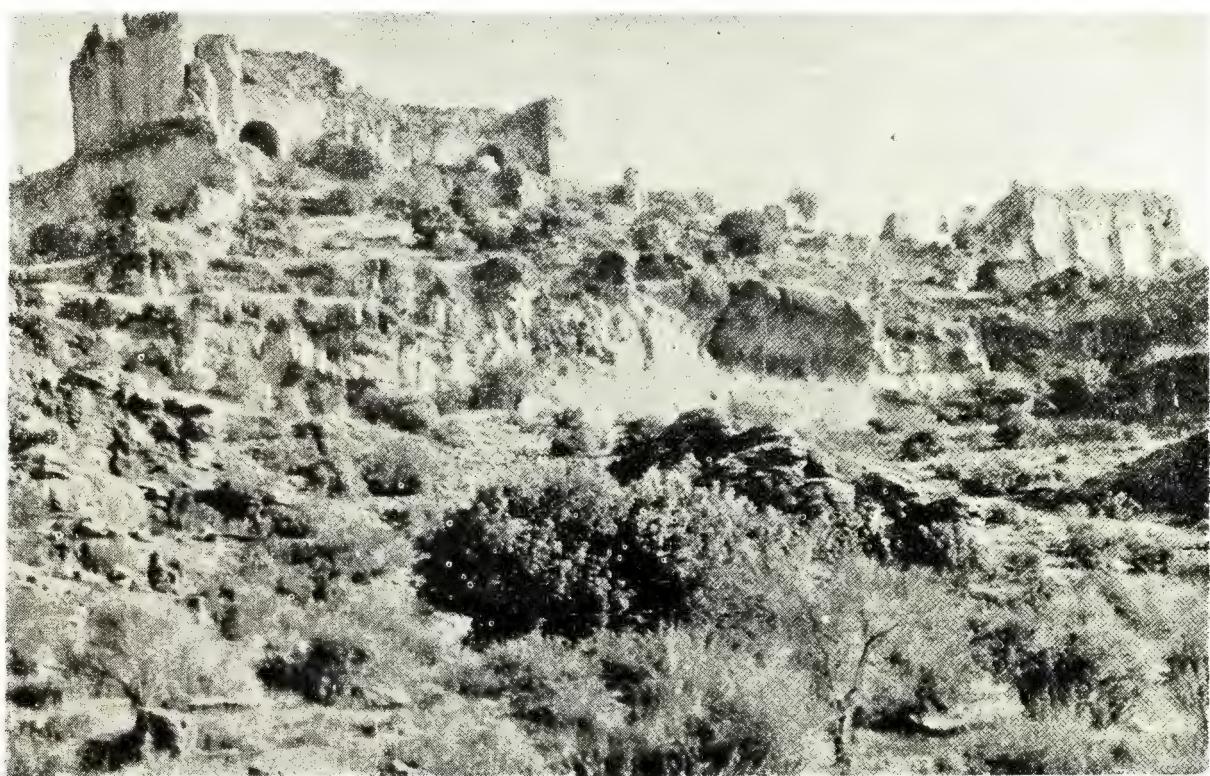
ه



د

لوحة ٦٩

فیروزآباد



الف



ج



ب

بصفحة ١٥ مراجعه شود

لوحة ٧٠

فیروزآباد



الف



ب

بصفحة ٥١ مراجعه شود



الف



ب



ج
بصفحة ٢٥ مراجعه شود

قصر ابونصر



صفحة: ١٠٩ من إصداره السادس

لوحة ٧٣

برم دلك



الف



ب

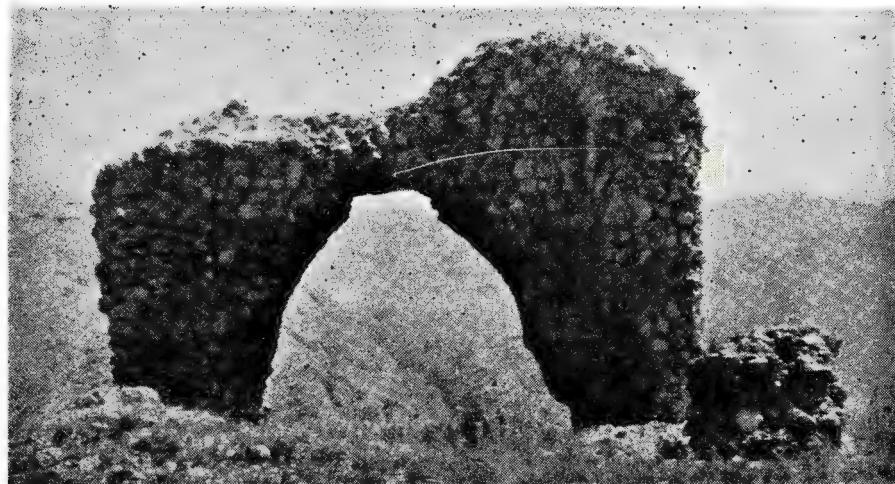
بصفحة ٥٢ مراجعه شود

سر مشهد



الف

كازرون



ب

جره



ج

بصفحة ٥٣ مراجعه شود

لوحة ٧٥

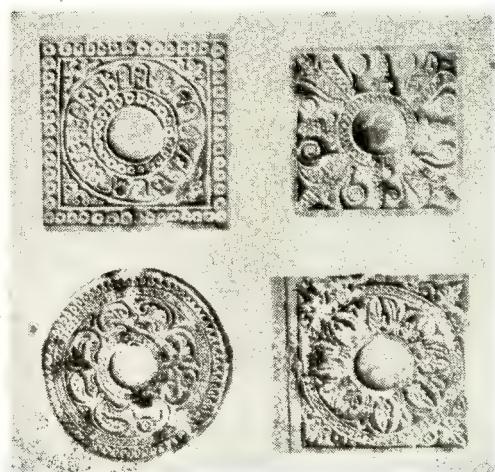
بيشابور



الف

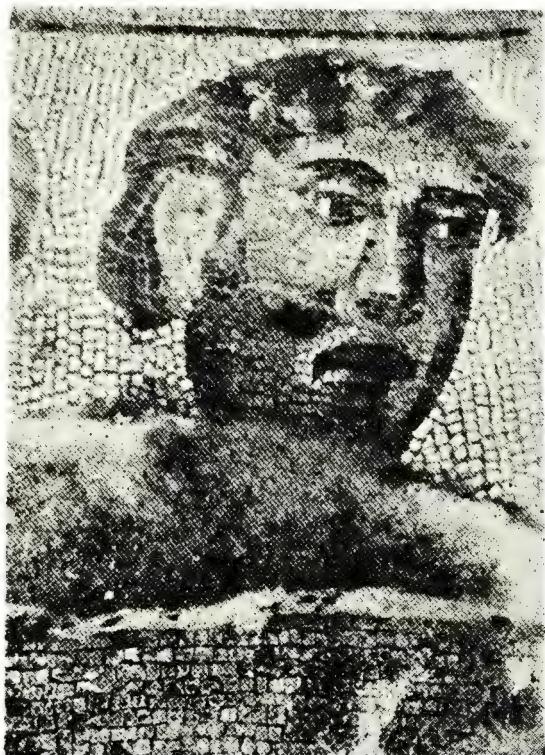


ب

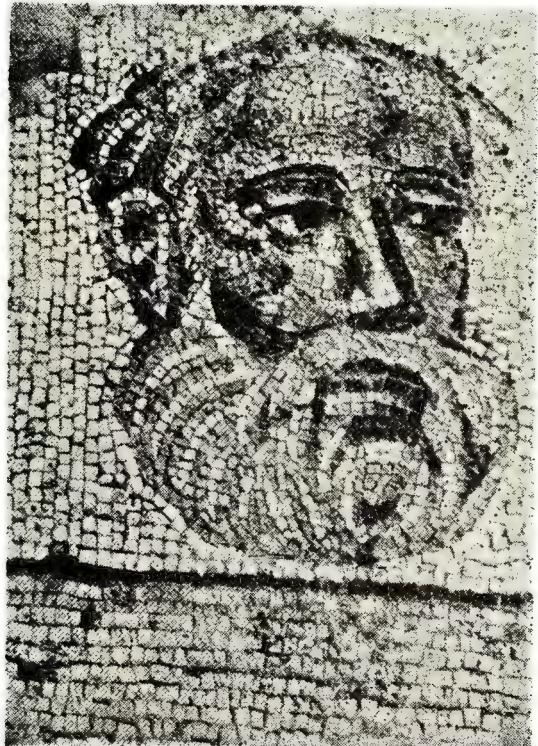
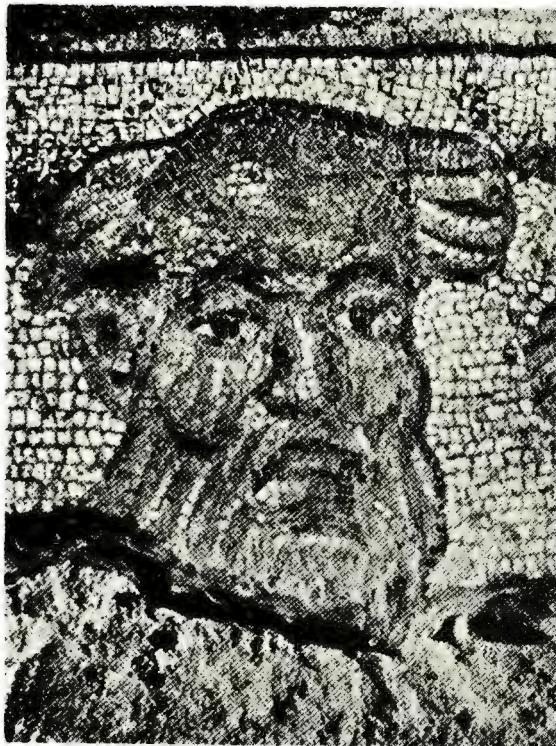


بعض حفريات عوام وسراجي غير شود

بيشاپور



الف

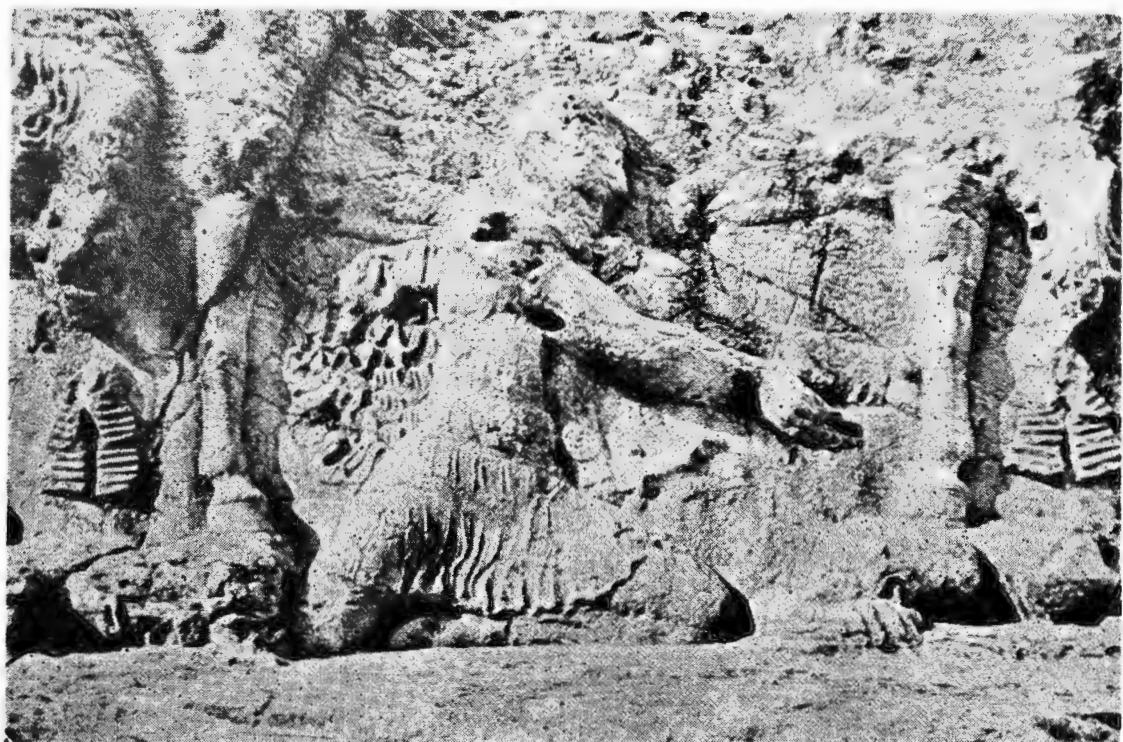


ب

بعضها هـ مراجعه شود

لوحة ٧٧

بیشاپور



الف



ب

بصفحة ٦٠ مراجعه شود

بیشاپور



ب



الف



د

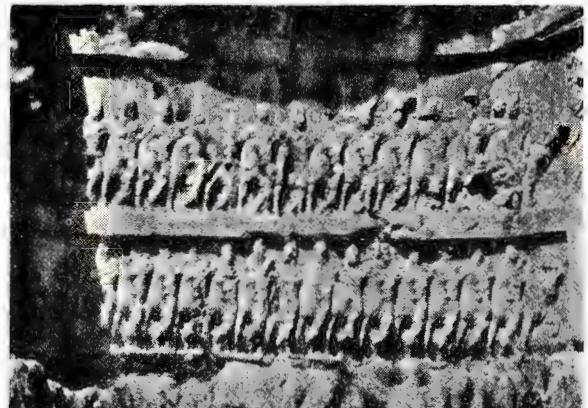


ج



و

به صفحه ٥٦ مراجعته شود.



ه



الف



ب

بصفحة ٦٥ مراجعه شود

بیشاپور



ب



الف



ج

بصفحة ٦٥٧هـ مراجعة شود

لوحة ٨١

بیشاپور



الف

صفحة ٥٧ - مراجعه شود

نقش بهرام



الف



ب

بصفحة ٧٧ مراجعه شود

لوحة ٨٣

گويوم



الف

بصفحة ٧٥ مراجعه شود

نورآباد

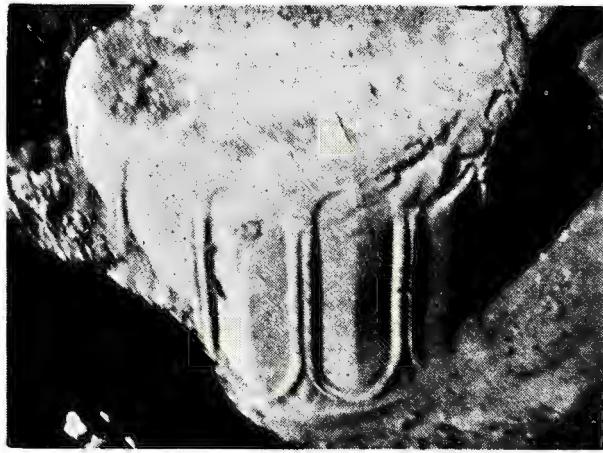


ب

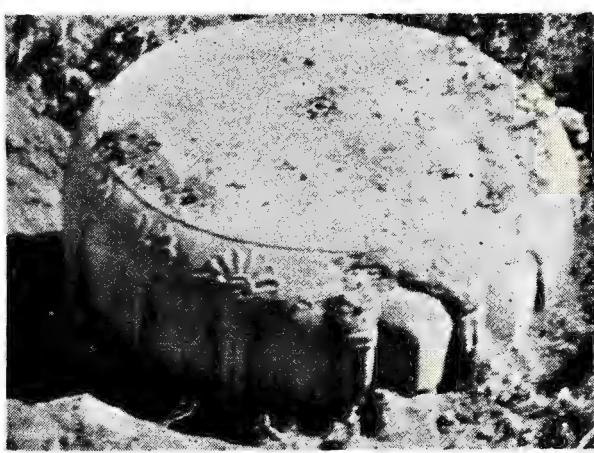


الف

جين جين



د

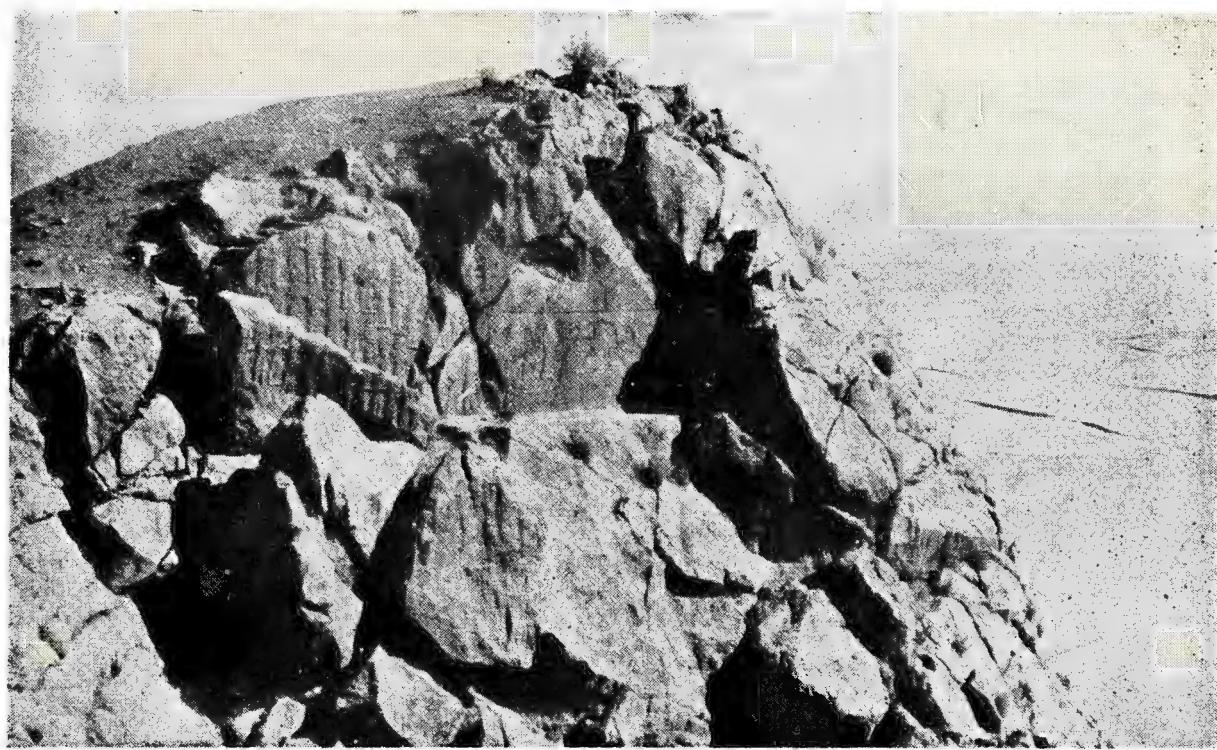


ج

بصفحة ٥٧ و ٥٨ مراجعه شود

لوحة ٨٥

كورانگون



الف

١٠



ب

بعضه ه مراجعه شود

كورانگون

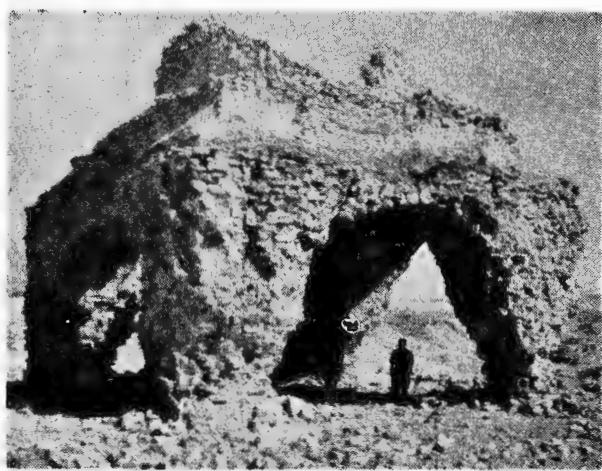


الف

دآودختر



ب



ج

صفحة ٥٧ تا ٩٥ مراجعه شود

تنك سروك



الف



ب

صفحة . ٦ مراجعة شود

تنگ سروك



الف



ب

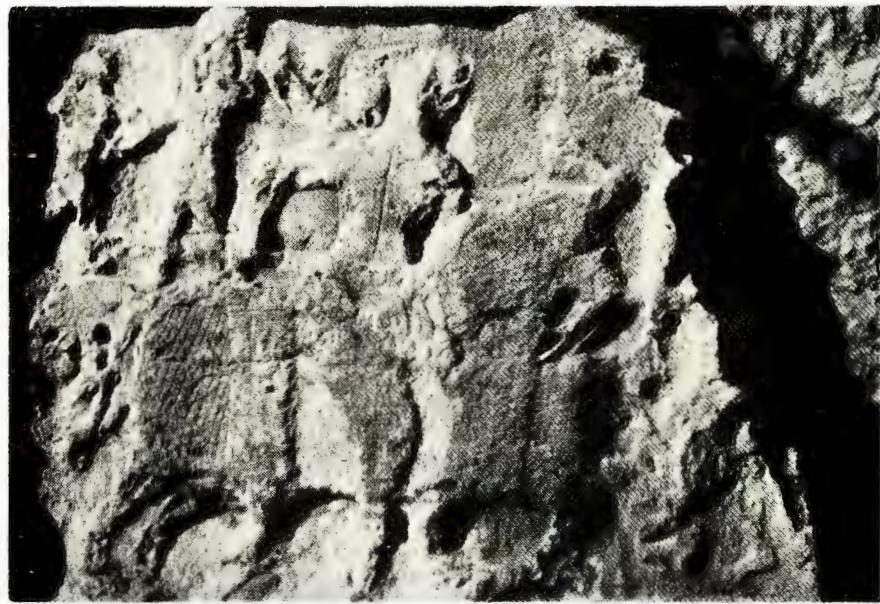
بصفحة ٦١ مراجعه شود

لوحة ٨٩

تنك سروك



الف



ب

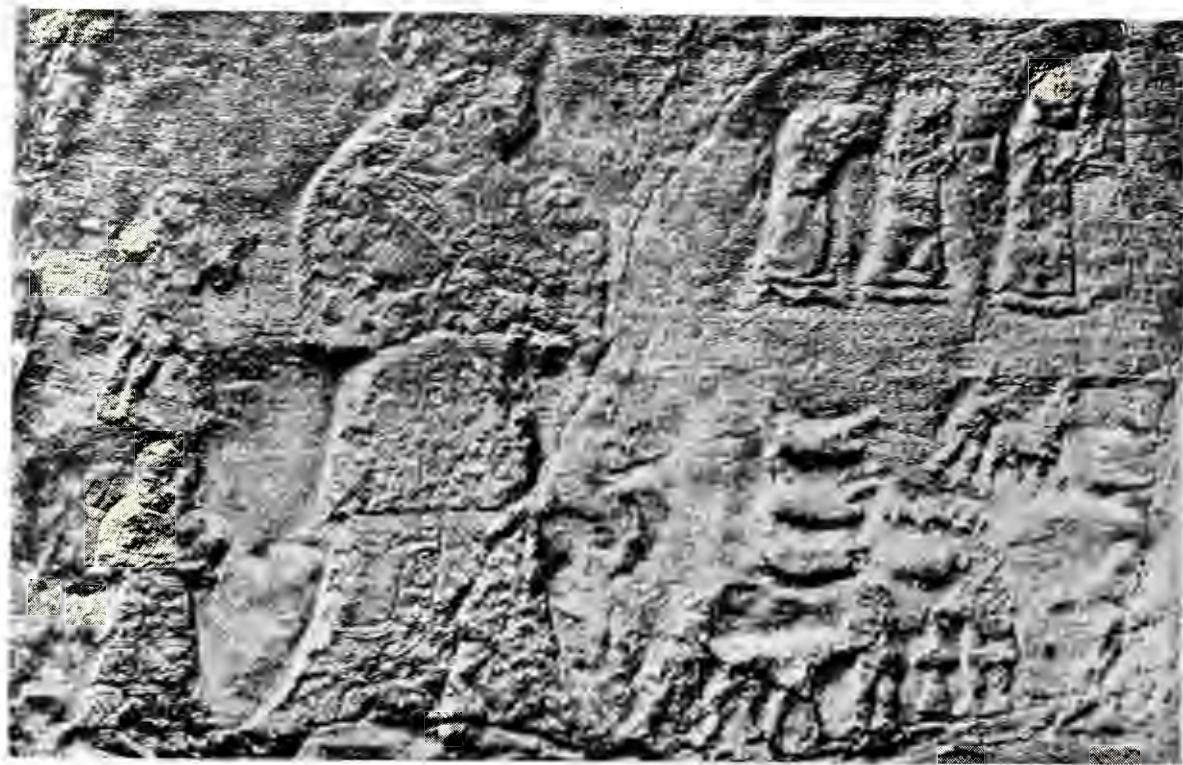
بصفحة ٦١٩٦٠ مراجعه شود

قلعه تل



الف

كل فرا



ب

بصفحة ٦٣ و ٦٤ مراجعه شود

لوحة ٩١

كل فرا



الف

شكفت سلمان



ب

بصفحة ٦٣ و ٦٤ مراجعه شود

شمی



ب



الف

لوحة ٩٣

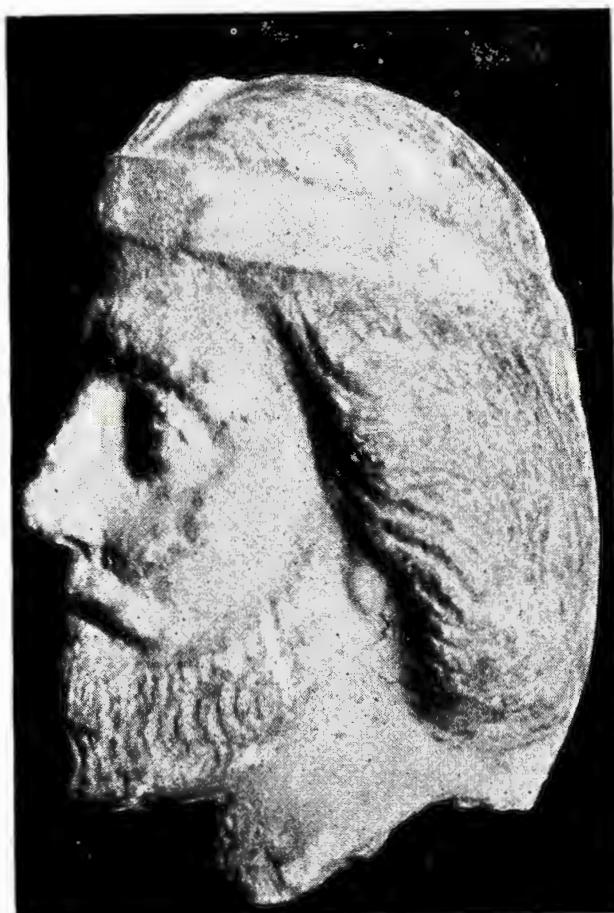
شمسي



الف

صفحة ٦٤٥٥٥ مراجعه شود

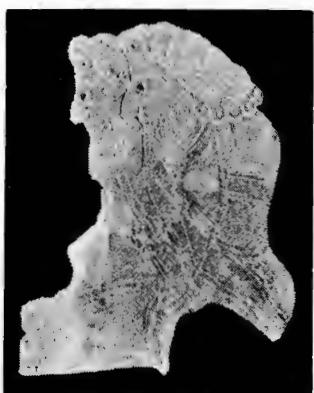
شمی



ب



الف



د



ج

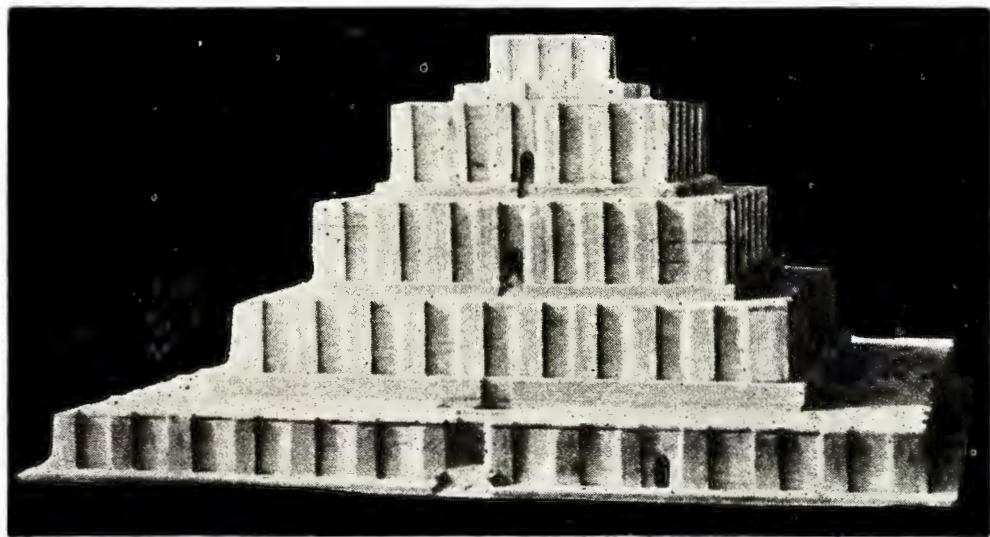
بصفحة ٦٥ مراجعة شود

مسجد سليمان



الف

قازنيل



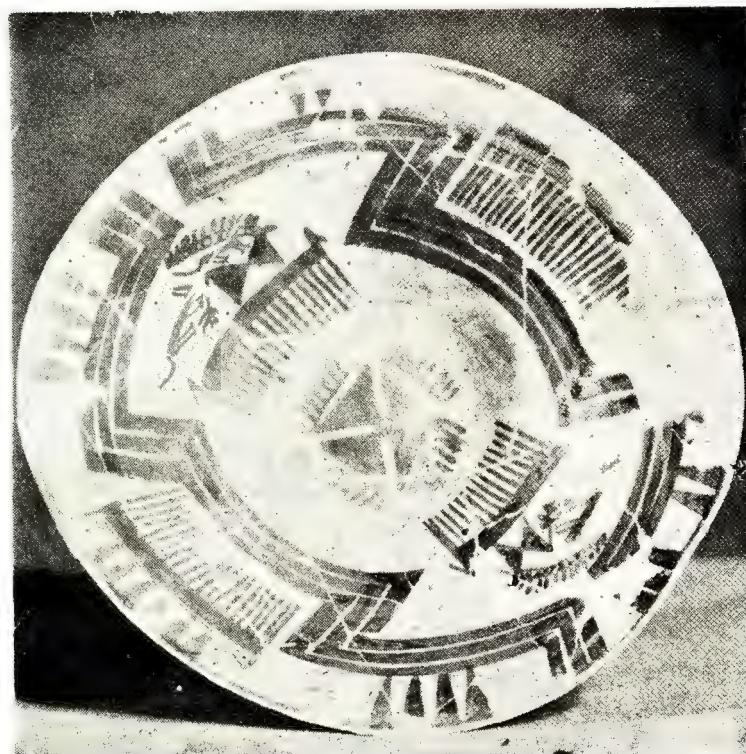
ب



ج

بصفحة ٦٥ تنا ١٧ مراجعة شود

شوش



الف



ب

به صفحة ٤٧٧ تا ٧٧٤ مراجعه شود

شوش



ب



الف



ج



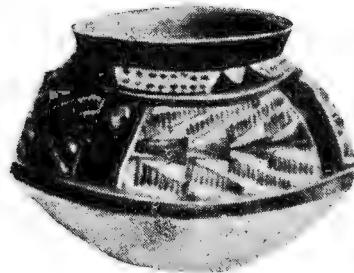
هـ



د



ز



و



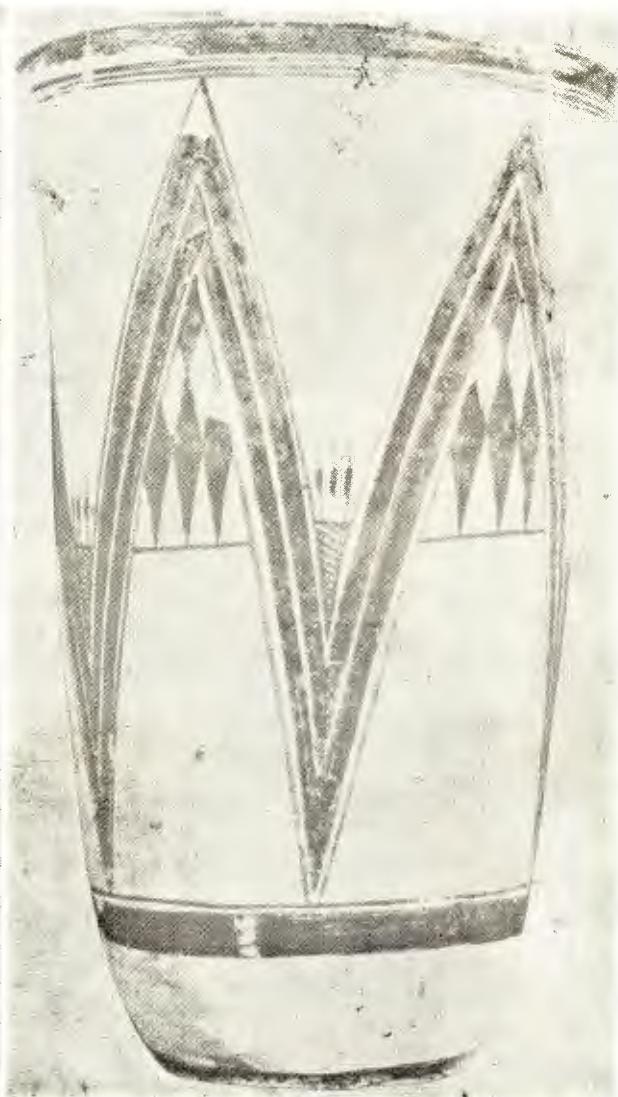
حـ

بصفحة ٤٧٧ تاتا مراجعه شود

شوش



ب



الف

لوحة ٩٩

شوش



بصيغة ٤٧٧٤ مراجعه شود

شوش



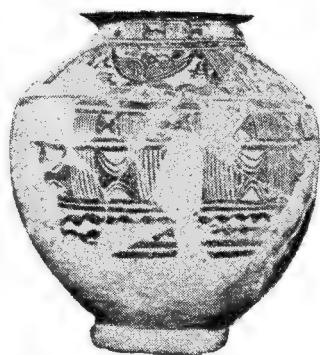
الف



ط



ي



ب



ج



ح



د



هـ



كـ



وـ



زـ

لوحة ١٠١

شوش



ب



الف



د



د



ج

صفحة ٨١ مراجعه شود

شوش



ب



الف



د

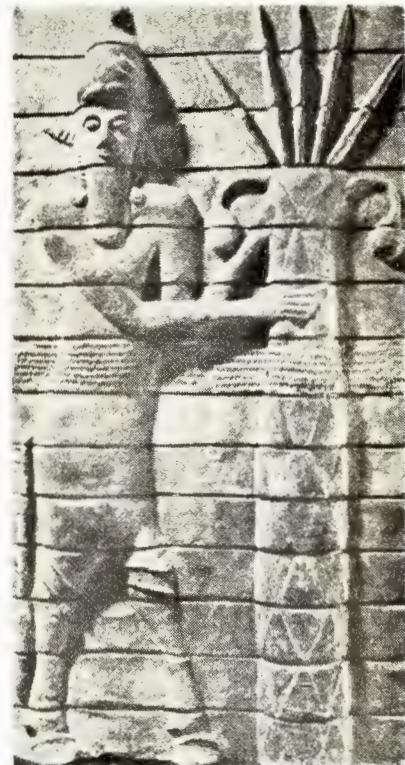


ج

بصفحة ٨١ مراجعه شود



ب



الف



ج

صفحة ٨١ مراجعة شود

شوش



الف

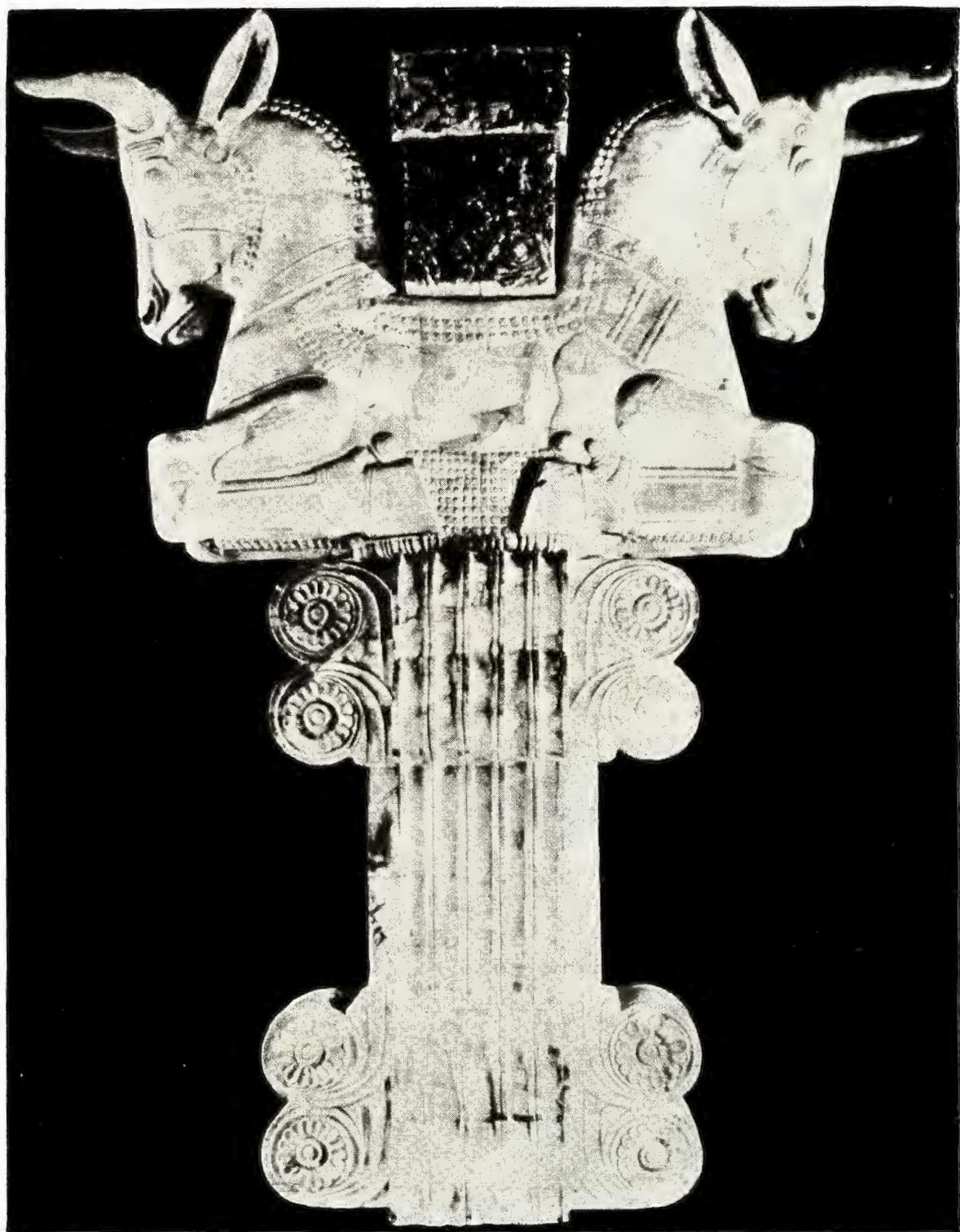


ب

صفحة ٨١ مراجعه شود

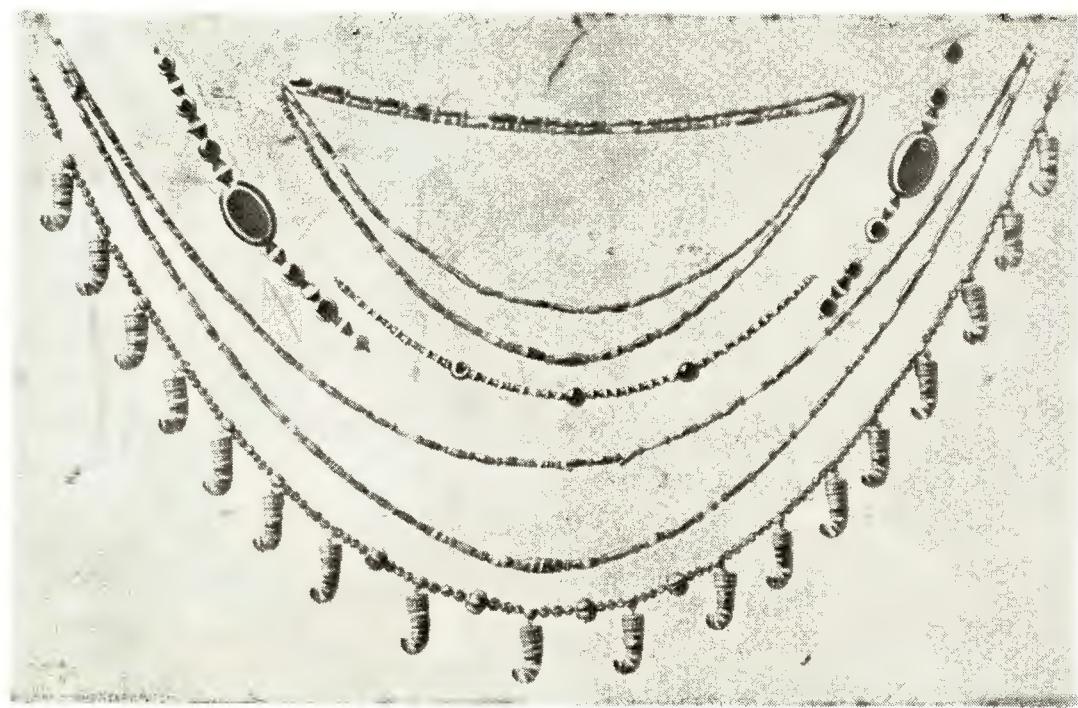
لوحة ١٠٥

شوش



بصفحة ٨٢ مراجعه شود

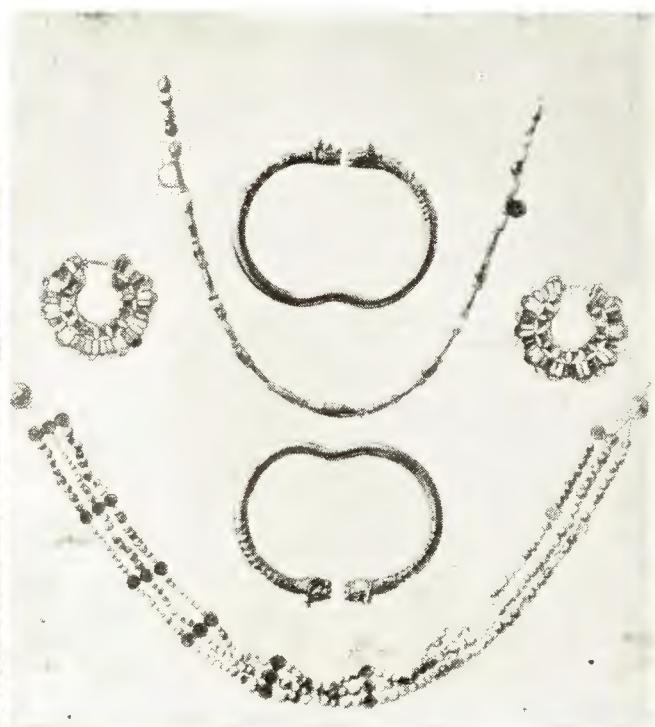
شوش



الف



ج



ب

بصفحة ٨٢ تاء٤ مراجعة شود

لوحة ١٠٧

شوش



ب

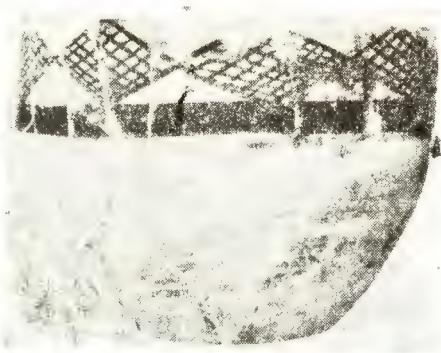


الف



ج

به صفحة ٨٤ تابع مراجعته شود



ب



الف



د



ج



و



تپه گیان



ب



الف



د



ج



و



هـ

تپه گیان



ب



الف



د



ج



و



ه

لوحة ١١١

تپه گیان

تپه علی آباد



ج



الف



ب



د



د

بصفحة ٩١ تا ٨٨ مراجعه شود

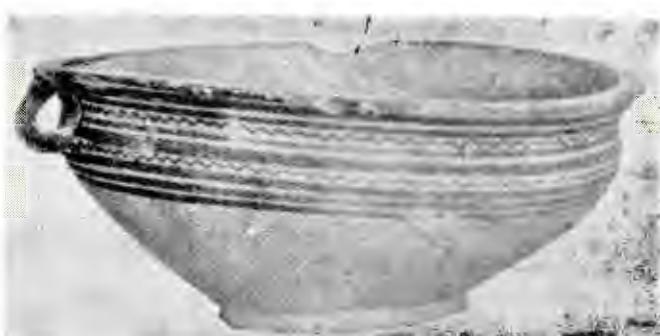
تپه گیان



ج



الف



ب



د



د



ب



الف



د



ج

تپه گیان



ب



الف



د



ج

تپه گیان



الف

تپه جمشیدی



ج



ب

نهاوند



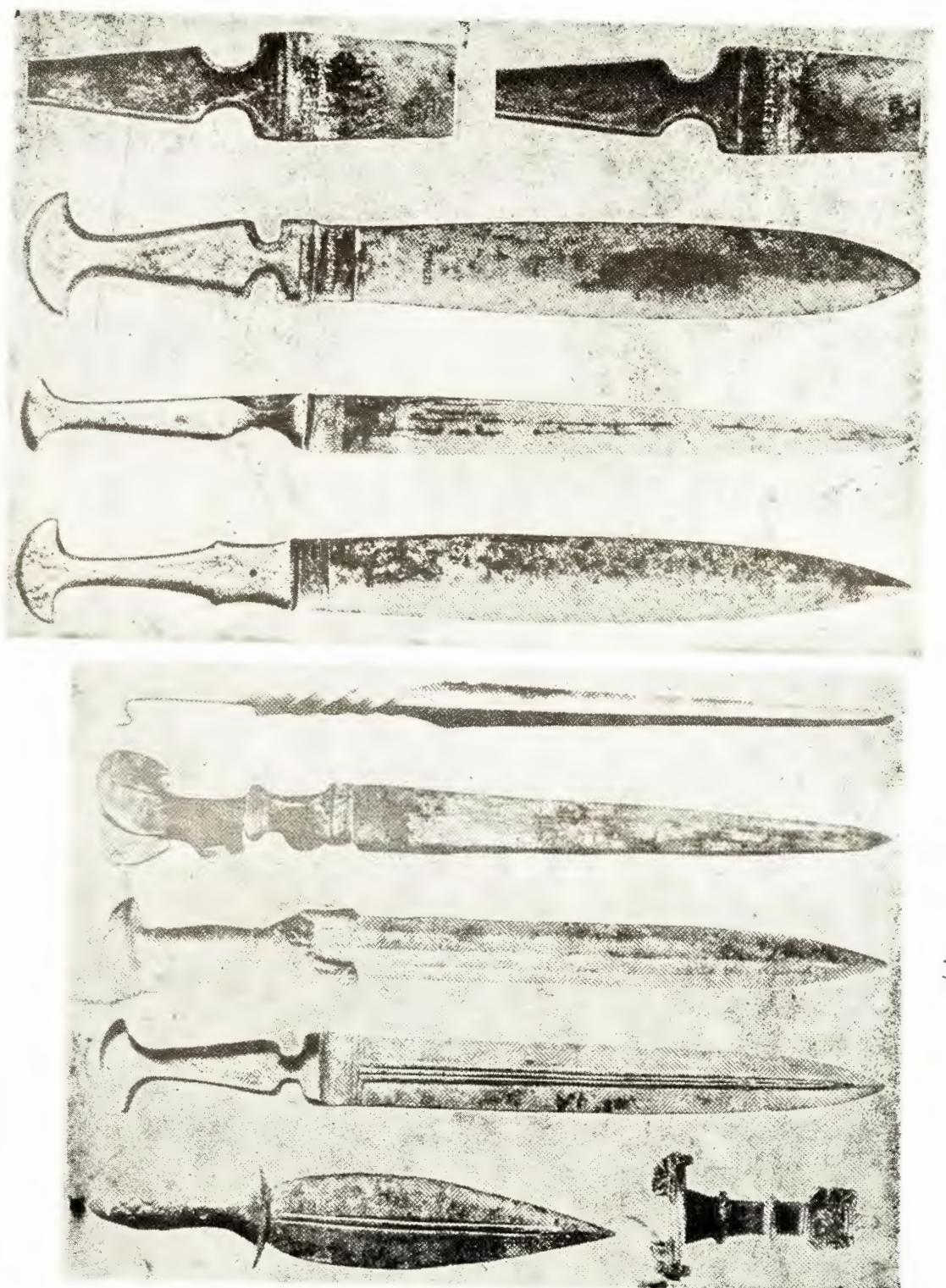
ب

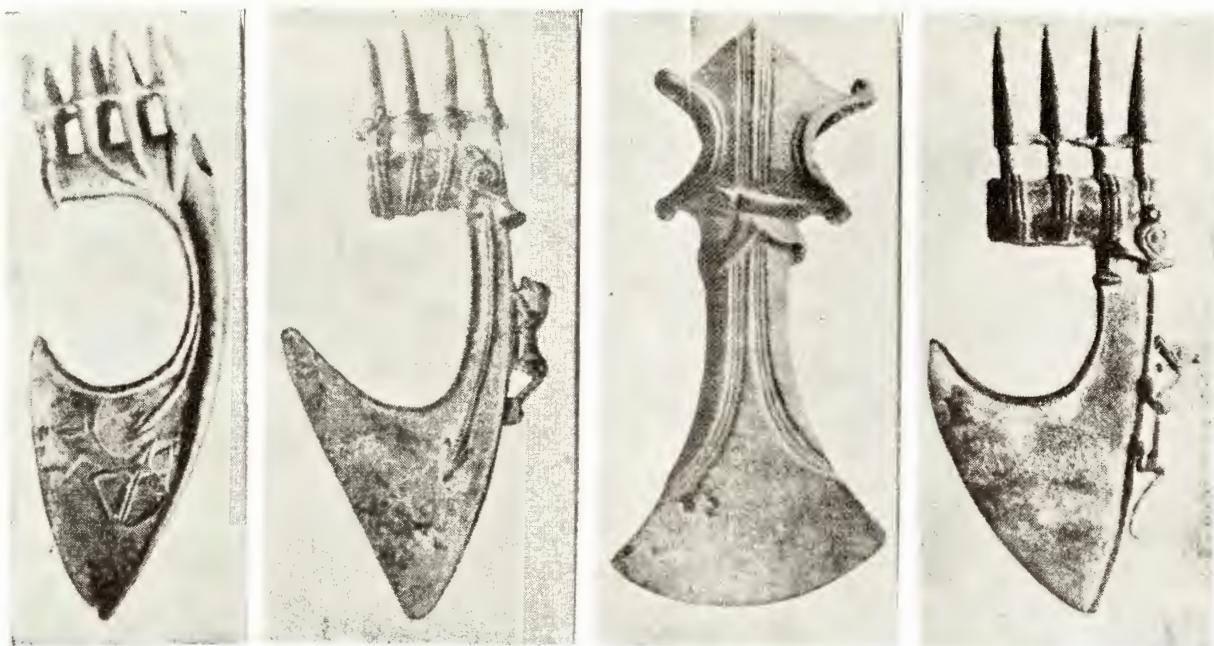


الف

بصفحة ٩١ مراجعة شود

برنزهای لرستان





الف



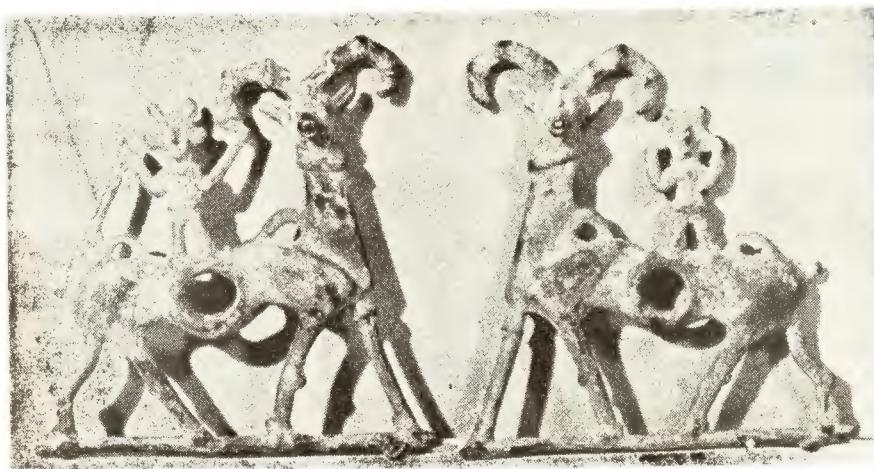
ج

ب

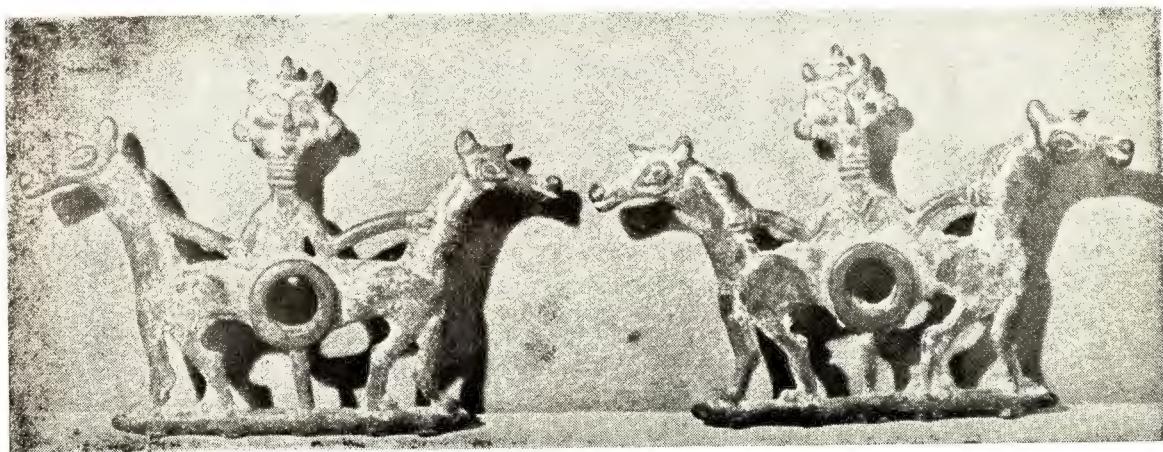
بصفحة ۹۳ مراجعه شود



الف



ب

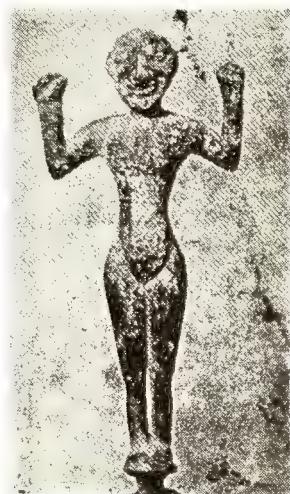


ج

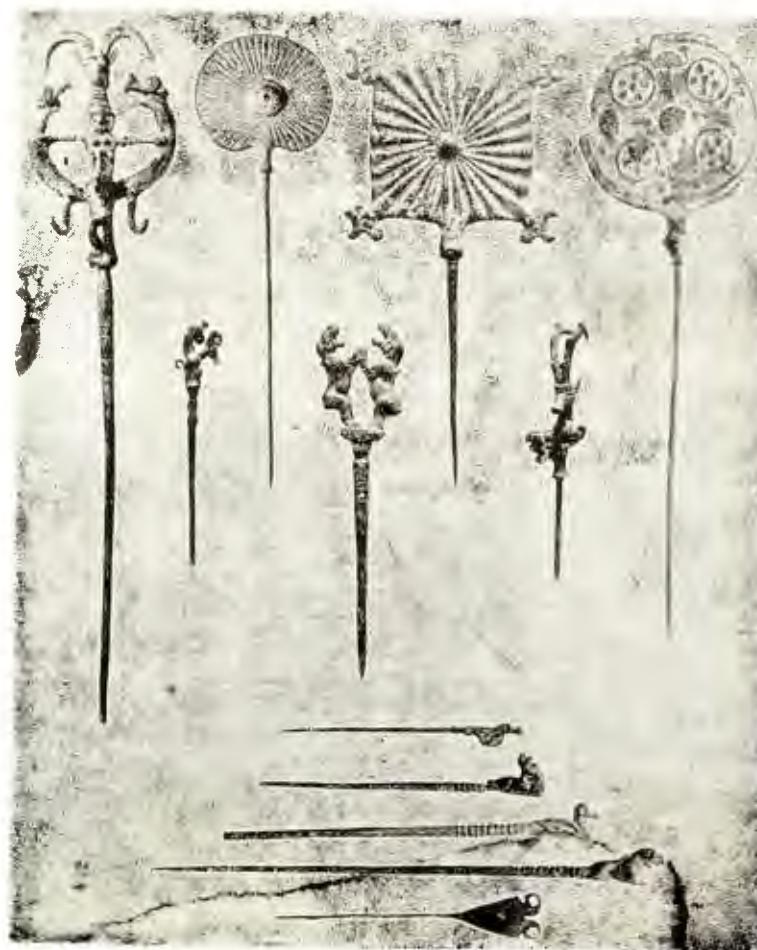
برنزهای لرستان



ب



الف



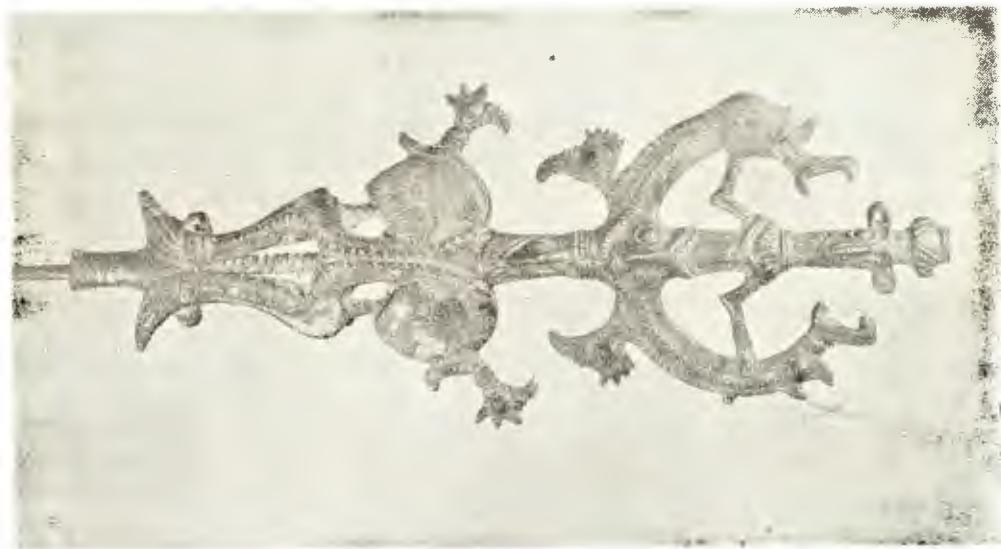
ج

به صفحه ۹۳ مراجعه شود

برنزهای لرستان



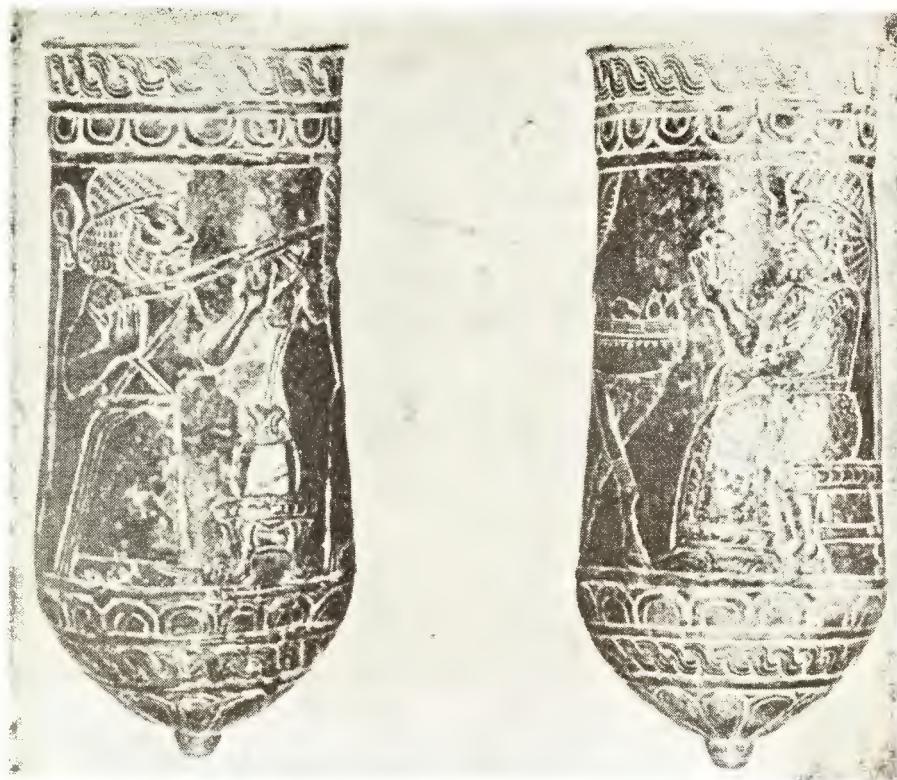
الف



ب

صفحة ۹۳ مراجعه شود

برنزهای لرستان



الف



ب

صفحة ۹۱ تا ۹۳ مراجعه شود

لرستان



سرخ دم

ب



الف

كم طران

چغاسبز



د



د



ج

سرخ دم



ز



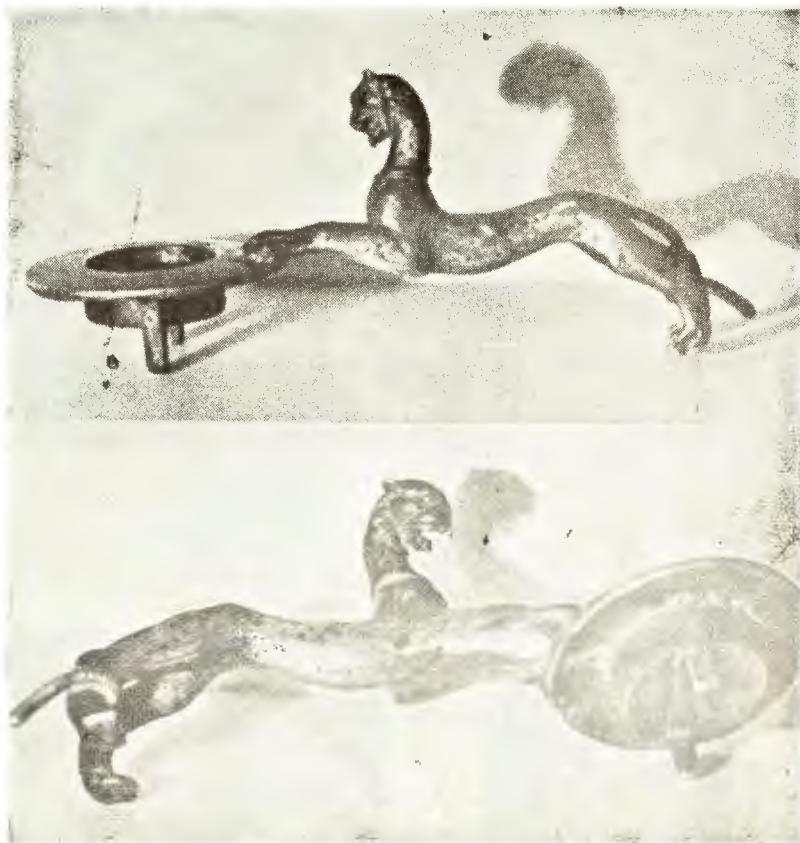
و



ح

پشتکوه

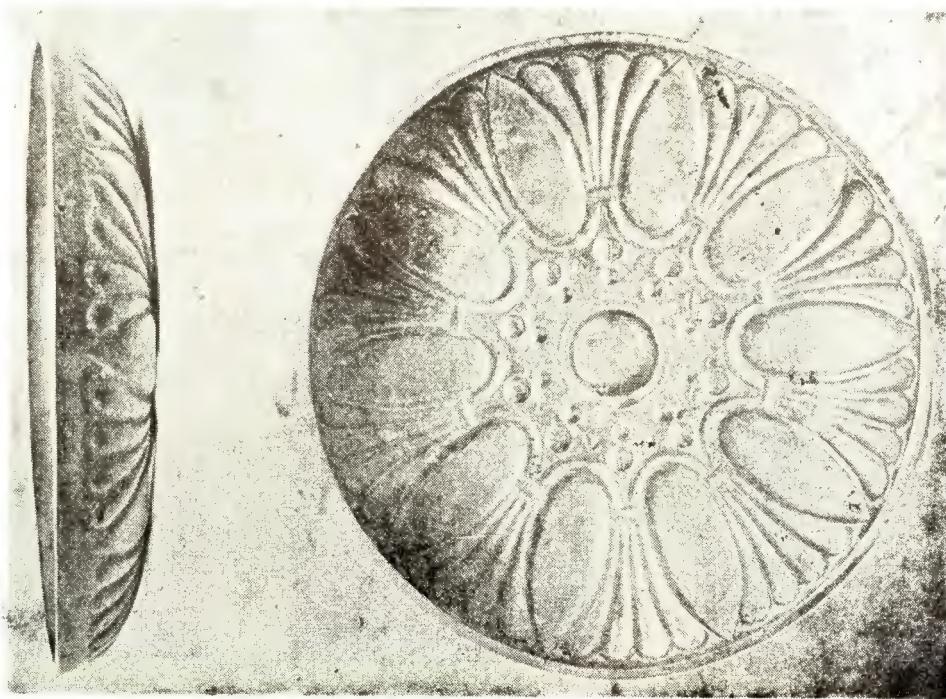
بروجرد



ب

الف

دماویزه

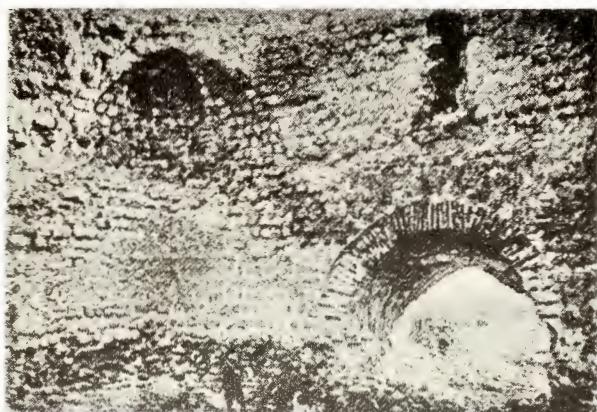


ج

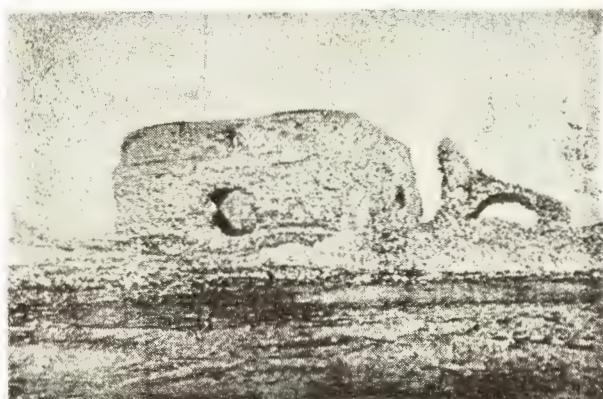
صفحة ١٠٣٩٨ مراجعة شود

لوحة ١٢٥

قصرشيرين



ب



الف

سرپل



د



ج

دكان داود



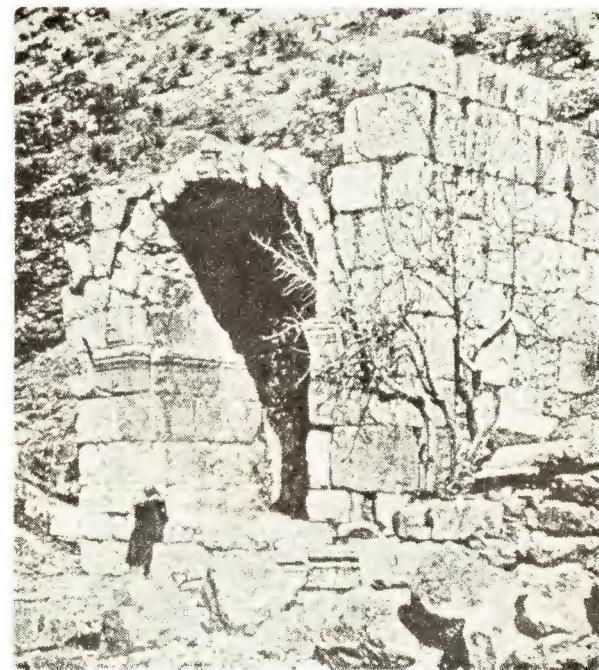
ه



ظاق گر آ

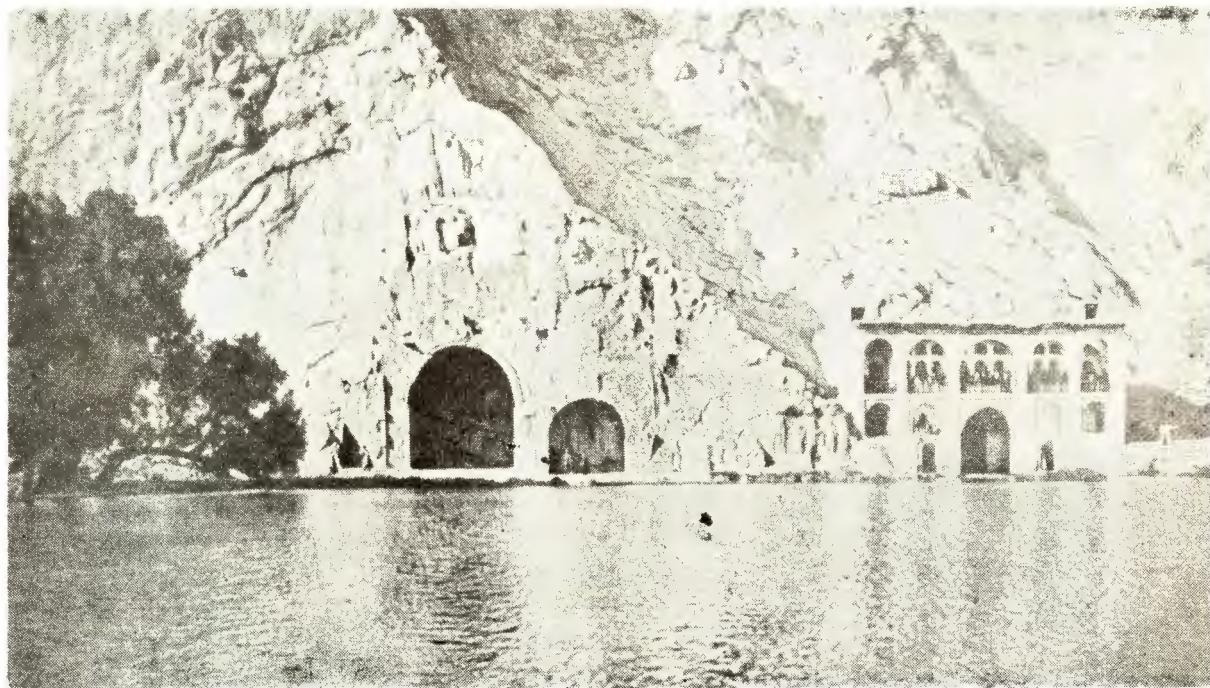


ب



الف

ظاق بستان



لوحة ١٢٧

طاق بستان



الف



ب

بصفحة ١٠٤ مراجعه شود

طاق بستان



ب



الف

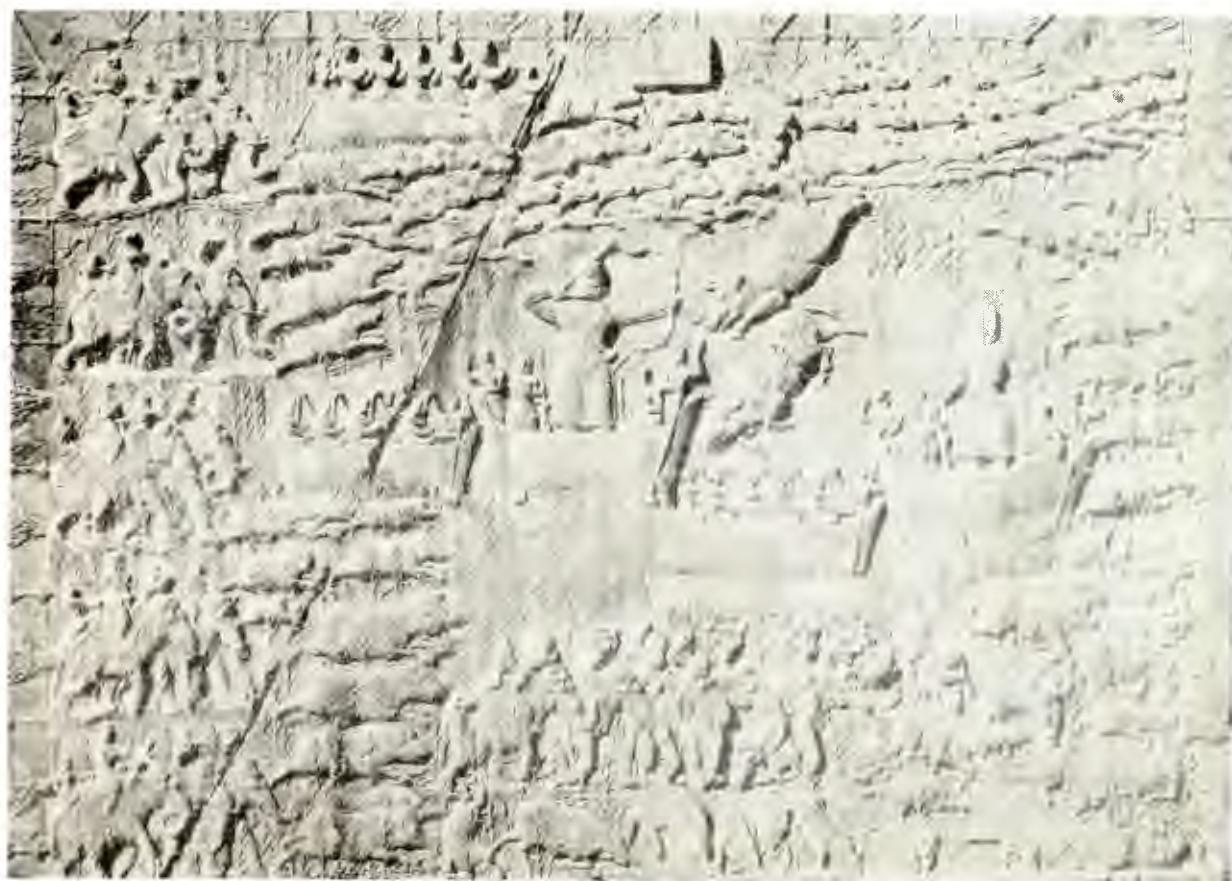


ج

طاق بستان



الف



ب

طاق بستان



بصفحة ١٠٤ مراجعه شود

لوحة ١٣١

طاق بستان



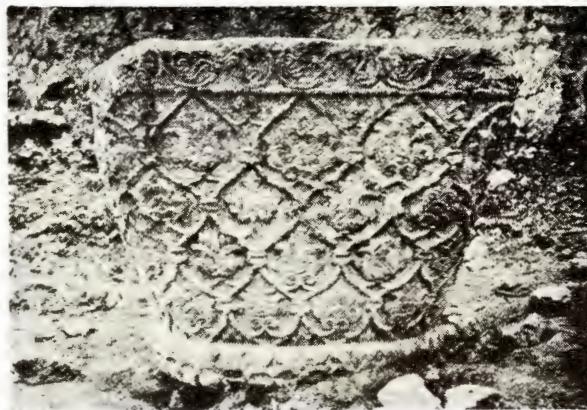
الف



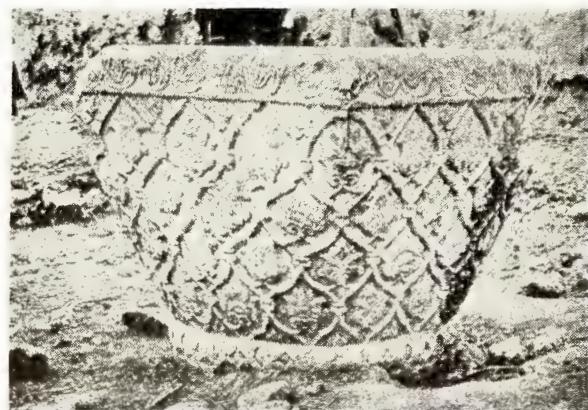
ب

صفحة ١٠٤ مراجعه شود

قلعة كهنه

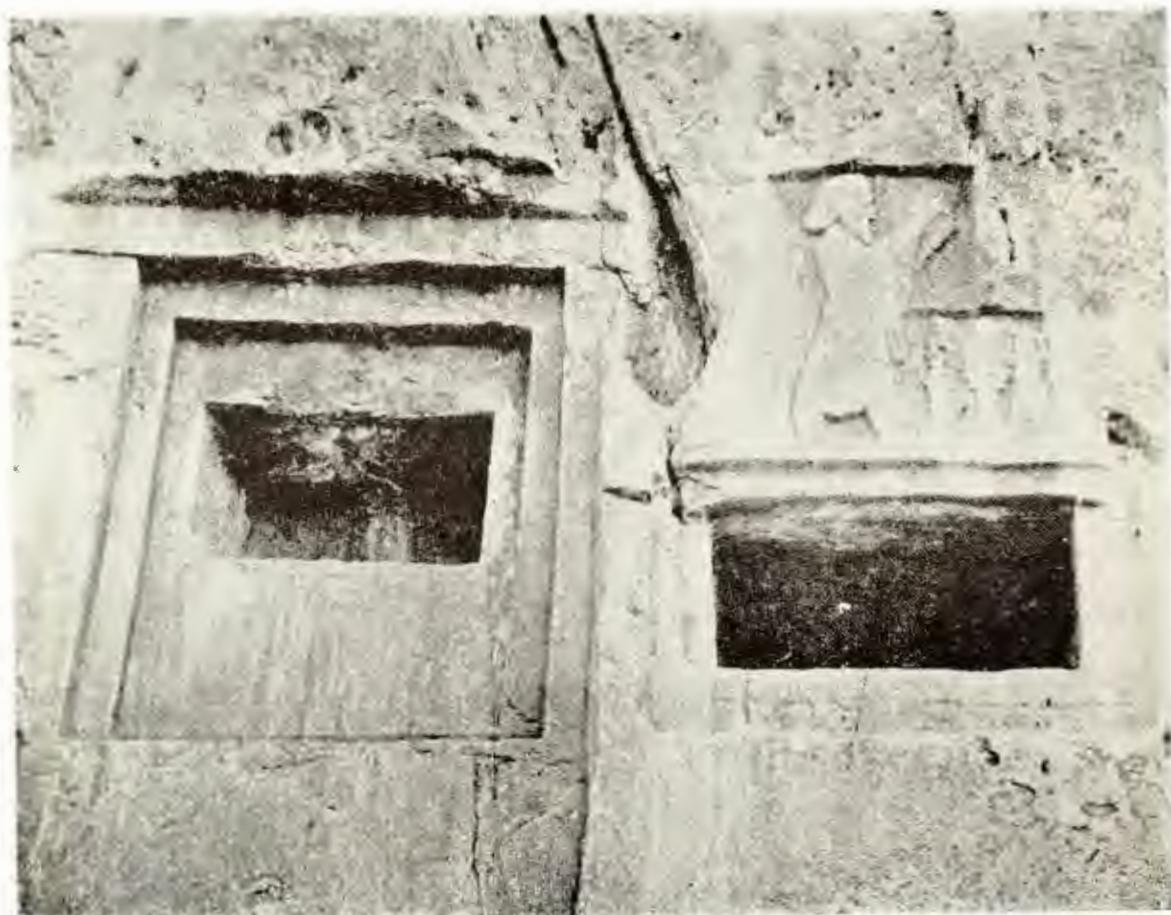


ب

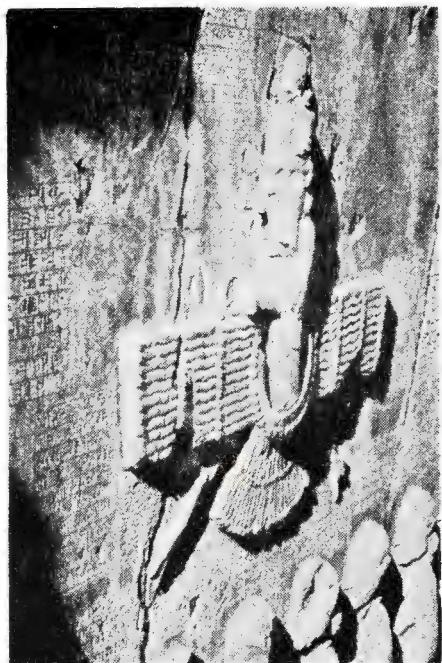


الف

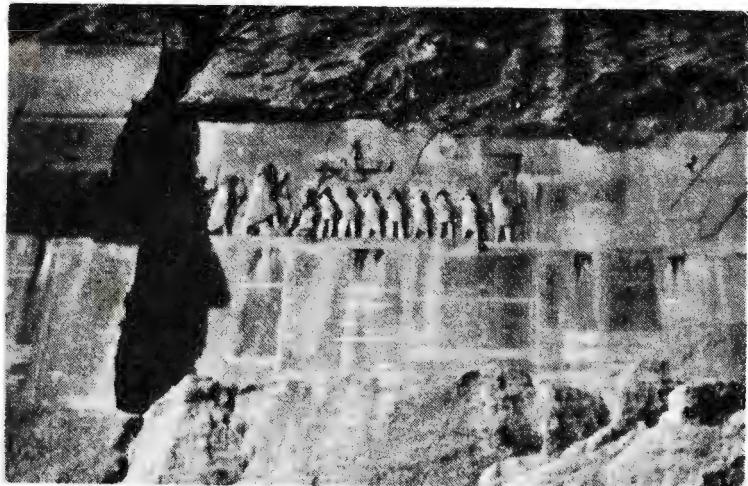
سکاوند



ج



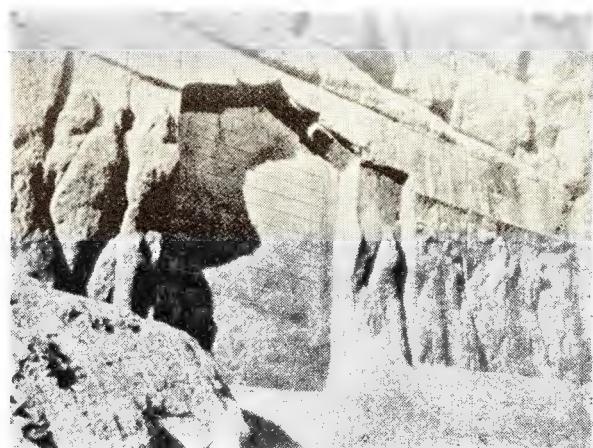
بـ



الف



د



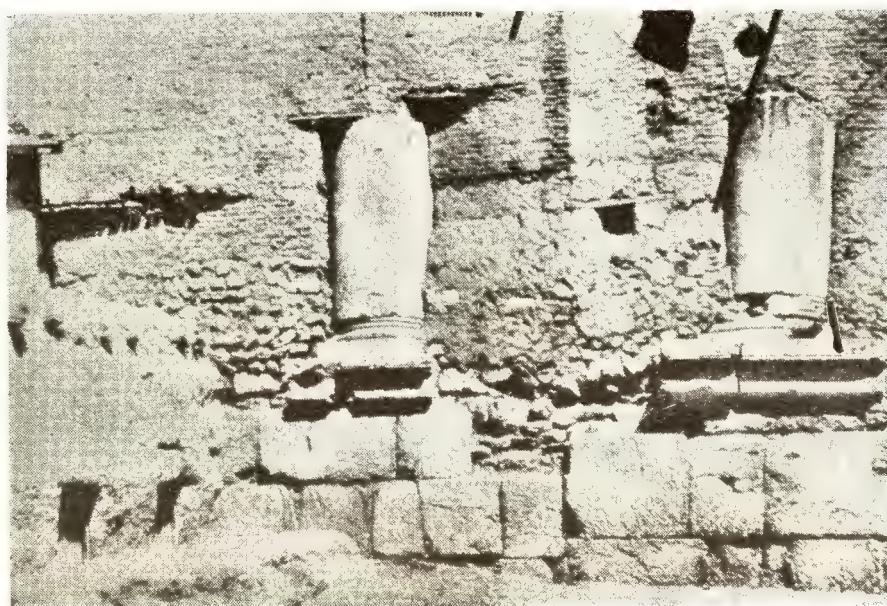
جـ

صحيحة



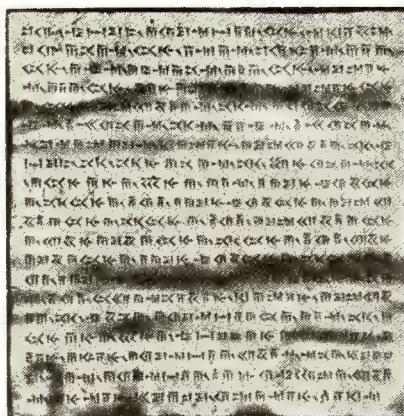
الف

كنگاور



ب

بصفحة ١٠٧ و ١٠٨ مراجعه شود



ب



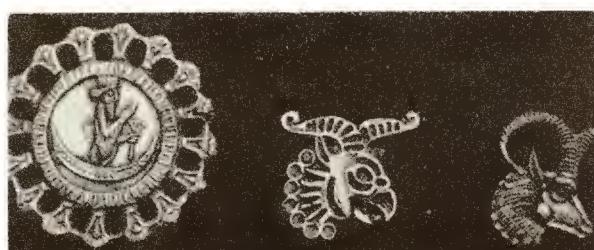
الف



د



ج



هـ

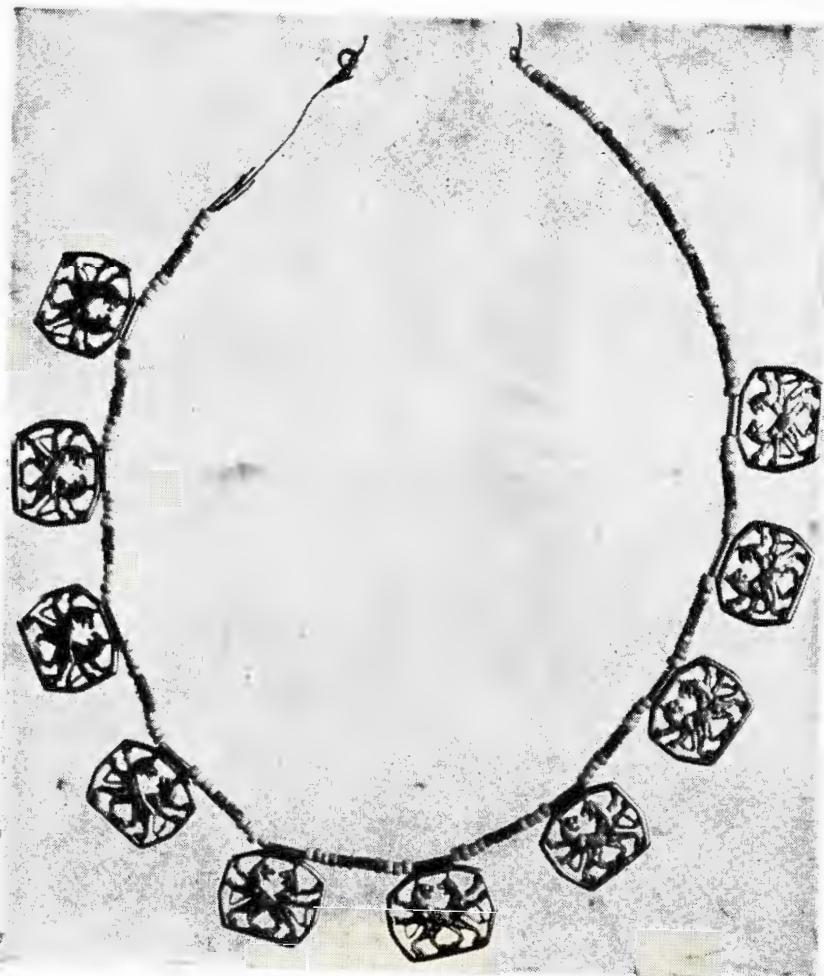


ز

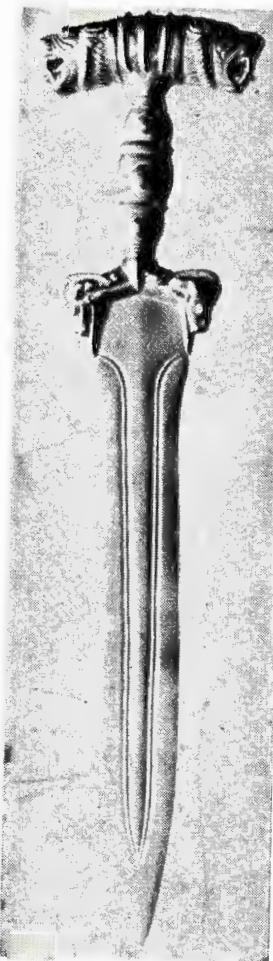


أـ

به صفحه ١٠٤ مراجعه شود



ب



الف



د



ج

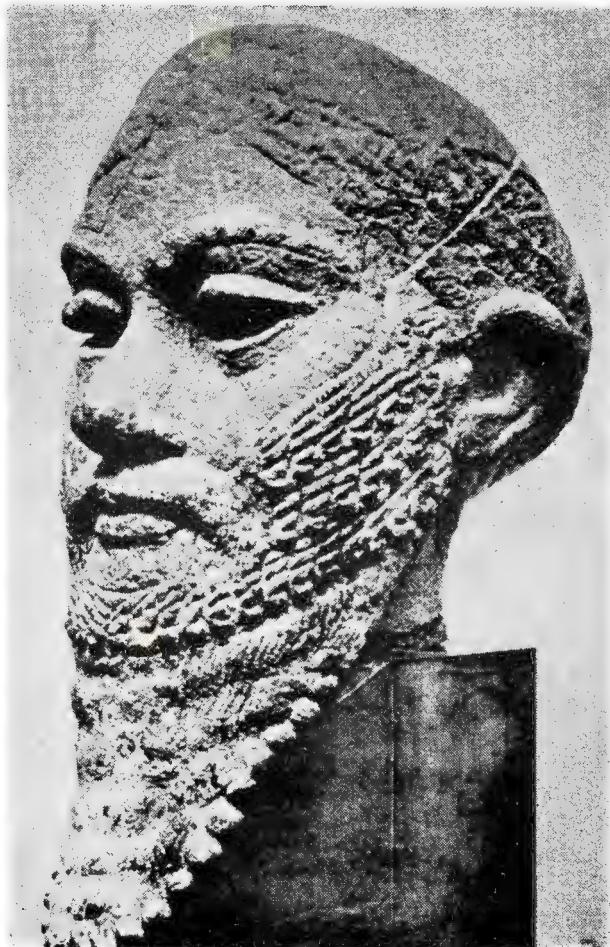
صفحة ٩٠ مراجعة شود

لوحة ١٣٧

همدان



ب



الف

دنياور



د



ج

صفحة ١١٠ مراجعة شود

الوند (گنجانامه)



الف

پیراوند



ج



ب

لوحة ١٣٩

زيوية



الف



ج



ب

صفحة ١١٢ مراجعه شود

زيوية



ب



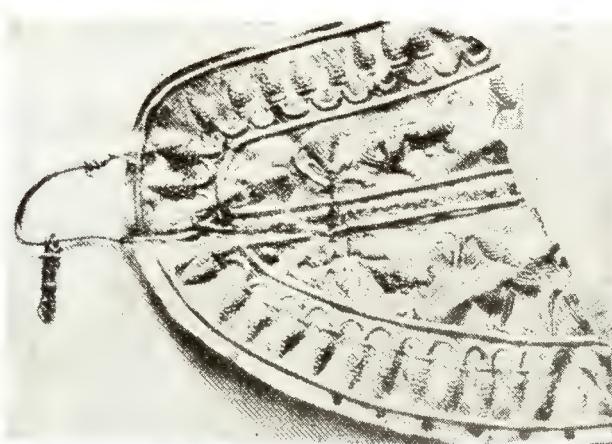
الف



د



ج



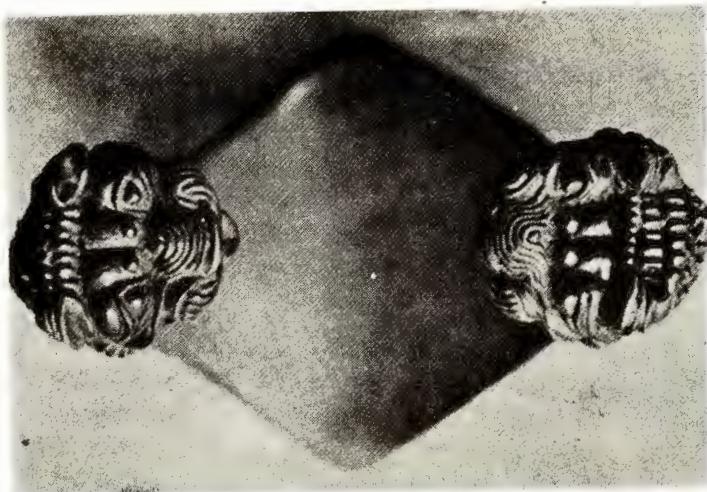
هـ



ـ

لوحة ١٤١

زيوجه



ب



الف



ج



.٦

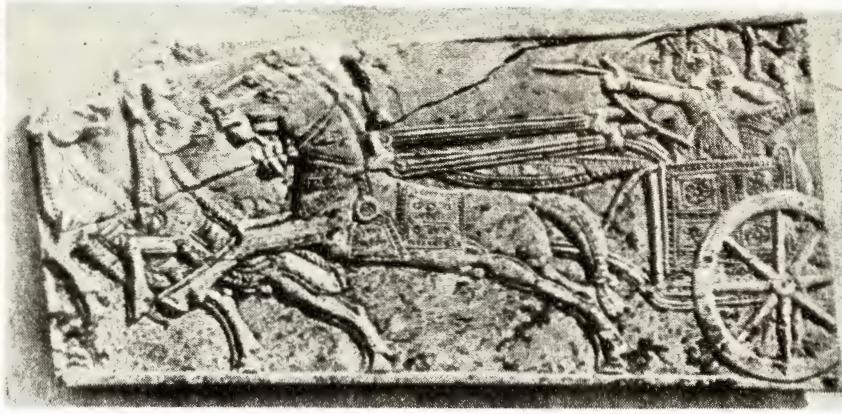


.٦

زيوية



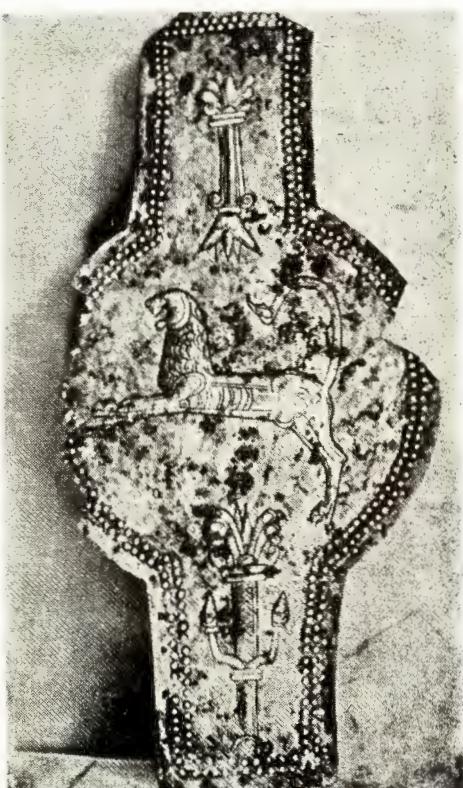
ج



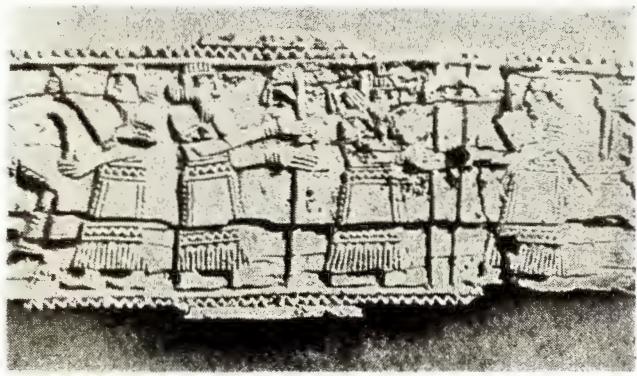
ب



د

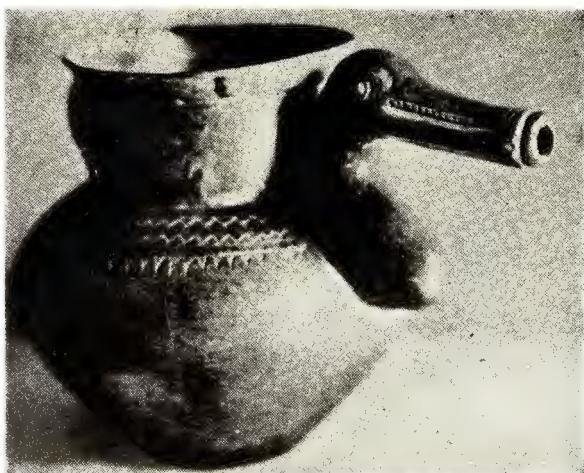


و



أ

سقز



ب

زيوية



الف

سقز



د



ج

سقز



الف

حسنلو



د



ب

حسنلو



الف



ج



د



ه

حسنلو



ب



الف



د



ج



هـ



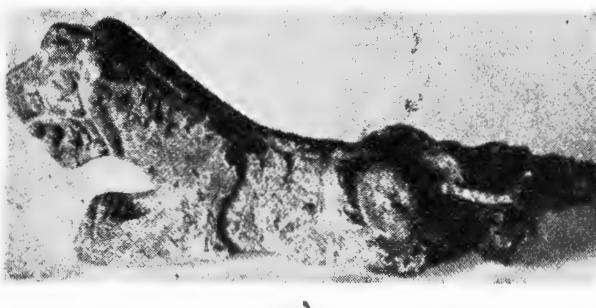
دـ



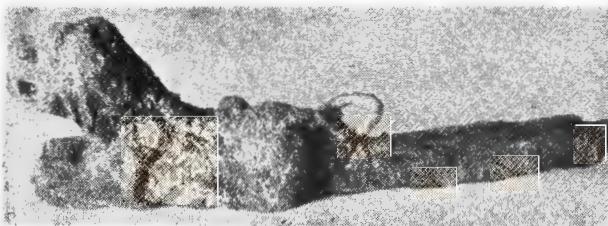
ب



الف



د



هـ



ج



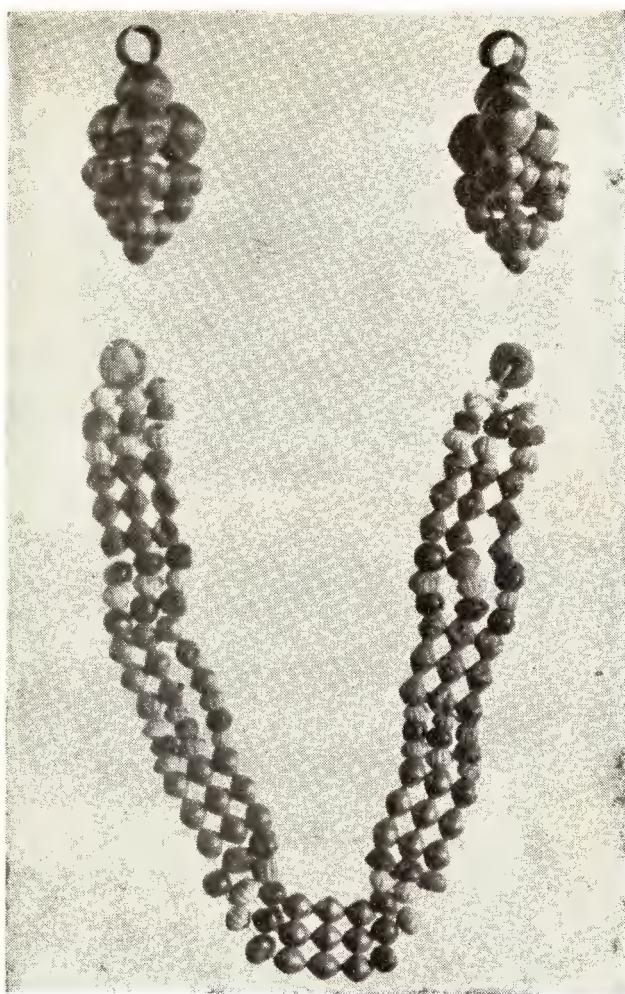
و



ب



ج



الف



د



د

لوحة ١٤٩

گوی تپه



الف

تخت سلیمان



ب

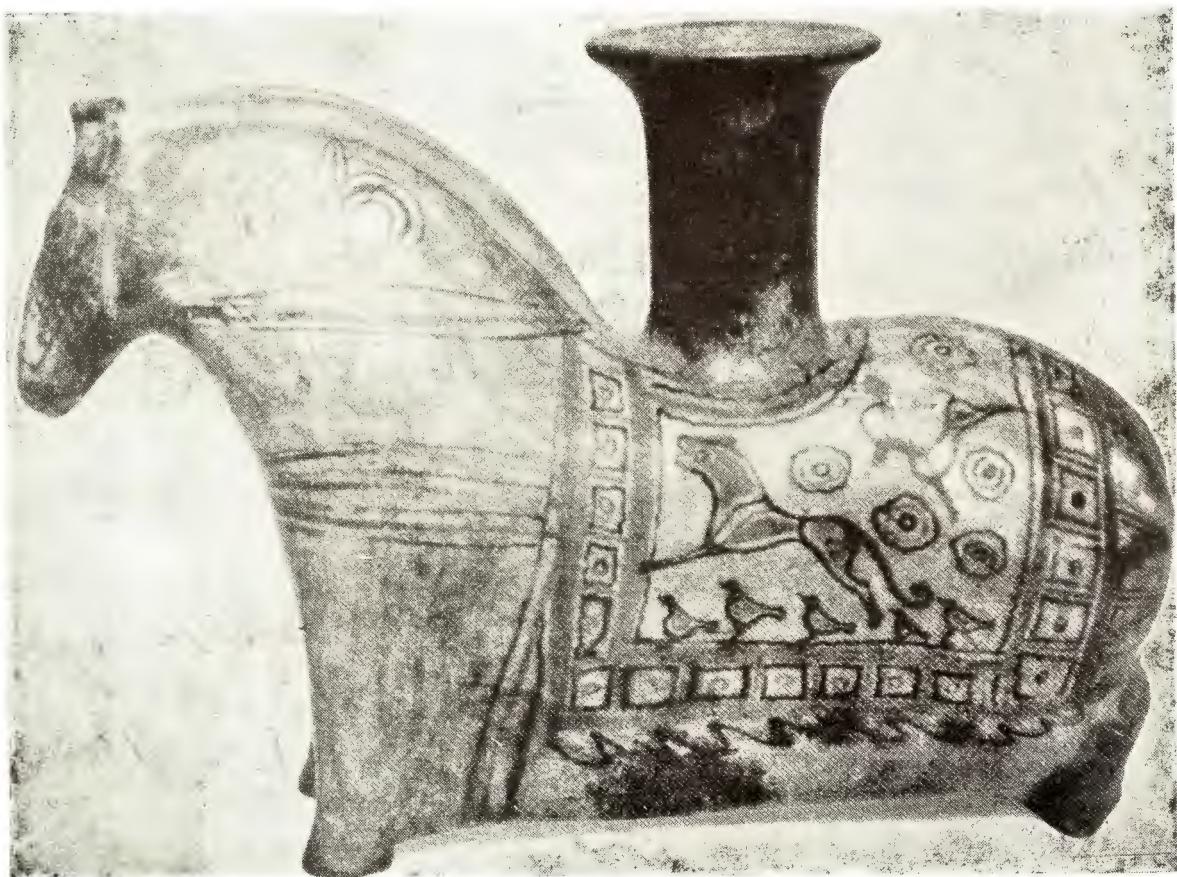
صفحة ١١٥ تا ١١٧ مراجعه شود

سلماس (شاھپور)



الف

ماکو



ب

بصفحة ١٢٠ مراجعه شود

آذربایجان غربی



الف



ب

طالش



ب



الف

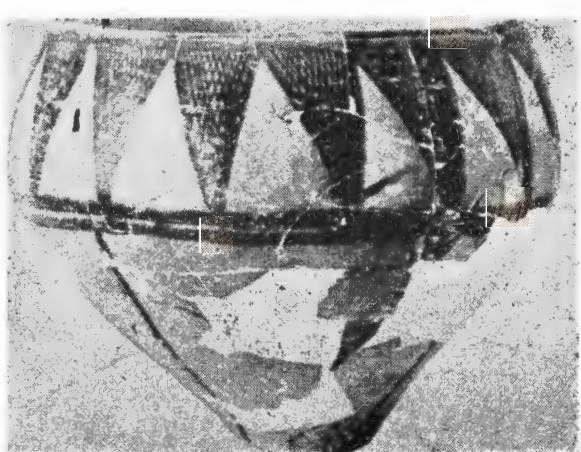


ج

چشمہ علی تپه



د



د

صفحة ١٢٩١٢١ مراجعه شود

خوروبين



ب



الف



ج



د



هـ

خوروبين



ب



الف



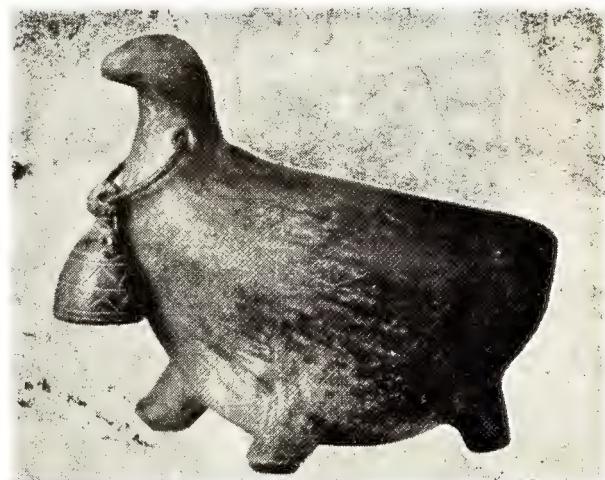
د



ـ



و



ـ

لوحة ١٥٥

خوروين



ب



الف



ج



هـ



د

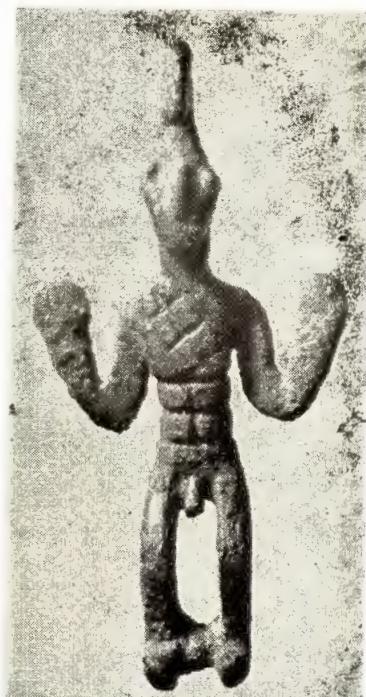
خوروين



الف



ج



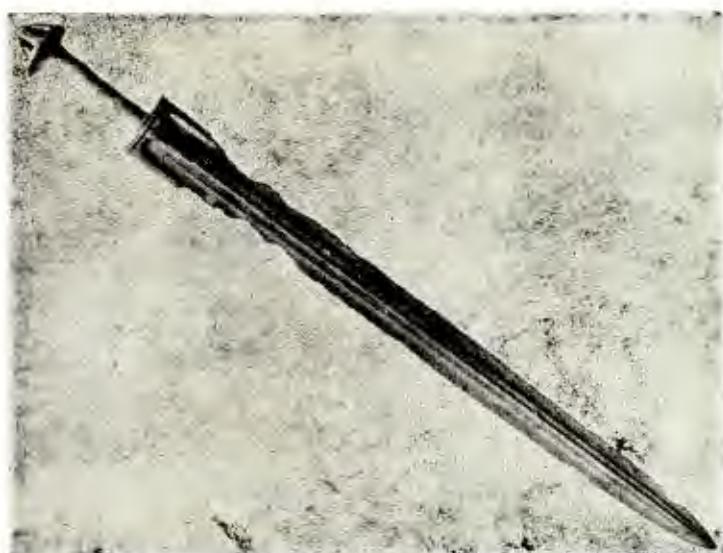
ب

لوحة ١٥٧



ب

خوروبين



الف



د



ج

بصفحة ١٢٤ و ١٢٣ مراجعه شود

پشندر



الف

شندر



د



ج



د



هـ



ح



ز



ب

كله دشت



الف

مسره



د

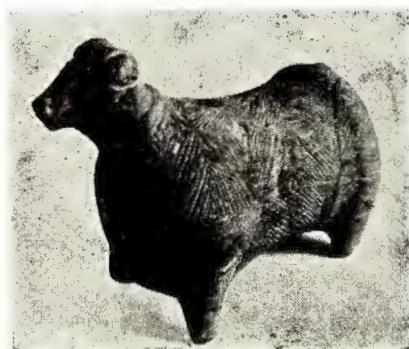
كله دشت



ج



و



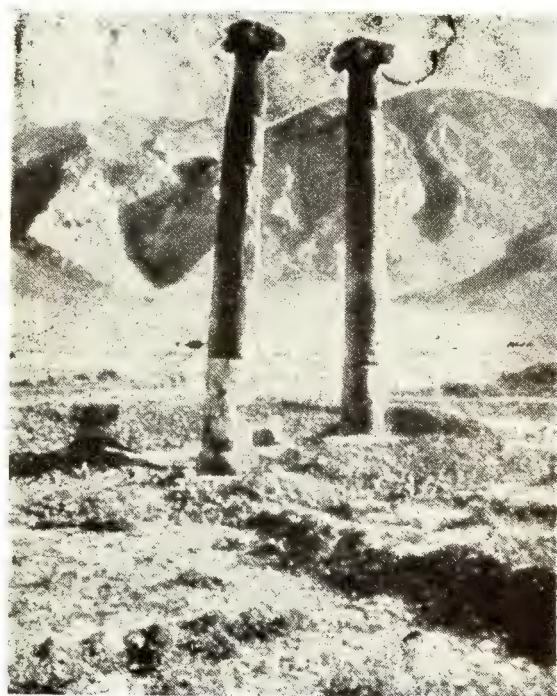
هـ

نياسر



الف

خور ٤٥



ج

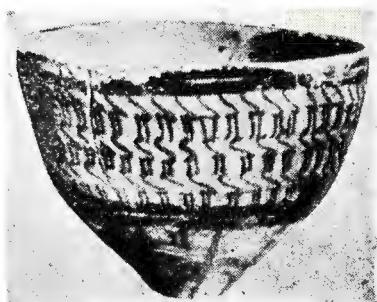
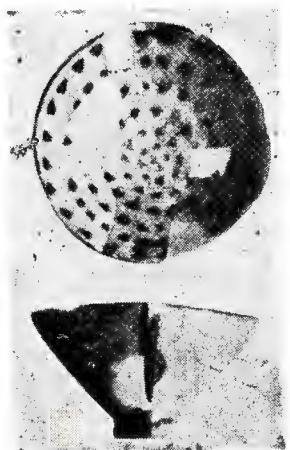
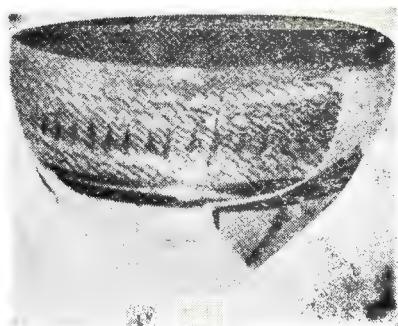
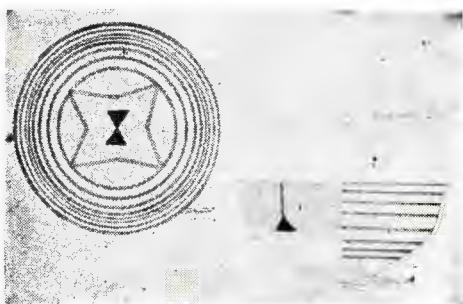
نياسر



ب

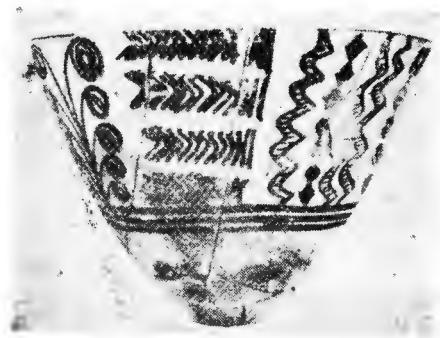
بصفحة ١٢٤ مراجعة شود

تبه سيلك

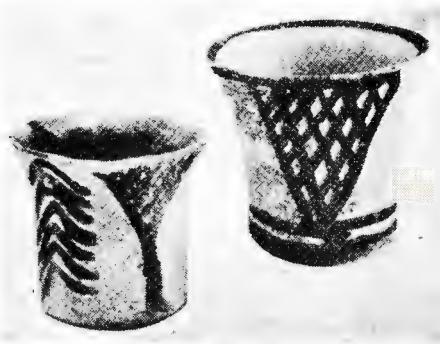


بصفحة ١٢٦ تا ١٢٧ مراجعه شود

تبه سيلك



ب



الف



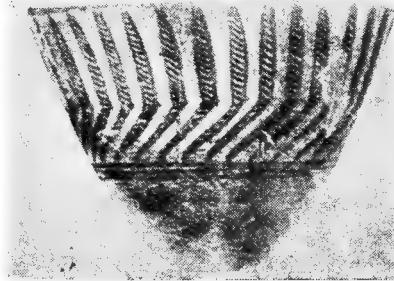
د



ج



و

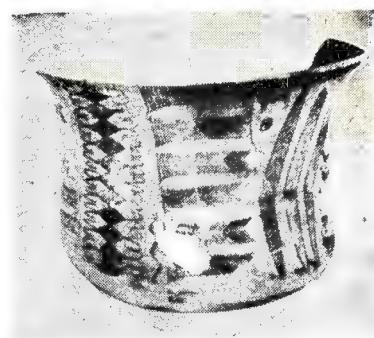


هـ

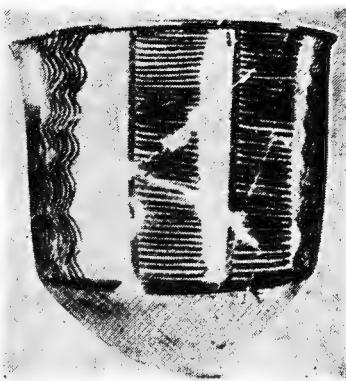
تبه سيلك



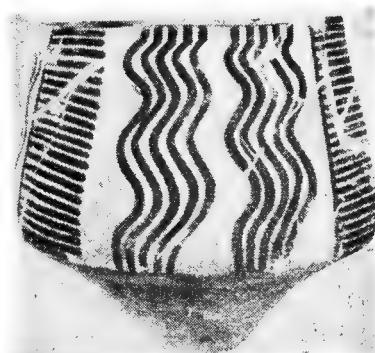
ب



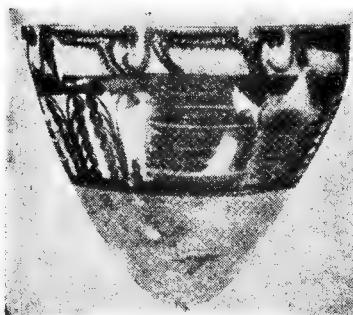
الف



د



ج



د

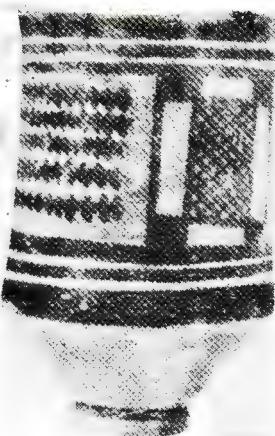


د

تبه سيلك



ب



الف



د



ج



و



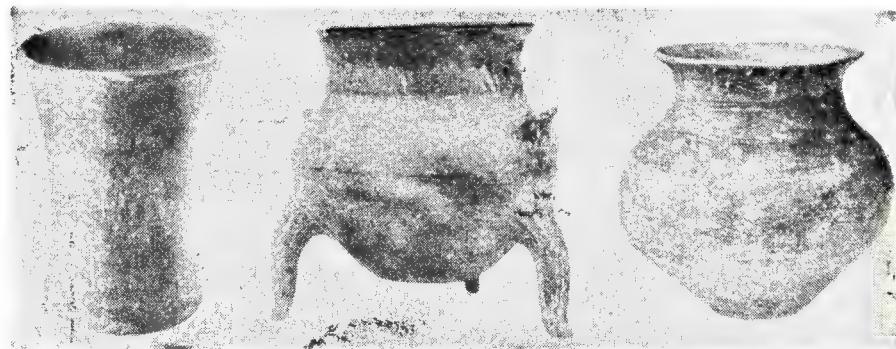
هـ

لوحة ١٦٥

تپه سیلک



الف



ب

بصيغة ١٣٤ مراجعة شود

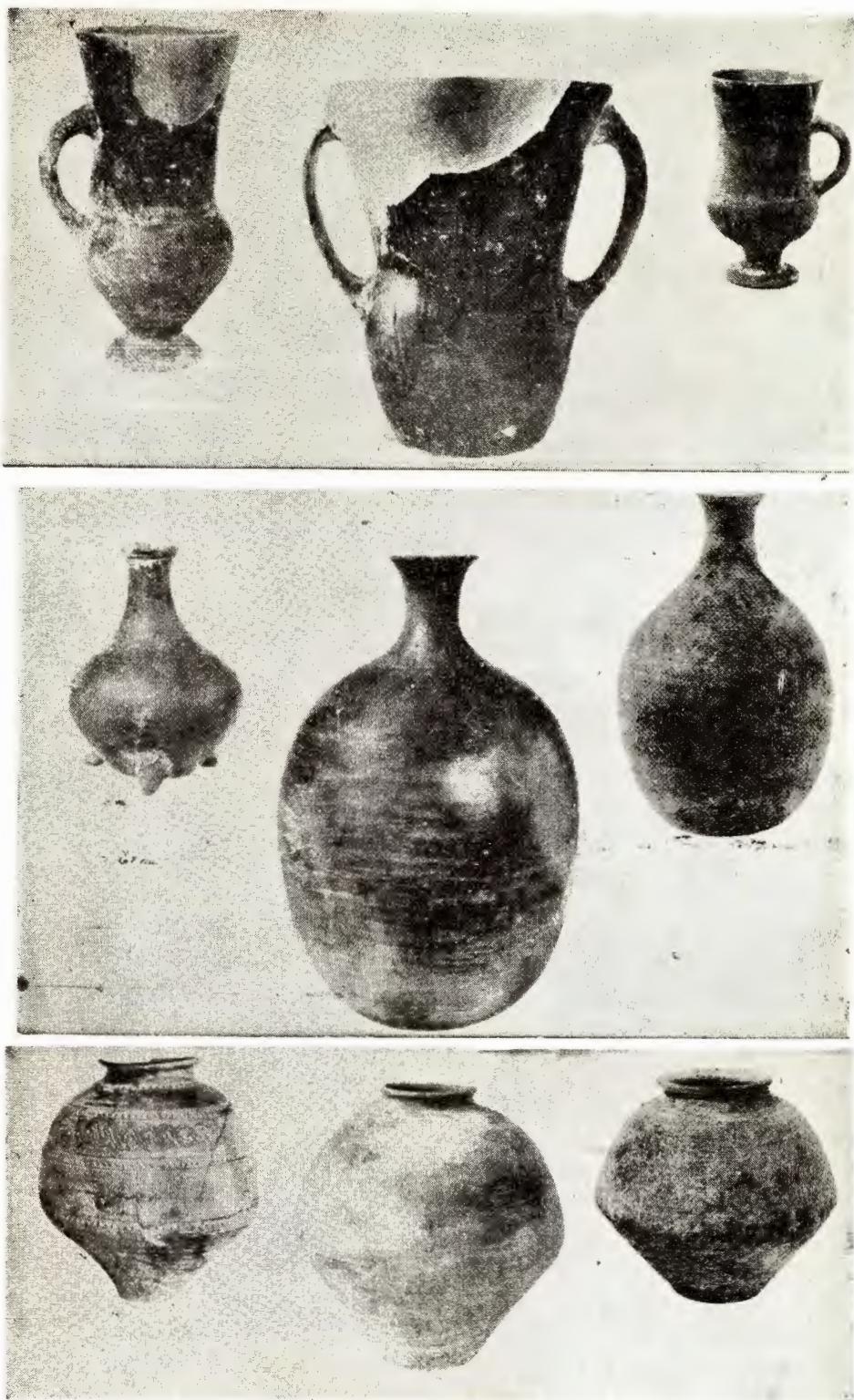
تپه سیاک



صفحة ١٣٤ مراجعه شود

لوحة ١٦٧

تپه سیلک



صفحة ١٣٤ مراجعة شود

تبه سيلك



الف



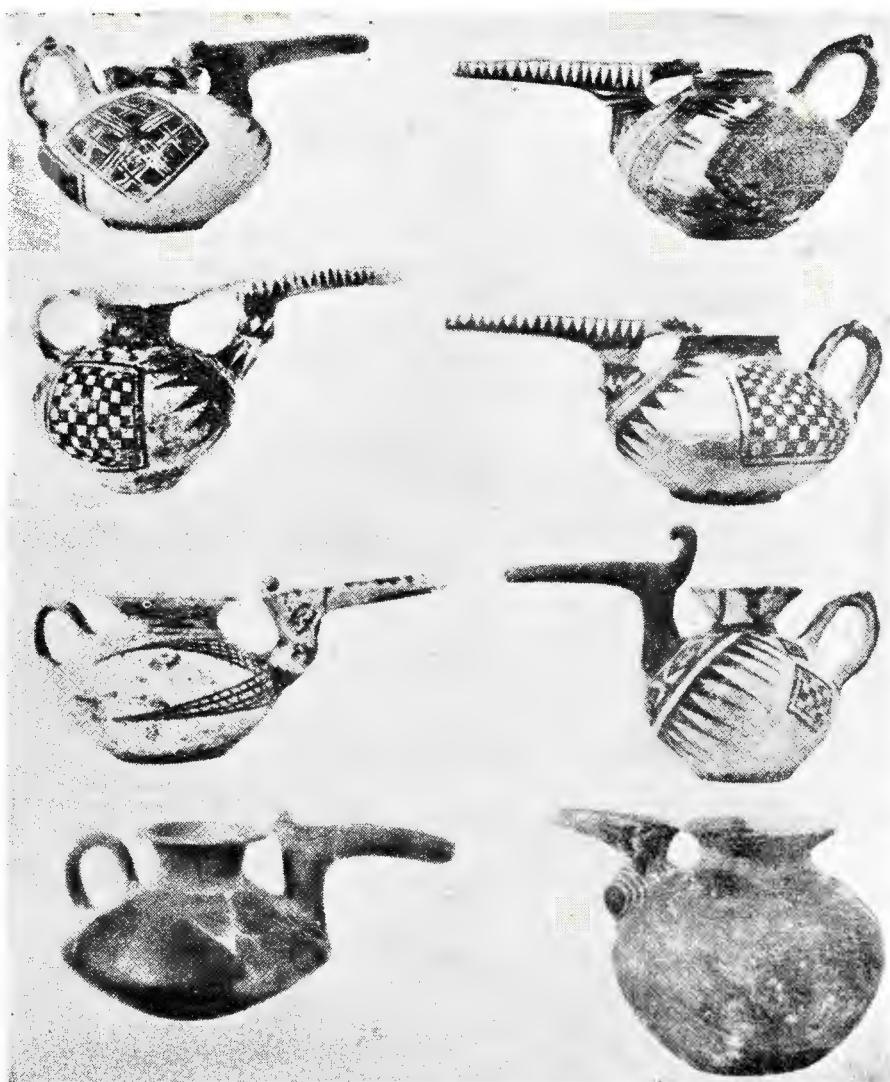
ب



ج

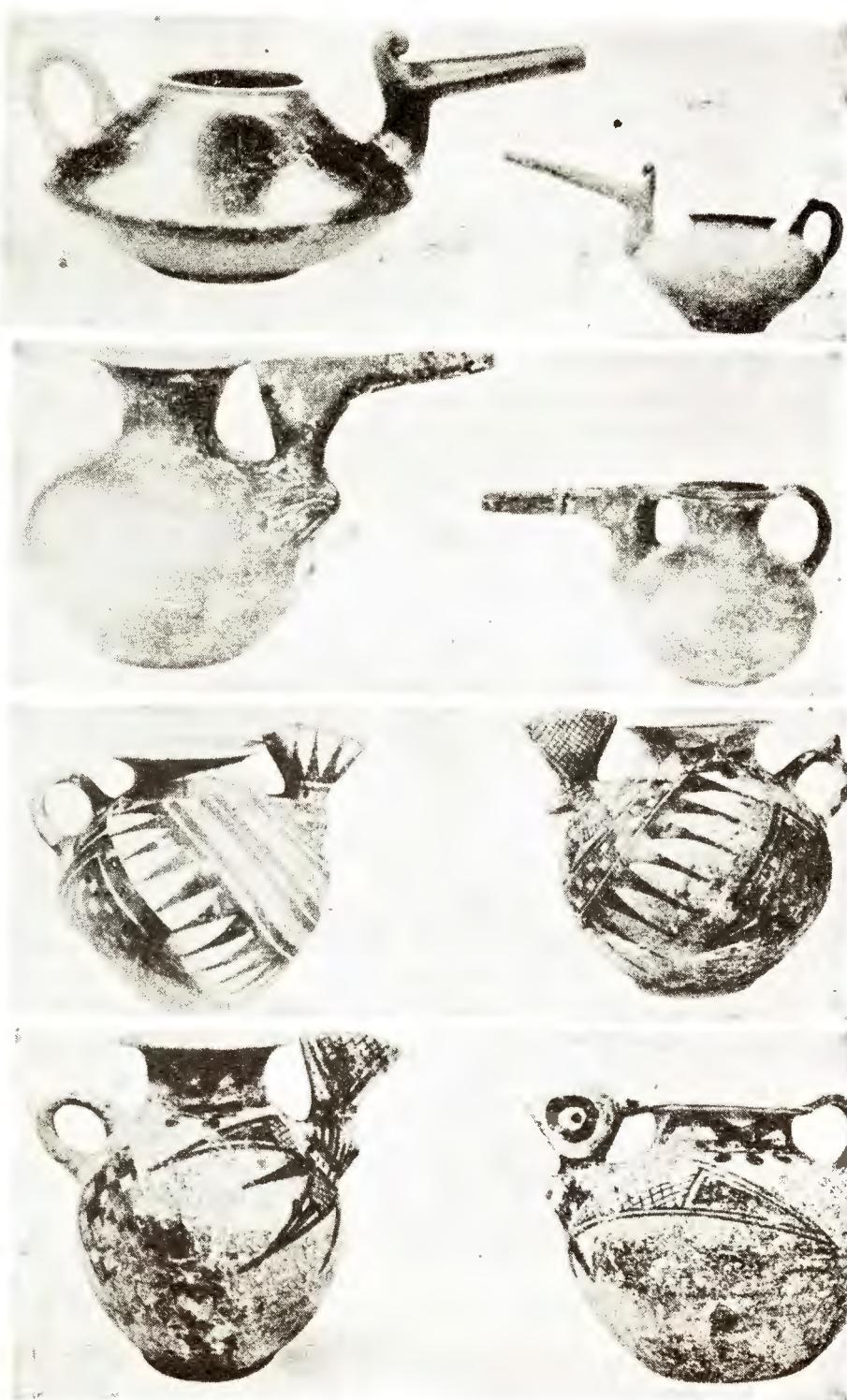
لوحة ١٦٩

تپه سیلک



بصفحة ٣٤ مراجعه شود

تپه سیلک



صفحة ١٣٤ مراجعه شود

لوحة ١٧١

تبه سيلك

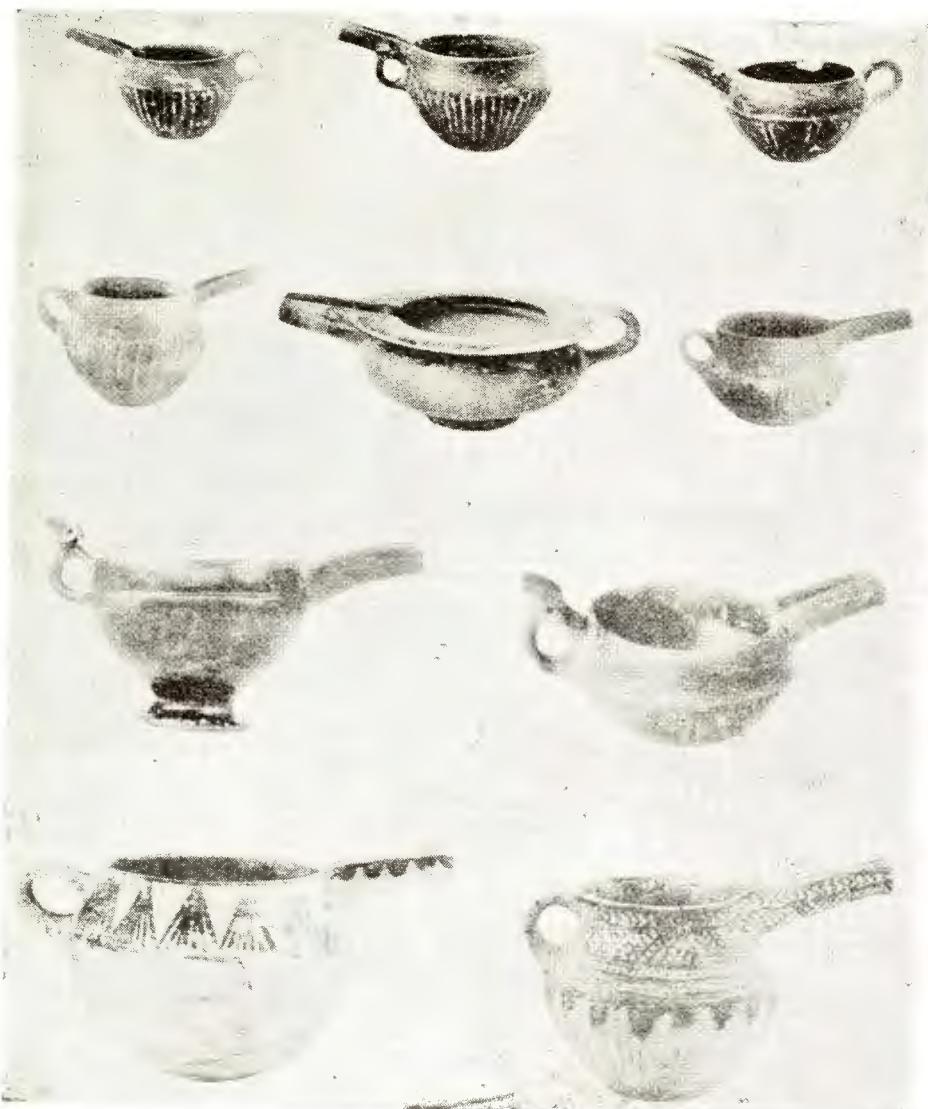


الف



بصفحة ١٣٤ مراجعه شود

تبه سيلك



الف

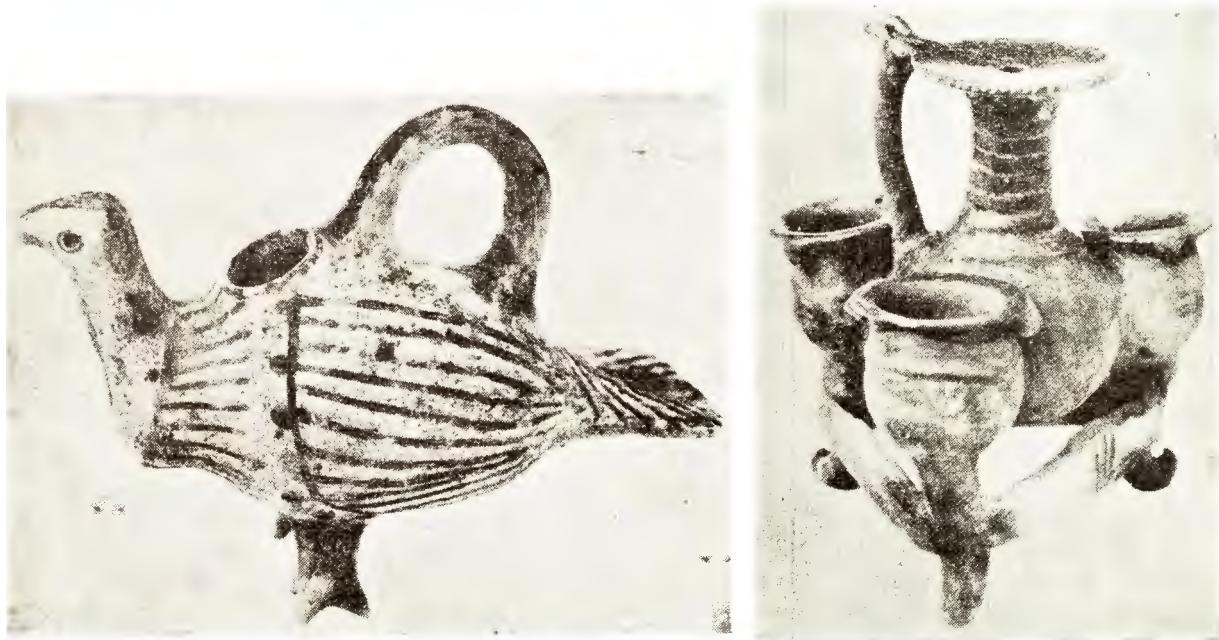


ب

تپه سیلک



الف



ج

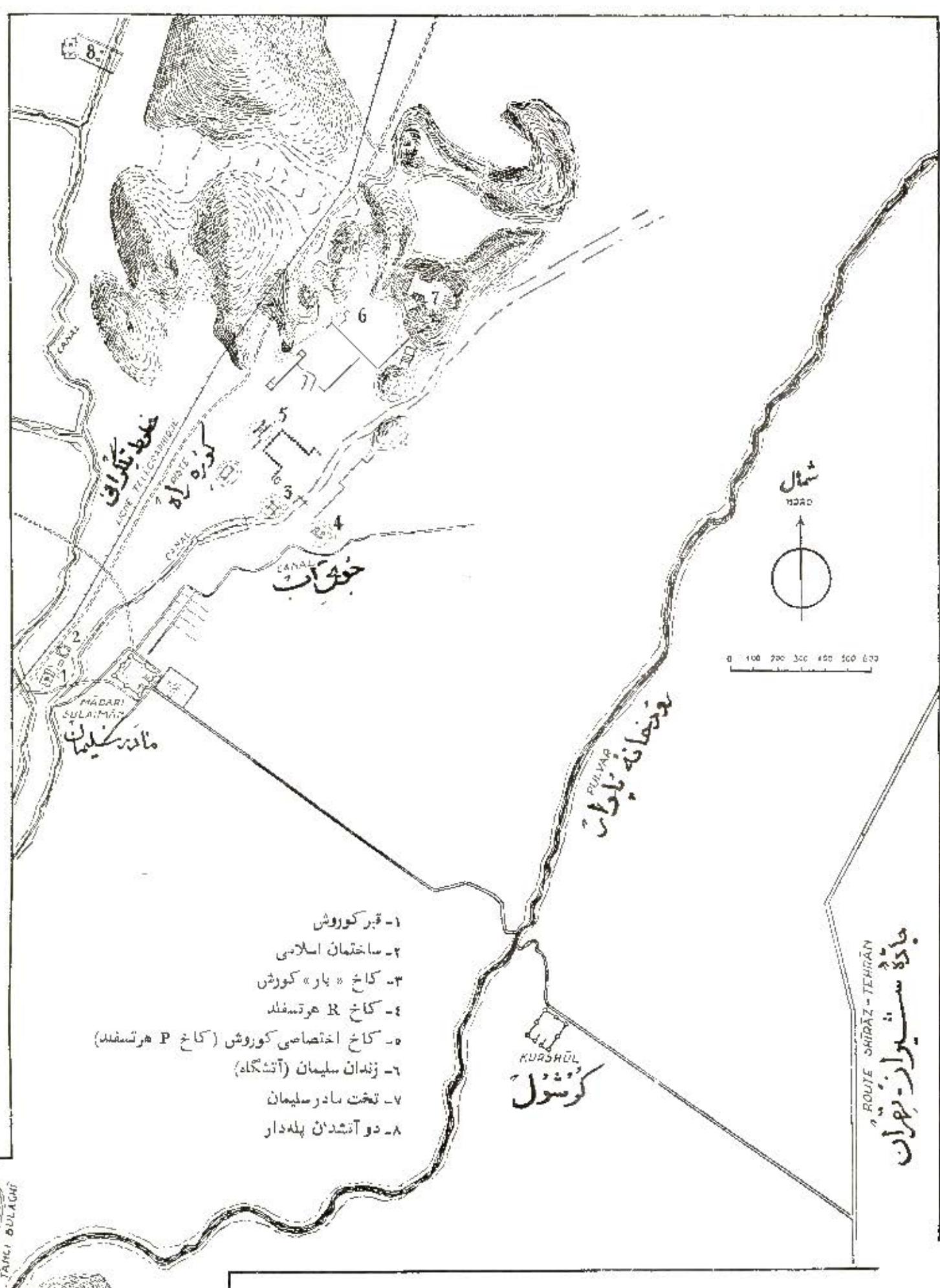
ب

جاده سپاهزاده - تهران

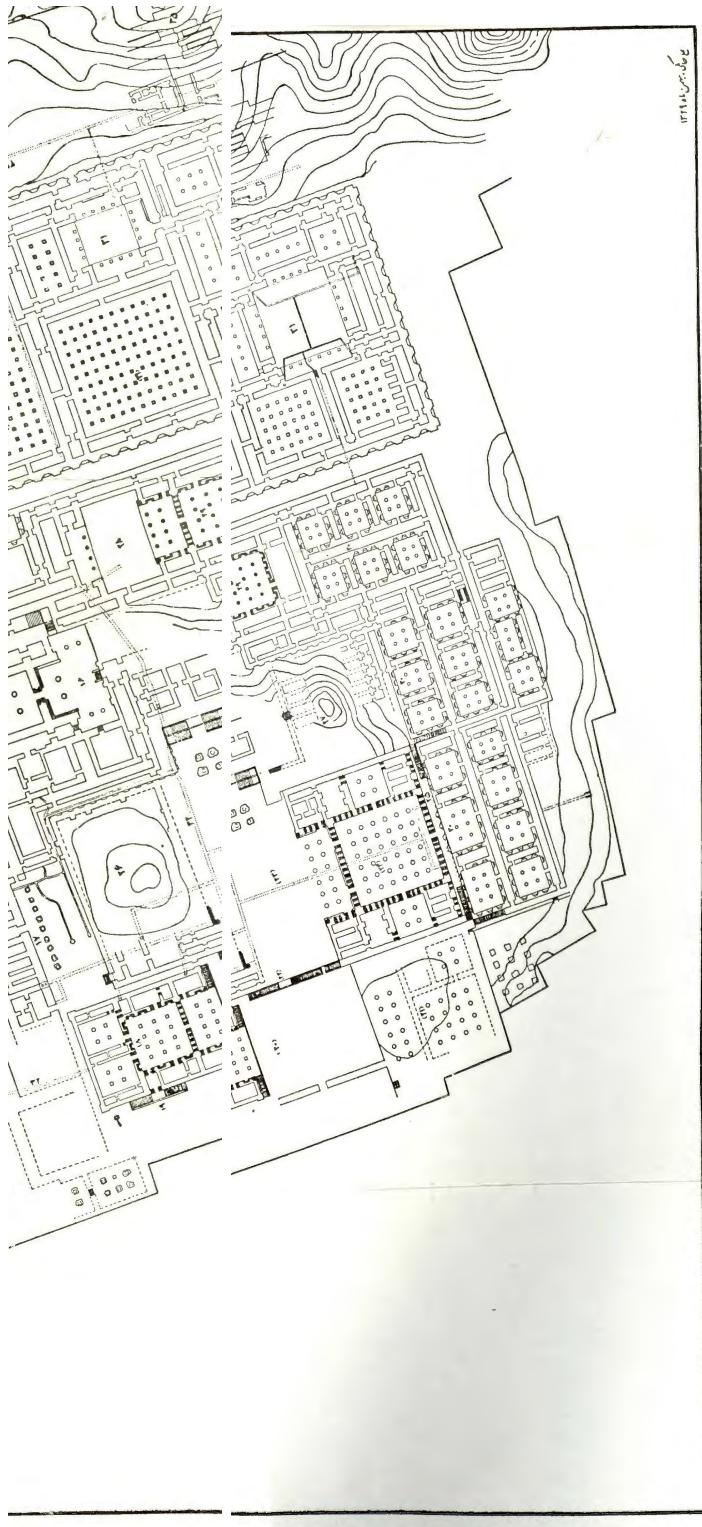
ROUTE SHIRAZ - TEHRAN

0 100 200 300 400 500 600 700

شمال
NORTH

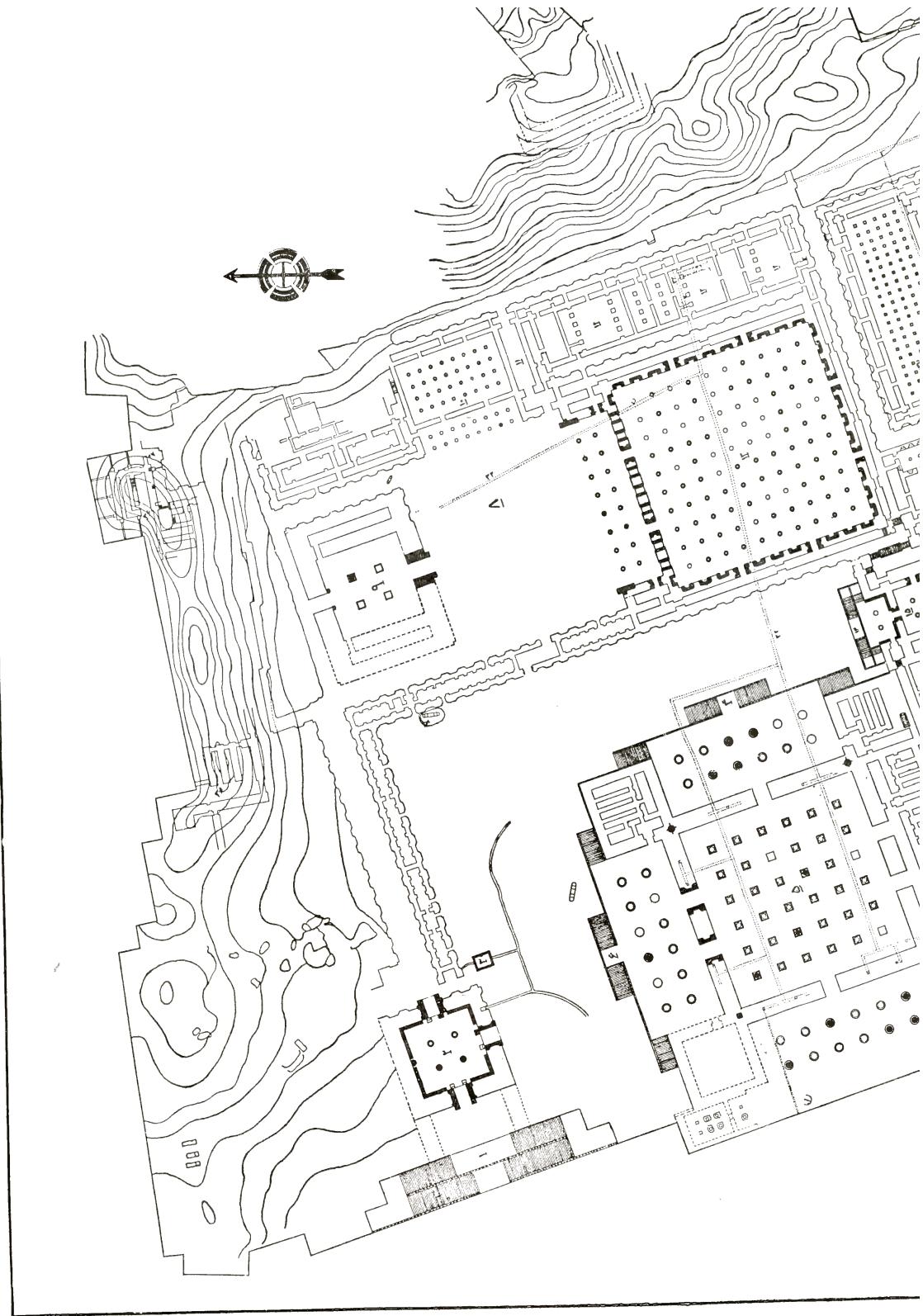


۱- طرح بازار گاد



- ۲۶— پله هایکی ناشناخته (کاخ در معرض شمیدن)
 ۲۷— پله هایکی ناشناخته (کاخ D در معرض شمیدن)
 ۲۸— حاط حرم
 ۲۹— تالار اصلی حرم (ارزوز بصورت مؤذت قشیده)
 ۳۰— امانت های حرم
 ۳۱— خزانه داری داروشن اول
 ۳۲— فاطل آبها
 ۳۳— چاه آب
 ۳۴— آراکنه ادشیر سرمه
 ۳۵— برج کوهانی
 ۳۶— آثار ساختمانی آمپری
 ۳۷— قسمی از دوره پادگان نفت مجشید (آن رومه های اسلامی پهادا شده)

۱- طرح نقشه جمشید از جلد دوم کارش های باستان شناسی ایوان ۱۹۵۱



میراث جهانی

- ۱— پلکان
- ۲— دروازه خشایا شاهی اول
- ۳— پوش بیک تخته
- ۴— پلکان شرقی «آیا دانا»
- ۵— تالار اصلی «آیا دانا»
- ۶— پلکان شمالی «آیا دانا»
- ۷— سروستون
- ۸— هیاط تالار سه سنتون
- ۹— دروازه ناتمام مقابله تالار سه سنتون
- ۱۰— تالار سه سنتون
- ۱۱— چاهکه گردنه ها
- ۱۲— اسطبل های شاهی
- ۱۳— تالار اصلی کاخ سه سنتون
- ۱۴— پلکان شمالی کاخ سه سنتون
- ۱۵— تالار سه سنتون «سد دروازه»
- ۱۶— هیاط «سد دروازه»
- ۱۷— آبدرازه «آیا دانا» (تالار آینه)
- ۱۸— کاخ تحریری دارووش اول (تالار آینه)
- ۱۹— پلکان غربی کاخ «تخری»
- ۲۰— هیاط سه سنتون
- ۲۱— کاخ ناتمام از پر موم
- ۲۲— پلکان غربی کاخ «هدبین»
- ۲۳— هیاط «هدبین»
- ۲۴— تالار اصلی «هدبین»
- ۲۵— سکری «هدبین»

| غارهای پیش از تاریخ | بین النهرین | پالئولیتیک قدیم |
|---------------------|-----------------------------|-----------------------------------|
| غار هوتو | | |
| تمتمه خوئیک | بردا بلکا | پالئولیتیک میانه |
| بیستون | زرزی بلغورا | پالئولیتیک جدید |
| غار هوتو | | |
| غار کمریند | کریم شهر | مزولیتیک |
| غار کمریند | جاوسو | دوران سنگ قدیم (دوران پیش ازفلال) |
| تنگ پیده | | |
| گردعلی آقا | دوران سنگ جدید (دوران سفال) | دوران سنگ جدید (دوران سفال) |
| حسونه | | |
| سامره | تل حلف | کالکولیتیک قدیم |
| B-2 | | |
| تل بکون | پیه جری ب | |
| تل بکون | پیه مشگی | کالکولیتیک میانه العید |
| تل بکون | پیه جعفرآباد | |
| A-4 | موسیان | |
| تل بکون | پیه جعفرآباد | |
| A-4 | سترنیم تا ۲۰ متر | کالکولیتیک جدید اورولک |
| تل بکون ۵ | پیه کفتری | چمدت نصر |
| تل قلعه | چینه برزخ | سلسله های کهن |
| تل شقا | برخورد دوچینه | دوران برنز قدیم |
| تیموران الف | I | ا کد |
| تیموران ب | شوش | سویر جدید |
| جلاباد | | ایسین-لرسا بابل قدیم |
| | | دوران برنز میانه |
| | | دوران برنز جدید |
| | | دوران کاسی |
| | | آشور |
| | | دوران آهن |
| | | |

PUBLICATIONS
DE L'UNIVERSITÉ
DE TEHRAN

No. 1069



1969

Imprimerie de l'Université de Tehran

Publications de
l'Université de Tehran
No. 1069

Collection d'Archéologie
Iranienne
No. 2

ARCHÉOLOGIE

de

L'IRAN ANCIEN

par

Louis Vandenberghé

Traduit en persan

par

Issa Behnam

Tehran - 1969

ARCHEOLOGIE

de

L'IRAN ANCIEN